اطلاعات

شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۸ – ۱۹ رجب ۱۴۴۱ – ۱۴ مارس ۲۰۲۰ – سال نودوچهارم – شماره ۲۷۵۲۲ – ۱۶ صفحه **به همراه ۶۸ صفحه نوروزنامه** – تک شماره استثنائاً **۵۰۰۰** تومان

درخواست وام ۵ میلیارد دلاری ایران از صندوق بین‌المللی پول برای مبارزه با کرونا

* رئیس کل بانک مرکزی: واکنش جامعه جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌تواند معیار خوبی برای ارزیابی ادعاهای آنها در کمک به کنترل کرونا و کاهش آلام مردم آسیب دیده باشد

صفحه ۴

حملات هوایی تروریستی آمریکا به مواضع مقاومت عراق

* در حمله جنگنده‌های آمریکا به مواضع الحشدالشعبی در استان‌های صلاح‌الدین، بابل بصره و کربلا ۳ تن شهید و ۷ تن زخمی شدند
* عراق در واکنش به این تجاوز، سفرای آمریکا و انگلیس را احضار کرد

صفحه ۱۶

با فرمان رهبر معظم انقلاب به رئیس ستاد کل نیروهای مسلح انجام شد

تشکیل قرارگاه بهداشتی و درمانی برای سازماندهی خدمات به مردم

* فرمانده کل قوا: لازم است سازماندهی این خدمات به شکل یک قرارگاه بهداشتی و درمانی بوده و علاوه بر درمان و ایجاد مراکز درمانی مانند بیمارستان صحرایی و نقاهتگاه و غیره، به پیشگیری از شیوع بیشتر بیماری با شیوه‌های لازم نیز بپردازد
* تقسیم وظائف و مأموریتهای سازمانها و بخشهای نیروهای مسلّح از وظائف این قرارگاه است. این قرارگاه باید در هماهنگی کامل با دولت و وزارت بهداشت و درمان عمل کند
* این اقدام با توجه به قرائنی که احتمال «حمله‌ی بیولوژیکی» بودن این رویداد را مطرح کرده می‌تواند جنبه‌ی رزمایش دفاع بیولوژیک نیز داشته و بر اقتدار و توان ملّی بیفزاید
* رئیس ستادکل نیروهای مسلح: روال خلوت کردن فروشگاه‌ها و خیابان‌ها و جاده‌ها با تصمیم ملی سازماندهی خواهد شد
* سرلشکر باقری: ظرف یک هفته تا ۱۰ روز آینده کل ملت ایران یک بار از طریق فضای مجازی، تماس تلفنی و در صورت ضرورت با مراجعه حضوری مورد رصد قرار خواهند گرفت و افراد مشکوک به بیماری کاملاً مشخص می‌شوند

صفحه ۲

ضدعفونی گسترده مناطق شهری مشهد برای مقابله با کرونا / عکس از: رسول کارگر – مهر

اختصاص ۳ بسته حمایتی برای اقشار کم درآمد و صاحبان مشاغل آسیب دیده

* براساس دستور رئیس جمهوری به سازمان برنامه و بودجه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نخستین بسته حمایتی تا پیش از پایان اسفند در اختیار افراد مشمول قرار می‌گیرد
* ۲ بسته حمایتی دیگر در ابتدای سال آینده، در اختیار مشمولان این طرح قرار خواهد گرفت
* رئیس جمهوری در تماس با استانداران البرز، اصفهان، مرکزی و خراسان رضوی، دستورات لازم را برای تأمین نیازهای ضروری این استانها برای مقابله با بیماری کرونا، به وزارتخانه‌های مرتبط صادر کرد
* استانداران از ظرفیت نیروهای مسلح کشور در حوزه تأمین کادر درمانی و فضاهای درمانی مورد نیاز برای تسریع در روند مقابله و ریشه کنی بیماری کرونا بهره گیرند
* دکتر زالی فرمانده ستاد مقابله با کرونا در تهران: ادامه وضع فعلی، کنترل کرونا را سخت خواهد کرد
* جهانپور سخنگوی وزارت بهداشت: تاکنون ۱۱ هزار و ۳۶۴ نفر به کرونا مبتلا شده و ۵۱۴ نفر هم جان باخته‌اند
* دکتر صالحی وزیر ارشاد: سفر در بهار ۹۹ به فاجعه ملی منجر خواهد شد
* دکتر نمکی وزیر بهداشت: خوشبختانه موج ورود شیوع کرونا در گیلان و قم و دیگر نقاط به نسبت خروج منفی شده است

صفحه ۲

درخواست ظریف از سازمان ملل برای پایان تحریم‌های ضدایرانی آمریکا

* وزیر امور خارجه با ارسال نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد پایان تحریم‌های دولت ایالات متحده ـ راکه مانع عمده‌ای برای مبارزه با شیوع کرونا در کشورمان است ـ خواستار شد
* دبیرکل سازمان ملل متحد از آمادگی این سازمان برای ارائه کمک به ایران در مقابله با انتشار کرونا خبر داد

صفحه ۲

نوروزنامه ۱۳۹۹
شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۸ ـ ۱۹ رجب ۱۴۴۱ ـ ۱۴ مارس ۲۰۲۰

«نوروزنامه ۹۹» ضمیمه روزنامه امروز

درگذشت ۲ استاد پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی تهران

* دکتر موسی زرگر دومین وزیر بهداشت جمهوری اسلامی ایران و دکتر اسماعیل یزدی استاد دندانپزشکی دانشگاه تهران به دیار باقی شتافتند

صفحه ۳

یادداشت

فقه بیماریهای واگیر

دکتر سید مصطفی محقق داماد

صفحه ۲

یادداشت

کرونا؛ آزمونی برای ما و جهان

دکتر رضا داوری اردکانی

صفحه ۳

معارف

علم‌زدگی و غرب‌زدگی

دکتر کریم مجتهدی

صفحه ۶

اقتصادی

شاخص های تعاون برای تقویت اقتصاد ملی

صفحه ۷

یادداشت سردبیر

مراقبت

علیرضا خانی

در علوم اجتماعی در مفهوم «اتمیک» و «آنومیک» از هم متمایز می‌شوند.

مفهوم جامعه اتمیک یا جامعه ذره‌ای، ارائه دهنده شرایطی است که فردگرایی، خصلت‌های فردی و مهم‌تر از آن منافع فردی ارجحیت می‌یابد.

برخی جامعه‌شناسان غربی مفهوم فرد را مقدم بر جامعه می‌دانند و برای همین منافع فردی را نیز مقدم بر منافع جمعی می‌دانند. فردگرایی از جمله ویژگی‌های عصر صنعتی و فراصنعتی است. کوچکتر شدن واحدهای اجتماعی، ظهور ابزارهای اجتماعی الکترونیک و جایگزینی آن با ارتباط انسانی فردی (چهره به چهره) و منافع گرایی و مرزبندی‌های هویتی، افراد را به سوی فردیت سوق می‌دهد.

جامعه ما نیز از این موج فردگرایی بی‌نصیب نمانده است و این روندی است که به نظر می‌رسد به طور فزاینده در حال پیشرفت است. نسل پیش‌تر، مرتباً از قطع ارتباط نسل امروز و روی آوردن به اینترنت به جای ارتباطات انسانی گلایه‌مند است.

اما جامعه آنومیک را جامعه بی‌هنجار تعریف می‌کنند. آنومی در لغت به معنای بی‌هنجاری یا بی‌قانونی است. حالتی است که در آن قوانین اجتماعی برای افراد الزام‌آور تلقی نمی‌شود و پیروی از آنها برای افراد مطلوبیت ندارد. به بیان دیگر، آنومی حالتی است که در آن نیروهای محدود کننده اجتماعی (اعم از قانون، عرف و شرع) قادر نیست برخواست‌ها و امیال بشر لگام بزند و «فزون طلبی» همه حد و مرزها را می‌شکنند. از دیدگاه دیگر، آنومی وقتی بوجود می‌آید که افراد قادر نیستند به اهداف و امیال خود با روش‌های قانونی و بهنجار دست یابند، آنگاه هنجارها را به رسمیت نمی‌شناسند و پا از مرز قوانین اجتماعی و عرفی فراتر می‌نهند و نهایتاً همبستگی اجتماعی به نوعی فروپاشی دچار می‌شود.

امیل دورکیم پیامد شرایط آنومیک در جامعه را سست شدن همبستگی اجتماعی و پیوندهای گروهی می‌داند که به بحران اجتماعی می‌انجامد و پیوندهای گروهی فرد تضعیف یا متلاشی می‌شود.

نیک که بنگریم، ویژگی‌های فوق یعنی ذره‌ای شدن و آنومیک شدن، در جامعه امروز ایران مشهود است. همبستگی و اعتماد اجتماعی به عنوان دو سرمایه اجتماعی فوق‌العاده ارزشمند، در جامعه ایران تضعیف شده است. مردم به دولت کم اعتماد شده‌اند و منافع فردی بر منافع جمعی اولویت یافته است. این پدیده نیازی به شرح بیشتر ندارد و هرکسی به فراخور در سالهای اخیر با مشاهده میدانی جامعه این رخدادها را دریافته و احساس کرده است. گسترش فساد و اختلاس یک مثال واضح عینی برای اولویت گرفتن منافع فردی بر جمعی و منفعت‌گرایی جامعه ذره‌ای و فردگراست.

در میان این میدان، یعنی جامعه ذره‌ای شده و ارجحیت منافع فردی بر جمعی، فردگرایی و بی‌هنجاری، ناگهان ویروسی مهیب و ویرانگر وارد جامعه می‌شود. این ویروس دقیقاً به مثابه یک شوک عمل می‌کند. جامعه احساس می‌کند به همدیگر پیوسته است و حفظ منافع فردی (اینجا سلامت و حیات) هرکس، در گرو حفظ منافع جمعی یعنی سلامت و حیات دیگران است.

هنجارها یکی‌یکی به جامعه باز می‌گردند، احساس اجتماعی بودن، احساس همدردی، همدلی، همراهی و همبستگی اجتماعی.

این رخداد حتی در نمادهای ساده انسجام و همدلی نیز بوضوح آشکار می‌شود. افرادی که دیگر نباید با یکدیگر دست بدهند و معانقه کنند، قدر یکدیگر و همبستگی و همدلی را در می‌یابند، کسانی شبانه‌روز در بیمارستان‌ها خود را وقف سلامت و حیات دیگران می‌کنند، کسانی از اموال خود صرف نذر و خیرات اقلام بهداشتی برای عموم جامعه می‌کنند، اعضای خانواده‌هایی که از هم دور افتاده‌اند، هر روز سراغ سلامتی همدیگر را می‌گیرند، آدم‌ها نگران یکدیگر می‌شوند، کسانی که دغدغه‌شان صرفاً مال‌اندوزی بود در می‌یابند که ارزش‌های بالاتری نیز وجود دارند، آدم‌ها قدر یکدیگر را بیشتر می‌دانند و احساس وابستگی به همدیگر تقویت می‌شود.

این‌ها، از منظر جامعه‌شناختی، اتفاقات بسیار بزرگ و فوق‌العاده تأثیرگذاری است که می‌تواند حتی جهت حرکت جامعه را عوض کند. جامعه‌ای که تا چند هفته پیش ذره‌ای و فردی بود و آدم‌هایش به فکر خود بودند و کمتر نگران دیگران، اینک جامعه پیوسته‌ای است که والدین و فرزندان و خویشاوندان به یاد و غمخوار یکدیگرند و هر لحظه در شبکه‌های اجتماعی، پیام‌های بهداشتی و مراقبت فردی و مواظبت از سلامت تکثیر و دست به دست می‌شود، در برابر قربانیان بیماری، آدم‌ها با هم همدردی می‌کنند و... خلاصه اینکه انسجام اجتماعی که سرمایه تضعیف شده‌ای بود، دوباره قوت و غنا یافته است.

بقیه در صفحه ۲

یادداشت

فقه بیماری‌های واگیر

دکتر سید مصطفی محقق داماد

فقه اسلامی حاوی قواعدی است که بر اساس آن قواعد کلی، فقیهان حکم مصادیق و فروعات را استخراج می‌کنند. در میان این قواعد کلیه قواعدی که بیانگر احکام ضمانات است، نه تنها برگرفته از منابع نقلی است، بسیاری از آنها مستندبه احکام مسلّمه عقلیه است. مبحث ضمانات قهریه فقه اسلامی انصافا عقلایی و بسیار پیشرفته و عمیق است. این احکام در مجموع حاوی یک پیام کلی انسانی است و آن عبارت است از حرمت نهادن به حیات آدمی اعم از خود و دیگران و نیز احترام به کرامت و آسایش دیگران. «دیگری شناسی» در این قواعد بسیار جالب است، جان دیگری، آسایش دیگری، آبروی دیگری، حیثیت و شرف دیگری و بالاخره مال دیگری همه محترم و هر کس باید نهایت احتیاط در رعایت آنها را بنماید و در فرض اضرار و ورود خسارت مادی و معنوی موجب ضمان و مسئولیت مدنی می‌شود و شخصی که عامل زیان شده مکلف به جبران و جلب رضایت خسارت دیده است.

اینجانب نه در مقام صدور فتوا بلکه در مقام کسی که عمر خود را در فراگیری این مباحث صرف کرده با استناد به همان قواعد در زیر احکامی را می‌آورم که شاید خوانندگان ارجمند را در این ایام قبول افتد و در نظر آید:

۱-دفع ضرر از خود عقلا و شرعا واجب است، خواه ضرر یقینی و خواه به نحو عقلایی احتمالی باشد.

۲-اضرار به غیر مطلقا حرام است و موجب ضمان و مسئولیت مدنی است.

۳-چنانچه شخصی بداند یا شخصا یا از طریق اخطار کارشناسان مربوط احتمال عقلایی بدهد که حضور یا شرکت در جلسه ای یا ملاقات با فرد یا افرادی موجب اضرار به آنها می‌شود، شرعا واجب است که مطلقا اجتناب کند و در صورت تخلف چنانچه ثابت شود که تماس او موجب اضرار شده و بیماری وی سرایت به دیگران کرده، در فرض اقدام عمدی موجب مسئولیت کیفری و ضامن کلیه خسارات وارده به زیان دیده خواهد بود و در صورت غیر عمد ضامن کلیه خسارات وارده و اگر موجب فوت شده ضمان دیه برعهده اوست و اگر خودش نیز فوت کند، ضمانت شرعی به عهده او باقی است و متعلق به ترکه او می‌شود و وارثان متوفی بایستی از محل ترکه وی خسارات را ادا نمایند تا ذمه متوفی بری گردد.

۴-با توجه به اینکه حسب نظر متخصصین ویروس کرونا مدت ها در بدن به طور مخفی قرار دارد، چنانچه ثابت شود که فردی در زمان خفاء بیماری موجب انتقال به دیگری شده ، هر چند به علت جهل بی گناه است ولی ضمان و مسئولیت خسارات وارده را بر ذمه دارد و بایستی از عهده خسارات وارده برآید.

۵-دراین ایام مراقبت از والدین سالخورده، وظیفه ای سنگین تر از سایر اوقات است. سالخوردگان حسب نظر کارشناسان پزشکی با خطر جدی تر مواجهند. پیشگیری و مراقبت آنان در درجه نخستین به عهده فرزندان است. آنان با رعایت تمامی ملاحظات بهداشتی و گرفتن دستورات لازم از متخصصین واجب است که نهایت مراقبت را از آنان به عمل آورند. آنان ممکن است به علت کهولت سن احتیاطات را جدی نگیرند، بر فرزندان واجب شرعی است که با گفتگوهای مهربانانه و رعایت کمال ادب و احترام آنان را به رعایت دستورات بهداشتی وادار سازند و در شرایط خاص ناتوانی آنان، دستورالعمل های لازم را از مشاورین پزشکی برای برخورد با آنان اتخاذ نمایند. این متن قرآن مجید است که فرموده است:

وَ قَضی رَبُّکَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِیَّاهُ وَ بِالْوَالِدَیْنِ إِحْسَـنًا إِمَّا یَبْلُغَنَّ عِندَکَ الْکِبرَ أَحَدُهُمَا أَوْ کِلاهُمَا فَلا تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُل لَّهُمَا قَوْلاً کَرِیمًا (۲۳اسراء)

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیَانِی صَغِیرًا (۲۴)

و پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر رفتار نیکو کنید؛ اگر هر یک از آن دو یا هر دو، نزد تو به پیری رسند به آنان اف مگو و بر آنها بانگ مزن و با ایشان سخن به نکویی بگوی!

و از سر مهر برای آنان به خاکساری افتادگی کن و بگو پروردگارا! بر آنان بخشایش آور چنان که آنها مرا در کودکی پروردند .

۶-درخصوص کودکان نیز چنین وظیفه ای برای مراقبین وجود دارد. مراقبین و سرپرستان باید کودکان را از کارهائی که ممکن است موجب انتقال بیماری به دیگران بشود، محافظت کنند که در صورت کوتاهی و ورود خسارت به دیگران ضمان و مسئولیت آن به عهده اولیاء آنان است.

۷-انجام مسافرت چنانچه با احتمال عقلایی تحمل بیماری یا نقل و شیوع بیماری مواجه باشد، حرام است و احکام سفر حرام بر آن مترتب می‌گردد. البته در فرض اضطرار قطعی اگر هم جایز است، ولی ضمان و مسئولیت خسارات اضرار به دیگران در جای خود باقی است.

۸-انجام اعمال مستحبی نظیر حضور در مجامع چنانچه به نظر کارشناسان بهداشتی با احتمال عقلائی سرایت بیماری مواجه باشد، نه تنها از استحباب برخوردار نیست، بلکه با حرمت جدی و اکید روبرو خواهد بود. بنابراین به رغم استحباب موکد و فضیلت نماز جماعت و عبادت در مشاهد مشرفه هر گاه حسب نظر کارشناسان بهداشت احتمال عقلائی باشد که حضور دراین اماکن مقدس سبب ضرر به خود یااضرار به دیگران می‌شود نه تنها مستحب نیست بلکه دربرخی فروض عبادت مورد نهی شارع قرار می‌گیرد و بنابر نظر بسیاری از فقیهان بزرگ باطل و اعاده یا قضای آن واجب می‌شود.

۹-دیدار ارحام، دوستان و آشنایان البته در شرایط عادی امری مستحب موکد و با فضیلت است ولی به یقین در شرایط فعلی که احتمال انتقال بیماری جدی و عقلایی است، نه تنها از رجحان برخوردار نیست، بلکه حرام و خلاف شرع است و در صورت ثبوت انتقال موجب ضمان خواهد بود.

۱۰-«احتکار» یعنی انبار کردن مطلق مواد مورد نیاز مردم به قصد سودجویی بیشتر، همیشه عملی زشت و حرام است ولی در شرایطی مانند وضعیت حاضر کشورمان احتکار وسایل مورد نیاز کادر پزشکی و بیماران گناهی بزرگتر است و چنانچه به علت عدم عرضه یکی از کالاهای مورد نیاز، خساراتی متوجه شخص یا اشخاص گردد، ضمانت شرعی برعهده شخص محتکر است.

۱۱-گران فروشی کالاها و سودجوئی غیر منصفانه در مواد مورد نیاز مردم همیشه عملی زشت و کریه و غیر انسانی است و خداوند هرگز به این گونه سوداگری ها برکت عطا نخواهد فرمود. ولی در مورد مواد مورد لزوم کادر پزشکی و بیماران در شرایط کنونی که گرانی باعث عدم توان تهیه برای نیازمندان گردد، زشت تر و کریه تر و غیر انسانی تر است و وجدان ملی را جریحه دار می‌سازد و چنانچه موجب گردد که به علت عدم توانایی نیازمندان، خسارتی بر آنان وارد آید موجب ضمان است.

۱۲- در این ایام افرادی که مسئولیت های پزشکی به عهده آنان است یا برای تمشیت امور متصدی کارهای اداری هستند، انجام وظیفه امری واجب و کوتاهی عمدی حرام و در فرض ورود خسارت به شهروندان موجب ضمان است. البته حمایت از خدمتکاران به بیماران کرونایی به ویژه در اختیار قرار دادن ابزار و خدماتی که به حفظ سلامت و جان آنان مربوط می‌شود هم به خودی خود و هم از باب مقدمه واجب، لازم است.

۱۳- در این ایام که عده ای به علت مشکلات شغلی بدهکار می‌شوند و در ادای بدهی دچار دشواری و به اصطلاح فقهی «مُعسر» هستند، مهلت دادن واجب شرعی است و مطالبه و پافشاری طلبکاران مادام که بدهکاران در شریط ناتوانی هستند، حرام و گناه کبیره است. قرآن مجید فرموده است:

وَ إِنْ کَانَ ذُو عُسْـرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلی مَیْسَـرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره/۲۸۰)

و اگر (بدهکار) تنگدست بود پس (بر شماست) مهلت دادن او تا وقت توانایی و صدقه دادن شما (گذشت از اصل بدهی) برای شما بهتر است اگر بدانید.

۱۴- زندانیان که محکوم به تحمل زندان در مقابل جرایم ارتکابی خود هستند و در حال تحمل به سر می‌برند، چنانچه با احتمال عقلایی ابتلا به بیماریهای خطرناک مواجه شوند، متصدیان امور باید برای مراقبت و حفظ جان و سلامت آنان نهایت سعی خود را بکار گیرند. متهم و محکوم از نظر حقوق اسلامی از کرامت و حقوق انسانی برخوردار است و هرگز نباید به بیش از کیفر خود، معاقب گردد.

۱۵-شفا از ناحیه خداوند است ولی شفای الهی از طریق داروهای پزشکان و عمل به دستورات آنان صورت می‌گیرد. تخلف از دستورات پزشکان معتبر در امور پزشکی همچون تخلف از دستور مراجع معتبر تقلید در امور دینی است.

۱۶-و بالاخره به درگاه خداوند بی نیاز دست نیاز برداریم و دعای مأثور و منقول به سند معتبر از امام صادق (ع) را سه بار صبح و شام بخوانیم:

اللّهم اجعلنی فی درعِکَ الحَصینةِ الّتی تَجعل فیها مَن تُرید. (خداوندا! مرا در پوششی که از هربلاَ وَ آفتی حفظ می‌کند و هر کس را بخواهی در آن قرار می‌دهی، قرار ده» (کافی /ج۲ص۵۳۴)

والسلام

با فرمان رهبر معظم انقلاب به رئیس ستاد کل نیروهای مسلح انجام شد

تشکیل قرارگاه بهداشتی و درمانی برای سازماندهی خدمات به مردم

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده معظم کل قوا با صدور فرمانی به سردار سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تقدیر از خدمات نیروهای مسلّح به مردم در زمینه مقابله با ویروس کرونا، بر لزوم سازماندهی این خدمات در قالب یک «قرارگاه بهداشتی و درمانی» برای پیشگیری از شیوع بیشتر این بیماری تأکید و خاطرنشان کردند: این اقدام با توجه به قرائنی که احتمال «حمله بیولوژیکی» بودن این رویداد را مطرح کرده می‌تواند جنبه رزمایش دفاع بیولوژیک نیز داشته و بر اقتدار و توان ملّی بیفزاید.

متن فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسمه‌تعالی

سردار سرلشکر باقری

با تقدیر از خدماتی که نیروهای مسلّح تاکنون در زمینه‌ی کرونا به مردم عزیز تقدیم کرده‌اند و با تاکید بر ادامه و گسترش هرچه بیشتر آن، لازم است سازماندهی این خدمات به شکل یک قرارگاه بهداشتی و درمانی بوده و علاوه بر درمان و ایجاد مراکز درمانی مانند بیمارستان صحرایی و نقاهتگاه و غیره، به پیشگیری از شیوع بیشتر بیماری با شیوه‌های لازم نیز بپردازد. تقسیم وظائف و مأموریتهای سازمانها و بخشهای نیروهای مسلّح از وظائف این قرارگاه است. این قرارگاه باید در هماهنگی کامل با دولت و وزارت بهداشت و درمان عمل کند.

این اقدام با توجه به قرائنی که احتمال «حمله‌ی بیولوژیکی» بودن این رویداد را مطرح کرده می‌تواند جنبه‌ی رزمایش دفاع بیولوژیک نیز داشته و بر اقتدار و توان ملی بیفزاید. امید است با هدایت الهی و پشتیبانی ویژه‌ی حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه ملت ایران همواره پیروز و برخوردار از امنیت و سلامت باشند.

سیّدعلی خامنه‌ای /۲۲اسفند ۱۳۹۸

نخستین جلسه قرارگاه بهداشتی درمانی نیروهای مسلح

به گزارش ایسنا، درپی دستور فرمانده کل قوا به رئیس ستادکل نیروهای مسلح مبنی بر تشکیل قرارگاه بهداشتی در این ستاد برای مبارزه با ویروس کرونا، نخستین جلسه قرارگاه بهداشتی و درمانی امام رضا (ع) نیروهای مسلح (پیشگیری و مقابله با ویروس کرونا) به ریاست سرلشکر پاسدار محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح برگزار شد.

در این جلسه که با حضور جمعی از فرماندهان عالی رتبه نیروهای مسلح از جمله سرلشکر سید عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش، سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه، سردار حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی، سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل، سردار علی عبداللهی معاون هماهنگ کننده ستادکل نیروهای مسلح وسردار غلامرضا محرابی معاون اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح برگزار شد، جزئیات تشکیل این قرارگاه و ساختار آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

سرلشکر باقری: روند خلوت کردن شهرها سازماندهی می‌شود

رئیس ستادکل نیروهای مسلح هم عصر دیروز اعلام کرد: روال خلوت کردن فروشگاه‌ها و خیابان‌ها و جاده‌ها با تصمیم ملی که اتخاذ می‌شود در ۲۴ساعت آینده سازماندهی خواهد شد.

سرلشکر محمد باقری افزود: رصد ملی و یافتن افراد مشکوک و افرادی که احتمال بیماری در آنها وجود دارد مهم است. ظرف یک هفته تا ۱۰روز آینده کل ملت ایران یک بار از طریق فضای مجازی، تماس تلفنی و در صورت ضرورت با مراجعه حضوری مورد رصد قرار خواهند گرفت و افراد مشکوک به بیماری کاملا مشخص می‌شوند.

وی خاطر نشان کرد: کسانی که مشکوک نیستند با رعایت موازین بهداشتی و پروتکل هایی که وزارت بهداشت داده است به منزلشان برمی گردند، سلامتی شان حفظ می شود و موارد مشکوک باید در مراکز مقدماتی مورد معاینه و رسیدگی اولیه قرار بگیرند؛ در این حوزه با هزار درمانگاه ثابت و سیار نیروهای مسلح در سراسر کشور به کمک بیاییم تا رصد و معاینه بالینی صورت بگیرد و مواردی که نیازمند دارو یا واگذاری ماسک و امکانات محافظتی هستند، این موارد را در اختیارشان قرار دهیم و مواردی هم که نیاز است، به سمت بیمارستان‌ها هدایت شوند.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح با اشاره به دیگر تصمیمات قرارگاه بهداشتی و درمانی امام رضا(ع)، گفت: از جمله تصمیمات دیگر این بود که کمیته انتظامی و امنیتی ما به همراه وزارت کشور و استانداران روال خلوت کردن فروشگاه‌ها و خیابان‌ها و جاده‌ها را که با تصمیم ملی اتخاذ می‌شود، انجام دهند که این کار هم در ۲۴ساعت آینده سازماندهی خواهد شد.

سرلشکر باقری تاکید کرد: از ملت عزیز خواهش می کنم که به توصیه‌ها و درخواست‌های وزارت بهداشت عمل کنند و با ماندن در منزل و تحرک کمتر زنجیره انتقال بیماری را قطع کنیم؛ اگر این زنجیره ادامه پیدا کند، طبعتا کنترل بیماری طولانی تر خواهد شد و امور ملی به مشکل می‌خورد.

وی با تاکید بر اینکه به سرعت مشکل تجهیزات محافظتی مردمی را برطرف خواهیم کرد، گفت: در بخش لجستیک و تامین ماسک تخصصی N۹۵که برای کادر بیمارستانی مورد نیاز هست و همچنین لباس مخصوص آنها، وزارت دفاع خط تولید بسیار مفصلی را ایجاد کرده است. در مورد کیت تشخیصی هم این توان وجود دارد که هر مقدار لازم است تولید شود. در زمینه ماسک‌های عمومی هم میزانی را که اعلام کردند از طریق مجموعه وزارت دفاع، سازمان‌های نیروهای مسلح و مجموعه‌های مردمی که از طریق بسیج اصناف و بسیج کشور سازماندهی شده است و با تصمیمی که گرفته ایم توسعه چشمگیر پیدا خواهد کرد.

ساخت خودرو ضدعفونی‌کننده توسط ارتش

رئیس ستادکل نیروهای مسلح در پایان خاطر نشان کرد: در این چند روز، سازماندهی کردیم که بسیجیان، دانشجویان دانشجویان پزشکی و همچنین سربازان متخصص و بازنشستگانی که علاقه‌مند هستند و تخصص دارند بلافاصله د ربخش کادر درمان به کار گرفته شوند و برای کسانی که نیاز به آموزش فشرده دارند نیز این کار انجام شود و در خدمت کادرهای درمانی باشند.

برنامه ارتش برای ضد عفونی کردن معابر سراسر کشور

فرمانده نیروی زمینی ارتش هم گفت: ارتش با تشکیل قرارگاه جهادی مبارزه با ویروس منحوس در تمامی شهرهای کشور ضد عفونی و رفع آلودگی معابر و خیابان‌ها را در دستور کار خود قرار داد.

به گزارش ایسنا، امیر سرتیپ کیومرث حیدری گفت: با توجه به گسترش ویروس منحوس کرونا، مهندسین توانمند صنایع شهید زرهرن توانسته‌اند سه دستگاه خودرو جدید ضدعفونی کننده با قابلیت‌های مطلوب رفع آلودگی طراحی و تولید کنند که این تجهیزات در روزهای آینده معابر و اماکن عمومی شهر را کاملا ضدعفونی خواهند کرد.

وی افزود: پروژه‌های ضدعفونی‌کننده با نام «رازی» در مرکز ساخت، تولید و بهینه سازی شهید زرهرن نیروی زمینی ارتش در کمترین زمان ممکن طراحی و تولید شد. دو دستگاه از این تجهیزات که بر روی خودرو سبک تجهیز شده اند دارای قابلیت پاشش بالغ بر ۲۰ متر و یکی دیگر نیز بر روی خودرو سنگین تجهیز شده دارای ظرفیت ۱۵هزار لیتر و قابلیت پاشش بیش از ۳۰متر است که اماکن و خیابان‌های شهری را ضد عفونی خواهند کرد. فرمانده نیروی زمینی ارتش خاطر نشان کرد: ارتش از اولین روزهای شیوع ویروس کرونا با تشکیل قرارگاه جهادی مبارزه با ویروس منحوس در تمامی شهرهای کشور ضد عفونی و رفع آلودگی معابر و خیابان‌ها را در دستور کار خود قرارداد و همچنین با در اختیار گذاشتن بیمارستانهای «هاجر» و «خانواده» نقش موثری در کنترل و درمان بیماری کرونا داشته است.

وی همچنین افزود: قرارگاه جهادی مبارزه با ویروس کرونا، بیمارستان سیار ۵۰ تختخوابی را در قم دایر کرده است و علاوه بر درمان، مواد ضد عفونی کننده را به صورت رایگان در اختیار مردم شهرک پردیسان می گذارد.

امیر حیدری با اشاره به ضد عفونی کردن معابر و اماکن عمومی شهرها اظهار داشت: در تمامی شهرها موضوع ضد عفونی کردن اماکن توسط قرارگاه جنگ نوین نزاجا انجام می شود .

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت همسر آیت‌الله یزدی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت همسر مکرّمه آیت الله یزدی را تسلیت گفتند. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

آیت الله آقای حاج شیخ محمّد یزدی دامت برکاته

درگذشت همسر مکرّمه را که شریک مجاهدتها و رنجهای جنابعالی در سالیان طولانی بودند به شما و دیگر بازماندگان تسلیت عرض میکنم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحومه مسألت مینمایم.

سیّد علی خامنه‌ای

۲۲اسفند ۱۳۹۸

درخواست ظریف از سازمان ملل برای پایان تحریم‌های ضدایرانی آمریکا

وزیر امور خارجه با ارسال نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد پایان تحریم‌های دولت ایالات متحده ـ را که مانع عمده ای برای مبارزه با شیوع کرونا در کشورمان است ـ خواستار شد.

محمد ظریف با ارسال نامه‌ای به آنتونیو گوترش – که رونوشت آن را برای روسای همه سازمان‌های بین المللی و همتایان خود در سراسر جهان فرستاد – پایان تحریم‌های دولت ایالات متحده — را که مانع عمده ای برای مبارزه با شیوع کرونا در کشورمان است— خواستار شد.

وی در این نامه تاکید کرده است که علی‌رغم توانمندی علمی و تعهد نظام سلامت ایران برای مبارزه با شیوع کروناویروس، تحریم‌های ایالات متحده بر تجارت قانونی و پیش شرط‌های اخیر مقامات ایالات متحده برای ممانعت از فروش دارو، تجهیزات پزشکی و کالاهای بشردوستانه، تلاش‌ها برای مبارزه با شیوع کووید-۱۹در ایران را با موانع جدی مواجه کرده است.

وزیر امور خارجه، تاثیر تحریم‌های ثانویه بر فروش نفت و همچنین دیگر صادرات کشور توسط بخش خصوصی و در نتیجه کاهش توان دولت برای تامین یارانه کالاهای اساسی شهروندان ایرانی و کاهش توان بخش خصوصی برای تولید و اشتغال، چندلایه بودن تحریم‌های بخش‌های مالی، حمل و نقل، بیمه و بانکی برای ممانعت از فروش دارو و تجهیزات پزشکی به ایران، عدم تامین لوازم و نرم‌افزارهای ناوبری مورد استفاده شرکت‌های هواپیمایی ایران با هدف زمینگیر کردن بخش هوایی ایران و اقدامات اخیر شرکت‌های آمریکایی برای مانع تراشی در استفاده از فناوری اطلاعات در جلوگیری از شیوع کووید-۱۹را به عنوان مثال‌هایی از اقدامات آمریکا بر شمرده که تا حدی در بی‌عملی جامعه جهانی در مقابل اقدامات غیرقانونی دولت ایالات متحده ریشه دارد.

وی در پایان، توقف فوری تروریسم اقتصادی دولت ایالات متحده علیه مردم ایران را الزامی دانسته و بر وظیفه سازمان ملل متحد و کشورهای عضو در همراهی با درخواست مردم و دولت ایران در توقف سیاست دولت ایالات متحده تاکید و از دبیرکل درخواست کرده است که متن این نامه به عنوان سند مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر شود.

دبیرکل سازمان ملل متحد هم از آمادگی این سازمان برای ارائه کمک به ایران در مقابله با انتشار کرونا خبر داد .

او گفت که سازمان ملل متحد بر تمایل خود برای ارائه همه توان خود برای کمک به ایران تأکید دارد.

درخواست کمک ایران از صندوق بین‌المللی پول

وزیر امور خارجه همچنین با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در توییتر خواستار کمک صندوق بین المللی پول در باره ویروس کرونا شد.

وی در پیام خود نوشت: رئیس صندوق بین‌المللی پول گفته است که کشورهای متاثر از ویروس کرونا توسط "ابزار سریع مالی" مورد حمایت قرار خواهند گرفت. بانک مرکزی ایران خواهان دسترسی فوری به این تسهیلات است. صندوق بین المللی پول و هیات مدیره آن باید به مسئولیت این نهاد پایبند باشند، در طرف صحیح تاریخ بایستند و مسئولانه عمل کنند.

اختصاص ۳ بسته حمایتی برای اقشار کم درآمد و صاحبان مشاغل آسیب دیده

رئیس جمهوری پس از دریافت گزارش کارگروه مدیریت آثار اقتصادی شیوع ویروس کرونا از اقشار کم درآمد و صاحبان کسب و کارهایی که بر اثر شیوع این بیماری دچار آسیب و لطمه شده اند، دستور داد سه بسته حمایتی در اختیار "اقشار کم برخورداری که کسب و کار آنان در آستانه سال نو، لطمه و خسارت جدی دیده اند"، قرار گیرد.

براساس دستور حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی به سازمان برنامه و بودجه و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نخستین بسته حمایتی تا پیش از پایان اسفندماه در اختیار افراد مشمول قرار می‌گیرد که با کمک بانک اطلاعات ایرانیان شناسایی یا ثبت نام شده اند.

دو بسته حمایتی دیگر هم در ابتدای سال آ ینده، در اختیار مشمولان این طرح قرار خواهد گرفت.

سازمان برنامه و بودجه هم با دستور رئیس جمهوری ، موظف به تامین اعتبار این بسته حمایتی شده است.

همچنین قرار است جلسه آینده کارگروه مدیریت آثار اقتصادی شیوع ویروس کرونا فردا به ریاست روحانی و با حضور وزرای اقتصادی ذیربط و روسای اتاق‌های بازرگانی و اصناف تشکیل شود.

کارگروه مدیریت آثار اقتصادی شیوع ویروس کرونا که به دستور رئیس جمهوری تشکیل شده ، به طور منظم تشکیل جلسه داده است و با بررسی معضلات و آسیب‌های اقتصادی شیوع بیماری کرونا بر اقتصاد کشور، سیاست‌های جبرانی را تدوین می‌کندو در اختیار رئیس جمهوری و ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا قرار می‌دهد.

تماس تلفنی روحانی با ۴استاندار

رئیس جمهوری همچنین در پی تماس با استانداران البرز، اصفهان، مرکزی و خراسان رضوی ، ضمن دریافت گزارش دقیق فعالیت‌هایشان در ارتباط با اجرای دستورالعمل‌های ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا، دستورات لازم را برای تامین نیازهای ضروری این استانها برای مقابله با بیماری کرونا، به وزارتخانه‌های مرتبط صادر کرد.

همچنین مقرر شد تمامی‌محورهای مطروحه در گفتگوی تلفنی رئیس جمهوری با هفت استاندار جمع بندی شود و در اولین نشست ستاد ملی مبارزه با کرونا که به ریاست وی تشکیل می‌شود، مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

رئیس جمهوری با درخواست از استانداران برای تلاش در مسیر به حداقل رساندن صدمات بیماری کرونا بر سلامت، اقتصاد و زندگی مردم، تشویق مردم به ماندن در خانه به عنوان امن ترین مکان برای حفظ سلامت خانواده با هدف قطع زنجیره شیوع ویروس را در این برهه زمانی، گامی ارزشمند خواند و دستورات مقتضی را برای اجرای سریع و دقیق تمهیدات و پروتکل بهداشتی مختص تعطیلات نوروزی ارائه کرد.

رئیس جمهوری با قدردانی مجدد از تلاش خستگی ناپذیر و مسئولانه کادر درمانی کشور به عنوان سرداران خط اول مبارزه با بیماری کرونا ، اظهارداشت: نیازها و دغدغه‌های کادر درمانی بیمارستان‌ها و همه کسانی که در خط اول پیشگیری و مقابله با کرونا مشغول خدمت هستند ، باید هر چه سریعتر رفع شود و کادر درمانی و پزشکان مورد نیاز بیمارستانها براساس سیاستهای ستاد ملی کرونا به گونه ای تقویت شوند که در این ایام در کار و زندگی شخصی خود با مشکل مواجه نشوند.

روحانی در ادامه به توافقات با ستاد فرماندهی نیروهای مسلح کشور اشاره کرد و از استانداران خواست از ظرفیت این نیروها در حوزه تامین کادر درمانی و فضاهای درمانی مورد نیاز برای تسریع در روند مقابله و ریشه کنی بیماری کرونا بهره گرفته شود.

رئیس جمهوری، لازمه موفقیت‌هر طرح و برنامه ای در کشور را مشارکت و همراهی مردم دانست و تاکید کرد: بی تردید مردم مانند دیگر صحنه‌ها، در این مبارزه همگانی با بیماری کرونا، همراهی و مشارکتی فعال دارند و در این زمینه باید از ظرفیت سازمان‌های مردم نهاد در چارچوب مشارکت جویی مردمی‌برای مهار ویروس کرونا استفاده کرد.

وی جلوگیری از انتشار شایعات بی‌اساس در فضای رسانه ای با انتشار دقیق و بموقع اخبار و واقعیت‌ها با هدف ممانعت از ایجاد وحشت و اضطراب در میان مردم را ضروری خواند.

روحانی همچنین اظهارداشت: ضروری است در چارچوب مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا ، رفت و آمد مردم در ایام تعطیلات نوروزی در مبادی خروجی شهرها، در چارچوب پروتکل‌های بهداشتی کنترل شود تا به این ترتیب تا حد امکان از شیوع این بیماری جلوگیری به عمل آید.

عزیزالله شهبازی استاندار البرز، عباس رضایی استاندار اصفهان، سید علی آقازاده استاندار مرکزی وعلیرضارزم‌حسینی استاندار خراسان رضوی هم در این تماس‌های تلفنی، گزارشی دقیق از فعالیت‌هایشان در ارتباط با اجرای دستورالعمل‌های ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا ارائه کردند.

رئیس جمهوری همچنین در حکمی‌دکتر "کریم همتی" را به عنوان سرپرست جمعیت هلال احمر ایران منصوب کرد.

متن حکم حجت الاسلام روحانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر کریم همتی

با عنایت به مراتب علمی، تخصصی و سابقه اجرایی، به موجب این ابلاغ به عنوان "سرپرست جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی‌ایران" منصوب می‌گردید.

انتظار دارد در شرایط کنونی و با اولویت، همه امکانات جمعیت هلال احمر در تعامل با ستاد ملی مدیریت کرونا در خدمت به مردم عزیزمان در جهت مبارزه جدی با شیوع ویروس کرونا قرار گیرد.

امید است با اتکال به عنایات الهی و تعامل با شورای عالی و با بهره گیری از توان و تجربه مجموعه کارکنان خدوم جمعیت، در انجام وظایف محوله موفق و موید باشید.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی‌ایران

رئیس جمهوری در پیامی‌درگذشت مرحوم دکتر«موسی زرگر»؛ چهره ماندگار پزشکی کشور را تسلیت گفت.

متن پیام به این شرح است:

انا لله و انا الیه راجعون

ضایعه‌درگذشت چهره ماندگار پزشکی، مرحوم دکتر موسی زرگر، موجب تأثر و اندوه فراوان شد.

این استاد فرهیخته، متعهد و انقلابی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور از جمله به عنوان دومین وزیر بهداری و بهزیستی جمهوری اسلامی‌و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، تمام عمر شریف خود را در مسیر خدمت به مردم به‌ویژه محرومین جامعه سپری کرد که بی‌تردید خدمات و نام نیک ایشان همواره در خاطر مردم قدرشناس ایران باقی خواهد ماند.

اینجانب این مصیبت را به جامعه پزشکی و فرهنگی کشور، خانواده و بستگان آن مرحوم تسلیت می‌گویم و از درگاه احدیت برای ایشان رحمت و رضوان الهی و همجواری با صالحان، و برای عموم بازماندگان صبر و سلامتی مسألت دارم.

حسن روحانی/رئیس جمهوری اسلامی‌ایران

لاریجانی: همه توان کشوربرای ریشه‌کنی کرونا به کار گرفته شود

رئیس مجلس گفت: همه توان مجموعه‌ها در دولت و دیگر بخش‌ها می‌بایست هماهنگ شده و در خدمت کمک به جلوگیری از شیوع و ریشه‌کنی کرونا در آید و گزارش اقدامات انجام شده به مردم داده شود.

به گزارش فارس، علی لاریجانی در دیدار وزرای کشور و بهداشت، با دریافت آخرین گزارش ملی از روند شیوع کرونا و اقدامات پیشگیرانه و مقابله ای با آن، بر هماهنگی کامل و صد در صدی تمامی‌دستگاه‌ها در فاز جدید مبارزه با این بیماری تاکید کرد.

لاریجانی با اشاره به ضرورت هماهنگی همه دستگاه‌ها در موضوع مقابله و پیشگیری بیماری کرونا گفت: تمامی‌توان مجموعه‌ها در دولت و دیگر بخش‌ها می‌بایست هماهنگ شده و در خدمت کمک به جلوگیری از شیوع و ریشه‌کنی این بیماری در آید و گزارش اقدامات انجام شده به مردم داده شود.

وی، بررسی‌های میدانی در استان‌ها و دریافت بهنگام اطلاعات دقیق از نیازمندی‌های مردم و مراکز درمانی را لازمه تصمیم گیری هماهنگ در مقابله با کرونا دانست و افزود: تجمیع همه ظرفیت‌های کشور برای ارائه هر چه روان تر خدمات بهداشتی، درمانی و دارویی، نیازمند دو اصل هماهنگی صد در صدی و سرعت عمل در هر دو سطح ملی و استانی است.

رئیس مجلس، ترمیم و جبران افت شماری از کسب و کارها در کشور به دلیل شیوع کرونا را ضروری دانست و تأکید کرد: حمایت از کسب و کارها در شرایط فعلی باید در ستاد اقتصادی دولت پیگیری شده و تمهیدات ویژه و هدفمندی برای آن اندیشیده شود.

وی همچنین با توجه به احتمال سفر برخی از شهروندان در این ایام از وزرای کشور و بهداشت خواست با همکاری صداوسیما هشدارهای لازم را در این زمینه به مردم ارائه دهند.همچنین، عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور و سعید نمکی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ابتدای این دیدار، گزارش مشروحی از آخرین تحولات درباره بیماری کرونا و تدابیر انجام شده در سطح کشور به رئیس مجلس شورای اسلامی‌ارائه کردند.

رئیس مجلس همچنین در تماس تلفنی با رؤسای سازمان صنعت، معدن و تجارت، سازمان جهاد کشاورزی و اتاق اصناف قم، همکاری همه نهادها و اصناف استان قم را برای ریشه کنی بیماری کرونا را مورد تاکید قرار داد.

لاریجانی با قدردانی از مسئولان استان و رئیس اتاق اصناف قم برای تلاش‌های صورت گرفته و بسیج همه امکانات در مقابله با کرونا، از ایشان خواست تا اهتمام خود را در مسیر تامین سلامت مردم و رفع نیازمندی‌های استان مضاعف کنند.

نماینده قم در مجلس شورای اسلامی‌همچنین با دریافت گزارش اقدامات اتاق اصناف قم در مقابله با ویروس کرونا از تلاش اصناف، اتحادیه‌های صنفی، کسبه و بازاریان قم که با وجود محدودیت‌های ناشی از شیوع کرونا و افت کسب و کارها همه امکانات خود را به تأمین مایحتاج کنونی استان و مبارزه با این بیماری اختصاص داده‌اند، قدردانی کرد و افزود: استفاده از ظرفیت خیرین در استان قم برای تجهیز مراکز درمانی و نقاهتگاه‌ها تجربه ای موثر بوده و همچنین تعامل اصناف و فعالان اقتصادی با مجمع خیرین، اقدامی‌ارزشمند است که جای تشکر دارد.

روسای سازمان صنعت، معدن و تجارت، سازمان جهاد کشاورزی و رییس اتاق اصناف قم هم در این تماس‌های تلفنی گزارش‌های جداگانه ای از اقدامات انجام شده در حوزه‌های خود برای کنترل و ریشه‌کنی بیماری کرونا و حمایت از کسب و کارهای متاثر از آن ارائه کردند.

رئیس مجلس همچنین در پیام‌هایی جداگانه درگذشت مادر بزرگوار شهید والامقام محمد منافی، و همچنین درگذشت موسی زرگر، نماینده ادوار مجلس و همچنین سرهنگ پاسدار محمود پلارک را تسلیت گفت.

دکتر زالی فرمانده ستاد مقابله با کرونا در تهران: ادامه وضع فعلی، کنترل کرونا را سخت خواهد کرد

فرمانده ستاد عملیات مقابله با کرونا در تهران بر کاهش فعالیت ادارات و سایر مراکز در پایان سال و عدم برگزاری چهارشنبه سوری و ضرورت تب‌سنجی، ارزیابی و معاینه مسافران خروجی و ورودی به تهران تأکید کرد. همچنین افزایش آمار مبتلایان به کرونا به ۱۱۳۵۴ نفر و آمار جانباختگان به ۵۱۴ نفر و تأکید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی‌بر این‌که انجام سفر در بهار به فاجعه ملی می‌انجامد، از جمله خبرهای انتشار ویروس کرونا در دو روز گذشته‌اند. عدم قرنطینه و ابتلای دکتر ولایتی و دکتر عباسعلی کریمی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران به کرونا و اعلام پویش «همه دانشگاهیان همه مردم» برای مقابله با کرونا نیز در کنار آنها، از دیگر خبرهای کرونایی به این شرح هستند :

کاهش ساعات اداری

فرمانده ستاد عملیات مقابله با کرونا در کلان شهر تهران با تأکید بر لزوم کاهش فعالیت ادارات و سایر مراکز در هفته پایانی سال، گفت: مراسم چهارشنبه‌سوری امسال نباید برگزار شود.

به گزارش دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی، علیرضا زالی، ضمن تشریح آخرین مصوبات این ستاد، بر عدم انجام برخی کارها مانند برگزاری چهارشنبه‌سوری تأکید کرد و افزود: جلوی این رفتارها که ممکن است سبب افزایش بیماری در هفته پایانی سال شود نیز باید گرفته شود.

وی با اشاره به مصوبات جلسه فرماندهی مدیریت کرونا در کلانشهر تهران گفت: همچنان تأکید ما بر آگاهی‌رسانی و ارائه آموزش‌های لازم به مردم است.

او ادامه داد: استفاده از ظرفیت شبکه‌های بهداشت استان تهران به ویژه مراکز جامع سلامت برای افزایش بیماریابی و پیگیری بیماران بستری شده از اهداف اصلی ما هستند.

فرمانده ستاد عملیات مقابله با کرونا در کلانشهر تهران خاطرنشان کرد: نکته مهم آن است که بتوانیم با مجموع بیماریابی و پیگیری بیماران یا بهبودیافتگان احتمال بروز بیماری را کاهش دهیم. هنوز هم سطح قابل قبولی از مداخلات در رابطه با تعطیلی مراکز غیر ضروری اعم از اداره‌ها و سایر مراکز را شاهد نیستیم.

زالی با اشاره به اینکه همچون سنوات گذشته، هفته پایانی سال هفته پر کاری نبوده است، افزود: از مسؤولان می‌خواهیم تذکرات را جدی گرفته و فعالیت‌ها در ادارات و سایر مراکز را به حداقل برسانند. البته مراکز اصلی شهر مانند پمپ بنزین‌ها، آتش‌نشانی‌ها و مراکز ارائه‌دهنده خدمات درمانی فعال هستند. اگر بخواهیم با همین ریتم حضور مردم در سطح شهر پیش برویم، کنترل بیماری برایمان بسیار سخت خواهد بود.

وی گفت: طبق هشداری که از روزهای قبل دادیم این بیماری در شهر تهران می‌تواند رو به افزایش بگذارد، پس تنها راه کنترل بیماری و کاهش فشار به کادر درمانی، کاهش حضور مردم در شهر است.

فرمانده ستاد عملیات مقابله با کرونا در کلانشهر تهران اظهار کرد: تصاویری که از کره جنوبی به دست ما می‌رسد نشان‌دهنده افزایش تداخلات و کاهش بسیار چشمگیر حضور مردم در سطح شهر است و امیدواریم ما نیز در شهر تهران و کشور، شاهد کمرنگ‌تر شدن حضور مردم در اماکن عمومی‌باشیم.

زالی همچنین در مکاتبه‌ای با حیدر نوروزی، مدیر کل راه و شهرسازی استان تهران با اشاره به شیوع و انتشار ویروس کرونا بر ضرورت اعمال تمهیداتی شدیدتر برای قطع زنجیره ویروس کرونا تأکید کرد و گفت: در شرایط خاص کنونی کشور و کلانشهر تهران، لازم است برای قطع زنجیره انتقال ویروس کرونا و جلوگیری از سیر صعودی مبتلایان به این بیماری در محل پایانه‌های مسافربری در سطح استان تهران تب‌سنجی، ارزیابی و معاینه مسافران ورودی و خروجی با حساسیت و شدت بیشتری انجام شود.

آمار مبتلایان

کیانوش جهانپور رئیس مرکز روابط عمومی‌و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: تاکنون ۱۱هزار و ۳۶۴نفر در کشور به ویروس کرونا مبتلا شده و ۵۱۴نفر به علت ابتلا به این ویروس فوت کرده و سه هزار و ۵۲۹ نفر نیز بهبود یافته‌اند.

کیانوش جهانپور دیروز جمعه درباره آخرین آمار ابتلای قطعی و فوت ناشی از ابتلا به ویروس کرونا در کشور اعلام کرد: از ظهر روز پنجشنبه تا ظهر جمعه و بر اساس نتایج آزمایشگاهی، ۱۲۸۹ مورد بیمار جدید مبتلا به کووید ۱۹در کشور شناسایی شده‌اند و کل مبتلایان به این بیماری در کشور به ۱۱هزار و ۳۶۴نفر افزایش یافته است که از این میان تا کنون سه هزار و ۵۲۹ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹بهبود یافته و ترخیص شده‌اند اما متأسفانه در طول ۲۴ساعت گذشته، ۸۵ نفر از مبتلایان جدید کووید ۱۹جان خود را از دست دادند و مجموع جان باختگان این بیماری در کشور به ۵۱۴ مورد رسیده است.

وی درباره موارد جدید بیماران کووید ۱۹در کشور به تفکیک استان‌ها نیز توضیح داد: تهران ۳۰۳نفر، قم ۴۲نفر، گیلان ۷۱نفر، اصفهان ۱۱۰نفر، البرز ۶نفر، مازندران ۱۹۲نفر، مرکزی ۴۸نفر، قزوین ۱۲نفر، سمنان ۳۸نفر، گلستان ۲۱نفر، خراسان رضوی ۱۱۰نفر، فارس ۳۳نفر، لرستان ۲۵نفر، آذربایجان شرقی ۹۷نفر، خوزستان ۱۵نفر، یزد ۴۶نفر، زنجان ۲۰نفر، کردستان ۹نفر، اردبیل ۱۵نفر، کرمانشاه ۱۵نفر، کرمان ۱۲نفر، همدان ۱۰نفر، سیستان و بلوچستان ۲نفر، هرمزگان ۴نفر، ایلام ۸نفر، آذربایجان غربی ۲۵نفر و استان‌های خراسان جنوبی، خراسان شمالی، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و بوشهر بدون موارد ابتلای قطعی به ویروس کرونا جدید گزارش شده‌اند.

سخنگوی وزارت بهداشت همچنین در توییتی اعلام کرد: اگر درخانه بمانیم، انتشار ویروس کرونا محدود و زنجیره انتقال آن قطع خواهد شد.

به گزارش ایسنا، وی در صفحه توئیتر خود نوشت: گزارش‌ها حکایت از آن دارد ۱۸درصد مبتلایان به کرونا هیچوقت علامت‌دار نمی‌شوند. اگردرخانه بمانیم، انتشار ویروس محدود و زنجیره انتقال قطع خواهد شد. میانگین ۷۵درصد کاهش مراودات برای کنترل ویروس و مهار کووید ۱۹، لازم و کافی است .

چگونگی عرضه داروی بیماران خانگی

علی رزازان، مسؤول امور توزیع سازمان غذا و دارو از عرضه داروی بیماران کرونایی که با تشخیص پزشک نیاز به قرنطینه خانگی دارند، در داروخانه‌های منتخب خبر داد .

به گزارش مهر، وی گفت: داروی بیماران مبتلا به کرونا تا پیش از این فقط در بیمارستان‌ها توزیع می‌شد، اما با تمهیدات اندیشیده شده در سازمان غذا و دارو، مقرر شد داروی مبتلایانی که با تشخیص پزشک معالج نیاز به قرنطینه خانگی دارند، از طریق داروخانه‌های منتخب عرضه شود.

وی افزود: از امروز داروی بیماران مبتلا به کرونا علاوه بر بیمارستان‌ها در داروخانه‌های سرپایی بیمارستان‌ها در اختیار بیمارانی که اطلاعات آنها در سامانه سیب وزارت بهداشت ثبت شده و نسخه پزشک متخصص دارند، ارائه می‌شود. در تهران، داروخانه‌های ۱۳آبان و شهید کاظمی نیز این داروها را عرضه خواهند کرد.

مسؤول امور توزیع سازمان غذا و دارو درمورد نحوه عرضه داروی بیماران کرونایی در استان‌ها توضیح داد: در شهرهای بزرگ، دو داروخانه برای عرضه این داروها مشخص شده‌اند و در شهرستان‌ها نیز مراکز خدمات جامع سلامت، داروهای بیماران مبتلا به کرونا را عرضه می‌کنند.

وی با تأکید بر اینکه داروهای اشاره شده مخصوص مصرف بیماران مبتلا به کرونا هستند، خاطرنشان کرد: این دارو به هیچ وجه جنبه پیشگیرانه ندارد و فقط با ارائه نسخه پزشک متخصص و ثبت اطلاعات بیمار در سامانه ارائه می‌شود.

فعالیت وزارت علوم برای مقابله با کرونا

دکتر مسعود برومند، معاون وزیر علوم گفت: تاکنون ۶۱شرکت در مجموعه وزارت علوم برای فعالیت در راستای تأمین محصولات و خدمات مورد استفاده در کاهش بار خسارت ویروس کرونا شناسایی شده‌اند.

دکتر مسعود برومند اظهار کرد: پاسداشت سلامت ملی و ارتقای سطح ایمنی زیستی آحاد جامعه به ویژه در شرایط فعلی که کشور با ویروس کووید -۱۹مواجه است، ضرورتی بسیار مهم است و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تلاش است تا همه ظرفیت‌های بالقوه موجود در دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری را برای کمک به ستاد ملی مبارزه با بیماری کووید -۱۹فعال کند.

ابتلای رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عباسعلی کریمی، رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران بر اثر ابتلا به ویروس کرونا به قرنطینه رفت.

به گزارش دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکتر عباسعلی کریمی‌که بر اساس دستورالعمل بیماران کرونا مثبت در قرنطینه به سر می‌برد در پیام صوتی ضمن معرفی دکتر همایون امینی به عنوان جانشین خود گفت: تا زمان بهبودی کامل، از دور بر امور دانشگاه نظارت خواهم کرد.

وی در این پیام صوتی خطاب به دانشگاهیان علوم پزشکی تهران یادآور شد: حال من خوب است و کاملاً به امور دانشگاه اشراف دارم. از خانواده‌هایتان برای تحمل این شرایط قدردانی می‌کنم.

کریمی‌تأکید کرد: وضعیت من به طرف نرمال شدن پیش رفته است و یک مقدار تغییرات در آزمایش‌های خونی داشته‌ام که آنها نیز در حال برطرف شدن هستند.

با توجه به اینکه باید پروتکل وزارت بهداشت را در مورد قرنطینه اجرا کنم، برای حفظ سلامت همکاران مجبورم چند روزی دور از محیط باشم و همه امور که باید در جریان قرار گیرم را در جریان قرار می‌گیرم.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی تهران افزود: فکر می‌کنم با همتی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران سراغ دارم امروز روزی است که باید ثابت کنیم که در یک دانشگاه با پیشینه کهن از پس این مشکلات برخواهیم آمد.

سفر در بهار ۹۹فاجعه ملی

سیدعباس صالحی زیر فرهنگ و ارشاد اسلامی‌در جدیدترین حساب توییتری خود نوشت: مطابق گزارش مرکز آمار ایران در فصل بهار ۱۳۹۸از حدود ۲۵میلیون خانوار ایرانی، ۶۶درصد حداقل یک سفر داشته‌اند و در حدود ۱۰۳میلیون سفر انجام شده است؛ البته هر فرد می‌تواند چند سفر انجام داده باشد.نصف این تعداد سفر در بهار ۹۹فاجعه ملی خواهد شد. در خانه بمانیم.

منفی شدن موج ورود کرونا

سعید نمکی، وزیر بهداشت گفت: خوشبختانه موج ورود شیوع کرونا در گیلان و قم و دیگر نقاط به نسبت خروج روند شیوع کرونا منفی شده است.

وی اعلام کرد: طرح بسیج سراسری برای مقابله با کرونا را به زودی در تمامی استان‌ها شروع می‌کنیم و هدف ما این است که با استفاده از پرونده الکترونیک سلامت بتوانیم با خانواده‌ها ارتباط بگیریم تا در روند بیماریابی سرعت بخشیم.

نمکی توضیح داد: طرح ما این بود که افراد گرفتار و علامت‌دار را جداگانه تشخیص دهیم. همچنین در این هفته تعداد آزمایشگاه‌ها را به ۵۰عدد رساندیم و هفته آینده تعداد آزمایشگاه‌ها به ۷۰عدد می‌رسد تا بتوانیم این بیماری را در اشخاص زودتر تشخیص دهیم.

وزیر بهداشت افزود: برخلاف روزهای اول که مردم از ترس کرونا به بیمارستان‌ها آمده بودند و به دلیل ازدیاد مراجعه کننده افراد مبتلا و مشکوک باهم پذیرش می‌شدند، در این طرح افراد مبتلا و مشکوک جداگانه پذیرش می‌شوند.

وی تصریح کرد: این طرح با مدیریت استانداران در استان‌ها اجرا می‌شود و البته بقیه سازمان‌های مردم نهاد در صورت تمایل می‌توانند در روند اجرایی این طرح به استانداران کمک کنند.

وزارت بهداشت تنها مرجع رسمی‌اعلام آمار

ستاد ملی مدیریت و مقابله با کرونا در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که تنها مرجع رسمی‌انتشار و اعلام اطلاعات و آمار در موضوع مذکور، وزارت بهداشت است و انتشار برخی اظهار نظرات و گمانه‌زنی‌ها از سوی افراد غیر مرتبط و غیر مسؤول و غیر متخصص، هیچ‌گونه مبنای مستند و علمی‌ندارد.در این اطلاعیه آمده است: با توجه به بحران جاری ناشی از شیوع ویروس کرونا در اکثر کشورهای جهان و به تبع آن ورود و شیوع کرونا در ایران برای آگاهی مردم عزیز ایران به اطلاع می‌رساند:

– اقدامات انجام شده در مقابله با کرونا متناسب با استانداردهای اعلام شده از سوی سازمان بهداشت جهانی و محققان داخلی در حال انجام است و در این مهم با عنایت حضرت حق و همت شبانه‌روزی پزشکان پرستاران و محققان داخلی از بالاترین دانش روز جهان برای ریشه‌کن کردن این بیماری در کشور استفاده می‌شود.

– علاوه بر ظرفیت کامل تمامی‌دستگاه‌های دولتی، امکانات لجستیک درمانی و بهداشتی در نیروهای مسلح(سپاه، ارتش، ناجا و بسیج) و سایر نهادهای کشور نیز برای درمان به خدمت ستاد ملی مدیریت و مقابله با کرونا قرارگرفته تا در بالاترین ظرفیت ممکن در کوتاه ترین زمان برای مدیریت، پیشگیری و درمان مبتلایان اقدام کنند.

– ستاد ملی مدیریت و مقابله با کرونا در مرکز و استان‌ها به صورت ۲۴ساعته فعال است و برای تأمین نیازها، پشتیبانی از موضوع پیشگیری و درمان، تمامی‌مساعی ممکن را با استفاده از ظرفیت‌های سه قوه و نهادهای مردمی‌به‌کار گرفته است.

– در موضوع اطلاع‌رسانی، تعداد مبتلایان و تلفات ناشی از کرونا، مطابق استانداردهای جهانی، مسؤولیت‌های علمی‌و شرعی، همچنین طبق دستور صریح و مکرر ریاست جمهوری مبنی بر شفافیت، دقت و صحت، مبنای کار بوده و هیچ دلیل و بهانه‌ای از هیچ دستگاهی مبنی بر کتمان پذیرفته نخواهد بود.

– تنها مرجع رسمی‌انتشار و اعلام اطلاعات و آمار در موضوع مذکور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و انتشار برخی اظهار نظرات و گمانه‌زنی‌ها از سوی افراد غیر مرتبط و غیر مسؤول و غیر متخصص که از سر دلسوزی یا ناآگاهی بعضا مطرح می‌شوند، هیچ‌گونه مبنای مستند و علمی‌نداشته و لذا انتظار می‌رود در این شرایط حساس با طرح انگاره‌ها و برداشت‌ها و اطلاعات دریافتی از منابع غیر موثق و نامرتبط، باعث شبهه‌آفرینی و تشدید اضطراب مردم عزیز ایران نشویم.

– ستاد ملی مدیریت و مقابله با کرونا خود را متعهد و موظف می‌داند تا مردم را در جریان آخرین اقدامات، آمار و اطلاعات مربوط به این موضوع در سراسر کشور قراردهد و از این مهم به‌دلیل مسؤولیت شرعی و ملی خود قطعا کوتاهی نخواهد کرد، اما بیشترین نیاز را به همراهی مردم در قطع زنجیره شیوع و پیشگیری از ابتلا دارد.

چرا برخی مردم کرونا را جدی نمی گیرند؟

ابوطالب سعادتی، روانشناس با اشاره به انبوه اطلاعات متفاوت و متناقض درباره کرونا در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، گفت: این موضوع از یک سو باعث می‌شود که برخی مردم دچار استرس شده و از طرفی برخی از مردم هم اصلا این موضوع را جدی نگیرند.

به گزارش ایسنا، وی با تأکید بر اینکه مردم باید اطلاعاتشان را از منابع معتبر دریافت کنند، توصیه کرد از اطلاعات شبکه‌های اجتماعی و اخباری که به صورت سینه به سینه می‌گردند و اعتبار منبع آنها مشخص نیست، استفاده نکنند.

به هیچ وجه سفر نکنید

دکتر ایرج حریرچی، نماینده ویژه وزیر بهداشت و ناظر بر اجرای طرح بسیج ملی مبارزه با بیماری کرونا از مردم خواست که به هیچ وجه به استان‌های گیلان و مازندران و سایر مناطق سیاحتی و زیارتی سفر نکنند.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سردبیر

مراقبت

بقیه از صفحه اول

معلوم است که کرونا بیماری مهلکی است و همه جامعه و حاکمیت باید تلاش کند تا هرچه سریعتر مهار شود و واضح است که این سخن به معنای مثبت پنداشتن این ویروس نیست. اما سرمایه‌های اجتماعی همبستگی، اعتماد، همدلی، خیرخواهی و دلسوزی، همچون بارانی وسیع که پس از یک دوره طولانی خشکسالی باریدن گرفته و سبب جوشیدن چشمه‌ها و پرآب شدن قنات‌ها شده باشد، گرانسنگ و ارزشمند است و این دستاورد به‌وجود آمده را عقلای جامعه باید بعد از مهار و نابودی بیماری نیز حفظ کنند. این دستاورد بسیار بزرگی است و به قول «آنتونی گیدنز» همچون گیاهی است که برای خشک نشدن و رشد کردن و به بار نشستن نیازمند آبیاری و مراقبت دائمی است.

یادداشت

کرونا؛ آزمونی برای ما و جهان

دکتر رضا داوری اردکانی *

۱. کرونا، دشمن سیاست و اقتصاد و نظم و قانون است. اما دشمنی‌اش با نظم و قانون، دشمنی رودررو و مستقیم نیست. بلکه چون آدم‌ها را می‌کُشد و در آهنگ و نظم زندگی بلاتکلیفی و آشوب پدید می‌آورد، قهراً در سیاست و اقتصاد جامعه اثر منفی دارد. در هجوم و ایلغار کرونا، مردمی که پریشان یا پریشان‌تر می‌شوند، به حمایت نیاز دارند و پیداست که کشور باید حامی آنها باشد. ولی اکنون حضور کشور و سیاست چندان پیدا نیست. گویی همه کارها بر عهده وزارت بهداشت و درمان و پزشکان و بیمارستان‌ها است و اینها باید با نقصان‌ها و کمبودها و حتی در برابر مانع تراشی‌های ناشی از جهل و غرور بسازند و به کارشان ادامه دهند. کاش سیاست می‌توانست لااقل از کارشکنی‌ها و نادرستی‌ها و خلافکاری‌ها جلوگیری کند. با توجه به چنین وضعی پیداست که باید قدردان و حق‌شناس کسانی بود که با جان خود به مقابله بیماری رفته‌اند. چند روز پیش کسی به یادم آورد که سال‌ها پیش مقاله‌ای در باب رابطه پزشک و بیمار در عصر تکنولوژی نوشته و در آن وساطت تکنولوژی میان پزشک و بیمار را آفتی برای اخلاق پزشکی دانسته بودم. اخلاق پزشکی برخلاف آنچه غالباً می‌پندارند، مثل اخلاق‌های صنفی (اخلاق مهندسی، اخلاق کسب و کار و ...) چیزی بیرون از علم و حرفه و زاید بر آن نیست و از پزشکی جدا نمی‌شود. به عبارت دیگر پزشکی یک حرفه و علم اخلاقی است و این نکته‌ای است که فهمش چندان آسان نیست. شاید از میان شغل‌ها فقط شغل معلمی باشد که از این حیث به پزشکی نزدیک است و در آن اخلاق، نمی‌تواند از آموزش جدا شود. در بقیه شغل‌ها اخلاق معمولاً اطلاق دستورهای کلی و مشهور اخلاقی بر کارها و شغل‌هاست. شرف پزشکی و معلمی نیز در نسبتی است که با اخلاق دارند.

۲. پیشامد شیوع کرونا می‌تواند آزمون بزرگی باشد. در طی سال‌هایی که من به یاد می‌آورم ایران دچار اپیدمی‌های بسیار شده است. اما هیچ‌یک از آنها این همه نگرانی پدید نیاورده و موجب پریشانی خاطر مردم نشده و به این دلیل نمی‌توانسته است آزمونی برای سنجش توانایی‌ها و ناتوانی‌های دستگاه‌ها و سازمان‌های کشور و درک و شعور اجتماعی مردم باشد. گرچه در این پیشامد آثاری از تضادهای درونی فکر و عمل و زندگی نیز آشکار شده است که از جمله آنها یکی مداخله کسانی در این امر خطیر است که با مفهوم بیماری و سلامت در جامعه جدید به کلی بیگانه‌اند. اینجا مقام، حکم در باب مفهوم و معنی سلامت و بیماری در دوران‌های تاریخی نیست. مهم این است که بدانیم آیا کشور تکلیف خود را با کرونا می‌داند؟ و سازمان‌ها –توقع هماهنگی کامل نیست– اندک هماهنگی‌ای با هم دارند و همکاری می‌کنند؟ و اگر دارند این همکاری به چه صورت است؟ قصه دردآور این است که هر روز خبری از قاچاق و احتکار لوازم بهداشتی و طبی منتشر می‌شود. آیا سیاست پای خود را از ماجرا کنار کشیده است یا نمی‌تواند از عهده خلاف کاری‌ها برآید؟ وقتی سیاست پای خود را از بحبوحه بلا کنار بکشد و دستش را هر چه بتواند از ویروس کرونا دور نگاه دارد و حتی دخالتی در هماهنگ‌سازی سازمان‌ها نداشته باشد، نمی‌توان بر مشکل غلبه کرد. سازمان‌های اداری ما هرگز کارآمدی نداشته‌اند، پس اکنون هم اگر ندانند چه باید بکنند و چه می‌توانند بکنند گناهی ندارند. روزگار غریبی است که در آن همه چیز مسخر کرونا و ملک و مال آن شده و نه فقط درک و شعور عمومی بلکه قدرت علم و تکنولوژی نیز که میزان اعتبار همه چیز است، در معرض آزمون قرار گرفته است. ولی آزمون اصلی کرونا برای ما آزمون توانایی و ناتوانی درک مسائل و اتخاذ تصمیم و اجرا و عمل است. ظاهراً این آزمون هنوز چنانکه باید آغاز نشده است. زیرا کشور و مردم از بهت ناشی از هجوم و حمله که البته چندان ناگهانی هم نبوده است بیرون نیامده‌اند. بلا و مصیبت آمده است اما بلا و مصیبت به خودی خود آزمون نیست بلکه وقتی به آزمون تبدیل می‌شود که آزمایشگری وجود داشته باشد و قصد آزمایش کند و کاش اگر قرار است آزمونی صورت گیرد، آنکه مسؤولیت بیشتر دارد در صدد آزمایش برآید. زیرا اوست که باید کار کشور را سروسامان بدهد. مردم و صاحبنظران هم می‌توانند این قبیل پیشامدها را آزمایش کنند. اما مهم آزمایش متصدیان امور است. این آزمایش را چندان آسان نباید گرفت. زیرا برای حکومت دشوار است که در آنچه می‌گوید و در درستی کاری که می‌کند شک روا دارد و پیداست که هر آزمایشی مسبوق به شک و پرسش و طلب است.

۳. اشتباهی که همه ما کم و بیش به آن دچاریم این است که قدرت و توانایی اشخاص و به‌ویژه متصدیان امور را بیش از آنچه هست می‌انگاریم و به این دلیل از آنها توقع داریم که در شرایط بحرانی بتوانند همه امکان‌های کشور را برای عبور از بحران هماهنگ کنند. مسلماً بعضی از آنها در این کار می‌کوشند اما وقتی سازمان‌ها ناتوان و ناکارآمد باشند، کوشش‌ها چنانکه باید به نتیجه نمی‌رسند. درست است که حکومت اگر به جد بخواهد می‌تواند از فساد در معنی حقوقی و قانونی‌اش جلوگیری کند؛ اما فساد ناشی از ناهماهنگی‌ها و بی‌برنامگی‌ها و ندانم‌کاری‌های کلی با تصمیم‌های فوری دفع و رفع نمی‌شود و مقامات رسمی حتی اگر صالح باشند از عهده رفع آن بر نمی‌آیند. اینکه مدام این مقام و آن مدیر و رئیس را ملامت می‌کنند که چرا سازمان تحت نظارتش کار خود را چنانکه باید انجام نداده است، از توقعی ناشی می‌شود که به زحمت برآورده می‌شود. در میان متصدیان امور و حتی کارمندان سازمان‌ها مسلما آدم‌های باهوش و فهیم و اخلاقی هستند اما وقتی سازمان نمی‌داند چه باید بکند، آنها چگونه منشأ اثر در بهبود امور شوند؟ در چنین شرایطی عجب نیست که کشور به خلوت تنزه‌طلبی و قرنطینه سیاسی خود برود.

۴. ویروس کرونا سالم و بیمار و زنده و مرده نمی‌شناسد و به همه کس هر آسیبی که بتواند می‌رساند. شاید در این ماجرا با جاهلانی که عملاً در خدمت او قرار می‌گیرند، اندکی مدارا کند. اینکه اخیراً گفته‌اند ویروس‌ها هوشمند می‌شوند و می‌توانند میزبان خود را انتخاب کنند از حرف‌های عجیب است، هرچند که شاید از حوزه قدرت تکنولوژی خارج نباشد. از مبتلایان به ویروس کرونا که بگذریم می‌بینیم که در کار پزشکان و نظم بیمارستان‌ها و درمان بیماران غیر کرونایی هم تغییری محسوس روی داده و در سایه نگرانی از ویروس قرار گرفته است. کسانی هم که از دنیا می‌روند، اگر مرده‌های بی کفن و دفن نباشند، مراسم ترحیم و یادبود برایشان برگزار نمی‌شود. کرونا با مرده‌ها هم دشمنی دارد.

۵. از آگامبن، فیلسوف ایتالیایی نقل کرده‌اند که شیوع ویروس کرونا یک وضع استثنایی برای حکومت‌ها به وجود آورده است؛ اما این وضع به سیاستمداران نه فقط مجال و فرصت اعمال قدرت نمی‌دهد بلکه شاید بتواند سیاست را از میدان بیرون کند.

در فضایی که ویروس کرونا پدید آورده است، سیاست و ایدئولوژی خاموشی اختیار کرده‌اند. آن وضع استثنایی که کارل اشمیت و آگامبن می‌گویند، وضعی است که کشور و مردم نمی‌دانند چه باید بکنند و حکومت تصمیم می‌گیرد. اما در وضع کنونی حکومت باید پناه مردم باشد و برای مردم تصمیم بگیرد. آیا در شرایط کنونی سیاست از عهده مقابله با ویروس کرونا برمی‌آید؟ اگر مثل حکومت چین بتواند از عهده برآید، کشور چندان آسیب نمی‌بیند، اما اگر از عهده بر نیاید قهراً دشواری‌هایی پدید خواهد آمد. آزمون ما اکنون همین است و باید امیدوار باشیم که از آن سرافراز بیرون بیاییم.

* رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

سال تحصیلی تا تیرماه تمدید می‌شود

سخنگوی هیأت رئیسه مجلس گفت: تعطیلات عید قابل جایگزین نیست و نمی‌توان طرحی ارائه داد که به جای فروردین، در خردادماه این تعطیلات گنجانده شود زیرا باید سال تحصیلی تا پایان تیرماه تمدید شود.

اسدالله عباسی، عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی در گفتگو با مهر درباره طرح لغو تعطیلات نوروزی اظهار کرد: چنین طرحی تاکنون به هیأت رئیسه مجلس ارجاع نشده است.

نماینده مردم رودسر در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: تعطیلات عید قابل جایگزین نیست و نمی‌توان طرحی ارائه داد که به جای فروردین، در خرداد ماه این تعطیلات گنجانده شود.

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی گفت: پیشنهادها و طرح‌هایی از سوی نمایندگان برای برگزاری امتحانات پایان سال تحصیلی در تیرماه ارائه شده که در صورت تأیید نهایی آن، یک ماه به سال تحصیلی اضافه می‌شود تا کیفیت آموزشی افزایش یابد؛ زیرا نمی‌توان به نیاز آموزشی دانش‌آموزان بی‌تفاوت بود.

وی تصریح کرد: شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی علوم و تحقیقات باید در این‌باره تصمیم‌گیری کنند. به دلیل آنکه مشخص نیست تا چه زمانی بیماری کرونا ادامه دارد، هنوز تصمیمی در این رابطه گرفته نشده است.

ابلاغ دستورالعمل تعطیلی و بازگشایی موزه‌ها و تأسیسات گردشگری

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، مقررات و پروتکل‌های تعطیلی و بازگشایی موزه‌ها و تأسیسات گردشگری را ابلاغ و تأکید کرد: واحدهای تعطیل شده حق بازگشایی خودسرانه ندارند.

به‌گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، علی‌اصغر مونسان، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و رئیس کمیته گردشگری و فضاهای ورزشی ستاد ملی مدیریت کرونا، در نامه‌ای به مدیران کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی ۳۱ استان کشور، دستورالعمل جامع با نام دستورالعمل شماره ۲را ابلاغ کرد.

این دستورالعمل شامل مقررات ابلاغی و پروتکل‌های تعطیلی و بازگشایی موزه‌ها، اماکن و تأسیسات گردشگری اقدامات بهداشتی و حفاظتی است که در هر یک، وظایف و مأموریت‌های تأسیسات گردشگری و موزه‌ها را تشریح کرده است. این دستورالعمل شامل تعطیلی واحدهای اقامتی در اثر شیوع کرونا، بازگشایی واحدهای اقامتی تعطیل شده بر اثر شیوع کرونا، تعطیلی موزه‌ها، پروتکل بهداشتی و حفاظتی واحدهای اقامتی فعال در زمان شیوع کرونا و پروتکل بازگشایی واحدهای سیاحتی، تفریحی و موزه‌های تعطیل‌شده بر اثر شیوع کرونا است.

همچنین با پیگیری دکترعلی‌اصغر مونسان وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، مراکز گردشگری و خدماتی مربوط به این وزارتخانه، مشمول امکان بهره‌مندی از تعویق پرداخت تسهیلات در اسفند ۹۸ و دو ماهه اول سال ۹۹ شده‌اند.

بر این اساس، مراتب به قید فوریت به تمامی واحدهای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی ابلاغ و اقساط اشخاص بدون قید و شرط به مدت سه ماه به تعویق خواهد افتاد و بانک‌ها موظف به اجرای این بخشنامه هستند.

همچنین وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بعد از اعلام تعطیلی محوطه‌های تاریخی، موزه‌ها و نوروزگاه‌ها در نوروز ۹۹، در بیانیه‌ای مردم را به سفر نرفتن و ماندن در خانه برای مقابله با کرونا دعوت کرد.

در بیانیه علی اصغر مونسان آمده است: بی‌تردید مهم‌ترین انگیزه سفر و گردشگری کمک به ارتقاء سلامت جسمی و روحی انسان‌ها است و در جایی که احساس خطر و ناامنی وجود دارد، خودبه‌خود موضوع سفر تحت الشعاع قرار می‌گیرد. بر همین سیاق شیوع ویروس کرونا موجب کاهش و حتی حذف سفر به صورت مقطعی شده تا سلامت جوامع حفظ شود.

اینجانب به عنوان وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ضمن قدردانی از همراهی روز افزون مردم فهیم کشورمان، از عموم مردم می‌خواهم با خودداری از سفر، نوروز ۹۹ را در کنار اعضای خانواده در منزل با صحت و سلامتی سپری کنند. بی‌تردید ایران اسلامی از این بحران با سربلندی بیرون خواهد آمد و این قول را به مردم صبور کشورمان می‌دهم که پس از شکست کرونا شرایط خوبی در شأن ملت بزرگوار ایران برای موجی از سفرهای نشاط‌انگیز فراهم خواهیم کرد.

بازیگران ایرانی و خارجی مقابل دوربین سریال «سلمان فارسی»

فیلمبرداری مجموعه تلویزیونی «سلمان فارسی» به کارگردانی داوود میرباقری که در مرکز سیمافیلم تهیه می‌شود، به روزهای پایانی در جزیره قشم رسید.

به گزارش ایسنا، داوود میرباقری، کارگردان باسابقه و موفق در عرصه ساخت سریال‌های تاریخی، مشغول فیلمبرداری فصل بیزانس مجموعه «سلمان فارسی» است. در این فصل، اعراب لخمی و سپاهیان روم رودروی یکدیگر قرار می‌گیرند. این فصل یکی از فصل‌هایی است که پیچیدگی‌های خاصی دارند و به واسطه رویارویی اعراب با سپاهیان روم علاوه بر بازیگران ایرانی از بازیگران خارجی نیز استفاده می‌شود.

داستان سریال سلمان فارسی از تولد تا ماجرای فتح ایران است. پیش‌بینی شده این سریال در ۴۰قسمت ساخته شود؛ البته شاید به واسطه پیچیدگی‌های داستانی، قسمت‌های سریال افزایش پیدا کند.

سریال سلمان فارسی جزو کارهای الف ویژه مرکز سیما فیلم است که فیلمبرداری آن ۵ سال طول خواهد کشید و در داخل و خارج از کشور فیلمبرداری می‌شود.

گروه تولید، پس از پایان فیلمبرداری بخشی از مجموعه در ایران به ترکیه می‌روند و بعد از بازگشت در لوکیشن‌های تیسفون و جی کار را از سر خواهند گرفت. همچنین پس از فیلمبرداری در یک کلیسا، گروه در شهرک غزالی و احتمالاً لوکیشنی در ورامین مستقر خواهد شد.

فرهاد اصلانی، نقش تاجری را در مجموعه سلمان فارسی بازی می‌کند و علی دهکردی و محمدرضا هدایتی نیز در این سریال به ایفای نقش می‌پردازند.

درگذشت ۲ استاد پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر موسی زرگر و دکتر اسماعیل یزدی، دو استاد پیشکسوت دانشگاه علوم پزشکی تهران به رحمت ایزدی پیوستند.

به گزارش مهر به نقل از دانشگاه علوم پزشکی تهران، دکتر عباسعلی کریمی، رئیس دانشگاه تهران در پیامی ضمن تسلیت درگذشت دکتر موسی زرگر، استاد پیشکسوت دانشگاه نوشت: من به عنوان یکی از ارادتمندان استاد دکتر موسی زرگر، شهادت می‌دهم که او همواره دغدغه تعالی دانشگاه علوم پزشکی تهران، بیمارستان سینا و گروه ریشه‌دار جراحی را داشت و نهایت توان خود را در این مسیر صرف کرد. نسبت به همکاران و شاگردان مهربان، متعهد و قدردان و حرمت‌دار استاد فقیدش بود.

اینجانب درگذشت مرحوم دکتر موسی زرگر را به خانواده گرانقدر ایشان، جامعه پزشکی به‌ویژه جامعه جراحی و شاگردان ایشان و همکارانم در بیمارستان سینا تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه ایزد منان آرامش ابدی و علو درجات آن مرحوم و برای بازماندگان محترمش صبر و اجر مسألت می‌کنم.

دکتر موسی زرگر دومین وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (در آن دوره: وزیر بهداری و بهزیستی) جمهوری اسلامی ایران بود که از تاریخ ۲۸آبان ۱۳۵۸تا ۳۱تیر ۱۳۵۹تصدی این منصب را به عهده داشت. او عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدماتی بهداشتی، درمانی تهران و مدیر گروه جراحی دانشکده پزشکی این دانشگاه بود.

وی همچنین نماینده ادوار اول (شهریار)، دوم و پنجم (تهران) در مجلس شورای اسلامی بود.

موسی زرگر در سال ۱۳۱۴در روستای حصار طهماسب شهرستان شهریار (۳۰کیلومتری غرب تهران) زاده شد و پس از تحصیل دوره ابتدایی در شهریار، دیپلم خود را از دبیرستان مروی تهران گرفت. او از سال ۱۳۳۳تا ۱۳۴۰در رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران تحصیل کرد و دانش‌آموخته مقطع دکتری حرفه‌ای پزشکی عمومی در سال ۱۳۴۰از این دانشگاه است.

وی سپس در سال ۱۳۴۴دوره دکترای تخصصی جراحی عمومی را به پایان رساند و در سال ۱۳۴۷موفق به اخذ مدرک فوق تخصص جراحی عمومی از دانشگاه علوم پزشکی تهران شد.

زرگر از ابتدای تشکیل دولت جمهوری اسلامی، در زمینه بهداشت و درمان، سمت‌های اجرایی و آموزشی– دانشگاهی داشت. وی همچنین در اولین دوره مجلس شورای اسلامی با رأی بسیار بالایی (حدود ۸۵درصد آراء) به عنوان نماینده حوزه انتخابیه شهریار، اشتهارد و رباط کریم در مجلس انتخاب شد.

همچنین دکتر اسماعیل یزدی، استاد دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران و اولین متخصص آسیب‌شناسی و جراحی دهان و فک و صورت، بنیانگذار رشته پاتولوژی دهان، فک و صورت و دندانپزشکی نوین ایران و مشاور سازمان جهانی بهداشت و عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی کشور درگذشت.

دکتر عباسعلی کریمی، رئیس دانشگاه تهران در پیامی ضمن تسلیت درگذشت استاد پیشکسوت دندانپزشکی نوشت: دکتر اسماعیل یزدی دل در گرو وطن و ارزش‌های انسانی و اسلامی و جامعیتی کم‌نظیر در علوم تجربی و انسانی داشت.

دکتر اسماعیل یزدی در سال ۱۳۱۰در قزوین متولد شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران و دبیرستان را در دارالفنون به اتمام رساند؛ سپس به دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۲با کسب رتبه اول از دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و به واسطه احراز رتبه اول، نشان درجه اول فرهنگ و بورس تحصیلی ایالات متحده آمریکا را دریافت کرد.

وی تحصیلات تخصصی خود را در رشته‌های جراحی و آسیب‌شناسی دهان و فک و صورت در مراکز وابسته به دانشگاه هاروارد و دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تافتس در شهر بوستن به پایان رساند و سال ۱۳۳۸علی‌رغم پیشنهاد این دانشگاه برای اشتغال، با عشق خدمت به میهن، به ایران بازگشت و اولین ارزشنامه تخصصی در جراحی فک و دهان به عنوان یکی از رشته‌های تخصصی دندانپزشکی را دریافت کرد.

دکتر یزدی به عنوان چهره ماندگار، اولین مطب تخصصی و جراحی دهان و فک و صورت را در سال ۱۳۳۹راه اندازی کرد و تأسیس رشته آسیب‌شناسی فک و دهان، بنیانگذاری رشته پاتولوژی دهان و فک و صورت، دوره تخصصی فک و دهان در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران، اولین آزمایشگاه تشخیص و تحقیقات آسیب‌شناسی فک و دهان، عضو شورای سردبیری مجله AIM فرهنگستان علوم پزشکی و دریافت دونشان درجه یک فرهنگ و دانش را در کارنامه خود دارد.

دکتر زالی: ادامه وضع فعلی، کنترل کرونا را سخت خواهد کرد

بقیه از صفحه ۲

وی گفت: از مردم خواهش می‌کنیم که به هیچ وجه به استان‌های گیلان و مازندارن و سایر مناطق سیاحتی و زیارتی سفر نکنند و در عین حال سفرهای داخل استانی و داخل شهری را هم به حداقل برسانند. امروز دیدیم که ورودی به استان گیلان خیلی محدود شده، اما تردد در سطح شهرها هنوز وجود دارد که باید به حداقل برسد.

حریرچی تأکید کرد: اگر مردم همکاری کنند، انتظار داریم که تا هفته اول فروردین، سیر صعودی بیماری را کنترل کنیم، اما اگر مردم همکاری نکنند، این بیماری ممکن است تا انتهای اردیبهشت و حتی خرداد هم ادامه یابد و به بحرانی بزرگ بدل شود. بنابراین عاجزانه از مردم می‌خواهیم که سفرها و تماس‌ها با یکدیگر را به حداقل برسانند و جداسازی بیماران را هم به طور کامل انجام دهند.

پویش «همه دانشگاهیان همه مردم»

پویش «همه دانشگاهیان همه مردم» برای مقابله با ویروس کرونا از سوی معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم راه‌اندازی شد.

معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پویش «همه دانشگاهیان همه مردم» را در راستای مسؤولیت اجتماعی و تعهد به اقدام جمعی مبنی بر تقویت سلامت عمومی و ممانعت از شکل گیری زنجیره‌های انتقال ویروس کووید ۱۹ (کرونا) راه‌اندازی کرد.

علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سامانه الکترونیکی www.isic.ir/academics در این پویش شرکت کنند.

توئیت رئیس سابق دانشگاه علوم پزشکی تهران

علی جعفریان، رئیس سابق دانشگاه علوم پزشکی تهران، از کرونا به عنوان بزرگ‌ترین بحران حوزه سلامت کشور در ۱۰۰سال گذشته یاد کرده است.

به گزارش مهر، علی جعفریان رئیس سابق دانشگاه علوم پزشکی تهران، در ارتباط با حساسیت بیماری کرونا ویروس، نوشت: اگر کسی هست که هنوز فکر می‌کند موضوع جدی نیست، سه ساعت وقت خود را با همکاران من در بیمارستان امام خمینی بگذراند تا واقعیت را حس کند.

درخواست از رئیس بانک مرکزی

محمدرضا ظفرقندی، رئیس کل سازمان نظام پزشکی، درنامه‌ای به رئیس بانک مرکزی خواستار به تعویق انداختن سه ماهه سر رسید اقساط بانکی جامعه پزشکی بر مبنای مصوبه شورای پول و اعتبار شد.

مردم از تهدید کرونا عبور می کنند

مقصود فراستخواه، پژوهشگر مسائل اجتماعی با تأکید بر توان خود ترمیمی بالای ایرانیان، گفت: مردم ایران با تکیه بر حافظه‌های تمدنی و ذخایر فرهنگی و ادبی بسیار باارزش خود از تهدید بیماری کرونا عبور می‌کنند.

وی در گفتگو با ایرنا اظهار کرد: در فرهنگ این جامعه و در پشت خاطره تمدنی آن، امید وجود دارد و مردم ما مرتب به هم یادآور می‌شوند که «در ناامیدی بسی امید است و پایان شب سیه سپید است.»

فراستخواه با بیان اینکه در دنیا تنها نیستیم و این بیماری جهان را فراگرفته است، گفت: در تاریخ ما از این حوادث دهشتناک کم نبوده و حدود یک قرن پیش بعد از جنگ جهانی اول، قحطی بزرگی رخ داد که به روایتی در نتیجه آن تا یک و نیم میلیون ایرانی جان سپردند؛ اما ایران و ایرانی باقی ماند و ایستاد و زندگی کرد.

مؤسس و دبیر علمی میز آینده پژوهی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی افزود: در چشمان کودکان ایرانی می‌توانیم امید را ببینیم و از تهدید می‌توانیم فرصتی برای همدردی، تقویت محبت بین آشنایان و فامیل و امید دادن و ارائه اطلاعات مفید در فضای مجازی استفاده کنیم.

بنابر اظهارات وی، مصلحان اجتماعی، معلمان، مربیان و حتی شهروندان باید به هم امید بدهند و این شرایط را به فرصتی برای تقویت همبستگی ملی تبدیل کنند.

فراستخواه، حمایت دولت و سازمان‌های غیرانتفاعی و نهادهای مدنی از معلولان، سالمندان و کودکان و دیگر اقشار آسیب‌پذیر در شرایط بحران شیوع کرونا را ضروری دانست و تأکید کرد: اگر افراد آسیب‌پذیر حمایت قرار نشوند، احساس بی‌قدرتی می‌کنند و امیدشان را از دست می‌دهند.

این پژوهشگر مسائل اجتماعی با بیان اینکه مردم ایران توانایی‌های بالقوه بالایی برای ایستادگی و مقاومت مقابل بحران‌ها را دارند، گفت: مردم ایران با رنج آشنا هستند و حافظه‌های تمدنی و ذخایر فرهنگی و ادبی بسیار باارزشی دارند و توان عبور از بحران را دارند.

وی ادامه داد: ما خانه را فراموش کرده بودیم و از صبح تا شب سرکار بودیم. ما به دلیل فعالیت‌های شغلی کمتر در خانه بودیم و از خودمان دور و به اشیاء نزدیک شده بودیم و اکنون فرصتی است که به خودمان و خانواده‌مان بیشتر توجه کنیم.

این فعال اجتماعی، خانواده را یک نهاد مهم ایرانی ارزیابی و تأکید کرد: در پس هر شری، خیری است و در پس تهدید کرونا، می‌توانیم فرصت‌هایی پیدا کنیم که یکی از این فرصت‌ها احیای خانواده و تقویت گفتگوی پدران و مادران با فرزانداان است.

تهران قرنطینه نیست

عادل مصدقی، معاون راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان تهران اعلام کرد تمامی مبادی ورودی و خروجی پایتخت در حال حاضر باز هستند و رفت و آمد در آنها به راحتی جریان دارد.

وی در گفتگو با ایرنا در عین حال از کاهش بیش از ۵۰درصدی تردد به پایتخت در روزهای اخیر به دلیل شیوع ویروس کرونا خبر داد.

مصدقی گفت: بر اساس دوربین های تردد شمار اداره کل راهداری استان، حجم مسافران ورودی و خروجی به تهران نسبت به اسفندماه سال گذشته ۴۰تا ۶۰کاهش داشته است.

وی افزود: در مسیرهای خروجی تهران از جمله مسیرهای هراز و فیروزکوه با کاهش ۷۰درصدی مسافران مواجه هستیم.

این مقام مسؤول تصریح کرد: این وضعیت نشان می‌دهد شهروندان تهرانی برای شکست ویروس کرونا ترجیح می‌دهند امسال به مسافرت نروند.

دکتر «ولایتی» در قرنطینه خانگی

دانشگاه آزاد اعلام کرد: دکتر ولایتی در قرنطینه خانگی است و وضعیت عمومی ایشان خوب و رو به بهبود است.

به گزارش مهر، دانشگاه آزاد اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پاسخ به پیگیری خبرگزاری‌ها درباره انتشار اخبار غیر رسمی درباره ابتلای دکتر ولایتی به کرونا، روابط عمومی بیمارستان دکتر مسیح دانشوری اعلام کرد: پس از گذشت روزهایی که دکتر ولایتی، رئیس بیمارستان مسیح دانشوری به منظور انجام امورات مرتبط با مقابله با ویروس کرونا و در کنار پزشکان و پرستاران با حضور در بیمارستان مشغول به فعالیت‌های روزانه بود، با ظهور علائم خفیف بنا به نظر پزشکان و پس از انجام آزمایش، نشانه‌های بروز کرونا در وی مشهود بود. لذا بنا به تشخیص و تجویز پزشک، دکتر ولایتی در قرنطینه خانگی قرار گرفته و در حال حاضر وضعیت عمومی ایشان خوب و رو به بهبودی است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی: آمادگی لازم برای آموزش از طریق اینترنت را نداشتیم

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به مخاطرات موجود در آموزش از طریق اینترنت، گفت: مشکل به وجود آمده موجب شد این مخاطرات مشخص‌تر شوند و نشان داد که ما آمادگی لازم را برای این کار نداشته‌ایم.

به گزارش ایسنا، دکترسیدسعیدرضا عاملی، حضور بیشتر افراد در خانه‌ها را موجب افزایش مشارکت آنها در شبکه‌های اجتماعی و تولید و به اشتراک‌گذاری مطالب در این فضا دانست و گفت: مردم به دنبال ساختن کلیپ‌ها و نشر و بازنشر گسترده مطالب هستند که همین مسأله منجر به ایجاد بحران رسانه‌ای شده است؛ به نحوی که سازمان بهداشت جهانی در کنار بحران شیوع کرونا از بحران رسانه‌ای این بیماری سخن می‌گوید، زیرا رسانه‌ها قدرت ساختن دروغ‌های بزرگ و ترس‌های بزرگ را در چنین بحران‌هایی دارند.

وی از بروز اغتشاش‌های رسانه‌ای در شرایط کنونی سخن گفت و افزود: دشمنان ایران نیز با عقده‌گشایی گسترده‌ای در حال ایجاد نوع جدیدی از ایران‌هراسی هستند تا در جامعه ایجاد نگرانی کنند. همین اغتشاش‌های رسانه‌ای موجب شده که بسیاری از کشورها برای دروغ‌ها و ایجاد هراس در مردم، مجازات‌های سنگین تعیین کنند. رئیس قوه قضائیه ایران نیز از اندیشیدن تمهیداتی در این‌باره سخن گفت که نشان می‌دهد قوانین لازم را برای مقابله با این مسأله نداریم.

عاملی درباره مخاطرات موجود در آموزش از طریق اینترنت توضیح داد: مشکل به وجود آمده موجب شد این مخاطرات مشخص‌تر شوند و نشان داد که ما آمادگی لازم را برای این کار نداشته‌ایم.

وی با اشاره به این موضوع که حتی اگر تا تابستان شیوع کرونا کاهش پیدا کند، همچنان مشکلات مربوط به ترافیک و آلودگی هوا باقی هستند، گفت: بنابراین نیاز داریم حداقل برای فوریت‌های اجتماعی، زیرساخت‌های لازم فرهنگی، فناوری و قوانین و مقررات فضای دوم را فراهم کنیم. در این شرایط در حوزه‌های فرهنگی قطعاً ما با زیست فرهنگی و اجتماعی متفاوتی روبه‌رو خواهیم شد.

اعطای تسهیلات کم بهره «مرابحه» و «مسکن» به فرهنگیان

وزیرآموزش و پرورش اظهارکرد: پرداخت تسهیلات احداث مسکن برای زوجین فرهنگی در کلانشهر تهران تا سقف ۱۶۰میلیون تومان، در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰هزار نفر جمعیت تا سقف ۱۲۰میلیون تومان و در سایر شهرها برای زوجین فرهنگی تا سقف ۱۰۰میلیون تومان با کارمزد ۱۲درصد خواهد بود.

به گزارش ایسنا، محسن حاجی میرزایی درآیین انعقاد تفاهم‌نامه بین وزارت آموزش و پرورش و بانک ملی، گفت: در اقدامی بی‌نظیر تفاهم‌نامه‌ای با بانک ملی برای اعطا تسهیلات کم‌بهره به فرهنگیان منعقد شده است.

وزیرآموزش و پرورش با بیان اینکه یکی از سیاست‌های آموزش و پرورش، سازماندهی و ساماندهی نظام‌نامه رفاهی فرهنگیان است، توضیح داد: پرداخت تسهیلات کم بهره در دو سرفصل مرابحه و مسکن، بدون سپرده‌گذاری، تحت عنوان وام‌های ثانویه حمایتی با بازپرداخت بلند مدت از ابتدای سال جدید در سراسر کشور انجام خواهد گرفت.

حاجی میرزایی خاطرنشان کرد: پرداخت تسهیلات احداث مسکن برای زوجین فرهنگی درکلانشهر تهران تا سقف ۱۶۰میلیون تومان، در مراکز استان‌ها و شهرهای بالای ۲۰۰هزار جمعیت تا سقف ۱۲۰میلیون تومان و در سایرشهرها برای زوجین فرهنگی تا سقف ۱۰۰میلیون تومان با کارمزد ۱۲درصد خواهد بود.

وی افزود: پرداخت وام احداث مسکن در این تفاهم‌نامه، به‌صورت انفرادی در شهرتهران ۱۰۰میلیون تومان، در مراکز استان‌ها ۸۰میلیون تومان و همچنین در سایر شهرها ۶۰میلیون تومان با بازپرداخت ۱۲ساله است.

عضو کابینه دولت تدبیر و امید تصریح کرد: پرداخت تسهیلات مرابحه، تا سقف ۶۰میلیون تومان، به ازای هر فرهنگی واجد شرایط با بازپرداخت ۵ساله (۶۰ماهه) از دیگر مواردی است که در مفاد این تفاهم‌نامه، در راستای منزلت اجتماعی فرهنگیان به خوبی تبیین و تشریح شده است.

به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، وی در ادامه اضافه کرد: سقف تسهیلات خرید مسکن در شهر تهران ۶۰میلیون تومان و در مراکز استان‌ها ۵۰میلیون تومان خواهد بود.

تسهیلات یک میلیارد دلاری برای تجهیز آزمایشگاه دانشگاه‌ها

کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹به دولت اجازه داد که برای شرکت‌های دانش‌بنیان و تجهیزات آزمایشگاهی دانشگاه‌ها تسهیلات اعتباری اختصاص دهد.

به گزارش مهر، در ماده واحده بودجه سال ۱۳۹۹که به تصویب کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی رسیده است در تبصره سه بند الف درباره سقف تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس) برای طرح‌های دولتی و غیردولتی علاوه بر باقی مانده سهمیه سال‌های قبل، معادل ریالی ۳۰ میلیارد دلار تعیین می‌شود.

در همین بند آمده است دولت مجاز است یک میلیارد دلار از تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس) اعلام‌شده را برای استفاده از منابع بانک‌ها و مؤسسات مالی و توسعه‌ای بین المللی به منظور تجهیز آزمایشگاه و کارگاه‌های دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های علوم پزشکی، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و فناوری، مراکز آموزش فنی حرفه‌ای دولتی و سازمان آموزش، تحقیقات و ترویج کشاورزی با تضمین دولت و بازپرداخت آن، از محل اعتبارات بودجه عمومی تأمین کند.

یادداشت

مردی از تبار علی!

غلامعلی رجائی

سخن از سیدی پاک است از تبار پیامبر(ص). سید محمد علوی تبار همو که به استادکیاوش شهره است.

درسال ۱۳۰۹ در زنجان که دیار ایمان باوران و ایمان یاوران است، دیده به جهان گشود. گویند نام‌ها از آسمان برای انسانها تعیین می‌شود. نام اوسید محمد بود. در کردار ورفتار و گفتار خودستوده بود همچون نیای خود رسول خدا.

در آستانه قدم نهادن به نودسالگی بود که از دوست صدای ارجعی شنید. شوقمندانه به سوی دوست شتافت و به محضرش بار یافت.

پدرش سیدحسن سید عرب قهوه چی بود که در بین اهل محل معروف بود که دعایش به دلیل کثرت انس او به قرائت قرآن و دعا در شفای بیماران رد نمی‌شود. همو که سید محمد در خردسالی از نعمت تربیت وی که شبها برایش قصه‌های انبیاء را می‌گفت، محروم شد.

مادرش رقیه نام داشت، زنی پاک‌دامن و شهره به زهد و اخلاص. زنی ازطبقه برخوردار که اهل تهران بود و پس از درگذشت همسرش در اوضاعی سخت و شکننده با نان خالی شکم فرزندانش را سیر می‌کرد.

تقدیر چنین شد که سید محمد از همان اوان کودکی با فقردست و پنجه نرم کند و مزه تلخ فقر را بچشد تا در بقیت عمر طولانی و مبارکی که از خدای به امانت گرفت هماره، همراه و همراز و همدرد فقیران و مستمندان باشد. همچون جد خود علی مولای متقیان، غمخوار یتیمان و بیوه زنان بود.

دو سال پیش که سازمان منطقه آزاد اروند تصمیم گرفت از وی در مراسمی تجلیل و تقدیر کند و این را در مراجعه‌ای که به محضر شریفش داشتم به او گفتم، گفت به این کار اصلا رغبتی ندارد و اصرار کرد هزینه این مراسم صرف فقرا و مستمندان آبادان شود؛ آبادانی که عبادان، شهر عبّاد و عابدانش می‌نامید و به آن عشق می‌ورزید. شهری که جای جای آن شاهدگام‌های استوار وی برای خدمت به مردم شهر و طنین صدای گرم و دلنشین او در تربیت فرزندان شهر بود.

می‌گفت: به دلیل گرمای بیش از حد آبادان هرکسی را یارای کار و خدمت در این شهر نبود، اما من با عشق و علاقه قلبی این شهر را برای خدمت انتخاب کردم تا شاید بتوانم برای مردم محروم و ستم کشیده آن سامان قلمی و قدمی بردارم.

در خردسالی به همراه برادرش به تهران مهاجرت کرد. وقتی برادرش او را برای ثبت نام به مدرسه برد چون لباس مناسبی نداشت از ثبت نام او خودداری کردند. برادرش به ناچار وی را پیش فردی برد که سبزی می‌فروخت. مرد با تعجب پرسید چرا این کودک را به مدرسه نمی‌برید؟ وقتی فهمید فقر مانع ادامه تحصیل وی است گفت نیازی به شاگردی همچون اویی ندارد و کریمانه پذیرفت هزینه درس خواندن وی را تقبل کند.

در پامنار در منزل دایی‌اش ساکن و به زودی مکبر مسجد شد و از همان آغاز درجلسات آموزش قرآن و تفسیری که در نزدیکی مسجد برگزار می‌شد شرکت می‌کرد. اوقات نماز را به مسجد آقا بهرام می‌رفت که آیت الله کاشانی پیشنماز آن بود.

به دنبال کار بود که روزی اطلاعیه‌ای دید که در آن نوشته شده بود دانشسرای مقدماتی شبانه روزی برای تربیت معلم دانشجو می‌پذیرد. ثبت نام کرد. امتحان داد و قبول شد.

در همین ایام به مسجد هدایت در خیابان استانبول می‌رفت و از محضر آیت الله سیدمحمود طالقانی بهره می‌جست. پس از اتمام این دوره ۵ سال به آبادان مامور به خدمت شد. دوباره پس از اتمام دوره سربازی برای کار و شغل معلمی به آبادان رفت.

در همین آبادان بود که دست تقدیر وی را علاوه بر اشتغال به شغل شریف معلمی گری در رشته ادبیات و قرآن به رادیو نفت ملی کشانید تاعصرهای جمعه در برنامه ایده‌ها و اندیشه‌ها با مردم سخن بگوید. این برنامه در سرتاسر کشور شنیده می‌شد و علاقمندان فراوانی داشت.

پس از نزدیک به ۵ دهه از نطق‌های آتشین وی در رادیوی نفت هنوز طنین صدای رسای او درگوش من است که فریاد می‌زد: «باید سکوت مرداب را شکست!»

برخورداری از فن بیان قوی وتسلط بر ادبیات و آشنایی و بهره‌مندی از گفتار و آثار مرحوم دکترعلی شریعتی نطق‌های وی را بسیار جذاب می‌کرد.

ضرباهنگ بعضی سخنان او تکرار سه بار کلمه «احد، احد، احد» بود؛ شعاری که بلال حبشی در زیر شکنجه‌های اشراف کافر قریش که او را به ترک اسلامی که آورده بود تحت شکنجه‌های وحشیانه و طاقت فرسا قرار داده بودند بر زبان می‌آورد.

هوشمندانه با تکرار این کلمه با ایهام به مخاطب چنین القا می‌کرد همچون بلال حبشی باید تا پای جان در زیر شکنجه‌های رژیم شاه ثابت قدم بماند و از دین خدا حمایت کند و تاب بیاورد!

بقیه در صفحه ۱۴

چگونه سیستم ایمنی خود را جهت مقابله با عفونت‌های ویروسی تقویت کنیم؟

عفونت با کرونا ویروس هیچ درمانی ندارد، بهترین راه مقابله، پیشگیری است.

سیستم ایمنی بدن با شناسایی ویروس‌ها به مقابله با آن‌ها پرداخته و از تکثیر و بیماریزایی آن‌ها جلوگیری می‌کند.

راهکارهای گوناگونی برای افزایش قدرت ایمنی بدن در مقابله با عفونت‌های ویروسی از جمله ویروس‌های خانواده کرونا وجود دارد.

تقویت کننده سیستم ایمنی

سلنیوم، روی: غذاهای دریایی، میوه‌ها و سبزیجات، غلات، برنج، گوشت ماهیچه، شیر و فرآورده‌های لبنی، زرده تخم‌مرغ

ویتامین A: جگر سیاه، شیر، تخم مرغ، ماهی، اسفناج، هویج، کدو حلوایی، گوشت قرمز، سبزیجات برگ سبز

ویتامین B: گندم، برنج، جو، سیب‌زمینی، ماکارونی، برگ چغندر، کلم بروکلی، موز، مرکبات، شیر، پنیر، گوشت، ماهی، تخم مرغ، حبوبات

ویتامین C: میوه‌ها، مرکبات، گوجه‌فرنگی، سیب‌زمینی، فلفل قرمز و سبز، کیوی، کلم بروکلی، توت فرنگی، طالبی

ویتامین D و امگا۳: غذاهای دریایی (انواع ماهی)، قارچ، زرده تخم مرغ

ویتامین E: روغن‌های گیاهی، میوه‌ها، سبزیجات، آجیل، تخمه‌ها (کدو، آفتابگردان)، گندم، کیوی

آهن و ید: تخم‌مرغ، زردآلو، گوشت قرمز، بادام، اسفناج، لوبیا، میگو، نمک غنی شده با ید

تضعیف کننده سیستم ایمنی

تنش و اضطراب

سیگار و قلیان

مصرف الکل

سوء تغذیه و رژیم غذایی نامناسب

کم‌خوابی و خستگی مزمن

کم تحرکی

چاقی و اضافه وزن

در کنار هم باشیم، کرونا را هم شکست خواهیم داد.

برنامه‌ای برای تعطیلی جایگاه‌های سوخت وجود ندارد

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ضمن تکذیب شایعه تعطیلی جایگاه‌های سوخت اعلام کرد: برنامه‌ای برای تعطیلی جایگاه‌های سوخت در کشور وجود ندارد.

به گزارش شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شانا)، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اعلام کرد: عملیات توزیع سوخت به صورت شبانه‌روزی و طبق روال گذشته ادامه دارد و هیچ برنامه‌ای مبنی بر تعطیلی جایگاه‌های سوخت در کشور نیست.

این شرکت از هموطنان خواست تا بدون هیچ‌گونه نگرانی و در کمال آرامش و طبق روال معمول در طول مدت شبانه‌روز و با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی به جایگاه‌های عرضه سوخت مراجعه و سوخت مورد نیاز خود را دریافت کنند.

همچنین سخنگوی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی گفت: به تمام جایگاه ها ابلاغ کرده ایم که نسبت به تجهیز جایگاه ها به اقلام بهداشتی اقدام کنند اما تامین این اقلام برعهده شرکت ملی پخش نیست.

فاطمه کاهی در گفتگو با ایسنا با تاکید بر اینکه جایگاه های عرضه سوخت مایع باید پروتکل های بهداشتی وزارت بهداشت را اجرا کنند، اظهار داشت: جایگاه داران موظف هستند که جایگاه ها را ضد عفونی کنند و این موضوع در حیطه وظایف خود جایگاه ها است و شرکت ملی پخش روی این موضوع نظارت می کند.

وی با بیان اینکه به تمام جایگاه ها ابلاغ شده که اپراتورها باید فرآیند سوخت گیری را انجام دهند اما اگر مالک خودرو ترجیح دهد که خودش سوخت گیری کند با حفظ و رعایت بهداشتی این موضوع ممانعتی ندارد، اظهار داشت: توصیه ما این است که افراد حتما نکات بهداشتی را رعایت کنند و حداقل هنگام سوخت گیری دستکش یکبار مصرف به همراه داشته باشند تا از این طریق بتوان از شیوع این ویروس جلوگیری کرد.

سخنگوی شرکت ملی پخش فراورده های نفتی با اشاره به اقدامات صورت گرفته برای تجهیز جایگاه ها به مواد ضد عفونی و دستکش های یکبار مصرف گفت: در تلاش هستیم که اگر در جایگاهی محدودیت تامین مواد ضدعفونی وجود دارد با آن جایگاه همکاری داشته باشیم تا این اقلام تامین شود.وی در پاسخ به این سوال که باتوجه به اینکه جایگاه ها یکی از مکان های پر خطر در انتقال ویروس کرونا هستند، چه نهاد یا سازمانی باید نظارت جدی روی این مساله داشته باشد، گفت: تامین اقلام بهداشتی با خود مالکان جایگاه ها است و تاکنون برای جایگاهی که نخواهد این تجهیزات را تامین کند، مجازاتی در نظر گرفته نشده است.

کاهی با تاکید بر اینکه شرکت پخش برای این مساله قانونی در نظر نگرفته است، اظهار داشت: تقاضای ما از مردم این است که رعایت نکات بهداشتی در پمپ بنزین را در نظر داشته باشند و به این موضوع توجه کنند.

وی در مورد تصمیمات اتخاذ شده برای افزایش تعداد پرسنل جایگاه های سوخت، گفت: اپراتور باید فرایند سوختگیری را انجام دهد و به تمام جایگاه ها این موضوع را ابلاغ کرده ایم و اگر یک جایگاه شلوغ بود و فرایند سوخت گیری معطلی به همراه داشت، خواهش ما از مردم این است که همکاری داشته باشند.

پیش بینی بارش برف و باران در هفته پایانی اسفند

با ورود سامانه بارشی از غرب، در برخی استان‌های غربی و مرکزی کشور، وقوع سیلاب، بالا آمدن آب رودخانه‌ها، آب‌گرفتگی معابر شهری، اختلال تردد در جاده‌ها و بارش تگرگ پیش‌بینی می‌شود.

صادق ضیائیان مدیر پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی در گفتگو با فارس با اشاره به اینکه سامانه بارشی وارد شده از غرب و شمال‌غرب امروز کل غرب کشور را دربرمی گیرد، گفت: این سامانه امروز دامنه‌های جنوبی البرز در استان‌های قزوین، تهران و البرز و بخش‌هایی از مرکز کشور را دربرمی‌گیرد و سبب بارش باران، گاهی رعد و برق در این مناطق می‌شود؛ ضمن آنکه در ارتفاعات این مناطق هم شاهد بارش برف خواهیم بود.همچنین در استان‌های ایلام و خوزستان پیش‌بینی وقوع گرد و خاک به علت وزش باد شدید است.

وی گفت: فردا فعالیت این سامانه بارشی در شمال‌غرب کاهش می‌یابد و این سامانه به تدریج پس از مرکز کشور به شرق کشیده می‌شود، ضمن آنکه در غرب و جنوب‌غرب کماکان بارش‌ها ادامه دارد.

ضیائیان بیان کرد: امروز در استان‌های ایلام، شمال خوزستان، لرستان ۴۰ تا ۶۰ میلی‌متر بارندگی و در جنوب غرب کردستان، کرمانشاه، شرق خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد ۳۰ تا ۴۰ میلی‌متر بارندگی پیش‌بینی می‌شود.وی اضافه کرد: در شمال و شمال شرق خوزستان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، غرب اصفهان هم فردا بین ۴۰ تا ۶۰ میلی‌متر و در ایلام بین ۳۰ تا ۴۰ میلی‌متر بارندگی و در شمال کهگیلویه و بویراحمد و جنوب استان مرکزی ۲۰ تا ۳۰ میلی‌متر بارندگی پیش‌بینی می‌شود.

مدیر پیش‌بینی و هشدار سازمان هواشناسی افزود: در این رابطه احتمال وقوع سیلاب، بالا آمدن آب رودخانه‌ها، آب‌گرفتگی معابر شهری و اختلال تردد در جاده‌های مواصلاتی، لغزندگی جاده‌های کوهستانی، احتمال بارش تگرگ در مناطق مستعد و احتمال وقوع صاعقه پیش‌بینی می‌شود.

وی بیان کرد: امروز شدت بارش‌ها در استان‌های کرمانشاه، لرستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد، همچنین غرب اصفهان و شمال‌شرق خوزستان خواهد بود.همچنین روز دوشنبه در اغلب مناطق نیمه شمالی بارش‌ها ادامه خواهد داشت.

برنامه های حمایتی دولت از فعالان اقتصادی و کادر پزشکی در مقابله با کرونا

وزیر رفاه در پیامی توئیتری نوشت: حمایت از اقشار کم درآمدی که درآمد ثابت ندارند، از مهمترین اولویت‌های دولت است.

محمد شریعتمداری اضافه کرد: با دستور مهم رئیس جمهوری و همراهی سازمان برنامه به همه افرادی که شغل خاص با درآمد ثابت ندارند، در این هفته یک بسته حمایتی پرداخت می‌شود. این افراد با کمک بانک اطلاعات ایرانیان شناسایی یا ثبت‌نام می‌شوند.

همچنین رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه گفت: حدود یک و نیم میلیون خانوار توسط سازمان هدفمندی یارانه‌ها شناسایی شده اند و در این هفته اولین بسته حمایتی در برابر زیان های ناشی از کرونا را دریافت خواهند کرد.

رضا عوض پور افزود: دولت دو بسته حمایتی برای شاغلان فاقد درآمد ثابت در دستور کار دارد؛ یکی بحث خرید اعتباری به گونه‌ای که کارگران ساختمانی، کارگران فصلی، روزمزد،دستفروشان،رانندگان‌تاکسی و کارگران رستوران‌ها می‌توانند یک تا دو میلیون تومان خرید اعتباری انجام دهند.

وی افزود: در برآورد اولیه ما حدود ۳ میلیون خانوار مشمول این طرح شناسایی شده اند و این تسهیلات با کارمزد ۴ درصد است و پس از ثبت نام متقاضیان و استحقاق سنجی افراد به نوبت پرداخت خواهد شد.

رئیس امور سلامت و رفاه اجتماعی سازمان برنامه و بودجه ادامه داد: در مرحله دوم حدود ۱/۵ میلیون خانواری که حتی درآمد متغیر هم نداشتند، توسط سازمان هدفمندی یارانه‌ها شناسایی شده اند و در این هفته اولین بسته حمایتی را دریافت خواهند کرد.

وی گفت: مبالغ دریافتی این افراد برای خانوارهای یک نفره ۲۰۰ هزار تومان، خانوارهای دو نفره ۳۰۰ هزار تومان، خانوارهای سه نفره ۴۰۰ هزار تومان، چهار نفره ۵۰۰ هزار تومان و خانوارهای پنج نفره یا بیشتر رقم ۶۰۰ هزار تومان خواهد بود.

محمود علیزاده معاون حقوقی و فنی سازمان امور مالیاتی کشور هم گفت: با توجه به شرایط کنونی که متاثر از کرونا است، بسته پیشنهادی سازمان امور مالیاتی را در نامه‌ای به ستاد مقابله با بحران کرونا ارائه کردیم که بخشی از آن تایید شده است.

وی تصریح کرد: بخشی از موارد تاییدشده درباره بازپرداخت‌های مالیاتی صنوف از این قرار است که سررسیدهای پرداخت مالیات بر ارزش افزوده که تا ۱۵ فروردین بود به ۳۱ اردیبهشت ۹۹ موکول شد.

معاون سازمان امور مالیاتی کشور افزود: در این رابطه تمام هیات‌های حل اختلافی که در اسفند ۹۸ و فروردین ۹۹ موعد برگزاری داشتند تا پایان فروردین لغو و به ۳۱ اردیبهشت موکول شد.

همچنین معاون وزیر ارتباطات از کسب وکارهای پلتفرمی دعوت کرد در کمپین «کنارهمیم» شرکت کنند. هدف از این کمپین اعطای وام قرض‌الحسنه ۲ میلیون تومانی با بازپرداخت شش ماهه به افراد روزمزدی است که درآمد آنها به شدت کاهش یافته و نیاز فوری به حمایت مالی دارند.

رئیس سازمان فناوری اطلاعات در اینستاگرام خود درباره نحوه حمایت از افرادی که به شکل روزمزد کار می‌کنند و به دلیل شیوع ویروس کرونا ممکن است با مشکلات مالی درگیر باشند، توضیحاتی داد و از کسب و کارها خواست در جهت مسئولیت اجتماعی خود در این کمپین فعالیت کنند.

امیر ناظمی گفت: در این کمپین مبالغ جمع‌آوری شده در قالب وام بدون بهره اعطا شده و پس از بازپرداخت، وام‌ها به حساب حمایت‌کنندگان بازگردانده می‌شود.

وی با تاکید بر این که درگام اول، این طرح در همکاری با کسب‌وکارهای پلتفرمی دارای کاربران خدمت‌دهنده (نظیر پلتفرم‌های خدمات منزل، ناوگان اینترنتی و...) پیش برده می‌شود، افزود: این پلتفرم‌ها با پیوستن به کمپین، کاربران خود را که مشمول طرح بوده، شناسایی کرده، مبالغ بازپرداختی را از درآمدهای آتی آن‌ها مستهلک کرده و به عنوان مسئولیت اجتماعی خود، ریسک عدم بازپرداخت‌ها را برعهده می‌گیرند.

معاون وزیر ارتباطات افزود: پلتفرم‌ها می‌توانند با پیوستن به این کمپین از کاربرانشان در وضع فعلی حمایت کنند.همچنین سایر کسب و کارها هم با حمایت مالی از این کمپین (قرض هفت ماهه) در این کار خیر شریک می‌شوند.

وی تاکید کرد: البته تک تک ما هم می‌توانیم در این کار شریک شویم، چیزی مثل مسئولیت شخصی در برابر جامعه‌ای که بخشی از دغدغه ماست. اطلاعات بیشتر درباره این کمپین در سامانه mehrabane.ir وجود دارد.

۱۶۰۰ میلیارد تومان برای مقابله با کرونا پرداخت شد

رئیس سازمان برنامه و بودجه در توییتی با اشاره به دو اقدام اصلی دولت در مقابله با کرونا تصریح کرد: تاکنون ۱۶۰۰ میلیاردتومان به ستاد ملی مقابله با کرونا و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور پرداخت شده است. به گزارش ایرنا، محمدباقر نوبخت معاون رئیس جمهوری در این توییت تصریح کرده است: افزون بر کمک به معیشت گروه‌های آسیب‌پذیر، اقدام دیگر دولت برای مقابله با کرونا، تقویت نظام بهداشت و درمان برای خدمت به مردم بوده است که تاکنون ۱۶۰۰ میلیاردتومان به ستاد ملی مقابله با کرونا و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور پرداخت شده است.

وی از اختصاص دو بسته برای اقشار کم‌برخوردار که شامل کمک ماهانه ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومانی برای ۳ میلیون ایرانی فاقد درآمد ثابت و وام یک تا دو میلیونی چهار درصدی بدون ضامن برای چهار میلیون نفر شاغل آسیب‌دیده همچون کارگران و اصناف خبر داد.

پرداخت ۲۰۰ میلیارد تومان برای سختی کار پرستاران

کمیته اطلاع رسانی ستاد مقابله با ویروس کرونای وزارت امور اقتصادی و دارایی از واریز ۱۵ میلیارد تومان در وجه اورژانس کشور و ۲۰۰ میلیارد تومان هم از محل منابع هدفمندی یارانه‌ها بابت سختی کار پرستاران در وجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خبر داد.

به گزارش روابط عمومی وزارت اقتصاد، بنا به اعلام این کمیته مبلغ ۵۶۰ میلیارد تومان توسط معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور وزارت اقتصاد برای تأمین مالی بیمه سلامت به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در هفته جاری پرداخت شده است.

همچنین کمیته اطلاع رسانی ستاد مقابله با ویروس کرونای وزارت امور اقتصادی و دارایی از واریز مبلغ ۷۰ میلیارد تومان در هفته گذشته از سوی معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور وزارت اقتصاد بابت خرید دارو در وجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خبر داد.

بنا به این گزارش همچنین مبلغ یکهزار میلیارد تومان بابت یک درصد طرح سلامت در وجه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بابت دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور پرداخت شده است.

بنابر اعلام کمیته مذکور، با هماهنگی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران همچنین صنعت بیمه کشور مبلغ ۴۵۰ میلیارد تومان برای رفع مشکل نقدینگی و مقابله با ویروس کرونا به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پرداخت کرد.

در این رابطه رئیس کل بیمه مرکزی از پرداخت سریع مطالبات وزارت بهداشت توسط شرکت‌های بیمه خبر داد.

به گزارش روابط عمومی بیمه مرکزی، غلامرضا سلیمانی با اشاره به نامه وزیر امور اقتصادی و دارایی مبنی بر مساعدت حداکثری صنعت بیمه با سربازان خط مقدم مقابله با ویروس کرونا، اعلام کرد: حمایت همه جانبه از مراکز درمانی که در صف اول مقابله با شیوع ویروس کرونا قرار دارند، وظیفه تمامی دستگاه‌های اجرایی است و صنعت بیمه هم به تمامی تعهدات قانونی و مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل خواهد کرد.

وی با ابراز قدردانی از توجه تمامی بخش‌های اقتصادی برای کنترل و مهار تبعات ناشی از شیوع ویروس کرونا از تسهیل گری در امر پرداخت عوارض بیمه نامه‌های شخص ثالث به وزارت بهداشت سخن گفت و افزود: با توجه به شرایط خاص و با تاکید وزیر اقتصادی و امور دارایی، فرایند پرداخت عوارض تسهیل شده و طی نامه‌ای دستور پرداخت حدود ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال برای کمک به رفع بخشی از مشکلات نقدینگی از سوی صنعت بیمه به وزارت بهداشت صادر شد.

رئیس شورای عالی بیمه از بسیج بیست و چهار شرکت بیمه برای تامین سریع بودجه لازم برای ایفای تعهدات خود در قبال نظام سلامت کشور به عنوان یک حرکت مسئولانه و شایسته تقدیر یاد کرد و گفت: بیمه مرکزی و تمامی شرکت‌های بیمه تاکنون در تمامی صحنه‌ها حضور موثر داشتند و برای بازگرداندن شرایط به حالت عادی و تامین تجهیزات مورد نیاز شبکه بهداشت و سلامت از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد.

برابر ماده ۳۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، با تاکید بر وظایف ذاتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، برای انجام اقدامات تشخیصی و درمانی موضوع این ماده تصریح شده که در جهت تامین بخشی از منابع مورد نیاز، باید معادل ۱۰ درصد از حق بیمه پرداختی شخص ثالث، سرنشین و مازاد بطور مستقیم طی قبضی جداگانه به حساب درآمدهای اختصاصی نزد خزانه داری کل کشور در چارچوب اعتبارات مصوب بودجه سنواتی به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز شود و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران هم مسئول حسن اجرای این قانون است.

کمک ۵ میلیارد تومانی برای حفاظت از کودکان کار

بنیاد مستضعفان به منظور حمایت از کودکان کار که به شدت در معرض ابتلا به ویروس کرونا قرار دارند، مبلغ ۵میلیارد تومان را برای حفاظت از سلامت این کودکان و تهیه و توزیع بسته‌های بهداشتی و مراقبتی در برابر کرونا در اختیار سازمان بهزیستی قرار داد.

به گزارش روابط عمومی بنیاد مستضعفان، با توجه به شیوع ویروس کرونا در کشور و همچنین در معرض خطر بودن کودکان کار که در این روزها به واسطه حضورشان در معابر و خیابان ها امکان ابتلاءشان به این ویروس وجود دارد، بنیاد مستضعفان مبلغ ۵ میلیارد تومان را برای تهیه بسته های بهداشتی و مراقبتی در برابر کرونا و همچنین ارائه آموزش های لازم به این کودکان تخصیص داد.

بر اساس این گزارش، به دنبال درخواست سازمان بهزیستی کشور مبنی بر تامین هزینه بسته های بهداشتی مراقبتی کودکان کار در سراسر کشور، بنیاد مستضعفان این مبلغ را با هدف حفاظت از سلامتی این کودکان به حساب سازمان بهزیستی واریز کرد.

همچنین مقرر شد تا سازمان بهزیستی، مسئولیت تهیه این اقلام بهداشتی و مراقبتی را عهده دار شود و بر اساس سازوکاری مشخص، این کودکان را تحت آموزش های لازم به منظور پیشگیری از ابتلا به این ویروس قرار دهد.

درخواست وام ۵ میلیارد دلاری ایران از صندوق بین المللی پول برای مبارزه با کرونا

رئیس کل بانک مرکزی با ارسال نامه ای به رئیس صندوق بین المللی پول خواستار استفاده از حق ایران برای بهره مندی از طرح ۵۰ میلیارد دلاری تسهیلات سریع آن صندوق برای مدیریت اثرات کرونا شد.

به گزارش مهر، عبدالناصر همتی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی نوشت: رئیس صندوق بین المللی پول چند روز پیش در بیانیه رسمی و همچنین مصاحبه‌ای که داشت، صریحاً اعلام کرد که جامعه بین الملل از صندوق بین المللی پول خواسته تا با ابزارهای مالی خود به کمک کشورهای درگیر با شیوع ویروس کرونا بشتابد و پشتیبانی‌ها را در قالب کمک‌های مالی اضطراری به میزان ۵۰ میلیارد دلار اعطا کند. وی بیان کرد که هیچ کس نبایستی به دلیل کمبود منابع مالی برای تجهیزات پزشکی و مانند آن جانش را از دست بدهد.

پیرو این اعلام و برای بهره مندی از این حق ایران، روز جمعه ۱۶ اسفند نامه‌ای به خانم "کریستالیناگئورگیوا" رئیس صندوق بین المللی پول نوشته و اعلام کردم که بر اساس اعلان رسمی شما برای پشتیبانی از اعضا از جمله ایران و با توجه به شیوع گسترده ویروس کرونا در کشورمان و ضرورت تداوم پرقدرت اقدامات پیشگیری، درمان و مقابله با آثار اقتصادی آن، با توجه به میزان سهمیه جمهوری اسلامی ایران در صندوق خواستار بهره مندی از تسهیلات تأمین مالی سریع RFI در حدود ۵ میلیارد دلار هستیم.

وی اضافه کرد: واکنش جامعه جهانی و صندوق بین المللی پول می‌تواند معیار خوبی برای ارزیابی ادعاهای آنها در کمک به کنترل این ویروس و کاهش آلام مردم آسیب دیده باشد.

امیدوارم صندوق بین المللی پول به این مسئولیت خود در حوزه وظایفش به سرعت عمل کند.

همزمان بانک مرکزی از همه ابزارهای ممکن خود بمانند قبل برای پشتیبانی از هموطنان عزیز و غلبه بر مشکلات استفاده خواهد کرد.رئیس کل بانک مرکزی همچنین در مصاحبه با خبرگزاری صدا و سیما گفت: هفته پیش رئیس صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد تسهیلات ویژه و اضطراری با عنوان "آر اف آی" به عنوان تسهیلات فوری برای مقابله با کرونا بدون هیچ شرطی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد که از ایران هم نام برده شد.

وی گفت: واکنش صندوق بین المللی پول به درخواست استفاده ایران از تسهیلات برای مقابله با کرونا می‌تواند معیاری برای ارزیابی ادعای آن‌ها برای کمک به کشورهای درگیر با این بیماری باشد.

همتی افزود: مجموع مبلغ این تسهیلات برای کشورها ۵۰ میلیارد دلار است که ایران می‌تواند از ۵ میلیارد دلار تسهیلات استفاده کند.وی گفت: نامه‌ای به رئیس صندوق بین‌المللی پول نوشتم و اعلام شد ما تا به حال از تسهیلات صندوق استفاده نکرده ایم و حالا می‌خواهیم از ۱۰۰ درصد سهمیه خود استفاده کنیم.

رئیس کل بانک مرکزی افزود: منتظر جواب این نامه هستیم که اگر پاسخ مثبت بدهند، حدود ۵ میلیارد دلار باید اختصاص یابد که برای پیشگیری و درمان ویروس کرونا و آثار اقتصادی که دارد می‌توانیم به کارگیری کنیم.

وی گفت: این موضوع ارزیابی خوبی است که ببینیم چقدر در ادعای خودشان صادق هستند و به وعده‌های خودشان عمل می‌کنند.

این مقام مسئول درباره کسب و کارهای آسیب دیده از کرونا خاطرنشان کرد: هفته گذشته در شورای پول و اعتبار مصوبه‌ای داشتیم که به کسب و کارهایی که آسیب دیده‌اند، کمک شود تا بتوانند اقساط تسهیلات خود را تا سه ماه به تعویق بیاندازند که در دولت هم کمیته‌ای مصادیق مربوطه را تعیین و به بانک مرکزی اعلام کرد.

وی گفت: در ۱۰ گروه مصادیق این کسب و کارها اعلام شد و دو تقاضای جدید هم وصول شده که به کمیته دولت منعکس شده است که به مردم کمک کنیم تا این دوره طی شود و اقتصاد به حالت عادی خود بازگردد.همچنین در مورد وام‌های قرض‌الحسنه هیچ شرطی گذاشته نشده و بانک‌ها باید دریافت اقساط تسهیلات قرض الحسنه را سه ماه به تعویق بیاندازند.

همتی با تاکید بر اینکه این مصوبه لازم‌الاجراست و بانک‌هایی که آن را انجام ندهند، تخلف کرده‌اند، افزود: بانک‌ها هم مشکلاتی دارند و ممکن است روی جریان نقدینگی آن‌ها تاثیر بگذارد. با این حال اگر دچار مشکل شوند بانک مرکزی پشتیبانی و منابع مالی را تأمین خواهد کرد.

وی با اشاره به مشکلات پیش آمده برای کارکنان بانک‌ها در زمینه بیماری کرونا گفت: همه توصیه‌ها به شورای هماهنگی بانک‌ها و کانون بانک‌های خصوصی انجام شده و مردم هم باید رعایت کنند و با استفاده از روش‌های غیر حضوری کمتر به شعب مراجعه کنند.

رئیس کل بانک مرکزی گفت: اختیار کامل به بانک‌ها داده شده تا کارکنان بانکی به صورت شیفتی یا کشیک باشند تا کمتر در معرض این بیماری قرار گیرند؛ با این حال متاسفانه تا کنون ۱۷ نفر ازکارکنان بانکی به خاطر این ویروس جان خود را از دست داده اند و برخی هم در قرنطینه هستند.

در همین حال، رئیس کل بانک مرکزی همچنین از صاحبان کسب و کارهایی که به تشخیص خودشان مشمول تعویق اقساط وام‌های‌شان به مدت سه ماه هستند، درخواست کرد از مراجعه حضوری به بانک‌ها خودداری کنند.

به گزارش ایرنا، عبدالناصر همتی در صفحه مجازی خود با اعلام این خبر خود خاطرنشان کرد: از دغدغه‌های مهم اینجانب و مدیران محترم بانک ها خدمت رسانی به مردم با کمترین آسیب به همکاران تلاشگر شعب و مردم عزیز است.

وی افزود: ضمن تقدیر مجدد از همکاران عزیز بانکی که در هر شرایطی در خدمت مردم هستند، با توجه به تصمیم شورای پول و اعتبار، حمایت دولت محترم و تعیین مصادیق فعالیت‌های آسیب دیده از شیوع کرونا، از صاحبان کسب وکارهایی که به تشخیص خود مشمول تعویق اقساط وام‌های‌شان به مدت سه ماه می‌شوند، تقاضا می کنیم از مراجعه به شعب جدا خودداری کنند.

وی افزود: با توجه به هماهنگی‌های به عمل آمده، مدیران بانک‌ها هم اقدام لازم را انجام داده و اطلاع‌رسانی ضروری خواهند داشت، همه با هم کمک کنیم شیوع ویروس کنترل و با یاری خداوند متعال و همت مردم متوقف شود.

از سوی دیگر کمیته اطلاع رسانی ستاد مقابله با ویروس کرونای وزارت اقتصاد، از اعلام آمادگی سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران برای دریافت کمک‌های بانک‌های توسعه‌ای خبر داد.

بنا بر اعلام کمیته مذکور، با توجه به گستردگی و شدت شیوع کرونا در سطح جهان، معاون وزیر اقتصاد و رئیس سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران با ارسال نامه‌های جداگانه ای ضمن اعلام اقلام ضروری و فوری مورد نیاز، برای دریافت کمک‌های نقدی و غیر نقدی از بانک‌های توسعه‌ای اعلام آمادگی کرد.

این گزارش تصریح دارد: نظر به لزوم مهار این ویروس تهاجمی، این سازمان با ارسال پیام‌هایی، از کمک‌های بانک جهانی (WB)، بانک توسعه اسلامی(IDB) ، بانک سرمایه گذاری زیربنایی آسیایی(AIIB) و صندوق اوپک برای توسعه جهانی (OFID) برای مقابله جمهوری اسلامی ایران با بحران جهانی شیوع کرونا استقبال کرد.

در این نامه‌ها ضمن اشاره به طراحی برنامه‌های کمک فوری به کشورها برای مقابله با ویروس کرونا از سوی بانک‌های توسعه‌ای بویژه بانک جهانی، با تاکید بر مسئولیت اجتماعی بین المللی آنها و عضویت ایران در این نهادها تصریح شده است: انتظار می‌رود نهادهای فوق از کمک‌های خود، ایران را که در منطقه غرب آسیا بیش از سایر کشورها تحت تأثیر شیوع کرونا قرار گرفته است، با فوریت بهره مند سازند.

کمیته اطلاع رسانی ستاد مقابله با ویروس کرونای وزارت امور اقتصادی و دارایی در این اطلاعیه آورده است: این اقدام دولت جمهوری اسلامی در جهت سلسله اقدامات جامع و همه جانبه برای تجهیز منابع داخلی و خارجی برای شکست کرونا صورت گرفته است.

این گزارش می‌افزاید: مخاطب نامه‌های سازمان سرمایه گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران به رؤسای بانک جهانی، بانک توسعه اسلامی، بانک توسعه زیر بنایی آسیایی و مدیرکل صندوق اوپک (افید) بوده است.

همچنین در این گزارش آمده است: وزارت امور اقتصادی و دارایی کماکان از تمامی ابزارهای در اختیار در رابطه با حمایت و پشتیبانی از مردم عزیز ایران در مقابله با شیوع ویروس کرونا استفاده خواهد کرد.

از سوی دیگر، رئیس اتاق بازرگانی ایران در نامه‌ای به رئیس اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC مساعدت این نهاد بین‌المللی و جامعه جهانی را برای ارسال تجهیزات پزشکی به ایران در شرایط تحریم‌های ظالمانه خواستار شد.

غلامحسین شافعی با بیان اینکه اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC باید در زمینه دسترسی ایران به تجهیزات پزشکی برای مقابله با کرونا تلاش کند، گفت: نهادهای بین‌المللی می‌توانند در شرایط تحریم‌ها نقش خود را برای کنار زدن تهدیدهای سیاسی ایفا کنند.

وی افزود: سازمان بهداشت جهانی برای برخی از کشورها و مناطق دنیا به‌دلیل انتشار ویروس کرونا که یک اپیدمی جهانی است، وضع فوق‌العاده اعلام کرده است و امروز وضع جهانی، بیش از هرزمان دیگری بر ضرورت تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تجهیز توانمندی‌های فنی در خصوص کمک به کشورهای گرفتار ویروس کرونا تاکید می‌کند.

رئیس اتاق ایران گفت: متاسفانه در شرایط کنونی، جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که در معرض گسترده این بیماری بوده لذا در مسیر مبارزه جدی علیه این بیماری فراگیر قرار دارد و در این راه نیازمند هرنوع کمک برای کاهش انتشار و نابودی آن در سطح کشور است.

وی خطاب به رئیس اتاق بازرگانی بین المللی افزود: معتقدیم که این اتاق به‌عنوان یک سازمان و موسسه شناخته شده بین‌المللی می‌تواند نقش موثری در این شرایط ایفا کند. از این رو انتظار می‌رود که جنابعالی اقدامات و ترتیبات لازم را با هماهنگی فعالان اقتصادی بین‌المللی و اعضای محترم ICCبرای مشارکت در مبارزه علیه انتشار و نابودی این بیماری فراگیر از طریق فراهم آوردن و تامین نیازهای پزشکی و درمانی از قبیل تجهیزات پزشکی و مواد مورد نیاز به‌عمل آورید.

شافعی ادامه داد: مبارزه علیه این بیماری در سطوح منطقه‌ای و جهانی نه فقط مساعدت به مردم ایران است بلکه با کنترل و نابودی این ویروس، از انتشار بیشتر آن در منطقه و جهان جلوگیری به‌عمل خواهد آمد؛ این در حالی است که تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی ایالات متحده آمریکا علیه ملت ایران شرایط تهیه اقلام و لوازم مورد نیاز پزشکی و بهداشتی را مشکل کرده است.

اتاق بازرگانی بین‌المللی هم پس از انتشار خبر ارسال نامه رئیس اتاق ایران اعلام کرد: ما صدای شما را می‌شنویم و ملزم به کمک‌رسانی به هر سازمانی که نقشی در جلوگیری از شیوع دارد، هستیم.

به گزارش مهر به نقل از اتاق بازرگانی ایران، بعد از انتشار خبر ارسال نامه غلامحسین شافعی به رئیس اتاق بازرگانی بین المللی، صفحه رسمی این سازمان در توئیتری نوشت: ما صدای شما را می‌شنویم و ملزم به کمک‌رسانی به هر سازمانی که نقشی در جلوگیری از شیوع دارد، هستیم.

انتظار می‌رود طی روزهای آینده پاسخ رسمی رئیس اتاق بازرگانی بین‌المللی در زمینه کمک به ایران برای تهیه تجهیزات پزشکی ارسال شود.

امکان پرداخت وجه بلیت کنسلی مسافران هواپیما در فروردین

با وجود پیگیری‌های مستمر سازمان هواپیمایی کشور، بسیاری از شرکت‌هایی هواپیمایی پرداخت پول مسافران بابت هزینه کنسلی پروازها را به بعد از تعطیلات عید نوروز سال ۹۹ موکول کرده‌اند.

به گزارش ایرنا، از ابتدای اعلام شیوع ویروس کرونا در کشور و لغو پروازهای خارجی و داخلی، مسافران زیادی که به رسم هر سال در بهمن اقدام به خرید بلیت کرده بود، معطل ماندند که سرنوشت سفر و پول از دست رفته آنها چه می شود.

مطابق قوانین حاکم بر صنعت هوایی، ابطال سفر از سوی ایرلاین و نه مسافر مساوی با پرداخت کامل هزینه‌ها است و جریمه ای را متوجه مسافر نمی‌کند؛ با این حال بخشنامه سازمان هواپیمایی کشور به کمک مردم آمد و شرکت های هواپیمایی را موظف کرد تا تمام پول بلیت هایی که قبل از پنجم اسفند برای هر تاریخی از تعطیلات نوروزی خریداری شده است، بدون کسر جریمه به مسافران بازگردد.

اکنون بیش از دو هفته از بخشنامه سازمان هواپیمایی و تعیین تکلیف ایرلاین‌ها از سوی وزیر راه و شهرسازی برای بازگرداندن پول مسافران می‌گذرد، اما گلایه مسافران از عدم پرداختی‌ها از سوی ایرلاین‌ها افزایش یافته است.یکی از مسافران هواپیمایی ایران ایرتور به مقصد مشهد که یک خانواده چهار نفره هستند، گفت: بعد از اینکه پیگیر دریافت هزینه بلیت شدیم، به ما اعلام کردند که باید ۲۰ روز کاری از تاریخ ابطال بلیت صبر کنید و این‌طور نیست که بلافاصله امکان بازگرداندن هزینه‌ها میسر باشد و بر این اساس مبلغ هزینه شده بعد از تعطیلات عید نوروز به ما بازخواهد گشت.

مسافر دیگری که بلیت خود را به مقصد یکی از کشورهای خارجی تهیه کرده است، گفت: آژانس مسافرتی که بلیت خود را از آنجا تهیه کرده‌ام به ما اعلام کرده است که ایرلاین‌ها قادر به پرداخت بدهی کنسلی‌ها نیستند و بعد از تعطیلات نوروز هزینه‌ها بازگردانده می‌شود.

رضا جعفرزاده سخنگوی سازمان هواپیمایی کشور در این باره گفت: به ایرلاین‌ها مجددا توصیه شده است که طرف‌های قرارداد خود را مجاب کنند تا نسبت به پرداخت هزینه کنسلی بلیت‌ها بدون قید زمان اقدام کنند.

وی در مورد آخرین وضع پرداخت هزینه کنسلی پروازها از سوی شرکت های هواپیمایی به مسافران گفت: بر اساس بخشنامه سازمان هواپیمایی کشوری تمام ایرلاین ها باید هزینه کنسلی ها را بدون کسر جریمه به مسافران پرداخت کنند.سخنگوی سازمان هواپیمایی کشور تاکید کرد: هم شرکت های هواپیمایی و هم دفاتر خدمات مسافرت هوایی و هم مراکز فروش الکترونیک همگی در مورد این بخشنامه توجیه هستند و باید پول مسافران را بر اساس این بخشنامه بازگردانند.

وی توضیح داد: حجم کنسلی‌ها بخاطر توصیه‌های وزارت بهداشت بالا است؛ با این حال ایرلاین‌ها در حال پرداخت هزینه‌ها به مسافران هستند. البته به دلیل حجم بالای کنسلی‌ها گهگاه دیده شده است که در زمینه پرداخت هزینه بلیت ها کوتاهی شده است؛ به همین دلیل به ایرلاین ها مجددا توصیه کردیم که طرف های قرارداد خود که فروشنده بلیت شرکت‌های هواپیمایی هستند را بدون قید زمان و تا اطلاع ثانوی نسبت به پرداخت پول مسافران مجاب کنند.

پذیره‌نویسی نخستین اوراق مرابحه عام دولت

تامین مالی ۱۱۰ هزار میلیارد ریالی دولت به زودی از طریق فرابورس با پذیره‌نویسی اوراق مرابحه عام رخ خواهد داد.

به گزارش مهر، پذیره‌نویسی این اوراق با سررسیدهای ۴۸ و ۴۲ ماهه روز ۲۵ اسفند ۹۸ از طریق بازار ابزارهای نوین مالی فرابورس انجام خواهد شد.بر این اساس، اوراق مرابحه عام دولت در نمادهای «اراد ۲۱، اراد ۲۲، اراد ۲۳ و اراد ۲۴» به ارزش ۷۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال پذیره‌نویسی می‌شود که دارای سررسید ۴۸ ماهه است. علاوه بر این شاهد پذیره‌نویسی اوراق «اراد ۱۱، اراد ۱۲ و اراد ۱۳» با مدت ۴۲ ماهه به ارزش ۳۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال خواهیم بود که جمعا به تامین مالی ۱۱۰ هزار میلیارد ریالی دولت خواهد انجامید.گفتنی است: موضوع انتشار این اوراق تامین نقدینگی مورد نیاز برای خرید کالاها و خدمات مورد نیاز دستگاه‌های اجرایی است. نکته مهم در مورد اوراق مرابحه عام این است که صرفا توسط دولت منتشر خواهد شد.

افزایش ظرفیت و تولید آلومینیوم و شمش فولاد کشور

براساس سند نقشه راه بخش معدن و صنایع معدنی کشور و برنامه چهار ساله وزارت، صنعت، معدن وتجارت (۱۴۰۰– ۱۳۹۷)، ظرفیت آلومینیوم کشور امسال نسبت به سال ۹۷ بیش از ۶۰ درصد افزایش خواهد یافت.

به گزارش ایرنا، جداول آماری سند نقشه راه بخش معدن و صنایع معدنی کشور گویای آن است که سال ۹۷ ظرفیت آلومینیوم سازی کشور به رقم ۴۲۲ هزار تن و تولید به رقم ۳۳۷ هزارتن رسید و علاوه برآن میزان تولید پودر آلومینا هم برابر ۲۲۰ هزار تن شد. همچنین پارسال تولید پودر آلومینا با افزایش ۹ هزار تنی به رقم ۲۲۹ هزار تن و شمش آلومینیوم تولیدی هم با افزایش ۴۸ هزارتنی در مقایسه با ۹۶ به ۳۸۵ هزار تن رسید.

پیش بینی شده امسال تولید شمش آلومینیوم به رقم ۶۲۹ هزار تن برسد که تحقق آن افزایش ۲۴۴ هزارتنی در مقایسه با عملکرد پارسال را در کارنامه می گنجاند. علاوه براین انتظار می رود ظرفیت آلومینیوم سازی کشور هم رقم ۷۷۵ هزار تنی را ثبت کند که این مهم با فعال سازی مجتمع آلومینیوم جنوب (سالکو) تحقق خواهد یافت.

برابر سند مزبور در سال های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ برای تولید پودر آلومینا ارقام ۲۶۷ هزار تن پیش بینی شده و بدون تغییر است و این مهم در زمینه تولید شمش آلومینیوم هم رقم ۶۲۹ هزار تن بوده که ثبات پیدا می کند.ظرفیت آلومینیوم سازی هم در دوره این گزارش از سال ۹۸ تا ۱۴۰۰ بدون تغییر رقم ۷۷۵ هزار تن ثبت شده است.

جداول آماری عملکرد واحد های تولید کننده شمش آلومینیوم (ایرالکو، هرمزال، المهدی و آلومینای ایران) گویای آن است که با ثبت تولید ۲۴ هزار و ۸۹۳ تن در دی امسال، نسبت به دوره مشابه پارسال رشد ۳۸ درصدی دارد. این واحدها در ۱۰ ماهه امسال(منتهی به دی) در مجموع ۲۲۱ هزار و ۲۲۳ تن تولید داشتند که در مقایسه با دوره مشابه پارسال افت ۱۷ درصدی را داشته اند.بیشترین میزان تولید شمش آلومینیوم در دی امسال مربوط به ایرالکو(اراک) با رقم ۱۴ هزار و ۲۴۶ تن ثبت شد که در مقایسه با دی ۹۷ افزایش دو درصدی دارد. علاوه براین در ماه مورد بررسی بیشترین درصد رشد هم مربوط به هرمزال با تولید ۴ هزار و ۵۳۸ تن و رشد ۱۳۲ درصدی نسبت به دی ۹۷ است.

براساس جداول آماری مورد بررسی در دوره این گزارش، ایرالکو با رقم ۱۴۶ هزار و ۹۳۹ تن بیشترین میزان تولید را ثبت کرد که نسبت به ۱۰ ماهه پارسال یک درصد رشد دارد.

پیش از این جداول آماری سازمان توسعه ونوسازی معادن وصنایع معدنی ایران(ایمیدرو) در دوره ۹ ماهه امسال (منتهی به آذر) خبر از تولید ۱۸۵ هزار و ۵۷۰ تن شمش آلومینیوم داده بود.

مجتمع آلومینیوم جنوب (سالکو) منطقه ویژه اقتصادی لامرد (فارس) قرار است در سه فاز سالانه ۳۰۰ هزار تن شمش آلومینیوم تولید کند که از این رقم ۱۵۰ هزار تن برای مصرف داخل کشور و بقیه صادر می‌شود.آمارها نشان می دهد که میزان کل سرمایه گذاری این طرح یک میلیارد دلار است و اشتغالزایی مستقیم این کارخانه یکهزار و ۲۰۰ نفر درنظر گرفته شده است. وارد مدار شدن مجتمع مزبور براساس ظرفیت مورد انتظار و تولید شمش نقش کلیدی در تامین نیاز بازار داخل و تامین ارز مورد نیاز از محل صادرات به بازارهای هدف خواهد داشت.

بررسی ها نشان می دهد که با اتمام طرح آلومینیوم جنوب و واحد ۴۰ هزار تنی جاجرم (بجنورد) انتظار می رود ایران در این بخش به رتبه دوازدهم جهان برسد. آمارهای منتشر شده گویای آن است که ایران اکنون در جایگاه هجدهم جهان جای دارد و به این ترتیب با طرح های مزبور به رشد قابل توجهی (صعود شش پله ای) دست خواهد یافت.

پیش‌بینی تولید ۳۱ میلیون تن شمش فولاد

براساس سند نقشه راه بخش معدن و صنایع معدنی کشور و برنامه چهار ساله وزارت صنعت، معدن وتجارت، همچنین پیش بینی شده امسال میزان تولید شمش فولادی به رقم ۳۱ میلیون تن برسد که این رقم حدود ۶ میلیون تن بیش از عملکرد پارسال است.

به گزارش ایرنا، میزان تولید شمش فولادی در سال ۱۳۹۶ (زمان آغاز برنامه ششم توسعه) برابر با ۲۲ میلیون تن بود و پارسال به رقم نزدیک به ۲۵ میلیون تن رسید.

ایران اکنون در بین ۱۰ فولاد ساز شاخص جهان جای گرفته و انتظار می رود تا افق چشم انداز ۱۴۰۴ به ظرفیت ۵۵ میلیون تن در این بخش برسد که پیش بینی شده با سه پله صعود در بین هفت فولادساز دنیا قرار گیرد. برپایه سند یاد شده، پیش بینی شده سال آینده میزان تولید شمش فولادی کشور به رقم ۳۳ میلیون تن و در سال ۱۴۰۰ برآورد شده که تولید به ۳۴ میلیون تن برسد.

همچنین امسال پیش بینی شده که بخش فولاد ۴۰ تا ۴۵ درصد از مجموع ارزش صادرات بخش معدن وصنایع معدنی را به خود اختصاص دهد که انتظار می رود بالغ بر ۱۰ تا ۱۲ میلیون تن صادرات فولاد محقق شود.

ایران در سال‌های آغازین دهه ۹۰ سالانه ۵ تا ۷ میلیون تن واردات شمش و مقاطع فولادی داشت، اما اکنون در بین صادرکنندگان این بخش جای گرفته است. همچنین آمارهای صادرات شمش و تولیدات فولادی در دوره ۱۰ ماهه امسال به بیش از ۸/۸ میلیون تن رسید که از این میزان بیش از ۶۶ درصد سهم شمش است. صادرات شمش فولادی در دوره ۱۰ ماهه منتهی به دی نسبت به مدت مشابه پارسال که رقم ۳ میلیون و ۹۷۲ هزار تن بود، رشد ۴۷ درصدی را نشان می دهد. براساس جداول آماری انجمن تولید کنندگان فولاد ایران، در مدت ۱۰ ماهه امسال ۵ میلیون و ۸۲۱ هزار تن شمش فولادی و ۲ میلیون و ۹۸۴ هزار تن تولیدات فولادی صادر شده است.

انجمن جهانی فولاد در گزارش ماه ژانویه (۱۱ دی لغایت ۱۱ بهمن)۲۰۲۰ خود از رشد تولید فولاد خام ایران نسبت به جهان به میزان افزون بر ۲۰ برابر خبر داد و تولید فولاد خام ایران در این زمان شاهد رشد ۴۶/۷ درصدی و تولید جهانی این فلز راهبردی ۲/۱ درصد افزایش یافت.پارسال ظرفیت فولاد سازی کشور براساس اعلام وزارت صنعت به رقم ۳۵ میلیون تن رسید و امسال انتظار می رود که بیش از ۳۶ میلیون تن ثبت شود.

انجمن جهانی فولاد(World Steel Association) در ماه نخست سال ۲۰۲۰ میلادی گزارش داد، ایران ۲ میلیون و ۸۹۵ هزارتن فولاد خام (میانی) تولید کرد که در مقایسه با تولید پارسال که یک میلیون و ۹۷۱هزارتن بود، معادل ۴۶/۷ درصد افزایش نشان می دهد.

برابر جداول آماری وزارت صنعت، معدن وتجارت، تولید فولاد خام(میانی) در ۱۰ ماهه امسال به رقم ۲۰ میلیون و ۶ هزار و ۲۰۰ تن رسید که در مقایسه با ۱۸ میلیون و ۷۳۴ هزار و ۸۰۰ تن عملکرد دوره مشابه پارسال رشد ۶/۸ درصدی دارد.تولیدات فولادی هم در این دوره بالغ بر ۱۷ میلیون و ۵۸۵ هزار و ۹۰۰ تن ثبت شد که نسبت به دوره مشابه پارسال که ۱۶ میلیون و ۹۴ هزار یکصد تن بود،معادل ۹/۳ درصد افزایش دارد.

توانیر: پرداخت هزینه انشعاب برق قسطی شد

مشترکان جدید متقاضی دریافت انشعاب برق، با تسهیلات در نظر گرفته شده ناشی از شرایط کنونی کشور می‌توانند هزینه انشعاب خود را به صورت اقساطی پرداخت کنند.

مصطفی رجبی مشهدی معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر در گفتگو با ایرنا افزود: سالانه یک میلیون مشترک جدید به مشترکان شبکه برق کشور افزوده می شود که با توجه به شرایط پیش آمده ناشی از گسترش ویروس کرونا، تلاش شد حداکثر همراهی با متقاضیان جدیدی که درخواست انشعاب داده‌اند، صورت گیرد.وی تعداد کنونی مشترکان شبکه برق کشور را ۳۶ میلیون اعلام کرد که خدمات مورد نیاز به آنها بدون هیچ مشکلی ارائه می‌شود و ادامه داد: اکنون همه تمهیدات لازم برای پایداری شبکه برق با هدف گذر از این شرایط اندیشیده شده و سال آینده هم شبکه به صورت پایدار و مطمئن بهره برداری خواهد شد تا در ارائه خدمات به مشترکان کوچکترین مشکلی ایجاد نشود.

رجبی مشهدی گفت: تلاش شده همه خدمات غیر حضوری ارائه شود و براساس تمهیداتی که در قبض سبز دیده شده، حتی مراجعه پرسنل به درب منازل مردم کم شده و تمهیدات برای پرداخت الکترونیک صورت گرفته است.معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی شرکت توانیر افزود: تسهیلاتی برای برخی کسب و کارهای کوچک و بخش تجاری که دچار آسیب شده اند و بخش خانگی برای آنکه برق آنها قطع نشود دیده شده تا بتوانند اردیبهشت هزینه ها را پرداخت کنند.

برگزاری جشنواره بهاره مجازی تا ۲۹ اسفند

مرکز توسعه تجارت الکترونیک زمان برگزاری جشنواره بهاره مجازی را ۲۳ تا ۲۹ اسفند ۱۳۹۸ اعلام کرد.

به گزارش فارس، در روزهایی که اقشار مختلف جامعه با تبعات منفی ناشی از شیوع ویروس کرونا نظیر ریسک به مخاطره افتادن سلامتی مردم در خریدهای بازاری و به تبع آن، رکود نسبی حاکم بر اصناف و بازاریان گریبانگیر هستند، مرکز توسعه تجارت الکترونیک درنظر دارد در یک همکاری ملی با مشارکت هماهنگ بخش حاکمیتی، خصوصی و بسیج کشور با برگزاری جشنواره بهاره مجازی، گام مؤثری برای مقابله با آثار منفی سلامتی و اقتصادی شرایط فوق بردارد.

این جشنواره همانند نمایشگاه‌های بهاره‌ای که هر ساله به صورت عرضه مستقیم کالا در شهرهای مختلف کشور و در چند نقطه از تهران برگزار می‌شد، در سال جاری با توجه به شرایط به وجود آمده ناشی از ویروس کرونا، در فضای مجازی و در بازه زمانی ۲۳ تا ۲۹ اسفند برگزار خواهد شد.

مشارکت همدلانه و همزمان مردم در حفظ سلامت آحاد جامعه و همچنین حمایت از رونق کسب و کارها، استفاده از ظرفیت فروشگاه‌های اینترنتی موجود (از جمله بازارگاه‌ها) و به‌طورکلی استفاده از ظرفیت‌های تجارت الکترونیک توسط واحدهای صنفی فیزیکی، تخفیف‌های ویژه، جوایز ارزنده نقدی و غیرنقدی و رویکردی تحول‌گرایانه در خرید و فروش اینترنتی از مشخصه‌های اصلی جشنواره مذکور است.

با عنایت به ضرورت جلب مشارکت تمامی ذینفعان و نهادهای تأثیرگذار تلاش شده تا در اجرای این جشنواره از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های آنان استفاده بهینه به عمل آید که از جمله می‌توان به وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بسیج اصناف و دانشجویی کشور، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و اتاق اصناف ایران اشاره کرد.

مرکز توسعه تجارت الکترونیک اعلام کرد: از اقشار مختلف جامعه دعوت بعمل می‌آید تا با مراجعه به وب‌سایت جشنواره بهاره مجازی به آدرس: Bahar۹۹.ir علاوه بر آشنایی هر چه بیشتر با نحوه فعالیت و مشارکت در جشنواره، در این رویداد ملی شرکت کرده و از منافع آن بهره‌مند شوند.

همچنین رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیک وزارت صنعت، معدن و تجارت در گفتگوی ویژه خبری گفت: جشنواره بهاره امسال به طور مجازی، برگزار می شود.

علی رهبری افزود: همواره جشنواره‌های بهاره در قالب نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالاها با تخفیف‌های مناسب در اختیار مردم قرار می گرفت که امسال به دلیل شیوع کرونا این نمایشگاه‌ها تعطیل شده است.

رئیس مرکز توسعه تجارت الکترونیک وزارت صنعت شعار این جشنواره را «همدلی مردم و اصناف» نامید و افزود: این جشنواره که با کمک بخش خصوصی راه اندازی شده است، بستری مناسب برای خرید و فروش مجازی از سوی مصرف کنندگان و فروشندگان است.

رهبری گفت: ضمناً اینترنت مصرفی مردم برای خرید از این جشنواره رایگان خواهد بود.

وی افزود: در مورد رسیدگی به شکایات مردمی در مورد تأخیر در تحویل کالا یا معیوب بودن اجناس فروشگاه‌های اینترنتی، سازوکارهای قانونی و قضایی مناسبی تدوین و ترسیم شده است.

همچنین رئیس اتاق اصناف تهران هم با اشاره به اینکه دارا بودن پروانه کسب، شرط حضور در فروشگاه‌های اینترنتی خواهد بود، افزود: وجود پروانه کسب در موضوع فروشگاه‌های اینترنتی می‌تواند دلگرمی مصرف کننده در قبال مشکلاتی از قبیل معیوب بودن احتمالی یا دیر رسیدن کالا به دست مشتری باشد.

وی درباره نرخ اقلام فروشگاه‌های اینترنتی هم گفت: مردم از قیمت‌ها آگاهند و تخفیف بر محصولات می‌تواند از مزیت‌های فروشگاه‌های اینترنتی باشد.

رسانه در شرایط بحران

بخش نخست

نقش جدی رسانه‌ها در دنیای امروز از کارکرد ابتدایی آنها بسیار فراتر رفته است. شاید به طور سنتی تصور ابتدایی همه ما از رسانه، ابزاری برای اطلاع‌رسانی باشد. اما امروزه، رسانه به ابزاری جنگی برای حمله یا دفاع در آمده است.

حدود دو دهه پیش، زمانی که امریکا و نیروهای متحد برای بار دوم به عراق حمله کردند، بزرگان و اهل نظر از تأثیر غریب رسانه‌ها سخن به میان آوردند، جنگی که مقدمات آن با رسانه آغاز شد و با رسانه پیشروی کرد، حکومتی را ساقط کرد و دولتی جدید شکل داد. بعدها معلوم شد بهانه جنگ، صرفا یک بازی رسانه‌ای بود و واقعیت نداشت، پس از آن باز هم مشخص شد در جای جای نبرد، رسانه‌ها تصاویری را به ما می‌قبولاندند که با واقعیت محض کف میدان متفاوت بود.

ورود سرمایه کمپانی‌ها به رسانه‌ها نیز در همین دو دهه شکل جدی‌تری به خود گرفت و مراحل تنظیم و توزیع خبر فیلتر جدیدی پیدا کرد و این یعنی دور شدن بیشتر از حقیقت.

سرمایه‌های تجاری و دولتی کارکرد رسانه‌ها را طوری مختل کرده اند که امروزه صحبت از کارکرد دوگانه رسانه می‌شود. یعنی همزمان که رسانه می‌تواند مثلاً در مسیر صلح باشد، همان مقدار می‌تواند آتش بیار معرکه جنگ شود؛ همزمان که می‌تواند عامل آرامش اجتماعی باشد، می‌تواند برهم زننده نظم و مخل آسایش ملتی قرار گیرد و به طور خلاصه، رسانه همزمان می‌تواند بحران ساز و بحران زدا باشد.

نقش رسانه در بحران

رسانه‌ها در چند دهه اخیر آنچنان به رشد و تأثیرگذاری رسیده‌اند که به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی بشر مبدل شده‌اند. رسانه‌ها در عین حال، به دلیل کارکردهای متعدد به صورت بخشی از انواع بحران‌ها درآمده‌اند؛ چنان که بحرانی را نمی‌توان بدون حضور رسانه‌های جمعی در آن تصور کرد. نقش دوگانه رسانه‌ها در بحران‌سازی و بحران‌زدایی به دلیل سرعت در انتقال اخبار، استفاده گسترده از فناوری‌های نوین ارتباطی، توانایی در جذب مخاطبان انبوه و مشارکت در فرآیند شکل دهی به افکار عمومی سبب شده است که رسانه‌ها به ابزار مهمی‌برای مداخله در بحران‌ها و کشمکش‌های داخلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شوند. برخی حتی براین عقیده‌اند که یک مسأله زمانی به بحران تبدیل می‌شود که در کانون توجه رسانه‌ها قرار گیرد. به عقیده آرپان و پومپیر، هرچند سه عامل ریسک، زمان و کنترل موجب پیچیدگی فرایند ارتباطات در شرایط بحران می‌شوند، در اصل به صلاح نیست که در طول بحران از ارتباطات رسانه‌ای چشم‌پوشی شود. بحران، مشخصات خاصی دارد که به طور معمول آمیزه‌ای از سه عنصر است: تهدید یا فرصت، زمان محدود و میزان فشار وارد شده. بنابراین بحران موقعیتی است که در آن تهدیدی غیره منتظره متوجه ارزش‌های حیاتی می‌شود و زمان تصمیم‌گیری را محدود می‌سازد. اما از آنجایی که کارکرد امنیتی رسانه‌ها در کنار تهدیدآمیز بودن آن در جامعه کنونی اهمیت غیر قابل انکار یافته و شرایط خاص ملی منطقه‌ای و جهانی و پیچیدگی اوضاع سیاسی بر اهمیت این کارکرد افزوده است، مدیریت در این بخش درحقیقت مانع و رادعی ساختارمند در مواجه با بحران خواهد بود.

فشارهای روانی «کرونا»

بحران کرونا ماهیتاً یک بحران بهداشتی است، اما موج بزرگ رسانه ای، چنان رعبی در جوامع ایجاد کرده که حالا در کنار مهار بیماری، به عنوان یک عارضه فیزیکی، لازم است فکری برای مهار بحران‌های روحی روانی آن کرد.

پس از شناسایی افراد مبتلا به این ویروس در کشور، یک روانشناس با تأکید بر اینکه افرادی که ناهنجاری‌های روانی دارند در این شرایط بیش از سایر افراد در معرض خطر هستند، می‌گوید: مهم ترین وظایف هر فردی «ایجاد آرامش روانی» است.

به گزارش خبرگزاری ایسنا امیرحسین آخوندی با بیان اینکه رفتار انسان‌ها ناشی از یادگیری و یادگیری ناشی از تجربه به دست می‌آید، می‌افزاید: بروز ویروس کرونا اتفاق خاصی است چراکه طی چند دهه اخیر دنیا با موضوع این چنینی گریبانگیر نبوده و افراد تجربه‌ای ندارند، به همین دلیل می‌بینیم که رفتار جدیدی از خود بروز می‌دهند؛ رفتارهایی که ممکن است برخی از آنها ناهنجار باشند، اما همانطور که گفته شد این نابه‌هنجاری رفتار کاملاً طبیعی است زیرا در شرایط جدیدی قرار داریم.

وی با تأکید بر اینکه رفتارهای مردم در شرایط کنونی محصول نگرانی است، ادامه می‌دهد: در حال حاضر مردم اخبار را از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و برخی شبکه‌های ماهواره‌ای که عموما طرفدار ثبات در کشور نیستند، پیگیری می‌کنند و از آنجایی که برخی اخبار ضد و نقیض اند، مردم را از این بابت که مبادا درباره آمارها و... به آنها دروغ گفته شود نگران می‌کنند.

آخوندی معتقد است: انسان‌ها زمانی که نگران می‌شوند شروع به فکر کردن می‌کنند، اما تا موضوعی نگرانی آنها را برطرف نکند از بین نمی‌رود که این عدم آگاهی درباره نحوه رفتار در شرایط، موجب بروز رفتارهای غیرطبیعی می‌شود. لذا اگر در این شرایط رفتارهای غیرمعمولی مشاهده می‌شود، این موضوع طبیعی است. زمانی که طی هفته اخیر اغلب افراد ماسک زده‌اند، دستکش به دست دارند، فردی با فرد دیگر دست نمی‌دهد و به طور کلی رفتارهای معمولی که مردم روزانه آن را انجام می‌دادند دیگر انجام نمی‌دهند، باعث می‌شود مردم احساس کنند اتفاقی در حال رخ دادن است. در همین میان افرادی که از سلامت روانی خوبی برخوردار نیستند استرس‌زاتر رفتار می‌کنند و باید به آنها حق داد و هیچکس نمی‌تواند فردی را به دلیل رفتارهایش سرزنش کند زیرا منشاء این رفتارها ذهن است.

چه افرادی در معرض فشار روانی هستند؟

در یک جامعه، افراد با ویژگی‌ها و توانمندی‌های متفاوتی زندگی می‌کنند. از این رو در هنگام بروز بحران واکنش‌ها متفاوت است. آخوندی با تأکید بر اینکه افرادی که دچار افسردگی، فوبیا، پارانوئید و ناهنجاری‌های روانی هستند در این شرایط بیش از سایر افراد در معرض خطر هستند، می‌افزاید: افرادی که از سلامت روان برخوردارند و از نظر شغلی، مالی و خانوادگی در شرایط خوبی هستند، از این شرایط موجود در جامعه راحت‌تر عبور می‌کنند اما افرادی که دچار ناهنجاری‌های روانی هستند، در شرایط عادی نگرانی و استرس دارند.

وی در ادامه با بیان اینکه در این شرایط هر یک از افراد جامعه وظایفی برعهده دارند، می‌گوید: مهم ترین وظایف هر فردی «ایجاد آرامش روانی» است؛ در این شرایط افراد باید آرامش روانی را در اجتماعات و خانواده حکم‌فرما کنند. باور اینکه هر بیماری علتی دارد و عوامل کنترل‌کننده و بازدارنده‌ای نیز برای آن وجود دارند که می‌توانند از ابتلای افراد به کرونا جلوگیری کنند، می‌تواند در ایجاد آرامش موثر باشد. به نظر می‌رسد تمرکز بر نحوه پیشگیری از ابتلا به کرونا بار روانی بسیار مثبتی دارد تا اینکه درباره شیوع، آمار قربانیان و... صحبت شود.

این روانشناس تصریح می‌کند: همچنین افراد باید از دامن زدن به شایعات خودداری و حتی از بیان اطلاعات و اخباری هم که در مورد کرونا صحت دارند نیز بپرهیزند. همیشه در همه اتفاقات بد، تمرکز تمامی‌روانشناسان و مشاوران انحراف‌سازی افکار مردم به سمت اتفاقات مثبت با رعایت نکات ایمنی است. یکی از روش‌هایی که در درمان افسرده‌های روانی استفاده می‌شود، بزرگنمایی نکردن مشکلات و کوچک‌نمایی کردن مشکلات است. توصیه می‌شود افکار خود را از هجمه‌های منفی موجود منحرف کرده و به مسائل مثبت بیندیشیم.

وظایف مسؤولان

بحران‌های بزرگ همچون شیوع کرونا، واکنش‌های متنوعی را در جامعه باعث شده است که لازم است مدیریت شود.

آخوندی در ادامه درباره وظایف قانون‌گذاران توضیح می دهد: بزرگ ترین وظایف قانون‌گذاران، اطلاع‌رسانی صحیح و اطمینان‌بخشی درست به شهروندان است حتی اگر این اطلاعات بد باشند، است. این موضوع باعث می‌شود مردم به اخبار مثبتی که از طریق دولت به خبرگزاری‌های داخلی داده می‌شود اطمینان کنند و اگر اتفاقات بهتری در این شرایط رخ داد و راه درمانی کرونا نیز به دست آمد یا تعداد بهبودیافتگان اعلام شد مردم بتوانند به این اخبار اطمینان کنند. همچنین قانون‌گذاران سعی کنند بر روی اخبار مثبت تمرکز بیشتری داشته باشند. چراکه اخبار مثبت می‌تواند به شدت سطح روانی جامعه را مثبت کرده و بار روانی منفی را از دوش جامعه بردارد.

بنا به گفته این روانشناس، در شرایط کنونی برخی افراد از روی نادانی یا به دلایل خاصی اقدام به شایعه‌پراکنی می‌کنند وشایعه‌پراکنی می‌تواند بار روانی داشته باشد. در همین راستا یکی از بزرگ ترین اقداماتی که دولت باید داشته باشد رفتار قاطعانه با شایع‌پردازهاست؛ یعنی به مردم اعلام شود که اطلاعاتی که از سوی شایع‌پردازها داده شده شایعه بوده است و پس از آن با آن افراد برخورد شود. این موضوع باعث می‌شود مردم نسبت به شایعه‌پردازی‌ها آگاه باشند و افرادی هم که قصد شایعه‌پراکنی دارند از انجام این کار دست بردارند.

آخوندی در ادامه با اشاره به اینکه استفاده از برخی واژه‌ها و اصطلاحات بار روانی دارند، ادامه می‌دهد: برخی مسؤولان و حتی افرادی که تحصیلات آکادمیک دارند در این شرایط اصطلاحاتی را به کار می‌برند که موجب رعب و وحشت در مردم می‌شود؛ به طور مثال زمانی که در چنین شرایط خاصی از اصطلاحاتی مانند «قرنطینه» استفاده می‌شود، این کلمه بار روانی دارد و زمانی که از واژه‌های این چنینی استفاده می‌شود شاید ۸۰ درصد مردم و حتی افراد باسواد معنی این کلمات و اتفاقات را ندانند؛ پس باید پس از بیان این واژه‌ها برای مردم شفاف‌سازی کرد.

وی معتقد است: در این شرایط سطح نگرانی جامعه بسیار بالاست و شاید برخی افراد با پیشینه روانی خاص این وضعیت را برنتابند. شاید تا هفته آینده روش درمانی ویروس کرونا به دست آید، اما باید توجه کرد افرادی که به لحاظ روانی از وضعیت خوبی برخوردار نیستند، به دلیل شرایط موجود تا چند ماه ممکن است درگیر استرس‌ها، نگرانی‌ها و حتی بدکاری‌های عصبی روانی شوند و تا مدت‌ها با آن درگیر باشند، لذا در این شرایط باید مسؤولان سطح نگرانی جامعه را کاهش دهند.

نقش رسانه

اخبار و اطلاعات از طریق رسانه‌ها به جامعه منتقل می‌شوند. نوع این انتقال می‌تواند تأثیر زیادی بر واکنش‌های فردی و اجتماعی بگذارد.

علی‌اکبر قاضی‌زاده، استاد روزنامه‌نگاری، با تأکید بر اینکه رسانه‌ها در بحران پیش‌آمده به دلیل کرونا بیشتر وظیفه روشنگری دارند، متذکر می‌شود: نمی‌گوییم ماجرا کوچک است و حادثه‌ای پیش نیامده، اما به جای اینکه وحشت ایجاد کنیم و به وحشت ایجاد شده دامن بزنیم، سعی کنیم به مردم راه را نشان دهیم.

این استاد روزنامه‌نگاری در گفتگو با ایسنا درباره وظیفه رسانه‌ها در اتفاقات اخیر و به ویژه کمک به انتشار اخبار موثق درباره ویروس کرونا، به وجهی از رسانه اشاره می کند که دنبال جذب مخاطب است وتوضیح می دهد: اصولاً رسانه‌ها دنبال خبرهای معمولی و پیش‌پا افتاده نیستند در نتیجه خواه یا ناخواه به طرف خبرهای تلخ کشیده می‌شوند؛ خبرهایی از قبیل قتل، جنایت، کمبود، رکود، ورشکستگی، اختلاس و سوء استفاده از خبرهایی که معمولاً جنبه شادمانی ندارند و بیشتر جنبه‌های سیاه دارند.

وی ادامه می‌دهد: اینکه می‌گویند روزنامه‌نگاران سیاه‌نمایی می‌کنند، واقعیت این است که این خواست روزنامه‌نگاران نیست، بلکه خواست مخاطبان است. این روزها در میان افراد زیاد گشتم و متوجه شدم متاسفانه فضای مجازی بلای بزرگی بر سر ما آورده است. فضای مجازی به پیروی از این اصل، در جهت فاجعه‌آمیز و بحرانی نشان دادن فضا اقدام می‌کند. در حال حاضر زندگی در جریان است. الان مردم در حال زندگی کردن هستند، خرید و فروش می‌کنند، تحصیل می‌کنند، کارهایی که لازم است انجام می‌دهند. فکر می‌کنم کمی‌هم ما رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران به طرح این روزگار، رنگ سیاهی نپاشیم بهتر است.

او در عین حال می‌گوید: نمی‌گوییم این ماجراها را ندید بگیریم، اما به جای بزرگ کردن و خطرناک جلوه دادن این مسأله، بگوییم در برابر یک بیماری همه‌گیر به این خطرناکی چه کنند. من شنیدم که در مترو می‌گفتند می‌خواهند تهران را قرنطینه کنند، آیا با ۲۰ میلیون جمعیت و حواشی آن این امکان وجود دارد؟! جای دیگر هم شنیدم که می‌گفتند پادگان‌ها را هم تعطیل کرده‌اند، مگر می‌شود مملکت را بدون ارتش و سپاه و قوای امنیتی گذاشت! نه در این قضایا بلکه در خیلی از قضایای دیگر نمی‌گویم خبر نرسانیم و نگوییم که چه خطری آدم‌های این سرزمین را تهدید می‌کند ولی کمی‌به آن طرف ماجرا هم نگاه کنیم. با آدم‌های کارشناس وزارت بهداشت و دانشگاهیان مصاحبه کنیم و به مردم توصیه‌های عملی و علمی‌را بگوییم که چه کنند. مردم باید خرید کنند، باید معامله کنند، باید درس بدهند؛ به مردم بگوییم که در این فضا چه کارهایی می‌توانند انجام دهند.

به وحشت دامن نزنیم

کارکرد دوگانه رسانه می‌تواند خود بحرانی جدید بیافریند. بحران نخست، بحرانی بهداشتی بود که با نوع نگاه رسانه‌ها تبدیل به بحران کمبود کالا و احتکار شد. این روند به کمبود کالا محدود نمی‌شود و قطعاً بحران‌های دیگر ایجاد می‌کند.

قاضی‌زاده تأکید می‌کند: نمی‌گویم ماجرا کوچک است و حادثه‌ای پیش نیامده است؛ ولی کمی‌به جای اینکه وحشت ایجاد کنیم و به وحشت ایجاد شده دامن بزنیم سعی کنیم به مردم راه را نشان دهیم. به آنها بگوییم در این شرایط چه کاری انجام دهند بهتر است. آیا دستکش یک‌بار مصرف و ماسک، جلوی انتقال ویروس را می‌گیرد ؟ آیا در بیرون غذا نخوریم کمک می‌کند؟ آب را چطور بنوشیم و بجوشانیم یا چه کنیم؟ واقعیت باید فکر کرد دولت و وزارت بهداشت در این شرایط چه کار می‌توانند بکنند. در آب جاری مملکت واکسن بریزند یا چه؛ ذات آدمی‌هم پویایی و حرکت است آیا می‌شود همه را قرنطینه کرد؟بیشتر باید به دنبال این قضایا بود و کمی‌به جای رعب و وحشت و ترس و دلهره به مردم بگوییم که چه کار می‌توانند انجام دهند.

وی با بیان اینکه وظیفه رسانه‌ها در این شرایط بیشتر روشنگری است، گفت: به مردم بگوییم چه کار کنند. متاسفانه در زمانی که سیل آمد ما این کار را نکردیم، در قضایای هواپیما و قضایای دیگر نیز با مردم رک و راست نبودیم که بگوییم چه کنند اما حالا فرصت خوبی است که مردم را آگاه کنیم.

این استاد روزنامه‌نگاری درباره تأثیر روزنامه‌نگاری بحران، در شرایط بحرانی یادآور شد: روزنامه‌نگاری کاری نیست که هر کسی در آن وارد شود ،فقط به این دلیل که نوشتن بلد است. روزنامه‌نگاری هنر و مهارت است. متاسفانه قبل از اینکه روزنامه‌نگاران دست به خبر شوند این نکته را نیاموخته‌ایم. توده‌ای روزنامه‌نگار پرجمعیت داریم که شاید ۹۰ درصد آنها نقش خودشان را نمی‌دانند و حرفه خودشان را نمی‌شناسند. یک بخشی از روزنامه‌نگاری هم روزنامه‌نگاری بحران است؛ روزنامه‌نگاری بحران در چنین شرایطی وظایفی را در اختیار دارد. روزنامه نگار باید مهارت‌هایی داشته باشد، در این گیر و دار، هنر حرف‌های خودش را نشان دهد و اجرا کندَ. چندین وقت است که این نکته را می‌گوییم. اول باید حرفه روزنامه‌نگاری را با فرعیات آن یاد بگیریم و سپس وارد این حرفه شویم.

گروه گزارش

> * امیرحسین آخوندی – روانشناس: بروز ویروس کرونا اتفاق خاصی است و افراد تجربه‌ای در مورد آن ندارند، به همین دلیل رفتار جدیدی از خود بروز می‌دهند؛ رفتارهایی که ممکن است برخی از آنها ناهنجار باشند، اما همان‌طور که گفته شد این نابه‌هنجاری رفتار کاملاً طبیعی است زیرا در شرایط جدیدی قرار داریم
> * انسان‌ها زمانی که نگران می‌شوند شروع به فکر کردن می‌کنند، اما تا موضوعی نگرانی آنها را برطرف نکند از بین نمی‌رود که این عدم آگاهی درباره نحوه رفتار در شرایط موجب بروز رفتارهای غیرطبیعی می‌شود

> * علی‌اکبر قاضی‌زاده – استاد روزنامه نگاری: به جای اینکه وحشت ایجاد کنیم و به وحشت ایجاد شده دامن بزنیم، سعی کنیم به مردم راه را نشان دهیم
> * روزنامه‌نگاری بحران در چنین شرایطی وظایفی را در اختیار دارد روزنامه نگار باید مهارت‌هایی داشته باشد، در این گیر و دار، هنرِ حرف‌های خودش را نشان دهد و اجرا کند

جدول

۲۳۹۱۴

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ - بیماری مسری ویروسی - هیولای کاخ سفید!
۲ - دستگاه برش - یانکی
۳ - سنگ آسیا - پول چین - سهل - حمله
۴ - ابزار در و پنجره - روشنایی - خودم - موی مجعد
۵ - میوه هسته درشت - نصف قیمت - برادر لرستانی
۶ - ثروتمندان - ترس و بیم - کمانی شکل
۷ - پزشک - زبر و ناهموار - دریای اروپا
۸ - آغوش - صحرانشین - صدایی در موسیقی
۹ - بر عهده گرفتن - امر به نگریستن - ولایت پیشین معادل بیجار کنونی
۱۰ - از حروف انگلیسی - مات - امام علی (ع) آنان را در جنگ نهروان شکست داد
۱۱ - زادگاه - جمع ولایت - کالبد بی جان
۱۲ - اولین حرف الفبا - نوعی شیرینی - رسته - لبه پایین قبا
۱۳ - نت آخر - قسمتی از پا - عاری از حقیقت و درستی - علامت جمع
۱۴ - اثری از برتولت برشت - کمیاب
۱۵ - دل، جگر و قلوه گوسفند را کباب می کند و می فروشد - از تابلوهای راهنمایی و رانندگی

عمودی:

۱ - بی ادبی - میزان الحراره
۲ - عنوان نظامی - ورزش پرتاب گوی های مخصوص به طرف نشانه های بطری مانند
۳ - آرواره - فراوان! - مهربانی و محبت - همه را شامل می شود
۴ - شایسته - مراسم چهلم - جامه ای کرباسی به رنگ آبی
۵ - حق ناحق - پسوند اسامی بلغاری - به طور ناگهانی - کوچکترین پسر چنگیز
۶ - زمین ها - زغن و غلیواج - گاو شخم زن
۷ - اثری از چایکوفسکی آهنگساز روسی - همه - دهل
۸ - بدنیا آوردن - پر سود و منفعت - خداوند
۹ - لیکن - دانه خوشبو - نگاه کردن
۱۰ - به طور رسمی - الا - توهین کردن
۱۱ - دیگ دهان گشاد - سگ بیمار - خشت توخالی - پسر حضرت نوح (ع)
۱۲ - هر اداره ستاد ارتش - صدا پخش کن - جلو افتادن، مقابل تاخر
۱۳ - تکرار حرف اول - رفتگر مدرسه - نام "فدرر" تنیسور سوئیسی - رود اروپایی
۱۴ - دریچه ای در قلب - ویژگی دانشجویی که هزینه تحصیل او را دولت تقبل می کند
۱۵ - ادامه دادن به جستجو با هدف وصول به نتیجه، اصرار - مسجد اصلی و بزرگ شهر

حل جدول ۲۳۹۱۳

عوامل سقوط انسان

آیت‌الله‌العظمی حسین مظاهری

تخیل، توهم، وسوسه

نمی‌شود که انسان بی‌فکر باشد، چه در خواب و چه در بیداری؛ اما گاهی این فکرها در بیداری، تخیل و توهم است و سبب می‌شود که نفس انسان اطمینان و ثباتش را از دست بدهد و متزلزل گردد، دچار شک و تردید شود. قرآن می‌فرماید: «**و أما الذین فی قلوبهم مرضٌ فزادتهُم رجسا الی رجسهم**: کسانی که در دلشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزود.» (توبه، ۱۲۵). امام باقر(ع) می‌فرماید: اینکه آیهٔ شریفه فرمود: «یعنی شکی بر شک آنها افزوده می‌شود.» (بحارالانوار، ج۷۲، ص۱۲۶). از تعالیم قرآن و عترت می‌فهمیم که شیطان انسان را سرگردان می‌کند تا وسوسه‌ها و توهم‌ها را بر وی مسلط سازد، و بیش از این کاری از او برنمی‌آید. پس انسان باید هر اندازه که می‌تواند، در این زمینه تلاش کند و مانع تسلط اوهام و خیالات بر خود شود. اگر در خواب نمی‌تواند، در بیداری تلاش کند و اگر در بیداری هم نمی‌شود، لااقل در عبادات سعی کند از وسوسه‌ها و توهم‌ها رهایی یابد. تخیل، توهم و وسوسه، انسان را به سقوط می‌کشاند و دست‌کم مانع رشد معنوی و پیشرفت مادی او می‌شود.

می‌گویند: کسی یک ظرف روغن داشت و روی سرش گذاشته بود و به این فکر می‌کرد که این ظرف روغن را می‌فروشم و از پولش یک گوسفند می‌خرم و آن گوسفند کم‌کم تبدیل به یک گلّه می‌شود و با این گله کم‌کم خانه درست می‌کنم، زن می‌گیرم و کلفت می‌آورم و اگر این کلفت ادب را مراعات نکرد، با این چوب بر سرش می‌زنم، وقتی عصایش را بلند کرد که بر سر کلفت بزند، به ظرف روغن زد و شکست و روغن‌ها روی سر خودش ریخت! یک موقع انسان، عمری فکرش این‌چنین است، یعنی فکر تخیلی و توهمی دارد.

می‌گویند این وسوسهٔ فکری درمان نمی‌شود؛ ولی علمای اخلاق برایش درمان دارند و آن، دوری از فکرهای بی‌جاست. وسوسه‌های عملی که برای بیشتر مردم پیدا شده، از همان فکرها و تخیل‌های بی‌جا سرچشمه می‌گیرد. تخیلات بعضی اوقات کار انسان را به بالاتر از دیوانگی می‌کشاند؛ برای مثال فرد ترسویی به قبرستان می‌رود، ناگهان توهم بر او مسلط می‌شود و می‌بیند که مرده از قبر بیرون آمده و به او می‌گوید بایست، یا تصور می‌کند که مرده او را گرفته است و غش می‌کند. در حالی که نه مرده‌ای بیرون آمده است و نه می‌تواند بیاید؛ نه مرده‌ای حرف زده و نه می‌تواند حرف بزند؛ نه تعقیبش کرده و نه او را گرفته است، اما توهم این کار را می‌کند.

وسوسه‌های عملی نیز که بعضی‌ها دارند، چنین است؛ مثلا به راستی می‌بیند که شیٔ نجس است، در حالی که نجس نیست، اما او جدّا چنین می‌بیند! از پیامدهای تخیل و توهم، تقویت صفات رذیله است. قرآن کریم به آدم متکبر، «مُختال» می‌گوید. یعنی خیال‌پردازی، سبب تکبر او شده است: «**انّ الله لا یُحب من کان مُختالا فخورا**: خدا کسی را که متکبر و فخرفروش است، دوست نمی‌دارد.» (نساء، ۳۶). خدا کسی را که متکبر است، خودش را برتر از دیگران می‌بیند و فخرفروشی می‌کند، دوست ندارد. چنین شخصی مال دارد و توقع دارد که دیگران به او احترام بگذارند، برای اینکه پول دارد. خوب این تخیل است، نوعی دیوانگی است؛ ولی آیه به جای اینکه بگوید خدا آدمی را که متکبر باشد دوست ندارد، می‌فرماید: خدا آدم مختال، یعنی آدم تخیلی را دوست ندارد. آن که تخیل می‌کند برتر از دیگران است، به‌واسطهٔ این تخیلش فخرفروشی می‌کند. آدمهایی که بخل دارند، تخیل بر اینها حکمفرما می‌شود و آنها را به آنجا می‌رساند که عشق به پول و دنیا پیدا می‌کنند.

توهم عشق

عشقهای مجازی نیز ناشی از تخیل و توهم است. یکی از مصائب بزرگ اجتماع، همین عشقهای مجازی و ارتباط‌های نامشروع و غیر متعارف است. گاهی بعضی پسران و دختران و حتی افراد متأهل عاشق می‌شوند. اینها عشق حقیقی نیست، بلکه توهم است. دوست‌یابی بین افراد نامحرم بسیار مذموم است و قرآن کریم نامش را «خُدن» گذاشته و گناه خیلی بزرگی می‌داند. اهمیت این مسأله از نظر قرآن شریف به قدری است که «دوستی و ارتباط افراد نامحرم» را با عمل منافی عفت در کنار هم قرار داده، این گناهان را در یک راستا بر می‌شمرد: «**مُحصنین غیر مُسافحین و لا مُتّخذی أخدان**: پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید» (مائده، ۵)؛ یعنی مرد و زن شایسته، دوستی پنهانی با جنس مخالف ندارند؛ همان‌گونه که مرتکب فحشا نمی‌شوند. اما بعضی‌ها دنیای خود را به طور کلی از بین می‌برند و با تخیل و توهم، دچار ارتباط و دوستی نامشروع می‌شوند. چنین دختری دیگر نمی‌تواند مادر لایقی برای تربیت فرزندان صالح باشد، و چنین پسر یا مردی، دیگر نمی‌تواند آدم فعال و مفیدی برای جامعه باشد، مگر اینکه توبه کنند و به مسیر حق بازگردند.

نباید توهم و وسوسه‌های شیطانی را ساده گرفت، نه، اولین مفسده‌اش این است که دل را سیاه می‌کند و وقتی دل سیاه شد، نماز برای او سنگین می‌شود و دیگرحال عبادت ندارد: «**فویلٌ للقاسیه قلوبُهُم من ذکر الله اولئک فی ضلال مُبین**: وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی‌کنند» (زمر، ۲۲)؛ اما مصیبت بالاتر این است که قساوت قلب به جاهای بدی می‌رسد، یعنی خودخواهی‌ها، خودمحوری‌ها و اینکه همیشه به فکر خودش است و نه به فکر دیگران، از همین جا سرچشمه می‌گیرد. این فکرها و تخیل‌های بی‌جا، گناه بزرگی است و تبعات خطرناکی دارد. بسیاری از وسوسه‌ها از جانب شیطان است، ولی خود انسان در پذیرش آن و دامن‌زدن به تخیلات و توهمات شیطانی تقصیر دارد. گاهی هم وسوسه، از جانب شیطان انسی است، نظیر رفیق نالایق و دوست گناهکار که انسان را به انحراف می‌کشاند.

وقتی تخیل و وسوسه‌ای بر کسی مسلط شد، بهترین راه، انصراف از این فکرهاست. برای انصراف نیز خواندن دو رکعت نماز مؤثر است. انسان با نماز می‌تواند بر وسوسه مسلط شود، همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «**استعینوا بالصبر و الصلاه**: از صبر و نماز یاری بجویید» (بقره، ۴۵ و ۱۵۳). دعا، توسل و رابطهٔ با خدا نیز برای رفع این صفت رذیله بسیار تأثیرگذار است.

عوارض توهم

افرادی که دچار فکرهای بیهوده و دچار تخیل و توهم هستند، یا کسانی که به عشقبازی و دوست‌یابی مبتلا می‌شوند، آبروی خود را می‌ریزند، حتی گاهی به آنجا می‌رسد که دو خانواده را بدبخت می‌کنند و آبروی یک اجتماع را می‌برند. وقتی آبرو ریخت، مثل آبی است که بریزد و جمع‌کردنش مشکل است، بلکه ممکن نیست. کسانی که در سیر و سلوک کار و اخلاق کار می‌کنند، اگر استاد لایق داشته باشند، آن استاد تا بتواند، این هفوات (یعنی تخیل‌ها، وسوسه‌ها و توهم‌ها) را از او دور می‌کند، ولی استاد نمی‌تواند کار کند، مگر اینکه خود شخص با جدیت همراهی نماید.

توهم و تخیل، دنیای انسان را از بین می‌برد و در آخرت نیز او را جهنمی می‌کند. وقتی بیدار می‌شود که دیگر فایده‌ای ندارد؛ هر کس باید قبل از آنکه بمیرد، فکری برای از بین بردن این تخیلات و توهمات بکند که ابزار کارآمدی برای شیطان انسی و شیطان جنی است. البته مشکل است، اما امکان‌پذیر است. معنا ندارد کسی بگوید نمی‌توانم و نمی‌شود، اینها در قاموس انسان راه ندارد؛ اگر جدّاً بخواهد، هم می‌تواند و هم می‌شود. آری، مشکل است و ما به این دنیا آمده‌ایم که به این مشکلات پشت پا بزنیم. در وقت مشکلات، باید با صبر و حوصله، گره‌های کور را باز کرد.

گره‌های کور را چگونه باز کنیم؟ علمای علم اخلاق می‌گویند که اول با صبر و حوصله باز کنید و اگر نشد، باید از کنار مشکل رد شد و پیش رفت. باید با توجه، عبادت، تضرع و زاری جلو برود و حتی اگر نشد، مشکل را بر دوش بگیرد و باز هم به جلو برود و توقف ممنوع است؛ بالاخره این حرکت روزی جواب داده می‌شود و ما نباید در زندگی اصلا توقف کنیم.

علم‌زدگی و غرب‌زدگی

دکتر کریم مجتهدی

اشاره: آنچه در پی می‌آید، بخشهایی از سخنان استاد کریم مجتهدی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات و «چهره ماندگار» فلسفه ایران) است در گفتگو با فرهنگ امروز.

به عقیده من به‌سهولت نمی‌توان فلسفه‌های جدید غربی را با فلسفه روحی و عمیق ایرانی مقایسه کرد؛ به خاطر اینکه در فلسفه‌های جدید غرب که از قرن ۱۵، ۱۶ و به‌خصوص ۱۷ میلادی آغاز می‌شود، یعنی از فرانسیس بیکن تا رنه دکارت، بیشتر معطوف به علوم جدید و صنایع هستند. در واقع فلاسفه این عصر مقدمه‌چینی می‌کنند تا علوم جدید را پر و بال بدهند. در فلسفه اسلامی تنها کسی را که به طور جزئی از برخی لحاظ می‌توانیم با این افراد مقایسه کنیم، خواجه نصیرالدین طوسی است. خواجه‌نصیر که تقریبا دو قرن قبل از این افراد می‌زیست، تفکری این‌گونه داشت؛ یعنی کلیاتی می‌گوید که به علومی مثل هیئت و هندسه و غیره استحکام بخشد. البته خواجه‌نصیر به مطالب عرفانی، روحی و اخلاقی نیز می‌پردازد؛ ولی در نهایت بیشتر به علوم توجه دارد.

در فلسفه جدید غرب کسی چون فرانسیس بیکن تماماً سعی دارد روش تجربی علوم جدید را بیان کند و آنها را طبقه‌بندی نماید و موضوع و روش آنها را نیز تعیین کند. البته او نیز ابتدا به ساکن این کار را نمی‌کند. رئوس افکار او را ما می‌توانیم در غرب، هم در آثار و هم در افکار مردم دوران تجدید حیات فرهنگی غرب (رنسانس) ببینیم. وی از آثار و افکار این دوره استفاده کرده است. کسانی چون لئوناردو داوینچی نابغه بزرگ و معمار، نقاش، متفکر اهل فن و صنعت که در این دوره کارهای بزرگی انجام داده است، در ابتدا علوم تجربی و طبیعات را می‌خواهد عنوان کند آن‌هم مستقل از تفکرات دیگران.

اما تفکر دکارت خیلی اهمیت دارد. از این لحاظ که دکارت اولا پیرو اصالت عقل و به معنایی بنیانگذار آن است. در صورتی که بیکن معتقد است عقل انسانی باید در مقابل طبیعت سر تعظیم فرود بیاورد تا بتواند قوانین طبیعت را کشف کند؛ یعنی در درجه اول تجربه (یعنی مشاهده و آزمایش) را مهم می‌داند. او عقل را نادیده می‌گیرد و بیان می‌دارد که باید دید در اصل، طبیعت چه می‌گوید. در نگاه بیکن علوم اصلی، علوم طبیعی و فیزیک و شیمی است. فلسفه او این آمادگی ذهنی را برای مردم انگلستان فراهم آورد. از زمان بیکن تا به امروز حرف اول را در فلسفه جدید غرب، علوم تجربی می‌زنند؛ همان طور که می‌بینید به علوم پزشکی و علوم کاربردی بیشتر اهمیت داده می‌شود تا صحبت‌هایی که مثلا من در حال بیانشان هستم.

آرای دکارت در قرن ۱۷ از لحاظ روش فوق‌العاده اهمیت دارد. او نمی‌گوید عقل در مقابل طبیعت سر تعظیم فرود بیاورد، بلکه به نظر او عقل استحکام خود را در طبیعت جستجو می‌کند. خداوند مهربان است و انسان را گمراه نمی‌کند. و اگر ما گمراه می‌شویم و در شناخت اشتباه می‌کنیم و علوم ما پیشرفت نمی‌کند، اینها از خود ما ناشی می‌شود. چون خداوند در سنت آن‌طور که دکارت می‌گوید، رحمتش را در اختیاری که به انسان داده، نشان داده است. انسان اراده آزاد دارد؛ یعنی انسان مسئول است و مسئول آفریده شده است. من مسئول رفتارم و فکرم هستم؛ اگر گمراه می‌شوم، از ناحیه خودم است. در نتیجه، این مطلب برمی‌گردد به اینکه من چگونه عقلم را به کار می‌برم. دکارت در این زمینه عقل را اصل می‌داند.

بیکن معتقد است عقل چشمش را ببند و فقط به طبیعت توجه کند، رنه دکارت برعکس می‌گوید عقل چشمش را باید درست باز کند و آن را پالایش کند تا بتواند طبیعت را بفهمد

*** فلسفه اسلامی بعد از ملاصدرا پیشرفت کرده است. او میان فلسفه‌های مشّایی، اشراقی، کلام اشعری و معتزلی، عرفان و تصوف ارتباط برقرار کرد و هماهنگی به وجود آورد. اگر صدرا در روش فلسفه خود، خواجه‌نصیر را نیز جذب می‌کرد، نقطه طلایی در فلسفه ما محسوب می‌شد**

و علوم تجربی را بنیان نهد. یکی از مشهورترین کتاب‌های دکارت که به فارسی نیز چند بار ترجمه شده، «گفتار در روش» است، منظور روش علوم است. اسم اصلی این کتاب «گفتار در روش درست به کار بردن عقل در علوم هندسه، مکانیک، کائنات جوّ» است و منظور از کائنات جوّ تا حدودی هیوت و هواشناسی است؛ یعنی عقل با چه روشی در علوم به کار برده شود. می‌بینید که فلسفه مقدمه‌ای برای علوم می‌شود؛ یعنی اصل و منظور فلسفهٔ عصر جدید غرب، پیشرفت علوم است. اگر عقل و روش من درست باشد، خداوند مهربان است و مرا کمک می‌کند. در سنت دکارت درست شناختن یعنی عبادت. من وقتی خداوند را تکریم و ستایش می‌کنم که عالم مخلوق او را درست می‌شناسم.

این مسأله مسیحیت و اسلام نیست؛ چیزی کلی است که در سنت ما نیز رد پایش را می‌توان یافت. معتزله در مقابل اشاعره تا حدی این‌گونه فکر می‌کردند. ما شیعه‌ها نیز نه کاملا به طور تام معتزله هستیم و نه به طور کامل اشعری؛ بینابین این دو قرار داریم. یعنی به عقل انسانی اهمیت می‌دهیم و کاربردش را مهم می‌دانیم، ولی معتقدیم حکم الهی نیز اصل است.

فلسفه اسلامی، فلسفه غربی

اگر بخواهیم به فلسفه در عصر معاصر یعنی دو قرن اخیر بپردازیم، باید گفت این آرمان که در قرن ۱۶ تا ۱۸ میلادی شکل گرفت، در حرکت به جلو تا دوره معاصر، دچار آسیب‌هایی هم شد و انحرافاتی پیدا کرد و نیاز به بازنگری هست. درمورد علوم دائما لازم است بازنگری و آسیب‌شناسی صورت گیرد. در این بازنگری‌ها و آسیب‌شناسی‌ها، طبیعی است حرفهای دیگری هم زده می‌شود. عکس‌العمل در مقابل علم‌زدگی کاذب، یعنی توجه به علوم به نحو کاذب. یعنی اجازه ندهیم به تحقیق جدید و فکر جدید پرداخته شود. در ایران صد ساله اخیر بیشتر این‌چنین شده است: به طور لفظی از علم تجلیل شده است و آن را درست دانسته‌اند، بدون اینکه در ماهیتش دقیقاً فکر کنند؛ مثلا نمی‌دانم علم چیست، ولی می‌گویم علم درست است! علم تبدیل شده به وسیله‌ای برای تفتیش ذهن و ممانعت از تفکر. فلاسفه معاصر با این مسأله هم روبرو هستند. علم در ۱۵۰ سال اخیر در ایران آسیب‌شناسی‌های خاصی را لازم دارد؛ این موضوع خاصه در کشورهایی مثل ما مطرح می‌شود؛ زیرا ما به وجودآورندهٔ علوم جدید نیستیم، تنها مصرف‌کننده آن هستیم. در این مصرف کردن، از علم سوءاستفاده‌های نابجایی نیز می‌کنیم، تفکر را تخطئه می‌کنیم و نمی‌گذاریم ذهن رشد کند. ما به اسم علم مانع از رشد تفکر می‌شویم!

در غرب این طور نیست. دانشگاه‌های غرب به همه چیز دست می‌اندازند که ببینند چه خبر است. در ایران نوعی علم‌زدگی و غرب‌زدگی وجود دارد و باید آسیب‌شناسی شود. با «علم، علم» گفتن، صاحب علم نمی‌شویم. اصل آن است که فکر کنیم چه کاری در شرایط فعلی برای ما در اولویت است. من استاد دانشگاه باید ببینم برای وطنم، چه کاری می‌توانم بکنم. این مهم است، والا ما صنایع را می‌خریم و مصرف‌کننده آن هستیم. این باید اصلاح شود. تفکر را هم حق نداریم تخطئه کنیم. باید بتوانیم فکر کنیم و جوانب را بسنجیم. این نقشه راه است. باید بدانیم چه مقدار، چگونه و از چه لحاظ از علم قدیم استفاده کنیم. صرفاً با مصرف کردن و ادعا، عالم نمی‌شویم.

فرهنگ ایران نوعی فرهنگ روحی و عرفانی

*** فرهنگ ایران نوعی فرهنگ روحی و عرفانی است و از غنی‌ترین فرهنگ‌های دنیا به حساب می‌آید. در عین حال که باید به علوم عمیقاً توجه کنیم، نباید کوچکترین صدمه‌ای به این غنای عمیق فلسفی، عرفانی، اعتقادی خودمان وارد بیاوریم**

است که یکی از غنی‌ترین فرهنگ‌های دنیا به حساب می‌آید. اینها سرمایه‌های واقعی ماست. در علوم پیشرفت نکردیم، اما دلیل نمی‌شود که فرهنگ خود را ضایع کنیم. در عین حال که باید به علوم عمیقا توجه بکنیم، علوم به معنای اصلی کلمه، نه به معنای مصرفی آن، و در عین حال کوچکترین صدمه‌ای نباید به این غنای عمیق فلسفی، عرفانی، اعتقادی خودمان وارد بیاوریم.

من مقید به فراگرفتن علوم دیگران هستم و البته که باید دکارت و بیکن را درس داد؛ باید برای آگاهی بیشتر در آثار فلاسفه دیگر کار کرد؛ همان‌طور که ابن‌سینا، ملاصدرا، فارابی و سهروردی تدریس می‌شود. باید در کلاس‌ها فلاسفه غربی را هم تدریس کرد. اگر رنه دکارت امروز اینجا بود نمی‌توانست به همان گفته‌های قبلی خود اکتفا کند، بلکه باید گفته‌هایش را به روز می‌کرد. من نیز الان نمی‌توانم به گفته‌هایم اکتفا کنم. باید امکانات فرهنگی ایرانی را هم جذب کنم و در حفظ تعادل فرهنگی خود بکوشیم.

ما نباید فلاسفه خود را از دستگاه غربی‌ها بشناسیم؛ زیرا غربی‌ها فلسفه اسلامی را تا ابن‌رشد پذیرفته‌اند؛ یعنی تا قرن سیزدهم و ابن‌رشد را آخرین فیلسوف اسلامی می‌دانند؛ ولی از قرن ۱۳ میلادی تا به امروز در حوزه فلسفه کارهای بسیاری شده است. امروز در غرب درباره فلسفه اسلامی ملاصدرا و سهروردی کار می‌کنند. فلسفه اسلامی بعد از ملاصدرا پیشرفت کرده است. ملاصدرا با ابتکار خاصی توانست میان فلسفه‌های مشّایی، اشراقی، کلام اشعری، معتزلی، عرفان و تصوف ایرانی ارتباط برقرار کند و هماهنگی به وجود آورد. او به یک معنا، فیلسوف ملی ماست؛ زیرا تفکرات را با یکدیگر هماهنگ کرده است. اشکال او این است که با علوم کاری ندارد، چیزی که خواجه‌نصیر به آن توجه داشت. اگر ملاصدرا در روش فلسفه خود، طوسی را نیز جذب می‌کرد، نقطه طلایی در فلسفه ما محسوب می‌شد.

ما باید از نظر فرهنگی و فلسفی به سنت ابن‌سینا، ملاصدرا و سهروردی تا به امروز توجه کنیم و این نکته را هم در نظر داشته باشیم که تفاوت اصلی فلسفه ما با فلسفه غرب این است که فلسفه ما از علوم دور مانده و این نمی‌تواند مورد قبول ما باشد. وقتی جامعه ما از هر لحاظ سالم می‌شود که هم علوم به معنای اصیل کلمه، و هم اخلاقیات و عرفان، و هم سنت فلسفه‌های اسلامی ایرانی در آن رعایت شود. ما باید فلاسفه جهان را بخوانیم، عمیق هم بخوانیم؛ ولی باید مراقب باشیم از علم عقب نمانیم. در اموری چون کشاورزی، بهداشت، تعلیم و تربیت و دیگر مسائل، بخواهیم یا نخواهیم وابسته هستیم؛ اما باید تلاش کنیم تا بتوانیم این خلأ را پر کنیم.

از پیامبر گرامی صلی‌الله علیه و آله و سلم روایت شده است:

نیکوکاری کامل آن است که در نهان همان رفتاری را کنی که در آشکارا انجام دهی.

میزان الحکمه

نقش هنر در تعالی اخلاقی و فرهنگی انسان و جامعه

هنر و اخلاق

دکتر حسن بلخاری ـ رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

بدون تردید نسبت وسیع و وثیقی میان «هنر» و «اخلاق» وجود دارد و به یک عبارت کمتر متفکری در حوزهٔ هنر و زیبایی‌شناسی می‌توان یافت که نسبت به این معنا بی‌اعتنا باشد. شکی نیست اخلاق به عنوان یکی از عناصر ذاتی فرهنگ، همواره مطرح است و به عبارتی ادراک فرهنگ بدون تأمل و توجه به عنصر اخلاقی آن محال است. همچنین نسبت میان «اخلاق» و «انسان» به همان اندازه اهمیت و اصالت دارد که نسبت میان «فرهنگ» و «انسان». به دیگر سخن اگر تصور فرهنگ بدون انسان محال است، به همان میزان تصور اخلاق بدون انسان نیز محال است. نکاتی چند در این باب مورد تأکید است:

بر این معنا تأکید کنیم که از دیدگاه برخی فلاسفه و متفکران نسبت میان هنر و اخلاق چنان مستحکم و بارز است که لاجرم هر دو با کارکردهای یکسان در تعالی بشری نقش دارند. اخلاقیات به تعادل رفتاری و ظهور نظام رفتاری مناسب در جامعه و تنظیم تمامی روابط و رفتارها در تمامی ابعاد زندگی (چه فردی و چه جمعی) به انسان کمک می‌کند و هنر نیز با برجسته کردن، تمرکز و مهمتر ارائه زیبایی‌شناسانه آنها در تبدیل ایده به کنش، نقشی چشمگیر و به‌سزا دارد؛ لاجرم بنا به تأثیر انکارناپذیر اثر هنری بر روح مخاطب، نقش آن در تکمیل و تتمیم مکارم اخلاقی نقشی بسیار مهم و قابل اعتناست. ذکر نمونه‌هایی روشنگر است.

نوئل کارول مؤکداً بر کارکرد اخلاقی هنر و به‌ویژه تعمیق و ژرف نمودن ادراک اخلاقی ما در مواجهه با آثار هنری و ادبی تأکید دارد. از جمله مثال‌های او رمان «باغ آلبالو»ی آنتوان چخوف است. از دیدگاه کارول، این رمان با تصویر دقیقی که از خردمندی «لوپوخین» و غفلت و بی‌خردی رافسکایا (دو تن از قهرمانان قصه) ارائه می‌دهد، مهمتر از تصویرگری، تعارض این دو و نتایج آن را بازمی‌گوید. آنکه بی‌خردی کرده است، باغ را از کف داده و لاجرم ضربه‌ای سهمگین به خانواده خود وارد نموده است. از دیدگاه کارول، تأثیر روان‌شناختی این رمان صرفاً تبیین تعارض میان خردمندی و بی‌خردی نیست، بلکه با ارائهٔ نتیجه، مخاطب را در به کارگیری خرد در امور زندگی خود توصیه و تشویق می‌کند. این معنا در ایجاد و گسترش کنشهای اخلاقی مخاطب و مهمتر از آن، ظهور نوعی باورمندی به اخلاق بسیار مؤثر است.

البته کسی چون **کریستفر همیلتن** در مقالهٔ «هنر و آموزش اخلاق»، این استنتاج کارول را باور ندارد و باغ آلبالو را بیشتر تصویری هنری از یک گزارهٔ اجتماعی می‌داند که بر بنیاد آن، خردمندی و بی‌خردی هر دو به ظهور آدمهای سازشکار در جامعه منجر می‌شود و به عبارتی نتیجه هر دو سازشکاری است: «در حالی که هیچ‌یک نمی‌تواند به نیازها و امیدهایی که انگیزه آدمهای پیچیده‌اند، پاسخ مناسب بدهد و در عین حال به آنها امکان می‌دهد تا اصول اخلاقی خود و مفهوم هدفمندی اشیا را حفظ کنند».

قصد این مقاله قضاوت میان این دو نظر نیست؛ زیرا هر دو از زوایای مختلف به باغ آلبالو نگریسته و لاجرم به نتایج متفاوتی رسیده‌اند؛ بلکه تأکید بر این معناست که آثار هنری و ادبی استعداد و قابلیت وسیعی در توجه دادن ما به امور دارند. آثار هنری و ادبی ما را متوجه امری می‌کنند و به تعبیر **لویی آلتوسر** ـ جامعه‌شناس مارکسیست ساختارگرای فرانسوی: «وادارمان می‌کنند ببینیم، دریابیم و احساس کنیم چیزی را که به واقعیت اشاره دارد». به یک معنا آثار هنری و ادبی نوعی تجربه زیستی برای انسان فراهم می‌کنند که در فهم ملموس‌تر و دقیق‌تر معانی بسیار مؤثر است.

بهرای مثال می‌توان ابتدای «مثنوی معنوی» مولانا جلال‌الدین بلخی را مثال آورد. مولانا پیش از آغاز «داستان شاه و کنیزک»، بنیادی‌ترین مسائل هستی‌شناختی مورد اعتقاد خود (همچون جدایی انسان از اصل خویش و لزوم وصل و مهمتر ابزار وصل را که همانا عشق است) بیان نموده و در ادامه کلام با بیت:

بشنوید ای دوستان، این داستان
خود حقیقت نقد حال ماست آن

نوعی تجربهٔ عرفانی و زیستی را در قالب یک تمثیل ارائه می‌دهد که در فهم و ادراک عمیق آن مبانی بسیار مؤثر است (به‌ویژه با بیان «نقد حال ما» یعنی قدرت داستان

*** نظریهٔ «هنر برای هنر»، هر گونه تعهد را از هنر و کارکردهای آن بازستانده است. در جهان تجزیه‌گرا، هر جزئی کارکرد مستقل و منفکی دارد، لاجرم نسبت میان هنر و اخلاق نیز تا حد زیادی گسسته است. امروزه نه اخلاق از قابلیت‌های هنر بهره می‌برد و نه هنر به اخلاق وفادار است!**

در آشکارگی و ظهور تجربی احوال ما). کار شعر و هنر به تعبیر **هیدگر** همین آشکارگی و اظهار است. هنر اجازه می‌دهد حقیقت ظاهر شود، به سخن درآید و آشکار شود. ابتدای مثنوی ساحت ظهور کل است در صورت معنا و بل معانی مجرد که لاجرم ادراک آن برای مخاطب عام و حتی گاه خاص، صعب و دشوار است؛ اما صورت تمثیلی آن در قالب داستان، عامل این اظهار و آشکارگی است. هنر و ادب این «کل» را «جزئی» می‌کند و لاجرم ملموس. این نزول، ادراک معانی مجرد را آسان نموده و مهمتر اینکه چنین تنزیلی از ساحت «تجرد» به عرصهٔ «تمثل»، در ساحت نوعی تجربهٔ درونی رخ می‌دهد. بنیاد هنر و ادب در تمدن اسلامی بر این تمثل است که خود هویتی قرآنی دارد. آیات مختلفی این تمثیل و تمثل را آشکار نموده و حتی فلسفه آن را بازمی‌گویند. آیاتی چون:

«**فاتّخذت من دونهم حجاباً فأرسلنا الیها روحنا فتمَثّلَ لها بشراً سَویّا**: [مریم] در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت؛ پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش‌اندام بر او متمثّل [و نمایان] شد» (مریم، ۱۷).

«**مَثَلُهُم کمثل الذی استوقد ناراً فلمّا أضاءت ما حولهُ ذهب الله بنورهم و تَرکهُم فی ظلمات لا یُبصرون**: مَثل آنان همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند و چون پیرامون آنان را روشنایی داد، خدا نورشان را بُرد و در میان تاریکی‌هایی که نمی‌بینند، رهایشان کرد» (بقره، ۱۷).

و حتی حضرت حق بر این معنا تصریح دارد که در جهت هدایت، از اینکه به پشه‌ای مثل بزند، پروا ندارد: «**انّ الله لا یُستحیی أن یَضرب مثلا ما بَعوضه فما فوقها**: خدای را از اینکه به پشه‌ای یا فروتر [یا فراتر] از آن مَثل زند، شرم نیاید. **فأمّا الذین آمنوا فیعلمون أنهُ الحق من ربهم**: کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن [مَثَل] از جانب پروردگارشان به‌جاست؛ **و أما الذین کفروا فیقولون ماذا أراد الله بهذا مثلا**: ولی کسانی که به کفر گراییده‌اند، می‌گویند: خدا از این مثل چه قصد داشته است؟! **یُضلّ به کثیراً و یهدی به کثیرا و ما یُضل به الا الفاسقین**: [خدا] بسیاری را با آن گمراه می‌نماید و بسیاری را با آن راهنمایی می‌کند، [ولی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌سازد» (بقره، ۲۶)؛ زیرا غایت این تمثیل‌ها چنانچه در آیه صراحت دارد، هدایت و راهنمایی مومنان در ادراک عمیق‌تر معانی است.

«**و تلک الامثالُ نضربُها للناس و ما یعقلُها الا العالمون**: این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زنیم، [ولی] جز دانشوران آنها را درنمی‌یابند» (عنکبوت، ۴۳).

«**لو أنزلنا هذا القرآن علی جبَل لرأیتهُ خاشعاً متصدعا من خشیه الله**: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، یقینا آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می‌دیدی. **و تلک الامثالُ نضربُها للناس لعلهُم یتفکرون**: و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند» (حشر، ۲۳).

شرح و بسط این معنا در آثار حکما و عرفای ما ظهور گسترده‌ای داشته و به عنوان پشتوانه نظری آثار عظیم ادبی و هنری تمدن اسلامی مطرح است. «سلامان و ابسال»، «حیّ بن یقظان»، «آواز پر جبرئیل»، «عقل سرخ»، «مثنوی معنوی»، «منطق‌الطیر»، «هفت پیکر» و از آن سو معراج‌نامه‌ها، نگارگری‌ها، کتیبه‌نگاری‌ها، خوشنویسی‌ها و فرمهای هنری عظیم و حیرت‌انگیز در مساجد و معماری‌ها، نمونه‌هایی از تجلی این معنایند. این آثار، هم مؤثر و هم متأثر از فرهنگ و اعتقادی بودند که تمامی آنها را از یک سو بازتاب آیینه‌گون و زیباشناخت ایده و اعتقاد می‌دانست و از سوی دیگر عاملی بسیار مهم در تعالی اخلاقی و اجتماعی جامعه.

فتوت‌نامه‌ها

مهمترین سند در اثبات تأثیر و تأثر فوق در ساحت آثار هنری و تعالی اخلاقی، «فتوت‌نامه»ها هستند. فتوت‌نامه‌ها در تاریخ فرهنگ اسلامی به مثابه یک منشور، از غایت صناعات و در اصل غایت اعمال و افعال انسان در زندگی فردی و اجتماعی‌اش می‌گفتند. این رسائل جهت و ماهیت عمل را روشن می‌ساختند و به حرف، هنرها و صناعات هویتی کاملا اخلاقی و معنوی می‌بخشیدند. بخشی از «فتوت‌نامه چیت‌سازان» این معنا را چنین آشکار می‌کند:

سؤال: اگر پرسند که: «قالب چه چیز است؟ و پشت قالب چیست؟ و روی قالب چیست؟ و قالب مقدم است یا صندوق؟ و خطبهٔ قالب چیست؟ و فرض قالب چیست؟ و سنت قالب چیست؟ و ذکر قالب چیست؟ و قالب چند رکن دارد؟ و محراب قالب چیست؟ و قالب در دست تو نر است یا ماده؟ و استاد که تو را روی به راه کرد، به تو چه گفت؟» جواب بگو:

ـ قالب، کسوت پیر است؛
ـ و پشت قالب، توکل است؛
ـ و روی قالب، صورت پیر است؛
ـ و به صورت، صندوق مقدم است؛
ـ و بکار قالب؛
ـ و خطبه قالب این است که بخواند و قالب را کار فرماید: «**بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم افتح لنا بالخیر و جعل عواقب اموری کلها بالخیر لا اله الا انت علیک توکلتُ و انت رب العرش العظیم**».
ـ و فرض، پاک نگاه‌داشتن است؛
ـ و سنت قالب، به پاکی کار فرمودن؛
ـ و ذکر قالب، «**سُبّوح**» است؛
ـ و ذکر کار، «**قدوس**» است؛
ـ و ذکر صندوق، «**ربُّنا و ربُ الملائکه و الرّوح**» است.
ـ و قالب چهار رکن دارد: شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت؛
ـ و محراب قالب، «شال» است؛
ـ و منبر قالب، «کار» است؛
ـ و عشق قالب، «رنگ» است؛
ـ و خادم قالب و فراش قالب، «پارچه» است؛
ـ و کسی که خدمت استادی کرده باشد و از طریقت باخبر است، قالب در دست او نر است، و کسی که از طریقت اولیاء بی‌خبر است، قالب در دست او ماده است؛
ـ و استاد که مرا روی به راه کرد، مرا گفت که: «با مردم و با خلق، به خلق باش.» (کامل این بحث را در فصل فن و فتوت در کتاب هندسه خیال و زیبایی، مورد بحث قرار داده‌ام.)

این فتوت‌نامه می‌آموخت کارگر و هنرمند رنگ‌ساز و چیت‌ساز چون پای به دکان و کارخانه می‌گذارند، در جهت افزایش برکت و پاکی صناعت، قرآن بخوانند: «**قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون**» (یس، ۵۲)[1] و چون به خرید می‌روند، بخوانند: «**یومئذ یَصدر الناس اشتاتاً لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شراً یره**» (زلزال، ۶ ـ ۸).[2]

برای هنرمند و صناعتگر سنتی کار به تبع معنا، و فعل به تبع اخلاق قابل تعریف بود؛ چنان‌که در رساله نقشبندیه بر فراز عمل معماری، آیتی چون «دست به کار، دل به یار» مبیّن روح عمل و غایت آن بود.

حاکمیت اصل وحدت

در جامعهٔ سنتی، حاکمیت اصل وحدت که همهٔ اجزا را در پناه توحید، متحد و هماهنگ می‌خواست، از هنر و ادب به عنوان تجلی زیبایی‌شناختی حیات انسانی، عاملی برای تعالی روح اجتماعی و فردی انسان ساخت. آثار ادبی و هنری که اول و بالذات از روحی مهذب و مزکّی سرچشمه گرفته و با انعکاس منشأ ازلی و جاوید، مخاطب و ناظر را به سلوکی عارفانه با معنا دعوت می‌نمود، شاهد مثال ایدهٔ فوق‌اند. در پناه آن وحدت، اثر هنری نمی‌توانست ناقض و نافی دیگر ابعاد باشد. اخلاق، تجلی ظهوری و عملی عقیده و هنر تبلور زیبایی‌شناختی آن بود. پس نسبت میان آن دو نسبتی ذاتی میان دو جلوه بود و لاجرم مکمل هم.

هنرمند می‌آموخت استعداد هنری خویش را در پناه تهذیب اخلاقی به دست آورد؛ برای مثال حکمت هنر هند می‌آموزد: «شیلپان (صنعتگر هنرمند) باید منابعی را که با آنها ایزدان انگیخته می‌شوند (یعنی اتهارودا و سی‌ودو شیلپاشاسترا) و اوراد ودایی را بفهمد. او باید ریسمان مقدس و گردنبند مزین به مهره‌های مقدس بر خود بیاویزد و حلقه‌ای از گیاه کوشا بر انگشت داشته باشد. عبادت خداوند او را مسرور کند، به همسرش وفادار باشد، از زنان غریبه (نامحرم) دوری کند و با پرهیزگاری به کسب معارف مندرج در علوم مختلف بپردازد. چنین فردی مسلما صنعتگری (هنرمند) واقعی است... نقاش باید انسانی نیک باشد، تنبل و هرزه نباشد، تسلیم خشم خود نشود، پرهیزگار و فاضل و خویشتن‌دار باشد، متدین و بخشنده باشد. باری او باید به چنین صفاتی آراسته باشد...»

در «گلستان هنر» اثر قاضی میر احمدمنشی، می‌بینیم چگونه اصولی چون ترک منهیات، انجام واجبات، پاکی و طهارت روح، مبرای از اوصاف ذمیمه (چون حسد و کینه)، کثرت مشق، آگاهی به قواعد نگارش چون ترکیب مرکبات و معرفت مفردات، از معیارهای بنیادی اصالت خوشنویسی است.

اما امروزه نظریهٔ «هنر برای هنر»، هر گونه تعهد را از هنر و کارکردهای آن بازستانده است. در جهان تجزیه‌گرای امروز هر جزئی کارکرد مستقل و منفکی دارد؛ لاجرم نسبت میان هنر و اخلاق نیز تا حد زیادی گسسته است. به‌رغم آنکه عقل بر تأثیر عظیم هنر در تبلیغ و تعمیق اخلاق و درک اخلاقی واقف و حاکم است، لکن با کمال تأسف امروزه نه اخلاق از قابلیت‌های هنر بهره می‌برد و نه هنر به اخلاق وفادار است!

البته قطعا این یک حکم مطلق نیست. در مواردی مصلحان، متفکران و به ویژه هنرمندان خلاق، آگاه، مؤلف و متعهد با تأمل بر ثمرات مبارک پیوند میان هنر و اخلاق، سعی در بهره بردن از قابلیت‌های هنر در توسیع و تعمیق کارکرد اخلاق دارند اما هم این معنا یک استثناست (و قاعده نیست) و هم در مواردی ناآشنایی با زبان و بیان هنری، آثار هنری شکل گرفته در این قاموس را در سطح بیانیه‌های مستقیم، نازل و سطحی تنزل می‌دهد.

امروزه هستند محققانی که نقش هنر را در انتقال و تثبیت معانی حتی مهمتر و کارآمدتر از فلسفه می‌دانند. همچون متیو کی یران در مقالهٔ «ارزش هنر»: «از جهتی فلسفه هیچ‌گاه نمی‌تواند کارکردی مشابه هنر داشته باشد، هنر به واسطه درگیر کردن تخیل ما با شخصیت‌هایی که با آنان هم‌ذات‌پنداری می‌کنیم و در تجربهٔ خود از اثر به آنها پاسخ مؤثری می‌دهیم، اهمیت دارد. اثر هنری این امکان را فراهم می‌آورد که ما با حقایق یا بینش‌های معینی توجه کنیم و به ما معنی و اهمیت آنها را به گونه‌ای نشان می‌دهد که خرد محض یا قادر به انجام آن نیست یا کمتر چنین می‌کند؛ بنابراین نیازی نیست ادعا کنیم که تنها هنر می‌تواند حقایق معینی را منتقل کند، بلکه در عوض می‌توان گفت که ابزاری که در هنر به کار گرفته شده به هنر امکان می‌دهد که به شیوه‌ای غیرانتزاعی و عاطفی چنین وظیفه‌ای را به خوبی ایفا کند. از این رو، اگر ابزار هنری به کار گرفته شده نازل، ناکارآمد یا بی‌اثر باشد آن‌گاه اثر قادر به برآورده ساختن ارزش هنری شناختی ـ عاطفی نخواهد بود».

ولی آیا عقل و اخلاق از هنر به اندازه استعداد و استطاعت وسیع آن در تعمیق ادراک اخلاقی و نیز تبدیل راسخ ایده به کنش بهره می‌جویند؟

ظهور اومانیزم، مدرنیته و عقل‌محوری، ظهور نظریه‌هایی جدید در عرصهٔ هنر را سبب گردید که از جمله مشهورترین

*** «تمثیل» نوعی تجربهٔ عرفانی و زیستی را ارائه می‌کند که در ادراک عمیق مبانی مؤثر است. کار هنر آشکارسازی حقیقت است. چنین تنزیلی از ساحت تجرد به عرصهٔ تمثّل، در ساحت تجربهٔ درونی رخ می‌دهد و بنیاد هنر و ادب در تمدن اسلامی بر این تمثل است که هویتی قرآنی دارد**

آن‌ها، به‌ویژه در نسبت میان هنر و اخلاق، نظریهٔ هنر برای هنر بود. این نظریه نیز متأثر از ایدهٔ مسلط بر مدرنیزم یعنی اصل تجزیه و تفکیک، با نفی نسبت ذاتی میان اخلاق و هنر در اندیشه و حکمت سنتی، معتقد به تفکیک شد و بدین‌صورت هرگونه تعهد اخلاقی و اجتماعی از هنر اخذ گردید. در پناه سیطرهٔ این مفهوم، هنر نه‌تنها از کارکرد اخلاقی و بسیار ارزشمند خویش محروم که در مواردی عامل تسهیل رواج وسیعتر و مؤثرتر امور غیراخلاقی گردید.

افزایش جنایات، بحران‌های روحی و روانی، سست شدن پایه‌های مهمترین رکن اجتماع یعنی خانواده، تخریب وسیع محیط زیست و ظهور نوعی انحطاط پنهان و آشکار غیراخلاقی، می‌بایست توجه مصلحان اجتماعی، علمای اخلاق، متفکران، هنرمندان متعهد و آگاه و نیز سیاستمداران را در احیای نظریهٔ اصالت اخلاقی در هنر و کارکرد مؤثر آن در زندگی انسان برانگیزد. بدون هیچ‌گونه تردیدی، «اخلاق» شرط لازم و ضرورت مطلق زندگی سالم است و از سوی دیگر، هنر نیز با استناد به قدرت عظیم آن در تأثیر مستقیم بر عواطف و احساسات انسان، عامل بسیار مهمی در جهت مهار اخلاقی او در یک بُعد و افزایش کنشها و درک عمیق انسان از اخلاق و مبانی آن در بُعد دیگر است.

به نظر می‌رسد توجه و تأمل وسیع سیاستگزاران و اولیای امور به بنیادهای نظری هنر و به‌ویژه نسبت میان هنر و اخلاق در سطح آموزش عالی، نشست‌های مشترک عالمان حوزهٔ اخلاق با هنرمندان و نظریه‌پردازان هنر و مهمتر از اینها، غلبه نگاه و روش ترکیبی بر نگاه تجزیه‌ای، از جمله عوامل انس اخلاق و هنر و لاجرم ثمرات مبارک و متبرک این انس هستند.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ گویند: وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این است آنچه خدای مهربان وعده کرده بود و پیامبران راست گفتند.

۲ـ آن روز مردم [پس از پایان حساب] به صورت گروه‌های پراکنده [به سوی جایگاهشان] بازمی‌گردند، تا اعمالشان را [به صورت تجسم‌یافته] به آنان نشان دهند؛ پس هر کس به اندازهٔ ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند و هر کس به اندازهٔ ذره‌ای بدی کند، آن را می‌بیند.

شاخص های تعاون برای تقویت اقتصاد ملی

تعاونی و تعاونگری برآیند بهینه علم اقتصاد؛ مدیریت، توسعه، علوم روانشناسی و اجتماعی و برنامه ریزی انسان محور برای بهینه سازی فرایند تولید ثروت است.

تعاونی را می توان اجتماعی ترین فعالیت اقتصادی توصیف کرد که مفاهیم و فضیلت های اقتصادی وا جتماعی مانند عدالت، آمایش سرزمین و جمعیت، توسعه و پیشرفت عدالت محور و انسان محور را در بر می گیرد.

در حقیقت اقتصاد تعاونی بیشترین همگرایی را با اقتصاد اسلامی دارد، تاب آوری اقتصادی و اجتماعی را بیشتر و حتی تضمین می کند، توسعه تعاونی ها همان اقتصاد مقاومتی است ، اقتصاد ایران بی نهایت ظرفیت و مزیت برای نقش آفرینی تعاونی‌ها دارد و توسعه تعاونی همچنین تحریم ها را کم اثر و گاهی تبدیل به فرصت خواهد کرد .

در عین حال باید گفت، طبق قوانین بالادستی باید سهم بخش تعاون از اقتصاد ملی در کوتاه مدت ۵ ساله به حداقل ۴ برابر فعلی افزایش یابد، در میان مدت ده ساله باید به سهم بیشتری برسد و در بلندمدت رقابت آشکار، شفاف و سالم با دیگر بخش‌های دولتی و خصوصی داشته باشد، برای کاهش نرخ بیکاری و شکاف اقتصادی طبقاتی نیاز است که تعاونی ها را جدی بگیریم، حضور بخش تعاونی در حوزه نسل برتر اقتصادی مانند اقتصاد دانش بنیان یک ضرورت است، حضور بخش تعاون در عرصه های توسعه صنعتی و تولید ثروت از دانش و علم موثر خواهد بود و پیوند صنعت، پژوهش و تعاونی یک مثلث طلایی برای تحریک اقتصاد خرد، میانی و کلان در ایران اسلامی است؛ اما داشتن مزیت و ظرفیت یک بحث است و استفاده از امکانات هم هنری برتر و مزیتی پایان ناپذیر.

توسعه اقتصاد تعاونی را نباید فقط محدود به بخش های سنتی و حاشیه ای بکنیم بلکه تعاونی می تواند و شایسته است وارد عرصه های صنعتی هم بشود. ایجاد نسل های برتر توسعه صنعتی با رویکرد کاهش هزینه تمام شده و بیشینه کردن تولید ثروت با تعاونی های صنعتی امکان پذیر است و بخش تعاون باید وارد همه محدوده های تولید ثروت شود مانند صنعت پتروشیمی، خودروسازی، سدسازی، راهسازی و پالایشگاه و ... صنعت گردشگری و بی نهایت فرصت تولید ثروت.

اقتصاد تعاونی را باید در ایران اسلامی توسعه دهیم. این نه یک انتخاب بلکه یک اجبار است؛ چون نیاز داریم اقتصاد شایسته ایران اسلامی استقرار یابد، نرخ بیکاری باید تک رقمی شود چون کلید همه آسیب های اقتصادی و اجتماعی است، دشمن از استقرار اقتصاد اسلامی و مقاومتی در ایران هراس دارد و اقتصاد تعاونی می تواند تحریم را شکست دهد و اقتصاد تعاونی نفت زده نخواهد بود.

برای تحقق این اهداف باید علوم اقتصاد تعاونی و دانش توسعه تعاونی ها در همه حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هم توسعه یابد. اینکه اقتصاد تعاونی چیست، اقتصاد خرد تعاونی و اقتصاد میانی تعاون و اقتصاد کلان تعاونی در ایران اسلامی باید به خوبی تبیین شود. اینجاست که دانشگاه ها بیشترین نقش را دارند و آن هم تربیت نیروی انسانی شایسته برای مدیریت اقتصاد تعاونی است.

ایجاد دانشکده اقتصاد تعاونی حداقل خواسته ایران عزیز است و باید به فکر ایجاد دانشگاه تعاونی باشیم که با همکاری اتاق های تعاون ایران و اتاق های تعاون استان باید برنامه ریزی شود.

در این دانشکده یا دانشگاه باید برای توسعه تعاونی های صنعتی برنامه ریزی شود. توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، صنایع روستایی و صنایع نوین و دانش بنیان می تواند فصل مشترک همکاری های دانشگاه ها و اتاق های تعاون ایران و استان‌ها و همچنین فعالان اقتصاد تعاونی باشد که زیرشاخه های آن تا یک میلیون رشته صنعتی قابل افزایش است چون فقط سه هزار گونه گیاه دارویی داریم که یک نمونه آن «گل محمدی» با چندین صنعت تبدیلی است؛ برای صنعت نفت هم می توانیم بیش از سه هزار صنعت نوین تعریف کنیم و برای اقتصاد کشاورزی که ظرفیت‌ها تا بی نهایت بوده و صنعت خودروسازی هم مهم است.

اما تحقق همه مزیت ها و فعال شدن همه این ظرفیت ها به آموزش و پرورش نیروی انسانی شایسته نیاز دارد که دانشگاه باید در این عرصه ها وارد شوند تا از تهمت ایجاد بیکاری فارغ‌التحصیلان رها شوند، اجتماعی ترین اقتصاد در کشور رونق گیرد، همه فعالیت های آموزشی و پژوهشی در مسیر تبدیل به ثروت قرارگیرد، اقتصاد شایسته ایران اسلامی مستقر شده و هویت جدید کارآفرینی در نظام آموزشی کشور و در همه رشته ها شکل گیرد ... و هزاران دستاورد دیگر.ظرفیت بخش تعاون و نیازهای گسترده اقتصاد ایران به تعاونی ها ایجاب می کند که آموزش و تربیت نیروی انسانی و نهضت پژوهش گسترده و علمی آغاز شود. ادامه این مسیر به شکل گیری نهضت تازه تحقیق و پژوهش در ایران کمک خواهد کرد که اوج تولید ثروت پایدار خواهد بود و بهره وری فعالیت ها به حداکثر ظرفیت خود می رسد.

برای نمونه می توان نهضت خودکفایی در هر عرصه ای راه انداخت؛ مانند خودکفایی در تولید برنج با راهبری بخش تعاونی و همینطور همه زیربخش های کشاورزی، بازرگانی و صنعتی و... رسانه ای (تولید محصول های رسانه ای) با طعم تعاونی.

تحقیق و توسعه تاکنون دو بال برای پیشرفت پایدار بوده است و این همگرایی و هم افزایی به خوبی دیده می شود اما امروزه پژوهش فقط ابزار توسعه نیست، بلکه "ایجاد دانش، ابزار توسعه و بستر تولید ثروت" است.همچنین پژوهش فقط تولید دانش نیست بلکه امروز به تنهایی به صنعتی برای ثروت آفرینی تبدیل شده است و امروزه باید بر توسعه صنعت پژوهش متمرکز شویم.

علم، ابزار کشف حقیقت و محصول پژوهش است. پروفسور «هانس کربس» استاد دانشگاه آکسفورد می گوید که پژوهش دیدن چیزی است که دیگران نمی توانند ببینند و اندیشیدن درباره چیزی است که دیگران نمی توانند به آن بیندیشند.

دیدن آنچه همه از دیدن آن ناتوانند، نیازمند دیدی عمیق و موشکافانه است و این تنها از طریق کنش و واکنش های آموزشی علمی در شرایط محیطی مناسب به ویژه با تلاش استعدادهای برجسته و نخبگان جامعه میسر می شود.پژوهش در دنیای امروز فعالیتی جدی و ضروری است؛ زیرا نتیجه آن علم و فناوری است و این دو منشاء ثروت و قدرت هستند. آموزش، ثروت را به علم تبدیل می کند و در فرایند پژوهش هم علم به ثروت تبدیل می شود.

از طریق علم و فناوری مزیت های جدید خلق می شود و ثروت و رفاه به ارمغان می آید و انتظار می رود که علم و فناوری علاوه بر کشف رازهای طبیعی، بشریت را به جایی برساند که ناآرامی و تنش های سیاسی و اجتماعی را در آن راهی نباشد و نابرابری های اجتماعی به حداقل برسد.

امروزه علم در جوامع نوین از عنصری منزوی و در اختیار گروهی اندک خارج شده است و دولت‌ها در آن دخالت می کنند. تقویت علم و فناوری و به تبع آن حمایت از فعالیت های پژوهشی برای حفظ بقای کشورهای در حال توسعه از اهمیت اساسی برخوردار است و ما در عصری زندگی می کنیم که علم هر روز قدرت خود را ظاهر می کند.

دانشی که علم به ما داده است بر فاصله ها غلبه و نیازها را برآورده کرده، بیماری ها را کاهش داده و درها را به روی فهم رازهای طبیعی گشوده است. علم برای کشف حقیقت، (یعنی چیزی که پنهان است) ابزاری بی مانند محسوب می شود.

زحمت توسعه علمی بر دوش پژوهشگران و محققانی است که همه زندگی خود را وقف جستجو، پژوهش و تحقیق می کنند .

امروزه پژوهش و تحقیق زیربنای عبور از اقتصاد تعاونی و سنتی به سمت اقتصاد صنعتی و رسیدن به سطح اقتصادی دانش محور است و امروز روبنا و زیربنا و زیرساخت اقتصادی هم محسوب می شود.

هیچ بخشی از اقتصاد جهانی و ملی یافت نمی شود که بی نیاز از تولید دانش و پردازش دانش در مسیر تولید ثروت باشد، در غیر این صورت قدرت و مزیت رقابتی را از دست خواهد داد.

اقتصاد تعاونی هم به پژوهش نیاز دارد تا خود را مدرن سازی کند و هم باید تولید پژوهش و علم کند و ثروت به‌دست آورد. در اقتصاد سنتی پایه، منبع رشد اقتصادی، منابع طبیعی و فیزیکی یا به عبارتی منابع محسوس هستند، اما در اقتصاد نوین که اقتصاد دانش محور نمادی از آن است، منبع رشد اقتصادی تولید، توزیع و کاربرد دانش است و دانش و دستاوردهای تحقیق و پژوهش در زمره منابع غیرمحسوس قرار می گیرد.

در اقتصاد سنتی هر کشوری که دارای منابع طبیعی و زمین بیشتری است، پیشرفته تر است و بر عکس هر کشوری که منابع طبیعی و زمین کمتری دارد، عقب افتاده تر تلقی می‌شود.اما در اقتصاد نوین، شکاف دانش و توان پژوهشی یا تولید دانش مطرح است نه شکاف منابع.

به نظر می رسد پیوست دانشگاه ها، تعاونی‌ها و صنعت می تواند نهضتی پایدار از تولید ثروت ایجاد کند که دستاورد آن توسعه اقتصاد شایسته تعاونی با تمام ظرفیت ها و در نهایت نهضت تولید ثروت از پژوهش خواهد بود که حداقل نتایج را می توان اقتصاد دانش بنیان، صنایع برتر و پیشرو و شاخص های نجومی در متغیرهای بازارهای کار، کالا و پول و سرمایه و رسانه جستجو کرد.همچنین اقتصاد تعاونی فقط طفیل صنعت و پژوهش نخواهد بود بلکه هم افزایش شدید و همگرایی کامل در بازی برد – برد خواهد داشت که به توسعه صنعتی و علمی کمک می کند و هم خود اقتصاد تعاونی با هویتی مدرن توسعه خواهد یافت.

در عین حال حوزه های پژوهشی زیادی وجود دارد که تعاونی دانشگاه ها در انجام پژوهش را می طلبد مانند مطالعات آمایش سرزمین و جمعیت در ایران اسلامی و جذب تدریجی تصدی های دولتی در حوزه پژوهش های کاربردی و پایه ای.



اگر دانشگاه ها به توسعه علوم و فنون تعاونی‌ها کمک کنند تعاونی ها هم یار همیشگی دانشگاه ها خواهند بود.

سرمایه گذاری مشترک دانشگاه و صنعت برای تامین نیروی انسانی مهم است و جهت آموزش را هدفمند می کند.

از سوی دیگر، تعاونی های نسل جدید را باید به میان همه رشته های دانشگاهی ببریم تا نسل های جدید توسعه صنعتی شکل گیرد مانند تعاونی تولید داروهای گیاهی، صنایع روستایی و صنایع دانش بنیان و صنایع سبک و سنگین جدید.

همچنین سهم بخش تعاون باید در همه بازارهای پول، سرمایه، کار و کالا افزایش یابد. توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی واحدهای اقتصادی به سطح برخورداری آنها از دانش ارتباط دارد و هر بخش اقتصادی که تولید، توزیع و کاربرد دانش بیشتری داشته باشد ، توسعه یافته محسوب می شود (تعاونی پژوهش های کاربردی و علمی)اتاق تعاون ایران هم باید راهبر توسعه فعالیت دانشگاه ها در عرصه تعاونی مانند آموزش و تربیت نیروی انسانی و پژوهش ها باشد و هدف هم توسعه جامع اقتصاد تعاونی ایران است.

«ناب ترین» منبع رشد اقتصادی را، تحقیق و پژوهش تشکیل می دهد، به شرط اینکه با حذف فاصله زمانی و مکانی تحقیق با بسترهای اجرایی بلافاصله به ارتقای بهره وری و ایجاد تعاونی ها منجر شود.

اقتصاد تعاونی هم برای تثبیت نقش تمدن سازی نوین خود در ایران و همه مزیت های نسبی و مطلق اقتصادی در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیاز دارد که نهضت توسعه علمی و انسانی و پژوهشی را به فرایندی پایدار تبدیل کند و جوهره اصلی این حرکت را الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت تشکیل می دهد.

از سوی دیگر، نهضت توسعه پژوهشی در اقتصاد تعاونی ایران باید به صنعت پژوهشی تبدیل شود که منابع پایان ناپذیر برای تولید ثروت ایجاد خواهد کرد؛از این رو به شدت نیازمند پژوهش تاریخی توسعه ایران در ۴۰ سال اخیر هستیم تا برای چله دوم نظام با طعم و سلیقه تعاونگری و تعاون گرایی به صنعت ثروت ساز پژوهش برسیم.

اما چند پرسش مهم

* اقتصاد تعاونی با چه راهبردهایی می تواند به توانمندسازی سازمانی و اقتصادی خود و جامعه کمک کند ؟

* چگونه می توان بخش تعاون را در مقابل بخش های خصوصی و دولتی قدرتمند کرد ؟

*چه سیاست هایی می تواند حداقل سهم ۲۵ درصدی بخش تعاون را از اقتصاد ملی تحقق بخشد و حتی ارتقا دهد؟

* مبانی عقلایی و علمی برای توسعه تعاونی‌ها چیست ؟

* کدام بخش ها از اقتصاد ایران، مزیت نسبی برای تشکیل تعاونی دارد در رقابت علمی و اقتصادی با بخش های غیر تعاونی ؟

* با چه روش هایی برای ایجاد تشکل های تعاونی در بخش های متنوع فرهنگ سازی کنیم؟

*دولت چه وظایفی در مقابل بخش تعاون دارد ؟

* دانشگاه ها چقدر لازم است با اقتصاد تعاونی مهارت آفرینی کنند؟

* سهم بخش تعاون از سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی چیست، آیا تحقق یافته است؟

* تعاونی ها چگونه باید وارد صنایع سبک و سنگین و نوین و مدرن شوند؟

* تعاونی های پژوهشی چگونه شکل می گیرند و چقدر مهم هستند؟

* هم افزایی دانشگاه، صنعت و پژوهش با بخش تعاون چقدر امکان پذیر است؟

* اقتصاد تعاونی چقدر ظرفیت و مزیت دارد و چگونه قابل تحقق است؟

خبرگزاری تسنیم

علی مطیع جهانی_ معاون پشتیبانی، برنامه ریزی و تحقیقات اتاق تعاون

کارگروه ویژه اقدام مالی

ساختار، اهداف و توصیه ها

Financial Action Task Force

۱۰

در مواردی که مؤسسات مالی قادر به رعایت الزامات مندرج در بندهای(الف) تا (ت) فوق(مبنی بر اصلاح متناسب دامنه اقدامات براساس یک(رویکرد ریسک محور) نباشند، باید از افتتاح حساب و آغاز رابطه کاری و انجام معامله خودداری کنند یا رابطه کاری خود را با مشتریان فعلی پایان دهند و فرایند گزارش‌دهی معاملات مشکوک را در رابطه با مشتری مورد نظر اجرا کنند.این گونه الزامات باید در رابطه با همه مشتریان جدید اعمال شوند، هر چند که مؤسسات مالی باید مفاد این توصیه را در مورد مشتریان فعلی خود ـ براساس شرایط و ریسک‌های مترتب ـ اجرا کنند و اعمال فرایند شناسایی دقیق را نسبت به روابط کاری جاری در مقاطع زمانی مقتضی مدنظر قرار دهند.

توصیه شماره۱۱: نگهداری سوابق

مؤسسات مالی باید ملزم شوند تمام سوابق مورد نیاز مربوط به معاملات، اعم از داخلی و بین‌المللی را حداقل به مدت پنج سال نگهداری کنند تا بتوانند اطلاعات مورد درخواست مقامات ذی‌صلاح را به فوریت ارائه دهند. این گونه سوابق باید حاوی اطلاعات کافی(از جمله مبالغ و حسب مورد، نوع ارزهای مورد استفاده در هر معامله) باشد تا امکان بازسازی هر یک از معاملات فراهم شود، به گونه‌ای که در صورت لزوم، مدارک و شواهد لازم برای تعقیب قضایی فعالیت‌های مجرمانه قابل ارائه باشد.

مؤسسات مالی باید ملزم شوند تمام سوابق و مدارک دریافت شده در فرایند شناسایی کافی مشتریان (به عنوان مثال، روگرفت‌ها و یا سوابق اسناد رسمی هویتی از قبیل گذرنامه، کارت شناسایی، گواهینامه رانندگی و یا سایر اسناد مشابه)، پرونده‌های مربوط به حساب‌ها و روابط کاری،از جمله نتایج هرگونه تحلیل انجام شده(مانند استعلام‌های به عمل آمده برای احراز پیشینه و هدف معاملات غیرعادی پیچیده و بزرگ) را برای حداقل پنج سال پس از پایان رابطه کاری یا پس از تاریخ انجام یک معامله موردی، نگهداری کنند.

قانون باید مؤسسات مالی را ملزم کند سوابق مربوط به معاملات و اطلاعات اخذ شده در فرآیند شناسایی کافی مشتریان را نگهداری کنند. اطلاعات اخذ شده در فرایند شناسایی کافی مشتریان و سوابق معاملات، باید در چارچوب اختیارات متناسب، در اختیار مقامات ذی‌صلاح داخلی قرار گیرند.

توصیه شماره۱۲: اشخاص دارای ریسک سیاسی

مؤسسات مالی باید ملزم شوند در رابطه با «اشخاص خارجی دارای ریسک سیاسی» (اعم از مشتری و مالک ذینفع) ـ علاوه بر تدابیر معمول شناسایی کافی مشتریان ـ اقدامات زیر را انجام دهند:

الف. اعمال نظام‌های مدیریت ریسک مناسب برای احراز این امر که آیا مشتری یا مالک ذی‌نفع موردنظر، یک «شخص دارای ریسک سیاسی» است یا خیر؛

ب. اخذ تأییدیه مدیریت ارشد برای برقراری روابط کاری (یا تداوم رابطه موجود) با این گونه مشتریان؛

ج. اتخاذ تدابیر معقول برای احراز منبع دارایی و وجوه؛ و

د. انجام پایش مستمر و مضاعف نسبت به روابط کاری با این‌گونه مشتریان.

موسسات مالی باید ملزم شوند تدابیر معقولی را برای احراز این امر اتخاذ کنند که آیا مشتری یا مالک ذی‌نفع مورد نظر، یک شخص داخلی دارای ریسک سیاسی است یا شخصی است که از سوی یک سازمان بین‌المللی مسئولیت مهمی به وی محول شده است. در مواردی که روابط کاری با این گونه اشخاص از ریسک بالایی برخوردار باشد موسسات مالی باید ملزم شوند تدابیر مورد اشاره در بندهای (ب)، (پ) و (ت) را اجرا کنند.

الزاماتی که در ارتباط با انواع اشخاص دارای ریسک سیاسی مقرر شده است، باید در مورد اعضای خانواده یا بستگان نزدیک این اشخاص نیز اجرا شوند.

ادامه دارد

صیانت از سرمایه مردم

عضو شورایعالی بورس ضمن مثبت ارزیابی کردن تصمیم سازمان بورس و اوراق بهادار مبنی بر کاهش دامنه نوسان معاملات بورس و فرابورس گفت: این اقدام در جهت حفاظت و صیانت از سرمایه مردم اتخاذ شده است.

شاهین چراغی در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا) بیان کرد: در هر بازاری همیشه یک ارزش ذاتی در رابطه با کالای مورد معامله وجود دارد.

با در نظر گرفتن این نکته باید گفت با ورود مردم و سرمایه‌گذاران ناآشنا به ساختار مالی در بازار سرمایه همیشه نگرانی بابت متضرر شدن این افراد در بورس وجود داشته و دارد؛ براین اساس سازمان بورس با درپیش گرفتن عملکرد اصلاحی صحیح در تلاش است تا این دسته از سرمایه‌گذاران دچار زیان نشوند.

چراغی اضافه کرد: طی دو ماه گذشته شاخص بورس حدود ۲۰۰ هزار واحد افزایش داشت روندی که برای هیات مدیره سازمان بورس نگرانی‌هایی را از جمله به دلیل موارد یاد شده ایجاد کرد بنابراین کاهش دامنه نوسان کاملا به درستی و به موقع انجام شده است.

وی اجرای مصوبه قبلی سازمان بورس یعنی کاهش حجم مبنا را هم اقدامی برای جلوگیری از سفته‌بازی و هدایت بازار دانست و گفت: هرچند سازمان این مصوبه را طی دو مرحله عملی کرد، اما به دلیل کاهش تراکنش‌ها در سیستم بانکی و بازده منفی بسیاری از فعالیت های اقتصادی در چند سال اخیر، حجم نقدینگی همچنان بسیار بالاست و اقبال بازار سرمایه به مردم زیاد شده است، بنابراین باید تمهیداتی اندیشید تا بازار از روند خوب و منطقی تبعیت کند و از مسیر صحیح خارج نشود.

کارشناس بازارسرمایه تاکید کرد: همانطور که اشاره شد هر کالایی باید با توجه به ارزش واقعی خود معامله شود، براین اساس احساس می کنم برخی سهام به جهت محدودیت های ایجاد شده به طور مثال پایین بودن سهام شناورشان توسط سهامدار عمده عرضه نمی شوند، این موضوع سبب شده تا سهام چنین شرکت‌هایی گاه تا چندین برابر بالاتر از ارزش ذاتی خود معامله شوند که اصلا اتفاق خوبی نیست.

عضو شورایعالی بورس در مورد نیاز به کاهش کارمزد در کنار کاهش دامنه نوسان اظهار کرد: این نظر درست است و هزینه معاملات باید کاهش پیدا کند اما در نظر داشته باشید که قرار نیست همه سرمایه‌گذاران هر روز معامله (خرید یا فروش) انجام دهند و بخواهیم براین اساس ۲ درصد دامنه نوسان و کارمزد را به طور روزانه در نظر بگیریم.

اما در نظر داشته باشید براساس آمار موجود همچنان پول وارد بازار سرمایه خواهد شد و نگرانی برای بازار وجود ندارد. بسیاری از سهم‌ها، خوب و پرپتانسیل هستند و نگرانی بابت آنها وجود ندارد؛ بنابراین در بازاری که روند مثبتی دارد در بیشتر مواقع نگهداری سهم است که سبب ایجاد افزایش ارزش سهم می‌شود.

چراغی ادامه داد: متاسفانه یکی از آفت هایی که در بازارسرمایه وجود دارد، کانال های تلگرامی و شبکه های مجازی غیرموثق هستند که اقدام به سیگنال فروشی به سرمایه‌گذاران تازه وارد و ناآگاه می‌کنند. این موضوع سبب شد تا سازمان بورس برای افرادی که میخواهند کُد بورسی بگیرند محدودیت‌هایی ایجاد کند تا این دسته از افراد ابتدا و در فرصتی یک ماهه با اصول ابتدایی بازار آشنا شده و سپس کُد خود را دریافت و معامله کنند.

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری اهداف هم گفت: شرایط کنونی بازار با شرایط گذشته متفاوت است و تصمیمات جدید سازمان بورس نه فقط به نفع سهامداران بلکه نشان دهنده حمایت مقام ناظر از آنهاست.

مصطفی امید قائمی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری اهداف در گفت‌وگو با پایگاه خبری بازار سرمایه(سنا)، بیان داشت: از ابتدای سال جاری ارزش شاخص کل هم وزن حدود ۴۴۲ درصد و شاخص کل حدود ۱۹۸ درصد و ارزش بازار بورس در حدود ۱۹۶ درصد رشد داشته اند.

مطالبات ارزش ریالی سهام در ابتدای سال روزی ۱۸۵۰ میلیارد تومان بوده و هم اکنون حدود ۴۲۳۰ میلیارد تومان می شود این اعداد و ارقام نشان دهنده این است که اقبال مردم و سرمایه گذاران کوچک و اشخاص حقیقی به بازار زیاد شده است. وی ادامه داد: یکی از دلایل اصلی رشد بازار همین اقبال عمومی شدیدی است که مردم به بازار دارند و نقدینگی خود را از بازارهای دیگر به بازار سرمایه منتقل می کنند. در این بین، مهمترین عاملی که می تواند باعث توسعه بازار سرمایه، ارائه خدمات بهتر و افزایش نقش بازارسهام در کشور شود این است که مخاطبین جدید و بیشتری داشته باشد تا بازار سرمایه نخستین گزینه سرمایه گذاری برای اشخاصی باشد که منابعی برای سرمایه گذاری دارند. امید قائمی ادامه داد: حضور بیشتر سرمایه گذاران حقیقی، مسئولیت نهاد ناظر را بیشتر می کند و در این بین صیانت از حقوق سهامداران و حفظ سرمایه آنها وظیفه خطیری می باشد که بر عهده نهاد قانون‌گذار است. یکی از بهترین کارهایی که می توان با این اوصاف انجام داد این است که سرمایه گذاران به تشکیل سهم های سرمایه گذاری ترغیب شوند و پرتفوی مردم به سمت سرمایه گذاری های بلند مدت تر هدایت شود.

کاهش قیمت سهام

یک کارشناس بازار سرمایه معتقد است، سه عامل بر روی تغییرات قیمت سهام پالایشگاهی و پتروشیمی‌ها موثر بوده است.

همایون دارابی در بررسی عوامل کاهش قیمت سهام شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی به پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا) گفت: این موضوع به سه دلیل اصلی رخ داده است.

نخست اینکه گسترش ویروس کرونا در سطح بین‌المللی روی قیمت حمل و نقل تاثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشته است، به این معنی که اکثر مسافرت‌های بین کشوری و پروازهای هوایی لغو شده است.

از طرفی دیگر در داخل کشورها برقراری قرنطینه و پرهیز از مسافرت و جابه‌جایی هم سبب شده است تا مصرف مواد نفتی در اقتصاد جهانی کاهش پیدا کند. وی اضافه کرد: از طرفی دیگر، شاهد تلاش ناموفق در اوپک پلاس بودیم که نتیجه آن دور از انتظار بود؛ به نظر می‌رسید که اعضای اوپک و خارج از اوپک بتوانند به یک توافق ضمنی بر کاهش تولید نفت برسند که متاسفانه محقق نشد.

همچنین این نکته را هم در نظر داشته باشید که به طور سنتی در انتهای فصل زمستان و گرم شدن هوا، مصرف سوخت کاهش پیدا می کند و این موضوع هم بر قیمت سوخت و متعاقب آن نفت موثر است.

دارابی در ادامه تاکید کرد: مجموع این عوامل سبب شده است تا قیمت نفت به میزان قابل توجهی (۱۰ درصد) افت داشته باشد.

این کاهش قیمت در بازار ما هم تاثیر داشته است، البته توجه داشته باشید زمانی که بهای قیمت نفت خام کاهش پیدا می‌کند با همان سرعت، از بهای «فرآورده‌های نفتی» کاسته نمی شود و این موضوع شامل مرور زمان می شود.

وی تصریح کرد: به دلیل کاهش قیمت نفت حتی ممکن است حاشیه سود پالایشگاه‌ها هم افزایش پیدا کند و کاهش قیمت نفت صرفا بر روی درآمد پالایشگاه ها موثر نیست، همچنین به سود پالایشگاه‌ها حداکثر تخفیفی از مواد خام هم داده می شود و به همین دلیل زمانی که قیمت نفت کاهش می‌یابد، قیمت آن دسته از محصولات مرتبط در پالایشگاه‌ها هم افت می کند، یعنی درآمد پالایشگاه ها هم کم می شود.

عمق بخشی بازار

مدیرعامل شرکت کارگزاری آرمان تدبیر نقش جهان گفت: افزایش سرمایه شرکت‌ها، عرضه های اولیه به موقع و رشد شناوری سهم‌ها همچنین توسعه ابزارهای موجود از جمله عوامل تاثیرگذار در عمق بخشی به بازار است که در مرحله اجرا هستند

بهادر شمس در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه(سنا)، حجم معاملات روزانه بورس را قابل توجه دانست و گفت: افزایش و تغییر محاسبه حجم مبنا یک نیاز اساسی در بازار بود؛ چرا که اعدادی که بعنوان حجم مبنا اعلام می‌شد سنخیتی با حجم نقدینگی فعلی نداشت و به روز رسانی این ابزار یک ضرورت بود.

وی ادامه داد: در شرایط فعلی تنوع ابزاری در بازار سهام به اندازه ای است که چه در زمان صعودهای پیاپی و چه در زمان نزول، هر کدام کاربرد متفاوتی برای پوشش ریسک معاملات دارند.

کارشناس بازار سرمایه بیان کرد: جذابیت بازار سرمایه نسبت به دیگر بازارها به بالاترین رتبه خود رسیده به طوری که افراد جدید با هجوم به کارگزاری ها تعجیل در اخذ کد معاملاتی دارند اما این نکته را در هیچ شرایطی نباید فراموش کنند که بدون تحلیل، معامله نکنند.

وی با انتقاد از رفتار هیجانی برخی سهامداران خرد بیان کرد: برخی افراد بدون رصد و تحلیل سهم ها فقط با شنیدن اسم سهم اقدام به خرید و فروش می‌کنند، در صورتی که این نوع رفتارها برای بورس سم است همچنین باید بدانند بورس زمانی بازدهی معقولی به سهامدار می دهد که سرمایه گذاری را بلند مدت در نظر بگیرد.

وی با اشاره به آموزش پیش از ورود به بورس گفت: ابزارها و برنامه های مختلفی در زمینه آموزش سرمایه گذاری در بورس وجود دارد که خوشبختانه با توجه به جذابیت بازار سرمایه، ترغیب مردم هم برای این آموزش ها بیش از پیش شده است، اما حجم تقاضای سهامداران برای دریافت کدهای معاملاتی به اندازه ای زیاد شده که باید برنامه های آموزشی را چند برابر کرد تا پاسخگوی نیاز باشد.

کنترل بازار سهام

رشد مداوم بازار سهام طی هفته ها و ماه های اخیر در شرایطی اتفاق می افتد که اقتصاد کشور شرایط پیچیده ای دارد، از یک طرف تحریم های ظالمانه امریکا، شرایط تعامل کشور با اقتصاد جهانی را با محدودیت مواجه کرده و از طرف دیگر تدابیر اندیشیده شده برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا، از رونق کسب و کارها مخصوصا در حال و هوای عید، کاسته است.

مدیرعامل تامین سرمایه نوین، در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، ضمن بیان این مطلب اظهار داشت: همچنین اقتصاد چین و برخی از کشورهای اروپایی و حتی امریکا از این ویروس همه‌گیر تاثیر منفی گرفته اند و این دغدغه و ترس وجود دارد که اقتصاد جهان به واسطه این موضوع و برخی عوامل دیگر، وارد رکود شود.

به گفته ولی نادی قمی، در صورت رکود جهانی، پیش بینی می شود که قیمت مواد خام و کامودیتی ها در بازارهای جهانی کاهش یابد و این موضوع فشار مضاعفی به اقتصاد کشورمان وارد می کند.

به رغم این ریسک های اقتصاد و همچنین ریسک های سیاسی پیش رو، بازار سهام کشور از ابتدای سال جاری رشد ۱۹۳ درصدی را تجربه کرده است.

اگرچه رشد تورم، رشد قیمت نیمایی ارز و در هفته های اخیر هم رشد بازاری قیمت ارز می تواند چشم انداز سودآوری شرکتها و افزایش ارزش جایگزینی کارخانجات را مثبت نشان دهد اما به عقیده کارشناسان چشم انداز اقتصاد تا بدین حد مطلوب نیست که جوابگوی رشدهای چند صد هزار واحدی بورس باشد.

نادی قمی افزود: به نظر می رسد طی هفته های اخیر مسئولان بازار سرمایه و اقتصاد چنین دغدغه ای داشته اند افزایش حجم مبنا، ایجاد محدودیت های معاملاتی برای کسانی که برای اولین بار کد بورسی گرفته اند (فارغ از اینکه به لحاظ تکنیکی و نرم افزاری اعمال چنین محدودیتی امکان پذیر باشد) و حتی طرح بحث کاهش محدوده نوسان و شایعات مربوط به افزایش مالیات در بازار سهام از جمله راهکارهای کنترل سرعت ورود پول به بازار سهام، صف های طولانی اخذ کد سهامداری و رشد مداوم شاخص بازار سهام، به شمار می رود.

جلوگیری از سفته بازی

عضو شورای عالی بورس گفت: تصمیم اخیر سازمان بورس و اوراق بهادار مبنی بر کاهش دامنه نوسان از ۵ درصد به ۲ درصد، مانعی برای رشد هیجانی قیمت ها بوده و سبب می‌شود در صورت کاهش قیمت در برخی سهم‌ها، سرمایه‌گذاران با زیان زیادی مواجه نشود.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، سعید اسلامی بیدگلی در باره اصلاحیه جدید دستورالعمل اجرایی نحوه انجام معاملات و کاهش دامنه نوسان به ۲ درصد در بورس و فرابورس اظهار کرد: تصمیم اخیر برای جلوگیری از ورود پول به بازار سرمایه نیست، بلکه عاملی برای تصمیم گیری صحیح و منطقی بر مبنای اصول بنیادی است.

وی با اشاره به اینکه همه فعالان بازار آرزو داشتند نقدینگی جامعه به جای بازارهایی مانند دلار و سکه، وارد بازار سرمایه شود؛ ابراز داشت: اکنون شاهد این اتفاق هستیم و باید از این فرصت برای بزرگ کردن بازارسرمایه، ورود شرکت‌های بیشتر و انتشار اوراق استفاده کرد.

سعید اسلامی اضافه کرد: آنچه که سهامداران را در ماه‌های گذشته نگران کرده، این است که در بسیاری از سهم‌ها فعالیت‌های سفته بازانه دیده می‌شود، زیرا رشد قیمت در برخی از سهم ها توجیه بنیادی ندارد؛ بنابراین اخذ چنین تصمیماتی مانند کاهش دامنه نوسان برای جلوگیری از فعالیت های سفته بازانه گرفته می‌شود که موفقیت کامل این اقدام به مسایلی مانند ساختارهای اقتصاد کلان و ریزساختارهای بازار مرتبط است.

وی با تاکید بر اینکه طی سال های اخیر با توجه به رکود بازارهای موازی حجم بسیار زیادی پول وارد بازارسرمایه شده، تصریح کرد: بر همین اساس، قیمت سهام برخی شرکت های کوچک، بدون تحلیل علمی متورم شده است. البته این موضوع در مورد همه سهم‌ها صدق نمی کند، زیرا همین حالا سهم‌های زیادی وجود دارند که ارزنده بوده و متناسب با انتظارات سال آینده قیمت‌گذاری خوبی شده‌اند، اما تعدادی از شرکت ها به نظر بیش از حد واقعی ارزش گذاری شده اند همین موضوع منجر به ایجاد نگرانی برای فعالان بازار شده است.

اسلامی با اشاره به قدرت بسیار زیاد پول ورودی به بازارسرمایه و امکان تخریب به دلیل وجود فعالیت‌های سفته بازانه گفت: تغییراتی که اخیرا در مجموعه بازار سرمایه داده شده، لزوما نتوانسته این روند را متوقف کند و هم زمان هم به نظر می رسد با رشد بسیار زیاد بازار طی دو سال اخیر گروه‌هایی که دارای جریان وجه نقد بودند، طی این مدت قدرتمندتر شدند؛ بنابراین کاستن سرعت این روند با دستورالعمل های ابتدایی امری دشوار است، از همین رو تصمیم گرفته شد تا با کاهش دامنه نوسان، قدرت این روند تا حدودی گرفته شود تا سرمایه گذاران با تحلیل اقدام به خرید سهم کنند و تا حدودی سفته بازی از بازار دور شود در این شرایط شاهد بازاری باثبات خواهیم بود.

دبیرکل کانون نهادهای سرمایه‌گذاری تصریح کرد: سازمان بورس اوراق بهادار، کانون کارگزاران و کانون نهادهای سرمایه گذاری آمادگی پذیرش پیشنهادات را دارند تا تصمیمات بهتری در این زمینه اتخاذ شود.

همچنین یک کارشناس بازار سرمایه گفت: بازار سرمایه در روزهای پایانی سال با تصمیمات سازمان بورس و اوراق بهادار رنگ دیگری به خود گرفته است.

کارشناسان بر این باورند که این تصمیمات از هیجانات مقطعی و غیرمنطقی بورس چه در شرایط رشد و چه در زمان‌های ریزش بازار جلوگیری می کند.

به گزارش ایسنا، رضا اعجازی درمورد ابلاغیه‌های اخیر نهاد ناظر توضیح داد: طی هفته های اخیر مقرراتی در مورد چگونگی تغییرات قیمت سهام در سازمان بورس اوراق بهادار مصوب شد که در آن سعی شده با افزایش نحوه محاسبه حجم مبنا و تغییر دامنه نوسان از پنج به دو درصد از هیجانات مقطعی و غیر منطقی بورس چه در شرایط رشد و چه در زمان‌های ریزش بازار جلوگیری شود.

وی ضمن ارزیابی مثبت تغییرات مذکور ادامه داد: به نظر می‌رسد در نهایت این مقررات موجب اطمینان خاطر و اعتماد بیشتر به بازار سرمایه کشور شود.

تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به افزایش کدهای معاملاتی و حجم نقدینگی در بورس گفت: طی ماه‌های اخیر به دلیل افزایش نقدینگی مداوم در بازار پول و با توجه به مکانیزم های مناسب در بازار سرمایه، اقبال مردم جامعه به خرید سهام افزایش چشمگیری پیدا کرد و به تبع این ورود نقدینگی اخذ تدابیر لازم از جمله افزایش عرضه های اولیه، عرضه سهام های دولتی، انتشار اوراق با درآمد ثابت و تصویب مقررات متناسب همانند مقررات اخیر ضروری به نظر می‌رسد.

اعجازی ادامه داد: بررسی سوابق گذشته نشان می‌دهد که وضع چنین قوانینی تاثیر قابل ملاحظه‌ای در کلیات روند های بازار سرمایه نداشته و صرفا برای جلوگیری از هیجانات زودگذر اتخاذ می شود.

بهره گیری از سازو کار بورس کالا در طرح ملی مسکن

مدیرعامل بورس کالای ایران با بیان اینکه بورس کالا آمادگی کامل برای فروش شفاف مسکن و امکان عرضه املاک مازاد بانک ها را دارد، گفت: مذاکرات اولیه با وزارت های راه و شهر سازی و امور اقتصادی و دارایی به منظور بهره گیری از مکانیسم‌های معاملاتی بورس کالا در حوزه پروژه مسکن مهر و طرح ملی مسکن هم انجام شده است.

به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا) به نقل از ایرنا، حامد سلطانی نژاد، نخستین اقدام بورس کالا در حوزه مسکن را ورود به طرح ملی مسکن اعلام کرد و گفت: دولت برای اجرای طرح ملی مسکن باید مبلغی را به پیمانکاران پرداخت کند در این زمینه به جای پرداخت پول به پیمانکاران با استفاده از مکانیسم بورس، وجه آن را به تولیدکننده مصالح پرداخت می‌کند و فقط مصالح در اختیار پیمانکاران قرار می گیرد.

وی خاطرنشان کرد: سال‌های مختلف فعالیت بورس کالا، چنین نگرشی وجود داشت که مکانیسم بورس همواره بر اساس مزایده یا حراج باشد که در این قالب، خریدار نقش آفرینی کمتری به نسبت فروشنده دارد؛ اما در چند سال گذشته به این نتیجه رسیدیم که با راه اندازی معاملات مناقصه محور، سمت خریدار هم در تعیین قیمت نقش‌آفرینی کند که این معاملات در دستورکار قرار دارد.

مدیرعامل بورس کالای ایران با بیان اینکه معاملات مناقصه به پیمانکار کمک می‌کند تا مصالح ساختمانی را به صورت عمده و با قیمت پایین‌تر تامین کند، گفت: در این روش دولت پول را به صورت مستقیم به حساب مصالح فروش می‌ریزد و مصالح فروش هم مصالح را از طریق بورس به پیمانکار می‌فروشد.

وی خاطرنشان کرد: در حال بررسی این مدل در حوزه بازار مسکن با متصدیان این بخش هستیم که به طور حتم این موضوع می‌تواند از ایجاد فضاهای غیرشفاف جلوگیری کند.

سلطانی نژاد، پیرامون آخرین اقدام های صورت گرفته برای عرضه مسکن در بورس کالا گفت: مذاکره با فعالان در حوزه ملک و بازار مسکن، وزارتخانه های راه و شهر سازی و امور اقتصادی و دارایی انجام گرفته است و بهتر است شیوه ای ایجاد شود تا افرادی که قصد فروش مسکن دارند، در محیطی شفاف دست به این اقدام بزنند.

سلطانی نژاد با بیان اینکه این طرح برای جلوگیری از ایجاد طرح فئودال های مسکن شکل خواهد گرفت، گفت: وزیر راه و شهرسازی تاکید ویژه‌ای برای اجرای این طرح دارد و الزامی باید صورت گیرد تا افرادی که قصد خرید و فروش مسکن را دارند بوسیله بورس اقدام کنند؛ این امر زمینه جلوگیری از احتکار را فراهم خواهد کرد. وی با بیان اینکه احتمال عرضه مسکن در بورس کالا زیاد است، گفت: اکنون مذاکرات اولیه انجام و طرح پیشنهادی ارسال شده است و به محض ارائه دستورالعمل، طرح اجرا خواهد شد.

سلطانی نژاد اضافه کرد: زمانی که این بازار شفاف شکل بگیرد و قیمت‌ها در آن واقعی و یکسان باشد فعالان بازار برای خرید و فروش به این بازار مراجعه می‌کنند.

مدیرعامل بورس کالا گفت: اکنون ملاک فروش در معاملات مسکن، آخرین قیمت فروش است؛ اما تا چه زمانی باید در بازار مسکن ملاک قیمتی، آخرین نرخ معامله شده باشد زیرا با خرید و فروش بر اساس آخرین قیمت معامله شده، روند صعودی قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کند.

وی افزود: اکنون بیشتر از آنکه عوامل اقتصادی در تعیین قیمت مسکن دخیل باشد، عرضه کننده تعیین کننده قیمت است، اما در صورت انجام معاملات در بورس کالا قیمت‌ها و میزان معاملات شفاف شده و بازار مسکن رونق خواهد گرفت.

سلطانی نژاد خاطرنشان کرد: با اجرای این طرح بنگاه‌های املاک در بازار مسکن می‌توانند نقش آفرینی کنند و حتی تابلوی معاملات را می‌توان در بنگاه‌ها نصب کرد تا معاملات از رکود و انحصار رها شود.

مدیرعامل بورس کالا به آمادگی بورس کالا برای عرضه املاک مازاد بانک‌ها در این بورس اشاره کرد و افزود: بورس کالا دارای بازاری فرعی با امکان عرضه املاک دارد که عرضه املاک مازاد بانک‌ها در بورس کالا با دو رویکرد مزایده و فروش متری مسکن دنبال می شود.

وی در پاسخ به نحوه عرضه و معامله املاک بانک‌ها در بورس گفت: بانک ها می‌توانند املاک خود را بر تابلوی بورس عرضه کنند تا املاک به صورت مزایده و حراج معامله شود؛ نکته مهم در این معاملات شفافیت بالا و حضور طیف گسترده‌ای از افراد در بازار است که آماده خرید هستند.

سلطانی نژاد راه دیگر برای فروش املاک مازاد بانک ها را تشکیل بازار اوراق بهادار مبتنی بر فروش متری و تقطیع کردن زمین ها دانست و افزود: متراژ املاک در اختیار دولت بالا است که در ابتدا باید به متراژ کوچک تبدیل و قابلیت تبدیل شدن به واحدهای تجاری و مسکونی را داشته باشند تا از این طریق از قابلیت معامله در بورس برخوردار باشند. از سوی دیگر نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر استفاده از ابزار معاملاتی گواهی سپرده کالایی مبتنی بر سکه طلا و در ادامه راه اندازی معاملات گواهی سپرده شمش یا طلای آب شده در بورس کالا را راهکاری مناسب برای کسب سود سرمایه گذاران غیرحرفه‌ای از بازار طلا بیان کرد.

به گزارش کالاخبر، محمد کشتی آرای با اشاره به اینکه برنامه بورس کالا برای راه اندازی معاملات گواهی سپرده طلای آب‌شده، نتیجه نیاز بازار به راه‌اندازی چنین ابزارهای مالی نوینی است گفت: اگر افراد غیرحرفه‌ای و مردم عادی، قصد سرمایه‌گذاری در معاملات خارج از چارچوب بازار سنتی را دارند، می‌توانند با اطمینان خاطر و بدون نگرانی از آینده، از راهکار صدور گواهی سپرده کالایی مبتنی بر سکه طلا استفاده کنند ضمن اینکه بورس کالا در نظر دارد این قابلیت را برای شمش و یا طلای آب شده فراهم کند. وی ادامه داد: در فضای مجازی دادوستد طلا به صورت طلای آب‌شده و سکه در قالب معاملات اعتباری و یا فردایی انجام می‌شود و با توجه به اینکه این خرید و فروش‌ها پایه و اساس قانونی و ضمانت لازم را ندارد، برای کاهش نگرانی مردم از آینده سرمایه خود می‌توان از گواهی سپرده کالایی بورس کالا برای سرمایه گذاری در این بازار استفاده کرد. با این گواهی به‌نوعی این اطمینان خاطر به سرمایه‌گذاران داده می‌شود که سرمایه‌شان به صورت امن نگهداری شده و دارایی آنها نزد بانک های مورد تایید بورس حفظ خواهد شد.

پیامهای شخصی کد ۱۷۰۰

پیامهای شخصی ۲۰
گمشده

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری سایپا ۱۱۱ مدل ۹۲ شماره شاسی: NAS۴۳۱۱۰۰D۵۷۵۱۱۱۳ شماره پلاک: ۳۳ ایران ۲۹۵ ج ۷۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

کارت خودرو و کارت سوخت خودرو رنو تیپ لوگان L۹۰ مدل ۱۳۸۹ رنگ سفید به ش پلاک ۲۷م۲۴۷ ایران ۸۸ و ش موتور K۴MA۶۹۰W۰۴۹۳۵۲ ش شاسی NAPLSRALD۹۱۰۸۹۲۶ به نام خجسته باقری مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز و برگ کمپانی و کارت موتور سیکلت آپاچی مدل: ۱۳۹۱ به شماره تنه: NE۸***۱۸۰B۹۱۰۰۱۱۹ به شماره پلاک: ۱۲۵/۵۶۴۱۶ به شماره موتور: E۶LB۲۱۱۷۳۴۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فارغ التحصیلی مدیحه طاهری فرزند حمیدرضا به کدملی ۳۵۳۰۰۷۸۶۷ صادره گناوه در مقطع کارشناسی رشته معماری صادره از واحد دانشگاهی بوشهر به شماره ۳۴۹۳۲۱۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

گواهی می‌شود فاکتور بلوک سیلندر به شماره ۹۶۱۸۷۷۰۳۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۵۱۹۳۲۹۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل دفترچه قرارداد شماره ۳۱/۴۵۱۲۰۰ مورخ ۷۶/۰۶/۰۲ به شماره قطعه ۱۵۲ به مساحت ۳۵۰ متر واقع در پردیس فاز ۲ محله ۲ به نام آقای امیر بزرگ نیا مهربانی فرزند محمد مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی پژو ۴۰۵ رنگ مشکی مدل ۸۳ به نام مهناز خواجوی شماره ملی ۳۳۱۹۷۵۱۱۲۳ شماره موتور: ۱۲۴۸۳۰۵۴۵۶۰ شماره شاسی: ۸۳۰۲۶۰۵۰ شماره انتظامی: ۱۹-۴۷۵د۲۱ مفقود و از اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سند کارخانه موتورسیکلت ساوین مدل ۱۳۸۹ شماره پلاک ۶۴۴۸۱-۳۹۴ شماره موتور ۰۵۱۲۱۰۲۲ شماره تنه ۸۹۳۴۶۱۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت پژو ۲۰۶ هاچ پلاک ۶۷۱م۴۱ ایران ۶۱ شماره شاسی ۱۶۱۵۰۵KJ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز موتورسیکلت کبیر ۱۸۰ مدل ۹۷ پلاک ۷۷۶-ایران ۱۲۴۹۴ موتور ۰۱۷۶NCV۲۳۳۱۴۴ تنه NCVFHKKGEJ۱F۰۱۱۳۹ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

پروانه بهره برداری یک واحد تولیدی گلخانه به نام خانم مهناز ذاکر مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

بیمه شخص ثالث و کارت پژو ۲۰۶ به شماره شاسی NAAP۱۳FE۷HJ۱۳۹۱۵۳ و شماره موتور ۱۷۲B۰۰۲۷۲۲۱ و پلاک ۳۲۲ق۵۸ ایران ۳۴ به همراه گواهینامه رانندگی پایه ۳ به نام ابراهیم آقایی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت هوشمند راننده و بیمه‌نامه و یک فقره چک بانک ملت (سفید) به شماره ۹۴۲۹۹۹/۴۶ متعلق به اینجانب اصغر بیشکول به شماره ملی ۵۶۶۹۲۳۲۴۷۱ صادره از خلخال مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند مالکیت (برگه سبز) پژو ۲۰۶ به شماره شاسی ۸۱۶۲۵۰۶۷ شماره موتور ۱۰FSE۲۴۰۲۰۸۴۶ و پلاک ۲۴ط۴۸۶ ایران ۲۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است

برگ سبز (شناسنامه مالکیت) متعلق به خودرو کامیونت ون نیسان ۲۴۰۰ رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۸۶ شماره پلاک ۲۴-۷۳۵ص۲۱ شماره موتور ۹۴۲۴۵ شماره شاسی K۱۰۶۷۱۶ به نام رمضان جهانی فرزند غلامحسین مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی وانت دوکابین مزدا به شماره شهربانی ۸۶۳ق۲۵ ایران ۲۵ به شماره موتور FEA۰۷۵۹۵ و شاسی NAGPXPE۱۲B۲۰۸۰۳۴۲ به نام مریم اکبرپور مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (مراغه)

برگ سبز خودرو و سند LX سفید به ش پلاک ۴۵۸ن۲۵ - ایران ۲۰ و ش شاسی ۶۰۰۰۱۴ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

شناسنامه مالکیت سواری پراید مدل ۱۳۷۸ به شماره انتظامی ۸۷۲ن۸۴ ایران ۴۲ به نام علی باعصمت مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. سبزوار

برگ کمپانی خودرو سواری پژو ۲۰۶ آریان مدل ۹۰ شماره شاسی: NAAP۴۱FD۵CJ۳۴۵۸۹ شماره موتور: ۱۵۰۹۰۰۵۴۱۲۲۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند مالکیت (برگ سبز) و سند فروش (کمپانی) اتوبوس پلاک ۳۳-۴۹۵ع۸۳ موتور ۳۰۴۳۶۸ و شاسی ۹۶۸۷۳۷۰۲ مفقود و فاقد اعتبار است.

گمشده
سند و برگ سبز پژو ۲۰۶ صندوق‌دار به شماره شهربانی ۸۸-۸۱۱ و ۳۹ و شماره موتور ۱۶۳B۰۲۶۱۷۲۲ و شماره شاسی NAAP۴۱FE۳GJ۷۶۹۸۲۷ به نام آقای رضا کشفی آشتیانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
آشتیان

برگ سبز مدل ۱۳۷۶ شماره موتور ۱۱۱۲۷۶۷۴۱۳۱ شماره شاسی ۷۶۴۷۸۰۴۳ پلاک ۲۸ ایران-۵۳۸ل۷۱ سواری پیکان مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد

سند مالکیت خودرو مگان مدل ۱۳۹۰ پلاکم ۸۸۴ل۴۴ ایران ۲۸ شماره موتور F۴R۱۷۷۱۳۰۱۲۳۲۴۶ شماره شاسی NAPLM۰۵۰E۰۱۰۱۵۰۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۶ شماره شاسی: S۱۴۱۲۲۸۶۰۷۴۳۹۵ شماره موتور: ۱۹۲۳۳۲۶ شماره پلاک: ۶۳ ایران ۴۳۱س۹۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

اصل شناسنامه خودرو سواری سیستم پراید تیپ جی تی ایکس آی شماره موتور: ۲۹۹۱۸۶۴۸ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۸۲۸۳۸۲۹ شماره پلاک: ۹۴ط۱۶۳ ۱۲ به نام راحیل اندیشمند فرزند عبدالقادر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. بستک

اصل و کالت‌نامه به شماره ۵۱۰۲۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۷ دفتر ۶ پردیس و وکالت‌نامه به شماره ۲۷۳۱۸۹ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۰۸ دفتر ۶ پردیس و اصل وکالت‌نامه به شماره ۱۱۶۶۹ مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۱ دفتر ۶ پردیس و اصل وکالت‌نامه ۵۱۰۴۸ مورخ ۹۸/۰۹/۱۸ دفتر ۶ پردیس مربوط به قطعه زمین به شماره ۱۵۲ به مساحت ۳۵۰ متر مربع واقع در پردیس فاز ۲ محله ۲ به شماره قرارداد ۳۱/۴۵۱۲ مورخ ۱۳۷۶/۰۶/۰۲ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول)
شرکت خوش جانوین (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۷۸۴۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۷۲۹۱

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت می‌رساند جلسه مجمع عمومی فوق العاده در ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱/۱۶ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان حافظ پلاک ۲۷۵ برگزار می شود.

دستور جلسه:
- افزایش سرمایه و ورود سهامدار جدید

هیئت مدیره شرکت خوش جانوین

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول)
شرکت خوش جانوین (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۷۸۴۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۷۲۹۱

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۹/۱/۱۶ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان حافظ پلاک ۲۷۵ برگزار می شود.

دستور جلسه: ۱ـ انتخاب بازرسین اصلی و علی البدل ، ۲ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار ، ۳ـ سایر موارد قابل طرح در مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده

هیئت مدیره شرکت خوش جانوین

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت مهندسین مشاور کاوش راه (سهامی خاص)
شماره ثبت ۴۲۸۷۱ شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۸۲۳۷۹

از کلیه صاحبان سهام دعوت می‌شود رأس ساعت ۱۰ صبح روز شنبه نهم فروردین ماه سال ۱۳۹۹ جهت شرکت در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که در محل شرکت واقع در تهران بلوار آفریقا ـ خیابان عاطفی غربی ـ پلاک ۶۲ تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی
۲ـ بررسی و اتخاذ تصمیم درخصوص ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۸
۳ـ انتخاب اعضای هیأت مدیره شرکت
۴ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای سال مالی ۱۳۹۹ و تعیین حق الزحمه آنان
۵ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت
۶ـ سایر مواردی که اخذ تصمیم در مورد آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی است.

هیأت مدیره شرکت

آگهی رعایت حق تقدم در افزایش سرمایه شرکت
سیمان تیس چابهار (سهامی خاص)
شماره ثبت ۲۰۷۶۲۱ ـ شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۹۲۲۵۲

بدینوسیله به اطلاع سهامداران محترم می‌رساند:
طبق مصوبه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ مقرر گردیده سرمایه شرکت سیمان تیس چابهار از مبلغ ۱/۳۶۵/۶۴۰/۵۶۴/۰۰۰ ریال منقسم به ۱/۳۶۵/۶۴۰/۵۶۴ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام به مبلغ ۱/۶۰۵/۶۴۰/۵۶۴/۰۰۰ ریال منقسم به ۱/۶۰۵/۶۴۰/۵۶۴ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام افزایش یابد که ظرف مدت ۹ ماه (پایان آبان ماه ۱۳۹۹) به دفعات از طریق انتشار سهام جدید و هر سهم به ارزش اسمی یک هزار ریال از محل آورده نقدی و یا مطالبات حال شده و یا هر دو محل عملی گردد.
در این مرحله مبلغ ۹۹/۶۹۱/۷۶۱/۰۰۰ ریال برابر با ۹۹/۶۹۱/۷۶۱ سهم از محل آورده نقدی اعلام می شود و حق تقدم خرید به نسبت هر سهم از سهام جدید به میزان ۰/۰۷۳ سهم خواهد بود (توضیحاً هر ۱۰۰۰ سهم دارای حق تقدم ۷۳ سهم می باشد)
مهلت استفاده از حق تقدم وفق ماده ۱۶۶ قانون تجارت ۶۰ روز و ابتدای آن از تاریخ انتشار این آگهی خواهد بود. لذا سهامدارانی که مایل به خرید سهام جدید می باشند می‌بایست بابت خرید افزایش سرمایه وجوه خود را به حساب سپرده کوتاه مدت ویژه شماره IR۴۸۰۱۵۰۰۰۰۰۰۰۰۸۰۹۳۰۳۶۰۰۰۰۸ بانک سپه مرکزی شعبه چابهار به نام شرکت سیمان تیس چابهار واریز کرده و فیش پرداختی را به امور مالی شرکت ارائه نمایند و در مورد مطالبات خود در مهلت مذکور با تبدیل مطالبات خود به افزایش سرمایه موافقت خود را به شرکت اعلام نمایند.
بدیهی است در صورت عدم استفاده از حق تقدم توسط سهامداران محترم، طبق مصوبه مجمع عمومی فوق العاده (۹۸/۱۲/۱۱) هیئت مدیره سهام باقی مانده از حق تقدم را در هر مرحله با اولویت اول به سهامداران و سپس با قیمت کارشناسی به اشخاص حقوقی و حقیقی جدید واگذار می‌نماید و در پایان مهلت مقرر، سرمایه به میزان حق تقدم استفاده شده به ثبت خواهد رسید.

هیئت مدیره شرکت سیمان تیس چابهار (سهامی خاص)

آگهی تغییرات
شرکت صنعتی سار خرم دشت سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۰۵۰۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۶۷۰۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای وحید نویدآذر به شماره ملی ۱۳۷۷۹۵۷۵۹۴ به سمت مدیرعامل و رئیس هیات مدیره، خانم بهنوش کیباخی به شماره ملی ۰۷۰۲۴۰۴۶۵۹ به سمت نایب رئیس هیات مدیره و خانم نیکی نویدآذر به شماره ملی ۰۰۲۱۹۷۶۴۴۹ به سمت عضو هیات مدیره به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. خانم فاطمه فیضی دباغی به شماره ملی ۰۰۶۹۰۴۱۹۶۲ به سمت بازرس اصلی و آقای نوید رمضانی به شماره ملی ۰۰۶۸۳۲۷۱۹۶ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی و سایر نامه‌های اداری و عادی با امضاء ثابت مدیرعامل به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۷۸۹۱۸۱)

****

آگهی تغییرات
موسسه خدمات بهداشتی درمانی میلاد سلامت تهران
به شماره ثبت ۱۲۷۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۹۰۰۸۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و صورتهای مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به تصویب رسید . سازمان حسابرسی با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ به عنوان حسابرس مستقل و بازرس اصلی موسسه برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید . روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج اگهی های موسسه تعیین گردید .

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران
(۷۸۹۱۸۲)

آگهی تغییرات شرکت یونیلیور ایران سهامی خاص

[illegible]

آگهی تغییرات شرکت پایدار ساز شیمی شرکت سهامی خاص

[illegible]

آگهی تغییرات موسسه خدمات بهداشتی درمانی میلاد سلامت تهران

[illegible]

کهگیلویه و بویراحمد به آزادراه شیراز ـ اصفهان متصل می شود

سرویس شهرستان‌ها: مدیرکل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد گفت: طرح اتصال این استان به آزادراه شیراز ـ اصفهان هم اکنون از سوی مشاور در حال مطالعه است.

پژمان نیک اقبالی با اشاره به اینکه کهگیلویه و بویراحمد تنها استان کشور است که به آزادراه دسترسی ندارد،افزود: براساس برنامه ریزی انجام شده طرح اتصال یاسوج به آزاد راه شیراز ـ اصفهان در منطقه خسرو شیرین اصفهان به استان فارس سال آینده کلنگ زنی خواهد شد.

وی اضافه کرد: تعریف ۲ تونل به طول ۱۱ کیلومتر از بخش‌های مهم مطالعات انجام شده این آزادراه است.

مدیرکل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد اضافه کرد: پس از بهره برداری از طرح ساخت جاده پاتاوه ـ دهدشت که در نیمه نخست سال آینده انجام می‌شود ۵۰ درصد از بار ترافیکی استان خوزستان و ۷۰ درصداز بار ترافیکی بوشهر در سه راهی روستاهای «گندی خوری» و «توتنده» کهگیلویه و بویراحمد انجام خواهد شد که نیاز به احداث آزادراه در این مسیر را ضروری‌تر کرده است.نیک اقبالی اظهارداشت: اجرای این طرح باعث کاهش ۲۰۰ کیلومتری فاصله اصفهان به بندر امام می‌شود که تکمیل جاده پاتاوه به دهدشت نیز نقش چشمگیری در پایین آمدن زمان سفر و صرفه‌جویی در مصرف سوخت خواهد داشت.

مدیرکل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد

نیک اقبالی ادامه داد:مجوزهای پدافند غیرعامل و زیست محیطی و همچنین موافقت مسئولان عالی رتبه وزارت راه و شهرسازی اتصال استان به شبکه آزاد راه‌های کشور اخذ شده است و هم اکنون در حال اخذ مجوز کمیسیون ماده ۲۳ هستیم.مدیرکل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد گفت:توافق‌های اولیه با قرارگاه خاتم النبیاء برای تامین بخشی از اعتبارات مورد نیاز طرح اتصال یاسوج مرکز کهگیلویه و بویراحمد به آزادراه شیراز ـ اصفهان انجام شده است.وی افزود:کهگیلویه و بویراحمد تا آزادراه ۶۰کیلومتر فاصله دارد که با احتساب جاده‌های موجود نیاز به اجرای ۴۰ کیلومتر جاده دارد.

تاکیدکرد:تاکنون ۷۰۰ میلیارد تومان برای اجرای این طرح هزینه شده است و ارزش روز آن ۴ هزار میلیارد تومان است.

نیک اقبالی با بیان اینکه عملیات اجرایی پروژه جاده پاتاوه ـ دهدشت تا سال ۹۲ و در زمان شروع دولت تدبیرو امید تعطیل بود که از آن زمان تاکنون نیز با پیگیری و تزریق اعتبارات از سوی دولت و همچنین حمایت ویژه دفتر مقام معظم رهبری این طرح ملی و البته سخت گذر و سنگین، فعالیت‌های مجدد خود را آغاز کرده است.وی اضافه کرد: این محور به طول ۱۳۶ کیلومتر دارای ۴قطعه است و بخش‌هایی از آن در سال‌های اخیر به بهره برداری رسیده است.

بهره‌برداری از پایانه صادراتی گل و گیاه مازندران در منطقه عباس آباد

سرویس شهرستان‌ها: فاز نخست بزرگترین پایانه صادراتی گل و گیاه و محصولات کشاورزی مازندران در شهرستان عباس‌آباد عصر پنجشنبه به بهره‌برداری رسید.

این پایانه صادراتی که عملیات اجرایی آن ۱۴ سال پیش آغاز شده بود، با حضور فرماندار و دیگر مسئولان شهرستان عباس‌آباد افتتاح شد.

فرماندار عباس آباد در آئین افتتاح این پایانه صادراتی گفت:با افتتاح فاز نخست، صادرات انواع گل و گیاه استان مازندران بخصوص در این منطقه تسهیل می‌شود.

عباس شیرینی همپا افزود: شهرستان عباس آباد ظرفیت بالقوه برای پرورش گل و گیاه زینتی، شاخه گل‌های بریده و درختچه‌ها دارد که با افتتاح این پایانه می‌توان از این ظرفیت برای اشتغالزایی، تولیدات و مهمتر از همه صادرات، بهره برداری کرد.

وی با بیان اینکه این پایانه برای ۳ استان شمالی کشور یک ذخیره محسوب می‌شود،گفت: از ظرفیت‌های بالقوه این پایانه بزرگ می‌توان برای صادرات انواع گل و گیاه ۳ استان شمالی کشور بهره برداری کرد.فرماندار عباس آباد افزود: در این شهرستان بالغ بر ۱۵۰ هزار هکتار گلخانه‌های باز و بسته وجود دارد که با افتتاح این مجمع، بارقه امیدی برای تولید کنندگان و صادرات گل وگیاه این منطقه بوجود آمده است.

شیرینی همپا اظهار داشت: از تمامی ظرفیت‌های اداری مرتبط برای رفع مشکلات و موانع موجود در تکمیل فازهای ۲ و ۳ این پایانه استفاده خواهد شد.

مازندران و بخصوص غرب استان با برخورداری از آب و هوا و اقلیم منحصر به فرد در کشور برای پرورش و تولید انواع گل و گیاه مناسب است، به گونه‌ای که در یک‌هزار و ۹۲ هکتار از زمین‌های کشاورزی مازندران، انواع گل و گیاهان زینتی، آپارتمانی، شاخه بریده، درخت و درختچه پرورش داده می‌شود.

طبق آمار سازمان جهاد کشاورزی مازندران سال گذشته بیش از ۲/۵ میلیون اصله و گلدان گل و گیاه به کشورهای آسیای میانه و عربی صادر شد، در حالی که ظرفیت صادرات این محصول فراتر از این مقدار است و در صورت رفع مشکلات و بسترسازی‌های مناسب برای صادرات، می‌توان به میزان صادرات آن‌ها افزود.

سالانه حدود ۲۳۵ میلیون گل و گیاه زینتی و ۳۸ میلیون درختچه به ارزش تقریبی ۲۰۰میلیارد تومان در مازندران به صورت اصله، شاخه، گلدان، بوته و پیاز گل تولید می‌شود. همچنین ایران هفدهمین کشور تولیدکننده گل و گیاه در جهان است، اما رتبه صد و هفتم بازارهای صادراتی را دارد.

سابقه تصویب ساخت پایانه صادراتی در هر استان به سال ۱۳۸۳بر می‌گردد و پایانه عباس آباد هم یک سال بعد یعنی سال ۱۳۸۴در زمینی به مساحت بیش از ۱۰ هزار مترمربع و زیربنای حدود ۶۰ هزار متر مربع در منطقه «اسبچین» آغاز شد و طبق وعده‌های داده شده قرار بود به مدت ۲ سال به بهره‌برداری برسد.

فاز نخست پایانه صادراتی گل و گیاه عباس آباد دارای ۴ واحد انبار با ۱۰ هزار متر مربع، یک سالن تخلیه و بارگیری به گنجایش ۱۰۰ دستگاه تریلی، ۲ سردخانه زیر و بالای صفر هر یک با ظرفیت یکهزار و ۵۰۰ تن، ۴ سالن آزمایشگاهی و ۶۰ دفتر «وی‌ای‌پی» است.

یکی از مزایای این مجتمع داشتن ۵ دفتر اداری دولتی برای استقرار نمایندگان مرتبط با صادرات و واردات به منظور تسهیل در روند صدور مجوزهای لازم است. پایانه دارای یک واحد باسکول ۶۰ تنی است که به صورت برخط به سیستم گمرک کشور وصل است. برای ساخت فاز نخست این پایانه بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال هزینه شده است.

تأمین امنیت غذایی مردم راهبرد اصلی جهاد کشاورزی قم است

سرویس شهرستان‌ها: رئیس سازمان جهاد کشاورزی قم گفت: تولید با کیفیت انواع محصولات و تامین امنیت غذایی مردم راهبرد اصلی بخش کشاورزی استان است.

عباس پورمیدانی بیان کرد: با وجود محدودیت‌های آبی و تنش‌های محیطی، بخش کشاورزی قم هم در زمینه تولید محصولات زراعی و باغی و هم در زمینه تولید دام و طیور و شیلات، جایگاه مناسبی دارد و می‌تواند حجم قابل توجهی از نیازهای غذایی مردم استان را به خصوص در زمینه دام و طیور تامین کند.وی با اشاره به جایگاه مهم دامپروری قم درسطح کشور، افزود: قم در زمینه تولید گوشت قرمز و گوشت مرغ و تخم مرغ، توانایی تامین نیازهای استان را دارد و اقدامات لازم برای رفع کمبودهای احتمالی در مواقع پیک مصرف، انجام شده‌است.وی ادامه داد: در شرایط عادی سهم تولید محصولات دامی استان به خصوص در مورد تخم مرغ به اندازه‌ای است که حجم قابل توجهی از آن به دیگر استان‌ها ارسال می‌شود.

در بخش تولید محصولات زراعی و باغی نیز، کشاورزی قم طی سال‌های اخیر موفقیت‌های زیادی داشته و توانسته است با حفظ سطح زیر کشت، میزان تولید محصول را افزایش دهد. اکنون کشت انواع محصولات زراعی و باغی همچون گندم، جو، کلزا، پسته، انواع میوه‌های درختی و صیفی‌جات در قم انجام می‌شود که نقش مهمی در تامین امنیت غذایی مردم استان دارد. همچنین مدتی است که بر اساس راهبرد تغییر الگوی کشت، ایجاد و توسعه گلخانه‌ها در سطح استان قم مورد توجه جدی قرار گرفته است و بسیاری از محصولات کشاورزی و غذایی مورد نیاز مردم در محیط گلخانه با رعایت استانداردهای تعیین شده، تولید می‌شود.

پل «جزمان» در ایلام بازگشایی شد

سرویس شهرستان‌ها: مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای ایلام گفت: با تلاش بی‌وقفه و شبانه روزی راهداران استان پل «جزمان» شهرستان هلیلان بازگشایی شد.

نورالله دلخواه افزود: به دلیل شدت بارش باران و ایجاد سیل‌های مخرب هفته گذشته، پل «جزمان» در بخش «هلیلان» از ۲ دهنه پل موجود، پل بتنی تخریب شد و آب از روی پل فلزی سرریز کرد.وی افزود: به دلیل تخربب این پل ارتباط بیش از ۱۰ روستا و همچنین دهستان زردلان با مرکز بخش به صورت موقت قطع شد.مدیرکل راهداری و حمل ونقل جاده‌ای استان ایلام یادآور شد: با تلاش چند روزه راهداران، پل موقت در این مسیر راه‌اندازی و تردد در این مسیر برقرار شد.

سرمایه گذاری در روستاها، مهاجرت معکوس را در تیران و کرون رقم زد

سرویس شهرستان‌ها: فرماندار تیران و کرون استان اصفهان گفت: سرمایه‌گذاری در روستاهای این شهرستان، مهاجرت معکوس را رقم زده و اشتغال را توسعه داده است.

مجید حججی افزود: فعالیت‌های کشاورزی مثل احداث گلخانه، کاشت موسیر، دانه‌های روغنی و گیاهان دارویی موجب رونق کشاورزی در روستاهای تیران و کرون شده است و بسیاری از افراد روستایی و شهری مشغول به فعالیت شده‌اند.وی بیان‌کرد: ۱۵۰ هکتار گلخانه در روستاهای این منطقه احداث شده و این بستر تولیدی زمینه اشتغال را برای روستاییان در زمینه‌های مختلف فراهم کرده است و حتی در برخی از مناطق با کمبود نیروی انسانی برای فعالیت در این مراکز کشاورزی روبرو شده‌اند.وی کاشت موسیر و گیاهان دارویی و فرآوری محصولات آن‌ها را برای توسعه اشتغال‌زایی مهم دانست و گفت: راه‌اندازی صنایع تبدیلی و بسته‌بندی علاوه بر اینکه سرمایه‌گذاری را افزایش داده، زمینه‌ساز فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال برای مردم روستاها شده است.

فرماندار تیران و کرون با بیان اینکه توسعه زیرساخت‌های زندگی در روستا به کاهش مهاجرت از این بخش منجر می‌شود، گفت: ۲ پروژه گازرسانی برای تقویت انتقال گاز به روستاها و فعالیت‌های گلخانه‌ای در حال اجراست.وی ادامه داد: تأمین امکانات رفاهی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشت و اجتماعی در روستاها مورد نیاز مردم آن مناطق است و باید دستگاه‌های اداری این خدمات را به روستاها ببرند و همه اعتبارات و تجهیزات در شهرها متمرکز نشوند.

حججی اضافه کرد: مدیران کل نهادهای اصفهان باید به نیازهای روستاها توجه کنند و تمامی استان را در اصفهان و چند شهرستان بزرگ نبینند، بلکه شهرستان‌ها و بخش‌های روستایی دارای ظرفیت و توانایی و نیازهایی هستند که باید به آن‌ها توجه شود.

درهای موزه اسناد و نسخ خطی بجنورد سال آینده به روی مردم باز می‌شود

سرویس شهرستان‌ها: معاون میراث فرهنگی خراسان شمالی از بازگشایی موزه اسناد و نسخ خطی بجنورد در سال آینده خبر داد و گفت: این موزه که از اردیبهشت‌ماه سال ۹۶ به دلیل زلزله تعطیل شده بود، با تکمیل اقدامات مرمتی در سال جدید به روی علاقه‌مندان گشوده می‌شود.

علی مستوفیان اظهار داشت: با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و نیز درخواست‌های علاقه‌مندان، اقدامات مرمتی موزه اسناد و نسخ خطی بجنورد مراحل تکمیلی خود را سپری می‌کند.وی افزود: به‌منظور فراهم شدن امکان دیدار از تمامی قسمت‌های مجموعه‌فرهنگی‌تاریخی مفخم و از جمله تالار آیینه و موزه اسناد و نسخ خطی واقع در بنای تاریخی آیینه‌خانه مفخم، که پس از زلزله اردیبهشت ۹۶ در بجنورد موقتاً تعطیل شده بود، در ایام نوروز امسال راه‌اندازی می‌شود.

او بیان کرد: با توجه به اهمیت هنر خوشنویسی به‌عنوان میراث ناملموس کشور و ارتباط این هنر با محتوای موزه مذکور، با همکاری انجمن‌خوشنویسان‌استان،کلاس‌های خوشنویسی و نشست‌های هنری در این زمینه برگزار خواهد شد.

بنای تاریخی «آیینه‌خانه» بخشی از مجموعه «دارالحکومه» سردار مفخم بوده که به‌عنوان فضای دیوانی و اداری در دوران قاجار مورداستفاده بود و از سال ۱۳۹۰ موزه اسناد و نسخ خطی استان در این بنا بر پایه آثار متعلق به استان شامل مبایعه‌نامه‌ها، مصالحه‌نامه، سندهای ازدواج، طلاق، سیاق و فرمان نگهداری می‌شود.

از نکات قابل‌توجه این بنا وجود تالار آیینه در طبقه فوقانی و وجود تصاویر ۱۳۴ تن از شخصیت‌های برجسته عصر صفوی تا دوره قاجار است که شاخص‌ترین آن‌ها شاه‌طهماسب، شاه‌عباس، آقا محمدخان، فتحعلی شاه و کریم‌خان زند بوده که در قسمت گلویی زیر سقف تالار نصب شده است.

پایش مزارع گندم اردبیل برای پیشگیری از خسارات و آفات کشاورزی

سرویس شهرستان‌ها: مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی استان اردبیل از آغاز پایش ۳۰۵ هزار هکتار از مزارع گندم استان به منظور جلوگیری از خسارت‌ها و کنترل عوامل آفت‌زا خبر داد.

یحیی آذرمی در مصاحبه با ایرنا گفت: با توجه به شرایط آب و هوایی سال زراعی جاری، علائم بیماری قارچی به خصوص سفیدک سطحی و سپتوریوز برگی در مزارع گندم بخش‌های خصوصی و دولتی در مناطق گرمسیر شمال استان و در شهرستان‌های پارس‌آباد و بیله‌سوار مشاهده شده است.

وی بیان کرد: با توجه به مساعد بودن شرایط آب و هوایی مناطق شمالی استان به خصوص پیش بینی بارندگی در اوایل هفته آینده، توسعه بیماری‌قارچی سفیدک سطحی و سپتوریوز برگی دور از انتظار نیست.

آذرمی با اشاره به مشاهده علائم اولیه بیماری خطرناک زنگ زرد گندم در روزهای آینده در مزارع شمال استان اردبیل، از کشاورزان خواست تا ضمن پایش روزانه مزارع خود، هرگونه علائم آلودگی به بیماری‌های یاد شده را بلافاصله به کارشناسان مستقر در مراکز خدمات جهاد کشاورزی تابعه اطلاع دهند.

وی همچنین گفت: در تعطیلات نوروزی امسال کارشناسان مدیریت حفظ نباتات جهاد کشاورزی استان اردبیل به صورت کشیک نوبتی در محل‌های خدمت خود حاضر می‌شوند و آماده ارائه خدمات فنی و کارشناسی هستند.

آذرمی اضافه کرد: سموم علف‌کش و قارچ‌کش و حشره‌کش مورد نیاز استان تأمین شده و به مقدار کافی در فروشگاه‌های عرضه کننده موجود است و در صورت نیاز، در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد.

۷۵۰هزار هکتار از اراضی استان اردبیل کشت می‌شود که ۲۷۰ هزار هکتار آن اراضی آبی و ۴۸۰ هزار هکتار نیز جزو اراضی دیم است. محصول گندم با حدود ۳۰۰ هزار هکتار، بیشترین سهم اراضی کشت محصول کشاورزی در استان اردبیل را دارد.امسال ۳۰۵ هزار هکتار از اراضی دیم و آبی استان اردبیل به زیر کشت محصول گندم رفته است.استان اردبیل کمتر از یک درصد مساحت ایران را دارد، ولی با تولید سالانه ۴/۵ میلیون تن انواع محصولات کشاورزی، ۴درصد تولیدات کشاورزی کشور را به خود اختصاص داده است.

این استان با تولید حدود ۶۰۰هزار تن گندم، ۷۵۰ هزار تن سیب زمینی و ۴۵۰ هزار تن انواع محصولات باغی، سهم عمده‌ای در تامین نیاز به محصولات کشاورزی کشور را دارد.

مبادلات مرزی استان کردستان به عنوان شریان اقتصادی باید تداوم یابد

سرویس شهرستان‌ها: سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استاندار کردستان، مرز را شریان مهم اقتصادی استان اعلام کرد و گفت: با توجه به اینکه در شرایط جنگ اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه قرار داریم، همه باید تلاش کنیم مرز فعال بماند.

خالد جعفری در جلسه کارگروه توسعه صادرات و مبادلات مرزی استان کردستان اظهار داشت: ۵میلیارد دلار برای مبادلات مرزی استان رقم مناسبی است، اما باید تلاش کنیم افزایش یابد، زیرا یکی از راه‌هایی که می‌تواند ما را به سمت توسعه اقتصادی ببرد، مرز و در آینده نزدیک، منطقه ویژه اقتصادی خواهد بود.

وی از تلاش‌های مردم و فرمانداری مریوان، اتاق بازرگانی، انجمن صنفی صادرکنندگان، صنعت، معدن و تجارت و سایر دستگاه‌های ذیربط که در روزهای اخیر با تمامی توان تلاش کرده‌اند مرز باشماق به فعالیت‌های خود ادامه دهد، قدردانی کرد و افزود: اعتقاد داریم که مرز باید با حفظ اصول وچارچوب‌های لازم، باز بماند.

جعفری گفت: در شرایط فعلی که بیماری کرونا شایع شده است، باید هم از لحاظ بهداشتی و هم روانی اقدامات لازم را انجام دهیم تا سلامت کارکنان و مردمی که در باشماق حضور دارند، حفظ شود.

سرپرست معاونت هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استاندار کردستان افزود: هم اکنون امکان واردات موز از مرز باشماق فراهم شده است و باید شرایط اعتبار گواهی صادرات سیب نیز فراهم آید، تا اعتبار محصولات صادراتی حفظ شود.وی از اتاق بازرگانی سنندج خواست ارتباطاش با همتای خود در استان سلیمانیه عراق را افزایش دهد و با توجه به اختیاراتی که اتاق دارد، دغدغه‌های بازرگانان استان را پیگیری کند تا تجار مجبور نباشند به بخش دولتی مراجعه کنند.

جعفری، برگزاری نمایشگاهی شایسته نام جمهوری اسلامی ایران از سوی کردستان در سلیمانیه عراق را آرزوی چندین ساله استان اعلام کرد و گفت: به عنوان مطالبه‌ای که از اتاق سنندج و شرکت نمایشگاهی استان داریم، امیدواریم در سال ۹۹ نمایشگاهی با رعایت استانداردهای لازم برگزار کنیم.

حریرچی: سیر صعودی ابتلا به کرونا با همکاری مردم متوقف می‌شود



سرویس شهرستان‌ها: نماینده وزیر بهداشت در طرح بسیج ملی شکست کرونا گفت: اگر مردم همکاری کنند پیش‌بینی می‌کنیم تا هفته اول فروردین سیر صعودی بیماری را کنترل کنیم.

دکتر ایرج حریرچی که خود از پس از ۲ هفته از قرنطیه بیماری کرونا نجات یافت است، در بازدید از بیمارستان‌های استان گیلان گفت: این بهبود نسبی که در استان‌های گیلان و قم به وجود آمده است، به این معنا نیست که اقدامات کم شود.

وی با اشاره به دو اقدام مهمی که نباید متوقف شود ادامه داد: جداسازی بیماران از مردم عادی و به حداقل رساندن تماس‌های مردم از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که باید ادامه پیدا کند.

معاون وزیر بهداشت و درمان افزود: از مردم می‌خواهیم به هیچ وجه به استان‌های گیلان و مازندران سفر نکنند و همچنین سفرهای داخل شهری را به حداقل برسانند.

حریرچی اظهار داشت: اگر مردم همکاری کنند، پیش‌بینی می‌کنیم که تا هفته اول فروردین ماه سیر صعودی بیماری را کنترل کنیم، اما اگر مردم همکاری نکنند، این بیماری تا خرداد ادامه خواهد داشت و به بحران عظیمی بدل خواهد شد.

نماینده وزیر بهداشت و درمان در طرح بسیج ملی شکست کرونا که به تازگی بهبود نسبی از بیماری کرونا را به دست آورده است گفت: آرزومندم همه مردم مبتلا شده سلامت خود را بیابند.

رئیس سازمان برنامه و بودجه خبر داد

۷ میلیون نفر از اقشار کم برخوردار بسته‌های حمایتی می گیرند

رشت- خبرنگار اطلاعات: معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به لزوم توجه به معیشت مردم برای کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از شیوع ویروس کرونا در کشور گفت: با دستور رئیس‌جمهوری به ۷ میلیون نفر از اقشار کم برخوردار که کسب و کار آنان در آستانه سال نو خسارت دیده است بسته‌های حمایتی تعلق می‌گیرد.

دکتر محمدباقر نوبخت پنجشنبه شب در جلسه ستاد مدیریت و مقابله با ویروس کرونا در رشت همچنین از تدوین طرح حمایت‌های معیشتی ویژه‌ای به عنوان بسته غذایی به دستور رئیس‌جمهوری خبر داد و گفت: به ۳ میلیون نفر از افراد جامعه که هیچگونه درآمد ثابتی ندارند، از ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان در هرماه، با در نظر گرفتن تعداد نفرات خانوار، کمک می‌شود.

به گفته نوبخت؛ برای ۴ میلیون نفر از افراد دیگر جامعه نیز بنا بر استانداردهای تعیین شده، تسهیلات یک و ۲ میلیون تومانی قرض‌الحسنه با کارمزد ۴ درصد و بازپرداخت ۳۰ ماهه بدون ضامن، ارائه خواهد شد.

معاون رئیس‌جمهوری تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها را تلاشی برای کنترل ویروس کرونا و تصمیمی در سطح ملی دانست و گفت: در صورت لزوم تعطیلی مدارس و مراکز آموزش عالی پس از ۱۵ فروردین ماه هم تمدید می‌شود و می‌توان با تغییر در زمان بندی‌ها، تعطیلی تابستانی مدارس را به تعویق انداخت.

نوبخت با بیان اینکه رئیس‌جمهوری از آغازین دقایق مدیریت و تصمیم گیری برای مقابله با کرونا پای کار بوده و به منظور مدیریت علمی و تخصصی مسائل مربوطه به وزیر بهداشت و درمان تفویض اختیار کرده است، افزود: هفته‌ای یکبار جلساتی به ریاست رئیس‌جمهوری تشکیل شده است و اقدامات و موضوعات مرتبط بررسی می‌شود. رئیس سازمان برنامه و بودجه تعطیلی واحدهای تولیدی را موجب اختلال و رکود در اقتصاد کشور و بروز بسیاری از مشکلات خواند و گفت: باید با بکارگیری سیاستی مناسب در این بخش فعالیت کرد.

*** واریز ۱۶۰ میلیارد تومان برای حوزه درمانی گیلان**

معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه از واریز ۱۶۰ میلیارد تومان برای تامین ملزومات درمانی مقابله با بیماری کرونا در استان گیلان خبر داد.

نوبخت در جلسه ستاد مدیریت و مقابله با ویروس کرونا، فهرست ارائه شده از اقلام مورد نیاز استان گیلان را به لحاظ ارزش اقتصادی ۱۶۰ میلیارد تومان ذکرکرد وگفت: مبلغ مورد نظر در اسرع وقت برای تامین ملزومات واریز شده است.

وی بابیان اینکه در روزهای اخیر با استانداران و رئیسان دانشگاه‌های علوم پزشکی استان‌های دیگر در ارتباط بوده‌ام، زیرساخت‌های درمانی گیلان را نیازمند توجه بیشتر دانست و اضافه کرد: علاوه بر تنخواه ۲۸ میلیارد تومانی برای گیلان، در خصوص راه اندازی سریع ۲ بیمارستان تالش و لنگرود نیز ۲۲ میلیارد تومان اعتبار پرداخت شده است.

نوبخت با قدردانی از تلاش‌ها و پیگیری‌های استاندار گیلان افزود: نیازهای استان به درستی و با سرعت از سوی نماینده عالی دولت در گیلان به مسئولان کشوری اعلام شده است.وی با اشاره به اینکه در روزهای نخست برخی بخش‌های درمانی لوازم و تجهیزات مراقبت شخصی به اندازه کافی وجود نداشت، افزود: علیرغم این کمبودها کادر درمانی و بهداشتی گیلان با تلاشی ایثارگرانه رسالت خود را به انجام رسانده‌اند که فداکاری و روحیه جهادی آنان به مثابه تلاش رزمندگان در دفاع مقدس بوده است و جای قدردانی دارد.

نوبخت با یادآوری تاخیری که در پرداخت کارانه کادر درمانی گیلان وجود داشت، افزود: باید پرداخت کارانه با اولویت صورت گیرد که برای انجام آن ۴۰ میلیارد تومان دیگر از سوی سازمان برنامه و بودجه اختصاص داده می‌شود.

وی گفت: به درخواست وزیر بهداشت و درمان و موافقت رئیس‌جمهوری، ۲۰۰ میلیارد تومان پاداش کادر بهداشت و درمان گیلان در روزهای گذشته پرداخت شده است.

معاون رئیس‌جمهوری اظهار داشت: موضوعات مربوط به کنترل ویروس کرونا با ۲ رویکرد تامین نیازمندی‌های بهداشتی و درمانی و نیز سیاست‌های ویژه اقتصادی در سطح ملی تعریف شده و از سوی دولت بالغ بر یک هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان برای پشتیبانی بودجه‌ای در مقابله با این بیماری پرداخت شده است.

استاندار گیلان هم در نشست یاد شده گفت: نباید به کاهش آمار ورودی بیماران مبتلا به کرونا در بیمارستان‌ها دلخوش باشیم، چراکه گیلان، کماکان جز استان‌های بحرانی کشور است و همچنان آمار مبتلایان بالاست.

ارسلان زارع با قدردانی مجدد از همکاری‌های مردم استان و کادر درمانی افزود: مجموعه کادر درمانی استان گیلان فداکارانه خدمت کرده‌اند و به همین دلیل تعدادی از پزشکان و پرستاران ما در مسیر ایثارگری اجتماعی، شهید راه خدمت شده‌اند.

وی گفت: در همه جلسات و برنامه‌ها از مردم درخواست داشته‌ام که مهمترین مولفه در پیشگیری و موفقیت مقابله با بیماری کرونا، خودمراقبتی، دیگر مراقبتی و رعایت توصیه‌های بهداشتی است و از اینرو امروز هم این درخواست را از مردم داریم.

استاندار گیلان با بیان اینکه ویروس کرونا در سراسر استان فراگیر شده است، وجود بیماران بستری در بیمارستان‌های شهرستان‌ها را موید این امر خواند و افزود: در آستانه نوروز پیوسته باید به هموطنان هشدار داد که محیط جغرافیایی گیلان، آلوده به ویروس کروناست.

ارسلان زارع با اشاره به اینکه گیلان در حوزه زیرساخت‌های درمانی از متوسط کشوری پایین‌تر است، بر ضرورت توجه وزارت بهداشت و درمان به تقویت نیروی انسانی و کادر درمانی استان تأکید کرد و گفت: در نامه‌ای به وزارت بهداشت و درمان، نیاز استان گیلان به ۱۵۰ پزشک عمومی، متخصص و کمک پرستار را اعلام کرده‌ام، چراکه کادر درمانی کنونی، به سبب انجام کارهای سنگین، خسته شده اند.

وی گفت: هرچند همه استان‌های کشور درگیر کرونا هستند، ولی در گیلان همچنان نیازمند توجه بیشتر وزارت بهداشت و درمان هستیم.

استاندار گیلان خواستار ارسال بیشتر تجهیزات، ملزومات، قرص و داروهای خاص و بویژه تجهیزات برای کادر درمانی شد.

ارسلان زارع با اشاره به پذیرش بیماران در بیمارستان شهرستان تالش از ۳ روز پیش گفت: با معاون وزیر راه و شهرسازی نیز مذاکره کرده‌ام و قول‌هایی برای تحویل بیمارستان لنگرود در اوایل هفته آینده داده شده است.



تسهیلات رونق تولید به ۲۱۲۰ واحد صنعتی استان مرکزی پرداخت شد

سرویس شهرستان‌ها: سرپرست سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی گفت: بیش از ۱۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال تسهیلات رونق تولید امسال به ۲ هزار و ۱۲۰ واحد صنعتی در نقاط مختلف این استان پرداخت شد که میزان پرداختی‌ها به تناسب واحدهای تولیدی متغیر است.

جواد حسنی افزود: علاوه بر تسهیلات رونق تولید، بیش از ۲ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال تسهیلات تبصره ۱۸ امسال به ۲۸واحد صنعتی استان مرکزی پرداخت شده است.

وی اظهار داشت: تسهیلات تبصره ۱۸قانون بودجه با بهره ۱۴درصد پرداخت می‌شود که متقاضیان می‌توانند با ثبت‌نام در سامانه «بهین یاب» از این ظرفیت با هدف تامین سرمایه در گردش، نوسازی و بازسازی و یا تکمیل واحدهای تولیدی بالای ۶۰درصد پیشرفت فیزیکی استفاده کنند.

حسنی افزود: سامانه بهین یاب از ابتدای امسال فعال شده است و متقاضیان با مراجعه به آن می‌توانند نوع درخواست و میزان تسهیلات مورد نیاز خود را ثبت کنند و درخواست‌های متقاضیان در کارگروه استانی مورد ارزیابی قرار گرفته است و پس از ابلاغ اعتبارات، پرونده واحدها به بانک‌های عامل ارسال می‌شود.وی اضافه کرد: متقاضیان باید درخواست خود را در سایت بهین‌یاب به آدرس www.Behinyab.ir ثبت و سپس با مراجعه به بخش اطلاعیه‌های سایت سازمان صنعت، معدن و تجارت، نسبت به تکمیل و ارسال پرسش‌نامه‌ها اقدام کنند.

جوجه‌ریزی در مرغداری‌های سمنان ۱۴ درصد افزایش یافت

سرویس شهرستان‌ها: مدیرکل دامپزشکی استان سمنان گفت: جوجه‌ریزی در مرغداری‌های این استان از ابتدای فروردین تا هفتم اسفندماه ۹۸ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۴ درصد افزایش داشت.

حمیدرضا حسینی در نشست کارگروه تنظیم بازار استان سمنان افزود: در این مدت بیش از ۲۶ میلیون و ۸۸۹ هزار قطعه جوجه‌ریزی در واحدهای مرغداری این استان انجام شد که در مدت مشابه سال گذشته بیش از ۲۳ میلیون و ۴۵۹ هزار قطعه بود.وی با اشاره به اینکه ظرفیت جوجه‌ریزی مرغداری‌های سمنان ۴۲ میلیون قطعه است، بیان کرد: ۶۷درصد ظرفیت اسمی جوجه ریزی در مرغداری‌های این استان تاکنون محقق شده و ۶۸واحد مرغداری در استان با ظرفیت ۲ میلیون قطعه مرغ ۴۲ روزه آماده عرضه این قلم کالا به بازار است.

وی با اشاره به فعالیت ۱۸ تیم عملیاتی بازرسی و نظارت سمنان بر مراکز فرآورده‌های دامی، گفت: طرح تشدید نظارت بر مراکز تولید،



توزیع و عرضه فرآورده‌های دامی ویژه نوروز، از ۲۵ اسفند امسال تا ۱۵ فروردین ۹۹ در استان انجام می‌شود.

مدیرکل دامپزشکی استان سمنان یادآور شد: برخی از این نظارت و بازرسی‌ها به صورت گشت مشترک با بازرسان سازمان صنعت، معدن و تجارت و تعزیرات حکومتی و اصناف صورت می‌گیرد.

سمپاشی ۱۰ هکتار از مراتع قشم علیه ملخ‌های صحرایی

سرویس شهرستان‌ها: از نیمه دوم امسال تاکنون با اجرای طرح مبارزه با آفت ملخ‌های مهاجم، بیش از ۱۰ هکتار از مراتع غرب جزیره قشم با سم دلتامترین سمپاشی شد.

مدیر جهاد کشاورزی قشم به ایرنا گفت: تیم‌های بازرسی این اداره در سطح شهرستان در حال ردیابی هستند که تا کنون بیش از ۶ هزار و ۳۵۰ هکتار ردیابی شده است.مالک یزدان پناه افزود: بیشتر دستجات ملخ گزارش شده توسط مردم به جهاد کشاورزی قشم، حالت پروازی دارند و با رصد محل مشخص می‌شود که از قشم عبور کرده‌اند.وی ادامه داد: این مدیریت در آمادگی کامل قرار دارد تا به محض اطلاع، گروه‌ها به سرعت در منطقه حاضر شوند.

صدور ۴۵۰ رأی مجازات‌های جایگزین حبس در چهارمحال و بختیاری

سرویس شهرستان‌ها: رئیس کل دادگستری چهارمحال وبختیاری از صدور ۴۵۰رای مجازات‌های جایگزین حبس در استان درامسال خبر داد.

احمدرضا بهرامی افزود: این آرا با هدف کاهش جمعیت زندانیان کیفری زندان‌ها با تمرکز بر اجرایی شدن تعلیق اجرای حکم، تعویق ساده و مراقبتی و نظام نیمه آزادی زیر سامانه‌های مراقبتی توسط محاکم قضایی استان صادر شده است.

وی با اشاره به اینکه دستورالعمل کاهش جمعیت کیفری را دنبال می‌کند، اظهار داشت: در این مدت تعداد ۴۵۱ رای منجر به کاهش جمعیت زندانیان کیفری و از جمله الزام به خدمات عمومی رایگان، دوره مراقبت، محرومیت از حقوق اجتماعی و نظارت تحت سامانه‌های الکترونیکی صادر شده است.

بهرامی افزود: از این تعداد، ۳۸۹ مورد مربوط به تعلیق اجرای حکم، ۴۱ مورد مربوط به تعویق ساده و مراقبتی و ۲۱ مورد مربوط به نظام نیمه‌آزادی تحت سامانه‌های مراقبتی بوده است.

وی با تأکید بر استفاده حداکثری از مجازات‌های جایگزین حبس اظهار داشت: آرای مجازات جایگزین حبس برای مرتکبین جرائم عمد که دارای شرایطی از جمله نداشتن سابقه کیفری باشند و حداکثر مجازات قانونی آن‌ها ۹۱روز تا ۶ ماه حبس باشد، صادر می‌شود.

رئیس کل دادگستری چهارمحال و بختیاری گفت: سیاست کیفری برای مجرمان سابقه‌دار و از جمله اشرار، متجاوزان و محکومان جرائم عمده مواد مخدر، سیاست بازدارنده است و این دسته از مجرمان مشمول مجازات‌های جایگزین حبس نمی‌شوند.

وی گفت: با صدور آرای مبتنی بر مجازات‌های جایگزین حبس، شمار تکرار جرم به طور چشمگیر کاهش می‌یابد.

۵۶۵ پرونده در مؤسسات داوری به صلح و سازش انجامید

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری چهارمحال و بختیاری گفت: از ابتدای امسال تاکنون ۵۶۵ پرونده در مؤسسات داوری استان به صلح و سازش منجر شده است.

سیدمحمد موسوی افزود: در این مدت یکهزار و ۴۲۷ پرونده در مؤسسات داوری استان تشکیل شده است.وی به فعالیت مؤسسات داوری با هدف حل اختلافات طرفین پرونده‌ها و کاهش ورودی پرونده‌ها به محاکم قضایی اشاره کرد و گفت: در مدت مشابه سال گذشته ۵۰۰ پرونده در مؤسسات داوری به صلح و سازش منجر شده بود.

به گفته وی، بیشترین اختلافات حقوقی در مؤسسات داوری استان در حوزه خانواده و مطالبات مالی و ملکی بوده است.

موسوی بر ضرورت آشنا کردن مردم با فرهنگ صلح و سازش و داوری تأکید کرد و گفت: با کاهش حجم ورودی پرونده‌ها به دادگستری، زمان رسیدگی به پرونده‌هایی که جامعه حساسیت بیشتری نسبت به آنها دارد سریعتر و دقیق‌تر خواهد شد.

اصفهان رویشگاه ۳۰۰ گونه از گیاهان دارویی است

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: استان اصفهان رویشگاه حدود ۳۰۰گونه گیاهان دارویی است که در حال حاضر فقط از ۴۵ گونه آن به دلیل اینکه ارزش اقتصادی دارند، بهره برداری می‌شود.

مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اصفهان با بیان این مطلب، میزان برداشت گیاهان دارویی از عرصه‌های منابع طبیعی استان به عنوان محصولات فرعی را ۲۷۳تن در سال اعلام کرد و گفت: برداشت محصولات فرعی، سالانه ۲۶۴میلیارد ریال برای بهره برداران درآمد دارد.

محمد حسین شاملی با بیان اینکه سالیانه بیش از ۱۰۰۰میلیون متر مکعب روان آب به سبب بارندگی‌ها در حوضه‌های آبخیز استان تشکیل می‌شود، آبخیزداری را یکی از روش‌های حفاظت از آب و خاک اعلام کرد و افزود: اجرای طرح‌های آبخیزداری علاوه بر مهار و پخش روان آب‌ها باعث کنترل سیلاب‌های مخرب و نفوذ آب به داخل سفره‌های آب زیرزمینی می‌شود.

او میزان فرسایش خاک در استان اصفهان را ۷ تن در هکتار اعلام کرد و گفت: تاکنون با اجرای طرح‌های متنوع آبخیزداری تلاش شده است معضلات مرتبط با منابع آب و خاک حوضه‌های آبخیز استان کاهش یابد.

مدیر کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اصفهان، انجام مطالعات ۲/۵ میلیون هکتار و اجرای پروژه‌های مکانیکی، بیولوژیکی و بیومکانیکی در سطح ۱/۷۵ میلیون هکتار از اراضی ملی استان را از جمله طرح‌های متنوع آبخیزداری اجرا شده در این استان بیان کرد و افزود: امسال علاوه بر مطالعات ۱۲۴هزار هکتار از حوضه‌های آبخیز، بیش از ۱۱۵ هزار هکتار طرح‌های آبخیزداری نیز در این استان اجرا شده است.

شاملی با اشاره به اینکه ۳۰ درصد استان اصفهان را اراضی بیابانی تشکیل داده است، افزود: اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اصفهان برای بیابان زدایی و تثبیت شن‌های روان تاکنون بیش از ۳۳۰ هزار هکتار جنگل دست کاشت "تاغ" در اراضی بیابانی و شن زارهای استان ایجاد کرده است.

او وسعت مراتع استان اصفهان را ۶/۲ میلیون هکتار اعلام کرد و گفت: این اداره کل امسال به احیاء و اصلاح رویشگاه‌های مرتعی از طریق قرق، ساخت آب انبار و کپه کاری و تبدیل دیمزارها و ذخیره بارش‌های آسمانی اقدام کرده که سبب افزایش تولید مراتع و توسعه رویشگاه محصولات فرعی شده است.

شاملی با بیان اینکه این اداره کل، هر ساله برای حفاظت از جنگل‌ها و مراتع و جلوگیری از چرای غیر مجاز دام‌ها، شخم و شیار مراتع و همچنین جلوگیری از قاچاق چوب و صیانت از اراضی ملی و دولتی موظف است بیش از ۶/۵ میلیون هکتار از اراضی ملی و دولتی را حفاظت کند، افزود: در این رابطه امسال ۲۴ فقره قرارداد گشت و مراقبت، شمارش دام‌ها و کنترل کوچ‌ها را امضاء کرده است.

وی با اشاره به ۹/۷ میلیون هکتار اراضی ملی در استان اصفهان گفت: تاکنون برای بیش از ۹/۳میلیون هکتار آن اسناد مالکیت به نام دولت صادر شده است.

آخرین گزارش‌ها از تلاش ملی برای کنترل کرونا

سرویس شهرستان‌ها: تلاش‌های گسترده و ملی کادر پزشکی، دولتمردان، نیروهای ارتش و سپاه و بسیج، تلاشگران حوزه تولید در بخش‌های دولتی و خصوصی و دیگر اقشار مردم برای مقابله با ویروس کرونا همچنان در سراسر کشور ادامه دارد که چکیده خبری از اخبار آنها در پی می‌آید.

استقرار تیم‌های کنترل و غربال‌گری بیماری کرونا در ورودی‌های استان اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: تیم‌های مجهز و غربالگری ویژه تشخیص کرونا در ورودی‌های استان اصفهان مستقر شده‌اند و در صورت تشخیص افراد مشکوک، آنها را قرنطینه می‌کنند.

معاون امور عمرانی استانداری اصفهان با بیان اینکه این تیم‌ها در ۶ نقطه ورودی و پلیس راه استان اصفهان مستقر هستند گفت: این تیم‌ها تا ۲۵ اسفندماه علاوه بر کنترل دقیق افراد و تست رانندگان و همراهان، اقدامات توصیه‌ای و پیشگیرانه را انجام می‌دهند اما از ۲۵ اسفند تا ۱۵ فروردین ماه اقدامات توصیه‌ای این تیم‌های ویژه به صورت بازدارنده اجرا می‌شود.

حجت الله غلامی افزود: در صورت تشخیص مورد مشکوک در ورودی‌های استان، فرد مشکوک و همراهان وی ۱۴ روز قرنطینه می‌شوند و از ورود آنها به استان نیز جلوگیری می‌شود.او به مسافران توصیه کرد: در ایام نوروز به هیچ عنوان مقصد سفرشان را اصفهان انتخاب نکنند.

معاون استانداری اصفهان با بیان اینکه خدمات سفر در استان اصفهان به صفر رسیده است افزود: در ایام نوروز همه کمپ‌ها، مدارس، مسافرخانه‌ها، مهمان پذیرها و روستاها و شهرهای هدف گردشگری در استان تعطیل هستند.

استاندار اصفهان هم با بیان اینکه امسال استان اصفهان به دلیل رویارویی با بیماری کرونا مقصد خوبی برای مسافرت نیست، گفت: هیچ یک از مدارس، مسافرخانه‌ها، اردوگاه‌ها، ورزشگاه‌ها، مهمانسراها، زائرسراها، مراکز تفریحی و گردشگری مجاز به خدمات رسانی به مسافران نیستند.دکتر عباس رضایی افزود: برای جلوگیری از انتقال بیماری، دایر کردن چادر در مکان‌های عمومی، کمپ‌ها و امثال آن‌ها نیز ممنوع است.

هشدارهای پلیس فتای انتظامی استان آذربایجان غربی

ارومیه ـ خبرنگاراطلاعات: رئیس پلیس فتا استان آذربایجان غربی گفت: با بررسی کارشناسان این پلیس اخیراً برخی از افراد سودجو در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به بهانه‌های مختلف مرتبط با ویروس کرونا سعی در ترغیب افراد به نصب نرم افزارهای تلفن همراه آلوده با عناوینی همچون «اقدامات ایمنی برای مقابله با کرونا» می‌کنند که لازم است کاربران فضای مجازی از نصب این گونه برنامه‌ها اکیداً خودداری کنند.

سرهنگ کارآگاه نصرتی ادامه داد: رصد و پایش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در خصوص نشر و بازنشر هرگونه شایعه، اخبار جعلی و تنش زا در خصوص ویروس کرونا و هرگونه حرکت و اقدام برهم زننده آرامش و امنیت روانی جامعه در دستور کار ویژه کارشناسان این پلیس قرار دارد و در صورت مشاهده برابر قانون با عوامل این گونه اقدامات برخورد قضایی لازم صورت خواهد گرفت.

وی گفت: نشر و باز نشر هرگونه اخبار کذب و شایعه برابر قانون جرایم رایانه‌ای و سایر قوانین کشور جرم محسوب می‌شود و پیگرد قانونی دارد.اواضافه کرد:انتشار هرگونه آمار مبتلایان و بیماران بستری شده کرونایی در صلاحیت وزارت بهداشت و درمان و در استان‌ها در حوزه وظایف دانشگاه علوم پزشکی است. وی ادامه داد: برخی سودجویان با توجه به شرایط موجود اقدام به فروش اقلام بهداشتی غیر مجاز به قیمت‌های غیر واقعی و گزاف در فضای مجازی می‌نمایند که به شهروندان محترم توصیه می‌شود ضمن عدم خرید اینگونه اقلام، مراتب را به سامانه‌های ۱۱۰ و سایت رسمی پلیس فتا جهت پیگیری اعلام کنند. وی همچنین گفت:به شهروندان محترم تاکید می‌شود به اخبار و شایعات در بستر فضای مجازی و بالاخص در شبکه‌های اجتماعی با موضوع بیماری کرونا توجه نکنند و اخبار و اطلاعیه‌های موثق را از منابع رسمی کشور و سایت وزارت بهداشت و درمان دریافت دارند و در صورت مشاهده هرگونه مواردی که موجب تشویش اذهان عمومی می‌شود، مراتب را از طریق مرکز فوریت‌های سایبری سایت پلیس فتا به نشانی www.cyberpolice.ir به این پلیس اطلاع دهند.

تمامی نمایشگاه‌های کشور برای پیشگیری از شیوع کرونا تعطیل است

رئیس انجمن نمایشگاه‌های ایران گفت: فعالان صنعت نمایشگاهی کشور برای پیشگیری از شیوع ویروس کرونا و حفظ سلامت مردم تمامی مراکز نمایشگاهی را تعطیل کرده‌اند.

علی یارمحمدیان با بیان اینکه برگزار نشدن هر کدام از عناوین نمایشگاهی خسارت‌هایی به شرکت‌ها، مجریان، غرفه‌سازان و سایر فعالان مرتبط با این صنعت تحمیل می‌کند افزود: تعطیل کردن تمامی نمایشگاه‌های کشور برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا در مکان‌های با جمعیت بالا انجام شده است.

او به جایگاه نمایشگاه‌ها در رونق بخشیدن به اقتصاد کشور اشاره کرد و این اطمینان را به فعالان اقتصادی داد که با گشایش دوباره سایت‌های نمایشگاهی، شاهد بهبود کسب و کارها و به راه افتادن مجدد چرخ‌های اقتصاد کشورمان باشیم.

جشنواره‌های نوروزی در بافق لغو شد

بافق– خبرنگار اطلاعات: سید علی نوروززاده شهردار بافق گفت: به منظور مقابله با شیوع ویروس کرونا و لزوم عدم برگزاری هرگونه تجمع در سطح شهربافق ، تمامی برنامه‌ها به مناسبت سال نو از جمله جشنواره‌های نوروزی لغو شده است.

وی افزود در راستای سیاستهای کلی پیشگیری از شیوع ویروس کرونا لازم است هموطنان عزیز حتی الامکان از هرگونه سفر به شهرستان بافق چه در حال حاضر و چه تعطیلات نوروزی خودداری کنند.

نوروززاده اظهار امیدواری کرد که در زمان مناسب و پس از رفع خطر بیماری کرونا، به منظور شادی و نشاط شهروندان عزیز برنامه‌ها و جشن‌های مناسب از سوی شهرداری و شورای اسلامی شهر برگزار شود.

مردم به مشهد سفر نکنند

مشهد– خبرنگار اطلاعات: استانداری خراسان‌رضوی درباره نبود امکان میزبانی از زائران در تعطیلات نوروز ۹۹اطلاعیه ای صادر کرد.

در اطلاعیه دادستانی آمده است: ملت شریف ایران؛ با عنایت به این که سلامت مردم در صدر اولویت‌های دولت قرار دارد و از آنجا که بر اساس اعلام ستاد ملی مبارزه با کرونا، هرگونه تجمع زمینه شیوع‌هرچه بیشتر ویروس کرونا را فراهم می‌کند، به استحضار می‌رساند برابر مصوبه ستاد استانی پیشگیری و مقابله با ویروس کرونا، در ایام تعطیلات پیش‌رو، هیچ یک از اماکن اقامتی شامل هتل‌ها، هتل آپارتمان‌ها، کمپ‌ها، خانه مسافرها و... امکان خدمت‌رسانی به زائران و مسافران را نخواهند داشت.

با توجه به اعلام لغو سفر رهبر معظم انقلاب توسط دفتر معظم له و برگزار نشدن مراسم سخنرانی نوروزی ایشان در جوار بارگاه منور رضوی، توصیه می‌شود دلدادگان خاندان عصمت و طهارت علیه السلام از طریق رسانه ملی و فضای مجازی، در لحظات تحویل سال جدید، با آستان منور امام رضا علیه السلام ارتباط برقرار کنند.

در پایان ضمن آرزوی صحت و سلامتی برای آحاد ملت شریف ایران ، به مجاوران بارگاه منور رضوی هم تاکید می‌شود که از هرگونه تردد غیرضروری در سطح استان و شهر مشهد مقدس خودداری کنند و برنامه‌های تحویل سال در حرم مطهر را به طور غیرحضوری دنبال کنید.

خبر دیگر این که از یک مادر مشهدی مبتلا به کرونا ، نوزادی در بیمارستان امام رضا(ع) متولد شد.

نوزاد متولد شده از مادر مبتلا به کرونا در مشهد

راه اندازی تونل ضدعفونی شهروندی در بازار تبریز

راه‌اندازی کمپین «روستاهای بدون کرونا» در یزد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر استان یزد گفت: در حمایت از بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران این نهاد در پیشگیری از شیوع بیماری، کمپین «روستاهای بدون کرونا» راه اندازی شد.

حسن ابراهیمی افزود: به منظور پیشگیری از شیوع کرونا در روستاهای استان یزد، کمپین روستای بدون کرونا راه اندازی و بر بستر پیامک طراحی شده است.

وی عنوان کرد: بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیرانی که درگیر کرونا بودند یا یکی از اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند، می‌توانند با ارسال عدد ۵ به ۳۰۰۰۲۷ اطلاع دهند. ابراهیمی بیان کرد: این کمپین با هدف شناسایی خانواده‌های عضو صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر راه اندازی شده است تا بتوانیم با حمایت از آنها، به عبورشان از این چالش کمک کنیم.مدیر صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر استان یزد یادآور شد: تلاش داریم در مرحله اول، با اطلاع‌رسانی‌ها گسترده پیامکی به جامعه هدف یا از طریق شبکه‌های اجتماعی، محیط روستایی و عشایری کشورمان را از گزند این بیماری دور نگه داریم و در مرحله دوم اگر یکی از خانواده‌های عضو صندوق درگیر بیماری شد، در چارچوب ضوابط و مقررات صندوق از آن حمایت کنیم.

تعطیلی اغلب صنوف در یزد

به منظور جلوگیری از شیوع بیماری کرونا و حفظ سلامت مردم و کسبه، همه صنف‌های یزد به استثنای اصناف تامین کننده نیازمندی‌های اصلی شهروندان تا ۲۴ اسفند ماه تعطیل شد.

سیدمحمد رستگاری افزود: براساس تصمیم ستاد استانی پیشگیری و مقابله با کرونا استان یزد و برای مبارزه با روند نگران‌کننده شیوع ویروس کرونا در شهرستان یزد و با هدف صیانت از سلامت مردم، اصناف و بازاریان یزدی همه صنوف به استثنای اصناف تأمین کننده نیازمندی‌های اصلی مردم چند روزی تعطیل شد.

وی ادامه داد: اصنافی که از این مصوبه استثنا بودند، شامل نانوایی‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و عمده فروشان مواد غذایی، خواروبارفروشان به جز آجیل فروشان، فروشندگان لوازم طبی، آزمایشگاهی و تجهیزات پزشکی، قصابی‌ها، لبنیات و سوپرمارکت‌ها، مرغ و ماهی فروشان، میوه فروشی‌ها، عطاری‌ها، فروشندگان برنج و حبوبات، دفاتر تاکسی تلفنی و آپاراتی‌ها بودند و به غیر از این اصناف دوازده‌گانه، سایر اصناف از ۲۱ لغایت ۲۴ اسفند ماه سال جاری تعطیل شدند.

ایجاد بیمارستان صحرایی درمناطقی از یزد

استاندار یزد گفت: به دلیل تکمیل ظرفیت بیمارستان‌های یزد، بیمارستان صحرایی برای بستری بیماران کرونایی در برخی مناطق یزد ایجاد می‌شود.

محمدعلی طالبی افزود: با رشد مراجعات مردم، ظرفیت تخت‌های بیمارستانی پیش‌بینی شده برای بستری بیماران کرونا در استان در حال تکمیل است و استفاده از ظرفیت بیمارستان صحرایی و سایر اماکن را در یزد و برخی شهرستان‌ها ضروری کرده است.

وی افزود: با صدور چند مجوز دائم و موقت برای واحدهای تولیدکننده مواد ضدعفونی و تأمین مواد اولیه مورد نیاز از داخل و خارج استان، شرایط توزیع آن نیز در حال پایدار شدن است. طالبی عنوان کرد: توزیع ماسک در کل استان صورت گرفته و امکان دسترسی همه مردم فراهم شده است، ضمن اینکه مواد تولیدی استان با پایین‌ترین نرخ کشوری عرضه می‌شود.استاندار یزد بیان کرد: تولید ماسک در استان یزد به شرایط ایده‌آل نزدیک می‌شود زیرا تولیدکنندگان استانی مواد اولیه را موظف به تأمین نیازهای استان کرده‌ایم.

طالبی ادامه داد: توزیع ماسک به صورت رایگان برای شبکه بهداشت و درمان و برخی صنوف آغاز شده است و به زودی به صورت بیشتری در دسترس همگان قرار می‌گیرد.وی گفت: متأسفانه شواهد میدانی حاکی از عدم توجه کافی مردم به ضرورت در خانه ماندن به عنوان بهترین راه پیشگیری از این بیماری است که از مردم درخواست می‌کنم به این موضوع توجه کنند، زیرا ضریب موفقیت بسیاری از تصمیمات استان در محدودسازی برخی فعالیت‌ها به این رفتار آنها بستگی دارد.وی گفت: تیم‌های غربال‌گری و مراقبتی در مبادی ورودی شهرها مستقرند و امکان بستن استان به جهت مجوزهای مورد نیاز ملی فراهم نیست، کما اینکه هیچ استانی هم تاکنون چنین امکانی را نداشته است، لذا به جای گوش دادن به شایعات و بزرگ‌نمایی حضور مسافران غیربومی، کمک کنیم تا تدابیر پیش‌بینی شده برای جلوگیری از مسافرت‌ها به یزد به اجرا درآید.

تولید ماسک و لباس سرهمی «گان» در بندرعباس

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مجتمع تولیدی و آموزشی «رشمون» با توجه به شیوع ویروس کرونا خط تولید پوشاک را به ماسک و لباس سرهمی «گان» تغییر داد.

مدیر مجتمع تولیدی و آموزشی رشمون در این ارتباط گفت: بیش از ۲۳ نفر در این کارگاه از ساعت ۸ تا ۲۳ برای آتش نشانی بندرعباس روزانه ۱۵۰۰ عدد ماسک و ۲۰۰ دست لباس «گان» تولید می‌کند، آتش نشانان بندرعباس این روزها معابر عمومی این شهر را ضد عفونی کرده‌اند.

میترا قاسمی افزود: مجتمع تولیدی و آموزشی «رشمون» حامی پویش مردمی مقابله با ویروس کروناست و ماسک و روپوش آتش نشانان و داوطلبان را تامین می‌کند و در صورت حمایت سازمان صنعت، معدن و تجارت هرمزگان و تامین پارچه «اسپاند»، مجتمع «رشمون» توانایی تولید ۳ هزار ماسک و ۵۰۰ دست لباس «گان» را دارد که می‌تواند بخشی از نیاز بازار به ماسک را تامین کند.

تعاونی تولیدی و آموزشی «رشمون» پیش از این لباس‌های بچه‌گانه و مردانه تولید می‌کرد و به هنرجویان خیاطی، صنایع دستی و هنرهای نمایشی را آموزش می‌داد.

پویش مردمی مقابله با ویروس کرونا در بندرعباس

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری بندرعباس از فعالیت یک هزار و ۲۰۰ نفر در قالب گروه‌های نجات و امداد مردمی «نام» به عنوان پویش مردمی مقابله و پیشگیری از گسترش بیماری ویروس کرونا خبر داد.

فرجام دانش گفت: گروه‌های نجات و امداد مردمی بندرعباس ضد عفونی مکان‌های پر تردد عمومی به ویژه در مرکز شهر را برعهده دارد و بیش از ۲ هزار نفر دیگر متقاضی جذب در گروه «نام» هستند.

دانش گفت: ضد عفونی اداره‌ها و مجتمع‌های تجاری و مسکونی به عهده شهروندان است.

شناسایی و کشف انبار احتکار تجهیزات پزشکی در بندرعباس

فرمانده انتظامی استان هرمزگان از کشف یک انبار احتکار اقلام بهداشتی و کشف بیش از ۱۲ هزار ماسک و گان یک بار مصرف پرستاری در بندرعباس خبرداد.

سردار غلامرضا جعفری گفت: مأموران پلیس امنیت اقتصادی استان در ادامه طرح تشدید مبارزه با احتکار لوازم بهداشتی با انجام کارهای اطلاعاتی و بهره گیری از شیوه‌های پلیسی یک انبار دپو و احتکار اقلام بهداشتی را در یکی از محلات بندرعباس کشف کردند.

وی افزود: مأموران با تشکیل اکیپی مشترک با حضور نمایندگان بهداری، دستگاه قضایی و پلیس نظارت بر اماکن عمومی به محل اعزام شدند و در بازرسی از یک انبار متعلق به فردی به نام وحید، تعداد۷ هزار و ۴۰۰عدد انواع ماسک و ۵ هزار گان یکبار مصرف پرستاری را کشف کردند. فرمانده انتظامی استان هرمزگان ارزش این محموله بهداشتی احتکارشده را بنا به نظر کارشناسان یک میلیارد ریال اعلام کرد و اظهار داشت: با توجه به نیاز مبرم مردم به اقلام بهداشتی و ضد عفونی کننده نظیر ماسک، الکل‌های صنعتی و دیگر اقلام شوینده، نیروی انتظامی با جدیت با محتکران برخورد و افراد سود جو و فرصت طلب را به مراجع قضایی معرفی می‌کند.

راه اندازی تونل ضدعفونی شهروندی در بازار تبریز

تبریز– خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل سازمان آتش نشانی شهرداری تبریز از راه اندازی تونل ضدعفونی شهروندی در بازار تبریز خبر داد.

محمد قلیزاده در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: اجرای گسترده عملیات ضد عفونی شهروندی در مراکز پر تردد شهری با به کارگیری تونل های ضدعفونی انجام می گیرد.

وی افزود: تونل‌های ضد عفونی شهروندی به صورت ضربتی و در طول یک شبانه روز توسط آتش‌نشانان تبریز باهدف پیشگیری از شیوع ویروس کرونا ابداع شده است و در سطح شهر، مراکز پر تردد و میادین در اختیار شهروندان قرار می گیرد.

قلیزاده با اشاره به اینکه اولین تونل ضدعفونی شهروندی در مسیر بازار تبریز مستقر شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است، افزود: در روزهای آینده تعداد تونل‌ها افزایش یافته است و مسیرهای متعددی نیز تحت پوشش ضد عفونی قرار می گیرد.

سازماندهی گروه‌های جهادی ۳۰۰۰ نفره برای مقابله با کرونا در همدان

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار همدان از سازماندهی ۳هزار نفر از مردم این شهرستان در قالب گروه‌های جهادی خبر داد و گفت: این نیروها در صورت نیاز برای مقابله با ویروس کرونا دانشگاه علوم پزشکی ابن سینا را یاری می‌دهند.

حسین افشاری در جلسه قرارگاه پدافند زیستی همدان اظهار کرد: در روزهای آتی به همراهی و تعامل بیشتر مردم نیاز داریم تا از انتشار ویروس کرونا جلوگیری شود و در این زمینه برخی تمهیدات اندیشیده شده است و از مردم تقاضا می‌کنیم نسبت به اجرای آنها پایبند باشند.

وی افزود: اجرا نکردن آیین‌های سنتی مانند حضور نیافتن در آرامستان‌ها و به حداقل رساندن خریدهای عید نوروز می‌تواند به کنترل اوضاع کمک کند.

فرماندار همدان با تاکید بر محدودکردن تردد و تجمع مردم در خارج از منازل، گفت: برای مقابله با ویروس کرونا نیازمند تغییر سبک زندگی هستیم. وی با اشاره به اینکه هیچ برنامه‌ای برای استقبال از میهمانان نوروزی نداریم، اعلام کرد: ستاد اسکان به وسیله شهرداری، آموزش و پرورش و میراث فرهنگی ممنوع و حفظ سلامت مردم در اولویت نخست است.همچنین بستن مسیرهای ورود و خروج شهر در حیطه اختیارات مسئولان استان نیست و این موضوع نیازمند تصمیم گیری در سطح کشور است و چنانچه نیاز به راه اندازی مراکز قرنطینه باشد به سرعت با همکاری دانشگاه علوم پزشکی همدان مراکزی را دایر می‌کنیم. وی با بیان اینکه زباله گردها بسیار در معرض خطر هستند، تاکید کرد: کار این افراد قانونی نیست اما جرم هم تلقی نمی‌شود و باید برای جمع آوری آنها از کوچه و خیابان‌ها راهکاری پیدا کنیم. فرماندار همدان به کانال‌ها و گروه‌های فعال در فضای مجازی هشدار داد که به شدت زیر ذره بین نهادهای مسئول هستند و چنانچه مطالبی خلاف واقع و با هدف تشویش اذهان عمومی منتشر کنند مورد پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. وی اضافه کرد: کارگروه‌های رصد و پایش، آشکارسازی، قرنطینه سازی، اطلاع رسانی، بازتوانی و رفع آلودگی در زیر مجموعه قرارگاه پدافند زیستی تشکیل شده است و به زودی احکام آنها ابلاغ می‌شود تا روند پیشگیری و مقابله با بیماری کرونا نظم و ساماندهی بهتری پیدا کند.

اتحادیه عرب؛ ناجی یا بخشی از بحران‌های منطقه؟

نگاهی به عملکرد اتحادیه عرب در گیرودار بحران‌هایی که در کشورهای عربی به وقوع‌پیوسته نشان می‌دهد رویای همگرایی میان کشورهای عربی از سالن نشست و بیانیه‌های مشترک فراتر نرفته است.به گزارش ایرنا،اتحادیه عرب در ۲۲مارس سال ۱۹۴۵میلادی با ۶عضو مؤسس مصر، عربستان، عراق، سوریه، لبنان و اردن بنیان نهاده شد. در حال حاضر اتحادیه عرب شامل ۲۱کشور از آسیا و آفریقا و سازمان آزادی‌بخش فلسطین است. کشورهای عربی در سال پایانی جنگ جهانی دوم و با مشخص شدن نشانه‌های ورود جهان به عرصه جدیدی از معادلات، اتحادیه عرب را به عنوان نمادی برای اتحاد و همچنین حل مشکلات منطقه‌ای تشکیل دادند. این اتحادیه که با هدف بهبود روابط میان کشورهای عربی و هماهنگی سیاست‌های کشورهای عضو آن در عرصه‌های مختلف شکل گرفت اکنون به عرصه‌ای برای مشاجرات داغ و اختلاف میان اعضای آن تبدیل شده است. این اتحادیه هیچ کدام از اهداف خود و خواسته‌های ملت‌های عضو را برآورده نکرده و در عوض تاریخ آن آکنده از شکست‌های پیاپی است به گونه‌ای که برخی می‌گویند اتحادیه عرب در مرگ بالینی به سر می‌برد.

اتحادیه عرب و بحران‌های منطقه

از دید بسیاری از تحلیلگران مسائل منطقه، عملکرد اتحادیه عرب چنان بوده که برای تحقق حتی بخش کوچکی از آرمان‌ها و منافع ملل عربی نمی‌توان هیچ امیدی به آن داشت. اعضای این اتحادیه تنها به اعلام مواضع و مجموعه‌ای الفاظ و جملات جذاب و در عین حال کلیشه‌ای بسنده کرده‌اند و هیچ یک از اعضای آن در مقام عمل، کاری را پیش نبرده‌اند.به نوشته مرکز پژوهش‌های «العربی» مصر، شماری از کشورهای عربی شاهد تحولاتی بودند که این تحولات، تغییراتی را در نقشه سیاسی منطقه به وجود آورد. این تغییرات در نقشه سیاسی در حالی رخ داد که اتحادیه عرب شاهد این تغییرات بود. اما با مشاهده عملکرد این اتحادیه درباره تحولات تونس، مصر و حتی یمن می‌توان گفت این اتحادیه نقش بارزی را بازی نکرده بلکه تنها در موضع‌گیری‌های خود خواهان پایان دادن به خشونت‌ها و تلاش برای برقراری توافق ملی شده است. نگاهی به عملکرد اتحادیه در لیبی، ضعف این سازمان و سهل‌انگاری درباره تحولات سیاسی در جهان عرب در ادامه شکست این اتحادیه در بحران سوریه نشان داده که از نظر سازوکار و ابزارها با شکست روبرو است. این اتحادیه در تصمیم‌گیری‌های خود درباره لیبی و سوریه با انگیزه سیاسی عمل کرد و اصول قانونی حاکم بر منشورهای اتحادیه را نادیده گرفت. در بسیاری از اسناد و منشورهای عربی پایبندی به حل اختلاف کشورهای عربی در چارچوب اتحادیه و پرهیز از کاهش و قطع روابط با کشورهای عربی و فضاسازی رسانه‌ای و اعمال تحریم‌ها علیه دیگر کشورهای عربی تاکید شده است. این در شرایطی که در تحولات جهان عرب به این موضوع توجهی نشد.اتحادیه عرب به طور شتاب زده از حمله نظامی ناتو به لیبی حمایت کرد. این در شرایطی است که این اتحادیه می‌توانست از سازوکارهای خود برای حل تنش‌ها و حمایت از غیرنظامیان عمل کند. همچنین این اتحادیه بر خلاف مفاد منشورهای این سازمان مانع از حضور نمایندگان نظام لیبی و سوریه در نشست‌های خود شد. این موضوع سبب شد که کانال‌های ارتباطی با این دو کشور قطع شود و مولفه‌های موازنه‌بخش درباره تحولات میدان نظامی و سیاسی از بین برود. موضع اتحادیه عرب درباره مخالفان سیاسی نظام‌های سوریه و لیبی بسیار شتاب زده بود. زیرا این اتحادیه در آغاز تحولات لیبی و سوریه منابع اطلاعاتی مشخص و مستقلی درباره تحولات میدان‌ها، پیشینه و ایدئولوژی گروه‌های مخالف و برنامه‌ها و طرح‌های سیاسی آنها نداشت. همچنین این اتحادیه پس از سقوط نظام لیبی هیچ اقدامی برای کمک به مردم لیبی برای بازسازی نهادها و امنیت مرزها و آشتی ملی انجام نداد و همه این امور را به غربی‌ها واگذار کرد.به نوشته تارنمای اندیشکده «المستقبل» عراق، سخن گفتن درباره بحران‌ها و آینده اتحادیه عرب جدا از تحولات منطقه‌ای و جهانی و تاثیرات جهانی شدن نیست. نه تنها اختلاف میان کشورهای عربی نشان دهنده ضعف در کارآمدی اتحادیه عرب در شرایط کنونی است، بلکه افزایش دخالت کشورهای منطقه در امور یکدیگر که از سال ۲۰۱۱میلادی آغاز شده است نیز در این زمینه تاثیرگذار بوده است. کشورهای عربی به عرصه رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده‌اند و این موضوع ناکارآمدی نهادهای اتحادیه عرب را نشان داده است. اتحادیه عرب و نهادهای آن نتوانسته‌اند خود را با تحولات منطقه همراه سازند و با تحولات جدید سازگار باشند و اختلاف کشورهای عربی با یکدیگر در این زمینه نقش داشته است.روزنامه «الشرق» قطر نوشت اتحادیه عرب در حل بحران‌ها و دفاع از مسائل جهان عرب از جمله مساله فلسطین شکست خورده است. منشورهای این سازمان جنبه اجرایی شدن ندارد و هیچ دستاورد قابل ذکری نداشته است و این اتحادیه در بیانیه‌های خود تنها مسائل را محکوم و ابراز نگرانی می‌کند. این اتحادیه همانند لانه عنکبوتی است که به دلیل بحران‌ها و ناکارآمدی منشورهایش شکننده است. برای حل بحران‌ها هیچ تحرکی نداشته است و میراث آن ذلت و خواری بوده است. این اتحادیه به هیچ یک از اهداف و آرمان‌های خود نرسیده است و پس شکست‌های پی‌درپی در طول تاریخ اکنون در بستر مرگ به سر می‌برد. از زمان تاسیس این اتحادیه با هیچ بحرانی مقابله نکرده است بلکه به دلیل ضعف منشورهای آن خود بخشی از بحران بوده است.

دورنمای مبهم اتحادیه عرب

طیفی از ناظران معتقدند که اتحادیه عرب از مسائل سرنوشت‌ساز جهان عرب غافل بوده و این وضعیت ادامه خواهد داشت و نباید درباره آینده آن خوش‌بین بود. به نوشته تارنمای «ایلاف» وابسته به عربستان، «محمد ناجی» احمد تحلیلگر مسائل سیاسی می‌گوید: مشکل اتحادیه عرب آن است که اعضای این اتحادیه برای اجرایی‌شدن تصمیم‌های آن اراده سیاسی ندارند. اعضای این اتحادیه درباره برخی مسائل به ویژه مسائل مهم جهان عرب از روی تعارف تصمیم می‌گیرند اما هنگامی که به خانه‌های خود باز می‌گردند این تصمیم‌ها را اجرایی نمی‌سازند و دامنه همکاری آنها محدود است.آینده اتحادیه عرب در گروی وضعیت کنونی است. پیش‌بینی می‌شود در شرایطی که وضعیت کشورهای عربی آکنده از سختی‌ها و بحرانی‌ها است و بحران بی‌اعتمادی میان اعضای آن حاکم است، این اتحادیه با تنش‌ها و تغییرات بسیاری دست و پنجه نرم کند. شانه خالی کردن کشورهای عربی از مقابله واقعی با بحران‌ها مانع اصلی اقدام مشترک کشورهای عربی است. نبود اراده مشترک از مهمترین دلایل شکست اتحادیه عرب است. دخالت‌های خارجی و یکه‌تازی برخی کشورهای غربی در جهان عرب هم سبب ضعف اتحادیه عرب و کمرنگ شدن نقش آن درباره مسائل منطقه شده است. با توجه به این مسائل می‌توان گفت که این اتحادیه در آینده ناکارآمد خواهد بود و در مسیر خود تغییر و پیشرفتی را شاهد نخواهد بود.

معامله قرن، همه چیز برای صهیونیست‌ها

تحلیلگران و اندیشکده‌های آمریکایی اعتقاد دارند مهمترین چالشی که «معامله قرن» به آن دامن زد بی‌اعتمادی بیشتر به ایالات متحده است زیرا در طرح «دونالد ترامپ» همه امتیازها به صهیونیست‌ها داده شد.«دونالد ترامپ» رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا طرح خود را با عنوان « معامله قرن» که حدود یک ماه قبل ارائه کرد، ابتکاری برد–برد معرفی کرده است که نتیجه آن به نفع هر دو طرف در تشکیل کشورهای جداگانه خواهد بود. با این حال حتی بسیاری از مقامات، تحلیلگران و رسانه‌ها در غرب این طرح را حاوی اشتباهات و غفلت‌های بزرگی می‌دانند که در عمل دستیابی به اهداف مورد نظر دولت آمریکا و نخست وزیر رژیم صهیونیستی را غیر ممکن می‌سازد.به اعتقاد کارشناسان، در طرح ترامپ تقریبا تمام حقوق سنتی و دیرینه فلسطینی‌ها نادیده گرفته شده است، کشور فلسطین به صورت تکه‌های از هم جدا و همچون مجمع الجزایری که در محاصره زمین‌های اسرائیلی قرار دارند تشکیل می‌شود، حدود یک سوم از کرانه باختری از صاحبان اصلی آن یعنی فلسطینی‌ها گرفته می‌شود، فلسطینی‌ها دیگر حقی را در زمینه پایتختی بیت المقدس نخواهند داشت، هیچ تغییری در وضعیت شهرک‌های یهودی نشین در اراضی اشغالی ایجاد نمی‌شود، فلسطینی‌ها باید خلع سلاح شوند و با شناسایی مرزهای دولت اسرائیل، از حق دیرینه خود یعنی بازگشت آوارگان عقب‌نشینی می‌کنند. شاید بتوان گفت تنها وعده‌ای که به فلسطینی‌ها داده شد، سرمایه گذاری ۵۰میلیارد دلاری در پروژه‌های صنعتی و اقتصادی برای فلسطینی‌ها است که پول آن هم قرار است از سوی پادشاهی‌های عرب حوزه خلیج فارس به واشنگتن سپس تل آویو و در نهایت فلسطینی‌ها داده شود.در صورت پذیرش و اجرای طرح مورد نظر ترامپ، در واقع فلسطینی‌ها از تمام حقوقی که در طول بیش از ۷۰سال اخیر در مجامع بین المللی و حتی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر آن تصریح شده، چشم پوشی می‌کنند. به اعتقاد کارشناسان ترامپ در این طرح، فلسطینی‌ها را به عنوان طرف اصلی دعوا ندیده است و با آن‌ها به عنوان ملتی اضافی و سربار که در حق آن‌ها لطف می‌شود، رفتار کرده است.همین نگاه یک طرفه به چالش دیرپای خاورمیانه و نادیده گرفتن حقوق طرف ضعیف تر منازعه مهمترین دلیل برای ناکامی همه تلاش‌ها تاکنون ارزیابی می‌شود. بسیاری از ابتکارهای پیشین نیز دقیقا به همین دلیل راه به جایی نبردند که حقوق طرف فلسطینی را منطقی و عادلانه در نظر نمی گرفتند.

مرکز پژوهشی «نشنال اینترست» در گزارشی معامله قرن ترامپ را اشتباهی تاریخی دانست زیرا این طرح برای اسرائیلی‌ها طراحی شده و این بار همه امتیازات و فرصت‌ها به صورت مستقیم و آشکارا به آن‌ها داده شده است. اگرچه هر طرحی که از سوی واشنگتن برای این منازعه پیشنهاد شود از همان ابتدا مورد تردید خواهد بود، حتی بسیاری از مقام‌های آمریکایی هم این معامله را نه یک طرح صلح بلکه اقدامی در راستای کارزار تبلیغات انتخاباتی رئیس جمهوری آمریکا در جلب نظر صهیونیست‌ها می‌دانند. همین امر موجب تشدید بی اعتمادی به نیت کاخ سفید در زمینه برقراری صلح در خاورمیانه شده است. ترامپ در همان گام نخست همه شهرک‌ها حتی در کرانه باختری را به خاک اسرائیل ضمیمه کرد و نه تنها کنترل بیت المقدس را به آن‌ها داد بلکه کنترل فضا و مرزهای سرزمین‌های محدودی را که به فلسطینی‌ها بخشیده بود، را هم به دولت اسرائیل اعطا کرد. در عوض معامله قرن موضوع آخر را به عنوان امتیازی برای فلسطینی‌ها دانست، زیرا مجبور نیستند برای تامین امنیت خود هزینه پرداخت کنند.

بازی تازه آمریکا در خاورمیانه

اهداف راهبردی کاخ سفید از نگاه اغلب تحلیلگران ایجاب می‌کند تا با مداخله در منطقه از ظهور هر قدرت منطقه‌ای یا خارجی در خاورمیانه جلوگیری کند. به همین دلیل واشنگتن قصد ندارد خاورمیانه را به صورت کامل ترک کند بلکه می‌خواهد رویکردهای خود را به شکلی متفاوت به اجرا درآورد. طی یک قرن اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بیش از همه به دلیل وجود منابع عظیم انرژی مورد مناقشه کشورهای غربی بوده و هریک از قدرت‌ها تلاش کرده‌اند تا با گسترش نفوذ در منطقه، ضمن تامین نیازشان به نفت، تا حد ممکن از سیطره بر روند جریان عرضه انرژی در جهت کنترل یا تحت فشار قراردادن رقبا استفاده کنند. این سیاست در قرن بیستم به صورت اعلامی و اعمالی از سوی ایالات متحده به ویژه در دوره نظام تک‌قطبی دنبال می‌شد. آمریکا سال‌ها به عنوان یکی از واردکنندگان اصلی نفت به شدت نسبت به تحولات در خاورمیانه حساس بود و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در آن مداخله داشت. اکنون مدتی است که از میزان وابستگی این کشور به خاورمیانه در حوزه انرژی کاسته و حتی ایالات متحده به بزرگترین تولید کننده نفت و یکی از از صادرکنندگان انرژی تبدیل شده است .در دوره ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» بحث خروج ایالات متحده از خاورمیانه جدی‌تر از قبل مطرح و همین امر باعث طرح مباحث گوناگونی شده است. این موضوع در یکی دو سال اخیر از سوی مقام‌های کاخ سفید اعلام شد، ضمن اینکه به تازگی دولت و مجلس عراق هم خواستار خروج نظامیان آمریکایی از این کشور شده‌اند.برخی این تصمیم کاخ سفید را همانند اعلام خروج نیروهای بریتانیایی از خلیج فارس در دهه ۱۹۶۰میلادی می‌دانند. با توجه به دلایل سیاسی و اقتصادی، کنترل امور خاورمیانه برای واشنگتن ضرورت دارد و به همین دلیل بعضی تحلیلگران اعتقاد دارند قرار است تاکتیک ایالات متحده نسبت به منطقه تغییر کند و در واقع شکل مداخله کاخ سفید به حالتی دیگر ادامه خواهد داشت. در مورد این دو تصمیم که به فاصله حدود پنج دهه از هم اعلام شده، افزایش هزینه‌های مالی حضور در خاورمیانه و اعتراضات داخلی در کنار تمرکز دولت‌ها بر مبحث سروسامان دادن به اقتصادی ملی آمریکا و انگلستان مهمترین دلایل عقب‌نشینی عنوان شده و می‌شود.«ویلیام وچسلر» در مقاله‌ای در کتاب «خاورمیانه: عرصه بزرگ بازی قدرت» با اشاره به اهمیت این منطقه حساس و راهبردی آورده است: همانطور که مقام‌های بریتانیایی بیش از ۵۰سال قبل نشان دادند، باید خروج این کشور از خاورمیانه را از سر بیرون کرد و کماکان لندن در منطقه نفوذ خواهد داشت، اکنون همین امر در مورد ایالات متحده صادق است.به اعتقاد وی، اگرچه بسیاری از کشورهای عربی خلیج فارس حدود نیم قرن است که مستقل شده‌اند و از نظر حکومتداری جوان به شمار می‌آیند اما آن‌ها حضور و سپس خروج بریتانیا را شاهد بوده‌اند و اکنون موضوع خروج آمریکا از منطقه به پرسشی مهم برای آن‌ها تبدیل شده‌است.

از نگاه برخی تحلیلگران، به غیر از موضوع انرژی، ایالات متحده منافع منطقه‌ای و بین المللی مهمی در خاورمیانه دارد که از آن جمله اهمیت این منطقه در امنیت جهانی است. ایالات متحده خود را قدرت برتر در خاورمیانه معرفی می‌کند که سایر قدرت‌ها در داخل و خارج منطقه ظرفیت تقابل با واشنگتن را ندارند. وچسلر صاحبنظر مسائل بین‌المللی اما می‌گوید که دیدگاه‌های واقع‌گرایانه آمریکا در تثبیت قدرت جهانی با رویکردهای آرمانگرایانه مقام‌های این کشور در زمینه لیبرالی رفتار کردن با کشورهای منطقه موجب تناقضی شده است که جایگاه برجسته منطقه در حوزه تولید انرژی را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد.در شرایط کنونی از دیدگاه سیاستگذاران آمریکایی دستیابی به استقلال انرژی و پیشرفت‌های خیره کننده در زمینه حفاری و استخراج نفت و گاز، به معنی سیطره کامل واشنگتن بر بازار انرژی و بی‌نیازی صددرصدی نیست. هنوز ایالات متحده نسبت به توقف عرضه نفت از خلیج فارس به علت برخی تحولات سیاسی و نظامی آسیب‌پذیر است زیرا شرکت‌های آمریکایی نسبت به تامین نیازهای داخلی شهروندان این کشور ناتوان خواهند شد. افزایش قیمت جهانی نفت به طور قطع بر قیمت داخلی سوخت تاثیرگذار است.از نگاه واشنگتن خاورمیانه هنوز به صورت بنیادین به علت تنش‌های داخلی، منطقه‌ای بی‌ثبات است. از سوی دیگر تنگه هرمز آبراهی است که تنها دو مسیر کم عرض رفت و برگشت کشتی را دارد و بخش مهمی از آن در اختیار ایران قرار دارد. این موضوع می‌تواند تامین یک چهارم نفت مورد نیاز جهان را دچار مشکل کند.در دیدگاه ایالات متحده نفت و موقعیت سوق الجیشی خلیج فارس واقعیت‌هایی محسوب می‌شوند که بخشی از اصول امنیت ملی آمریکا را تشکیل می‌دهند. ادامه عرضه انرژی از منطقه، خرید و انتقال آزادانه آن، حمایت از ثبات در منطقه و تقویت رفاه خاورمیانه از اهداف مورد توجه واشنگتن بیان می‌شوند. این اهداف کاخ سفید ایجاب می‌کند تا از ظهور یا حضور هر قدرت منطقه‌ای یا خارجی در خاورمیانه جلوگیری کند. واشنگتن با همین توجیه و بزرگنمایی به مخاطره افتادن منافعش به مقابله با نفوذ آلمان نازی یا شوروی کمونیست در منطقه پرداخت. همچنین ایالات متحده تمام توان خود را برای مقابله با جنبش پان عربی، انقلاب اسلامی ایران، اشغال کویت از سوی عراق و حتی اقدامات گروه‌های تندروی سلفی به کار برد.«رونالد ریگان» رئیس جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۷در مورد اهمیت خاورمیانه برای کاخ سفید گفت: نقش ما (ایالات متحده) در خلیج فارس حیاتی است؛ محافظت از منافع‌مان و کمک به دوستان و محافظت از آن‌ها را برعهده داریم .ایالات متحده همگام با حضور نظامی در منطقه که با تاکید بر خطوط دریایی از تنگه هرمز تا باب المندب شکل گرفته است، گسترش تعامل و نفوذ غیرنظامی، دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و افزایش تجارت با منطقه را دنبال کرده است.به عنوان نمونه سفارت آمریکا در بغداد بزرگترین سفارت این کشور در جهان است که ساخت آن ۷۵۰میلیون دلار هزینه داشته و در دوره اوج ۱۶هزار آمریکایی در آن حضور داشتند. بنا بر اعلام وزارت امور خارجه آمریکا هدف دیپلماتیک این کشور در منطقه ارتقای اقتصادهای محلی و افزایش سطح رفاه در کنار رشد ثبات داخلی بوده است. واشنگتن چند دهه و میلیاردها دلار هزینه کرد تا به این اهداف برسد اما تاکنون دستاورد خاصی نصیب مردم منطقه نشده است.اکنون موضوعی که فراتر از قابلیت‌های واشنگتن مطرح می‌شود، اراده کاخ سفید برای ادامه حضور در منطقه است. حضور آمریکا در دو جنگ بی‌پایان در افغانستان و عراق باعث شد که افکارعمومی به دنبال خاتمه دادن به این اوضاع باشد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که شهروندان آمریکایی نمی‌خواهند رفاه خود را به خاطر اهداف سیاست خارجی این کشور به مخاطره بیاندازند. همین خواسته عمومی باعث شده است تا چهار رئیس جمهوری اخیر آمریکا به صورت تلویحی یا آشکار بر لزوم کاهش تعهدات جهانی آمریکا تاکید داشته باشند.

«بیل کلینتون»، «جورج بوش»، «باراک اوباما» و اکنون دونالد ترامپ همین موضوع را تکرار کرده‌اند. در سال ۲۰۱۹ترامپ به مقامات واشنگتن دستور داد تا توافق‌هایی را برای خارج کردن همه نیروهای آمریکایی از منطقه تا پیش از انتخاب مجدد وی در سال ۲۰۲۰نهایی سازند.تحلیلگران بر این باورند اگرچه این تصمیم به نفع ایران تمام می‌شود اما ترامپ تلاش دارد تا برخلاف سه رئیس جمهوری پیش از خود رفتار کند. وی این سوال و تردید را مطرح کرده است که حضور در خاورمیانه تا چه زمانی می‌تواند ادامه پیدا کند.با این‌حال نکته مهم اینجا است جنگ در عراق و افغانستان نشان داد ایالات متحده توانایی خود برای راهبری سیستم امنیت جهانی را از دست داده است. حتی بحران‌های مالی جهان هم ثابت کرده‌اند قدرت این کشور در تعیین مسیر اقتصادی جهانی تحلیل رفته است. با وجود مخالفت دیپلمات‌ها و فرماندهان نظامی آمریکا اما کاخ سفید در سراشیبی این مسیر در حرکت است. این درست همان جاده ای است که چند دهه قبل بریتانیا مجبور شد آن را طی کند.

آگهی تغییرات شرکت مهندسی بهنیان جنوب سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۹۴۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۶۹۸۵۸۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت‌مدیره برای مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: سید علیرضا علوی به شماره ملی ۰۰۶۱۹۴۵۷۲۲ به نمایندگی از سازمان جهاد دانشگاهی خوزستان - رمضان شیرعلی داروپناه به شماره ملی ۵۲۷۹۸۱۶۸۹۲ - بهزاد زراعت به شماره ملی ۱۸۶۱۰۹۴۳۶۱ به نمایندگی از مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان . مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت حامیان کاردیده پارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۷۹۷۸۶ به عنوان بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی پاسارگاد احرار به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۱۵۱۳۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. صورتهای مالی منتهی به سال ۱۳۹۷تصویب گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خوزستان
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری اهواز (۷۸۴۱۱۰)

****

آگهی تغییرات شرکت تابان میثم مشگین سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۰۴ و شناسه ملی ۱۰۲۴۰۰۲۸۱۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - مرکز اصلی شرکت از مشگین شهر خیابان باهنر کوچه بهشتی فرعی ۱ بن بست آرمین پلاک ۲۳ کدپستی:۵۶۶۱۸۵۴۳۵۴ به آدرس مشگین شهر، سازمان، کوچه ((گمانعلی شکری))، خیابان شهدا، پلاک ۳۲۷، طبقه همکف کد پستی ۵۶۶۱۶۳۶۶۳۹ انتقال و ماده ۴ اساسنامه شرکت اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشگین شهر (۷۸۴۳۴۹)

****

آگهی تغییرات شرکت تابان میثم مشگین سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۰۴ و شناسه ملی ۱۰۲۴۰۰۲۸۱۰۰

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - زهرا وطن دوست بسمت رئیس هیئت‌مدیره، رحمان وطن دوست بسمت مدیر عامل و عضوهیئت‌مدیره وهاشم وطن دوست بسمت نائب رئیس هیئت‌مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار بانکی از قبیل چک،سفته،بروات، ضمانت نامه بانکی و عقود اسلامی و نامه‌های اداری شرکت با امضای آقای حسین وطن دوست (احدی از سهامداران) همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشگین شهر (۷۸۴۳۵۱)

****

آگهی تغییرات شرکت تولیدی لوله و اتصالات وحید سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۶۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۲۸۸۸۰

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-آقای علی اصغر کشتکاران به شماره ملی ۲۲۹۷۲۰۷۹۴۸ رئیس هیئت‌مدیره ۲- آقای علیرضا صحاف امین به شماره ملی ۰۰۵۹۹۱۳۶۱۴ نایب رئیس هیئت‌مدیره ۳- آقای بیوک آقا صحاف امین به شماره ملی ۱۳۷۰۶۵۴۳۹۱ مدیر عامل و عضو اصلی هیئت‌مدیره ۴- آقای سید اصغر مرتضوی فر به شماره ملی ۲۲۹۱۵۷۰۷۱۴ عضو هیئت‌مدیره ۵- سرکار خانم ناهید مهران به شماره ملی ۴۰۷۲۱۱۴۷۳۱ قائم مقام مدیر عامل برای مدت دوسال انتخاب گردیدند. ۲- امضاء کلیه اسناد و اوراق تعهد آور و قراردادها با امضاء مدیر عامل و رئیس هیئت‌مدیره با مهر شرکت معتبر خواهد بود و در غیاب مدیر عامل با امضاء قائم مقام مدیر عامل و در غیاب رئیس هیئت‌مدیره با امضاء نایب رئیس هیئت‌مدیره با مهر شرکت خواهد بود مکاتبات عادی شرکت با امضاء مدیر عامل شرکت و در غیاب ایشان خانم ناهید مهران یا اقای علیرضا صحاف امین خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سوادکوه (۷۸۴۹۹۹)

****

آگهی تغییرات شرکت برنجکده سبز کناره سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۵۶۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۶۹۲۲۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱-سرمایه شرکت از مبلغ پانزده میلیون ریال از طریق آورده نقدی و بالا بردن تعداد سهام به مبلغ دوازده میلیارد ریال منقسم بر هشتاد هزار سهم با نام یکصد و پنجاه هزار ریالی طی گواهی بانکی شماره ۶۳-۵۶۷۲۱مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۰ نزد بانک ملت شعبه فریدونکنار فزایش و ماده مربوطه دراساسنامه بدین شرح اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری فریدون کنار (۷۸۵۰۰۲)

****

آگهی تغییرات شرکت قوای محرکه کرمان خودرو شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۰۵ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۳۸۹۵۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۷ الف-اعضاء هیئت‌مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: شرکت صنایع خودروسازی کرمان (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۲۲۰۸۰ شرکت طراحی و مهندسی قطعات کرمان خودرو (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۵۸۶۷۸ شرکت کرمان موتور (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۵۱۹۷۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری بم (۷۸۵۰۵۹)

****

آگهی تغییرات شرکت نیکان تجارت مغان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۷ و شناسه ملی ۱۰۲۴۰۰۲۵۸۲۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - جمال خیری قوجه بیگلو به کدملی ۵۰۴۸۹۳۸۳۱۳ و ناصر ندائی به کدملی ۵۰۴۸۸۴۷۸۰۶ به ترتیب به عنوان بازرسان اصلی و علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری پارس آباد (۷۸۴۳۵۵)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص تابان میثم مشگین
به شماره ثبت ۵۰۴ و شناسه ملی ۱۰۲۴۰۰۲۸۱۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: زهرا وطن دوست دارای کد ملی ۱۶۷۲۰۶۴۱۶۳ رحمان وطن دوست دارای کد ملی ۱۶۷۲۵۷۵۷۹۶هاشم وطن دوست دارای کد ملی ۱۶۷۲۵۷۵۷۹۶ به عنوان اعضای هیئت‌مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. آرزو سجادی فر دارای کدملی۱۳۶۱۶۰۰۹۶۹ به سمت بازرس اصلی چنگیز ولیزاده دارای کد ملی ۱۶۷۱۱۶۴۴۵۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند . روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشگین شهر (۷۸۴۳۵۳)

****

آگهی تغییرات شرکت نیکان تجارت مغان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۴۷ و شناسه ملی ۱۰۲۴۰۰۲۵۸۲۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه از مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال به مبلغ ۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال منقسم به ۲/۵۰۰/۰۰۰سهم ده هزار ریالی از محل مطالبات حال شده سهامداران مورد تصویب مجمع واقع شد وسرمایه شرکت بشرح فوق افزایش یافت ودر نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه نیز اصلاح گردید

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اردبیل
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری پارس آباد (۷۸۴۳۵۴)

****

آگهی تغییرات شرکت یاشیل مرغ نمونه آذربایجان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۰۶۷۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- آقایان وحید قهرمان زاده به شماره ملی ۲۸۰۲۷۵۰۵۷۷، حجت قهرمان زاده به شماره ملی ۲۸۰۳۳۶۳۷۴۷ و خانم اکرم علی نقیلو به شماره ملی ۲۸۰۲۴۴۶۵۷۶ به سمت اعضای هیات‌مدیره به مدت ۲ سال انتخاب شدند ۲- آقای کریم بنائی خوئی به شماره ملی ۲۸۰۳۳۵۹۹۶۰ به سمت بازرس اصلی و آقای خداویردی عالی زاده به شماره ملی ۵۸۱۳۹۷۴۳۵۱ به سمت بازرس علی‌البدل شرکت به مدت یکسال انتخاب شدند

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سلماس (۷۸۴۴۵۵)

****

آگهی تغییرات شرکت یاشیل مرغ نمونه آذربایجان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۰۶۷۰۵

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- آقای حجت قهرمان زاده اصل به شماره ملی ۲۸۰۳۳۶۳۷۴۷ بعنوان رئیس هیات‌مدیره - خانم اکرم علی نقیلو به شماره ملی ۲۸۰۲۴۴۶۵۷۶ بعنوان نائب رئیس هیئت‌مدیره - آقای وحید قهرمان زاده اصلی به شماره ملی ۲۸۰۲۷۵۰۵۷۷ بعنوان عضو هیات‌مدیره و مدیرعامل بمدت ۲ سال تعیین و انتخاب شدند ۲- امضای کلیه اسناد مالی، چکها، قرار دادها و اسناد تعهدآور و نامه‌های اداری و عادی با مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سلماس (۷۸۴۷۱۴)

****

آگهی تغییرات شرکت یاشیل مرغ نمونه آذربایجان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۰۶۷۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- سرمایه شرکت از مبلغ یک میلیون ریال منقسم به صد سهم ده هزار ریالی بانام به مبلغ دو میلیارد ریال منقسم به دویست هزارسهم ده هزار ریالی بانام که از طریق افزایش تعداد سهام واز محل پرداخت نقدی افزایش یافت که مبلغ افزایش یافته بمبلغ یک میلیارد و نهصد و نود ونه میلیون ریال به شماره حساب شرکت طی گواهی ۲۴۵/۱۵۸۴/۸۲ - ۱۳۹۸/۲/۱۶ بانک کشاورزی شعبه سلماس واریز گردید. و با قطعیت یافتن افزایش سرمایه ماده مربوطه در اساسنامه شرکت به شرح فوق تغییر و اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سلماس (۷۸۴۷۱۵)

****

آگهی تغییرات شرکت قوای محرکه کرمان خودرو شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۰۵ و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۳۸۹۵۱

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ الف-تعیین سمت مدیران: آقای علیرضا ولیانی با شماره ملی ۰۰۶۰۰۳۹۸۳۳ به نمایندگی از شرکت صنایع خودروسازی کرمان به شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۲۲۰۸۰ به سمت رئیس هیئت‌مدیره آقای حمیدرضا شبانکاره با شماره ملی ۰۰۴۷۱۸۸۸۶۳ به نمایندگی از شرکت کرمان موتور به شناسه ملی۱۰۱۰۱۵۵۱۹۷۴ به سمت نائب رئیس هیئت‌مدیره آقای علی بهرامی با شماره ملی ۰۰۵۴۳۵۰۳۶۰ به نمایندگی از شرکت طراحی و مهندسی قطعات کرمان خودرو به شناسه ملی ۱۰۶۳۰۰۵۸۶۷۸ به سمت عضو هیئت مدیره آقای علیرضا ولیانی بشماره ملی ۰۰۶۰۰۳۹۸۳۳ بعنوان مدیرعامل ب- کلیه اوراق و اسناد تعهد آور شرکت شامل: چکها، سفته‌ها، قراردادها و ... با امضاء متفق مدیرعامل و یکی دیگر از اعضاء هیئت‌مدیره به همراه مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء متفق نایب رئیس هیئت‌مدیره و عضو هیئت‌مدیره به همراه مهر شرکت معتبر می باشد و مکاتبات عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با مضاء نایب رئیس هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری بم (۷۸۵۰۶۱)

آگهی تغییرات موسسه محب سفره سلامت موسسه غیر تجاری
به شماره ثبت ۴۱۳۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۱۲۴۹۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - موسسه غیرانتفاعی محب سلامت پارس به شماره ثبت ۱۷۸۹۳ به نمایندگی آقای مالک اسدی باپرداخت ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به صندوق مؤسسه سهم الشرکه خود را از مبلغ ۱۹۰۰۰۰۰۰۰ریال به مبلغ ۲۰۱۹۰۰۰۰۰۰۰ریال افزایش داد. - درنتیجه سرمایه موسسه از مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰ریال افزایش یافت و ماده ۴ اساسنامه به شرح مذکور اصلاح گردید اسامی شرکاء پس از افزایش ومیزان سهم الشرکه هریک به شرح ذیل می باشد: موسسه غیرانتفاعی محب سلامت پارس به شماره ثبت ۱۷۸۹۳ به نمایندگی آقای مالک اسدی به شماره ملی ۰۵۵۷۸۰۴۲۶۴ دارای مبلغ ۲۰۱۹۰۰۰۰۰۰۰ریال سهم الشرکه موسسه خدمات درمانی محب مهر به شماره ثبت ۲۸۳۰۱ به نمایندگی آقای دکتر حسین شاهرخ به شماره ملی ۳۶۲۰۸۶۸۳۴۴ دارای مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ریال سهم الشرکه شرکت محب گردشگری سلامت ایرانیان به شماره ثبت ۴۴۱۰۴۹ به نمایندگی آقای محمدابراهیم معراجی به شماره ملی ۱۲۱۰۰۹۳۰۱۴دارای مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرج (۷۸۴۸۱۷)

****

آگهی تغییرات شرکت توسعه خدمات مهندسی آب و خاک پارس
شرکت سهامی عام
به شماره ثبت ۲۳۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۵۹۶۶

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - شرکت نصر معین پارسایان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۵۳۴۰۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۰۸۷۲۵ (آقای عبدالرضا عمید با کد ملی ۱۹۷۱۲۶۵۷۱۳ معرفی شده به موجب نامه شماره ۳۳۵۰/۹۸ مورخ ۲۸/۸/۹۸ جایگزین آقای مهدی گلی با کد ملی ۱۲۹۱۳۰۷۵۹۱ برای مدت باقیمانده به عنوان نماینده جهت حضور در جلسات هیأت مدیره) . ۲- آقای سید نصیرالدین شاهرخی با کد ملی ۴۱۹۸۴۲۳۷۴۱ ۳- آقای سید علیرضا شریعت پناهی با کد ملی ۴۵۶۹۳۷۸۱۳۷ ۴- آقای هوشنگ نجفی با کد ملی ۴۰۷۰۳۹۳۱۱۰ . ۵- شرکت توسعه بازرگانی نصر معین (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۸۶۶۷۰ و شناسنامه ملی ۱۰۳۲۰۳۷۵۰۶۵ (آقای یدالله شمائلی با کد ملی ۱۸۶۱۰۲۱۴۲۹ معرفی شده به موجب نامه شماره ۹۸۳۳۴ جایگزین آقای حمید حمید اسلامیان با کد ملی ۱۲۸۵۵۵۴۰۹۴ برای مدت باقیمانده به عنوان نماینده جهت حضور در جلسات هیأت مدیره): ۱- آقای یدالله شمائلی با کد ملی ۱۸۶۱۰۲۱۴۲۹ به عنوان رئیس هیأت مدیره . ۲- آقای سید نصیرالدین شاهرخی با کد ملی ۴۱۹۸۴۲۳۷۴۱ به عنوان نایب رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل ۳- آقای علی جهانیان به شناسنامه شماره ۱۴۹۳ صادره از نهاوند با کد ملی ۳۹۶۱۵۰۰۸۱۹ در رعایت مفاد «۳۳» اساسنامه اصلاحی شرکت برای مدت یکسال (۱) به عنوان منشی (دبیر) هیأت مدیره انتخاب گردید. ۴- کلیه اوراق، قراردادها و اسناد تعهدآور شرکت با امضای مدیر عامل و یکی از اعضای هیأت مدیره و یا نمایندگان مجاز از طرف آنان معتبر خواهد بود. ضمناً کلیه چکها و اسناد مالی با امضای مشترک مدیر عامل و یا یکی از اعضای هیأت مدیره به اتفاق معاونت مالی و توسعه منابع انسانی و یا مدیر مالی با مهر شرکت معتبر خواهد بود و درصورت ضرورت افتتاح حساب بانکی برای واحدهای تابعه، حق برداشت از حسابهای بانکی واحد ذیربط با دو امضاء مشترک مدیر به اتفاق مسئول مالی واحد مربوط توأم با مهر شرکت قابل انجام خواهد بود که در این ارتباط چگونگی نحوه عمل حسب مورد از سوی مدیر عامل شرکت همراه تصویر ابلاغ مسئولین و صاحبان امضاء مجاز بانکی به بانکهای عامل ذیربط در استانها اعلام می گردد. ۵- اختیارات بندهای ۱، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ و ماده ۳۷ و همچنین اختیار اجرای وظایف مصرح در ماده (۲) اساسنامه شرکت به استثنای بندهای ۱، ۵ و ۶ ذیل قسمت ب به مدیر عامل شرکت تفویض گردید. تبصره: به استثنای صلح و سازش در رابطه با اموال غیرمنقول مذکور در بند ۱۴ فوق الذکر و دعواهای مالی بیش از سه (۳) میلیارد ریال .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرج (۷۸۴۸۵۸)

****

آگهی تغییرات
شرکت صنعتی و معدنی پویان گهر کریمان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۴۷۶۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۵۶۳۳۰۰

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ - اعضای هیئت‌مدیره بشرح ذیل تعیین سمت و برای مدت باقیمانده دوران تصدی هیات‌مدیره انتخاب گردیدند: - آقای علیرضا پویان بشماره ملی ۲۹۹۲۴۵۳۷۶۵ به سمت رئیس هیئت‌مدیره - آقای محمد موقاری به شماره ملی ۰۰۳۷۱۱۹۱۱۷ بنمایندگی از شرکت سرمایه گذاری و توسعه گل گهر (سهامی خاص) بشناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۹۲۸۵ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره - خانم فاطمه السادات فاطمی بشماره ملی ۳۱۲۰۴۳۵۴۱۴ به سمت عضو هیئت‌مدیره و مدیرعامل ۲ - کلیه اسناد واوراق بهادار و بانکی و تعهدآور و قراردادها با امضای مدیرعامل و یکی از اعضاء هیات‌مدیره متفقاً بهمراه مهر شرکت معتبر و سایر اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می باشد. ۳ - برابر بند ۳ ماده ۴۰ اساسنامه با افتتاح شعبه داخلی شرکت به نشانی استان تهران - منطقه ۱۴، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، محله نظامی گنجوی، خیابان ولیعصر، کوچه احتشام، پلاک ۹-، ساختمان عمارت ناهید، طبقه سوم، واحد ۹ باکدپستی ۱۴۳۴۸۴۳۶۹۱و بامسئولیت خانم فاطمه السادات فاطمی بشماره ملی ۳۱۲۰۴۳۵۴۱۴ موافقت گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرمان (۷۸۵۰۷۸)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی قند کرج شرکت سهامی عام
به شماره ثبت ۸۹۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۰۹۳۳۶

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: . آقای محسن مهدوی وند به شماره ملی ۲۸۰۲۹۰۸۰۷۳ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری سامان فرهنگیان، به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۷۳۴۶۶ مطابق نامه شماره ۵۷۸۷۸/۴/۱۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۸، به سمت عضو هیات مدیره.و آقای سید محمد حسینی به شماره ملی ۰۷۹۰۲۹۷۲۰۵ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری تدبیر فرهنگیان، به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۷۳۴۷۰ مطابق نامه شماره ۵۷۸۷۷/۹/۱۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۸، به سمت نایب رئیس هیات مدیره. وآقای عبدالرضا پالیزدار به شماره ملی ۰۰۵۰۸۹۱۲۷۸ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری بازرگانی تدبیرگران اطلس، به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۷۹۱۸۴ مطابق نامه شماره ۱۴۶/ ص مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۸، به سمت عضو هیات‌مدیره وآقای رسول طاعتی به شماره ملی ۴۳۲۰۶۶۰۱۶۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری فرهنگیان، به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۸۰۳۱۳ مطابق نامه شماره ۵۷۸۷۶/۱/۱۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۸، به سمت رئیس هیات مدیره. وآقای افشین معماری به شماره ملی ۰۰۵۷۲۵۹۲۵۹ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری گستر سهند، به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۷۹۱۶۵ مطابق نامه شماره ۵۷۸۷۹/۷/۱۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۸، به سمت مدیر عامل و عضو هیات مدیره. انتخاب گردیدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار از قبیل چک، سفته، برات و عقود بانکی با امضاء مدیر عامل و یکی از اعضاء هیات‌مدیره و در غیاب مدیر عامل، دو نفر از اعضاء مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. ۳- اوراق عادی، مکاتبات و مراسلات اداری با امضاء مدیر عامل با مهر شرکت معتبر خواهد بود. - حدود اختیارات مدیر عامل با تفویض برخی از اختیارات هیات‌مدیره به شرح زیر تعیین و تصویب شد و هیات‌مدیره بخشی از اختیارات ذکر شده در اساسنامه را بشرح و تفکیک ذیل به مدیر عامل شرکت تنفیذ و اختیارات اجرایی آنرا محول نمود: ۶-۱ نمایندگی شرکت در برابر اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله کلیه ادارات دولتی، دادگاهها در تمام مراحل و دادسراها و ثبت و شهرداریها و موسسات خصوصی و انجمن‌ها و کمیسیونها و کمیته‌ها با حق توکیل به غیر ولو کراراً. ۶-۲ نصب و عزل کلیه مامورین و کارکنان شرکت و تعیین مشاغل و حقوق دستمزدها و مزایا و پاداش و ترفیع و تنبیه و معافیت و خروج آنها از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث و سایر شرایط استخدام. ۶-۳ اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات راجع به امر دادرسی و حق سازش – ارجاع مورد دعوی به داوری و تعیین و عزل داور و هر اقدام قانونی دیگر که برای پیشبرد دعوی و به نتیجه رساندن آن و اثبات ادعا و وصول محکوم به، چه در دادگاهها و چه در دوائر ثبت اسناد لازم باشد. ۶-۴ انجام کلیه اقدامات و تشریفات قانونی لازم برای به ثبت رساندن تصمیمات مجامع عمومی و هیات‌مدیره و موارد دیگری که ثبت و اعلان آن در جرائد قانوناً الزامی است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرج (۷۸۴۸۷۹)

****

آگهی تغییرات شرکت ویرا واکسن شایا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۵۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۳۱۷۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت ویرا واکسن شایا انتخاب شد. - ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. - موسسه حسابرسی فراز مشاور دیلمی پور به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۱۸۴۰۰ به عنوان بازرس اصلی و آقای علی شهریور به شماره ملی ۲۲۹۸۷۸۳۰۲۰ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ساوجبلاغ (۷۸۴۹۰۲)

****

آگهی تغییرات شرکت خدمات پزشکی دوستان نیک شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۱۲۳۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۱۳۹۹۷

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ - آقای ایرج نجفی شریعت زاده به کد ملی ۰۰۳۹۹۱۳۱۲۰ به نمایندگی شرکت صنعت عصر پویا به سمت رئیس هیأت مدیره ۲- آقای غلامرضا شاه حسینی کد ملی ۰۴۹۳۰۹۲۵۹۵ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره ۳- آقای علی مقدم با کد ملی ۰۰۳۹۱۳۷۳۹۲ به نمایندگی شرکت سنگ آهن مرکزی رباط به سمت عضو هیأت مدیره ۴- آقای علی محمدپور با کد ملی ۰۰۵۱۱۰۹۴۴۱ به سمت مدیر عامل خارج از اعضاء هیأت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیئت‌مدیره انتخاب گردید . ۲ - کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک – سفته – برات – قراردادها و عقود اسلامی با امضای مدیر عامل یا رئیس هیات‌مدیره هر یک به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضای مدیر عامل یا رئیس هیات‌مدیره هر یک به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری کرج (۷۸۴۹۰۸)

****

آگهی تغییرات شرکت صنعتی آرد ذرت زر شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۰۶۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۶۰۳۲۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - مهدی رفیعی اردستانی به شماره ملی: ۰۰۴۷۳۳۶۸۴۰ به سمت بازرس اصلی و آقای مجید حمزه‌ء به شماره ملی: ۰۳۲۲۶۴۸۱۶۵ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند - ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت. - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی شرکت انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ساوجبلاغ (۷۸۴۸۱۹)

آگهی تغییرات شرکت تکمیل بافت زرفام شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۵۴۶۶۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آقای مصیب جوادزاده حفظ ابـاد دارنده کد ملی به شماره ۱۴۶۶۶۷۷۵۳۸ به سمت رئیس هیئت‌مدیره ۲-آقای مصطفی جوادزاده حفظ آباد دارنده کد ملی به شماره ۰۰۴۹۱۹۵۴۲۵ به سمت نائب رئیس و مدیر عامل ۳-خانم لیلا محمد زاده دارنده کدملی به شماره ۰۰۶۴۸۷۹۰۰۳ به سمت عضو هیئت‌مدیره به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند. - موسسه حسابرسی اعتماد ارقام امین با شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۵۳۰۳۸ به سمت بازرس اصلی و آقای نادر رضایی خبیر باکد ملی ۰۰۶۲۹۸۵۸۱۷به سمت بازرس علی‌البدل برا ی مدت یکسال انتخاب شدند. - روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. - صورتهای مالی شامل ترازنامه و صورت سود و زیان مالی سال ۱۳۹۷ به اتفاق آراء مورد تصویب رسید - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت و سایر نامه‌های اداری به امضاء مدیر عامل آقای مصطفی جوادزاده حفظ‌آباد همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری اشتهارد (۷۸۴۹۱۳)

****

آگهی تغییرات شرکت تولیدی ساریه شمال سهامی خاص
به شماره ثبت ۷۵۳۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۹۴۳۴۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. ۲- موسسه ارقام نگر آریا به شماره ثبت ۱۷۷۵۵ و شماره ملی ۱۰۱۰۰۶۱۷۶۳۲ به عنوان بازرس اصلی، آقای علی بختیاری به شماره ملی ۱۶۳۸۵۷۳۳۶۰ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ساری (۷۸۴۹۷۵)

****

آگهی تغییرات شرکت ریسندگی و بافندگی خزر ریس سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۵۰۸۲۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ۲- موسسه آرمان آروین پارس به شماره ثبت ۲۲۱۵۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۳۸۹۵۳ به عنوان حسابرس و بازرس اصلی و آقای کیومرث جوهری مجد به شماره ملی ۲۶۷۹۲۲۳۷۰۱ بعنوان بازرس علی‌البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. ۳- اعضاء هیئت‌مدیره تاتاریخ ۱۴۰۰/۰۴/۱۹به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای عباس مهدوی صالح به شماره ملی ۰۰۴۷۸۴۵۹۲۹ آقای محمد مهدی بیرم زادگان به شماره ملی ۰۰۴۱۶۷۷۳۷۴ آقای میر اسماعیل رضوی به شماره ملی ۵۷۹۹۴۴۶۲۷۵ آقای فرامرز شعاعی به شماره ملی ۰۰۴۰۲۷۱۴۰۴ آقای حسن طاهری به شماره ۴۸۹۸۲۰۳۴۹۳

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سوادکوه شمالی (۷۸۴۹۷۶)

****

آگهی تغییرات شرکت ریسندگی و بافندگی خزر ریس سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۵۰۸۲۳

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- آقای عباس مهدوی صالح به شماره ملی ۰۰۴۷۸۴۵۹۲۹ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲- آقای میر اسماعیل رضوی به شماره ملی ۵۷۹۹۴۴۶۲۷۵ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ۳- آقای محمد مهدی بیرمزادگان به شماره ملی ۰۰۴۱۶۷۷۳۷۴ به سمت عضو هیئت مدیره ۴- آقای فرامرز شعاعی به شماره ملی ۰۰۴۰۲۷۱۴۰۴ به سمت عضو هیئت مدیره ۵- آقای حسن طاهری به شماره ۴۸۹۸۲۰۳۴۹۳ به سمت عضو هیئت مدیره ۶- آقای علیرضا طاهر به شماره ملی ۰۰۳۹۳۸۸۹۴۸ به سمت مدیرعامل اعضاء اصلی هیئت مدیره و مدیرعامل به مدت دوسال انتخاب شدند. ۲- مقررگردید کلیه اسناد و اوراق بهادار بانکی و تعهد آور و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل (آقای علیرضا طاهر) و رئیس هیئت مدیره و در غیاب رئیس هیئت مدیره با نائب رئیس هیئت مدیره و یایکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیرعامل , رئیس هیئت مدیره با نائب رئیس هیئت مدیره و یا یکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیرعامل ورئیس هیئت مدیره , نائب رئیس و یکی از اعضاء هیئت مدیره و نامه‌های عادی واداری با امضاء مدیرعامل ودر غیاب مدیرعامل با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سوادکوه شمالی (۷۸۴۹۷۷)

****

آگهی تغییرات شرکت تولیدی لوله و اتصالات وحید سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۶۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۲۸۸۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- آقای پرویز مجلل به شماره ملی ۰۰۳۹۱۵۹۳۶۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای سیروس کردپور به شماره ملی ۲۶۹۰۶۷۴۱۴۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. ۲- روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ۳- اعضاء هیئت‌مدیره تاتاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۵ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای علی اصغر کشتکاران به شماره ملی ۲۲۹۷۲۰۷۹۴۸ آقای سیداصغر مرتضوی فر به شماره ملی ۲۲۹۱۵۷۰۷۱۴ آقای علی رضا صحاف امین به شماره ملی ۰۰۵۹۹۱۳۶۱۴ آقای بیوک آقا صحاف امین به شماره ملی ۱۳۷۰۶۵۴۳۹۱ آقای ناهید مهران به شماره ملی ۴۰۷۲۱۱۴۷۳۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مازندران
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری سوادکوه (۷۸۴۹۹۶)

گفتگوی تلفنی رئیس قوه قضائیه با پدر شهید نرجس خانعلی‌زاده

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه در تماس تلفنی با پدر شهید نرجس خانعلی‌زاده (پرستار گیلانی که در جریان درمان بیماران کرونایی جان خودرا ازدست داد) از خداوند برای آن مرحوم، علو درجات و غفران الهی را مسألت کرد.

نرجس خانعلی‌زاده از «مدافعان سلامت» کادر پزشکی پرستاری کشور بود که پس از سه روز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه به دلیل ابتلاء به ویروس کرونا، در بیمارستان میلاد لاهیجان در سن ۲۵سالگی به شهادت رسید.

آزاد راه شهید همت به کرج رسید



سرویس خبر: پروژه اتصال آزاد راه شهید همت به کرج، پس فردا به بهره‌برداری می‌رسد.

محمد باقر نوبخت، معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه در حاشیه بازدید از این پروژه با بیان این که با گشایش این پروژه، مسافران مانند گذشته مشکلات ترافیکی بین تهران و کرج نخواهند داشت، ادامه داد: تاکنون مسافران در محدوده تهران – کرج ساعت‌ها با ترافیک سنگین مواجه می‌شدند، اما با گشایش آزادراه شهید همت این مشکل را نخواهیم داشت؛ ضمن آن که گشایش خط یک آزادراه تهران – شمال به کاهش بار ترافیکی بین تهران و کرج کمک کرد و اکنون افتتاح ادامه آزادراه شهید همت در تکمیل خط یک آزادراه تهران – شمال برای روان‌سازی بیشتر ترافیک انجام می‌شود.

معاون رئیس جمهوری اظهار کرد: قرار بود این پروژه سال آینده افتتاح شود اما با تلاش شبانه‌روزی دست‌اندرکاران و مجریان با وجود بارش‌های زمستانی و مشکلات ناشی از بیماری کرونا، اجرای ادامه آزادراه شهید همت به روزهای پایانی خود رسیده است که پس فردا با اتمام عملیات عمرانی، این آزادراه به بهره‌برداری می‌رسد. نوبخت تأکید کرد: تلاش فرزندان ملت ایران در عرصه سازندگی در این شرایط و برهه حساس، ستودنی است چرا که در شرایطی که جهان و ایران درگیر یک ویروس وحشی و پرگسترش است، کار و تلاش بی‌وقفه ادامه دارد .

وی از پیگیری‌ها و تلاش عزیزاله شهبازی استاندار البرز، مجموعه وزارت راه وشهرسازی به ویژه دست اندرکاران پروژه آزاد راه شهید همت و رسانه‌های جمعی برای تکمیل و اطلاع‌رسانی این پروژه قدردانی کرد.

فرمانده پلیس کشور:

اقلام بهداشتی مکشوفه در فرآیندی صحیح به مردم عرضه شوند

سرویس خبر: فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد: سبزپوشان ناجا به عنوان مدافعان امنیت در کنار مدافعان سلامت هستند.

سردار حسین اشتری در جلسه قرارگاه مقابله با ویروس کرونا در ستاد ناجا با قدردانی از تلاشگران و ایثارگران عرصه سلامت، افزود: جانفشانی جامعه پزشکی، پرستاری و کادر درمانی را در مبارزه و مقابله با ویروس کرونا قدر می‌دانیم و با توکل بر خداوند متعال و همت همگانی در رعایت اصول و نکات بهداشتی، کرونا را شکست خواهیم داد .

وی با بیان این که سبزپوشان ناجا به عنوان مدافعان امنیت در کنار مدافعان سلامت هستند، تأکید کرد: از همه همکاران سختکوش که در این موقعیت در اجرای مأموریت‌ها، شجاعانه و دلسوزانه حضور دارند قدردانی می‌کنم.

فرمانده نیروی انتظامی در ادامه با بیان این که نسبت به سلامت نیروهای پلیس حساس هستیم، گفت: تک تک نیروها و کارکنان ناجا را همچون فرزندان خود می‌دانیم و قطعاً از همه ظرفیت‌های بهداشتی و ایمنی سلامت برای صیانت از سلامت آنها و خانواده‌هایشان بهره می‌گیریم.



وی با اشاره به تنوع و گستردگی مأموریت‌های نیروی انتظامی، ادامه داد: ماهیت مأموریت‌های پلیس به گونه‌ای است که در هیچ شرایطی نمی‌توانیم درباره تأمین نظم و امنیت بی‌تفاوت باشیم یا وظایف قانونی‌مان را دنبال و اجرایی نکنیم؛ در واقع باید بگویم نمی‌توانیم روند خدمات‌دهی به مردم را تعطیل کنیم، اما لازم است در چنین شرایطی با تأمین و تجهیز زیرساخت‌ها، ارائه خدمات غیرحضوری را تسهیل و تسریع کنیم. فرمانده پلیس کشور با بیان این که نیروهای پلیس شجاعانه، ایثارگرانه و جانانه در کنار مدافعان سلامت، در خط مقدم مبارزه با ویروس کرونا هستند، افزود: به منظور مهارکردن و کنترل شیوع این ویروس در جامعه، همه ظرفیت‌هایمان را به میدان می‌آوریم و در پیاده‌سازی این رویکرد، توجه به سلامت کارکنان و صیانت از آن را به عنوان یک اولویت جدی دنبال می‌کنیم.

اشتری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اقدامات مقابله‌ای نیروی انتظامی در حوزه احتکار، تأکید کرد: با محوریت پلیس امنیت اقتصادی، اقدامات خوبی در این حوزه انجام گرفته است به گونه‌ای که در تهران و سایر استان‌ها باشناسایی انبارهای احتکار، محتکران شناسایی و به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.

وی با بیان این که به‌رغم کشف مواد ضدعفونی و بهداشتی توسط نیروی انتظامی از انبارهای احتکار، چرخه توزیع این مواد هم باید اصلاح شود، گفت: سازوکاری باید پیش‌بینی شود که این کشفیات مورد نیاز، طی فرآیندی صحیح در اختیار عموم مردم قرار بگیرند.

فرمانده نیروی انتظامی همچنین با اشاره به تشدید رصد تحرکات شایعه پردازان در فضای مجازی، ادامه داد: برخی افراد با شایعه‌پردازی و دروغ سازی، روحیه مردم را نشانه و هدف گرفته‌اند، اما اطمینان می‌دهم نیروی انتظامی هرگز به فرصت‌طلبان اجازه موج‌سواری و جولان نمی‌دهد.

مجازات قصاص در انتظار عوامل تهیه و توزیع الکل سمی

سرویس حوادث: معاون دادستان اهواز با اشاره به بازداشت ۲۷نفر در ارتباط با تهیه و توزیع مشروبات الکلی تقلبی و الکل سمی گفت: همه عوامل تهیه و توزیع الکل سمی به لحاظ علم و آگاهی آنها از کشنده بودن الکل متانول، تحت عنوان ارتکاب قتل عمد تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

علی بیرانوند افزود: دادستانی اهواز با دستور به همه ضابطان، برای شناسایی و جلب عوامل تهیه و توزیع الکل سمی، با جدیت و سرعت در حال تحقیق از متهمان بازداشت شده است که تاکنون ۲۷نفر در زمینه تهیه و توزیع این الکل‌های سمی بازداشت شده‌اند؛ ضمن اینکه از توزیع حدود ۳۰هزار لیتر الکل سمی به مصرف‌کنندگان هم جلوگیری شده است.

وی تأکید کرد: چند متهم دیگر که نقش اصلی در این موضوع دارند، شناسایی شده و تحت تعقیب هستند که به‌زودی دستگیر خواهند شد.

بیرانوند نسبت به سمی بودن الکل‌های دست‌سازی که در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرند، هشدار داد و افزود: این الکل، سمی و به شدت کشنده است و متأسفانه تاکنون سبب مرگ ۴۷نفر و مراجعه بیش از ۵۰۰نفر به بیمارستان‌های استان شده است.

وی از مردم خوزستان درخواست کرد با نظارت کامل بر رفتار فرزندان خود از مصرف اینگونه الکل‌ها که از نظر شرع و قانون هم حرام و جرم است جلوگیری کنند.

به گزارش ایرنا، معاون دادستان اهواز پیش از این اعلام کرده بود خطر مشروبات الکلی تقلبی سمی هنوز در اهواز رفع نشده و خانواده‌ها باید مراقبت کنند تا فرزندانشان به هیچ وجه از این مشروبات استفاده نکنند.

مرگ ۲نفر در مشکین شهر

جانشین دادستان عمومی و انقلاب مشکین‌شهر گفت: مصرف الکل صنعتی موجب مرگ ۲نفر و مسمومیت شدید هفت نفر دیگر در این شهرستان شد.

علی رضایی افزود: برخی افراد سودجو با استفاده از شرایط فعلی جامعه به عده‌ای افراد ساده‌لوح چنین القا کرده‌اند که در صورت مصرف خوراکی الکل طبی، بدن آنها در مقابل ویروس کرونا مقاوم خواهد شد؛ در حالی‌که این تصور کاملا غلط، غیرعلمی و بسیار خطرناک است. شماری از شهروندان مشکین‌شهر اقدام به مصرف الکل کرده بودند که تاکنون ۲نفر کشته و هفت نفر مسموم شده‌اند و مسموم‌شدگان از وضع مناسبی برخوردار نیستند و تحت دیالیز قرار گرفته‌اند.

رضایی با اشاره به این که در این شرایط که مراکز درمانی شدیداً به کادر درمانی و تخت‌های بستری نیازمندند، ظهور و بروز این پدیده بر مشکلات درمانی شهرستان افزوده است، تأکید کرد: در این شرایط حساس که کشور درگیر بحران کروناست والدین و اعضای خانواده‌ها باید نظارت بیشتری بر رفتار فرزندان داشته باشند و از رفتارهای خطرناک آنها به ویژه نوشیدن الکل ممانعت کنند.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل هم از مسمومیت و مراجعه ۴۰نفر از شهروندان اردبیلی به بیمارستان بر اثر مصرف الکل خبر داد.

دکتر محمدرضا رضایی‌بنا گفت: از این تعداد، سه نفر جان خود را از دست دادند، یک نفر دچار مرگ مغزی شده است و برخی هم در بخش‌های مختلف از جمله دیالیز بستری هستند.

همچنین مدیر شبکه بهداشت و درمان پارس‌آباد مغان از جان باختن یک شهروند این شهرستان بر اثر مصرف الکل صنعتی خبر داد.

دکتر حسین قربانی افزود: یک شهروند دیگر بر اثر مصرف الکل، نابینا و یک نفر دیگر هم به دلیل وخامت حال برای ادامه درمان به اردبیل اعزام شده است.

مرگ ۹ نفر در فارس

رئیس مرکز مدیریت و فوریت‌های پزشکی استان فارس از مرگ ۹نفر بر اثر مصرف الکل و مسمومیت ناشی از آن در این استان خبر داد و گفت: حال ۶نفر از مصرف‌کنندگان وخیم است.

محمد جواد مرادیان افزود: متأسفانه ۱۰۳ نفر در استان فارس به دلیل مصرف الکل طی سه روز اخیر مسموم و به مراکز درمانی منتقل شده‌اند که از این تعداد ۵۶ نفر در شیراز دچار مسمومیت شدند و شش نفر هم در شیراز جان خود را از دست دادند.

وی با بیان این که این افراد توسط اورژانس یا خود معرف به مراکز درمانی استان منتقل شدند، ادامه داد: شایعه و پندار غلط مصرف الکل به طور خوراکی برای جلوگیری از ابتلا به کرونا دلیل این مسمومیت بوده است.

رئیس مرکز مدیریت و فوریت‌های پزشکی استان فارس تأکید کرد: مصرف الکل به طور خوراکی برای پیشگیری از ابتلا به کرونا هیچ تأثیری ندارد.

رئیس سازمان بازرسی: مدیران خط مقدم مقابله با کرونا نگران موانع قانونی نباشند

سرویس خبر:رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: مدیران دستگاه‌های اجرایی خط مقدم مقابله و کنترل شیوع ویروس کرونا نگران برخی موانع قانونی نباشند و در جاهایی که نیاز است، سازمان بازرسی با هماهنگی دیوان محاسبات صورت جلسه می‌کند تا اقدامات متوقف نشود.

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن درویشیان درباره این که چه اشکالی دارد سازمان بازرسی کمبودهای وزارت بهداشت را پیگیری کند، افزود: سازمان بازرسی کل کشور از همان ابتدا و قبل از تشدید شیوع ویروس کرونا، به‌طور جدی پای کار آمد و همه اقداماتی را که درباره مسؤولیت این سازمان برای جبران کمبودها بود، انجام داد.

وی ادامه داد: پس از شیوع کرونا در همه استان‌ها یکی از اولویت‌های اصلی مدیران سازمان بازرسی کل کشور، نظارت بر خدمت‌رسانی دستگاه‌های اجرایی به مردم قرار گرفت و البته هدف از این نظارت، کمک و مساعدت بود.

درویشیان تاکید کرد: حتی اگر در مواردی هم برخی قوانین اجازه نمی‌داد مدیران فعالیت و اقدام لازم را داشته باشند، گفته‌ایم ادارات بازرسی استان در این شرایط حساس و بحرانی حتی‌الامکان به‌نفع دستگاه اجرایی مربوطه نظر بدهند تا کار متوقف نشود و موضوع دنبال شود.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفت: بعد از این که مسأله ویروس کرونا شدت گرفت، مدیران سازمان بازرسی در وزارت بهداشت، ستاد فرماندهی مبارزه با کرونا در استان تهران و سایر استان‌ها به طور شبانه‌روزی حضور یافتند و پیگیری‌های لازم را چه در ارتباط با رفع کمبودهای وزارت بهداشت و چه وزارت صمت برای خرید و واردات تجهیزات لازم مانند ماسک ، دستکش و موادضدعفونی‌کننده انجام دادند.

درویشیان با بیان این که سازمان بازرسی برای رفع کمبودهای دستگاه‌های اجرایی به‌منظور مقابله با ویروس کرونا از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند، تأکید کرد: حتی در جاهایی که وجوهی باید در محل مشخص خود هزینه شود اما فعلاً ضرورت هزینه‌کرد آن برای خرید تجهیزات وجود دارد، هم سازمان بازرسی و هم دیوان محاسبات پیگیری و صورت‌جلسه می‌کنند تا آن وجوه صرف خرید تجهیزات مرتبط با کرونا شوند. لذا هر مانع قانونی که در مسیر دستگاه‌های اجرایی برای مقابله و کنترل شیوع ویروس کرونا وجود داشته باشد اعم از مشکلات موجود در گمرکات یا بانک مرکزی برای تخصیص ارز، به‌طور حتم سازمان بازرسی پیگیری می‌کند تا رفع شود.

رئیس عقیدتی سیاسی ناجا خراسان رضوی درگذشت



سرویس خبر: حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا تقوی مقدم، رئیس عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی خراسان رضوی بر اثر ابتلا به ویروس کرونا درگذشت.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر سید علی‌رضا ادیانی، نماینده ولی فقیه در ناجا در پیامی درگذشت رئیس عقیدتی سیاسی فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی را تسلیت گفت.

در بخشی از پیام رئیس سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی آمده است: خبر وداع دوست صمیمی و همکار صادق ، روحانی فاضل و پارسا جناب حجت‌الاسلام محمدرضا تقوی مقدم اندوه سنگینی را بر دلمان نشاند و جمع دوستان و همکاران را در غم از دست دادنش عزادار کرد.

اینجانب این ضایعه دردناک را به دوستان و همکاران ایشان، روحانیت معزز مشهد به ویژه نماینده رهبر معظم انقلاب در استان و تولیت آستان قدس رضوی و خاصه همسر و فرزندان محترم ایشان تسلیت عرض می کنم.

همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین سید ضیاءالدین آقاجان پور رئیس سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع به همین مناسبت پیام تسلیتی صادر کرد

متن پیام به این شرح است:

امروز خبری را دریافت کردم که حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا تقوی مقدم رئیس عقیدتی سیاسی فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی دار فانی را وداع گفت؛ روحانی فاضل و با اخلاصی که در سالیان متمادی حضورش در نیروهای مسلح منشاء خدمات ارزشمندی بود. این جانب مصیبت فقدان این روحانی خدوم را به خانواده آن مرحوم، تمامی دوستان و آشنایان و همکاران بویژه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سید علیرضا ادیانی، رئیس محترم سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی تسلیت می‌گویم. روحش شاد و یادش گرامی باد.

تهران ـ سید ضیاءالدین آقاجان‌پور

انفجار مواد محترقه، قربانی گرفت

سرویس حوادث: انفجار مواد‌محترقه در شهرهای کرمانشاه، تهران و الیگودرز به مرگ یک نفر و زخمی شدن ۶ کودک و نوجوان منجر شد .

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه گفت: یک کودک پنج‌ساله و یک نوجوان ۱۲ساله هنگام استفاده از مواد محترقه غیرمجاز و خطرناک، مجروح شدند.

سرهنگ محمدرضا آمویی با بیان این که انفجار ناشی از مواد محترقه در شهرک بسیج در رسالت به پلیس گزارش شد، افزود: مأموران با دریافت این گزارش به سرعت در محل حاضر و در تحقیقات خود دریافتند که این دو نفر مشغول بازی با مواد محترقه غیرمجاز بوده‌اند که ناگهان انفجار رخ داده است و بر اثر این انفجار کودک پنج‌ساله به طور سطحی و نوجوان ۱۲ساله هم از ناحیه ۲دست و یک پا آسیب دیده‌اند.

مرگ یک نفر در الیگودرز

مدیرعامل آتش‌نشانی الیگودرز از مرگ یک پسر ۱۶ساله و قطع دست یک نوجوان دیگر بر اثر انفجار مواد محترقه در این شهر خبر داد.

رسول بهمنی افزود: این افراد که هر دو ۱۶ساله بودند، از ناحیه دست و صورت به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شدند که یک نفر از آنها جان باخت و مجروح دیگر این حادثه دستش قطع شد.

وی با بیان این که امسال بیمارستان‌ها شرایط خاصی به دلیل مواجهه با ویروس کرونا دارند، ادامه داد: آنچه مطلوب جامعه است، خود مراقبتی افراد در چهارشنبه آخر سال است.

همچنین در حادثه دیگری، انفجار مواد محترقه در یک خانه مسکونی در جنوب تهران به مصدومیت ۳نوجوان منجر شد.

ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این باره گفت: عصر پریروز وقوع این حادثه در محله امین‌آباد، خیابان عرب‌خواری به سامانه ۱۲۵اعلام شد و بلافاصله مأموران آتش‌نشانی به محل اعزام شدند .

وی افزود: در بررسی‌ها مشخص شد این انفجار زمانی رخ داده است که سه نوجوان مشغول ساخت مواد محترقه در زیرزمین یک خانه مسکونی بوده‌اند که بر اثر آن یک نفر از ناحیه دست دچار خونریزی شد و ۲مصدوم دیگر هم از ناحیه دست و صورت دچار سوختگی شدند.

هشدار پلیس

رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرائم سایبری پلیس فتا با اعلام برخورد قانونی با انتشاردهندگان فراخوان برگزاری مراسم چهارشنبه‌سوری در فضای مجازی، از شهروندان خواست به هیچ عنوان برای برگزاری این مراسم به این فراخوان‌ها توجهی نکنند

سرهنگ دوم علی محمد رجبی نسبت به تجمع شهروندان برای برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در اماکن عمومی با توجه به انتشار ویروس کوئید ۱۹هشدار داد و گفت: فریب سایت‌های ساخت مواد محترقه را نخورید. وی تاکید کرد: انتشار دهندگان تجمعات و گردهمایی برای برگزاری این مراسم که در کانال‌ها و گروه‌های شبکه‌های اجتماعی فعال هستند باید به این موضوع توجه کنند که این امر با توجه به شرایط موجود فقط سبب بیماری برای شهروندان و دست اندرکاران درمان می شود.

رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرائم سایبری پلیس فتا افزود: در شرایط موجود قطعاً همکاری شهروندان، ماندن در خانه برای مصون ماندن از خطر بیماری و انتشار آن است که همه مسئولان بهداشتی هم بر این موضوع تاکید می‌کنند.

رجبی با توصیه به والدین گفت: برخی افراد سودجو و کج اندیش با آموزش ساخت مواد محترقه و منفجره در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی جان کودکان و نوجوانان را به خطر می‌اندازند به گونه‌ای که در سال‌های گذشته شاهد بروز حوادثی در ارتباط با ساخت و تولید مواد محترقه بودیم که حتی تلفات جانی داشت.

وی تاکید کرد: خانواده‌ها باید نظارت جدی بر فعالیت فرزندان خود در فضای مجازی داشته باشند و مراقب باشند آنها فریب این کانال‌ها و سایت‌های آموزش ساخت مواد محترقه و منفجره را نخورند و جان خود و دیگران را به خطر نیندازند.

اخبار کوتاه

جانباز ۷۰درصد ارتشی در تبریز تشییع شد

سرویس خبر: سردار صالحی جانباز ۷۰درصد ارتش پس از تشییع در گلزار شهدای وادی رحمت تبریز به خاک سپرده شد.

صالحی پس از تحمل سال ها درد و رنج جانبازی به جمع همرزمان شهیدش پیوست و مراسم تشییع و تدفین این شهید با حضور همسنگران و مسؤولان لشکری و کشوری و مردم تبریز برگزار شد.

شهید صالحی متولد ۱۳۲۳بود و در سال ۱۳۶۵در منطقه کردستان به عنوان کادر وظیفه ارتش به درجه جانبازی نایل شد.

کاهش چشمگیر تردد در جاده‌های کشور

سرویس خبر: رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور ناجا درباره تردد در جاده‌های کشور گفت: برابر گزارش‌ها تردد در تمامی راه‌های کشور کاهش چشمگیری داشته است.

سرهنگ نادر رحمانی درباره وضع جوی و ترافیکی جاده‌های کشور افزود: برابر گزارش‌های دریافتی از مراکز کنترل ترافیک سراسر کشور تردد در بیشتر محورهای مواصلاتی کشور به شکل آرام و بدون گره ترافیکی در حال انجام است.

به گفته وی وضع جوی اکثر محور ها هم مساعد گزارش شده است.

مهار آتش‌سوزی در ارتفاعات کلاردشت

سرویس حوادث: آتش‌سوزی در ارتفاعات شهرستان کلاردشت مهار شد.

عبدالرضا سنگار، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران منطقه نوشهر با اعلام این خبر گفت: آتش سوزی بخشی از جنگل‌های منطقه «گردوک» در ارتفاعات شهرستان کلاردشت در غرب مازندران که از عصرپنج‌شنبه آغاز شده بود با اعزام نیروهای امدادی به منطقه کاملا مهار شد.

وی ادامه داد: این آتش‌سوزی که در ارتفاعات و منطقه صعب‌العبور جنگل‌های کلاردشت رخ داد، سبب کندی حرکت نیروها شد و همچنین اطفای حریق را با مشکل مواجه کرد.

۱۲۴هزار لیتر الکل احتکار شده در جنوب تهران کشف شد

سرویس حوادث: دادستان عمومی و انقلاب شهرستان ری از کشف ۱۲۴ هزار لیتر الکل طبی و مواد ضدعفونی احتکار شده در جنوب تهران با همکاری وزارت اطلاعات خبر داد.

غلامرضا نوفرستی درباره این اقلام که در دو انبار مجاور یکدیگر در منطقه شورآباد شهرستان ری در گشت مشترک تعزیرات و اداره کل اطلاعات جنوب تهران کشف شدند، توضیح داد: در این انبارها ۱۲۰۰گالن ۳۰لیتری آب اکسیژنه، ۲۵۰بشکه ۲۲۰لیتری الکل طبی ۸۰درصد و بیش از ۱۵۰بشکه ۲۲۰لیتری الکل طبی ۹۹درصد که نیاز ضروری جامعه پزشکی و کارخانه‌های تولید مواد ضدعفونی کننده و بهداشتی است، کشف و ضبط شد که در این باره سه نفر دستگیر و برای طی مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

وی افزود: این افراد در صدد بودند تا این اقلام را با توجه به شرایط پیش آمده در کشور احتکار و با چندین برابر قیمت به بازار عرضه کنند.

نوفرستی به افراد سودجو و فرصت‌طلب هشدار داد تا از فرصت باقیمانده استفاده کنند و پیش از آن که در چنگال عدالت گرفتار شوند، آمار موجودی انبارهای خود را به مراکز رسمی وزارت صنعت، معدن، تجارت و وزارت بهداشت اعلام کنند.

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان ری گفت: افرادی که به این هشدارها توجه نکنند، به عنوان مفسد فی‌الارض و کسانی که نظم اقتصادی و بهداشتی جامعه را بر هم می‌زنند به اشد مجازات محکوم خواهند شد.

کشف ۲۳کیلوگرم مواد مخدرطی ۶ماه در مترو تهران

سرویس حوادث: رئیس پلیس پیشگیری تهران گفت: بیش از ۲۳ کیلوگرم انواع مواد مخدر در شش‌ماهه دوم امسال در ایستگاه‌های مترو پایتخت کشف شده‌اند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس تهران، سرهنگ سعید عطاالهی افزود: از مهرماه تاکنون مقدار ۲۳کیلو و ۴۴۲گرم انواع مواد مخدر توسط مأموران پلیس در ایستگاه‌های مترو پایتخت از خرده‌فروشان کشف شده‌اند.

وی همچنین از دستگیری ۱۵۱جیب‌بر و کشف بیش از ۸۰۰تلفن همراه مسروقه در ایستگاه‌های مترو پایتخت در مدت یاد شده خبر داد و گفت: سارقان در ساعات پیک حضور مسافران در ایستگاه‌های مترو حضور می‌یافتند و با توجه به شلوغی محیط، برای سرقت تلفن همراه، وجوه نقد و جیب‌بری از شهروندان اقدام می‌کردند.

وی افزود: متهمان با استفاده از شیوه‌های خاص سرقت از قبیل حواس‌پرانی و هل‌دادن مسافران اقدام به سرقت از آنان می‌کردند که تمامی این سارقان توسط عوامل گشت محسوس و نامحسوس پیاده در ایستگاه‌های مترو دستگیر شدند .

انهدام کارگاه تولید مواد مخدر صنعتی در البرز

سرویس حوادث: کارگاه تولید مواد مخدر صنعتی در کرج با همکاری سربازان گمنام امام زمان (عج) در سپاه امام حسن مجتبی (ع) و نیروی انتظامی استان البرزکشف و متلاشی شد.

به گزارش روابط عمومی سپاه استان البرز، این کارگاه تولید مواد مخدر صنعتی در منطقه گلدشت کرج فعالیت داشت و هشت تن پیش‌سازه مواد مخدر صنعتی در آن به دست آمد.

این مکان با حکم دستگاه قضایی بسته و یک نفر در این باره دستگیر شد و در اختیار مراجع قضایی قرار گرفت.

اطلاعات سپاه استان البرز در چند روز اخیر تعداد زیادی کارگاه و محموله احتکاری و قاچاق لوازم و مواد بهداشتی کشف و ضبط کرده است.

دستگیری عاملان قتل مسلحانه مرد طلافروش در دزفول

سرویس حوادث: عاملان سرقت مسلحانه از یک طلافروشی در دزفول دستگیر شدند.

دوشنبه گذشته یک مورد سرقت مسلحانه از یک طلافروشی حوالی میدان ساعت خیابان امام خمینی(ره) دزفول رخ داد که منجر به قتل طلافروش جوان شد.

حیدر عباس‌زاده، فرمانده انتظامی استان خوزستان درباره نحوه دستگیری سارق مسلح و همدستش گفت: کارآگاهان با یک کار فنی و پیچیده اطلاعاتی توانستند سارقان را شناسایی و دستگیر کنند.

کشف دستگاه ماموگرافی به سرقت رفته از بیمارستان نیکشهر

سرویس حوادث: دادستان عمومی و انقلاب نیکشهر در جنوب سیستان و بلوچستان گفت: دستگاه ماموگرافی به سرقت رفته از بیمارستان محمد رسول الله(ص) این شهرستان با تلاش‌های دادستانی، اداره اطلاعات و مراجع قضایی کشف شد. روح الله مرادی با بیان این که در این باره دونفر دستگیر و برای ادامه تحقیقات تحویل مراجع قضایی شدند، افزود: ارزش دستگاه ماموگرافی که از کشور ژاپن تهیه شده، بیش‌از یک میلیارد تومان است.

دادستان عمومی و انقلاب نیکشهر گفت: دستگاه کشف شده برای ارائه خدمات تحویل رئیس بیمارستان محمد رسول الله (ص)شده است و تحقیقات تکمیلی در این باره ادامه دارد.

بازداشت کلاهبردار ۱۰ میلیارد ریالی

سرویس حوادث: معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران از دستگیری کلاهبردار حرفه‌ای که با وعده ازدواج، اعتماد مالباختگان را جلب و مبلغ ۱۰ میلیارد ریال از آنان کلاهبرداری کرده بود، خبر داد.

سرهنگ جهانگیر تقی‌پور گفت: ۲۶ شهریور امسال ۲ فقره پرونده از سوی شعبه ۵ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۳ تهران (ویژه نیابت) با موضوع کلاهبرداری گسترده در شهرستان‌های اندیمشک و اصفهان توسط فردی به نام سامان ۴۰ ساله با درخواست جلب و دستگیری متهم به اداره چهاردهم پلیس آگاهی ارجاع شد. وی توضیح داد: در بررسی پرونده‌ها مشخص شد سامان با وعده ازدواج و اعلام سرمایه‌گذاری در بورس و پرداخت سود ماهانه، اعتماد مالباختگان را به خود جلب و از شاکیان بیش از مبلغ ۱۰ میلیارد ریال دریافت کرده ولی پس از مدتی تلفن‌های آنها را پاسخ نداده و با تغییر محل زندگی از محل سکونتش متواری و در شهر تهران مخفی شده است.

تقی‌پور افزود: در پایش‌های اطلاعاتی مشخص شد که متهم سابقه‌دار و پیش‌تر با عناوین مجرمانه تحصیل مال نامشروع وکلاهبرداری دستگیر شده است و اکنون هم واحد آپارتمانی لوکسی را در محدوده نیاوران برای اجرای نقشه شوم کلاهبرداری از دختران جوان اجاره کرده است که در نهایت با هماهنگی‌های قضایی، کارآگاهان متهم را در یک عملیات پلیسی دستگیر کردند .

معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران تأکید کرد: با توجه به دستگیری زودهنگام سامان، اجرای نقشه کلاهبرداری وی در شهر تهران عملی نشد و متهم پس از دستگیری و اعتراف به جرایم ارتکابی به مرجع قضایی معرفی و با صدور قرار قانونی به اندیمشک منتقل شد.

سانحه ریلی در مصر تکرار شد



مصر: تصادف دو قطار مسافربری با یکدیگر در مصر ۱۳زخمی به جا گذاشت.

این حادثه زمانی اتفاق افتاد که دو قطار از ایستگاه‌های «امبابه» و «رامسیس» به سمت جنوب مصر در حال حرکت بودند. در پی این حادثه سازمان راه‌آهن مصر اعلام کرد که با توجه به شرایط نامساعد جوی و برای حفظ جان مسافران، همه سفرهای ریلی تا اطلاع ثانوی به حالت تعلیق درآمده‌اند.

علت وقوع حادثه و برخورد دو قطار به یکدیگر تاکنون اعلام نشده است.

دستگیری مسافربرهای زورگیر در میدان آزادی

سرویس حوادث: رئیس کلانتری ۱۳۵ آزادی از دستگیری ۳ سارق خبر داد که در قالب مسافربر از مسافران زورگیری می‌کردند .

سرهنگ فرهاد حیدری گفت: چندی پیش دو مرد جوان به کلانتری ۱۳۵ آزادی مراجعه و درباره سرقت اموالشان توسط راننده مسافربر با همکاری دو همدستش اعلام شکایت کردند.

وی با بیان این که مالباختگان اعلام کردند از مبداء میدان آزادی به مقصد شهر قدس سوار بر تیبای سفید رنگ شده‌اند، ادامه داد: شاکیان توانسته بودند بخشی از شماره پلاک خودرو و مشخصات ظاهری متهمان را به خاطر بسپارند و به این ترتیب سرنخ‌های اولیه در اختیار افسران عملیات کلانتری آزادی قرار گرفت.

حیدری افزود: با احتمال سرقت مجدد از سوی زورگیران، سه تیم نامحسوس از عوامل عملیات کلانتری در ورودی و خروجی‌های میدان آزادی مستقر شدند و پس از مراقبت و کنترل تردد خودروهای عبوری، خودروی تیبا سفیدرنگ را با همان مشخصات اعلامی مشاهده کردند.

رئیس کلانتری ۱۳۵ آزادی گفت: تیم عملیات کلانتری موفق شد در یک عملیات پلیسی، راننده و دو سرنشین خودروی تیبا را دستگیر و خودروشان را توقیف کند.

وی با بیان این که متهمان پس از انتقال به کلانتری اظهار کردند حدود دو سال است که از مسافران به همین شیوه سرقت می‌کنند، ادامه داد: تاکنون ۱۲ شاکی شناسایی شده‌اند.

تعقیب سارق شاسی سوار از پاسداران تا حکیمیه

سرویس حوادث: رئیس کلانتری ۱۴۶ حکیمیه از دستگیری سارقی که با خودرو شاسی بلند، لوازم داخل خودروها را سرقت می‌کرد، خبر داد و گفت: تعقیب دزد توسط شاکی ازخیابان پاسداران تا حکیمیه سبب دستگیری این سارق شد.

سرهنگ مجید سلیمانی مقدم توضیح داد: ۱۴ اسفند ماه خبر پنهان شدن سارق لوازم خودرو داخل ساختمانی در محدوده کلانتری حکیمیه از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ دریافت شد که بلافاصله تیمی از مأموران برای بررسی موضوع به نشانی اعلامی مراجعه و با فردی روبه رو شدند که مدعی بود سارق با کیف و اموال با ارزش وی، وارد ساختمان شده است.

وی افزود: در تحقیقات مشخص شد شاکی پرونده، خودرو ۲۰۶ خود را در خیابان پارک و هنگام مراجعه به آن مشاهده می‌کند راننده یک دستگاه خودرو جک شاسی بلند، کیف دستی و اموال با ارزش وی را از داخل خودرو ۲۰۶ سرقت کرده و در حال فرار است.

سلیمانی مقدم ادامه داد: مالباخته با مشاهده این صحنه در یک اقدام پر خطر، سارق را تعقیب کرد و پس از تعقیب و گریز جنون آمیز که از خیابان «پاسداران» تا «حکیمیه» به طول انجامید، سارق شاسی بلند، وارد پارکینگ ساختمان مسکونی شده و پس از بستن در پارکینگ، خودرو خود را پشت آن متوقف و مانع از باز شدن در پارکینگ می‌شود و مالباخته که راهی برای ورود به ساختمان پیدا نمی‌کند، با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس می‌گیرد.

رئیس کلانتری ۱۴۶ حکیمیه با بیان این که طبق اظهارات شاکی، در این تعقیب و گریز به ۳ دستگاه خودرو عبوری آسیب رسیده است، افزود: این سارق پس از دستگیری، دربازجویی‌ها اعتراف کرد که نیاز مالی برای سرقت ندارد ولی درپی مصرف ماده مخدر شیشه دست به سرقت زده است و در بررسی سوابق متهم مشخص شد وی سابقه‌دار است و پیش‌تر هم به جرم سرقت لوازم خودرو در سال‌های ۹۰ و ۹۶ دستگیر شده است.

رئیس کلانتری حکیمیه با بیان این که متهم در تحقیقات پلیسی به ۲۰ فقره سرقت اعتراف کرده است، ادامه داد: با تکمیل پرونده و شناسایی زیان‌دیدگانی که در طول مسیر، خودرو آنها آسیب دیده بود، متهم برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شد.

اسکن اثر انگشت سردفتر در تأیید نهایی اسناد، حذف شد

سرویس خبر: نایب رئیس کانون سردفتران و دفتریاران از حذف اسکن اثر انگشت سردفتر در تأیید نهایی اسناد خبر داد.

محمد عظیمیان گفت: متعاقب پیگیری‌های مکرر هیأت مدیره کانون سردفتران و دفتریاران تهران، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موافقت کرد اسکن اثر انگشت سردفتر در تأیید نهایی اسناد حذف شود و به حالت تعلیق درآید.

وی افزود: علاوه بر این ، موضوع حذف اثر انگشت متعاملان هم در حال بررسی است که در صورت تأیید، اطلاع‌رسانی خواهد شد.

زلزله ۴/۷ریشتری دهلران را لرزاند

سرویس حوادث: زمین لرزه‌ای به بزرگی ۴/۷ ریشتر شهرستان دهلران در استان ایلام لرزاند.

به گزارش مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران این زمین لرزه ساعت ۱۰و ۳۲دقیقه و ۵ثانیه صبح دیروز در عمق ۱۳کیلومتری زمین، دهلران را لرزاند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام‌ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

گیم نت و شهربازی‌ها را تعطیل کنند

برخی از نوجوانان و به ویژه پسران برای سرگرم شدن و فرار از کسالت روزهای تعطیل به گیم‌نت‌ها پناه می‌برند، حال آن که این مراکز منبع انتشار ویروس و انواع بیماری‌ها است، از مأموران وزارت بهداشت و درمان و نیروی انتظامی تقاضا می‌شود نسبت به تعطیلی این گونه مراکز و نیز بسته شدن شهرهای بازی در سطح شهرهای آلوده تا پایان شکست ویروس کرونا اقدام کنند، زیرا بسیاری از نوجوانان و کودکان برای رفتن به این مراکز اصرار می‌ورزند و عمق فاجعه و مشکلات ابتلا به ویروس کرونا را درک نمی‌کنند.

تلفن به خط ارتباطی

تذکری درباره دفن جان‌باختگان ویروس کرونا

خاکسپاری فوت شدگان براثر بیماری کرونا در کنار دیگر اموات و غسل دادن آنها مانند اموات عادی، در شرایطی که سرعت انتقال و ماندگاری این ویروس در طبیعت زیاد است، آیا از نظر پزشکی و مسؤولان سازمان بهشت‌زهرا(س) تأیید می‌شود؟ از وزارت بهداشت و درمان تقاضا می‌شود برای پیشگیری از شیوع دوباره ویروس کرونا در سال‌های آینده، در مورد مراسم دفن فوت‌شدگان آلوده به این ویروس طبق نظر مراجع محترم تقلید اقدام کنند. به نظر من اگر آب آلوده به ویروس کرونا به زمین‌های کشاورزی اطراف بهشت‌زهرا نفوذ کند، فاجعه بزرگی برای نسل‌های آینده به وجود می‌آید.

شهروندی از باقرآباد تهران

کارت بلیت‌های وسایل نقلیه عمومی منبع انتقال ویروس است

با توجه به سرعت بالای انتقال ویروس کرونا استفاده از کارت بلیت اتوبوس‌های شرکت واحد و مترو غیربهداشتی است و از مسئولان مترو و شرکت واحد اتوبوسرانی تقاضا می‌شود برای حذف استفاده از کارت بلیت‌ها تدابیری بیندیشند که به نظر می‌رسد بهترین کار، رایگان کردن استفاده از وسایل نقلیه عمومی به مدت یک ماه است. مشکل دیگر شرکت مترو ثبت کارت خروج از ایستگاه‌ها توسط مسافران است، در صورتی که هیچیک از متروهای شهرهای جهان، مسافران علاوه بر ورود به ایستگاه‌ها، هنگام خروج از آنها هم کارت بلیت خود را ثبت نمی‌کنند، که جا دارد در ایستگاه‌های مترو تهران هم به همین منوال عمل شود و در نتیجه خروجی ایستگاه‌ها بر روی مسافران باز باشد تا از ازدحام مسافران خروجی هم پیشگیری شود.

مسافر مترو

دریافت عوارض نوسازی را به تعویق اندازند

با توجه به شیوع ویروس کرونا و پیامدهای آن به شهرداری تهران پیشنهاد می‌شود مهلت پرداخت عوارض نوسازی و پسماند را به مدت ۲ ماه به تعویق اندازند تا شهروندان در شرایط بهتری بتوانند آن را بپردازند.

شهروند تهرانی

۶ قاشق الکل طبی را ۷ هزار تومان می‌فروشند!

در شرایطی که پزشکان برای پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا ضدعفونی کردن سطوح محل کار و زندگی با الکل طبی را توصیه می‌کنند، یک شیشه کوچک آن معادل حدود ۶ قاشق غذاخوری الکل را در شهریار کرج ۷ هزار تومان و شیشه بزرگ تر آن را ۱۵ هزار تومان می‌فروشند و این در شرایطی است که من با ۱۱ سال سابقه پرداخت حق بیمه فقط ۵۸۰ هزار تومان در ماه مستمری می‌گیرم!

تلفن به خط ارتباطی ـ شهریار کرج

مجازات‌های سنگین برای محتکران ماسک و مواد ضدعفونی

با تشکر از قوه قضائیه در مورد شناسایی و مجازات محتکران ماسک و مواد ضدعفونی در شرایط حساس فعلی، امیدوارم این مجازات‌ها سنگین و به قدرکافی جنبه بازدارندگی داشته باشد، زیرا به نظر من جریمه‌های سبک مالی و حبس‌های کوتاه مدت در این باره جواب نمی دهد و از تکرار جرایم مشابه به خوبی پیشگیری نمی‌کند.

هموطن

لزوم ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دانش آموزان

سال‌ها سیاست و برنامه‌های وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور، آموزش جوانان دانش آموز و دانشجو به صورت تئوری بوده که با انتقاداتی به آن، مدارس فنی و حرفه‌ای وارد چرخه آموزش و پرورش شدند. اما مدیریت ضعیف و کمبود بودجه برای آموزش دانش آموزان در این مدارس، کارایی و تحقق اهداف آموزشی را به دنبال نداشته و از این رو بهتر است نسل آینده کشور را از همان ابتدا با آموزش‌های فنی، تجربی و آزمایشگاهی،متعهد و مسئولیت پذیر پرورش دهیم تا شاهد پیشرفت و ترقی بیشتر جوانان و نظام آموزشی کشورمان باشیم.

دبیر آموزش و پرورش

افزایش حقوق بازنشستگان کشوری پلکانی باشد

علیرغم درخواست بازنشستگان و حتی شاغلین در مورد ضرورت افزایش پلکانی حقوق‌ها، دولت و مسؤولان ذیربط تاکنون به این موضوع توجهی نکرده‌اند. با توجه به این‌که افزایش یکسان ۱۵ درصدی مستمری بازنشستگان باعث اجحاف در حق کسانی می‌شود که مستمری‌های اندکی دارند، تغییر چندانی در حقوق‌هایشان به وجود نمی‌آید. از سازمان برنامه و بودجه می خواهیم که سال آینده به تقاضای افزایش پلکانی مستمری بازنشستگان کشوری ترتیب اثر بدهند، تا کسانی که حقوق کمتری دارند، از افزایش حقوق بیشتری بهره‌مند شوند.

بازنشسته کشوری

تشکر از نویسنده یادداشت «کرونای کرونا»

از آقای محمد مطهری به دلیل نگارش مقاله خواندنی و پرمحتوای «کرونای کرونا»، روزنامه اطلاعات سیزدهم اسفندماه سپاسگزارم و امیدوارم خداوند توفیق خدمت بیشتر به ملت و کشور را به ایشان عطا کند.

خواننده روزنامه اطلاعات

کرایه‌ها بیشتر از ۱۵ درصد افزایش نیابد

به نوشته روزنامه‌ها گویا قرار است کرایه تاکسی‌ها و اتوبوس‌های شرکت واحد سال آینده ۲۵ درصد افزایش یابد. مگر حقوق کارمندان قرار است تا این اندازه افزایش پیدا کند که مسؤولان چنین تصمیمی گرفته‌اند؟ برای کارمندان و بازنشستگان ۱۵ درصد افزایش حقوق در نظر گرفته شده است و اعضای شورای شهر تهران هم باید فقط با این میزان افزایش کرایه‌ها موافقت کنند.

مسافر شرکت واحد

حقوق فرهنگیان مشاغل و بازنشسته به یک اندازه اضافه شود

حال که گفته می‌شود حقوق فرهنگیان شاغل سال آینده یک تا ۲ میلیون تومان افزایش پیدا می کند، فرهنگیان بازنشسته هم که حتی بیشتر از شاغلان در زندگی هزینه می‌کنند ،باید به همان اندازه مشمول افزایش مستمری‌هایشان‌شوند.

فرهنگی بازنشسته ـ اردبیل

شخصیت فرهنگی مرحوم خسروشاهی به بهترین شکل معرفی شده بود

در صفحه نظرها و اندیشه‌های روزنامه اطلاعات دوازدهم اسفندماه مقاله ارزشمندی از آقای انصاری درباره مرحوم حجت‌الاسلام آقای سید هادی خسرو شاهی تحت عنوان «فرهنگیان کوشا» چاپ شده بود، که خدمات علمی و فرهنگی استاد خسروشاهی را به بهترین شکل بیان کرده بود. از این که آقای انصاری به این خوبی و جامعی این شخصیت ممتاز علمی و فرهنگی و پیشگام در گفتگوی ادیان و مذاهب اسلامی را به مردم معرفی کرده است، سپاسگزارم.

خواننده روزنامه اطلاعات

زباله سوزی در کهریزک هوای تهران را آلوده‌تر می کند

دوستی که در خیابان آصف شمیران و پای کوه‌های تجریش خانه دارد، می‌گفت که از ارتفاعات آن محل بیشتر روزها شاهد چتر و چادر سیاه آلودگی هوا بر روی شهر تهران است، در چنین شرایطی مسؤولان شهرداری و محیط‌زیست چرا اجازه می‌دهند عده‌ای در منطقه کهریزک زباله‌ها را بسوزانند و هوای کلانشهر تهران را آلوده‌تر کنند؟

خانم پیکر

یارانه این افراد به مددجویان اختصاص یابد

به دولت پیشنهاد می کنم به کسانی که بیشتر از ۳ میلیون تومان در ماه درآمد خالص دارند، یارانه نقدی نپردازند و صرفه‌جویی حاصل از آن را به مددجویان کمیته امداد و بهزیستی و دیگر محرومان جامعه اختصاص دهند.

سیدرضا همراه ـ تنکابن

کبوترها در فضای داخلی فروشگاه اتکا چه می کنند؟

یکی از قسمت‌های فروشگاه اتکا واقع در خیابان کارگر شمالی، خیابان بیستم به محل پخت شیرینی، باگت، پیراشکی و نان‌های فانتزی اختصاص دارد و عجیب این جا است که در فضای این سالن همواره تعدادی پرنده در حال پروازند که محیط را آلوده می‌کنند، وقتی هم به مسؤولان سالن در این باره تذکر می‌دهیم، پاسخ می‌دهند اشکالی ندارد، این‌ها فقط تعدادی کبوتر بی‌خطر هستند، که انگار باید عقاب یا خفاش باشند تا مردم از آنها بترسند و محیط پخت نان و شیرینی را آلوده کنند!

خانم مشتری فروشگاه اتکا شعبه انرژی اتمی

اخبار کوتاه داخلی

کیخا به فینال جام جهانی ژیمناستیک راه یافت

ملی پوش ژیمناستیک ایران موفق شد به فینال خرک حلقه جام جهانی ژیمناستیک به میزبانی باکو راه پیدا کند.

به گزارش خبرنگار مهر، در ادامه رقابتهای جام جهانی ژیمناستیک که به میزبانی باکو آذربایجان در حال پیگیری است سعید رضا کیخا با کسب نمره ۱۴.۵۰۰ در دوره مقدماتی و کسب جایگاه سوم در این بخش به فینال وسیله خرک حلقه رفت.نمایندگانی از چین و ژاپن در رتبه‌های اول و دوم این وسیله قرار گرفتند. فینال مسابقات در این وسیله فردا برگزار خواهد شد. رقابتهای جام جهانی ژیمناستیک یکی از چند مسابقه‌ای است که کسب امتیاز در آن در به دست آوردن سهمیه المپیک تاثیرگذار است.

گفتنی است که مهدی احمد کهنی دیگر ملی پوش کشورمان در مرحله مقدماتی دارحلقه با نمره ۱۳.۴۶۶ در جایگاه چهاردهم قرار گرفت و نتوانست به فینال این رقابت‌ها راه پیدا کند.

۲ مدال از دوچرخه سواری ایران گرفته شد

اعتراض رکابزن باسابقه ایران به محرومیت چهارساله خود از سوی کمیته استیناف پذیرفته نشد و او جریمه نقدی هم شده است.

به گزارش ایسنا، اتحادیه جهانی دوچرخه سواری مهدی سهرابی رکابزن باسابقه ایران را به دلیل استفاده از روش یا ماده ممنوعه به مدت چهار سال از حضور در میادین محروم کرد. محرومیت سهرابی از سال ۲۰۱۹ آغاز شده و دوم جولای ۲۰۲۳ (۱۱ تیر ۱۴۰۲) به پایان می رسد. البته این رکابزن جریمه نقدی هم شده است و باید ۲۵۰۰ فرانک سوئیس برای بررسی نتایج پرداخت کند و مبلغ ۸۶۰ یورو بابت هزینه های آزمایشگاهی و بررسی نمونه های خون بپردازد.سهرابی در قهرمانی جاده آسیا مدال برنز استقامت و در پیست آسیا مدال نقره مدیسون گرفته بود که اکنون در نتایج مسابقات نام سهرابی حذف و این دو مدال هم از ایران گرفته شده است.

مشکل تهیه بلیت وزنه‌برداران برای مسابقات کلمبیا

دبیر فدراسیون وزنه‌برداری گفت: تمام مراحل روادید و اعزام وزنه‌برداران به مسابقات کلمبیا انجام شده اما بلیتی برای اعزام وجود ندارد.

محسن بیرانوند دیروز در گفت وگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: دعوت‌نامه از کلمبیا برای وزنه‌برداران ایران صادر شده و قرار بود علی هاشمی و کیانوش رستمی به مسابقات گزینشی المپیک ۲۰۲۰ این کشور بروند اما پرواز مستقیم به کلمبیا نداریم و باید از طریق قطر، امارات یا ترکیه برویم در حالی که بلیتی برای اعزام تهیه نشده چون به خاطر شیوع ویروس کرونا پرواز ها به طور محدود انجام می‌شود. برای اعزام این ۲ وزنه‌بردار از کمیته ملی المپیک کمک گرفتیم.وی در پایان گفت: پنج روز تا مسابقات کلمبیا زمان باقی است و امیدوارم بتوانیم برای وزنه برداران اعزامی بلیت تهیه کنیم. کار سختی است اما ما امیدواریم.

قاسمی: بهترین راه پیشگیری از کرونا خانه نشینی است

دارنده مدال طلای المپیک لندن در رشته کشتی آزاد گفت: هر ورزشکاری وظایفی برعهده اش است و من هم بر حسب مسئولیتی که داشتم برای کمک به هموطنانم راهی گیلان شدم.به گزارش خبرگزاری فارس، کمیل قاسمی در گفت و گو با پایگاه خبری فدراسیون پزشکی ورزشی اظهار داشت: در این شرایط قهرمان و غیرقهرمان ندارد و همه باید در حد توانایی‌های‌مان به یکدیگرو به مردم کمک کنیم.به همین بهانه از شرق استان گیلان به شهرهای لاهیجان، آستانه اشرفیه و رودسر رفتیم و در حد توان‌مان چیزهایی را که تهیه شده بود در اختیارشان قرار دادیم.وی افزود: اگر همه مردم به رعایت نکات بهداشت توجه داشته باشند ان‌شاالله به زودی و با کمترین تلفات جانی از این وضعیت خارج می شویم. قطعا بهترین راه پیشگیری از کرونا در خانه نشستن و بیرون نرفتن است.

وضع کنونی و تبعات انتخابات ریاست فدراسیون دو و میدانی

قاسم کیانی ـ انتخابات ریاست فدراسیون دو و میدانی درحالی برگزار شد که غیبت ۱۴ رئیس هیئت استانی در این انتخابات شبهه برانگیز بود و البته قانونی نبودن این انتخابات را زیر سوال می‌برد هرچند که چند روز پس از انتخابات، علی‌نژاد معاون ورزش قهرمانی وزارت ورزش با استناد به شرایط خاص حاکم بر ورزش کشور و اسبقیان رئیس دفتر مشترک فدراسیون‌ها نیز، با استناد به دستور وزیر ورزش مبنی بر برگزاری انتخابات دو و میدانی با همین شرایط موجود، صحه برقانونی بودن مجمع انتخاباتی فدراسیون گذاشته‌اند در حالی که هیچکدام از این دو تن عکس العمل نسبت به ادعای روسای هیئت‌های دو و میدانی استانهای آذربایجان شرقی، غربی و خراسان جنوبی مبنی بر اینکه کسانی که به جای آنان در انتخابات رأی داده‌اند، از رؤسای هیئتهایشان، مجوز نداشته‌اند، نشان ندادند!

در این میان اما کیهانی رئیس سابق فدراسیون دو و میدانی و یکی از کاندیداها و معترضین مجمع که در طول برگزاری مجمع هم غیرقانونی بودن آنرا بارها به علی‌نژاد تذکر داد اما نهایتاً جلسه را ترک کرده همچنان مصرانه تأکید می‌کند که مجمع غیرقانونی بوده و از طریق مراجع قانونی آنرا پیگیری می‌کند. در این میان اما درست‌ترین واکنش را افشین داوری رئیس جدید فدراسیون دارد که گفته قانونی بودن یا نبودن مجمع به او ربطی ندارد و او برنامه‌هایش را برای نمایندگان المپیکی کشورمان و همچنین آنانی که شانس سهمیه دارند خیلی سریع آغاز می‌کند.

حال باید منتظر ماند و دید که در صورتیکه کیهانی بتواند مراجع ذیصلاح را متقاعد کند که به ماجرای انتخابات فدراسیون ورود کنند، نتیجه آن چه خواهد شد و یک سوال مهمتر اینکه آیا در هر زمان که شرایط خاص حاکم شود آیا وزیر ورزش و جوانان این مجوز را دارد که ورود کرده و دستور به برگزاری مجمع را برخلاف مصوبات قبلی بدهد؟

در هر حال پیگیری‌های ماجرا، هیچ نفعی که نداشته باشد حداقل به نوعی شفاف‌سازی خواهد کرد که در شرایط خاص، چگونه می‌توان تصمیم‌گیری کرد!

گلایه سه رئیس هیات غایب

برخی روسای هیات‌های استانی تاکید می‌کنند در حالی که هیچ نماینده‌ای برای حضور در انتخابات فدراسیون دوومیدانی معرفی نکرده بودند اما رای‌هایشان در صندوق انداخته شده است!

به گزارش خبرنگار مهر، این در حالی است که به حد نصاب نرسیدن اعضای مجمع تا حدود یک ساعت و نیم پس از زمان اعلام اولیه آن تقریباً همه را مطمئن کرده بود که با این تعداد افراد حاضر انتخابات فدراسیون دوومیدانی لغو خواهد شد.احتمالی که اندکی بعد با حضور چند فرد که خود را نماینده برخی هیأت‌های استانی اعلام کردند و همچنین رأی تلفنی از یکی از اعضای مجمع به صفر رسید و مجمع با ۲۸ عضو (واقعی و جانشین و تلفنی) آغاز شد.البته این موضوع با انتقاد شدید مجید کیهانی یکی از کاندیداهای ریاست همراه بود ولی از سوی معاون وزیر ورزش و جوانان پذیرفته نشد تا سرانجام کیهانی به نشانه اعتراض مجمع را ترک کند.موضوع جالب توجه و تأمل برانگیز در انتخابات دوومیدانی این است که بر خلاف ادعای مسئولان سه رئیس هیأت استانی در گفتگو با خبرگزاری مهر عنوان کردند که هیچ نماینده‌ای از سوی آنها برای حضور در مجمع معرفی نشده است و به این تخلف آشکار وزارت ورزش و جوانان شکایت دارند.

محمد حسین صادقیان پور رئیس هیأت استان آذربایجان شرقی یکی از چند رئیس هیأتی بود که نماینده‌ای در مجمع دوومیدانی به جایش رأی داد.صادقیان پور ضمن اشاره به حضور یک فرد به عنوان نماینده وی در مجمع گفت: من از حضور چنین فردی بی خبرم. طبق آئین نامه انتخابات یا باید خود رئیس هیأت در انتخابات شرکت کند و یا فردی توسط وی به صورت کتبی معرفی شود اما هیچیک از این موارد در انتخابات دوومیدانی رخ نداد.حق من در انتخابات دوومیدانی تضییع شده است و فردی به جای من و به نام من رأی داده است. قطعاً نسبت به این موضوع در نهادهای نظارتی شکایت خواهم کرد.

فهیمی رئیس هیأت آذربایجان غربی هم در خصوص حضور نماینده منتسب به وی در انتخابات گفت:با توجه به توصیه های کرونایی و درخواستی که از متولیان ورزش داشتیم، تصمیم قطعی خود را برای عدم شرکت در مجمع گرفتم و نماینده ای هم معرفی نکردم تا با جان کسی بازی نشود. وقتی سرکار آمدم گفتند یک معرفی نامه بدهم که من قبول نکردم ولی نمی دانم چه فردی بدون هماهنگی از طرف من در مجمع رأی داده است.بنابراین به همه رؤسای هیأت‌ها بی احترامی شده است و همه ما را هیچ حساب کردند. در واقع دوستان به ما ثابت کردند که بود و نبودمان در مجمع تفاوتی ندارد. اگر رأی ما تا این حد بی اهمیت و بی تأثیر است بهتر بود دوستان بدون برگزاری انتخابات گزینه ریاست را معرفی می‌کردند.

چاجی رئیس هیأت دوومیدانی استان خراسان جنوبی نیز در این خصوص گفت: دبیر هیأت استان از من خواست که به تهران برود و رأی بدهد که من به هیچ عنوان نپذیرفتم اما ایشان خودش در یک کافی نت متنی را تهیه کرده و با من تماس گرفت که متن را می آورم تا شما آن را امضا کنید که من به هیچ عنوان قبول نکردم.من شکایت خود را به سازمان بازرسی کل کشور هم رسانده‌ام.

علی‌نژاد: وزارت از اختیار خود استفاده کرد

به گزارش ایرنا،مهدی علی‌نژاد در گفت و گویی تلویزیونی همزمان با توضیحاتی درباره فرآیند برگزاری انتخابات فدراسیون فوتبال در واکنش به انتقادات مجید کیهانی نسبت به برگزاری انتخابات فدراسیون دوومیدانی گفت: کسانی که به مجمع آمده بودند از هیات‌های استانی بودند یا معرفی‌نامه از هیات‌ها داشتند. ما این مستندات را داریم. اینکه گفته می‌شود معرفی‌نامه نداشتند، درست نیست. خودم معرفی‌نامه را رؤیت کردم و اجازه دادم که حضور داشته باشند.وی افزود: دوستان می‌گویند نامه مدیرکل بوده است، نه هیات رئیسه. بله، نامه مدیرکل هم بوده است نه اینکه نامه هیات رییسه نبوده باشد. علاوه بر این، یک رأی هم وجود داشت که غیرحضوری بود و فکس شد. افراد شرکت‌کننده در مجمع ۲۷ نفر بودند و برای اینکه تعداد مجمع به ۲ سوم برسد یک نفر غیرحضوری رأی داد تا تعداد افراد شرکت‌کننده به ۲۸ نفر برسد. آن فردی که شرکت نکرد خودش گفت مشکوک بوده و بیمار هستم و اگر در مجمع شرکت کنم ممکن است افراد دچار خطر بیماری کرونا شوند.

علی نژاد خاطرنشان کرد: در این شرایط خاص وزارت ورزش این اختیار را دارد که وقتی مصلحت ایجاب می‌کند رأی را غیرحضوری دریافت کند. یعنی شرایط طوری بود که وزارت از اختیار خود استفاده کرد. تأکید می‌کنم شرایط خاص بوده است و قرار نیست روال شود. بنابراین من به‌عنوان رییس مجمع تصمیم گرفتم آن شخص رأی غیرحضوری بدهد و با اینکه رأی او همراه با فردی که انتخاب شده نبود توانستیم تعداد افراد در مجمع را به ۲ سوم برسانیم و مجمع را برگزار کنیم. ما باید به این فکر کنیم که برگزاری مجمع به مصلحت کشور بود.

اسبقیان: انتخابات با نظر وزیر ورزش اینطور برگزار شد!

مدیرکل دفتر امور مشترک فدراسیون ها ورزشی گفت: انتخابات فدراسیون دوومیدانی با نظر وزیر ورزش تحت شرایط خاص برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، سیدمحمد شروین اسبقیان در مورد برگزاری انتخابات فدراسیون دوومیدانی گفت: ما مستندات برگزاری انتخابات را توسط معاونت ورزش قهرمانی بررسی کردیم و بعد ایشان اجازه برگزاری انتخابات را داد.

وی در مورد تخلفاتی که برخلاف آیین نامه صورت گرفته است گفت: این آیین نامه ای که مطرح شده توسط مقام عالی وزارت ابلاغ می شود و قانون نیست. شرایط خاص کشور هم مشخص است. وقتی مقام معظم رهبری در مورد بودجه تصمیماتی می گیرد و در کشور دور کاری را سفارش می کنند، در آیین نامه ای که مقام عالی وزارت ابلاغ کرده می تواند دستور بدهد که اگر مشکل و مواردی باشد این حالت دورکاری اتفاق بیفتد.

اسبقیان در مورد جابجایی برخی اعضا از جمله نماینده داوران در مجمع گفت: آقای شهبازی از مدیران استان اردبیل است. ایشان شب قبل از انتخابات اعلام می کند که می‌آید و در انتخابات شرکت می کند اما می آید در زنجان و می گوید که جاده بسته شده و اجازه نمی دهند ما بیاییم. به همین خاطر آقای فیروزی جانشین وی شد.مدیرکل دفتر امور مشترک فدراسیون های ورزشی ادامه داد: آیین نامه را وزیر ورزش ابلاغ کرده و در شرایط خاص وزیر ورزش می تواند تصمیم خاص را بگیرد. علی نژاد با هماهنگی وزیر ورزش تصمیم گرفته که رای را ارسال کنند. شرایط الان بحرانی است و مقام وزارت می تواند این اجازه را بدهد که رای بدهند.

کیهانی:۷ تخلف دربرگزاری انتخابات محرز است

رئیس پیشین فدراسیون دوومیدانی گفت: ۷مورد تخلف در برگزاری انتخابات اخیر این فدراسیون محرز شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، مجید کیهانی در مورد اتفاقاتی که برای انتخابات فدراسیون دوومیدانی رقم خورد گفت: برای من مسجل است که وزارت ورزش هیچ جهت گیری برای یک کاندیدای خاص نداشته است. این‌طور نبوده که سلطانی فر و علی نژاد از یک کاندیدای خاص طرفداری داشته باشند که این یکی از قوت‌های انتخابات فدراسیون دوومیدانی است.

وی در مورد اینکه قبلاً اعلام کرده بودید انتخابات مهندسی شده است گفت: منظور من آیین نامه‌ای بود که از سوی وزارت ورزش در اختیار مسئولان برگزاری انتخابات است منتج از اساسنامه فدراسیون‌هاست. آنچه شائبه ایجاد کرد عدول از این آیین نامه است. اگر قرار باشد نظرات شخصی را در انتخابات اعمال کنیم چه نیازی به آیین نامه است.

کیهانی ادامه داد: ۶ تخلف محرز صورت گرفته است که اگر ساعت انتخابات را در نظر بگیریم می‌شود ۷ مورد. انتخابات یک ساعت و ۱۵ دقیقه با تاخیر آغاز شد.در روز برگزاری مجمع ۲۲ نفر از روسای هیات‌های استان‌ها که عضو مجمع هستند در مجمع حضور پیدا نکردند و نمایندگانی برای آذربایجان شرقی، غربی، بوشهر و خراسان آمدند و جایگزین روسا شدند بدون اینکه اسناد و نامه‌های آنها مورد بررسی قرار بگیرد. نماینده آذربایجان غربی عضو هیات رئیسه نبود و از اهالی کشتی است و نامه او هم از دبیر است.در مورد بوشهر هم ایشان عضو هیات رئیسه دوومیدانی نبود و نامه‌ای هم به امضا رئیس هیات نداشته است. در مورد خراسان جنوبی هم دبیر هیات دوومیدانی این استان با نامه‌ای که خودش تهیه کرده که نمی دانم امضا رئیس هیات را دارد یا نه اما رئیس این هیات اعلام کرده است که نه، در مجمع حضور داشته است.

کیهانی در مورد شکایت به نهادهای نظارتی گفت: موارد و تخلفات را به سازمان بازرسی کل کشور ارسال کرده‌ام تا بتوانیم از حق اعضای مجمع دفاع کنیم.

احتمال انتخاب رئیس جدید فدراسیون فوتبال در پاییز ۹۹

با توجه به روند اصلاح و تصویب اساسنامه جدید فدراسیون فوتبال در خوش بینانه‌ترین حالت رئیس جدید این فدراسیون در پاییز ۹۹ انتخاب می‌شود

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، ابراهیم شکوری، سرپرست دبیرکلی فدراسیون فوتبال به صورت قطعی اعلام کرد با توجه به تاکید فیفا روی اصلاح اساسنامه این فدراسیون، مجمع انتخاباتی فدراسیون فوتبال که قرار بود ۲۵ اسفند برگزار شود به تعویق افتاد.کمیته حقوقی و تدوین مقررات فدراسیون فوتبال، مسئولیت اصلی اصلاح اساسنامه را برعهده دارد، اما طبق اعلام ابراهیم شکوری، سرپرست دبیرکلی این فدراسیون قرار است افرادی که می‌توانند در این راه، کمک کننده حال مسئولان کمیته مذکور باشند، به زودی از سوی سرپرست و هیات رئیسه فدراسیون به براتی و همکارانش اضافه شوند.

به هر حال پس از پایان کار اصلاح اساسنامه در کمیته حقوقی و تدوین مقررات و تایید این پیش نویس از سوی فیفا، فدراسیون باید اساسنامه اصلاحی را ۲۱ روز قبل از تشکیل مجمع فوق العاده فدراسیون در اختیار اعضای مجمع قرار بدهد تا آنها هم در جریان موارد اصلاحی قرار گرفته و روز برگزاری مجمع آن را مصوب کنند.همین مراحل اگر در سریع‌ترین زمان ممکن انجام شود دست کم تا پایان بهار ۹۹ و شاید اوایل تابستان طول بکشد.

پس از آن نوبت به ارسال اساسنامه جدید برای هیات دولت و مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا کمیسیون‌های مربوطه در قوه مجریه و مقننه کشورمان هم آن را بررسی و در صورت موافقت با تمام موارد اساسنامه آن را تصویب کنند که در خوش بینانه‌ترین حالت شاید این مرحله هم تا نیمه یا اواخر تابستان طول بکشد.

پس از تصویب اساسنامه در هیات دولت و مجلس، پروسه انتخابات فدراسیون آغاز خواهد شد و طبق اعلام سرپرست دبیرکل فدراسیون، کمترین زمان ممکن برای انجام انتخابات پس از اخذ تمام تاییدیه‌های اساسنامه ۲ ماه است.

بنابراین با این تفاسیر اگر تمام مراحل تصویب اساسنامه با سرعتی مناسب طی شود، دست کم رئیس جدید فدراسیون فوتبال تا اوایل پاییز ۹۹ انتخاب نخواهد شد. یعنی درست در زمانیکه این فدراسیون درگیر پرونده بزرگ شکایت مارک ویلموتس و پس از آن هم دیدارهای تیم ملی در انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر است.

اخبار کوتاه خارجی

کرونا فوتبال جهان را تعطیل کرد

شیوع ویروس کرونا در کشورهای مختلف جهان باعث لغو بسیاری از لیگ های معتبر فوتبال در جهان شد.

به گزارش خبرنگار مهر، فوتبال باشگاهی اروپا در حالی با ویروس کرونا روبرو شده است که در حال حاضر لیگ‌های فوتبال باشگاهی اسپانیا، ایتالیا، هلند، پرتغال، دانمارک و ... به حالت تعلیق درآمده‌اند وهمچنین ادامه بازی‌های مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان اروپا نیز به حالت تعلیق درآمد تا نشان دهد این ویروس شوم فارغ از هر مختصات جغرافیایی در حال پیشرفت است.اتحادیه فوتبال آلمان نیز تصمیم به لغو تمام بازی‌های فوتبال بوندسلیگا تا دوم آوریل سال جاری میلادی گرفت.لیگ برتر جزیره هم با همین تصمیم لغو شد.همچنین با اعلام یوفا تمامی تورنمنت‌های اروپایی به طور کامل لغو و به حالت تعلیق درآمده است.

ضرر هنگفت لیورپول بعد از حذف از لیگ قهرمانان

حذف زودهنگام لیورپول از لیگ قهرمانان باعث می شود این تیم انگلیسی بیش از ۳۰ میلیون پوند ضرر مالی داشته باشد.

به گزارش ایسنا به نقل از آیریش سان، لیورپول برای اولین بار در ۳ سال اخیر نتوانست از مرحله نخست حذفی لیگ قهرمانان اروپا پا را فراتر بگذارد و حذف زودهنگامی از لیگ قهرمانان اروپا داشت.این اتفاق باعث می شود دست کم ۳۰ میلیون پوند ضرر مالی در انتظار تیمی باشد که فصل قبل توانست با برتری ۲ بر صفر برابر تاتنهام قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را به دست بیاورد.یوفا برای تیم هایی که به مرحله به مرحله در لیگ قهرمانان صعود می کنند پاداش‌های جداگانه ای در نظر گرفته است که این فصل نصیب مدافع عنوان قهرمانی نمی شود.

واکنش دیبالا به شایعات ابتلا به کرونا

ستاره آرژانتینی یوونتوس به شایعات ابتلایش به ویروس کرونا واکنش نشان داد.

به گزارش خبرگزاری فارس، برخی از رسانه های انگلیس از ابتلای پائولو دیبالا، ستاره آرژانتینی یوونتوس به ویروس کرونا دادند که از سوی باشگاه تورینی تکذیب شد.در این راستا دیبالا در صفحه اجتماعی‌اش در واکنش به این شایعه، گفت: می خواستم تاکید کنم که من حالم خوب است. اکنون در قرنطینه به سر می برم و به خاطر پیام هایتان از شما تشکر می کنم.

گفتنی است که پیش از این باشگاه یوونتوس رسما اعلام کرد که دنیله روگانی یکی از بازیکنانش به کرونا مبتلا شده به همین خاطر تمام بازیکنان در قرنطینه به سر می برند.

باشگاه بارسلونا به حالت تعلیق درآمد

باشگاه بارسلونا به دلیل شیوع ویروس کرونا تمام فعالیت‌های ورزشی خود را به حالت تعلیق در آورده است.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، باشگاه بارسلونا اسپانیا پس از شیوع ویروس کرونا و اعلام تعلیق رقابت‌های اروپایی توسط اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)، تمامی فعالیت‌های ورزشی خود را تعطیل کرد.پس از قطعی شدن لغو بازی ۱۸ مارس تیم فوتبال بارسلونا مقابل ناپولی، تمام فعالیت‌های این باشگاه تا روز سه شنبه به حالت تعلیق در آمد. پیش از این قرار بود ابی اناری پوشان یک جلسه تمرینی را دیروز برگزار کنند. یوفا اعلام کرده کلیه مسابقات لیگ قهرمانان اروپا و لیگ اروپا که قرار بود هفته آینده برگزار شود، لغو شده است.

گفتنی است که پیش از این مسابقات لالیگا اسپانیا نیز تعطیل شده بود. تا کنون ۳۸۶۹ نفر در کشور اسپانیا به کرونا مبتلا شده اند که ۹۰ نفر از آنها جان خود را از دست داده اند.

مردی از تبار علی!

بقیه از صفحه ۳

همین افشاگری‌ها باعث شد ساواک از وی بخواهد یا دست از این گریزها وکنایه‌ها بردارد یا برنامه را تعطیل کند که با استنکاف این مجاهد همیشه خروشان، این برنامه تعطیل شد.این برنامه هفتگی طرفداران زیادی در خوزستان داشت و باعث شد جمعی به کیاوش لقب «دکترشریعتی خوزستان» بدهند که عنوان بجایی بود.

از دوستی شنیده‌ام که وقتی سخن استاد کیاوش با دکتر شریعتی به میان آمد، وی با تعجب پرسیده بود این کیست که حرفهای مرا در رادیوی نفت آبادان می‌زند و از رژیم پروایی ندارد؟

نطق‌های آتشین او در رادیو نفت از سال ۵۱ تا یک سال مانده به پیروزی انقلاب ادامه یافت و وقتی به او پیشنهادکردند در ازای اجرای این برنامه حقوقی دریافت کند، می‌گفت: حقوق معلمی برای من کفایت می‌کند و من از این بابت حقوقی دریافت نخواهم کرد.

می‌گفت اگر شش سال این برنامه ادامه داشت به برکت سجاده‌ای بودکه نیمه شب‌ها باز می‌کرد و از جوانی نماز شب می‌خواند. اولیای امور متوجه کنایت‌های وی در برنامه‌هایش نشدند تا مانع آن شوند.

ایشان در خاطراتش که توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده گفته برای اینکه این برنامه را در رادیوی نفت آبادان اجرا کند به سراغ دو تن ازعلما، آیت الله مشکینی در قم و آیت الله غلامحسین جمی درآبادان ـ که بعدها امام جمعه و نماینده امام در آبادان شد و برگ همیشه زرین تاریخ مقاومت در ایران و آبادان لاله‌خیز است ـ رفته و از آنها کسب نظر کرده و نظر تائید هر دو را جلب کرده است.کیاوش می‌گفت آقای مشکینی به من گفت:«نه تنها لازم است به رادیو بروی و برنامه اجرا کنی، بلکه به رادیو برو و آنقدر در آن بمان تا کشته شوی!»

مارکسیست‌های شهرازشدت حسادتی که نسبت به توفیقات وی داشتند، علیه او تبلیغ می‌کردند که به دلیل این برخورداری از رادیو مامور ساواک است، ولی وی بی‌اعتنا به این سمپاشی‌ها همچنان به اجرای برنامه می‌پرداخت. بعدها که اسناد مبارزاتی وی از ساواک بیرون آمد، همگان دیدند ساواک با چه دقتی فعالیت‌های وی را زیرنظر داشته است.

استاد کیاوش، معلم بسیار موفقی بود. در تدریس بسیار هنرمندانه عمل می‌کرد. گریزهای او در موقع تدریس بسیار هوشمندانه بود. می‌گفت وقتی صدای بوق کشتی‌های نفتکش به گوش ما در مدرسه وکلاس می‌رسید به دانش آموزان می‌گفتم این خون شماست که به بوق کشیده‌اند و به تاراج می‌برند.

گریزهای او درکلاس حساسیت ساز شد و او را به اداره آموزش وپرورش فرا خواندند تا تعهد کند دیگر در کلاس چنین حرفهایی را به صراحت یا کنایت نزند. وی با اینکه به ناچارتعهد داد، اما در عمل این تعهد را نادیده می‌گرفت وکماکان در کلاس‌ها کنایات خاص خود را داشت.

می‌گفت: تمرکز من بر بی‌عدالتی رژیم شاه و بیداری مردم بود. برای همین در درس تاریخ ادبیات گاه عمدا بحث را به دوره صفویه می‌بردم و با کشیدن کاریکاتور رجال دربار صفوی بر روی تخته سیاه آنان را مسخره می‌کردم که به دروغ دم از دین می‌زنند ولی چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند که همه می‌فهمیدند منظور من از کشیدن آن کاریکاتورها نه تمسخر دربار صفوی که سران دربار شاه است.

می‌گفت با شهادت فداییان اسلام مصمم شدم نام و یادشان را زنده نگه بدارم. لذا برای درس خودآموز دستور زبان فارسی جزوه‌ای نوشتم و در آن با کنایه روش فداییان اسلام را بازگو می‌کردم.

در آبادان به مراسمی درباب حج برای سخنرانی دعوت شد و با استفاده از تعابیر دکتر شریعتی به ارباب زر حمله کرد و با استفاده از بیانات امام خمینی(ره) بحث را به روحانیون درباری کشانید و گفت: این روحانیون منحط پهلوهایشان از شدت زیاده خوری بادکرده است. اینها سمبل مذهب قارون‌هایی هستند که خون مردم را می‌مکند.

بسیار آراسته وخوش لباس بود و این صفت نیکوی او زبانزد همه بود.

از سال ۱۳۵۳ که دانشسرای راهنمایی تربیت دبیر در اهواز تاسیس شد، برای تدریس به این دانشسرا دعوت شد. همچون تدریس در دبیرستان‌های آبادان درلابلای بیان مطالب درآموزش زبان عربی گریزهای هوشمندانه‌ای به مسائل سیاسی می‌زد. موقع تدریس دربین دانشجوها می‌گشت و ضمن بیان مطالب درسی کنایت‌های خود را به آنها منتقل می‌کرد. کتابی با روش ابتکاری در آموزش قرآن نوشته که مایه اعجاب است.

به اهواز که آمد برای سخنرانی به مکتب قرآن دعوت می‌شد وسخنران ثابت شب‌های پنج شنبه این کانون فعال دینی‌ای بود که از آن به عنوان حسینیه ارشاد اهواز یاد می‌شد.کانونی که در طول سال به همت مرحوم محمدزاده از تجار متدین اهوازی پذیرای سخنرانانی چون دکترشریعتی وشهید مطهری وعلامه جعفری و... بود.

می‌گفت ۱۵ بار ساواک وی را احضار کرده بود. یک بار ماموران سرزده به منزل وی ریختندو با تعجب دیدند بالای سرش این جمله دکترشریعتی را نوشته است که: هرگز، هرگز، سر فرود نمی‌آورم. می‌گفت: وقتی ماموران مشغول تفتیش اتاق و کتابهای من بودند، خونسرد برای خود چای ریختم و با چند دانه خرما مشغول نوشیدن شدم که سراسیمه ریختند و دهان مرا بازکردندکه: بی‌شرف، چرا سیانور می‌خوری که خود کشی کنی؟ بعد مرا به زندان بردند و مورد سخت‌ترین شکنجه‌ها قراردادند. کیاوش درزندان ماند تا با قیام مردم در زندان‌ها باز و وی از زندان آزاد شد.

یکی از دانشجوهای او می‌گوید: درسال ۱۳۵۵ با استاد کیاوش به جزیره مینو رفتیم. ایستاد و به عمق نخلستان‌ها خیره شد. با من از امام سخن گفت وگفت: خیلی شیفته دیدار و دلتنگ امام بود. سپس دستورالعمل ۱۱ ماده‌ای منسوب به امام را برای خودسازی به من تعلیم داد.

با آیت الله غلامحسین جمی قلب تپنده مبارزه و روحانی مجاهد در آبادان روابط بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای داشت و اغلب به منزل او رفت و آمد می‌کرد. در دوران مبارزه منزل وی مامن انقلابیون شهر بود. استاد علامه محمدتقی جعفری که برای ده شب سخنرانی به حسینیه اصفهانی‌ها ـ که کانون فعالیتهای فرهنگی وسیاسی شهر بود ـ آبادان دعوت شده بود، در منزل استاد کیاوش اقامت داشت و شبها پس از سخنرانی تا نیمه شب با جوانان متدین و انقلابی شهر در این منزل به گفتگوی صمیمانه می‌نشست.

سال ۱۳۵۴ که قصد داشت خود را به جمع انقلابیون مبارزی چون دکترمصطفی چمران درخارج از جمله سوریه و لبنان برساند به او گفته شدبا لقب سید عربی امکان پاسپورت دادن به وی نیست. ناچار لقب خود رابه علوی تبار تغییرداد، اماهمچنان ـ و تا اکنون ـ به نام کیاوش شناخته می‌شود.

در جلسات سخنرانی انقلابیونی که برای سخنرانی درحسینیه اصفهانی‌های آبادان از تهران دعوت می‌شدند و با نام مستعار به منبر می‌رفتند با ظاهری آراسته شرکت می‌کرد.انقلاب که پیروز شد فوراً وی را فرماندار آبادان کردند. در فرمانداری که مستقر شد بالای سر خود نوشته‌ای نصب کرد که: به من فرماندار نگویید. خدمتگزار مردم بگویید. با همین عنوان هم نامه‌ها را امضا می‌کرد.

تا دید کارمندان زن بی‌حجاب هستند، شخصاً به بازار رفت و برای آنها روسری و چادر و مقنعه خرید تا در برخورد با مراجعان پوشش اسلامی داشته باشند.

می‌گفت: تا فرماندار شدم هر چه فرش درخانه داشتم فروختم و به جای آنها حصیرخریدم تا در زندگی شخصی‌ام هم سطح زندگی فقرا باشم، چون اعتقاد من بر این بود که فرماندار جمهوری اسلامی نمی‌تواند سطح زندگی‌اش بهتر و برتر از فقرا باشد. جالب اینکه مهمانان دولتی و خارجی که به منزل وی می‌آمدند، روی همین حصیرها می‌نشستند.

می‌گفت: در ایام فرمانداری‌ام با وانت در شهر می‌گشتم و با بلندگو به کسبه و بازاری‌ها می‌گفتم کم‌فروشی و گرانفروشی نکنید. انسانیت را رعایت کنید.

در دوران مبارزه که شهید رجایی به همراه هیاتی برای رسیدگی به اعتصاب کنندگان پالایشگاه و شرکت نفت و صدور نفت آمده بود کیاوش با وی آشنا شد، چون محل استقرار این هیات در منزل وی بود. این هیات که به تهران بازگشت در حکمی کیاوش را همه کاره صدور نفت در آبادان کرد و این برای یک معلم ساده‌ای چون او اوج افتخار بود. همین ارتباط و سابقه باعث شد تا وقتی شهید رجایی وزیر آموزش و پرورش بشود، برای کیاوش ابلاغ مدیرکل آموزش و پرورش خوزستان صادرکند.

آمدن کیاوش به اهواز باعث شد با سابقه‌ای که مردم از بیانات او در رادیو نفت آبادان داشتند، وی را برای مراسم مختلف به شهرها دعوت کنند. چنان شیوا و رسا سخن می‌گفت که حتی زندانیان شهرهای مختلف استان هم از او دعوت می‌کردند به زندانها برود و برایشان سخن بگوید. در این مراسم و سخنرانی‌ها هم کنایه‌های او شنیدنی و دیدنی بود.

می‌گفت: یک بار حین سخنرانی برای مردم شوشتر و گتوند دیدم بعضی عادت دارند موقع صحبت من به دیوار تکیه دهند. به آنها گفتم به دیوارها پناه نیاورید. انقلاب و انقلابی‌ها را یار و یاور خود بگیرید.

محبوبیت وی باعث شد از سوی مردم شریف خوزستان به عنوان نماینده مردم در مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی انتخاب شود. دو دوره از سوی مردم قهرمان پرور اهواز و آبادان به نمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب شد و در کنار آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی عضوهیات رئیسه مجلس بود.

زندگی ساده‌ای داشت. پس از درگذشت همسر متدینه‌اش خانه کوچک خود را که به نام او کرده بود، فروخت و وجه آن را بین فرزندانش تقسیم کرد و خود تا پایان عمر مستاجر بود.

چنان قناعتمندانه و زاهدانه زندگی کرد که قادر به پرداخت ودیعه منزل اجاره‌ای‌اش نبود و تا آخر عمر با حقوق بازنشستگی معلمی‌اش روزگار گذراند.

در فاجعه انفجار دفترمرکزی حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰سرچشمه تهران در جلسه حاضر بود و سه ساعت زیر آوار ماند.

می‌گفت: در زیر آوار که صدای فریادالله اکبر یا صاحب‌الزمان همرزمانم را می‌شنیدم در این اندیشه بودم که شهید می‌شوم یانه، که شنیدم ندایی به من گفت نه تو شهید نمی‌شوی چون دوستداری زنده بمانی! زنده ماند و یک دست و یک چشم و یک گوش خود را در این فاجعه از دست داد و جانباز ۷۵ درصد شد. به شوخی می‌گفت: در حادثه انفجار حزب اعضایم را در معامله باخدای متعال نصف کردم.

می‌گفت: شهید جهرمی در زیر آوار به من گفت:«من بوی بهشت را می‌شنوم توهم می‌شنوی؟»گفتم: نه و بعد به او گفتم:«این یعنی تو می‌روی و من می‌مانم.»

او را از زیر آوار بیرون آوردند با بدنی کاملا سوخته و برای مداوا به بیمارستان مصطفی خمینی برده شد. فرزندش می‌گفت لباس‌هایش رابا قیچی تکه تکه کرده و از بدنش خارج کردند. می‌گفتند شش ساعت زیر عمل جراحی بود.

وقتی شنید به دلیل عدم حضور عده‌ای از نمایندگان مجروح حادثه مجلس از حد نصاب می‌افتد، باهمان حال نقاهت به کمک دو پرستار از تخت برخاست و خود را به جلسه علنی مجلس رساند و مجلس رسمیت یافت.

جنگ که بر ایران تحمیل شد گوهر وجودی کیاوش درخدمت به ایران و اسلام بیشتر درخشید.

شوقمندانه می‌دید شاگردانش درجبهه‌های نبرد حضوری درخشان دارند و عاشقانه جام وصل را سر می‌کشند و بعضی از آنها بر مسندهای انقلاب نشسته و خالصانه به مردم خدمت می‌کنند.

خدمت او که ۸ سال در مجلس شورای اسلامی به اتمام رسید، از سوی رئیس‌جمهوری به عنوان مشاور وی درامور رسیدگی به جنگ زدگان و آوارگان شهرهای جنگی مشغول به خدمت شد و طی حکمی از سوی آقای‌هاشمی رفسنجانی مسولیت رسیدگی به جبهه‌های جنگ درجنوب و وضع زندگی مهاجران جنگ درشهرها به وی داده شد. این دوران پر از افتخار خدمت ۱۶ سال به درازا کشید.

سال‌ها در دوران بازنشستگی درحوزه بانوان نارمک به تدریس قرآن و معارف دین پرداخت. خوشبختانه بیانات وی ضبط شده و در اختیار شاگردان وی قراردارد. بخشی از بیانات وی در این کلاس‌ها در سه جلدکتاب:«انسان کامل» و «سلسله گفتارهای عاشورا» و «درس‌های ماه رمضان» منتشر شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

گاه که درمنزل به محضرش می‌رسیدم، می‌دیدم مدام دم از خدا و حقیقت و لزوم توسل به اهل بیت می‌زند. دلواپس نماز اول وقت خود بود. این اواخر به دلیل آلزایمری که پیدا کرده بود نماز شبکه قرآن تلویزیون را با هدفون درگوش می‌خواند. تا ترتیب آیات یادش بیاید. عبایی به دوش می‌انداخت وغرقه نماز می‌شد.

یک‌بار از من خواست کنار او بایستم و حمد و سوره و اذکار نماز را بلند بلند بخوانم تا او تکرار کند. در این حالت به فکر فرو رفتم که خدایا این همان است که باصدای پرطنین وی در رادیوی نفت آبادان آدم از جاکنده می‌شد.

همسرش به من می‌گفت: آقا سید با این که ۸۹ سال دارد، همه نیمه شبها بدون استثنا برمی‌خیزد و ایستاده بیش از یک ساعت نماز شب می‌خواند و با خدای خود مناجات می‌کند. می‌گفت: هرچه به او اصرار می‌کنیم بنشیند و نماز مستحبی بخواند قبول نمی‌کند.

این اواخر هر وقت ما و دوستان آبادانی را که به دیدارش می‌رفتیم آماده خداحافظی می‌دید، می‌گفت: من باید چشم‌هایم را فرش راه و قدم‌های شما بکنم. تا آخرین لحظاتی که در تن توان داشت، از معلمی دست برنداشت.

در یکی از این دیدارها از منزلش که بیرون آمدم با اتفاق عجیبی روبرو شدم. در را که بستم احساس کردم از صدای آیفون دم در منزل صدایی می‌آمد. برگشتم گوشم را به آیفون نزدیک کردم. دیدم استادکیاوش است که با ما سخن می‌گوید. دقت کردم دیدم مهربانانه می‌گفت: گناه و معصیت نکنید. سعی کنید حتی عمل مکروه را هم ترک کنید!

این نوشته ادای دینی است به آن خطیب ارجمند و معلم قرآن و مجاهد خستگی ناپذیر. همو که تاریخ مبارزه و جنگ در آبادان را بدون نام و خدمات او نمی‌شود نوشت.

همو که در ۸۹ سالگی در ظهر روز پنجشنبه در جوار سید شهیدان ۷ تیر و شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی و یارانش در مزاری نورانی در بهشت زهرای تهران آرام وقرار گرفت. عاش سعیدا و مات سعیدا.

شهردار تهران: مراسم سنتی نوروز را برگزار نمی کنیم

شهردارتهران بااشاره به روزهای پایانی سال گفت: مراسم‌های سنتی و نوروز سال‌های گذشته را امسال برگزار نمی‌کنیم.

پیروز حناچی درگفتگو با خبرگزاری صدا و سیما افزود: امیدوارم با همیاری و همکاری یکدیگر روزهای سخت پیش رو را پشت سر بگذاریم و با مراقبت از خود، عزیزانمان و شهروندان این روزها را به روزهای خاطره انگیزی تبدیل و در آینده به آن افتخار کنیم.

وی ادامه داد: آنچه که متخصصان درباره بیماری کرونا می‌گویند این است که باید زنجیره تکثیر این بیماری را قطع کنیم و این زنجیره قطع نمی‌شود مگر این که حداقل تحرک را داشته باشیم و حداکثر حضور در مکان‌های ثابت از جمله خانه‌ها شکل بگیرد.

حناچی افزود: این موضوع همکاری شهروندان را می‌طلبد و کسانی که مسئولیت خاص دارند از این موضوع مستثنی نیستند. شهردار تهران افزود: یکی از موارد اپیدمی این است که مراجعه به مراکز درمانی و بیمارستان‌ها بیشتر از ظرفیت موجود می‌شود و این کار هیچ راهی ندارد و ما باید بتوانیم زنجیره این تکثیر را قطع کنیم و جمع بندی نهایی این است که استقرار در منازل ممکن‌ترین راه برای شهروندان است.

شهردار تهران تصریح کرد: بسیاری از کارهای سنتی را که در سال‌های قبل انجام می‌دادیم امسال نباید انجام بدهیم به ویژه در روزهای آخر سال همچون چهارشنبه سوری که حضور بیش از حد مردم در مکان‌های شلوغ باعث حضور بیش از حد همکاران ما هم خواهد بود و این زنجیره با این اوصاف قطع نمی‌شود.

وی خاطرنشان کرد: عاجزانه از شهروندان خواهش می‌کنم به پیام‌های بهداشتی همکاران ما در وزارت بهداشت بر اساس پروتکل جهانی گوش دهند تا به سلامت از این بحران گذر کنیم.

شهردار تهران همچنین در گفتگو با ایسنا،اظهارداشت: شهرداری به دلیل بدحسابی‌های قبلی که در پرداخت تسهیلات داشت ، نمی‌تواند با بانک‌های عامل برای توسعه حمل و نقل به توافق برسد وآن زمانی که شهرداری درآمدهای چند صد میلیاردی داشت باید افزایش ناوگان حمل و نقل عمومی کلید می‌خورد.

حناچی در چشم انداز بهبود وضع حمل و نقل عمومی در پایتخت با بیان اینکه تامین ۶۳۰ واگن برای مترو به مراحل نهایی رسیده است، گفت: بانک مرکزی باید برای تامین ۶۳۰ واگن، ضمن تعیین بانک عامل داخلی، نامه‌ای را برای شرکت بیمه صادرات چین ارسال کند تا کار تأمین واگن رسما آغاز شود.

وی با اعلام اینکه دولت برای بازسازی ۱۰۰۰ دستگاه اتوبوس اعتبار در نظر گرفته است، افزود: همچنین ازمحل تبصره ۱۸ اعتباراتی برای خرید اتوبوس‌های جدید در نظر گرفته است و با همکاری صندوق امید در حال دریافت تسهیلات برای خرید اتوبوس های جدید برای شهر تهران هستیم که اگر تامین شود؛ بخش زیادی از بحران کمبود وسایل حمل و نقل عمومی رفع می‌شود.

شهردار تهران افزود: البته راههای دیگری را برای تامین واگن در نظر گرفتیم اما از آنجا که در شرایط تحریم قرار داریم، نمی‌توانم از آنها نام ببرم تا مبادا این راهها را هم نشان کنند؛ البته مردم تهران مطمئن باشند که ما اقدامات جدی برای حل مشکلات حمل و نقل در این شرایط سخت دنبال می کنیم.

وی با بیان اینکه تلاش داریم پای اتوبوس‌های برقی را به تهران باز کنیم، گفت: سوخت های فسیلی موجب آلودگی مضاعف می‌شوند و باید کلا به سمت خودروهایی با آلودگی کمتر و حتی پاک برویم که با همکاری معاونت علمی ریاست جمهوری تولید این گونه خودروها، واردات و حتی مونتاژ توسط تولید کنندگان داخلی در دستور کار قرار گرفته است که البته گرایش به سمت خودروهای پاک الزامی است .

حناچی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چرا این وعده‌ها از جمله خرید ۱۵۰۰ دستگاه اتوبوس برای تهران روی کاغذ مانده است، اظهار داشت: تامین اعتبار خرید ۱۵۰۰ دستگاه اتوبوس، بانک عامل می‌خواهد؛ اما شهرداری به دلیل بدحسابی‌های قبلی که در پرداخت تسهیلات داشت ، نمی‌تواند با بانک‌های عامل به توافق برسد .

وی با بیان اینکه بدحسابی‌های قبلی شهرداری عمدتاً در حوزه حمل و نقل عمومی بوده است، افزود: به عبارت دیگر توسعه مترو سبب شده است شهرداری به هر قیمتی تسهیلات اخذ کند، اما بازپرداخت‌ها به تعویق افتاده است و به دلیل بدحسابی مجبور شدیم عمده منابع را بدهیم تا بخشی از بدهی‌ها را پرداخت کنیم و بانکها و موسسات مالی را راضی کنیم به ما تسهیلات بدهند.

شهردار تهران با بیان اینکه سخت ترین بخش کار پیدا کردن بانک عامل است تا بتواند تامین اعتبار کند، افزود: البته نوسانات بازار ارز هم در این موضوع بی اثر نیست و یکی از دلایل بی‌علاقگی بانک‌ها برای ورود به این موضوعات، نوسانات ارز است .

وی تاکید کرد: شهرداری تهران در این شرایط سخت در حال تامین منابع مالی لازم برای توسعه حمل و نقل است؛ اما دقت داشته باشید توسعه حمل و نقل نیازمند اعتبارات زیادی است و آن زمانی که شهرداری درآمدهای چند صد میلیاردی داشت باید این افزایش ناوگان کلید می‌خورد؛ چراکه اکنون هر واگن مترو یک میلیون یورو ارزش دارد و قطعاً تامین و خرید واگن های بیشتر در این شرایط، کار بسیار سختی است .

حناچی با بیان این که زیرساخت های حمل ونقلی فراهم است به گونه ای که خط شش و هفت مترو برای واگن و تجهیزات به اصطلاح «له له می زند» افزود: در این شرایط سخت به مردم قول داده‌ایم هرماه یک ایستگاه مترو افتتاح کنیم و تا آنجا که می‌توانستیم این مهم را هم انجام دادیم و ایستگاه مترو کیانشهر را در به دور از هیاهو افتتاح کردیم.

وی در پاسخ به این سؤال که مدیریت شهری پیشین از ظرفیت بانک شهر برای توسعه امور شهر استفاده می‌کرد؛ چرادر این دوره این کمک کمتر شده است؟ گفت: اتفاقات بانک شهر که همواره پشتیبان پروژه های شهرداری بود سبب شد که بانک مرکزی جلو تسهیلات بی ضابطه این بانک را بگیرد.

شهردار تهران با بیان اینکه در گذشته رویکرد «حاتم بخشی» در بانک شهر وجود داشت اما اکنون به عنوان بانک حرفه‌ای عمل می‌کند، گفت: منابعی که شهرداری به بانک شهر در ازای دریافت تسهیلات داده، عمدتاً دارای مشکلات حقوقی است و این مساله سبب ایجاد اختلافی فی میان ما و بانک مرکزی شده است که در حال پیگیری هستیم اما اینکه به هر قیمتی تسهیلات بگیریم تبعاتی دارد که اکنون در حال جبران تبعات تصمیمات مدیریت قبلی هستیم.

ابتکار: دولت از زنان آسیب پذیر در مواجهه با مشکلات اقتصادی کرونا حمایت می کند

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده، گفت: برای کمک به برقراری موازنه اقتصادی از طریق توجه ویژه به وضعیت معیشتی زنان اقداماتی در دست اجرا است.

به گزارش مهر، معصومه ابتکار با بیان اینکه دولت از ابتدای کار، برنامه‌ها و طرح‌های توان افزایی را به خصوص برای زنان سرپرست خانوار اجرا کرده است، گفت: در شرایط کنونی لازم می‌بینیم که این برنامه‌ها همچنان ادامه داشته باشد و مطابق با نیازهای روز اجرایی شود.

معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده افزود: تاکنون در همکاری مشترک با وزارت کشور و وزارت تعاون ۱۲ هزارزن سرپرست خانوار که فاقد هرگونه پوشش حمایتی بودند تحت آموزش‌های توانفزایی مهارتی برای اشتغال و کارآفرینی قرار گرفته‌اند که این طرح همچنان ادامه دارد و از طریق سازمان‌های مردم نهاد و عمومی مانند جهاد دانشگاهی و کاردوک عملیاتی شده و در تمامی استان‌ها تداوم یافته است. وی تصریح کرد: از سال گذشته هم علاوه بر موارد ذکر شده، تشکل‌های غیردولتی تخصصی کارآفرینی به این مجموعه اضافه شده‌اند که معاونت برای هماهنگی و هم افزایی آنها، ساز و کار جدیدی با عنوان شورای هماهنگی کارآفرینی زنان با حضور بخش‌های دولتی، غیردولتی، خصوصی و تعاونی در معاونت زنان و خانواده تشکیل داده و این شورا هم افزایی و هماهنگی بین بخشی در موضوع کارآفرینی زنان را دنبال می‌کند.

ابتکار ادامه داد: در پی شیوع کرونا در کشور یکی از رویکردهای معاونت توجه بیشتر به معضلات زنان سرپرست خانواری است که تحت پوشش هیچ طرح حمایتی نبوده‌اند و این موضوع در مکاتبه با معاون اول رئیس جمهوری منعکس شده است، ضمن اینکه در همکاری با وزارت کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این مهم پیگیری خواهد شد و در این بین طرح‌هایی مانند ایجاد فرصت‌های جدید اشتغال در تولید لوازم شوینده و بهداشتی و حفاظتی برای پیشگیری در اولویت قرار دارد.

معاون رئیس جمهوری با اشاره به اینکه اکنون این فرصت‌های جدید اشتغال با همکاری دستگاه‌های ذیربط و فعالان بخش خصوصی آغاز شده و در سطح تهران و استان‌ها در حال اجراست، گفت: به عنوان مثال اکنون در کارگاه‌های مختلف با رعایت موازین بهداشتی و پیشگیری و استانداردها، بانوان در حال تولید تجهیزات مورد نیاز هستند که در این روند هم به معیشت آنها کمک می‌شود و هم یاریگر کشور در معضل کنونی هستند.

به گفته وی، طرح‌های توان افزایی اقتصادی زنان سرپرست خانوار با همکاری وزارتخانه‌های همکار و سازمان‌های مردم نهاد در بودجه سال ۹۹پیش بینی شده است ضمن اینکه معاونت امور زنان و خانواده یک دوره ویژه آموزشی را در بحث کرونا برای ۱۲۰۰تشکل مردم نهاد تدارک دیده که به زودی به اجرا در می‌آید.

گفتنی است: این ۱۲۰۰تشکل، سال گذشته در دوره‌های چهار روزه توان افزایی معاونت امور زنان و خانواده شرکت کرده‌اند و اکنون می‌توانند از آموزش‌هایی که دیده‌اند در سطح محلی برای مقابله با تهدید کرونا استفاده کنند.

یادبود

هرگز از یادمان نمی روی

چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۹۹ مصادف با بیست و یکمین سالروز درگذشت همسر و پدر عزیزمان سرتیپ **مهندس منوچهر معینی** می‌باشد. یادش را گرامی می‌داریم.

سیمین معینی ـ دکتر علی معینی
دکتر حسین معینی

بر سپهر تیره‌ی هستی دمی
چون ستاره روشنی بخشید و رفت
قاصد معشوق بود از کوی عشق
چهره‌ی عشاق را بوسید و رفت

اسفندماه مصادف با بیست و سومین سالروز درگذشت مادر عزیزم **بانو همایون تاج شهردار** می‌باشد. روحش شاد، یاد و خاطرش گرامی باد.

کاوه پورفتحی

پدر عزیزم دومین خزان هجرت از راه رسید و ما دلتنگ لحظه‌های ناب بودنت، نوروزی کهنه تر از هر روز در پیش‌رو داریم. به وسعت تمام لحظه‌های حیات، سرشک غم در فراقت جاریست و بی‌وقفه می جوییم تو را هر آنجا که جان گذر میکند...

به اطلاع می‌رساند در آستانه دومین سالگرد هجران عزیز سفر کرده‌مان **«جناب آقای حسین لک»** ضمن تشکر از بذل عنایت تمامی بستگان و آشنایان همدل، با توجه به عدم امکان برگزاری اجتماعات در ایام کنونی، هزینه مراسم سالگرد صرف امور خیریه گردید.

همسر، فرزندان، نوه‌ها، عروسها و داماد

تسلیت

اوست باقی

خانواده محترم کریمی
خبر درگذشت همکار گرامی بازنشسته‌مان
شادروان هادی کریمی

ما را اندوهگین ساخت. از درگاه خداوند سبحان برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای سایر سوگواران صبر و شکیبایی خواهانیم.

سازمان آگهی‌ها

سرکار خانم دکتر اقدم پور
جناب آقای دکتر باصری

درگذشت ابوی گرامی را تسلیت عرض نموده، سلامتی و شکیبایی شما و خانواده محترم را آرزومندیم.

روحشان شاد و یادشان گرامی.

دکتر هایده سمیعی ـ دکتر ویدا عمید
دکتر فرهاد سمیعی

استاد ارجمند جناب آقای دکتر
محمد حسین قاسمی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن فقیده سعیده شادی روح و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت می‌نماییم.

مدیرعامل، هیئت مدیره
پزشکان و پرسنل بیمارستان ایرانیان

کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام
مهدیه عزیز، احمد عزیز

درگذشت مادر مهربان‌تان بانو **عفت موسوی** را که آموزگار بزرگ عاشقی و مقاومت برای همه‌ی ما بود از صمیم قلب تسلیت عرض می کنیم. خداوند متعال روح پاکش را با مولایش علی(ع) محشور نماید و به شما دوستان نازنین صبر و سلامت عنایت فرماید.

حمید احراری، عباس پوراظهری، حبیب‌الله پیمان، مسعود پدرام، سعید درودی، علیرضا رجایی، رضا رییس‌طوسی، حسین رفیعی، بهمن رضاخانی، فریدون سحابی، حامد سحابی، محمودرضا شاه حسینی، احسان شریعتی، فیروزه صابر، کیوان صمیمی، طاهره طالقانی (بسته‌نگار)، امیر طیرانی، امیرنظام‌الدین قهاری، محمود عمرانی، فاطمه گوارایی، مینو مرتاضی لنگرودی، محمد محمدی اردهالی، سعید مدنی، ناصر هاشمی.

خواست، تنهایی ما را به رخ ما بکشد
تنه‌ای بر در این خانه‌ی تنها زد و رفت
برادر و دوست گرامی، جناب آقای
دکتر محمدی گرگانی

غروب خورشید وجود نازنین بانو **عفت موسوی**، همسر مهربان و وفادارتان را از صمیم قلب به شما تسلیت عرض می کنیم، از خداوند متعال برای شما و خانواده‌ی مقاوم و سرافرازتان صبر و سلامتی، طلب و تمنا داریم.

حمید احراری، عباس پوراظهری، حبیب‌الله پیمان، مسعود پدرام، سعید درودی، علیرضا رجایی، رضا رییس‌طوسی، حسین رفیعی، بهمن رضاخانی، احمد زیدآبادی، فریدون سحابی، حامد سحابی، محمودرضا شاه حسینی، احسان شریعتی، فیروزه صابر، کیوان صمیمی، طاهره طالقانی (بسته‌نگار)، امیر طیرانی، امیرنظام‌الدین قهاری، محمود عمرانی، فاطمه گوارایی، مینو مرتاضی لنگرودی، محمد محمدی اردهالی، سعید مدنی، ناصر هاشمی.

جناب آقای مهندس مهدی فرهادی
مدیریت محترم شهر چاپگر نوید خاورمیانه

درگذشت جانسوز برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و برای روح آنمرحوم غفران الهی و برای جنابعالی، والده گرامی و سایر وابستگان صبر و اجر جزیل آرزومندم.

میرنجفی

جناب آقای دکتر علی اکبر صالحی

مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از خداوند طلب صبر و شکیبایی خواستاریم.

شرکت KWC

آگهی تغییرات شرکت آنزان پویا سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۲۳۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۴۱۷۰۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه ، صورت عملکرد سود و زیان ، منتهی به ۱۳۹۸/۰۶/۳۱ مورد تصویب قرار گرفت . مؤسسه حسابرسی امین حسابرس افق بشناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۰۸۳۶۰ و شماره ثبت ۱۷۲۸۳ بعنوان بازرس اصلی و آقای فربد پارسا با کد ملی ۳۱۳۰۹۱۰۳۸۷ بعنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی تعیین گردیدند. روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۸۹)
****

آگهی تغییرات شرکت مجتمع فولاد گیلان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۶۷۶۴۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۰۱۶۶۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به تصویب رسید . موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت رهبین شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۷۹۳۱۱ به عنوان بازرس اصلی و هاله سادات امام به شماره ملی ۰۴۵۳۶۱۱۳۵۴ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند . روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از قبیل چک و سفته و بروات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل همراه با مهر شرکت و سایر مکاتبات اداری با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره یا مدیر عامل همراه با مهر شرکت و سایر مکاتبات اداری با امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره یا مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۰)
****

آگهی تغییرات شرکت سروش رشد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۱۶۵۶۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۰۱۷۴۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای سورن آرستاکس پزشکیان با کد ملی ۱۳۷۸۷۱۴۵۵۵ به عنوان رئیس هیئت مدیره و آقای محمود شکیباپور تبریزی با کد ملی ۰۰۵۰۲۲۵۸۸۱ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند و خانم شراره اسدی با کد ملی ۴۶۰۹۳۶۳۳۰۵ به عنوان مدیرعامل و عضو هیئت مدیره شرکت تعیین گردید . امضای کلیه اسناد و اوراق بهادار از قبیل چک و سفته و قرارداد ها با امضای مدیرعامل به اتفاق یکی از اعضای هیئت مدیره و یا با امضای متفق دو نفر از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت و اوراق عادی و مکاتبات اداری با امضای منفرد مدیرعامل یا یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۱)
****

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه دنا توانا سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۱۵۳۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۸۹۸۵۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : کد پستی شرکت ۱۹۴۷۹۵۳۷۷۸ می باشد که بدین وسیله اصلاح می گردد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۲)
****

آگهی تغییرات شرکت صمخو سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۲۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۴۰۹۱۷

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : خانم وجیهه مقصود یزدانی کد ملی ۱۳۷۰۴۷۱۱۶۵ بسمت رئیس هیئت مدیره وآقای جواد خویلوکد ملی ۱۳۷۶۹۹۰۰۶۷ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای کریم خویلوکد ملی ۰۰۳۱۷۸۲۴۹۳ بسمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره و آقای رضا خویلوکدملی ۰۰۴۳۳۸۱۶۶۹ بعنوان عضو هیئت مدیره و آقای احمد خویلوکد ملی ۰۰۷۲۶۹۸۳۵۷ بعنوان عضو هیئت مدیره انتخاب شدند امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهد آور از جمله چک , سفته و برات با امضاء مدیر عامل و یکی دیگر از اعضاء هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و اوراق و مکاتبات عادی و قراردادها با امضاء مدیر عامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر میباشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۳)
****

آگهی تغییرات شرکت سروش رشد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۱۶۵۶۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۰۱۷۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - آقای سورن آرستاکس پزشکیان دارنده کد ملی شماره ۱۳۷۸۷۱۴۵۵۵ - آقای محمود شکیباپور تبریزی دارنده کد ملی شماره ۰۰۵۰۲۲۵۸۸۱ - خانم شراره اسدی دارنده کد ملی شماره ۴۶۰۹۳۶۳۳۰۵ به عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره و خانم مهتاب شکیباپور تبریزی دارنده کد ملی شماره ۰۰۶۳۸۰۴۴۲۵ به عنوان عضو علی البدل هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. موسسه حسابرسی دل آرام به عنوان بازرس اصلی ، آقای روح اله پرویزی فرشمی دارای کد ملی شماره ۲۵۹۰۴۶۷۸۶۹ به عنوان بازرس علی البدل برای بقیه مدت سال مالی ۱۳۹۸ تعیین گردیدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۴)
****

آگهی تغییرات شرکت گروه هتلهای ملل سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۹۸۱۸۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۵۶۸۹۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و صورت های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه۱۳۹۷ به تصویب رسید موسسه حسابرسی فاطر شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ بعنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی رازدار شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۲۹۰۸۶ به عنوان بازرس علی البدل به مدت یک سال مالی انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت چاپ آگهی انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۵)
****

آگهی تغییرات شرکت سامانه گستر امن رایمند سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۵۱۹۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۰۱۶۲۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای علیرضا پیلتن به شماره ملی ۳۸۷۴۵۰۱۴۳۴ به سمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل - خانم ساره سادات میرپوریان به شماره ملی ۰۰۷۹۱۳۶۱۶۸ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره - خانم منیژه کیافر به شماره ملی ۰۰۴۷۴۵۸۸۱۱ به سمت عضو هیأت مدیره انتخاب گردیدند. - کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل: چک، سفته، بروات، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء منفرد علیرضا پیلتن همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، مهران، خیابان بهنام، کوچه سهند، پلاک ۴ طبقه چهارم، کدپستی ۱۴۷۱۶۱۷۵۶۵ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۵)
****

آگهی تغییرات شرکت سامانه گستر امن رایمند سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۵۱۹۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۰۱۶۲۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند: آقای علیرضا پیلتن به شماره ملی۳۸۷۴۵۰۱۴۳۴ - خانم منیژه کیافر به شماره ملی ۰۰۴۷۴۵۸۸۱۱ - خانم ساره سادات میرپوریان به شماره ملی ۰۰۷۹۱۳۶۱۶۸

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۶)
****

آگهی تغییرات شرکت داروسازی آنی درمان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۲۸۶۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۵۱۶۵۵۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای عباس زمردیان به شماره ملی ۰۰۴۲۱۱۷۰۶۲ به سمت رئیس هیات مدیره آقای اکبر تاری وردی به شماره ملی ۰۰۳۸۶۳۰۲۳۰ به سمت نایب رئیس هیات مدیره آقای امید رهبر صفابه شماره ملی ۰۰۶۴۷۰۴۳۷۸ به سمت عضو هیات مدیره آقای غلامعلی شیوافرد به شماره ملی ۰۰۴۱۹۱۷۹۷۹ به نمایندگی از شرکت اهران تجارت (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۵۲۹۲۶ به سمت عضو هیات مدیره آقای مصطفی اعتباری به شماره ملی ۰۰۴۳۶۴۷۳۸۳ به سمت عضو هیات مدیره آقای پیام سیفی فرزند علی اصغر به شماره ملی ۰۰۶۴۰۲۲۰۵۶ (خارج از سهامداران و اعضای هیات مدیره)به سمت مدیرعامل انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته و برات و همچنین عقود و قراردادها با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیات مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و یا دو نفر از اعضای هیات مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری به امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد مرکز اصلی شرکت به: تهران، محله کاووسیه، خیابان گاندی شمالی، کوچه (سرخه بازار)، خیابان شهید برادران شریفی، پلاک ۲۷ ، طبقه اول، کدپستی : ۱۹۶۹۸۱۳۶۳۱ انتقال یافت.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۷)
****

آگهی تغییرات شرکت گروه صنعت سلولزی تأمین گستر نوین سهامی خاص
به شماره ثبت ۸۴۲۹۰ و شناسه ملی ۱۰۸۰۰۰۲۱۳۰۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای سیدنوراله میراشرفی دارنده به شماره ملی ۰۴۹۰۲۵۴۷۹۹ به نمایندگی از طرف شرکت فیبر بابلسر (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۷۶۰۰۵۶۳۹۶ بعنوان عضو هیئت مدیره (غیر موظف) معرفی شدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۸)

آگهی تغییرات شرکت توان توسعه برنا سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۸۴۰۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۵۰۱۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان برای دوره مالی منتهی به ۱۳۹۸/۰۶/۳۱ به تصویب رسید . آقای پیروز آذر کدملی ۰۰۳۹۵۷۰۳۵۵ بعنوان بازرس اصلی و خانم رفعت فتاحیان کدملی ۰۰۴۷۱۴۸۵۱۹ بعنوان بازرس علی البدل دوره مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ انتخاب گردیدند روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات برای درج آگهی های شرکت انتخاب شد. اشخاص ذیل بعنوان اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال انتخاب شدند: آقای فریدون کیهانی کدملی ۰۰۴۱۳۷۷۱۴۱ آقای یوسف سعید فرجی کدملی ۲۵۹۴۰۱۳۲۵۰ آقای سید محمد رضا آقایان کدملی ۴۵۹۱۰۴۹۷۶۰

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۶)
****

آگهی تغییرات شرکت ارزش آفرینان سرآمد شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۷۸۱۳۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۸۷۹۰۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : افراد ذیل به سمت اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند : شرکت الین شیمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۳۷۹۷۰ به نمایندگی آقای حسین ملاسلمانی به کد ملی ۰۳۸۳۶۹۳۰۴۷ به سمت رئیس وعضو هیئت مدیره شرکت تردسان به شناسه ملی۱۰۱۰۱۵۶۰۴۸۶ به نمایندگی آقای داریوش برومندان به کد ملی۳۸۷۳۳۱۵۱۰۶ بسمت نائب رئیس و عضوهیئت مدیره شرکت آرون تک فن (سهامی خاص) به شناسه ملی۱۴۰۰۷۳۶۶۶۳۰ به نمانیدگی آقای سید علیرضا علوی به کد ملی ۰۰۵۵۸۹۳۲۵۲ بسمت عضو هیئت مدیره آقای محمدحسین شکوه زنگنه به کد ملی ۳۲۵۵۷۵۵۷۶۱ به سمت مدیرعامل) خارج از سهامداران و هیئت مدیره کلیه اسناد تعهد آور از قبیل چک –سفته و برات و قراردادها به امضاء مشترک آقای محمدحسین شکوه زنگنه به عنوان مدیر عامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفقاهمراه با مهر شرکت و در غیاب ایشان با امضاء مشترک دونفر از اعضاء هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد نامه ها و مکاتبات عادی شرکت با امضاء آقای محمدحسین شکوه زنگنه به عنوان مدیر عامل و یا یکی از اعضای هیئت مدیره منفردا همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۷)
****

آگهی تغییرات شرکت صمخو سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۲۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۴۰۹۱۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه وحساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹بتصویب رسید. آقای رامین فرهی راد کد ملی ۰۰۵۷۳۷۰۸۱۸ بعنوان بازرس اصلی و آقای علی گلی کد ملی ۰۰۵۸۳۰۴۴۹۵ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند آقایان جواد خویلو کد ملی ۱۳۷۶۹۹۰۰۶۷ و احمد خویلو کد ملی ۰۰۷۲۶۹۸۳۵۷ و خانم وجیهه مقصود یزدانی کد ملی ۱۳۷۰۴۷۱۱۶۵ و آقای کریم خویلو کد ملی ۰۰۳۱۷۸۲۴۹۳ و آقای رضا خویلو کد ملی ۰۰۴۳۳۸۱۶۶۹ بعنوان اعضاء اصلی هیئت مدیره و خانمها زهرا خویلو کد ملی ۰۰۴۳۴۳۱۵۷۷ و زیبا خویلو کد ملی ۰۰۴۳۴۶۹۷۴۴ بعنوان اعضاء علی البدل هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت انتخاب شد

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۸)
****

آگهی انتقال شرکت بین المللی توسعه و سرمایه گذاری اسپادان پرشیا سهامی خاص
شناسه ملی ۱۰۲۶۰۴۷۲۹۵۸

به موجب نامه شماره ۹۷/۴۴۵/۱۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۵/۲۴ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اصفهان و مستند به صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخهٔ ۱۳۹۷/۰۳/۰۹ مرکز اصلی شرکت بین المللی توسعه و سرمایه گذاری اسپادان پرشیا سهامی خاص به نشانی تهران ، شهرستان تهران- بخش مرکزی- شهر تهران- محله قصرالدشت - کوچه همایون - کوچه شهید مشهدی علی اکبر- پلاک -۳۸طبقه همکف - به کد پستی: ۱۳۴۶۸۴۳۴۹۹ انتقال یافت و در اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری تحت شماره ۵۳۰۴۲۲ به ثبت رسیده است .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۱۹۹)
****

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی یاس بنفش تهران سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۷۶۲۷۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۸۶۲۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری باامضاء رئیس هیئت مدیره منفردا همراه با مهر شرکت و در غیاب رئیس هیئت مدیره با امضاء مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء خانم ها هنگامه فتاحی و هانیه فتاحی متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۰)
****

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی یاس بنفش تهران سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۷۶۲۷۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۸۶۲۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری باامضاء رئیس هیئت مدیره منفردا همراه با مهر شرکت و در غیاب رئیس هیئت مدیره با امضاء مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء خانم ها هنگامه فتاحی و هانیه فتاحی متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۱)
****

آگهی تغییرات شرکت رنوپارس سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۲۲۹۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۴۱۹۳۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۷/۱۰/۱۰ به تصویب رسید. - موسسه حسابرسی هشیار بهمند و حسابداران رسمی و موسسه حسابرسی تدوین و همکاران به ترتیب به عنوان بازرس اصلی و علی البدل برای یک سال مالی انتخاب شدند - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۲)
****

آگهی تغییرات شرکت داروسازی کوثر سهامی عام
به شماره ثبت ۱۸۶۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۳۴۷۰۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای اکبر بیات با کد ملی ۰۰۳۶۲۲۳۷۶۱ بجای آقای مهران براهیمی به شماره ملی ۱۱۹۹۰۹۲۹۳۲ به نمایندگی از شرکت مکتاف با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۰۵۲۴۷ بعنوان نایب رییس هیئت مدیره و آقای علی قائمی طهرانی با کد ملی ۰۰۶۹۰۲۶۸۶۶ بجای آقای حسین امیر عضدی به شماره ملی ۲۳۷۱۸۵۷۷۵۰ به نمایندگی ازشرکت داروسازی امین با شناسه ملی ۱۰۲۶۰۰۶۳۲۵۸ به عنوان عضو هیئت مدیره وآقای امید حجازی فرهمند با کد ملی ۰۰۵۷۲۶۱۲۴۵ به نمایندگی از شرکت اعلا نیرو با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۲۰۷۲۰به عنوان رئیس هیأت مدیره و آقای فرشید شاهین با کد ملی ۰۰۴۶۶۶۵۲۲۶ به نمایندگی از شرکت هلپاک به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۱۲۰۶۴ به عنوان مدیرعامل و عضو هیأت مدیره و آقای رامین رادمنش با کد ملی ۰۰۷۰۹۷۵۹۴۹ به نمایندگی از شرکت طرح توسعه کوثرامین با شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۰۳۶۸۴ به عنوان عضو هیأت مدیره تعیین گردیدند - کلیه اوراق و اسناد تعهد آور شرکت با امضای مدیرعامل و یکی از اعضاء هیات مدیره و در صورت نبود مدیرعامل، با امضاء دو عضو هیات مدیره به همراه مهر شرکت و اوراق و اسناد غیر تعهد آور با امضاء مدیرعامل یا یکی از اعضاء هیأت مدیره به همراه مهر شرکت دارای اعتبار می باشد .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۹)
****

آگهی تغییرات شرکت مجتمع صنایع دینه ایران سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۷۱۱۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۲۵۳۰۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۳۰ و اجازه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۸/۱۰/۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۹۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ریالی با نام که تماماً پرداخت شده و از محل سود انباشته تامین گردیده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل و امضاء گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۲۵)
****

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور ایستا گویا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۰۰۳۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۴۳۳۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمدرضا مرزوقی به شماره ملی: ۰۴۵۱۸۳۴۳۹۹ بسمت بازرس اصلی و آقای ذبیح اله منظوری به شماره ملی: ۳۷۸۱۸۳۲۴۹۱ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند . ترازنامه وحساب سود وزیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۲۶)

آگهی تغییرات شرکت فخر شیمی رازان سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۴۰۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۷۵۳۲۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : اعضای هیئت مدیره بشرح ذیل برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند صدف جواهری بشماره ملی: ۰۰۷۳۴۷۱۵۹۳ به سمت رئیس هیئت مدیره و سپیده جواهری بشماره ملی: ۰۳۸۴۱۷۴۵۹۰ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و محمد حسین جواهری بشماره ملی : ۰۳۸۴۳۷۰۶۷۵ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل و امضاء کلیه اوراق عادی و اداری ، رسمی و اسناد ومالی و تعهدآور با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر می باشد .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۳)
****

آگهی تغییرات شرکت توسعه سرمایه گذاری کاسپین سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۲۷۵۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۸۶۶۳۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : کلیه سرمایه تعهدی شرکت توسط صاحبان سهام پرداخت گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۴)
****

آگهی تغییرات شرکت لاله اکباتان شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۶۵۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۱۷۳۷۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : صورتهای مالی منتهی به ۲۹ اسفند ۱۳۹۶ به تصویب رسید . موسسه حسابرسی و خدمات مالی حافظ گام (حسابداران رسمی) با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۸۴۰۳۵ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی خدمات مدیریت آزموده کاران (حسابداران رسمی) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای یک سال مالی انتخاب شد روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۵)
****

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری پردیس شرکت سهامی عام
به شماره ثبت ۵۳۳۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۷۱۴۴۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۷ و به استناد مجوز شماره ۱۲۲/۵۲۵۱۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۷سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - محمد باغستانی به کدملی ۰۰۸۰۶۴۹۶۲۹ به نمایندگی شرکت تولید و صادرات ریشمک به شناسه ملی ۱۰۵۳۰۰۱۰۵۴۰ به سمت رئیس هیئت مدیره و تایماز حمایلی مهربانی با کدملی ۰۰۸۱۷۷۳۸۴۶ به نمایندگی شرکت سرمایه گذاری پویا به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۸۸۵۲۸ به سمت عضو هیئت مدیره و مجتبی ستاری قهفرخی با کدملی ۱۲۹۲۷۳۸۸۲۰ به نمایندگی شرکت لیزینگ ایران و شرق به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۱۲۱۷۰ به سمت عضو هیئت مدیره و محسن نامداری با کدملی ۱۲۱۹۸۷۱۳۴۶ به نمایندگی شرکت سرمایه گذاری تدبیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۷۶۶۶ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل انتخاب گردیدند - تمامی قراردادها و عقود اسلامی ، اوراق بهادار و کلیه اسناد مالی و اداری تعهد آور ازجمله چک، بروات و سفته با امضاء متفق و مشترک مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیرعامل ، با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضاء هیئت مدیره ، همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. - هیئت مدیره حدود اختیارات مدیرعامل را به شرح زیر تفویض نمود : ۱- نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام اشخاص ثالث و کلیه ادارات دولتی و موسسات خصوصی. ۲- تدوین و پیشنهاد نمودار سازمانی،آیین نامه ها، دستورالعمل ها و رویه های لازم برای اداره شرکت جهت تصویب هیئت مدیره ۳- پیشنهاد ایجاد و حذف نمایندگی ها یا شعب در هر نقطه از ایران یا خارج از ایران و پیشنهاد مدیران آن. ۴- تدوین و پیشنهاد برنامه بودجه سالیانه شرکت برای تصویب هیئت مدیره. ۵- نصب و عزل کلیه ماموران و کارکنان شرکت ، تعیین شغل ، حقوق و دستمزد، پاداش ، ترفیع ، تشویق و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدام و معافیت و خروج آن ها از خدمت و بازنشستگی و مستمری وراث آن ها در چارچوب برنامه و بودجه سازمان و تشکیلات و آیین نامه های مصوب هیئت مدیره شرکت. ۶- پیشنهاد افتتاح هر نوع حساب (اعم از ارزی و ریالی ، داخل ، یا خارج از کشور) و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانک ها و موسسات اعتباری با معرفی امضاهای مجاز. ۷- دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن اعم از اصل و سود تضمین شده و کارمزد اعتبارات داخلی و خارجی و متفرعات آن. ۸- قبولی ، پرداخت و واخواست اوراق تجاری با امضاهای مجاز. ۹- عقد هر نوع قرار داد و تغییر و تبدیل یا فسخ آن در مورد خرید و فروش ، اجاره و معاوضه اموال منقول و غیرمنقول که مرتبط با موضوع شرکت باشد و بالجمله انجام کلیه عملیات و معاملات مندرج در ماده ۲ اساسنامه و در چارچوب آئین نامه های مصوب هیئت مدیره ۱۰- پیشنهاد واگذاری یا تحصیل هرگونه حق کسب و پیشه و تجارت (سرقفلی). ۱۱- تقدیم درخواست و پیگیری ثبت هرگونه اختراعات و یا نام نشان و تصویر و علائم تجاری و یا خرید و فروش و تحصیل و یا فروش و یا واگذاری اختراعات و ورقه اختراع و یا هرگونه حقوق و یا اختیارات مربوط به آن ها پس از تصویب هیئت مدیره. ۱۲- پیشنهاد به امانت گذاردن هر نوع اسناد و مدارک وجوه شرکت در صندوق های دولتی و خصوصی و بانک و استرداد آن ها. ۱۳- پیشنهاد تحصیل تسهیلات از بانک ها ، شرکت ها و موسسات رسمی و درخواست و اخذ هر نوع استقراض به هر مبلغ و به هر میزان سود و کارمزد و یا هرگونه شرایطی که مقتضی باشد با رعایت مقررات ماده ۲ اساسنامه ۱۴- پیشنهاد رهن گذاردن اموال شرکت اعم ز منقول و یا غیرمنقول به نفع شرکت و فک آن ولو کرارا ۱۵- تنظیم خلاصه صورت دارائی و بدهی های شرکت هر شش ماه یک بار و ارائه آن به بازرس قانونی ۱۶- تنظیم صورت دارائی و دیون شرکت پس از انقضاء سال مال و هم چنین تنظیم ترازنامه و صورت حساب سود و زیان شرکت. ۱۷- طرح و اقامه هرگونه دعوی اعم از حقوقی و کیفری به طرفیت اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی و دفاع از هرگونه دعوی اعم از مدنی و جزائی در کلیه مراجع و در تمامی مراحل با حق پژوهش ، فرجام،تعیین وکیل، ادعای جعل نسبت به سند طرف ، تعیین جاعل ، تعیین داور یا بدون اختیار صلح و تعیین وکیل با یا بدون حق توکیل به غیر و توکیل در توکیل ، تعیین مصدق و کارشناس ، اقرار ، خواه در ماهیت دعوی ، خواه در امری که کاملا قاطع دعوی باشد. دعوی خسارت ، دعوی جلب ثالث و ورود ثالث و دعوی متقابل و دفاع از دعاوی مذکور تامین مدعی به تقاضای توقیف اشخاص و اموال از مراجع اداری و قضائی اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شرکت ، درخواست صدور برگ اجرائی و تعقیب عملیات اجرایی و اخذ محکوم به تودیعی چه در دادگاه و چه در ادارات و دوایر ثبت اسناد. ۱۸- تعیین نمایندگان شرکت به عنوان نماینده صاحب سهام در مجامع عمومی شرکت های سرمایه پذیر و پیشنهاد اعضای هیئت مدیره در شرکت های تابعه به هیئت مدیره. ۱۹- پیشنهاد پاداش عملکرد هیئت مدیره شرکت های تابعه با توجه به نتایج عملکرد ایشان در چارچوب مصوبات مجامع عمومی شرکت های مزبور با تصویب هیئت مدیره. ۲۰- بررسی و ارائه پیشنهادات لازم در مورد توسعه فعالیت های شرکت یا سرمایه گذاری ها و مشارکت های جدید،خرید و فروش سهام شرکت ها.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۶)
****

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور گونه شناسی بنا شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۹۸۰۳۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۲۰۷۱۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای ابوالقاسم شفاهی ک م ۴۶۰۹۳۳۲۴۶۹ بسمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و آقای حسین آقا عقیلی ک م۲۱۲۱۱۲۶۱۴۷ بسمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای محمدرضا شفاهی ک م ۰۰۶۴۱۹۷۲۳۹بسمت عضو هیئت مدیره و قائم مقام مدیر عامل و آقای جمشید ریاضی ک م ۲۲۹۴۹۵۰۷۹۸ بسمت عضو هیئت مدیره و آقای مرتضی رفیعی تفرشی ک م ۰۵۸۹۶۱۸۷۳۳ بسمت عضو هیئت مدیره و خانم بانو شهناز زرین گهر ک م۰۰۴۱۴۰۳۲۲۳ به سمت عضو علی البدل هیئت مدیره تعیین شدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته و بروات و اوراق تعهدآور با امضای مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره با مهر شرکت و اوراق عادی اداری و اوراق سازمان نظام مهندسی ساختمان با امضای مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می باشد .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۷)
****

آگهی تغییرات شرکت فربت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۱۷۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۱۷۵۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای جعفر پیله وریان با کدملی ۱۲۶۱۶۰۰۳۴۷ را بعنوان رئیس هیئت مدیره و آقای سینا مرشد با کدملی ۰۰۵۰۸۱۴۰۶۰ را بعنوان نائب رئیس هیئت مدیره و آقای چنگیز احمری پور با کدملی ۰۰۳۴۷۶۱۹۲۶ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و آقایان عبدالرحیم کامیار با کدملی ۴۳۲۰۶۸۸۳۵۱ و سعید گرجی با کدملی ۰۰۴۱۶۹۵۶۱۵ به سمت عضو هیئت مدیره و آقایان محمودرضا مسعودی با کدملی ۰۰۵۰۴۱۳۱۴۷ و علیرضا بصیری با کدملی ۳۸۷۱۰۸۴۶۴۶ به سمت عضو علی البدل هیئت مدیره برای بقیه دوره تصدی هیئت مدیره انتخاب گردیدند . کلیه اسناد و اوراق تعهدآور و چک ها و قراردادها باامضاء مدیرعامل (و در غیاب ایشان با امضاء رئیس هیئت مدیره) به همراه یکی از اعضاء اصلی و مهر شرکت و امضاء مکاتبات عادی و اداری با امضاء مدیرعامل (و در غیاب ایشان با امضاء رئیس هیئت مدیره) و مهر شرکت خواهد بود .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۲۳)
****

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری خانه سازی ایران شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۲۷۶۴ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۶۶۹۵۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای عبدالرضا کرد کد ملی ۵۲۶۹۶۲۷۸۹۲ به عنوان نماینده حقیقی موسسه املاک و مستغلات تامین اجتماعی ۱۰۱۰۰۳۵۷۸۰۲ در هیات مدیره شرکت بعنوان عضو غیر موظف انتخاب گردید. بنابراین عبدالرضا کرد به عنوان رئیس هیات مدیره و آقای محمدرضا محمدی ۰۹۳۴۱۱۷۳۶۵ به عنوان نایب رئیس هیات مدیره شرکت انتخاب شدند - کلیه اسناد و اوراق بهادار ، تعهدآور از جمله چک ، سفته ، برات و قراردادها با امضاء مدیرعامل به اتفاق یکی از اعضاء هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد، همچنین امضاء مکاتبات عادی شرکت با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت و در غیاب ایشان با امضاء یک نفر از اعضاء هیات مدیره و مهر شرکت دارای اعتبار است.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۲۴)

آگهی تغییرات شرکت پژوهش و نوآوری فرتاک ایرانیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۲۷۱۱۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۶۳۹۰۸۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۷ سرمایه شرکت از مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰۰۰ریال به مبلغ ۲۷۰۰۰۰۰۰۰۰ریال منقسم به ۲۷۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام از طریق مطالبات حال شده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح یاد شده اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۸)
****

آگهی تغییرات شرکت سکو کاوش سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۶۳۲۲۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۹۵۷۵۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای پرویز طالب پور به شماره ملی ۴۵۹۰۱۳۸۷۹۴ به عنوان مدیر تصفیه برای مدت ۲ سال انتخاب گردید - نشانی مدیر تصفیه و محل تصفیه به آدرس: تهران - سعادت آباد - بلوار فرهنگ - کوی فرهنگ - کوچه حسین خانی - پلاک ۵ واحد ۴۸ کدپستی ۱۹۹۷۷۳۳۴۷۳ تعیین گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۰۹)
****

آگهی تغییرات شرکت هواپیمائی مسافرتی و گردشگری آرمین پرند شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۱۶۱۸ و شناسه ملی ۱۰۱۸۳۰۰۱۷۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۶ و طبق نامه شماره ۹۷۲۳۰۳/۲۲۷۶۸ مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۴ سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری نام شرکت به : خدمات مسافرتی و گردشگری آرمین پرند تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. حجت اله قلی تبار سرپرست اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری شهرستانهای استان تهران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری رباط کریم (۷۸۹۲۱۰)
****

آگهی تغییرات شرکت حامی نیکان پروشات سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۷۱۹۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۸۶۲۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت . موسسه حسابرسی آمارکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۳۷۱۱۷ به سمت بازرس اصلی و آقای سید محمد رضا ساجدی مجد به شماره ملی ۰۰۷۱۱۰۶۳۷۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند . که با امضاء صورت جلسه قبولی سمت خود را اعلام نمودند . روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۱)
****

آگهی تغییرات شرکت تعاونی تولیدی توزیعی کارکنان نیروگاه دماوند
به شماره ثبت ۲۱۲۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۵۵۵۹۸

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ و مجوز شماره ۹۸۲/۱۰۹/۲۷۸۹۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۹ اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان پاکدشت تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای مسعود رشیدی به شماره ملی ۴۵۰۱۲۸۵۰۳۶ به جای آقای مهدی قنبری نیک به شماره ملی ۰۹۴۰۸۳۹۰۰۸ به سمت مدیر عامل برای بقیه مدت تصدی هیأت مدیره انتخاب گردید. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات و قراردادها با امضای مدیر عامل به اتفاق رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضای مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. حجت اله قلی تبار سرپرست ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری پاکدشت (۷۸۹۲۱۲)
****

آگهی تغییرات شرکت پایار لبن سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۸۸۹۹۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۶۶۴۳۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی۹۷ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی اطهر به عنوان بازرس اصلی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۷۶۶۱و آقای علیرضا بهداد هیئت با کد ملی ۰۰۴۷۶۰۳۹۹۲ به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۳)
****

آگهی تغییرات شرکت مجتمع تولیدی جوجه یکروزه پویا طبرستان سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۰۳۰۶۶ و شناسه ملی ۱۰۷۶۰۳۷۲۱۴۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : مرکز اصلی شرکت به : استان مازندران، شهرستان ساری، بخش مرکزی ، شهر ساری، پاسداران، بلوار پاسداران، بن بست پامچال، پلاک ۰ ، ساختمان شهر آرا ، طبقه منفی ۱ کدپستی ۴۸۱۴۹۱۴۸۷۷ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید

. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۴)
****

آگهی تغییرات شرکت محیط نگار هوشمند شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۰۳۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۱۶۶۳۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی با نام که تماما پرداخت شده از طریق مطالبات حال شده افزایش یافت . ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۵)
****

آگهی تغییرات شرکت ایران سازه سهامی خاص
به شماره ثبت ۷۸۵۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۳۹۶۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی مختار و همکاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۴۲۰۹۳ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی بهراد مشار با شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۶)
****

آگهی تغییرات شرکت گلچین رسانه هوشمند سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۲۴۵۱۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۵۷۲۴۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۱ و مجوز شماره ۱۶۷۶ / ۱ / ۹۸ مورخ ۹۸/۱۱/۳۰ اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری تصمیمات ذیل اتخاذ شد: به موضوع شرکت موارد ذیل الحاق و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: تولید و ارائه خدمات در خصوص انواع محصولات رسانه چاپ، نظیر لیبل ها و کارت‌های هوشمند که دارای باریکه مغناطیسی و یا تراشه اعم از تماسی و یا غیرتماسی بوده و انجام فرآیند شخصی‌سازی آن مبتنی بر انواع تکنیک‌های چاپی در سطح بدنه و بارگذاری نرم‌افزارها، داده‌ها و اطلاعات در لایه الکترونیکی به کمک تولید و بکارگیری نرم‌افزارهای مرتبط در جهت اجرای طرح‌های جامع فن‌آوری اطلاعات در رسانه نوین چاپ و الکترونیک، تولید و بسته بندی ملزومات داروئی، خرید و واردات در خصوص تهیه ملزومات و مواد اولیه موردنظر، فروش و صادرات محصولات و مواد اولیه فرآوری شده و حق العمل کاری در انجام پروژه‌های مربوطه، واردات، طراحی و تولید تجهیزات و ملزومات پزشکی، آزمایشگاهی، اندازه‌گیری، تشخیصی و دندانپزشکی و تولید و واردات قطعات و مواد مصرفی، کیت ها، لوازم جانبی پزشکی، دندانپزشکی، آزمایشگاهی و تجهیزات پزشکی

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۳۱)
****

آگهی تغییرات شرکت تعاونی روستایی ازادی
به شماره ثبت ۱ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۲۲۷۱۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۹ و مجوز شماره ۱۸۴/۱۰۹۷ مورخه ۱۳۹۵/۰۲/۲۶ تعاون روستایی شهریار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - غلامرضا زارع جعفری به شماره ملی ۴۹۱۰۱۶۶۹۳۹ به سمت بازرس اصلی و حسین یاری به شماره ملی ۴۹۱۰۲۰۹۶۵۴ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند - سرمایه شرکت از مبلغ ۲۵۸/۰۲۶۲/۲۰۰ ریال به مبلغ ۳/۰۷۶/۴۷۹/۱۷۱ افزایش و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. - ترازنامه و حساب سود و زیان سال ۱۳۹۳ به تصویب رسید . - قاسم تاجیک به شماره ملی ۴۹۱۱۰۱۵۸۶۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و پرویز آبیار خو به شماره ملی ۴۹۱۱۰۶۰۹۵۶ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و محمد علی تاجیک به شماره ملی ۴۹۱۰۹۵۴۵۲۸ به سمت عضو هیئت مدیره و محمد نبوی به شماره ملی ۵۵۲۹۸۱۰۳۷۳ به سمت عضو هیئت مدیره احمد عباسی به شماره ملی ۰۰۴۵۰۵۶۷۴۹ به سمت عضو هیئت مدیره همگی به سمت اعضا اصلی و امیر منصور تاجیک به شماره ملی ۴۹۱۰۲۳۸۷۸۶ و حسین توکلی به شماره ملی ۴۹۴۰۱۶۷۶۴۱ هر دو به سمت عضو علی البدل هیئت مدیره و بابک چهار لنگ به شماره ملی ۴۹۱۰۱۶۷۹۲۷ (خارج از اعضا هیئت مدیره) به سمت مدیر عامل برای مدت سه سال انتخاب گردیدند.

حجت اله قلی تبار سرپرست اداره ثبت شرکت ها وموسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری شهریار (۷۹۰۶۳۲)

آگهی تغییرات شرکت محیط نگار هوشمند سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۰۳۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۱۶۶۳۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : سید حامد اعتصامی با شماره ملی ۰۰۷۲۷۰۰۲۵۴ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره کاظم تقی خانی با شماره ملی ۰۰۶۳۴۲۹۵۹۴ به سمت رئیس هیئت مدیره علیرضا رشادی با شماره ملی ۰۰۱۲۳۸۴۶۲۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره انتخاب گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، برات ، قراردادها و عقود با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۷)
****

آگهی تغییرات شرکت ایران سازه سهامی خاص
به شماره ثبت ۷۸۵۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۳۳۹۶۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای قاسم قانعی به شماره ملی ۳۷۳۱۸۲۵۵۰۳ به نمایندگی شرکت سولیران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۹۶۳۳۷ به سمت رئیس هیئت مدیره، - آقای احمد قاسمی به شماره ملی ۵۸۲۹۴۸۵۴۶۱ به نمایندگی از شرکت بین المللی بازرسی کالای تجاری به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۷۴۱۴۴ به سمت مدیر عامل و نایب رئیس هیئت مدیره - آقای سید حامد محتشمی پور به شماره ملی ۰۰۷۲۸۰۹۳۸۸ به نمایندگی از شرکت دورآل به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۱۹۲۹۰ به سمت عضو هیئت مدیره - آقای جواد مرادی به شماره ملی۰۰۶۴۷۷۹۷۳۴ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری سیمان تأمین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۴۲۰۶۶ به سمت عضو هیئت مدیره . - کلیه اسناد،اوراق بهادار و تعهدآور با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره به همراه مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضاء هیئت مدیره به همراه مهر شرکت و نیز مکاتبات عادی و جاری با امضاء مدیرعامل و مهر شرکت اعتبار خواهد داشت

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۸)
****

آگهی تغییرات شرکت محیط نگار هوشمند سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۱۰۳۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۱۶۶۳۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : افراد ذیل به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند: سید حامد اعتصامی با شماره ملی ۰۰۷۲۷۰۰۲۵۴ کاظم تقی خانی با شماره ملی ۰۰۶۳۴۲۹۵۹۴ علیرضا رشادی با شماره ملی ۰۰۱۲۳۸۴۶۲۳ افراد ذیل به سمت بازرسین برای مدت ۱ سال مالی انتخاب شدند: مهدیه صفاری دهج به شماره ملی ۰۰۷۰۹۴۲۵۴۴ به سمت بازرس اصلی سید محمد صادق گلستانه به شماره ملی ۰۰۱۳۵۹۴۱۷۶ به سمت بازرس علی البدل

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۱۹)
****

آگهی تغییرات شرکت تحلیل گران تراز پادرا با مسئولیت محدود
به شماره ثبت ۵۳۶۲۷۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۰۷۲۸۵۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای میثم صالحی به کد ملی ۰۰۷۷۴۰۵۴۹۸ به موجب سند صلح شماره ۶۵۷۷۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۳۰ در دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۴۸۷ حوزه ثبتی تهران مبلغ ۴۹۰۰۰۰۰ ریال از سهم الشرکه خود را به آقای میثم حاتمی به کد ملی ۰۳۲۳۶۰۸۸۰۹ و مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال از باقی مانده سهم الشرکه خود را به خانم درنا خوشه چین به کد ملی ۰۰۷۸۱۲۴۴۱۷ واگذار نمود و از ردیف شرکاء شرکت خارج گردید. اسامی شرکاء پس از نقل و انتقال سهم الشرکه به شرح ذیل می باشد : - آقای میثم حاتمی به کد ملی ۰۳۲۳۶۰۸۸۰۹ دارای ۹۹۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه - خانم درنا خوشه چین به کد ملی ۰۰۷۸۱۲۴۴۱۷ دارای ۱۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۰)
****

آگهی تغییرات شرکت لیوی داران شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۸۸۹۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۶۶۴۲۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - ترازنامه و حساب سود و زیان و صورتهای مالی سال ۱۳۹۷ به تصویب مجمع رسید . -موسسه حسابرسی اطهر به عنوان بازرس اصلی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۷۶۶۱و آقای علیرضا (بهداد) هیئت دارنده کد ملی ۰۰۴۷۶۰۳۹۹۲ به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند -روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۱)
****

آگهی تغییرات موسسه غیر انتفاعی صندوق کمک رفاه کارکنان بانک رفاه کارگران
به شماره ثبت ۴۳۵۵۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۲۸۹۱۸۲

به استناد صورتجلسه هیئت عامل مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقای سعید کیمیا قلم با کد ملی ۴۲۸۴۵۸۹۷۵۱ به سمت ریاست هیات عامل آقای احمد قنبر با کد ملی ۰۴۹۲۴۵۱۲۶۵ به سمت نایب رییس هیات عامل و مدیر عامل آقای رحیم بوداغی با کد ملی ۲۹۵۹۷۸۶۵۶۴ به سمت عضو هیات عامل انتخاب گردیدند کلیه اوراق اسناد بهادار و تعهد آور از قبیل کلیه چک ها ، سفته ها ، بروات و قرارداد ها با امضای متفق مدیر عامل و یکی از اعضای هیات عامل و مهر موسسه و اسناد و مکاتبات عادی و غیر تعهد آور با امضای منفرد مدیر عامل و مهر موسسه معتبر خواهد بود

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۲)
****

آگهی تغییرات موسسه غیر انتفاعی صندوق کمک رفاه کارکنان بانک رفاه کارگران
به شماره ثبت ۴۳۵۵۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۲۸۹۱۸۲

به استناد صورتجلسه هیئت امنا مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : سعید کیمیا قلم با کد ملی ۴۲۸۴۵۸۹۷۵۱ ، احمد قنبر با کد ملی ۰۴۹۲۴۵۱۲۶۵ و رحیم بوداغی با کد ملی ۲۹۵۹۷۸۶۵۶۴ به سمت اعضای هیات عامل موسسه برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۳)
****

آگهی تغییرات شرکت سامانه گستر امن رایمند سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۵۱۹۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۰۱۶۲۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : تعداد اعضاء هیأت مدیره به سه نفر افزایش یافت و ماده مربوطه اساسنامه اصلاح گردید

. سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۸۹۲۲۴)
****

آگهی تغییرات شرکت حفاری شمال سهامی عام
به شماره ثبت ۱۴۹۲۳۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۲۰۸۳۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۹ و مجوز شماره ۲۵۰۸۵مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ سازمان خصوصی سازی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات ، دنیای اقتصاد جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. - موسسه حسابرسی مفید راهبر به شماره ملی ۱۰۸۶۱۸۳۶۵۳۱ به عنوان بازرس قانونی برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. اشخاص حقوقی زیر به مدت دو سال بعنوان اعضاء هیات مدیره انتخاب شدند. شرکت مالی و سرمایه گذاری پیشرو ایران به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۷۵۸۱۹ شرکت انرژی گستر سینا به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۴۵۰۲۲ بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۹۲۰ سازمان بیمه سلامت به شماره شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۲۱۳۸۵ شرکت سمت و سوی توسعه ایرانیان به شماره شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۴۷۱۸ -۶

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۲۷)
****

آگهی تغییرات شرکت حمل دریائی ایران سهامی خاص
به شماره ثبت ۵۲۴۶۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۷۶۱۱۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۵ ومجوز شماره ۴۶۵۰۲/ص/۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۶ سازمان بنادر ودریانوردی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مسعود دانشمند به شماره ملی ۳۶۲۰۸۵۰۹۴۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و محمد اسمعیل دانشمند به شماره ملی ۰۴۳۹۵۵۳۷۶۸به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و علی اصغر شیخ به شمارملی۳۸۷۳۷۰۰۵۲۲ به سمت عضو هیئت مدیره و چیستا دانشمند به شماره ملی ۰۰۶۹۸۱۳۹۰۶ به سمت مدیر عامل (خارج از هیئت مدیره) تعیین گردیدند. حق امضاء اسناد و اوراق تعهد آور شرکت با امضاء مدیر عامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفقا با مهر شرکت و مکاتبات عادی واداری با امضاء مدیر عامل و یا رئیس هیات مدیره خواهد بود . محل شرکت به آدرس: استان تهران، منطقه ۱۴، شهرستان تهران ، بخش مرکزی ، شهر تهران، محله ونک، بزرگراه کردستان، خیابان گرمسار شرقی - پلاک ۹ طبقه اول کد پستی ۱۴۳۵۸۷۴۴۸۱ تغییر یافت.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۲۸)
****

آگهی تغییرات صندوق سرمایه گذاری مشترک نو اندیشان
به شماره ثبت ۲۹۱۲۶ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۵۹۴۰۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۴ و نامه شماره ۱۲۲/۵۹۳۲۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۴ سازمان بورس اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: دوره فعالیت صندوق تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۵ تمدید گردید . حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت حسابرسین به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۱۶۹۹۱ به عنوان متولی صندوق انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۷۹۰۶۲۹)

مجلس نمایندگان آمریکا، اختیارات جنگی ترامپ علیه ایران را محدود کرد

سرویس خارجی: مجلس نمایندگان آمریکا به قطعنامه تصویب شده در سنای این کشور برای محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ علیه ایران رای داد و این اختیارات را محدود کرد. مجلس نمایندگان آمریکا با ۲۲۷ رای موافق و ۱۸۶ رای مخالف، قطعنامه محدود کردن اختیارات جنگی ترامپ علیه ایران را تصویب کرد. براساس این قطعنامه، کنگره هیچ وضعیت جنگی را نسبت به ایران اعلام نکرده و مجوز قانونی برای استفاده از نیروی نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران هم به تصویب نرسیده است.

اطلاعات

سال نود و چهارم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

تقویم اطلاعات

شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۸
۱۹ رجب ۱۴۴۱ - ۱۴ مارس ۲۰۲۰

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۳ دقیقه
غروب آفتاب	۱۸ و ۱۱ دقیقه
اذان مغرب	۱۸ و ۲۹ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۱ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۵۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۵ دقیقه

مسکو: حملات هوایی اسرائیل به سوریه، منطقه را بحرانی تر می کند

سرویس خارجی: سخنگوی وزارت خارجه روسیه حملات هوایی رژیم صهیونیستی علیه سوریه را موجب افزایش بحران در منطقه و نقض حاکمیت کشورهای عربی دانست. «ماریا زاخارووا» در جمع خبرنگاران به انتقاد از حملات هوایی رژیم صهیونیستی به مواضعی در خاک سوریه پرداخت و با بیان اینکه حملات هوایی این رژیم خودسرانه است، تأکید کرد: ادامه حملات یکجانبه اسرائیل علیه اراضی سوریه، نقض حاکمیت کشورهای عربی و موجب نگرانی است و در افزایش بحران در منطقه تأثیر دارد.

پکن، ارتش آمریکا را به اشاعه ویروس کرونا در چین متهم کرد

سرویس خارجی: «ژائو لی جیان» سخنگوی وزارت خارجه چین اعلام کرد که ممکن است ارتش آمریکا اپیدمی ویروس کرونا را به شهر «ووهان» آورده باشد.

ژائو در توئیتی خطاب به آمریکا نوشت: شفاف باشید و اطلاعات خود را در اختیار عموم قرار دهید، آمریکا یک توضیح به ما بدهکار است و به همین دلیل ممکن است ارتش آمریکا اپیدمی ویروس کرونا را به شهر «ووهان» آورده باشد. سخنگوی وزارت خارجه چین ایالات متحده را فاقد شفافیت اعلام کرد و در ادامه توئیت خود نوشت: کرونا چه زمانی در آمریکا شروع شد؟ چند نفر آلوده هستند؟ در کدام بیمارستان‌ها هستند؟ ممکن است ارتش آمریکا این بیماری همه گیر را به ووهان آورده باشد. شفاف باشید! داده‌های خود را عمومی کنید! ایالات متحده توضیحی به ما مدیون است! اظهارات ژائو در حالی است که «گنگ شوانگ» دیگر سخنگوی وزارت خارجه چین نیز انتقاد برخی مقامات آمریکا از تلاش‌های چین برای کنترل شیوع ویروس کرونا را محکوم کرد و گفت: امیدواریم برخی مقامات آمریکا در این مقطع به جای انتقاد از چین، تلاش‌های خود را بر مقابله با بیماری و سوق دادن همکاری بین المللی متمرکز کنند. او افزود: آمریکا نباید مسئولیت شیوع ویروس کرونا را به گردن چین بیاندازند و تلاش‌های مردم چین برای کنترل بیماری را بدنام کند زیرا این کار، غیراخلاقی و غیرمسئولانه است و به مهار بیماری در آمریکا نیز کمکی نمی کند. این مقام چینی در پاسخ به اظهارات «روبرت اوبرایان» دستیار امنیت ملی رئیس جمهوری آمریکا که گفته بود چین در ابتدای شیوع بیماری برخورد درستی نداشت اما آمریکا خوب کار می کند، تصریح کرد: این موضوع مورد تایید جامعه جهانی است که چین بسیار زود عامل بیماری زا را تشخیص داد و به موقع توالی ژنتیک ویروس را با سازمان بهداشت جهانی و دیگر کشورها از جمله آمریکا به اشتراک گذاشت و سفر ۹ روزه متخصصان سازمان بهداشت جهانی از جمله کارشناسان آمریکایی به چین را ترتیب داد. وی ادامه داد: به خاطر تلاش‌های مردم چین در کنترل بیماری و فداکاری آنها است که از گسترش سریع بیماری به خارج جلوگیری و زمان کافی برای آمادگی برای مقابله با این بیماری به دیگر کشورها داده شد. گفتنی است پیش از این نیز شماری از رسانه‌های چین از احتمال دست داشتن آمریکا در شیوع ویروس کرونا در ووهان خبر داده بودند.

*** سازمان ملل**

منابع دیپلماتیک اعلام کردند آزمایش‌ها نشان داده که یکی از دیپلمات‌های هیات فیلیپین در سازمان ملل به ویروس کرونا مبتلا شده است و این دیپلمات نخستین کسی است که در مقر سازمان ملل به بیماری «کوئید۱۹» مبتلا می‌شود. این دیپلمات زن در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل و در خصوص مسائل قانونی فعالیت می‌کند و آخرین بار روز دوشنبه گذشته به مقر سازمان ملل در نیویورک رفت و روز بعد علائم مشابه آنفولانزا در وی ظاهر شد. در نامه هیات فیلیپینی به هیات‌های دیپلمات دیگر در سازمان ملل آمده که این دیپلمات زن روز پنجشنبه از ابتلا به کوئید ۱۹ آگاه شد. همچنین در این نامه اعلام شده مقر هیات فیلیپینی در سازمان ملل، بسته و دستورات لازم به همه کارکنان آن درباره قرنطینه خانگی داده شده است.

*** آمریکا**

۴۰ ایالت آمریکا درگیر ویروس کرونا شده و ۱۸۳۲ نفر به این ویروس مبتلا شده اند. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در حالی بعد از مدت‌ها کم اهمیت جلوه دادن شیوع ویروس «کرونا» تاحدودی به فکر افتاده و در سخنان اخیر خود در کاخ سفید، اقداماتی را برای جلوگیری از شیوع این ویروس مطرح کرد که آخرین آمار و ارقام حاکی از آن است که تعداد مبتلایان به ویروس «کووید۱۹» در ایالات متحده آمریکا به ۱۸۳۲ نفر و تعداد قربانیان آن به ۴۱ نفر افزایش یافته است. بنا به گزارش روزنامه انگلیسی «دیلی‌میل»، جدیدترین آمار و ارقام منتشر شده نشان می‌دهد که ۴۰ ایالت از ۵۰ ایالت آمریکا درگیر ویروس کرونا شده‌اند. مسئولان بهداشت و درمان لس‌آنجلس هم اولین مرگ مبتلا به ویروس کرونا را در این شهر تأیید کردند. در این حال فرماندار پرجمعیت‌ترین ایالت آمریکا اعلام کرد، برای مقابله با شیوع ویروس کرونا تجمعات ۲۵۰ نفر به بالا تا پایان ماه مارس ممنوع است. فرماندار کالیفرنیا که شهرهای بزرگ و پرجمعیت آمریکا از قبیل لس‌آنجلس در این ایالت قرار دارند، به منظور مقابله با شیوع ویروس کرونا تجمعات بالای ۲۵۰ نفر را ممنوع کرد. از سویی در پی افزایش شمار مبتلایان به ویروس کرونا در ایالت ویرجینیای آمریکا، فرماندار این ایالت برای کمک به روند مبارزه با گسترش این ویروس، حالت فوق‌العاده اعلام کرد. اداره بهداشت ایالت ویرجینیا آمار مبتلایان به ویروس کرونا در این ایالت را ۱۷ نفر اعلام کرده که تاکنون هیچ مورد فوتی بین آنها گزارش نشده است، با این حال ایالت ویرجینیا نیز مانند دیگر ایالت‌های آمریکای با کمبود شدید کیت تشخیص کرونا روبه‌رو است، به‌طوری که بر اساس اظهارات مقامات مربوطه در زمان حاضر تنها ۵۰۰ یا ۶۰۰ کیت تشخیص کرونا در این ایالت موجود است. در این حال پزشک کنگره آمریکا هشدار داد که پیش‌بینی می‌کند ویروس کرونا در آینده نزدیک حدود ۱۵۰ میلیون نفر را در آمریکا مبتلا کند. دکتر برایان موناهان، این اظهار نظر خود را در نشستی پشت درهای بسته با حضور پرسنل دفتر اداری مجلس سنا و پرسنل دو حزب اصلی مطرح کرد. در چنین شرایطی دفتر لیندسی گراهام، سناتور سرشناس جمهوریخواه آمریکایی اعلام کرد، بعد از حضور در نشستی در فلوریدا به همراه یک مقام برزیلی که بعداً تست کرونایش مثبت شد، تصمیم گرفته به قرنطینه داوطلبانه برود. دفتر لیندسی گراهام در بیانیه‌ای اعلام کرد، او تست ابتلا به ویروس کرونا داده و منتظر نتیجه‌اش است اما گراهام به دنبال توصیه پزشکش، در تست ابتلا به ویروس کرونا شرکت کرد. همزمان با این اخبار، رئیس‌جمهور آمریکا برای مقابله با گسترش ویروس کرونا، مسافرت‌ها از اروپا به آمریکا را برای یک دوره ۳۰ روزه متوقف کرد. ترامپ اتحادیه اروپا را متهم کرد که با محدود نکردن پروازها از چین، منجر به گسترش ویروس کرونا شده است. وی با این حال مسافرت از انگلیس به آمریکا را از این قاعده مستثنی کرده است. وی به توصیه‌های بهداشتی نیز پرداخت و ضمن توصیه به گرفتن جلوی دهان هنگام سرفه، از کسانی که حالشان خوب نیست خواست در خانه بمانند. به ادعای او اکثریت جامعه آمریکا از این بیماری در امانند و فقط افراد سن بالا در خطر قرار دارند. در این حال رسانه‌های آمریکا گزارش دادند رئیس جمهور این کشور از اینکه با افراد مبتلا به کرونا از جمله مقامات برزیلی تماس داشته نگران شده است. شبکه خبری «سی ان ان» به نقل از یک منبع نزدیک به دونالد ترامپ گزارش داد که رئیس جمهور به افراد نزدیک به خود گفته است درباره سلامتی خود نگران شده چرا که با افرادی دیدار کرده که کرونا داشته اند. سی ان ان در گزارش خود آورده که معلوم نیست ترامپ آزمایش پزشکی داده تا مشخص شود به ویروس کرونا مبتلا شده است یا نه. در چنین شرایطی نامزدهای دموکرات رقیب رئیس‌جمهور آمریکا در انتخابات پیش رو، دولت ترامپ را بخاطر عدم اتخاذ رویکرد مناسب در برابر شیوع ویروس کرونا بی‌کفایت و بی‌ملاحظه خواندند. «جو بایدن» یکی از کاندیداهای حزب دموکرات گفت: دولت در قبال بحرانی که با آن مواجه شده‌ایم ما را بدون آمادگی رها کرده است. بایدن افزود: هیچ رئیس‌جمهوری نمی‌تواند قول بدهد از شیوع ویروس کرونا در آینده جلوگیری می‌کند اما می‌توانم این قول را به شما بدهم، هنگامی که رئیس‌جمهور شوم آمادگی بهتری خواهیم داشت، پاسخ بهتری می‌دهیم و به شکل بهتری به احیای بعد از بحران می‌پردازیم. «برنی سندرز» رقیب دموکرات بایدن نیز گفت: اگر زمانی در تاریخ مدرن آمریکا وجود داشته باشد که همه در مسئله‌ای دخیل باشیم، این همان لحظه است. او دولت ترامپ را دولتی بی‌کفایت و بی ملاحظه دانست که جان شمار بسیاری را به خطر انداخته است. همزمان رئیس مؤسسه بهداشت جهانی در دانشگاه‌هاروارد گفت واکنش دولت آمریکا به شیوع ویروس جدید کرونا و مقابله با آن بسیار بدتر از دیگر کشورها بوده است. علیرغم تلاش‌های «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا برای مخفی‌کاری درباره آمار مبتلایان به ویروس «کووید۱۹» و کوچک‌نمایی شیوع این ویروس در ایالات متحده، مسئولان بهداشتی و درمانی این کشور در حال شفاف‌سازی و ارائه اخبار واقعی از داخل آمریکا هستند. «آشیش جا» رئیس مؤسسه بهداشت جهانی در دانشگاه‌هاروارد با بیان اینکه واکنش‌ها به طغیان ویروس کرونا در جهان بسیار متفاوت بوده، گفت: برخی کشورها بسیار تهاجمی عمل کرده و واقعا کار خوبی انجام دادند اما برخی کشورها هم بی‌خیال بودند و شدیداً از آن ضربه خوردند و واکنش ما در آمریکا بسیار بدتر از هر کشور دیگری بوده که به کرونا مبتلا شده اند.

*** کانادا**

همسر نخست وزیر کانادا پس از بازگشت از لندن به ویروس کرونا مبتلا شد و شخص نخست وزیر نیز در قرنطینه قرار گرفت. دفتر نخست وزیر کانادا طی بیانیه‌ای اعلام کرد آزمایش کرونای «سوفی ترودو» مثبت بوده است. بر اساس این بیانیه، همسر نخست وزیر پس از بازگشت از لندن علائمی شبیه آنفلوآنزا داشت بنابراین برای آزمایش کرونا اقدام کرد. در بیانیه خاطر نشان شده که وضعیت سلامتی جاستین ترودو خوب است و علائمی از ابتلا به کرونا ندارد اما برای احتیاط و بنابر توصیه پزشکان خود را به مدت دو هفته قرنطینه می‌کند. ۱۴۵ مورد ابتلا به ویروس کرونا در این کشور ثبت شده و یک نفر نیز جان خود را بر اثر این ویروس از دست داده است.

*** آمریکای لاتین**

سه کشور آمریکای لاتین دستور تعطیلی همه کلاس‌های درس را به دلیل نگرانی‌های مربوط به گسترش ویروس کرونا صادر کردند. رئیس جمهور السالوادور دستور داد همه مدارس این کشور برای سه هفته تعطیل شوند. رئیس جمهور السالوادور همچنین در یک پیام تلویزیونی دستور داد همه گردهمایی‌ها و نشست‌های عمومی لغو شود. وزیر آموزش پاناما هم اعلام کرد کلاس‌های درس به خاطر نگرانی نسبت به گسترش ویروس کرونا تعطیل شده اند. «مارتین ویزکارا» رئیس جمهور پرو نیز گفت که همه مدارس تا ۳۰ مارس تعطیل خواهد بود. دولت پرو اعلام کرده تاکنون ۱۵ مورد ابتلا به ویروس کرونا در این کشور تایید شده است.

*** ایتالیا**

یک مقام ایتالیایی اعلام کرد که شمار قربانیان ویروس کرونا در این کشور به بیش از ۱۰۰۰ نفر رسیده است. یک مقام ارشد بخش بهداشت و درمان ایتالیا از افزایش شمار قربانیان ویروس کرونا در این کشور به ۱۰۱۶ نفر خبر داد. به گفته این مقام ایتالیایی، در ۲۴ ساعت گذشته ۱۸۹ نفر از بیماران مبتلا به کرونا در ایتالیا جان خود را از دست داده‌اند. آژانس دفاع غیرنظامی ایتالیا شمار مبتلایان به کرونا را ۱۵ هزار و ۱۱۳ نفر اعلام کرده است که این رقم در مقایسه با آمار دو روز قبل ۲۶۵۱ نفر افزایش نشان می‌دهد. ایتالیا هم از لحاظ تعداد مبتلایان و هم از لحاظ تعداد قربانیان ویروس کرونا، دومین کشور جهان پس از چین به شمار می‌رود.

*** آلمان**

مسئولان درمانی آلمانی می‌گویند تعداد مبتلایان به ویروس جدید کرونا در این کشور همچنان رو به افزایش است و از ۲۰۰۰ نفر عبور کرد. همزمان با افزایش تعداد مبتلایان به ویروس «کووید۱۹» در کشورهای اروپایی، مسئولان درمانی آلمانی نیز از افزایش ۱۵۴ نفری مبتلایان در این کشور خبر دادند. مؤسسه تحقیقاتی «رابرت کخ» ضمن اعلام موارد ابتلای جدید به ویروس کرونا، گفت تعداد کل آلمانی‌های مبتلا به این ویروس به ۲۱۲۰ نفر رسیده است. همچنین یک نفر دیگر بر اثر ابتلا به این ویروس جان خود را از دست داد و تعداد کل فوتی‌های آلمان بر اثر این بیماری به چهار نفر افزایش یافت. از سویی رسانه‌های آلمانی از تایید اولین مورد ابتلا به ویروس کرونا در پارلمان این کشور که نماینده‌ای از حزب لیبرال دموکرات است خبر دادند. فرد مبتلا یک نماینده مرد از حزب لیبرال دموکرات است که در پی مثبت شدن تست کرونا کارکنان پارلمان که با وی ارتباط داشتند هم به قرنطینه رفتند.

*** انگلیس**

نخست‌وزیر انگلیس در نشستی اعلام کرد احتمالا ۱۰ هزار نفر در انگلیس به ویروس کرونا آلوده شده‌اند و یکی از مقامات بهداشتی این کشور نیز پیش‌بینی کرد ۸۰ درصد انگلیسی‌های به این بیماری مبتلا شوند. «بوریس جانسون» نخست‌وزیر انگلیس در نشست خبری مشترک با مقامات بهداشتی این کشور گفت احتمالاً چیزی حدود ۱۰ هزار مبتلا به بیماری «کووید۱۹» در انگلیس وجود دارد. جانسون در این نشست تأکید کرد مبارزه با این بیماری که بدترین بحران در زمینه سلامت برای یک نسل خواهد بود می‌تواند موجب اختلال گسترده در زندگی روزمره مردم انگلیس به‌مدت چند ماه شود. او هشدار داد که این ویروس انتشار بیشتری خواهد داشت و خانواده‌های بسیار بیشتری عزیزان خود را پیش از آن که زمان طبیعی مرگشان فرا برسد از دست خواهند داد. همزمان وزارت بهداشت انگلیس هم از افزایش شمار قربانیان ویروس کرونا در این کشور به ۱۰ نفر خبر داد. وزارت بهداشت انگلیس اعلام کرد که شمار قربانیان ویروس کرونا در این کشور با دو نفر افزایش نسبت به آمار دو روز قبل به ۱۰ نفر رسیده است. وزارت بهداشت انگلیس تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در این کشور را نیز ۵۹۰ نفر اعلام کرده است. به گفته مقامات این وزارتخانه، در ۲۴ ساعت گذشته ۱۳۴ مورد جدید ابتلا به کرونا در این کشور شناسایی شده‌اند.

*** فرانسه**

وزارت بهداشت فرانسه اعلام کرد ۶۰۰ مورد جدید ابتلا به ویروس در این کشور ثبت شده که از میان این افراد ۱۲۹ نفر تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار گرفته‌اند. شمار تازه مبتلایان و قربانیان ویروس کرونا در فرانسه روز پنجشنبه گذشته بسیار دیرهنگام و همزمان با نطق تلویزیونی امانوئل مکرون، رئیس جمهوری این کشور اعلام شد. مکرون در این سخنرانی که وعده آن از دو روز پیشتر داده شده بود شیوع ویروس کرونا را به عنوان شدیدترین بحران بهداشتی کشورش طی یک قرن گذشته معرفی و تاکید کرد که همه مهد کودک‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها تا اطلاع ثانوی تعطیل خواهد شد. رئیس جمهوری فرانسه گفت این کشور با خطرناک ترین بحران بهداشتی یک قرن اخیر روبرو است. وی تاکید کرد که اولویت اول فرانسه در شرایط کنونی حفاظت از جان افراد آسیب پذیر است. امانوئل مکرون از تمامی افراد بالای ۷۰ سال، مبتلایان به بیماری‌های دیابت و سرطان و چاقی مفرط خواست تا حد ممکن از خانه‌های خود خارج نشوند.

*** بلژیک**

نخست وزیر بلژیک از تعطیلی تمام مدارس این کشور به دلیل نگرانی از شیوع ویروس کرونا تا نیمه فروردین ماه خبر داد. «سوفیا ویلمز» اعلام کرد که تمامی مدارس این کشور از روز جمعه تا روز سوم آوریل (۱۵ فروردین) تعطیل خواهند بود. همچنین دولت این کشور با هدف جلوگیری از انتشار ویروس کرونا، تمامی فعالیت‌هایی که با تجمع مردم همراه است را لغو کرده است. بر اساس آخرین آمار، ابتلای ۸۵ نفر جدید به ویروس کرونا در این کشور مثبت اعلام شده تا مجموع مبتلایان در بلژیک به ۳۹۹ نفر برسد. همچنین از این تعداد تا کنون سه نفر جان خود را از دست داده و تنها یک نفر بهبودی خود را به دست آورده است. تعداد کل مبتلایان به ویروس کرونا در کل جهان به ۱۳۴ هزار و ۴۶۷ نفر رسیده و ۴۹۷۰ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. همچنین تاکنون از میزان کل مبتلایان به ویروس کرونا، ۶۸ هزار و ۹۰۰ نفر بهبودی خود را به دست آورده‌اند.

*** نروژ**

رسانه‌های نروژ گزارش دادند که پادشاه و ملکه این کشور نیز با بالا گرفتن شیوع ویروس کرونا جدید در این کشور در قرنطینه قرار گرفته‌اند. تلویزیون دولتی نروژ این خبر را تأیید کرد و گزارش داد که پادشاه هرالد و ملکه سونیا هیچ یک مریض نیستند اما تحت تأثیر تدابیر سخت‌گیرانه اعلام شده از سوی دولت برای مقابله با شیوع ویروس کرونا در قرنطینه قرار گرفته‌اند. براساس تدابیری که دولت نروژ اعلام کرده، هر کسی که از سفر به خارج از کشورهای حوزه نوردیک بازگشته باشد باید به قرنطینه اجباری در خانه‌اش برود و اهمیتی ندارد که علایم بیماری را داشته باشد یا خیر. این تدبیر باعث شده که تعداد زیادی از نروژی‌ها مشمول آن شوند و پادشاه و ملکه نروژ نیز با توجه به اینکه اخیرا در سفری رسمی به اردن رفته بودند مشمول این تصمیم می‌شوند.

*** اسپانیا**

مقام‌های دولت اسپانیا اعلام کردند تست کرونای «وزیر برابری» این کشور مثبت اعلام شده و معاون نخست‌وزیر اسپانیا هم در قرنطینه به سرمی‌برد. دولت اسپانیا اعلام کرد که «ایرنه مونترو» وزیر برابری این کشور به ویروس ناشناخته کرونا مبتلا شده است که البته وضعیت وی را مناسب توصیف کرد. دولت اسپانیا با مثبت شدن آزمایش مونترو، در صدد است از تمامی وزرای کابینه «پدرو سانچز» نخست‌وزیر اسپانیا آزمایش کرونا بگیرد و در همین راستا «پابلو ایگلسیاس» معاون نخست‌وزیر اسپانیا نیز قرنطینه شده است. آخرین آمار اعلام شده از شیوع ویروس کرونا حاکی از آن است که دستکم ۲۱۸۲ نفر در اسپانیا به این ویروس مرگبار مبتلا شده‌اند و ۴۹ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند.

*** استرالیا**

وزیر کشور استرالیا اعلام کرد مبتلا به بیماری کوئید ۱۹ شده است. استرالیا پیشتر به شهروندانش درباره ویروس جدید کرونا هشدار داده و خواسته بود در برنامه‌هایشان برای سفرهای خارجی بازنگری کنند. وزیر کشور استرالیا درحالی خبر ابتلایش به کرونا ویروس را اعلام کرد که اسکات موریسون نخست وزیر استرالیا پیشتر با هشدار درباره ویروس جدید کرونا گفته بود که مردم کشورش باید به هشدارها درباره سفرهای خارجی گوش دهند.

*** ترکیه**

وزیر بهداشت ترکیه اعلام کرد که دومین مورد مبتلا به کرونا در این کشور به ثبت رسید. فخرالدین کوجا وزیر بهداشت ترکیه با اشاره به مثبت بودن تست یکی دیگر از شهروندان ترکیه به ویروس کرونا عنوان کرد: متاسفانه پیش بینی ما درست از آب درآمده است. وی با اشاره به اتخاذ تدابیر لازم برای یافتن افرادی که در محدوده بیمار کرونایی احتمالاً به این بیماری مبتلا شده باشند نیز تصریح کرد: این بیمار در محدوده بیمار اولی بوده است و با کمک یکدیگر بر این مسئله غلبه خواهیم کرد. مقامات ترکیه اعلام کرده‌اند که برای مقابله با شیوع این بیماری تدابیر لازم را اتخاذ کرده‌اند.

*** عراق**

پارلمان عراق برای مقابله با شیوع ویروس کرونا در این کشور به مدت دو هفته تعطیل شد. کمیته بهداشت پارلمان عراق اعلام کرد که طبق توصیه ستاد مقابله با ویروس کرونا مبنی بر جلوگیری از برگزاری تجمعات، نشست‌های پارلمان برای مدت دو هفته به تعویق خواهد افتاد. «صفاء مسلم» عضو کمیته بهداشت پارلمان عراق گفت: ستاد بحران توصیه کرده همچنان از برپایی تجمعات اجتناب شود و نشست‌های اداره‌های دولتی هم به منظور کنترل ویروس کرونا پنجاه درصد کاهش پیدا کند. وی افزود: پارلمان بر اساس توصیه‌های ستاد مقابله با کرونا نشست‌های خود را برای مدت دو هفته تعطیل خواهد کرد. عضو پارلمان عراق این اقدامات را گامی پیشگیرانه خواند و گفت: احتمال می‌رود به دنبال تعطیلی موقت پارلمان تعدادی از نمایندگان به کشورهایی که ویروس در آنجا شیوع یافته سفر کرده باشند و از همین رو جلسات پارلمان دو هفته به تعویق خواهد افتاد. وزارت بهداشت عراق شمار کل مبتلایان به ویروس کرونا در این کشور را ۶۸ نفر، تعداد فوتی‌ها را هشت نفر و تعداد بهبود یافتگان را ۱۵ نفر اعلام کرد.

*** عربستان**

وزارت بهداشت عربستان از افزایش تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در این کشور به ۶۲ نفر خبر داد. وزارت بهداشت عربستان سعودی بیانیه‌ای را در خصوص افزایش تعداد تلفات مربوط به مبتلایان کرونا منتشر کرد. در این بیانیه آمده که ۱۷ مورد جدید از ابتلا به این ویروس در عربستان شناسایی شده است. در ادامه بیانیه آمده که با ثبت این ۱۷ نفر، تعداد افراد مبتلا به ویروس کرونا در عربستان سعودی به ۶۲ نفر افزایش یافته است.

*** رژیم صهیونیستی**

وزارت بهداشت رژیم صهیونیستی از افزایش تعداد مبتلایان به ویروس جدید کرونا در فلسطین اشغالی به ۱۰۰ نفر خبر داد. در حالی که مسئولان رژیم صهیونیستی پیشتر از خطرناک نبودن ویروس «کووید۱۹» می گفتند و احتمال شیوع آن در فلسطین اشغالی را دست‌کم می‌گرفتند اما اکنون تعداد مبتلایان این ویروس در فلسطین اشغالی در حال افزایش است. وزارت بهداشت رژیم صهیونیستی اعلام کرد با اضافه شدن سه مورد ابتلای جدید به ویروس کرونا، تعداد کل افراد بیمار به ۱۰۰ نفر رسیده است. بر این اساس، دو نفر از مبتلایان به کرونا در فلسطین اشغالی، کودکان ۱۰ و ۱۱ ساله هستند. معاون وزارت بهداشت رژیم صهیونیستی چند روز پیش هشدار داده بود که احتمال دارد تعداد مبتلایان به این ویروس در فلسطین اشغالی به ده‌ها هزار نفر برسد. در این حال «آمی روحکس دومبا» کارشناس امنیتی نظامی رژیم صهیونیستی گفت که شیوع ویروس کرونا در جهان تأثیرات منفی زیادی بر فعالیت‌های موساد در خارج داشته است. او افزود که در سایه اعمال محدودیت‌های بیشتر در سطح کشورها برای مقابله با ویروس کرونا، موساد نیز مجبور به اتخاذ تصمیمات اضطراری، تأخیر یا لغو تعدادی از مأموریت‌های امنیتی شده است و همین امر باعث شده تحقق اهداف مورد نظر کاهش یابد.

*** کره شمالی**

رسانه‌های دولتی کره شمالی گزارش کردند که این کشور اقدام به آزاد کردن ۱۷۱۰ فرد شامل ۷۰ خارجی که قبلا با حکم دولت این کشور در راستای جلوگیری از ابتلا به ویروس کرونا در این کشور در قرنطینه قرار گرفته بودند، کرده است. خبرگزاری رسمی کره شمالی و روزنامه رودونگ سینمون، گزارش دادند که در راستای تقویت روند جداسازی و تحت نظارت پزشکی قرار دادن خارجی‌هایی که وارد این کشور می‌شوند تعداد ۷۰ نفر دیگر از این خارجی‌ها که علائم ابتلا به ویروس کرونا را نشان ندادند از جداسازی خارج شدند. این دو رسانه در ادامه مطلب خود نوشتند: مقامات حدود ۹۹۰ نفر را در روستای پیونگان شمالی و ۷۲۰ نفر را نیز در استان پیونگان جنوبی از جداسازی خارج کردند اما این افراد آزاد شده برای مدت ۳۰ روز تحت نظارت پزشکی قرار خواهند گرفت.

*** چین**

روند کاهش مبتلایان و قربانیان ویروس کرونا در چین همچنان ادامه دارد و برای اولین بار تک رقمی شد. «کمیسیون بهداشت ملی چین» اعلام کرد در طول ۲۴ ساعت گذشته هفت نفر بر اثر ویروس کرونا جان خود را از دست داده‌اند. شش نفر از قربانیان از استان هوبی بودند. این استان با مرکزیت ووهان مبدا اصلی شیوع ویروس کرونا در چین محسوب می‌شود. دولت چین با اقدامات گسترده خود موفق شد شیوع ویروس در این استان و سایر مناطق چین مهار کند و حالا آمارهای رسمی نشان می دهد مبارزه با این ویروس در داخل چین در مراحل پایانی قرار دارد. بنابر اعلام کمیسیون بهداشت ملی چین همچنین در طول ۲۴ ساعت گذشته تنها هشت مورد ابتلا به ویروس کرونا ثبت شده است که پایین ترین رقم از زمان شیوع این بیماری محسوب می شود. آمار کل مبتلایان به ویروس کرونا در چین تاکنون ۸۰ هزار و ۸۱۳ نفر اعلام شده و ۳۱۷۶ نفر نیز تاکنون جان خود را بر اثر این ویروس از دست داده اند. شمار کسانی که نیز بهبود یافته اند بیش از ۶۴ هزار نفر اعلام شده است.

*** سازمان جهانی بهداشت**

مدیر کل سازمان جهانی بهداشت یک روز بعد از اعلام رسیدن شیوع ویروس کرونا به سطح «همه‌گیری جهانی»، گفت می‌توان این ویروس را کنترل و با آن مقابله کرد. «تدروس آدانوم» خواستار افزایش تلاش‌ها برای مقابله با شیوع ویروس کرونا شد و گفت این ویروس قابل کنترل است. مدیر کل سازمان جهانی بهداشت ضمن تکرار این موضوع که شیوع ویروس کرونا در دنیا به سطح همه‌گیری جهانی رسیده است، از کشورهای جهان خواست در برابر این ویروس تسلیم نشده و به مقابله ادامه دهند. آدانوم همچنین از کشورهای جهان خواست مردم خودشان و همچنین تجهیزات و امکانات بهداشتی- پزشکی خودشان را برای مقابله با کرونا آماده کنند. وی گفت: بگذارید یک موضوع را روشن کنم و آن اینکه این توصیف (رسیدن شیوع کرونا به همه‌گیری جهانی) بدان معنا نیست که کشورها باید تسلیم شوند و اینکه کشورها از مهار به سمت کاهش (تلاش‌ها برای مقابله با کرونا) بروند، اقدامی نادرست و خطرناک است بلکه برعکس ما باید تلاش‌هایمان را مضاعف کنیم.

رئیس‌جمهوری برزیل بعد از دیدار با ترامپ، مبتلا به کرونا شد

رئیس‌جمهوری برزیل که اخیرا با ترامپ در مارالاگو دیدار کرده بود بعد از مبتلا شدن یکی از دستیارانش به «کووید۱۹»، خودش هم به این بیماری مبتلا شد. منابع خبری گزارش داده‌اند «ژائیر بولسونارو» رئیس‌جمهوری برزیل به خاطر ابتلا به ویروس کرونا تحت نظر قرار گرفته است. این درحالی است که «فابیو واجناگارتن» وزیر ارتباطات برزیل هم بعد از دیدار با ترامپ به کرونا مبتلا شد.

حملات هوایی تروریستی آمریکا به مواضع مقاومت عراق

سرویس خارجی: منابع خبری عراق از حمله جنگنده‌های آمریکا به مواضع الحشد الشعبی در استان‌های صلاح الدین، بابل، بصره و کربلا خبر دادند که البته موج محکومیت مقامات عراقی را درپی داشت.

جنگنده‌های آمریکایی مواضع الحشد الشعبی را در چند نقطه عراق هدف قرار دادند. شبکه خبری المیادین گزارش داد که جنگنده‌های آمریکا سه حمله به « جُرفُ الصَخر» واقع در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی بغداد و همچنین منطقه «السعیدات» از توابع این استان انجام دادند. شبکه خبری الجزیره هم گزارش داد که آمریکا پایگاه‌های الحشد الشعبی را در استان‌های صلاح الدین، بابل، بصره و کربلاء را بمباران کرد. پایگاه خبری عراقی «سومریه نیوز» هم اعلام کرد که در این حمله پنج مقر حزب‌الله در ناحیه جرف‌الصخر در استان بابل هدف قرار گرفت. در همین حال، شبکه ماهواره‌ای الغدیر گزارش داد که حملات آمریکا در استان کربلاء در دو منطقه «الرجیبه» و «الخیرات» صورت گرفت. در استان بابل عراق نیز مواضع تیپ ۴۷ الحشد الشعبی در منطقه جرف الصخر واقع در شمال این استان هدف حملات هوایی آمریکا قرار گرفت. خبرگزاری رویترز هم به نقل از یک مسئول نظامی آمریکا مدعی شد که در حملات هوایی آمریکا به مواضع الحشد الشعبی عراق، پنج انبار سلاح و مهمات هدف قرار گرفتند. شبکه الجزیره قطر همچنین گزارش داد که جنگنده‌هایی آمریکایی مواضع الحشد الشعبی در منطقه «بوکمال» در مرز عراق - سوریه را بمباران کردند. در گزارش الجزیره ادعا شده است که در این حمله چندین نفر کشته و زخمی شدند و تعدادی از مراکز حزب الله عراق در این حمله نابود شد. در این حال گفته می شود حمله جنگنده‌های آمریکایی به پایگاه‌های الحشد الشعبی در چهار منطقه عراق سه شهید و هفت مجروح برجای گذاشت. یکی از شهدا، از کارمندان غیر نظامی فرودگاه در حال احداث کربلا بود که در تجاوز هوایی جنگنده‌های آمریکایی جان باخت. همچنین در این حملات دونیروی پلیس استان بابل نیز به شهادت رسیدند. هفت مجروح این تجاوز هوایی نیز شامل سه نیروی الحشد الشعبی، دو نیروی ارتش و دو نیروی وابسته به وزارت کشور عراق هستند. این درحالی است که رسانه‌های عراقی از شلیک بیش از ۱۰ فروند موشک ناشناس به پایگاه نظامیان آمریکا در منطقه "التاجی" در شمال بغداد یک روز قبل از تجاوز آمریکا خبر دادند، حمله ای که کشته شدن سه نظامی آمریکایی و انگلیسی و زخمی شدن ۱۲ نظامی خارجی دیگر را به دنبال داشت. گفته می‌شود جنگنده‌های آمریکایی فرودگاه در دست احداث کربلا را نیز بمباران کردند. منابع عراقی اعلام کردند که در حمله جنگنده‌ها به فرودگاه در حال ساخت کربلا، یکی از کارمندان فرودگاه کشته شد. در این راستا تولیت حرم مقدس امام حسین (ع) در واکنش به حمله جنگنده‌های آمریکایی به فرودگاه کربلا، از رسانه‌های جهانی خواست از این فرودگاه دیدن کرده و غیرنظامی بودن آن را ثبت کنند. پس از بمباران فرودگاه در حال ساخت کربلا از سوی جنگنده‌های آمریکایی، تولیت آستان مبارک امام حسین (ع) این اقدام آمریکا را تجاوزگری خواند. همزمان ارتش عراق نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرد که جنگنده‌های آمریکایی به پایگاه‌های الحشدالشعبی، پلیس و ارتش عراق تجاوز کردند. از سویی فرماندهی عملیات مشترک عراق با اعلام آمار قربانیان تجاوز آمریکا به چند مقر نیروهای مسلح این کشور تاکید کرد که بهانه‌های آمریکا برای تجاوز به عراق دروغین بوده و عواقب بدی به همراه دارد.

واکنش عراق

وزارت خارجه عراق در واکنش به تجاوز آمریکا به مقرهای الحشد الشعبی، ، سفرای آمریکا و انگلیس در بغداد را احضار کرد. «احمد الصحاف» سخنگوی وزارت خارجه عراق اعلام کرد که وزارت خارجه این کشور، سفرای آمریکا و انگلیس در بغداد را احضار کرده است. دفتر ریاست‌جمهوری عراق هم در بیانیه‌ای حملات هوایی آمریکا به مواضع ارتش، پلیس و الحشد الشعبی عراق را نقض حاکمیت این کشور توصیف کرد. دفتر اطلاع‌رسانی «برهم صالح» رئیس‌جمهور عراق در واکنش به حملات جنگنده‌های آمریکایی به مواضع نیروهای نظامی این کشور و فرودگاه کربلا، این دست حملات را موجب تضعیف هدفمند حاکمیت عراق دانست. در این بیانیه بدون نام بردن از آمریکا، آمده است: بمباران چندین موضع در خاک عراق از جمله فرودگاه در دست ساخت کربلا از سوی طرف‌های خارجی را محکوم می‌کنیم، حملاتی که موجب شهادت و مجروحیت تعدادی از نیروهای امنیتی و غیرنظامیان شد. رهبر جریان حکمت ملی عراق هم از دولت این کشور خواست که برای مقابله با تجاوز آمریکا، از حاکمیت این کشور دفاع کند. «سید عمار حکیم» تجاوز جنگنده‌های آمریکایی را محکوم کرد و با انتشار پیامی در صفحه توئیتر خود تأکید کرد: نقض حاکمیت عراق توسط جنگنده‌های خارجی و بمباران مقرهای الحشد الشعبی و نیروهای امنیتی در کربلای معلی، بابل، واسط و صلاح الدین و برخی از مراکز غیرنظامی را محکوم می‌کنیم. وی هشدار داد که این تجاوزات، عراق را به محلی برای درگیری و کشمکش سیاسی و نظامی تبدیل خواهد کرد. در این حال مقتدی صدر رهبر جریان صدر عراق خواهان خویشتن‌داری شد و گفت: ما خواهان صلح با اشغالگران نیستیم اما شرایط مردم عراق را درنظر می‌گیریم. از طرفی جنبش «النجباء» عراق با انتشار بیانیه شدیداللحنی، حمله آمریکا به الحشد الشعبی را محکوم و تأکید کرد که ملت عراق از مرحله مقاومت مشروع وارد مرحله مقاومت واجب در برابر جنایات آمریکا خواهد شد. سخنگوی گردان‌های حزب الله عراق هم حمله آمریکا به مواضع الحشد را در راستای تلاش‌های مذبوحانه آن برای ضربه به مقاومت مشروع ملت عراق در برابر حضور اشغالگران آمریکایی خواند. سخنگوی گردان‌های حزب الله عراق تاکید کرد که آمریکا با هر بهانه‌ای به دنبال تقویت حضور خود در عراق است. نمایندگان وابسته به عصائب اهل الحق عراق و دولت قانون هم با محکومیت شدید حملات جنگنده‌های آمریکا به مقر الحشد الشعبی، آن را نقض آشکار حاکمیت عراق خواندند.

بیانیه پنتاگون

وزارت دفاع آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد که جنگنده‌های این کشور به پایگاه‌های حزب‌الله عراق حمله کردند. پنتاگون طی بیانیه‌ای مسئولیت حمله به پایگاه‌های حزب‌الله عراق قبول و اعلام کرد که پنج هدف که اغلب آنها انبار تسلیحاتی بود را هدف قرار داد. وزارت دفاع آمریکا در این بیانیه مدعی شد در این حملات هوایی انبار تسلیحاتی که از آنجا موشک‌هایی که در حمله به پایگاه نظامی التاجی در شمال بغداد استفاده شد را هدف قرار داد. در این بیانیه آمده که حمله‌ای که ائتلاف بین‌المللی انجام داد دفاعی بوده و پاسخ مستقیم به تهدیدی است که گروه‌های مسلح مورد حمایت ایران علیه نیروهای ائتلاف بین‌المللی بوجود آورده‌اند. پنتاگون در ادامه بیانیه خود آورده است: گروه‌های تروریستی در عراق باید حملات به نیروهای آمریکایی و نیروهای ائتلاف را متوقف کنند در غیر این صورت با پیامدهای آن در مکان و زمانی که انتخاب می‌کنیم مواجه خواهند شد. «مارک اسپر» وزیر دفاع آمریکا نیز پس از این حملات طی بیانیه‌ای عنوان کرد: آمریکا هرگز در واکنش به حملات به ملت، منافع یا همپیمانان خود چشم‌پوشی نمی‌کند. در این حال وزیر امور خارجه انگلیس از حملات انجام شده به مواضع الحشدالشعبی دفاع کرد و گفت هرکس بخواهد به مواضع انگلیس و ائتلاف آمریکایی آسیب بزند با پاسخ سختی مواجه می‌شود. «دومینیک راب» مدعی شد: پاسخی که به حمله بزدلانه به مواضع ائتلاف داده شد سریع، قاطع و متناسب بود. وزیر امور خارجه انگلیس در بیانیه خود ادعا کرد: نیروهای انگلیسی در کنار نیروهای ائتلاف در عراق حضور دارند تا به فعالیت‌های ضد تروریستی کمک کنند و هر کس که بخواهد به آنها آسیبی بزند، باید منتظر پاسخی سخت باشد.

حمله به التاجی

یک روز قبل از تجاوز آمریکا به مواضع مقاومت عراق، در حمله ناشناس به یک پایگاه نظامی عراقی که نیروهای غربی در آن حضور دارند، دو آمریکایی و یک انگلیسی کشته شده‌اند. شبکه خبری فاکس‌نیوز مدعی شد که در این حمله ۱۵ فروند موشک در پایگاه نظامی التاجی عراق فرود آمد. در این راستا رئیس جمهور تروریست آمریکا گفت معلوم نیست حمله به پایگاه التاجی عراق کار ایران بوده باشد. دونالد ترامپ با وجود این تردید، آنچه «گروه‌های همپیمان با ایران» خواند را به انجام این حمله متهم کرد. در چنین شرایطی سخنگوی رسمی مقاومت اسلامی نُجَباء در توئیتی از مزدوران آمریکایی که نسبت به حمله علیه پایگاه نظامی اشغالگران معترض شده‌اند شدیداً انتقاد کرد. سخنگوی رسمی مقاومت اسلامی نُجَباء با انتشار توئیتی ضمن انتقاد شدید از صداهای معترض به عملیات انجام شده علیه پایگاه نظامی "التاجی"، تصریح کرد: شما در حالی کشته شدن تجاوزکاران متعدی ــ که پارلمان حکم به اخراج آنها داده است ــ را محکوم می‌کنید که در قبال جنایت‌های آمریکایی نسبت به شهادت فرمانده بزرگ عراقی ابومهدی المهندس، مهمان عراق حاج قاسم و همچنین مجاهدان مدافع مرزهای عراق سکوت اختیار کرده‌اید؛ جنایت‌هایی که نقض همه عرف‌ها و مفاهیم است. مهندس «نصر الشمّری» افزود: بنابراین هیهات که بردگانی همچون شما جرأتی در برابر طاغوت‌های عصر یعنی آمریکایی‌ها داشته باشند. وی ضمن ابراز خرسندی از نا امن شدن کشور عراق برای اشغالگران نظامی بخصوص آمریکا خاطرنشان ساخت: آفرین به عملیاتی که مزدورانی بی‌مایه مانند شما که جامه ملی‌گرایی به تن کرده‌اند را رسوا کرد. گفتنی است حزب الله عراق و هیچ کدام از دیگر گروه‌های الحشد الشعبی مسئولیت حمله به التاجی را نپذیرفتند و برخی از احتمال تکرار صحنه سازی آمریکا به منظور حمله به مقرهای الحشد الشعبی نظیر حمله آذر ماه گذشته به پایگاه نیروهای الحشد الشعبی در القائم خبر می‌دهند. در این حال عضو پارلمان عراق برخی سیاسیون عراق را که حملات صحنه سازی شده به پایگاه‌های نظامیان اشغالگر آمریکایی در این کشور را محکوم اما حملات آمریکا به الحشد الشعبی را نادیده می‌گیرند به باد انتقاد گرفت. «حسن سالم» عضو فراکسیون پارلمانی صادقون که بخشی از ائتلاف الفتح به رهبری‌هادی العامری است، برخی سیاسیون عراق را که حمله به پایگاه آمریکایی التاجی را محکوم کردند به باد انتقاد گرفت. سالم در بیانیه‌ای گفت: وقتی مقرهای ما بمباران می‌شود و فرزندان الحشد الشعبی در القائم به دست نیروهای شرور آمریکایی به شهادت می‌رسند، سیاستمداران عراق سرهایشان را پایین می‌گیرند و هیچ صدایی را نمی‌شنوند. نماینده عراقی افزود: وقتی آمریکا با حیله‌گری به مزدورانش دستور می‌دهد پایگاه‌هایش را مورد حمله قرار دهند صدای سیاستمداران ما در محکومیت آزردگی خاطر اربابانشان بلند می‌شود. واقعا شما را چگونه داوری می‌کنند؟ از سویی بعد از انتشار بیانیه وزارت دفاع انگلیس درباره کشته شدن یک نظامی این کشور در «التاجی» عراق، نخست‌وزیر انگلیس هم درباره این موضوع اظهارنظر کرد. ساعاتی بعد از تایید کشته شدن یک نظامی انگلیسی در حمله موشکی به پایگاه نظامی «التاجی» عراق توسط دولت انگلیس، «بوریس جانسون» نخست‌وزیر این کشور ناراحتی عمیق خود را درباره مرگ این نظامی اعلام کرد.

حمله جنگنده‌های آمریکا به فرودگاه کربلا

موضع ایران

دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران اعلام کرد: به نظر می‌رسد اشتراکاتی بین طرح ترور شهیدان سلیمانی و ابومهدی المهندس و ادعای آمریکا مبنی بر حمله به پایگاه التاجی وجود داشته باشد. دریابان علی شمخانی در توئیتی نوشت: در سفر به عراق از مسئولان این کشور خواستم که دنباله‌های داخلی عملیات ترور شهیدان سلیمانی و ابومهدی را شناسایی و معرفی کنند.

سید عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هم در واکنش به اظهارات دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در خصوص مسئولیت حملات اخیر در عراق اظهار داشت: آمریکا نمی‌تواند عواقب حضور غیرقانونی خود در عراق و واکنش مردم آن کشور به ترور و کشتار فرماندهان و رزمندگان عراقی را با فرار به جلو بر عهده دیگران بگذارد. وی افزود: آقای ترامپ به جای اقدامات خطرناک و اتهام زنی‌های بی پایه حضور و رفتار نیروهایش را در منطقه مورد بازنگری اساسی قرار داده و از انتشار ویروس فرافکنی و اتهام زنی برای توجیه رفتار غیرقانونی و فرار از مسئولیت قویا اجتناب ورزد. گفتنی است «کنت مکنزی» فرمانده مقر تروریستی «سنتکام» ارتش آمریکا روز پنج‌شنبه حمله موشکی به پایگاه «التاجی» در عراق را به صورت غیرمستقیم به ایران نسبت داد و گفت حادثه حمله به این پایگاه هنوز در دست بررسی است اما این حمله به احتمال زیاد توسط شبه نظامیان شیعه انجام شده است. وی افزود: کتائب حزب‌الله که یک گروه نیابتی ایران است، تنها گروهی است که می‌دانیم پیش از این یک حمله غیرمستقیم در این ابعاد علیه نیروهای ایالات متحده و ائتلاف در عراق انجام داده است. در چنین شرایطی وزارت خارجه عربستان بدون توجه به تجاوز آمریکا به عراق، حمله به پایگاه آمریکا در التاجی عراق را محکوم کرد و به آمریکا و انگلیس که سه نظامی آنها در این حمله کشته شدند تسلیت گفت. در بیانیه وزارت خارجه عربستان آمده است: عربستان حمله تروریستی به پایگاه نظامی التاجی در شمال بغداد را که با کشته و زخمی شدن شماری از نظامیان ائتلاف بین المللی ضد داعش همراه شد محکوم می‌کند. وزارت خارجه عربستان بر موضع ثابت این کشور علیه خشونت و افراط گرایی و تروریسم تاکید کرد و ضمن ابراز تسلیت و همدردی با خانواده‌های قربانیان، برای زخمی‌ها آرزوی بهبودی هر چه سریع‌تر کرد.





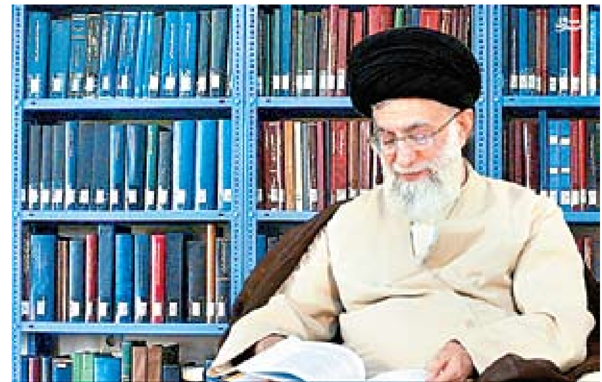
نوروزنامه ۱۳۹۹

شنبه۲۴ اسفند ۱۳۹۸ـ ۱۹رجب ۱۴۴۱ ـ ۱۴مارس ۲۰۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم

یا مقلب القلوب و الابصار یا مدبر اللیل و النهار
یا محول الحول و الاحوال حوّل حالنا الی احسن الحال

لحظه تحویل سال
جمعه یکم فروردین، ساعت هفت و ۱۹ دقیقه و ۳۷ ثانیه بامداد



نو روز و روز نو

نوروز در سخنان مقام معظم رهبری

نوروز برای ملت ما امروز عبارت است از اولا توجّه مردم به خدا. اوّل تحویل سال که می‌شود، مردم دعا می‌خوانند، «یا محوّل الحول والاحوال» می‌گویند، آغاز سال را با یاد خدا شروع می‌کنند، توجّه خود را به خدا زیاد می‌کنند. این، ارزش است. ثانیا نوروز را بهانه‌ای برای رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و محبّت به یکدیگر قرار می‌دهند. این همان برادری و عطوفت اسلامی و همان صله رحم اسلام است؛ بسیار خوب است.

ما عید نوروز را از دیدگاه کسانی که با اسلام سر و کار دارند، تأیید می‌کنیم. عید نوروز، چیز خوبی است. وسیله‌ای است که با آن دل‌ها شاد می‌شود. «نوروز» اوّل سال هجری شمسی است، روز نو، اولِ بهار، اولِ رویش و جوشش طبیعت و اولِ شروع زیبایی‌ها در عالم طبیعت است. این را برای خودتان هم اولِ بالندگی و جوشش و اولِ بروز زیبایی‌ها قرار دهید و برای خودتان «روز نو» کنید.



دبیر ویژه‌نامه: ارمغان زمان فشمی
دبیر سیاسی: سید مصطفی کاظمی
همکاران: آرزو رستم‌زاد ـ محمد داودبیگی
دبیر بین‌الملل: آرش میری‌خانی
خبرنگار: نادر مازوجی
دبیر فرهنگی: بیژن آبی
همکاران: منوچهر دین‌پرست ـ ندا زمان فشمی
دبیر اقتصادی: علی‌اکبر فارسی
همکاران: کامران نرجه ـ سیدعلی دوستی
با همکاری: بیتا مهدوی ـ محمدرضا حیدرزاده – زینب واعظ محرابی
گرافیست و صفحه‌آرا: محسن رزاقی
اسکن و ویرایش تصاویر: ابوطالب ژیان اقدم
چاپ: شرکت ایرانچاپ (موسسه اطلاعات)

طرح جلد: مزون طاووس خانم/ میکس مدیا/ اثر محسن رزاقی

در ستایش زندگی

ارمغان زمان‌فشمی

همه ما در روزهای پایانی سال، به‌فکر فرو می‌رویم که سالی را که گذشت، چگونه به سر بردیم؟ آیا به هدف‌هایمان رسیدیم؟ آیا به‌اندازه کافی زندگی کردیم؟ آیا سهممان از گذر عمر، حسرت و ناکامی بود یا شادی و امیدواری؟ وقتی به پاسخ این پرسش‌ها می‌اندیشیم، فقط اتفاقات زندگی شخصیمان نیست که لبخند به لب یا اشک به چشممان می‌آورد، بلکه اتفاقات اجتماعی هم در احساس ما نسبت به سالی که گذشت، بی‌تأثیر نیستند و با خود اشک و لبخند به‌همراه دارند.

مانند مردم بسیاری از کشورهای دیگر، برای ما ایرانیان نیز سالی که گذشت، پرتلاطم و ناآرام بود. وقایع ناخوشایندی را تجربه کردیم که قلبمان را جریحه‌دار کرد و امیدمان را کمرنگ. روزهایی را گذراندیم که نگرانی از گرانی و غصه از قصه حوادث گوناگون، دلمان را آشوب کرد و انگیزه‌هایمان را سرکوب.

اما آدمی خاصیت عجیبی دارد. با مصیبت‌هایش کنار می‌آید. به‌قول معروف، مرده مردگی می‌کند و زنده، زندگی. شاعر هم می‌گوید تا شقایق هست زندگی باید کرد.

شاید این حرف‌ها در این روزها کلیشه‌ای‌تر و شعاری‌تر به‌نظر برسد اما همه ما در زندگی شخصیمان روزهایی را تجربه کرده‌ایم که خیال کرده‌ایم دنیا دیگر برایمان به‌آخر رسیده است. عزیزی را از دست داده‌ایم که فکر کرده‌ایم بعد از او دیگر نمی‌توانیم زندگی کنیم. اشکی بر چشممان نشسته است که گمان برده‌ایم بعد از آن دیگر نمی‌توانیم بخندیم. اما دیده‌ایم که هیچ کدام از این اتفاق‌ها نیفتاده‌اند. ما مانده‌ایم و زندگی کرده‌ایم و حتی خندیده‌ایم. خانم اسلاونکا دراکولیچ، روزنامه نگار کروات، کتابی دارد که نامش به‌خوبی بیانگر این موضوع است: «کمونیسم رفت، ما ماندیم و حتی خندیدیم».

لابد شنیده‌اید که می‌گویند چیزی که تو را نکشد، قوی‌ترت خواهد کرد. شاید لابه‌لای این‌همه دغدغه و ترس از ویروس جدید و شرایط اقتصادی و اجتماعی، بتوانیم دل خوش کنیم به آن که این روزهای سخت هم خواهند گذشت، ما قوی‌تر خواهیم شد و قدر همدیگر را بیشتر خواهیم دانست و حتی خواهیم خندید.





روزی نو از ماهی نو از سالی نو



محمدحسن ابریشمی
پژوهشگر تاریخ و فرهنگ کهن ایران

خداوند اساس آفرینش را بر نظم قرار داده است، در نظام هستی هر حرکتی از روی حساب و دقت، در جای خود و به‌موقع انجام می شود. از گردش اختران در سپهر بیکران و حرکت ریزترین اجزای حیاتی، چرخش الکترون های عناصر (آخشیج‌ها) گرفته تا رویش، زایش و گسترش و تغییر و تبدیل نبات، جاندار و جماد، همه تحت نظامی دقیق، سنجیده و قانونمند قرار دارند. به‌همین ترتیب گردش زمین به دور خورشـید از نقطهٔ اعتدال ربیعی (بهاری) آغاز و در سـال ۳۶۵روز و ۵ سـاعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه انجام می شـود. این چرخش کامل سالانه، نیمکرهٔ شمالی زمین را از یک اعتدال بهاری به یک اعتدال بهاری دیگر داخل می کند. در همان حال در نیمکرهٔ جنوبی اعتدال خریفی (پاییزی) آغاز می شـود. تقارن این دو اعتدال وجه مشتر کشـان برابر شـدن طول شب و روز، هر یک ۱۲ ساعت است و تفاوت آن عبارت از آغاز بهار و رویش و زایش ها در نیمکره شمالی و اول خزان و ریزش و کاهش در نیمکرهٔ جنوبی است.

گردش عطارد (تیر) و زحل (کیوان) و دیگر سیارات منظومه شمسی به دور خورشید نیز در زمانی مشخص عملی می شود و استمرار پیدا می کند. این گردش ها و سپری شـدن سـال ها، در دیگر منظومه‌ها و اختران بی شـمار کائنات نیز همواره تحت نظمی خاص و دقیق انجام می گیرد، به قول عارف ایرانی، شیخ احمد جام نامقی (در سال ۵۲۰): «پروردگار رحمان از ازل تا ابد دایره‌ای ایجاد کرد و سلسله‌ای درهم کشید که هیچ کس سررشتهٔ این سلسله و این دایره باز نیافت و از سرّ و اسرار و تعبیهٔ این معنا خبر نیافت». این دایره و سلسله و آن گردش ها و چرخش های منظم و مستمرِ پیدا و ناپیدا که هیچ گاه توقف ندارد، همه تبیین کنندهٔ نظم کبریایی است، گردش زمین به دور خورشید، به ظاهر گذشت سال یا شمار روزهای افزوده شده بر عمر زمین را به ما انسان ها نشان می دهد و در حقیقت به نظر ما انسان ها، بر سنوات عمر تاریخ و تمدن و فرهنگ بشری افزوده می شود.

جمیع تحولات سالانهٔ علمی و مدنی هزاره‌ها و سده‌های ادوار گذشته و حتی دهه‌های اخیر، شاید یادگرگونی ها و پیشرفت‌هایی که در هر لحظه اتفاق می افتد قابل قیاس نباشند. قطعاً این پیشرفت‌های سنجیده ادامه پیدا می کنند و دهه‌ها و سده‌ها و هزاره‌های گذشته را تحت‌الشعاع قرار می دهند. اما چنان چه ثمره آن ترقیات و تحولات علمی و مدنی ناسنجیده در مناقشات اخلالگرانهٔ قدرت‌های جهانی امروز یا فردا به کار رود، نابودی همهٔ انسان ها قطعی است و دفتر سنوات تاریخ و تمدن و فرهنگ بشری بسته می شود، در حالی که آن حرکت‌ها و چرخش هایِ منظم زمین، در ید قدرت خالق بی چون، همچنان استمرار پیدا می کند. پس باید به‌هنگام حلول سال نو از درگاه حضرت باری بخواهیم که قدرت‌ها و اندیشه‌های شرّ و شیطانی را بَرافکند و بر خرد و خیر و سلامت و سعادت جامعهٔ بشری بیفزاید.

محدوده یا بستر جغرافیایی فرهنگ و مدنیت کهن ایرانی در دوران هخامنشیان (۵۵۹ـ۳۲۱ پیش از میلاد)، بخش های عظیمی از قلمروهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کشاورزی جهان باستان را به خود اختصاص می دهد. قلمروهایی که بعدها قسمت‌هایی از سرزمین های دنیای اسلام را دربر گرفت. مشعل تابناک و درخشان فرهنگ و تمدن ایرانی هیچ گاه در طول تاریخ به خاموشی نگراییده و همواره به‌صورت یکی از کهن ترین تمدن های بشری در اذهان جهانیان مطرح بوده است. «نوروز» که معرب آن «نیروز» است، از جمله مظاهر این فرهنگ و تمدن با پیشینهٔ دور و دراز تاریخی و اسطوره‌ای به‌شمار می رود. براب برخی مستندات و شواهد تاریخی و باستان شناسی موجود، «نوروز» کهن ترین جشن اقوام بشری است که به‌صورت حیرت‌آوری از عصر اسطوره‌ها و دوران های تاریخی مدونِ جهان باستان تا به امروز موجودیت فرخنده و سرور آفرین خود را در همان سرزمین ها و قلمروهای اشاعهٔ فرهنگ ایرانی ادوار باستان و پس از اسلام، مخصوصاً در گسترهٔ بسیار پهناور حوزهٔ نفوذ زبان فارسی حفظ کرده است.

سنت‌های پیش و پس از حلول سال نو کدامند؟

آن‌چه که اکنون متداول است با آن‌چه در صدسال پیش رایج بوده یا در هزارسال یا دوهزار سال قبل اجرا می‌شده قطعاً تفاوت زیادی کرده اما برخی از آن مراسم و سنت‌ها با تغییراتی استمرار یافته است. از باب نمونه، کشت سبزهٔ نوروزی در اسفندماه از سنت‌های رایج کنونی است اما این سنت در ادوار باستان به‌منظور پیش‌بینی وضعیت اقلیمی سال پیش رو و انتخاب نوع محصول برای کشتِ مناسب با آن وضعیت آب‌وهوایی بوده است.

ابوریحان بیرونی، راز و رمز و سبب کشت سبزهٔ نوروزی را با استناد به نوشتهٔ زادویه بن شاهویهٔ اصفهانی (از مترجمان خداینامک از پهلوی به عربی) آشکار ساخته است: «ایرانیان در نوروز، در کنار خانهٔ خود هفت‌گونه از دانه‌ها (حبوبات، غلات) در هفت استوانه بکارند و از چگونگی رویش و رشد هر یک از این دانه‌ها، خوبی یا بدی کشت آن دانه‌ها را در آن سال زراعی حدس می‌زنند و در مورد گزینش مناسب‌ترین غلات و حبوبات برای کاشت تصمیم می‌گیرند».

شمس‌الدین محمد انصاری دمشقی نیز مطالب جالبی درباره نوروز و مراسم آن دارد و از جمله از هفت‌دانه و سکهٔ زرین و سیمین و قند (شیرینی) یاد کرده است. کریستن سن نیز مطالب وی را در مقالهٔ تحقیقی خود در باب نوروز آورده است: ایرانیان می‌پندارند که خدا «نور» را در آن روز آفرید... و مدت جشن شش روز است... ششمین روز [از فروردین] «نوروز و بزرگ» نامیده می‌شود. شاهان ایران که در روزهای پنجگانه نوروز به کار ادارهٔ کشور می‌پرداختند، روز ششم را با خود خلوت می‌کردند، آن‌گاه بنابر عادت خود، مردی خوش‌سیما شب‌هنگام بر در شاه می‌ایستاد... در ساعتی از صبح با حرکت خاص خود بر شاه وارد می‌شد و در جایی می‌ایستاد که شاه او را ببیند. شاه از او می‌پرسید که: کیست؟ از کجا آمده است و چه می‌خواهد؟ نامش چیست؟ چرا آمده؟ و چه با خود آورده است. آن مرد پاسخ می‌داد که من «منصور [پیروز]م، نامم «خجسته» است. از پیش خدا آمده‌ام و برای شاه نیکبخت سعادت و آرامش آرزو می‌کنم. «به همراه سال نو [نوروز] آمده‌ام».

آن‌گاه می‌نشست. اندکی بعد مردی وارد می‌شد که طبقی [سینی] سیمین در دست داشت و بر آن گندم، جو، نخود، جُلبان [مُلک]، کنجد و برنج، از هر نوع هفت‌خوشه و هفت‌دانه، تکه‌ای قند، دینار [طلا] و درهمی [نقره] نو قرار داشت. این طبق در برابر شاه نهاده و آن‌گاه هدیه‌ها و تحفه‌ها به او تقدیم می‌شد... پس از آن نان شیرینی بزرگی که از دانه‌های هفت‌گانهٔ مذکور درست شده بود در سبدی به شاه تقدیم می‌شد، چون شاه از آن می‌خورد و به همراهان خود می‌داد می‌گفت: «این روزی نو، از ماهی نو، از سالی نو است؛ باید آن‌چه را زمان کهنه کرده است، باز نو کرد. درخورتوجه‌ترین عضو تنِ آدمی، به‌سبب برتری آن بر همهٔ اندام‌های دیگر، سر است»، آن‌گاه شاه هدیه‌هایی را که به او تقدیم شده بود، میان بزرگان دولت خود تقسیم می‌کرد.

کنستانتین اینوسترانتسف، ایران‌شناس نامدار روس، مستند به مأخذ قدیمی دیگری مطالبی مشروح و متفاوت با نوشتهٔ ابوریحان بیرونی نقل کرده است:

... بیست‌روز قبل از نیروز دوازده ستون از خشت خام در حیاط قصر نصب می‌کردند، و روی یکی از آن‌ها گندم و روی ستون دیگر جو و دیگری برنج و دیگری لوبیا و دیگری عدس و دیگری ارزن و دیگری باقلا و دیگری نخود و دیگری کنجد می‌کاشتند... این دانه‌ها را برای گرفتن فال می‌کاشتند و می‌گفتند: هر یک از این دانه‌ها بهتر سبز شود و بهتر برسد نشانهٔ آن خواهد بود که کشت آن نوع دانه در آن سال رشد خوب خواهد داشت، و پادشاه بیشتر روییدن جو را تماشا می‌کرد و این کار را نشان نیک می‌دانست.

از دیگر آداب و رسوم پیش از نوروز که کم و بیش متفاوت با آن‌چه در ادوار گذشته انجام می‌شده تاکنون استمرار یافته عبارت از خانه‌تکانی، تمیز کردن همهٔ زوایای منزل و بیرون و پیرامون آن، طراوت‌بخشی به عرصهٔ باغچه و درختان آن، جلا بخشیدن به لوازم و چراغ‌ها، تمیز یا نو کردن فرش و پرده و جامه‌ها و همه چیز در آستانهٔ سال نو، پخت سمنو و نان‌های مخصوص و انواع شیرینی، تدارک تنقلات، تهیهٔ هدایای کوچک‌ترها و کودکان، گرمابه رفتن و آراستن سر و صورت و استفاده از رنگ مو و عطر است.

با این توضیح که در گذشته حنا و خضاب به‌جای رنگ مو استفاده می‌شده و حنابندان دست و پای کودکان معمول بوده و هنوز هم در برخی نواحی رایج است. این گونه آداب و رسوم در نواحی مختلف با کم و بیش تفاوت‌هایی جریان دارد. از باب نمونه در خُوروبیابانک، برای ایام نوروز علاوه بر «سمنو» دو نوع نان به نام «نان سمنو» و «نان بی‌بی هور» می‌پزند.

از دیگر سنت‌های رایج، مراسم شب چهارشنبه‌سوری است، که از شبانگاه قتل متوکل منشأ دارد. در متون عصر قاجار، گاهی از افروختن آتش در شبانگاه نوروز سخن رفته است و در برخی از قلمروهای فرهنگ ایرانی از آب‌پاشی در نوروز یاد شده است؛ بی‌گمان این دو سنت نیز پیشینهٔ دورودرازی داشته است. از آن‌جا که به‌پندار ایرانیانِ عصرِ باستان، نور و روشنایی، اهورایی و تیره و تاریکی اهریمنی بوده اَست و از سوی دیگر «آتش» و «آب» از عناصر اربعه و زدایندهٔ پلیدی‌ها و تیرگی‌ها به‌حساب می‌آمده، آن دو سنت در سرآغاز سال نو رایج شده است،

طبری، در وقایع سال ۲۸۴، شرحی از ممنوعیت آتش‌افروزی در شب نیروز و آب‌پاشی به روز نیروز در بغداد خبر داده که این ممنوعیت توسط خلیفه معتضد لغو شده است و «مردم در این باب افراط کردند».

از دیگر مراسم قبل از نوروز، پیدایی «حاجی فیروز» در این ایام است که مبداء و منشأ آن را نمی‌شناسیم، اما به گمان این هیچمدان با همان واقعهٔ سال ۲۸۴ نسبتی دارد که جای ارائه ادلهٔ آن نیست.

سنت مشهور دیگر قبلِ از تحویل سال نو عبارت از چیدن سفرهٔ هفت‌سین است که احتمالاً به پیروی از کشت هفت نوع دانه در عصر باستان انجام می‌شود و سبزهٔ نوروزی نیز مظهری از همان سنت ادوار کهن است. شاید آن‌چه در سفرهٔ هفت‌سین چیده می‌شود، نماد یا جلوه‌ای از همان هفت‌گونه دانه یا ماحصل خوراکی برخی دانه‌ها باشد که وجوه تسمیهٔ آن‌ها با حرف سین آغاز می‌شود.

در ساعت تحویل سال، چه روز و چه شب، اعضای یک خانواده، با دل‌های پاک و پرعاطفه و اندیشه‌های نیک و چهره‌های پرنشاط در کنار سفرهٔ نوروزی می‌نشینند و نام ایزد یکتا را با صلوات بر زبان آورده و از پیشگاه حضرت باری برای خود و همهٔ انسان‌ها سالی خوب و پرخیر و برکت درخواست می‌کنند. پس از آن اعضای خانواده یکدیگر را در آغوش می‌گیرند و مبارک‌باد می‌گویند. پس از آن مراسم دید و بازدیدها آغاز می‌شود، به دیدار بزرگان و علمای شهر و دیار تقدم می‌بخشند. این مراسم که چند روزی ادامه دارد، بی‌گمان در همهٔ قلمروهای اشاعهٔ جشن نوروزی از دورترین ایام تاریخ تاکنون با کم‌وبیش تفاوت‌هایی استمرار یافته است.

دیگر سنت رایج که پایان‌بخش ایام فرخندهٔ نوروزی نیز به‌حساب می‌آید، مراسم «سیزده‌بدر» و رها کردن سبزهٔ نوروزی در دشت و دمن است. در منابع و متون کهن فارسی شاهدی برای آن وجود ندارد. در لغت‌نامه این تعریف از نوشتهٔ مرحوم دهخدا و افزوده‌ای بر آن، بدون شاهد آمده است: «رسم تفریح و گردش که روز سیزدهم فروردین ایرانیان راست. روز سیزدهم از سال نو که ایرانیان بیرون روند و نحوست دور کنند.» اما در منابع عصر قاجاریه شواهدی برای آن توان یافت که در پژوهش‌های خود به دو نمونه از آن برخورده‌ام: نخست در خاطرات اعتصام‌الملک، دوم در خاطرات اعتمادالسلطنه که هر دو خواندنی است.

میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک در سفر به قاین چندی در تربت حیدریه اقامت داشته و در خاطرات روز ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۹۴ [مقارن ۳ ژوئن ۱۸۷۷/ ۱۳ فروردین ۱۲۵۶] خود از جمله نوشته است: «دیدم ضعیفه‌ای آمد و عارض است [شکایت دارد] که: برای سیزدهٔ عید از شهر بیرون رفته بودم، در مراجعت، درب دروازه، حسینعلی آدم شما جلو من آمده گفت: خانم! چرا به الاغ سوار شده‌ای؟ باید بگویی اسب برایت بیارم. گفتم: تو را با من چه سروکار است؟ قمه کشید به هوا انداخت و شروع به قمه‌بازی کرد که قمه از دستش رد شده به زانوی من خورد و زخم کرد... مرا به زحمت این‌جا آورده‌اند. فوراً فرستادم حسینعلی را آوردند و در حضور ضعیفه چوب وافری به او زده به محبس فرستاده زنجیرش کردند...»

اعتمادالسلطنه در وقایع روز ۲۶ جمادی الثانی ۱۳۰۳ [مقارن با ۲ آوریل ۱۸۸۶/ ۱۳ فروردین ۱۲۶۵] خاطرات خود از جمله نوشته است: «جمعه که سیزده بدر است، شاه دوشان‌تپه تشریف بردند. خیابان جدید را سرباز تنگ به هم چسبیده بودند که کسی به اشجار صدمه نزند. من صبح زود رفتم. شاه دیر تشریف آوردند. قریب به ده هزار الواط از شهر، دوشان‌تپه سیزده بدر آمده بودند.»

اصل و منشأ مراسم روز سیزده بدر نامعلوم است. به گمان این هیچدان باید گرفته از نحوست روز ۱۳ ماه صفر باشد، چرا که به نوشتهٔ مرحوم دهخدا: عامهٔ مردم روز سیزدهم صفر را نحس شمارند.

در متون کهن و منابع لغت ادوار گذشته شاهد یا تعریفی از «سیزده بدر» نیامده است اما در نوشته‌های دوران قاجار شواهدی برای نحوست سیزدهٔ صفر توان یافت، از باب نمونه بصیرالملک شیبانی، در خاطرات روز چهارشنبه سیزدهم صفر ۱۳۰۳ نوشته است: «امروز رفتم در خانه، به ملاحظهٔ سیزدهٔ صفر هیچ‌کس نبود. رفتم خانهٔ امین‌الملک نبودند...»

سنت نوروز چگونه به یک عید و سرفصل شادی سالیانه، یعنی مهم‌ترین روز در سال‌شمار و تقویم ایرانیان، بدل شد و چه دلایل تاریخی و فرهنگی داشته است؟

ابوریحان بیرونی روایات مختلفی دربارهٔ چگونگی پیدایی جشن نوروز و اتخاذ وجه تسمیهٔ آن نقل کرده، از آن جمله بااستناد به گفته آذرباد، موبد بغداد نوشته است: «نیشکر در ایران روز نوروز یافت شد و پیش از آن کسی آن را نمی‌شناخت...»؛ جمشید آن را کشف کرد «و از آن شکر ساختند...».

جمشید، شهریار پیشدادی، برابر روایات بعضی از مورخان، فرمانروایی همهٔ جهان را داشته و آغازگر دادگری بوده است. اوصاف و تعاریفی از جهانداری وی نقل شده که: «گویی پایه‌های مدنیت و پیشرفت‌های انسان اولیه در دوران جمشید استوار شده است...». طبری، شرحی از اقدامات و ابداعات جمشید نقل کرده و از جمله نوشته است: «او را به سبب زیبایی جمالش جمشید لقب داده‌اند...».

به نوشتهٔ بلعمی: نخستین کسی که سلاح کرد جمشید بود... همهٔ مردمان را چهار گروه کرد: «دبیران و دانایان»، «لشکریان»، «کشاورزان»... پس «علما» را گرد کرد و از ایشان بپرسید که: چیست که این پادشاهی بر من پاینده و باقی دارد؟ گفتند: «داد گستردن در میان خلقِ خدای تعالی»؛ پس او «داد» بگسترد... و چنین روز که به مظالم بنشست روز «هرمزد» بود از ماه «فروردین»، پس آن روز «نوروز» نام کردند و تاکنون [قرن چهارم] سنت گشت. مطابق روایات تاریخی، جمشید خرد را ارج نهاد و دیو جهل را دربند کشید. به نوشته ابن بلخی «جمشید اصطخر پارس را دارالملک ساخت و آن را شهری عظیم گردانید.»

ابن بلخی در پی برشمردن اقدامات و ابتکارات جمشید و شرح وظایف چهار گروه موصوف، افزوده است: جمشید چون از این همه فارغ شده بود، پس فرمود تا جمله ملوک و اصحاب اطراف و مردم جهان به استخر حاضر شدند... و همه بزرگان جهان در پیش او ایستادند. و جمشید گفت بر سبیل خطبه که: ایزد تعالی ارج و بهای ما تمام گردانید و تأیید ارزانی داشت و در مقابل این نعمت‌ها بر خویشتن گردانیدیم که با رعایا عدل و نیکویی فرماییم. چون این سخنان بگفت همگان او را دعای خیر گفتند و شادی‌ها کردند و آن روز جشن ساخت و «نوروز» نام نهاد و... یک هفتهٔ متواتر به نشاط و خرمی مشغول بودند... جمشید یزدان را عزّه ذکره، پرستش و شکرگزاری و زاری نمود و حاجت خواست که در روزگار او همهٔ آفات، از قحط، وبا، بیماری‌ها و رنج‌ها از جهان بردارد...

در گزارش مفصل ابن بلخی واقعیاتی شگفت نهفته است، چرا که منقوشات برجستهٔ سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید حکایت از برپایی جشن نوروزی و اوصافی دارد که در نوشته بلخی کم و بیش آمده است.

پایتخت و موضع کاخ‌های ویران شدهٔ هخامنشیان در فارس به «جمشید» منسوب شده و با نام «تخت جمشید» شهرت خود را حفظ کرده است. از طرفی دیگر، می‌دانیم که بنیاد آن بناهای گستردهٔ باشکوه را داریوش اول هخامنشی پی ریخته که هنوز هم عظمت و زیبایی حتی بر ویرانه‌های برجای مانده آن‌ها حاکم است، تبیین کنندهٔ اقتداری داهیانه و رهبری با درایتی جهان‌شمول بوده است؛ قدرت و درایتی که به جلب و جذب همه اقوام و ملل جهان باستان توفیق یافته است. این داریوش اول بود که نظم نوین جهانی آن روزگاران را در حدود ۲۶۰۰ سال پیش سامان و سازمان داد. دانشمند باستان‌شناس آلمانی به نام پیتریولیوس یونک، پژوهش‌های عمیق و دقیقی درباره اقدامات این شهریار هخامنشی انجام داده که در سال ۱۹۳۸ منتشر شده است. به نوشته او: «داریوش نظم نوینی را با بنای عظیمی در قلب پارسه [فارس، موضع تخت جمشید] آغاز نهاد. این ارگ شاهانه، نماینده تحولاتی بود که بایستی در کشور ایجاد شود و نه

تنها هدف‌های سیاسی پادشاه، بلکه بُرد و قدرت روح تشکیلاتی او را نیز به جهانیان بشناساند.» هم او نوشته است: «... این نظم و این رهبری یک تکامل و تطور دایمی را تأمین می کردند، اصلی که تعقیب می‌شد ولع قدرت و چپاول تشکیلاتی ملل جهان نبود- چنان که دول معدوم شرق قدیم می کردند و چنان که دولت‌های جهانی دیگر بعد از آن تا به امروز انجام داده‌اند- بلکه اصل نظمی بود که در آن قدرت فرمانروا بر خود وظایف سنگینی را تحمیل می کرد، چنان که طرز فکر آزادانه و حتی فضایل اخلاقی را همیشه در نهایت آمادگی نگهدارد.»

به نوشته هم او: «داریوش عقیده داشت که ضامن بقای دولت حفظ حقوق ثابت و عادلانه ملت است. چنان که در سال ۵۱۹ پیش از میلاد فرمان داد تا قوانین کلیه ولایات را جمع و تدوین کنند تا در آینده صدور احکام قضایی بر پایه ثابتی مستقر باشد».

نظم نوین جهانی داریوش تحولی عظیم ایجاد کرد، آثار آن در کتیبه‌ها و سنگ‌نگاره‌های برجای مانده تخت جمشید مشهود است: «مبدأ این تحول و این نظم، سیستم جدید مالیاتی و زمینه اقتصادی دولت داریوش بود که از طرفی زندگی مرفه اقوام کشور و از طرف دیگر قدرت مالی دولت او به‌وسیله آن تأمین می‌شد.» جلوه‌هایی از اقدامات عمرانی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی که ابن بلخی برای جمشید برشمرده و جشن نوروز را یادگار آن روزگار دانسته، در تصاویر سنگ‌نگاره‌های برجای مانده تخت جمشید مجسم شده است.

برخی مورخان قدیم روایات زیادی درباره حمله اسکندر و اقدامات او نقل کرده‌اند. حمزه اصفهانی (وفات حدود ۳۵۰)، مطالب زیادی نوشته، از آن جمله است: «اسکندر چون دارا (داریوش سوم) را بکشت و به کشور ایران استیلا یافت، زشتکاری آغاز نهاد، و در ریختن خون مردمان زیاده‌روی کرد. از بزرگان ایران ۷۰۰۰ تن را اسیر کرد و به‌زنجیر کشید... از جمله اخباری که داستان‌سرایان ساخته‌اند این که اسکندر در ایران ۱۲ شهر ساخت... اما این خبر نادرست است، زیرا وی ویران کننده بود نه آبادکننده»، «آن‌گاه کتاب‌های دینی و علمی را بررسی کرد و کتب فلسفی، نجوم، پزشکی و کشاورزی را از زبان فارسی (باستان) به یونانی و نبطی نقل کرد و به اسکندریه فرستاد و باقی را سوزانید».

امروز که غربیان به دانش‌ها و فنون پیشرفته فوق تصور دست یافته‌اند، با مرعوب کردن همان اعمال اسکندر را در سطح وسیع‌تر و با نیات متفاوت، به‌بهانه پیاده کردن نظم نوین جهانی پی می گیرند و آتش و خون و ویرانی، مخصوصاً در قلمروهای اسلامی می آفرینند. دیدیم که صدام و القاعده و طالبان و داعش را تجهیز و ترغیب کردند و اختلافات مذهبی، قومی و زبانی در کشورهای اسلامی را دامن زده و زمینه‌های تجزیه هرچه بیشتر قلمروهای مسلمانان را در پی تجزیه‌های دو قرن گذشته فراهم می کنند.

باری، شرح اقدامات مدبرانه جمشید، مندرج در متون کهن تاریخی، با آن‌چه در کتیبه‌ها و سنگ‌نگاره‌های هخامنشی و نیز نوشته‌های مورخان یونانی درباره تلاش‌های داهیانه داریوش یکم آمده است وجه تشابه زیادی دارد. تصاویر سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید، نمایندگان اقوام و ملل مختلف قلمروهای مختلف هخامنشی را در حال حمل هدایای نوروزی برای شهریار به‌نمایش می‌گذارد؛ رسمی که تا خلیفگان و شاهان بعد از اسلام نیز استمرار یافت.

به‌نظر می‌رسد هوشمندان ایرانی به‌منظور حق‌شناسی و تجلیل از بانی دادگستر «نوروز»، کاخ‌های ساخته داریوش در پرسپولیس را به جمشید منسوب کرده و بدان نام «تخت جمشید» داده‌اند. گو این که برخی داریوش و جمشید را شخصیتی واحد گمان برده‌اند. شاید تشابه اقدامات و تلاش‌های مدبرانه آن دو، این تردید را برانگیخته و استمرار داده است.

از باب نمونه حمزه اصفهانی در حدود یازده قرن پیش، ضمن برشمردن اقدامات جمشید نوشته است: «از کارهای شگفت‌آور جمشید ایجاد پلی برروی دجله است که روزگار درازی پا برجا بود تا آن که به دست اسکندر ویران شد.»

محدوده نوروزگانی کجاست؟

مراسم و سنت‌های نوروزی از بدو پیدایی تا عصر حاضر استمرار پیدا کرده‌اند. جاحظ (ابوعثمان عمرو بن بحر، وفات ۲۵۵)، ادیب و نویسنده بزرگ عرب، مطالب تحقیقی جالب و ارزنده‌ای درباره آداب و رسوم و سنت‌های رایج در ایران دوران ساسانیان دارد. وی ذیل عنوان «هدایای نوروز و مهرگان» از جمله نوشته است: یکی از حقوق پادشاه این است که در نوروز و مهرگان هدایایی تقدیمش کنند و علت این است که [سرآغاز] دو فصل [بهار و پاییز] سال هستند. مهرگان عبارت از فرارسیدن فصل سرما است و نوروز نشانه رسیدن فصل گرما است. اما در نوروز مزایایی است که در مهرگان نیست، از جمله فرا رسیدن سال نو، آغاز موسم باج و خراج (مالیات)، کاشتن، عوض کردن عاملان و متصدیان، سکه زدن درم(نقره) و دینار(طلا)، پاک کردن آتشکده‌ها و آبریزان، قربانی نمودن و آبادی و عمارات و غیره... رسم و آیین ایرانیان این بود که هرکس آن‌چه را دوست دارد به شاه هدیه کند... اما شاعران «شعر» و خطیبان «خطبه» هدیه می کردند و...

بسیاری از مراسم مزبور پیشینه دور و درازتری داشته و خیلی از آن‌ها بعد از اسلام نیز در عصر خلیفگان اموی و عباسی و پس از آن در زمان شاهان و حکمرانانی که بر سرزمین‌های قلمروهای سیاسی و جغرافیایی فرهنگ ایرانی و حوزه نفوذ زبان فارسی استیلا یافته‌اند تاکنون استمرار یافته است. بدان سان که امروز برخی از آداب و سنت‌ها و مراسم نوروزی در سرزمین‌های افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه، بخش‌هایی از عراق و سوریه و هند و پاکستان و برخی از امیرنشین‌های خلیج فارس استمرار دارد و در سازمان ملل روز نوروز در شمار تعطیلات رسمی درآمده است. با این که زبان فارسی و خط عربی در بسیاری از کشورهای مزبور توسط استعمارگران حذف شده، بازهم «نوروز» یکی از مشترکات فرهنگی جاودانه ایرانیان با ملیت‌های این سرزمین‌هاست.

آیا نوروز یک جشن بازمانده از عقاید دینی است یا از سنت‌های کشاورزی برآمده است؟

مطابق برخی شواهد و مستندات تاریخی، ایرانیان از دیرباز بر امور کشت و کار و باغبانی علاقه و توجه بلیغی داشته‌اند. به‌همین منظور نسبت به تهیه و تدارک و ترتیب مقدمات و اسباب هریک از امور فلاحتی و وابسته به آن چون پرورش دام و طیور و زنبور عسل و نوغانداری و غیره، به گردش دور افلاک و وضعیت قمر و کواکب و تأثیر و تأثر آن‌ها بر وضعیت اقلیمی و نیز بر روی محصولات زراعی و باغی دقیق بوده و ساعات مبارک و به‌موقع و نیز ساعات نحس و نامیمون را برای آغاز کردن هر یک از عملیات و امور کشاورزی در نظر می گرفتند. حتی در خرید ملک و زمین زراعی و آب یا احداث کاریز، ایجاد باغ، کاشت نهال و غرس و پیوند درختان، یا جابه‌جا کردن رمه‌ها، خرید و فروش دام‌ها و دیگر امور گوناگون کشاورزی و وابسته به آن علاوه بر سنجیدن موقع و زمان مناسب هر یک از امور، با توجه به وضعیت قمر و دیگر اختران افلاک و تعیین ساعات سعد و نحس اتخاذ تصمیم می کردند.

نیاکان ما از زمان‌های بسیار دور از دوران پیشدادیان، که جمشید بانی جشن و مراسم نوروزی شد، آزموده‌ها و تجاربی در تعیین ساعات سعد و نحس و پیش‌بینی شرایط اقلیمی سال پیش روی، داشته‌اند. بنابراین باید تعیین موقع «نوروز» در اول بهار، موسم کاشتن و رویش و رشد رستنی‌ها و کشتنی‌ها و زایش دام‌ها توسط جمشید براساس همان تجارب نجومی و کشاورزی و شرایط اقلیمی و آب و هوایی اتخاذ شده و به‌تدریج با فراگیر شدن مراسم آن جنبه ملی پیدا کرده و با گذشت زمان جایگاهش در قلمروهای فرهنگ ایرانی در بین اقوام و ملل مختلف تثبیت شده و در برخی از سرزمین‌ها با همراه شدن پاره‌ای از باورهای قومی و مذهبی با مراسم نوروز، موجبات جذب مخالفان «نوروز» یا بسته شدن دهان آنان، فراهم آمده است.

آیا نوروز در شرق و غرب ایران تفاوت داشته است؟

مراسم نوروزی در برخی از سرزمین‌های قلمرو فرهنگی ایران و زبان فارسی در قدیم، با پاره‌ای از باورهای قومی و مذهبی همراه شده است. البته باید به تغییر موقع نوروز توسط متوکل و معتضد، خلیفگان عباسی، از اول فروردین به خردادماه اشاره کرد که با مخالفت ایرانیان دوامی نیاورده است. در این مورد شرحی مبسوط در مقالهٔ «چهارشنبه‌سوری منشأ از شبانگاه قتل متوکل دارد» بر اساس مستندات فراوان آورده است.

نوروز در کدام منابع و متون باستانی و تاریخی بیشتر موردتوجه بوده و رویکرد مورخان و محققان در دو دورهٔ اسلامی بدان چگونه بوده است؟

کهن‌ترین مستند موجود از برپایی مراسم نوروزی همان تصاویر سنگ‌نگاره‌های تخت جمشید است، اما مورخان یونانی و دیگر نویسندگان دوران باستان از «نوروز» و جشن و مراسم آن یاد نکرده‌اند. در متون پهلوی از «نوروز» در وجه «نوگ روز/ Noghroz» سخن رفته است: به موجب روایت دینکرو، هر پادشاهی در این روز فرخنده رعیت ممالک خویش را قرین شادی و خرمی می کرد و در این عید کسانی که کار کرده‌اند دست از کار می کشیده به استراحت و شادی پرداخته‌اند.

یکی از کتب پهلوی نسبتاً جدید، همهٔ حوادث گذشته و آینده را که در نوروز واقع شده و خواهد شد شرح می‌دهد... غیر از بیرونی چند تن از مورخان عرب و ایرانی «عید نوروز» را توصیف کرده‌اند و شعرایی مانند فردوسی و منوچهری در اشعار خود آن را ستوده‌اند... تئودور نولدکه، خاورشناس نامدار آلمانی که در تاریخ و فرهنگ ایرانی تحقیقات پردامنه و عمیقی دارد، در توضیح مطلبی یادآور شده است که: من از به‌کار بردن کلمهٔ «نوروز» برای روز اول سال خودداری می کنم؛ زیرا حدس می‌زنم که نوروز جشن ملی آغاز بهار بوده است نه جشن آغاز سال.

برخی از مورخان ایرانی و عرب در معرفی جمشید و شرح اقدامات و ابتکارات وی از نوروز سخن گفته‌اند. در نوروزنامه، منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری (تألیف سال ۴۹۵) مطالب زیادی دربارهٔ جمشید و نوروز و مراسم نوروزی و غیر آن نقل شده، از آن جمله است: جمشید، دیوان را مطیع خویش گردانید و بفرمود تا گرمابه ساختند و دیبا [ابریشم] ببافتند و «دیبا» را پیش از ما «دیوبافت» خواندندی... و مُشک و عنبر و کافور و زعفران و عود و دیگر طیب [بوی خوش]ها به‌دست آورد، پس این روز [اول فروردین] که یاد کردیم جشن ساخت و نوروزش نام نهاد و مردمان را فرمود که هر سال چون فروردین نو شود آن روز جشن کنند و آن روز نو دانند.



از مراسم نوروزی عصر ساسانیان نیز شرحی آمده است: روز نوروز نخست کس از مردمان بیگانه، موبد موبدان پیش ملک آمدی و نیایش کردی او را به زبان پارسی به عبارت ایشان: شها به جشن فروردین به ماه فروین، آزادی گزین یزدان و دین کیان، سروش آورد ترا دانایی و بینایی به کاردانی، و دیرزی با خوی هژیر و شادباش بر تخت زرین و انوشه خور به جام جمشید و رسم نیاکان در همت بلند و نیکوکاری و ورزش داد و راستی نگاه دار، سرت سبز باد و جوانی چو خوید [سبزه]، اسپت کامگار و پیروز و تیغت روشن و کاری به دشمن...

از آن جا که که در نوروزنامه کشف طلا و نقره به جمشید منسوب شده است می‌توان احتمال داد که سکهٔ زر و سیم در سفرهٔ هفت‌سین مبتنی بر همان پندار و به احترام جمشید استمرار پیدا کرده است: «زر اکسیرِ آفتاب است و سیم اکسیر ماه، و نخست کس که زر و سیم از کان بیرون آورد جمشید بود. و چون زر و سیم از کان بیرون آورد، فرمود تا زر را چون قرصهٔ آفتاب گرد کردند و بر هر دوی روی صورت آفتاب [خورشید] مُهر نهادند و گفتند این پادشاه مردمان است اندر این زمین، چنانکه آفتاب اندر آسمان؛ و سیم را چون قرصهٔ ماه کردند و بر هر دو روی صورت ماه مُهر نهادند و گفتند این کدخدای مردمان است اندر زمین چنان که ماه اندر آسمان...»

نوروز در ادبیات و شعر فارسی چه جلوه‌هایی دارد؟

جاحظ ضمن شرح مراسم نوروزی و تقدیم هدیه‌های مختلف به شهریاران، می‌افزاید: «شاعران، شعر و خطیبان خطبه هدیه می‌کردند». این سنت بعد از اسلام نیز استمرار یافته و سخن‌سرایان دربارهای سامانیان، غزنویان، آل بویه، آل زیار و سلجوقیان در قصاید و منظومه‌های زیادی ضمن مدح شاهان، اوصافی نغز و دلنشین از نوروز و جلوه‌ها و زیبایی‌های طبیعت در فروردین آورده‌اند که در دیوان‌ها و مجموعه‌های شعری آنان ثبت شده است، شاعران و نویسندگان همواره شاهان و وزرا را به برپایی هر چه باشکوه‌تر مراسم نوروزی ترغیب می‌نموده و با سروده‌های سرورانگیز و خطابه‌های شورانگیز خود، در حال و هوای فرح‌فزای بهاری، محفل نوروزی را غرق در شادی و نشاط می‌کردند.

دلیل استمرار نوروز در دورهٔ اسلامی چیست؟

شهریاران و سرداران و وزرای ایرانی‌تبار بعد از اسلام، چون طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل‌بویه و آل زیار و سردارانی چون ابومسلم خراسانی، بابک خرم‌دین و وزرایی چون آل برمک، برخی در خدمت به خلیفگان و بعضی با توطئه خلیفگان از پای درآمده‌اند. عباسیان پس از آن که با پشتیبانی سرداری چون ابومسلم خراسانی بر سر کار آمدند، چون به هوش و استعدادهای وی در سازمان‌دهی و جنگاوری آگاه بودند وی را از پای درآوردند، با توطئه به فرمانروایی طاهریان خاتمه دادند و با اختلاف‌افکنی بین صفاریان و سامانیان و همچنین شهریاران آل بویه و آل‌زیار و ایجاد مناقشه بین آنان، همزمان با سرداران ترکستانی آل البتکین ارتباط برقرار کرده و به فرمانروایی سلسله‌های مزبور خاتمه دادند.

خلفای عباسی با قتل و حذف برمکیان، سرداران ترکستانی را در دارالخلافهٔ بغداد به خدمت گرفتند و به‌تدریج دیوان و دفتر و دیگر امور را از ایرانیان گرفتند. با جابه‌جا کردن نوروز از فروردین به ماه جوزا (خرداد) توسط متوکل و معتضد، در جهت حذف نوروز تلاش‌هایی کردند اما فرهنگ ایرانی و نوروز چنان در بغداد ریشه دوانده بود که موفق به براندازی این جشن ایرانی نشدند، درحالی که شاهان ترکستانی تبار غزنوی و سلجوقی تحت‌تأثیر فرهنگ ایرانی، نه‌تنها در برپایی جشن و مراسم نوروز اهتمام تمام ورزیدند، بلکه در اشاعه مراسم آن نیز با تشویق شاعران و نویسندگان در اشاعه زبان و ادبیات فارسی در سرتاسر خاورمیانه و آسیای مرکزی و شبه قارهٔ هند بسیار مؤثر بودند.

باری، اما چرا موجودیت نوروز استمرار یافته است؟ سبب آن توجه و سعی بلیغ ایرانیان در حفظ و نگهبانی آداب و سنن و رسوم نیاکان است. هرودوت، تأکید خشایار شاه بر همین عامل عمده را ثبت کرده است: «ما پارسیان راه و رسم و سنت‌های خاص داریم که از نیاکان به ارث برده‌ایم. من می‌خواهم همان سنت و رفتار را شعار خود سازم.»

پیروی از سنت‌های پسندیدهٔ پیشین ایرانیان چنان قطعی و مستمر بوده است که گروته فند، دانشمند آلمانی، با توجه به همین پندار «ایرانیان خوش ندارند از راه و رسم اجداد خود دست بکشند» موفق به خواندن کتیبه‌های هخامنشی به زبان‌های پارسی باستان و ایلامی و آلمانی شده است.

***

سخن را با عرض تبریک نوروز پیش روی و نقل خاطرهٔ بسیار جالب و غرورانگیز و شنیدنی شادروان دکتر محمدامین ریاحی به پایان می‌برم که آشکارا بیانگر دلیل استمرار بخشی مراسم جشن نوروزی طی ادوار گذشته در بین ایرانیان است:

در یکی از روزهای نزدیک نوروز ۱۳۶۷ که هر کسی دور از تهران به‌جای امنی پناه برده بود، پیرمردی را در خیابان مقصودبیگ تجریش دیدم که از مغازه‌ای سراغ سمنو برای سفرهٔ هفت‌سین می‌گرفت. درست در همان لحظه موشکی در همان حوالی افتاد. در و دیوار به لرزه درآمد و ستون دود و گرد و غبار به آسمان سر کشید، همه جا تیره و تار شد.

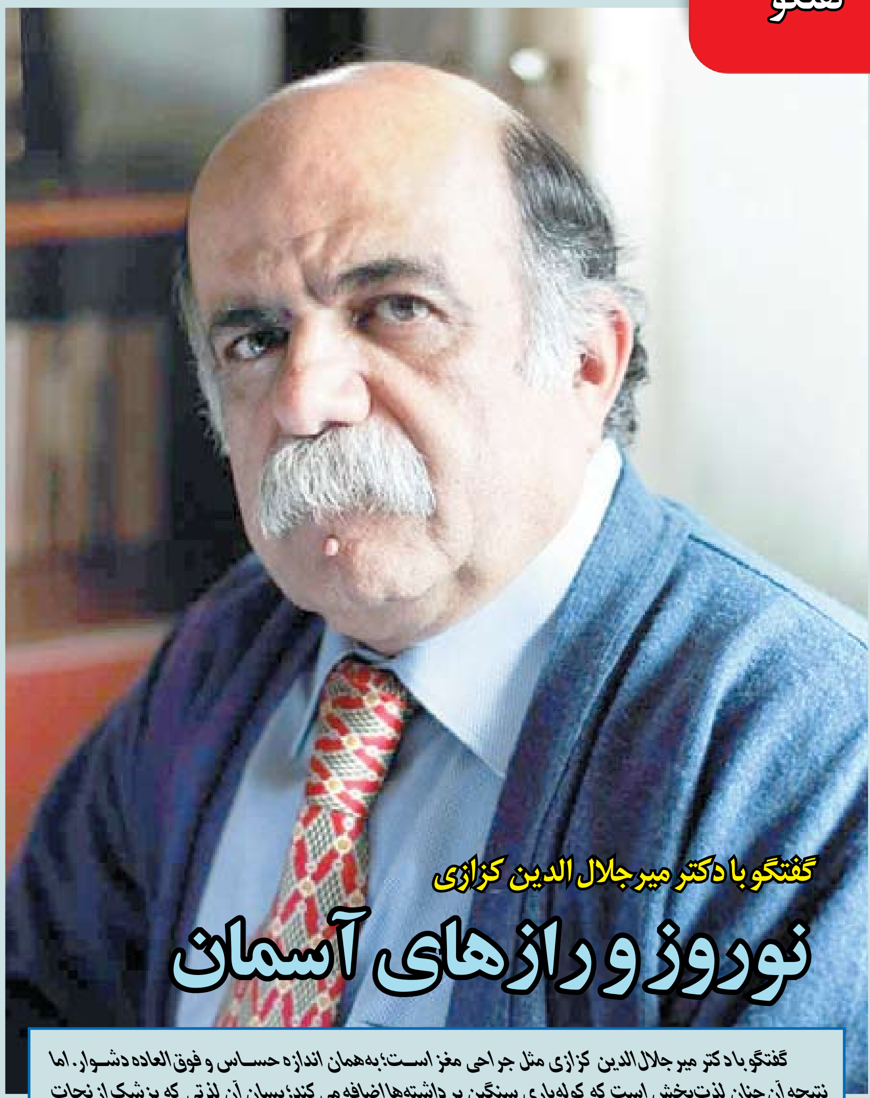
مغازه‌دار گفت: پدر جان مگر موشک را نمی‌بینی؟ سمنوی هفت‌سین می‌خواهی چه کار کنی؟ پیرمرد گفت: «خوب می‌بینم. دشمن جسم ایران را در هم می کوبد اما نمی‌تواند به روح ایران آسیبی برساند. نوروز از جلوه‌های روح ایران است. با برگزاری جشن ملی خود به دوست و دشمن نشان می‌دهیم که روح ایران تندرست و پایدار و جاویدان است. زخم‌های جسم را آسان می‌توان مرهم نهاد.»

نوروز در طی تاریخ همیشه مورد هجوم و کینه بوده است. در تلمود که مجموعهٔ روایات کهن یهود و تفسیر آن‌هاست، قوم خود را از برگزاری عیدهای مشرکان و بیگانگان از «نوروز» و «مهرگان» و «تیرگان» منع می کند.

خلافت عربی عباسی هم با آداب و رسوم ملی ایران بر سر ستیز و عناد بود، اما از این عناد طرفی نبست، ساکنان بغداد با وجود منع محتسبان، جشن‌های ایرانی را با جلال و شکوه برپا می کردند و دستگاه خلافت از عهده جلوگیری از آن‌ها برنمی‌آمد...

گفتگو: زینب واعظ محرابی





گفتگو با دکتر میرجلال الدین کزازی

نوروز و رازهای آسمان

گفتگو با دکتر میر جلال الدین کزازی مثل جراحی مغز است؛ به‌همان اندازه حساس و فوق‌العاده دشوار. اما نتیجه آن چنان لذت‌بخش است که کوله‌باری سنگین بر داشته‌ها اضافه می کند؛ بسان آن لذتی که پزشک از نجات جان بیماری در روح خود احساس می کند.

واژه گزینی این معلم، پژوهشگر، شاعر، نویسنده، مترجم، شاهنامه‌پژوه، ادیب، چهره ماندگار فرهنگ و ادب ایران و در یک کلام «فرهیخته و حکیم» چنان جذاب و غافلگیرانه است که گاه قلم‌های امروزی در آن در می مانند. این واژه گزینی در گفتار عادی و جاری روزانه وی نیز وجود دارد تاجایی که حتی یک مکالمه عادی را هم به‌یادماندنی می سازد.

گفتگو با دکتر کزازی، سفر به دنیای رنگارنگ و رازآلود ادبیات کهن و شیرین فارسی است. به‌خصوص آن که آن سفر، سفری به شاهنامه فردوسی و حکایت‌های جذاب و پر ایهام و سخت آموزنده‌اش باشد که صدافسوس در این روزهای شتاب آلود مدرنیته، گرد فراموشی بر آن نشسته است.

اما گفتگو با این استاد «پارسی سره»، خواننده را به فضایی می‌برد که در انتها می فهمد چقدر کم می داند، حتی درباره نوروز که از بدیهیات است. پس پیشنهاد می شود این گفتگو را سرسری نخوانید، در آن تأمل کنید که می تواند آغازگری بر پویش در ادبیات فارسی باشد و چه دستاورد نوروزی از این بهتر!

سیدعلی دوستی‌موسوی

جناب آقای دکتر! شاید خیلی‌ها ندانند که نوروز از کجا آمده و خاستگاهش چیست و ادبیات فارسی چگونه به آن پرداخته است. درباره مفهوم نوروز به ما بگویید.

می‌توان گفت که نوروز بزرگ‌ترین، گرامی‌ترین و دیرینه‌ترین جشن ایران است. نوروز جشنی است در روزگار ما که از سده‌های پیشین برجای مانده و آن را جشن فراگیر میهنی می‌توانیم نامید. ایران در درازنای تاریخ خود، سرزمین جشن‌های گوناگون بوده است اما از آن جشن های پرشمار چندجشن پایدار مانده اند. در آن میان، یکی جشن و آیین نوروز است. بارها گفته‌ام و نوشته‌ام که نوروز برترین نماد فرهنگ ایران شده است در بخشی از تاریخ و سرگذشت ایران. هم‌اکنون هم چنین است. در هرگوشه‌ای از گیتی که نمود و نشانه‌ای از نوروز باشد به استواری می‌توان گفت فرهنگ ایران تا بدانجای راه جسته است.

نوروز در ایرانی بس دور مرزتر و پهناورتر از ایران کنونی روایی دارد؛ در ایرانی که آن را «ایران فرهنگی» می‌توانیم نامید. ایران فرهنگی حتی فراخ‌دامان‌تر از ایران تاریخی است. در کشورهایی نوروز را بزرگ می‌دارند که هرگز پاره‌ای از ایران تاریخی، ایران هخامنشی، ایران اشکانی و ایران ساسانی نبوده‌اند.

نوروز ناگفته پیداست که به معنی روز نو است. خاستگاه این نام باز می گردد به خاستگاه افسانه شناختی نوروز. نوروز به گونه‌ای که آن را بر می گزاریم جشنی است که از درآمیختن چندجشن و سامانه آیینی ساختند. از این رو خاستگاه‌های گوناگون دارد. یکی از این خاستگاه‌ها، افسانه شناختی است که در شاهنامه نیز بازتافته است.

در کدام داستان؟

در داستان جمشید که از پادشاهان بزرگ نمادین در تاریخ باستانی ایران است. او آن‌چنان باشکوه بود که برخود فریفت و خود را خدای آفریدگار دانست. از همین روی فره ایزدی از او گسیخت. هم خود به دژ فره‌گی یا بی‌بهره‌گی از فره دچار آمد و هم ایران. شکوه و والایی جمشید تا به پایه‌ای بود که نه تنها آدمیان، دیوان نیز در فرمان او بودند. پس بر آن سر افتاد که به یاری دیوان بتواند از رازهای آسمان آگاه بشود. فرمود دیوان تختی زرین و گوهرآگین ساختند و جمشید بر آن نشست و به گشت و گذار در پهنه‌های آسمان پرداخت. هنگامی که از آسمان به زمین آمد و از تخت به زیر، ایرانیان آن رخداد را بسیار به شگون و خجسته دانستند و آن روز را روز نو نامیدند و جشن نوروز از آن هنگام آغاز گرفت. زیرا که گشت و گذار در آسمان رخدادی بزرگ و بی‌مانند بود، آرزویی بود که آدمی دیری در دل می‌پرورد اما بدان کام نمی‌یافت. جمشید یکی از اندک شهریارانی بود که توانست بر آسمان نیز چیرگی بجوید. نام نوروز از این خاستگاه افسانه رنگ مایه می گیرد.

و خاستگاه‌های دیگر؟

خاستگاه‌هایی دیگر نیز می توان برای نوروز برشمرد؛ خاستگاه آیینی. پاره‌ای از هنجارها و آیین‌های نوروزی بدین خاستگاه باز می گردد.

نوروز را با جشنی که آن را فروردینگان می‌نامیم، جشن بزرگداشت فروهرها که در روزهای پایانی سال کهن و روزهای آغازین سال نو برگزار می شده است، می شناسیم. در این روزها ایرانیان می کوشند که خانه‌های خویش را به پاکی از هر آلایش و گرد و خاک بروبند. کدبانوان ایران همواره این پروا را دارند اما در این روزها این پروا بارها بیشتر از روزهای دیگر است. پاره‌ای از آنان حتی روا نمی‌دارند که بخش‌های نهفته خانه گردناک بماند، گنجه‌ها را از آن‌چه در آن است تهی می‌دارند و هم گنجه را خود و هم آن‌چه را در درون آن نهاده شده است به نیکی از آلایش و گرد می‌سترند. در نوروز جامه آراسته می‌پوشند و خوانی ویژه می گسترند که هفت‌سین نامیده شده است؛ خوانی نمادین. هر کدام از بایسته‌های هفت‌گانه این خوان، بیشینه کهن در فرهنگ و نمادشناسی ایرانی دارد. زمان نیست که یکایک آن را از این دید بکاوم و بررسم. بیشینه این نمادها با ستایش و بزرگداشت خورشید و روز و روشنایی در پیوند است.

اما چرا ایرانیان بدین رفتارها دست می‌یازند وآماده پذیرایی از میهمان می‌شوند به شیوه‌ای دیگرسان؟ پاسخ این پرسش باز می گردد به خاستگاه آیینی این جشن. زیرا آنان بر آنند در این روزها میهمانانی شگرف، رازآلود و مینوی از جهان نهان به دیدارشان می‌آیند؛ فروهر درگذشتگانشان. دانشور بلندپایه و گرانمایه ایرانی، بوریحان بیرونی در کتاب آثارالباقیه نوشته است که در روزگار او ایرانیان بر بام خانه‌هایشان خوانی شگفت در روزهای نوروز می گسترده‌اند. باور بر آن بوده است که میهمانان فرورین بر آن خوان خواهند نشست. خوراک‌هایی که براین خوان‌ها نهاده می شده است، خوراک‌هایی تیزبوی بوده و بویی بسیار تیز و بس‌خوش داشته است که برپایه آن ریختارزبانی بوی آن‌ها تا هفت‌خانه دریافتنی بوده است. خوراک‌هایی از گونه حلوا بوده که به‌ناچار باید بسیار خوشبوی باشد. آنان برآن بوده اند که این میهمانان از بوی خوش آن خوراک‌هاست که بهره و توشه می گیرند و آن بخش سخت خوراک به کارشان نمی‌آمده است.

نوروز خاستگاه دیگری هم دارد؟

اگر بخواهم خاستگاهی دیگر برای جشن و آیین نوروزی را برآن‌چه گفته شد بیفزایم می‌توانم به خاستگاه «گاه شمارانه» و «اخترشناسانه» نوروز باز گردم. نوروز در آغاز بهار بزرگ داشته می‌شود. نخستین روز نوروز همزمان است با نخستین روز بهار. در این روز رخدادی کیهانی روی می‌دهد که در چشم ایرانیان خجسته‌ترین رخداد است. این رخداد را ترازمندی بهاری یا اعتدال ربیعی می‌نامیم. در آغازین روز بهار و نوروز، روز و شب همساز و همتراز می‌شوند. به سخن دیگر روز از چنگ شب که دیری در آن گرفتار بوده است می‌رهد؛ به همان سان گرمی، به همان‌سان خورشید نیز که کانون روشنایی وروز و گرماست از این روز توش و توانی دیگر می‌یابد.

در باورهای باستانی ایرانی روشنایی، روز و گرما پدیده‌هایی خجسته و اهورایی‌اند. در برابر، تیرگی و شب و سرما، پدیده هایی‌اند گجسته(منحوس) و اهریمنی. پس نخستین روز نوروز و بهار آغاز رهایی خورشید از چنگ تیرگی است و به همان سان آغاز روشنایی و گرماست. از همین روست که این بخش از سال بخشی است که در آن رستاخیزی همه‌سویه در گیتی آغاز می گیرد. بهار روزگار شکفتن و شادی است. روزگار رَستن‌ها و رُستن‌هاست؛ رَستن از چنگ نیروهای اهریمنی و رُستن گل‌ها و گیاهان و رُستن زندگانی.

به هر روی به فراخی می‌توان درباره نوروز و رازها و پیشینه و خاستگاه‌های آن سخن گفت. بدانچه گفته شد بسنده می کنم، زیرا بارها به فراخی دراین باره نوشته و گفته‌ام، در فرجام این گفتار برخود بایسته می‌دانم فرا رسیدن نوروز و بهار و سال ۱۳۹۹ را به یکایک ایرانیان فرخباد بگویم و از درگاه آفریدگار پاک به آرزو بخواهم که سال نو سالی باشد به یکبارگی دیگرگون، سالی بهارانه... این گونه باد.



رویارویی نفتکش ایران و انگلیس


محمد داودبیگی

سیزدهم تیرماه ۱۳۹۸برابر با چهارم جولای ۲۰۱۹ در ساعات اولیه روز پنجشنبه مقام‌های منطقه جبل‌الطارق و نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا، ابرنفتکش ایرانی «گریس ۱» حامل ۲،۱ میلیون بشکه نفت خام ایران را به‌ظن صدور نفت به‌سوریه متوقف و ضبط کردند؛ اقدامی که تا لحظه آزادی یکی از مهم‌ترین خبرهای روز جهان بود.

پس از این اقدام نیروی دریایی بریتانیا، سخنگوی ترزا می، نخست‌وزیر مستعفی وقت انگلیس، از اقدام قاطع مقامات جبل‌الطارق در توقیف نفتکشی استقبال کرد که ادعا شده بود حامل نفت ایران به سوریه بوده است.

سخنگوی ترزامی در این زمینه گفته بود: توقیف این نفتکش پیام روشنی است مبنی بر این‌که نقض تحریم‌های اتحادیه اروپا غیرقابل قبول است. ما از اقدام قاطع در زمینه اجرای تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه استقبال و مقامات جبل‌الطارق که در توقیف موفقیت‌آمیز عملیات فوق دست داشتند را تحسین می‌کنیم.

در این میان، «جوزف بورل»، سرپرست وزارت خارجه اسپانیا، اعلام موضع و تصریح کرده بود که توقیف این نفتکش در جبل‌الطارق براساس درخواست آمریکا از انگلیس به انجام رسیده است. «فابیان پیکاردو»، رئیس منطقه جبل‌الطارق هم مدعی شده بود که «گریس۱» مظنون به حمل نفت خام برای سوریه بود که توقیف شد.

بدعتی خطرناک

پس از این رویداد بود که «محمد جواد ظریف»، وزیر امور خارجه ایران، به توقیف این نفتکش واکنش نشان داد و در حساب توییتر خود نوشت: ایران نه عضو اتحادیه اروپاست و نه مشمول هیچ‌گونه تحریم نفتی اروپا. آخرین بار که بررسی کردم، اتحادیه اروپا مخالف فراسرزمین‌گرایی بود. رک و راست این که توقیف غیرقانونی نفتکش حامل نفت ایران توسط بریتانیا به نیابت از «تیم ب»، دزدی دریایی و یک بدعت خطرناک است که باید همین الان پایان یابد.

سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت امور خارجه هم با اشاره به توقیف نفتکش ایرانی در منطقه جبل الطارق گفته بود: ناوگان دریایی انگلیس یک کشتی نفتکش حامل نفت خام ایران را در منطقه تنگه جبل‌الطارق توقیف کرد که این اقدام غیرقانونی و خلاف موازین بین‌المللی است، لذا سفیر انگلیس در تهران را به وزارت امور خارجه احضار و مراتب اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران را به وی ابلاغ کردیم.

گفتنی است وزارت امور خارجه کشورمان با احضار «راب مکر» سفیر انگلیس در تهران، به اقدام لندن برای توقیف نفتکش ایران اعتراض و تأکید کرد که این نفتکش در حال گذر از آب‌های بین‌المللی بود و جمهوری اسلامی ایران از تمامی ظرفیت‌های سیاسی و قانونی خود برای رهاسازی این کشتی و استیفای حقوق خود استفاده خواهد کرد. سفیر انگلیس هم با اظهار این‌که مراتب را سریعاً به لندن منتقل می‌کند، مدعی شد که انگلیس از تحریم یک‌جانبه آمریکا علیه ایران تبعیت نمی‌کند!

این در حالی است که نقش آمریکا در رهبری این توقیف درحال عیان شدن بود و پیام «جان بولتون»، مشاور امنیت ملی وقت آمریکا کار را تمام کرد. وی در واکنش به توقیف نفتکش ایرانی توسط انگلیس در حساب توییتری خود نوشته بود: خبر عالی این است که انگلیس ابرنفتکش گریس ۱ را که با نقض تحریم‌های اتحادیه اروپا در حال حمل نفت ایران به سوریه بوده، متوقف کرده است.

مشاور امنیت ملی ترامپ با غیرقانونی دانستن مبادله نفت بین ایران و سوریه، مدعی شد که آمریکا با همکاری متحدانش اجازه بهره‌مند شدن تهران و دمشق را از چنین مبادلاتی نخواهد داد.

در چنین شرایطی، نشریه انگلیسی ایندیپندنت در یادداشتی خاطرنشان کرد که دولت لندن برخلاف آمریکا به‌دنبال تشدید و ایجاد تنش در رابطه با ایران نیست و به‌نظر می‌رسد انگلیس خواهان آرام کردن اوضاع است اما تحت فشار زیادی از سوی آمریکا قرار دارد.

در این میان دستگاه دیپلماسی روسیه با محکوم کردن توقیف نفتکش ایرانی توسط انگلیس اعلام کرده بود: شواهد نشان می‌دهد این اقدام طرحی از پیش طراحی‌شده توسط آمریکا و انگلیس بود که سازمان‌های اطلاعاتی چند کشور در آن شرکت داشته‌اند. در ایران اما حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، حجت‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، امیر حاتمی، وزیر دفاع، محمدحسین باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و بسیاری از نمایندگان مجلس تأکید داشتند که این اقدام بی‌پاسخ نخواهد ماند و انگلیس باید منتظر تبعات این راهزنی باشد.

پس از آن در بیست و دوم تیر، چهار خدمه بازداشت شده گریس۱ با قید وثیقه آزاد می‌شوند و جرمی هانت، وزیر خارجه انگلیس، گفتگوی تلفنی با همتای ایرانی خود را سازنده توصیف می‌کند و درباره امکان آزادی نفتکش گریس سخن می‌گوید.

سه‌روز پس از آن، در بیست و پنجم تیرماه، رهبر معظم انقلاب در دیدار با ائمه جمعه فرمودند: «انگلیس خبیث، دزدی دریایی می‌کند و کِشتی ما را می‌دزدد؛ جنایت می‌کنند و شکل قانونی به آن می‌دهند. جمهوری اسلامی و عناصر مؤمن نظام، این خباثت‌ها را بی‌جواب نمی‌گذارند.»

پنجشنبه، بیست و هفتم تیرماه بود که سپاه پاسداران در بیانیه‌ای از توقیف یک شناور خارجی حامل یک‌میلیون لیتر سوخت قاچاق در جنوب جزیره لارک در خلیج فارس به‌همراه ۱۱خدمه آن به علت رعایت نکردن قوانین و مقررات بین‌المللی دریایی، خبر داد و تأکید کرد: «این کشتی هنگام عبور از تنگه هرمز به‌علت رعایت نکردن قوانین و مقررات بین‌المللی دریایی بنا به درخواست سازمان بنادر و دریانوردی استان هرمزگان، توسط یگان شناوری منطقه یکم نیروی دریایی سپاه توقیف شده است.»

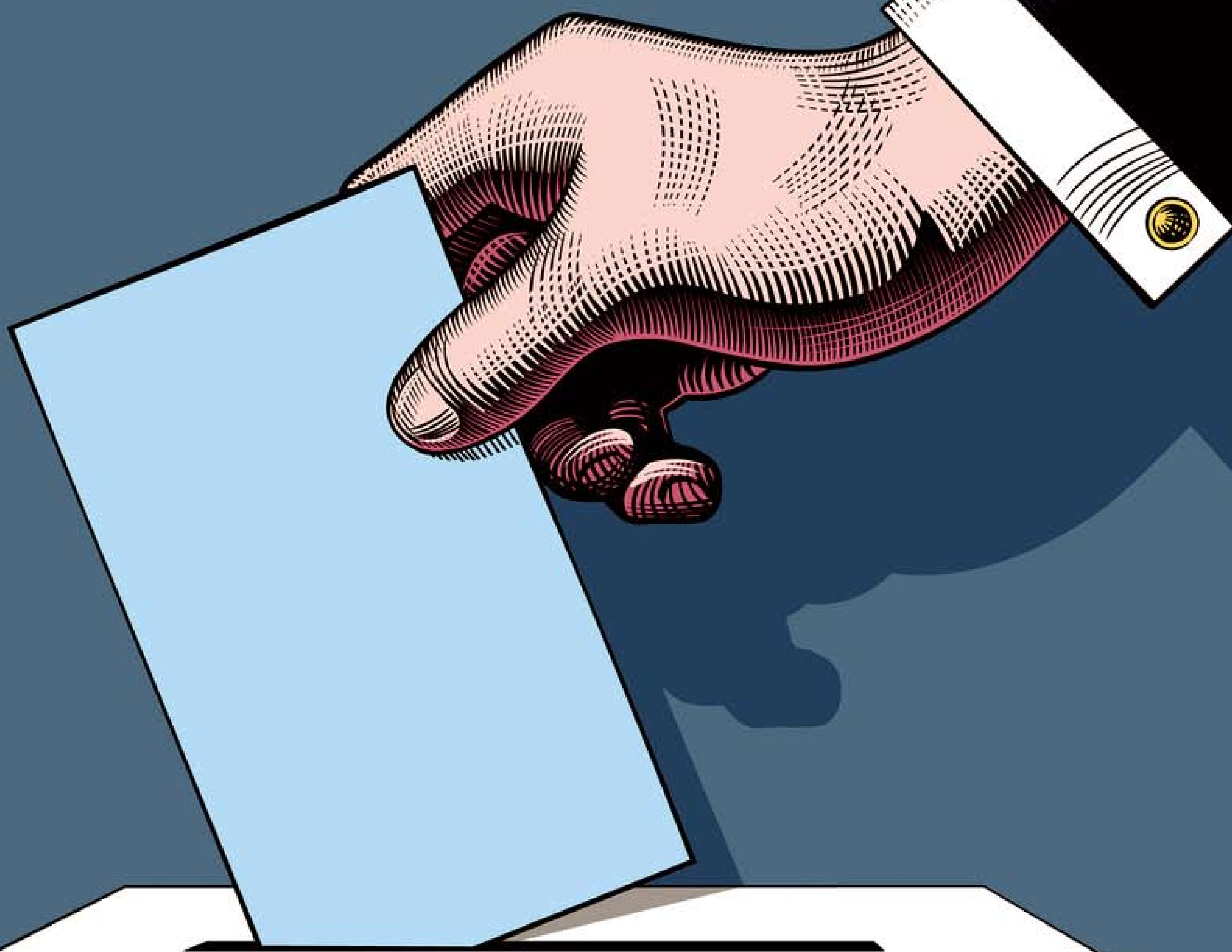
با توقیف نفتکش «استنا ایمپرو» ماجرای نفتکش‌ها وارد فاز تازه‌ای می‌شود. پروپاگاندای رسانه‌ای از احتمال درگیری نظامی در منطقه خبر می‌دهد اما جرمی هانت با رد این احتمال، فقط به تهدید ایران بسنده می‌کند. برخی از کشورهای اروپایی و منطقه‌ای هم اقدام ایران را توجیه‌پذیر نمی‌دانند اما ظریف در توییتی تأکید می‌کند که «برخلاف دزدی دریایی در تنگه جبل‌الطارق، اقدام ما برای رعایت و اجرای قوانین دریایی بین‌المللی است.»

رایزنی‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با ایران به‌منظور آزادی نفتکش بریتانیایی شدت می‌گیرد اما اعلام طرح‌هایی مانند اعزام ناوگان دریایی اروپا به خلیج فارس در عمل موجب ناکامی این رایزنی‌ها می‌شود.

چند روز بعد پیشنهاد مبادله دو کشتی ایرانی و انگلیسی، هم از سوی دومینیک راب، وزیر خارجه انگلیس و هم از سوی حمید بعیدی نژاد، سفیر ایران در لندن رد و غیرممکن دانسته می‌شود. پس از آن جلیل اسلامی، معاون امور دریایی سازمان بنادر و دریانوردی، با اعلام علاقه‌مندی انگلیس برای آزادسازی کشتی توقیف‌شده نفتی ایران سکوت خبری هفته‌های میانی مرداد را می‌شکند و می‌گوید: «اسنادی بین دو کشور مبادله شده که در رفع توقیف این کشتی کمک می‌کند.»

روز پنجشنبه ۲۴ مرداد، خبرگزاری رویترز هم به نقل از منبع آگاه خود از آزادی نفتکش ایرانی خبر می‌دهد و همزمان با قوت گرفتن احتمال آزادی کشتی ایرانی، آمریکا رسما خواستار توقیف آن از سوی مقامات جبل‌الطارق می‌شود. سرانجام عصر پنجشنبه و پس از ۴۲ روز کشمکش میان ایران و انگلیس، «نفتکش گریس ۱» با رأی دادگاه عالی منطقه جبل‌الطارق آزاد می‌شود و پس از آزادی با نام «آدریان دریا» مسیر خود را به سمت بنادر مدیترانه تغییر می‌دهد.

در آن سوی، روز دوشنبه یکم مهرماه، سفیر ایران در لندن در صفحه توییتر خود خبر داد که کشتی بزرگ «استنا ایمپرو» تحت پرچم انگلیس که به‌علت رعایت نکردن قوانین و مقررات بین‌المللی دریایی متوقف شده بود بعد از تکمیل فرآیند قضایی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران، از توقیف آزاد شد. به این ترتیب رویارویی احتمالی دو کشور با رفع توقیف نفتکش‌ها به نقطه صفر رسید.



انتخابات ۱۳۹۸ در هفت پرده

پرونده سیاسی سال ۹۸ با برگزاری دو انتخابات در آخرین ماه سال بسته شد؛ انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و میان‌دوره‌ای پنجمین مجلس خبرگان رهبری دو انتخاباتی بودند که جمعه دوم اسفندماه مردم را پای صندوق‌های رأی کشاندند و البته با حاشیه‌هایی هم همراه شدند.



آرزو رستم‌زاد

رکورد کمترین مشارکت در انتخابات

انتخابات ۱۳۹۸ را شاید بتوان متفاوت‌ترین انتخابات جمهوری اسلامی ایران نامید؛ رویدادی که زیر سایه عوامل اجتماعی و اقتصادی، کمتر از همیشه مورد استقبال مردم قرار گرفت تا میزان مشارکت در انتخابات به پایین‌ترین حد خود یعنی ۵۷/ ۴۲درصد برسد. به باور صاحبنظران سیاسی، شیوع ویروس کرونا و ترس از حضور در اجتماعات از یک سو و شرایط اقتصادی و مسائل سیاسی ازسوی دیگر باعث شد که در این انتخابات جمعیتی معادل ۲۴ میلیون و ۵۱۲ هزار و ۴۰۴ نفر پای صندوق‌های رأی بروند. دراین بین، تهران با ۲۶,۲۴ درصد کمترین میزان مشارکت را داشت و کهگیلویه و بویر احمد با ۷۰,۶۶ درصد بیشترین میزان مشارکت را.

این در حالی بود که عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور، در جلسه‌ای که با خبرنگاران داشت میزان مشارکت مردم را با توجه به شرایط موجود «کاملا قابل قبول» توصیف کرد و گفت: ما هم ورود بیماری کرونا را داشتیم و هم با شرایط سیاسی و مسائلی مثل سقوط هواپیما، حوادث آبان و دی مواجه بودیم. در این شرایط، این میزان حضور و مشارکت مردم کاملا قابل قبول است.

وزیر کشور به برخی توصیه‌های دلسوزانه از طرف افراد غیررسمی مبنی بر اعلام دیرتر ورود کرونا هم اشاره کرده و گفته بود: برخی معتقدند که بهتر بود ورود کرونا اعلام نمی‌شد و

انتخابات برگزار می‌شد اما آقای روحانی از ابتدا تأکید داشت که هر زمان مشخص شد کرونا وارد شده به مردم اعلام کنید؛ چرا که به جان مردم مربوط است.

مجموع این شرایط باعث شد تا انتخابات مجلس یازدهم، سردترین انتخابات کشور لقب بگیرد. پیش از این کمترین میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، در دور اول آن، با ۵۲/۱۴ درصد به ثبت رسیده بود و همچنان انتخابات مجلس پنجم با مشارکت ۷۱.۱۰ درصدی پیشتاز تمام دوره‌های مجلس است.

بررسی پرحاشیه صلاحیت‌ها

انتخابات مجلس یازدهم در حالی برگزار شد که بیش از ۱۶ هزار نفر برای ورود به مجلس شورای اسلامی ثبت‌نام کرده بودند و از این جمع، شورای نگهبان هفت‌هزار و ۱۰۰ نفر را تائید صلاحیت کرد. آن‌طور که عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان گفته بود، برای اولین بار تمام داوطلبان به طور قطعی رد یا تائید صلاحیت شدند و دیگر خبری از «عدم احراز صلاحیت» نبود؛ با این حال، نحوه رسیدگی شورای نگهبان به پرونده داوطلبان و ردصلاحیت بسیاری از چهره‌های شناخته شده که عمدتا از اصلاح‌طلبان بودند، اعتراض‌هایی را در پی داشت.

علی شکوری‌راد، آذر منصوری، محمدرضا تابش، شهیندخت مولاوردی، فاطمه راکعی، طیبه سیاوشی، بهروز نعمتی، محمود صادقی، سعید زیباکلام، غلامرضا حیدری، فاطمه سعیدی، محمدعلی پورمختار، سیدحسین نقوی حسینی، غلامرضا کاتب، عبدالکریم حسین‌زاده، غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، حمیده زرآبادی، علیرضا رحیمی و بهرام پارسایی از جمله چهره‌هایی بودند که در این دوره از انتخابات از سوی شورای نگهبان ردصلاحیت شدند.

علی مطهری که با سابقه سه دوره متوالی نمایندگی مجلس صلاحیتش از سوی شورای نگهبان رد شد، در بیانیه‌ای نوشت: «با این نگاه شورای نگهبان، آزادی بیان محدودتر و نقش مردم در تعیین سرنوشتشان کمرنگ‌تر می‌شود... اینجانب ادامه این رویه را که در این دوره از انتخابات مجلس شدت گرفته است خطری می‌دانم که کیان جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند.»

الیاس حضرتی نماینده دیگری بود که در فهرست رد صلاحیت‌شدگان قرار داشت و در نامه‌ای به آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، از روند این شورا در بررسی صلاحیت‌ها انتقاد کرد و نوشت: «شخصا و قلبا به نهاد شورای نگهبان عقیده دارم اما لازم است به عرض برسانم که این نهاد متاسفانه از اصل و شأن خود فاصله گرفته و قضاوت‌ها و غربالگری‌ها که صبغه جناحی/سیاسی دارد حجت موجهی برای شناخت همین فاصله است.»

موضوع رد صلاحیت‌ها البته واکنش رئیس‌جمهوری را هم در پی داشت و روحانی در یکی از جلسات هیأت دولت گفت: «به مردم نگوییم که در برابر یک صندلی مجلس ۱۷ نفر، ۱۷۰ یا ۱۷۰۰ نفر کاندیدا هستند، ببینیم از چند جناح ۱۷۰۰ نفر کاندیدا هستند؟ ۱۷ نفر از چند جناح، از یک جناح؟ این که انتخابات نمی‌شود. مثل این که در مغازه‌ای از یک جنس، دوهزار عدد وجود داشته باشد.»

روحانی با تأکید بر این که مردم تنوع می‌خواهند، گفت: «بگذارید در میدان انتخابات همه احزاب و گروه‌ها شرکت کنند، قطعا ضرر نمی‌کنید. با یک جناح نمی‌شود کشور را اداره کرد. کشور متعلق به همه است. اگر تمام ۸۳ میلیون متحد باشیم و یک نفر مخالف، باید تلاش کنیم آن یک نفر را هم جذب کنیم. یک نفر مخالف هم برای ما زیاد است؛ در حالی‌که شما یک جناح و جمعیت بزرگ را مخالف می‌کنید. باید حواسمان را جمع کنیم.»

درهمین پیوند دولت تلاش کرد در موضوع نظارت استصوابی وارد شود و لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری پیش از برگزاری انتخابات از تهیه پیش‌نویس لایحه همه‌پرسی برای نظارت استصوابی خبر داده و گفته بود که دولت به دنبال همه‌پرسی است.

از تشخیص هویت الکترونیکی تا حذف اثرانگشت

در انتخابات دوم اسفندماه ۱۳۹۸ برای اولین‌بار بخشی از فرایند رأی‌گیری به‌صورت الکترونیکی انجام شد. وزارت کشور و شورای نگهبان که از مدت‌ها قبل بر سر چگونگی برگزاری انتخابات تمام الکترونیک بحث و گفتگو می‌کردند، درنهایت راضی شدند تا تنها بخشی از این انتخابات را الکترونیکی برگزار و فرآیند اخذ و شمارش الکترونیکی آرا را به زمانی دیگر موکول کنند؛ وقتی که زیرساخت‌های فنی فراهم و سلامت برگزاری چنین انتخاباتی تضمین شده باشد.

در این دوره اما فرآیند احراز هویت رأی‌دهندگان به‌صورت الکترونیکی صورت گرفت و شرکت‌کنندگان فقط با اعلام شماره ملی خود می‌توانستند در سامانه احراز هویت، شناسایی شوند تا مقدمات رأی دادنشان فراهم شود. به این‌ترتیب، آن‌طور که رئیس ستاد انتخابات کشور اعلام کرد، احتمال ثبت رأی تکراری و رأی دادن با شناسنامه‌های جعلی یا شناسنامه افراد فوت‌شده غیرممکن شده و فرایند رأی‌گیری هم تسریع می‌شد تا از ایجاد صف‌های طولانی جلوگیری شود.

اما این تنها تغییر در شیوه اجرایی انتخابات دوم اسفندماه نبود. در روز برگزاری انتخابات، به‌دلیل ترس از شیوع کرونا و برای ترغیب رأی‌دهندگان به‌حضور در شعب اخذ رأی، برای اولین‌بار الزام درج اثر انگشت با استامپ برداشته شد و با هماهنگی وزارت کشور و شورای نگهبان همه شعب اخذ رأی موظف شدند برای رعایت نکات بهداشتی و جلوگیری از شیوع ویروس کرونا استامپ‌ها را جمع کنند و از رأی‌دهندگان بدون ثبت اثر انگشت رأی بگیرند.

حضور کمرنگ نمایندگان دور قبل

حضور کم‌تعداد نمایندگان مجلس دهم در مجلس یازدهم، یکی از اصلی‌ترین حاشیه‌های انتخابات دوم اسفندماه ۱۳۹۸ بود. از ۲۹۰ نماینده مجلس دهم که از ۸ خرداد ۱۳۹۵ بر روی صندلی‌های سبز بهارستان مستقر شده بودند، ۲۴۸ نفر در انتخابات دوره یازدهم ثبت‌نام کردند. همچنین دونفر از نمایندگان مجلس دهم از سمت نمایندگی مجلس استعفا کردند، یک‌نفر به‌عنوان حقوقدان به‌عضویت شورای نگهبان درآمد، دونفر فوت شدند و حدود ۳۷ نماینده در انتخابات ثبت‌نام نکردند. پس از برگزاری انتخابات اما فقط ۵۶ نفر از نمایندگان مجلس دهم موفق به حضور در مجلس یازدهم شدند تا ترکیب مجلس یازدهم نسبت به مجلس دهم با تغییر ۸۰ درصدی همراه باشد.

پیش از آن و در زمان بررسی اولیه صلاحیت نامزدها، عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان گفته بود که صلاحیت ۹۰ نفر از نمایندگان کنونی مجلس رد شده که بیشترین علت، تخلفات و مسائل مالی بوده است؛ اما در بررسی مجدد صلاحیت‌ها تعدادی از این نمایندگان تائید صلاحیت شدند و در نهایت ۱۷۳ تن از نمایندگان مجلس دهم توانستند در رقابت دوم اسفندماه شرکت کنند که ۵۶ نفر از آنها پیروز شدند و به مجلس یازدهم راه یافتند. از این جمع فقط هفت نفر از اعضای فراکسیون امید مجلس و ۴۱ نفر عضو فراکسیون اصولگرایان هستند.

شگفتی‌های تهران

در انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، استان تهران با ۲۶.۲ درصد آرا کمترین میزان مشارکت را داشت و از ۹ میلیون و ۶۴۴ هزار و ۹۸۱ واجد شرایط رای دادن، دومیلیون و ۵۳۰ هزار و ۸۵ نفر پای صندوق‌های رای رفتند.

نکته جالب این بود که مطابق آمارهای ستاد انتخابات کشور از ۱۲۵۹ نفری که در انتخابات تهران رقابت می‌کردند، ۵۰ درصد نامزدها کمتر از هزار رای آوردند و محمدباقر قالیباف تنها نامزدی بود که بیش از یک میلیون رأی را به خود اختصاص داد. همچنین بر اساس همین آمار، ۹۳ درصد از نامزدهای تهران زیر ۱۰ هزار رای کسب کردند. اصولگرایان در سایه حضور کمرنگ اصلاح‌طلبان و نارضایتی مردم از عملکرد این طیف در مجلس دهم، توانستند بیشترین کرسی‌های خانه ملت را از آن خود کنند.

این برای اولین‌بار پس از مجلس هفتم بود که فهرست اصولگرایان در دور اول انتخابات، تمام و کمال به مجلس راه یافت. در مجلس هفتم هم اصولگرایان توانسته بودند ۲۹ نفر از فهرست ۳۰ نفره خود را در همان دور اول راهی مجلس کنند و علیرضا محجوب به پشتوانه رأیی که در آن دوره با حمایت کارگران به‌دست آورده بود، به‌عنوان یک اصلاح‌طلب راهی مجلس شد. او که از مجلس پنجم تا به‌حال در بهارستان حضور داشت، اینبار رأی جمعیت بزرگ کارگران را از دست داد تا در انتخابات یازدهم با کسب ۹۵ هزار و ۳۹۳ رأی در جایگاه سی و چهارم قرار گیرد و از راهیابی به مجلس یازدهم باز مانَد.

رکوردزنی زنان در مجلس

انتخابات مجلس یازدهم یک تفاوت دیگر هم با دوره‌های پیشین داشت. در این دوره از انتخابات ۱۷ نماینده زن به مجلس راه پیدا کرده‌اند و یک زن دیگر هم به مرحله دوم انتخابات راه یافت که اگر در دور دوم رأی بیاورد، برای اولین بار رکورد حضور ۱۸ زن در بهارستان به‌ثبت می‌رسد. البته در انتخابات مجلس دهم نیز ۱۸ نماینده زن از سوی مردم انتخاب شده بودند که بعد از آن، با رد صلاحیت مینو خالقی توسط شورای نگهبان تعداد نمایندگان زن مجلس به ۱۷ نفر رسید. در دوره اول تا سوم مجلس چهار زن، در دوره چهارم ۹ زن، در دوره پنجم ۱۴ زن، در دوره ششم ۱۳ زن، در دوره هفتم ۱۳ زن، در دوره هشتم هشت زن و در دوره نهم هم ۹ زن به‌عنوان نمایندگان مردم در مجلس حضور داشتند.

یزدی‌ها جای هاشمی‌ها

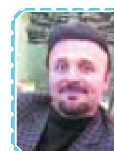
همزمان با انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، انتخابات میان‌دوره‌ای پنجمین مجلس خبرگان رهبری هم در پنج حوزه انتخابیه برگزار شد. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی و آیت‌الله احمد مؤمن از مهمترین چهره‌هایی بودند که دارفانی را وداع گفتند و صندلی آنان در مجلس خبرگان خالی شده بود و این انتخابات میاندوره‌ای برای پر کردن جای آنها و همچنین چهار کرسی خالی دیگر خبرگان رهبری برگزار شد.

اما این انتخابات در استان فارس با یک حاشیه جالب همراه بود. در این استان که رقابت برای یک کرسی انجام می‌شد، فقط یک نامزد، یعنی حجت‌الاسلام لطف‌الله دژکام، از سوی شورای نگهبان واجد شرایط تشخیص داده شد و امام‌جمعه کنونی شیراز توانست بدون هیچ رقیبی به مجلس خبرگان راه پیدا کند.

پدیده قابل‌توجه دیگر در نتایج این انتخابات، راهیابی مجدد آیات محمد یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و محمدتقی مصباح یزدی، رئیس موسسه امام خمینی (ره) به مجلس خبرگان بود؛ دو چهره‌ای که در انتخابات سال ۱۳۹۴ نتوانستند آرای لازم را برای حضور در مجلس خبرگان کسب کنند. در انتخابات آن سال، در تهران، فهرستی که معروف به فهرست آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی بود با اقبال مردمی مواجه و پیروز انتخابات شده بود.



هدف: «آرامکو»
قلب تپنده انرژی و ثروت عربستان



نادر مازوجی

حمله پهپادی و موشکی به تأسیسات تولید نفت آرامکو که ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ در مناطق «بقیق» و «خریص» واقع در شرق عربستان سعودی روی داد، این قلب تپنده انرژی و ثروت عربستان را در معرض خطر قرار داده و نه‌فقط آل سعود بلکه هم‌پیمانان غربی آن را هم نگران کرده است. اگرچه جنبش انصارالله یمن بلافاصله مسئولیت این حمله را برعهده گرفت اما ایالات متحده در اتهامی واهی، جمهوری اسلامی ایران را مسئول این حمله قلمداد کرد که البته با این اقدام خصمانه، راه به جایی نبرد و هیچ کشوری از این اتهام واهی استقبال نکرد.

اما چرا حمله به آرامکو مهم بود و در جهان بسیار سروصدا کرد؟ آرامکو، تأسیسات فرآوری نفتی که در بقیق و در ۶۰ کیلومتری جنوب غرب شهر ظهران قرار گرفته، بزرگ‌ترین مجموعه پالایشگاهی در جهان است که بیشترین صادرات نفت عربستان را نیز انجام می‌دهد. این تأسیسات، نفت‌خام ترش را به نفت‌خام شیرین تبدیل و سپس آن را به خلیج‌فارس و دریای سرخ منتقل می‌کند. تخمین‌ها نشان می‌دهد این تأسیسات می‌تواند هفت میلیون بشکه نفت‌خام را در روز فرآوری کند. به‌همین دلیل پس از حمله به آرامکو بسیاری از رسانه‌های جهان این اتفاق را ضربه‌ای جدی به تولید نفت دانستند. از جمله شبکه الجزیره قطر نوشت: «آرامکوی سعودی یک شرکت معمولی نیست، شرکتی است که عربستان

را اداره می‌کند و در واقع، هم شرکت است و هم کشور. نمی‌دانیم چه میزان از این مجموعه آسیب دیده اما این حمله موجب کاهش تولید نفت خواهد شد و این امر بر تولید نفت جهانی هم تأثیر خواهد گذاشت.»

میدان نفتی خریص هم در ۱۶۰کیلومتری ریاض، پایتخت قرار گرفته است. براساس تخمین‌ها، این منطقه دارای بیش از ۲۰ میلیارد بشکه نفت است.

رویترز در گزارشی پس از حمله نوشت: «بقیق بزرگ‌ترین مجموعه فرآوری نفتی در جهان است و تنش‌ها در منطقه پس از حملات ماه‌های ژوئن و جولای به تانکرهای نفتی در آب‌های خلیج‌فارس بالا گرفت.»

پالایشگاه بقیق متعلق به شرکت نفتی آرامکو و آرامکو نیز شرکت ملی نفت عربستان و تحت مالکیت دولت این کشور است. براساس داده‌هایی که شرکت ملی نفت عربستان (آرامکو) منتشر کرده، درآمد این شرکت در سال ۲۰۱۸ میلادی ۲۲۴ میلیارد دلار بوده است. در سال ۲۰۱۸ شرکت آرامکو روزانه حدود ۱۳/۶میلیون بشکه نفت تولید کرده که این میزان از تولید شرکت‌های نفتی بزرگی مانند «رویال داچ‌شل» و «بی‌پی» بریتانیا بالاتر بود.

آرامکو بزرگ‌ترین شرکت تولید و استخراج نفت در جهان، مالک میدان نفتی «غوار» به‌شمار می‌رود که ذخایر نفتی آن براساس آمار منتشرشده، ۱۲ برابر کل ذخایر آمریکاست. به بیان دیگر، شرکت آرامکو مالک ۹۹ درصد کل ذخایر نفتی ثبت‌شده در عربستان است و با ده‌ها پالایشگاه و شرکت تابعه در سراسر جهان همکاری و ارتباط دارد. به‌همین دلیل حملات موشکی و پهپادی به پالایشگاه‌های این غول نفتی می‌تواند بر قیمت جهانی نفت تاثیر بگذارد.

وجه تمایز حمله به آرامکو

دو اتفاق جدید در حملات پهپادی انصارالله به آرامکو قابل‌تأمل بود: نخست، نصف شدن تولید نفت عربستان و دوم، زمان انتخاب‌شده. با این دو اتفاق، عربستان ۵.۷ میلیون بشکه از نفت خود را برای حداقل یک‌هفته از دست داد و اعتبار آرامکو و ریاض نیز کم‌رنگ شد.

چنین اتفاقی در بازار جهانی نفت بی‌سابقه بود و تقریباً همه را شوکه کرد؛ شوکی که میزان خفیف‌تر آن چندی قبل‌تر در حمله پهپادی به خط لوله شرقی-غربی عربستان دیده شد اما حمله به آرامکو در نوع خود مهیب و درحد زلزله بود.

نکته دیگر، زمان حمله بود؛ یعنی حمله درست زمانی روی داد که بن‌سلمان می‌خواست بخشی از سهام آرامکو را که بزرگ‌ترین شرکت نفتی دنیاست وارد بورس کند که ارزش آن دو تریلیون دلار است. پس از این ماجرا بود که کارشناسان غربی هم به این نتیجه رسیدند که ضعف عربستان در محافظت از تأسیسات نفتی خود ریسک وحشتناکی را به‌وجود آورده است.

در روزهایی که بحث واگذاری بخشی از سهام آرامکو مطرح است، این انفجارها آرامکو و عربستان را بی‌اعتبار کرده و کسانی که می‌خواستند بخشی از سهام آرامکو را بخرند، یا عقب کشیده‌اند یا باید خود را برای زیان‌های چندمیلیارد دلاری آماده کنند. انصارالله یمن نشان داد که می‌داند چه زمانی باید چه چیزی را هدف بگیرد، اقدامی که بازگشت تولید نفت عربستان را با چند هفته تأخیر همراه کرد.

واقعیت این است که عربستان سعودی که برخی رسانه‌های غربی و عربی، به آن لقب «مرد بیمار خاورمیانه» داده‌اند، نمی‌تواند تا مدت‌ها از زیر بار افتضاحی که در ماجرای آرامکو گریبانگیرش شد کمر راست کند و چه‌بسا در آینده هم این موضوع تکرار شود، مگر آن‌که هر چه سریع‌تر به جنگ یمن پایان دهد، چرا که هیچ مفری برای عربستان در باتلاق یمن قابل تصور نیست.

افتضاح آرامکو در کشوری رخ داده که رژیمش ادعا می‌کرد ابرقدرت جهان عرب است و ظرف چندهفته کار یمن را یکسره می‌کند اما بعد از چندسال دست و پا زدن در باتلاق یمن، حالا هرروز از سوی مقاومت مظلوم و شجاع یمن تحقیر می‌شود. این برای آل‌سعود، سرشکستگی بزرگی است، تا جایی که می‌تواند به فروپاشی‌اش ختم شود، زیرا اکنون دیگر در منطقه و جهان به‌کرات گفته می‌شود که مقاومت یمن، روزانه پالایشگاه‌ها و فرودگاه‌ها و مراکز مهم نظامی عربستان را با موفقیت و بدون‌هیچ مانعی هدف قرار می‌دهد.

این استیصال، حال و روز رژیمی است که فقط در دوسال اخیر، ۴۵۰ میلیارد دلار به آمریکا باج داده و از جمله ۱۰۰ میلیارد دلار سلاح خریده است. شهید «صالح الصماد»، سیاستمدار یمنی و عضو جنبش انصارالله که در حمله جنگنده‌های ائتلاف سعودی درسال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸میلادی) کشته شد قبل از شهادتش بارها از دستیابی انصارالله به پهپاد و موشک‌های بالستیک سخن گفته بود.

برخی فکر می‌کردند که سخن شهید الصماد صرفا در سطح شعار و ارسال پیام به سعودی‌ها و فشار تبلیغاتی و سیاسی به عربستان است، اما عملیات آرامکو ثابت کرد که رهبران یمن شعار نمی‌دهند. ثابت کرد که آن‌ها وعده‌ای نمی‌دهند، مگر این‌که به تحقق آن اطمینان داشته باشند یا یقین داشته باشند که کارها به سرانجام و مرحله‌ای از موفقیت رسیده است که رسیدن به این اهداف را میسر می‌کند. این همان وعده‌هایی است که برخی از رهبران مهم به‌ویژه شهید الصماد داده‌اند و عبدالملک الحوثی رهبر جنبش انصار الله یمن در مناسبت‌های مختلف درباره آن سخن گفته است.



نگاهی به ادعاهای ترامپ و طالبان درباره توافق صلح

جنایتکاران صلح طلب!

تاریخ بارها شاهد سیاستمدارانی بوده که در کنار جنایاتشان، ادعای صلح‌جویی هم داشته‌اند. این‌گونه افراد زمانی که در رأس قدرت هستند، سرخوش از قدرتی که دارند دست به جنایت علیه ملت‌های خود یا دیگران می‌زنند اما در مواقع بحرانی برای خروج از تنگناها، با اتخاذ رفتارهای پوپولیستی، از صلح و مسالمت‌جویی با مردم خود یا مردم کشورهایی که تحت استثمار و استعمارشان بوده‌اند سخن می‌گویند.

آگاهان عرصه سیاست، هدف از این ادعای صلح‌طلبی را که بیشتر اقدامی فریبکارانه و تاکتیکی است در دو موضوع می‌بینند: نخست، بهبود وجهه خشونت‌طلبانه این افراد نزد افکار عمومی و دوم، کاهش هزینه‌هایی که به‌خاطر اقدامات خشونت‌زا مرتکب شده‌اند و اقتصادشان را در آستانه فروپاشی قرار می‌دهد.

گروه تروریستی طالبان و دولت تروریست آمریکا که اولی به‌خاطر جنایاتش علیه مردم افغانستان و دومی به‌خاطر جنایت علیه بشریت در خاورمیانه و بسیاری کشورهای دیگر، نزد افکار عمومی منطقه و جهان منفورند، از جمله خشونت‌طلبانی هستند که اخیرا در دوحه قطر توافقنامه صلح با یکدیگر امضا کردند.

طنز ماجرا اینجاست که طالبان در زمان جنگ شوروی با افغانستان، توسط همین آمریکا به‌وجود آمد و تغذیه مالی و تسلیحاتی شد تا دست شوروی را از منطقه جنوب آسیا کوتاه کند. دولت وقت واشنگتن در حالی میلیون‌ها دلار پول و تسلیحات سبک مدرن روز در اختیار طالبان قرار داد که دودهه بعد، این گروه و القاعده که از دل طالبان درآمد، ورق را برگرداندند و علیه خود ایالات متحده دست به‌سلاح بردند و حادثه‌ای تروریستی را رقم زدند که تاریخ به‌خود ندیده بود؛ «۱۱سپتامبر».

در چرخه معیوبی که آمریکا خود بانی آن است و مجبور می‌شود هرچندسال یک‌بار علیه گروه‌های شبه نظامی و تروریستی وارد عمل شود که خود خالق آن‌ها بوده، صلح معنا ندارد و ادعای مسالمت‌جویی در چنین چرخه‌ای به راحتی رنگ می‌بازد.

از چندی قبل سرکرده‌های طالبان و مقامات دولت آمریکا از جمله شخص ترامپ ادعای توافق صلح با یکدیگر در افغانستان را مطرح کردند، صلحی که حتی به‌اذعان «زلمی خلیل زاد»، نماینده ارشد آمریکا در امور افغانستان، نمی‌توان برای پیروزی آن هیچ تضمینی ارائه کرد.

حقیقت آن است که حتی اکنون که توافق صلح میان طالبان و آمریکا به‌امضا رسیده، باید مذاکرات بین‌الافغانی آغاز شود و این در حالی است که طالبان ۱۸ سال است از مذاکره با دولت کابل امتناع می‌کند، چراکه دولت را عروسک دست آمریکا می‌داند. البته در مراسم توافق در دوحه نیز دولت اشرف غنی مشارکت داده نشد.

دونالد ترامپ که پیش از این هم در مواردی از جمله کره شمالی نشان داده هدفش از مذاکره و توافق فقط گرفتن عکس یادگاری و ژست صلح‌طلبی است، گفته بود در صورت موفقیت‌آمیز بودن مذاکرات برای پایان دادن به بیش از ۱۸ سال جنگ در افغانستان، شخصا توافق صلح با طالبان را امضا می‌کند. او در پی توافق آتش‌بسی که از چندی قبل آغاز شده، گفته بود می‌خواهیم ببینیم این آتش‌بس چقدر دوام خواهد آورد، چون اگر ادامه یابد، نامم را زیر توافق قرار می‌دهم. همزمان گروه طالبان هم اعلام کرده بود با آمریکا در همه موارد به توافق رسیده و امکان دارد توافق با واشنگتن به زودی امضا شود.

گروه طالبان با ادعای این‌که امضای توافق‌نامه صلح طالبان و آمریکا به‌دلیل تنش‌های موجود بین ایران و آمریکا با تأخیر مواجه شد، گفته بود با کاهش تنش‌ها به احتمال زیاد این توافق به‌زودی به‌انجام خواهد رسید. اما ادعاهای دو طرف و توافق صلحی که در پی آن انجام شد در حالی است که محافل سیاسی به‌دیده تردید به این توافق می‌نگرند.

دورنمای تاریک صلح

آمریکا و طالبان از گذشته بر سر چندین موضوع اختلاف جدی داشته‌اند و بعید به‌نظر می‌رسد حتی با وجود توافق صلح، بتوانند در کوتاه‌مدت به جمع‌بندی نهایی برسند. نقاط اصلی اختلافات میان طرفین در چندین موضوع نهفته است:

نخست، گروه طالبان به‌دنبال تغییر قانون اساسی فعلی و ایجاد حکومت اسلامی مدنظر خود در افغانستان، آن هم بدون دخالت خارجی‌هاست. بدون شک، طالبان با فرمول موردنظر غرب از جمله برگزاری انتخابات به‌شیوه کنونی مخالفت خواهند کرد و حتی آن را نامشروع می‌دانند. درعین‌حال آمریکا نیز در طول ۲۰ سال گذشته تمامی تلاش خود را به‌کار بسته تا ارزش‌های لیبرال دموکراسی خود را در تمامی زیرساخت‌های افغانستان جاری کند. بنابراین تن دادن به این خواست طالبان به شدت برای واشنگتن سخت است.

از سوی دیگر آمریکا به‌خوبی می‌داند که هرگونه عقب‌نشینی در برابر این خواست طالبان، واشنگتن را در مواجهه با افکار عمومی آمریکا قرار می‌دهد و این یک شکست مفتضحانه برای دولت ترامپ آن هم در آستانه انتخابات ۲۰۲۰ خواهد بود.

دوم، گروه طالبان، دولت فعلی افغانستان و هر دولت دیگری که به‌زعم آن‌ها در زمان اشغال بر سر کار آمده را مشروع نمی‌داند و تاکنون تن به مذاکره با دولت وحدت ملی در کابل نداده است. اگر آمریکایی‌ها این موضع طالبان را بپذیرند ابتدا تمامی متحدان خود را درافغانستان از دست داده و به چهره غیرقابل اعتماد و غیرقابل اتکا تبدیل می‌شوند و سپس تمامی مشروعیت حضور و فعالیت آن‌ها در افغانستان در گذشته و آینده زیر سؤال خواهد رفت.

سوم، آمریکا براساس استراتژی امنیت ملی ترامپ نیاز به ادامه حضور در افغانستان دارد. واشنگتن در خوش‌بینانه‌ترین حالت به‌دنبال کاهش تعداد نیروهای خود و نه «به صفر رساندن» آن‌هاست. علاوه بر نیروها، آمریکا تجهیزات گسترده نظامی و جاسوسی و پهپادی در افغانستان دارد که برای ضربه زدن به رقبای خود حساب ویژه‌ای بر روی این تجهیزات و تسلیحات باز کرده است. بنابراین برای آمریکا دشوار است که مانند اتحاد جماهیر شوروی به همه این مسائل پشت پا زده و از افغانستان خروج کامل داشته باشد.

همه این‌ها در حالی است که طالبان، رسیدن به نتیجه واقعی در توافق صلح را منوط به خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان کرده و این موضوع، پارادوکس جدی بر سر راه ایجاد صلح و ثبات دائمی در این کشور است. مسائلی که به آن اشاره شد، این نظریه را تأیید می‌کند که امکان ماندگاری توافق‌نامه صلح میان آمریکا و گروه طالبان دور از ذهن است، مگر آن‌که آمریکا بمانند همه رفتارهای فریبکارانه و عدم تعهدش به پیمان‌نامه‌ها، گروه طالبان را هم فریب دهد و اهداف پنهان خود را در افغانستان پیاده کند.



«بولتون»، بازنده‌ای برای تمامی فصول

«جان بولتون»، دیپلمات آمریکایی و عضو تیم نومحافظه‌کاران که به شدت ضد ایران است و هوادار گروهک منافقین (مجاهدین خلق)، به‌اذعان مقامات آمریکایی در همه سمت‌ها و پرونده‌هایی که برعهده داشته، بازنده بوده، در مقاطعی مجبور به استعفا شده و در مواردی هم برکنارش کرده‌اند که آخرین مورد آن برکناری‌اش در دولت ترامپ بود.

بولتون با نام کامل «جان رابرت بولتون»، مشاور امنیت ملی آمریکا از ۹ آوریل ۲۰۱۸ تا ۹ سپتامبر ۲۰۱۹ بود. او که در دولت‌های مختلف حزب جمهوری‌خواه فعالیت کرده است، از اوت ۲۰۰۵ از سوی جرج بوش پسر به‌عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد مشغول به کار شد اما در دسامبر ۲۰۰۶ استعفا داد، زیرا بوش او را در بازه تعطیلات کنگره آمریکا بدون رأی اعتماد منصوب کرده بود و محتمل نبود بتواند از مجلس سنای ایالات متحده که آن زمان در کنترل دموکرات‌ها بود رای اعتماد بگیرد.

بولتون که عضو «گروه بازها» در آمریکا و تحت‌تأثیر شدید لابی صهیونیستی، خواستار رفتارهای سختگیرانه و غیرقابل انعطاف به‌ویژه علیه ایران بود، یک «باز جنگ‌طلب» خوانده می‌شود و از مدافعان تغییر رژیم در کره شمالی هم بود. اوهمچنین بارها خواهان پایان دادن به برنامه جامع اقدام مشترک با ایران (برجام) شده بود. بولتون از طرفداران گروهک منافقین (سازمان مجاهدین خلق) است و بارها خواستار بمباران ایران شده بود. او همچنین از حامیان حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ بود و از اقدام نظامی و تغییر رژیم در سوریه و لیبی هم دفاع کرده‌است. بولتون طرفدار استفاده از زور در هر زمینه و همه‌جا برای پیشبرد اهداف خود است و می‌گوید هر کشوری که مخالفتی با آمریکا داشته باشد باید تنها با حمله نظامی، سرکوب شود.

بولتون با روی کارآمدن ترامپ، مشاوره‌هایی از پشت پرده به رئیس‌جمهوری آمریکا می‌داد اما وقتی که رسما در سمت مهمی مانند مشاور امنیت ملی وارد دولت ترامپ شد، دیگر نمی‌توانست شخص پشت پرده سیاست‌های ترامپ باشد و باید نشان می‌داد سیاست‌هایی که می‌گوید را می‌تواند عمل هم بکند. بنابراین چندین پرونده را همزمان برعهده گرفت.

ایران، ونزوئلا و کره شمالی از جمله پرونده‌هایی بودند که بولتون مدعی بود می‌تواند به انجام برساند و حتی تا اندازه‌ای مأموریت ارتباط با روسیه را نیز برعهده گرفت. او فشار زیادی برای خروج از برجام وارد کرد، دولتی خودخوانده در ونزوئلا تعیین کرد و جلوی توافق میان کره شمالی و آمریکا را در هانوی، پایتخت ویتنام گرفت. حتی تمامی تلاش خود را به‌کار بست تا جلوی توافق با طالبان را نیز بگیرد. در حقیقت هر کاری برای رسیدن به اهداف خود انجام داد و البته ابزارهای زیادی از جمله اعتماد ترامپ را نیز با خود به همراه داشت. اما واقعیت آن است که همه این پرونده‌ها یک شکست بزرگ برای بولتون بود. بولتون نیز مانند همه افراد معتمد ترامپ، بعد از مدتی رفته‌رفته جایگاه خود را در کنار رییس‌جمهوری ایالات متحده از دست داد، چون در دولت ترامپ یا باید موفق شوید یا بروید؛ تیم سیاست خارجی ترامپ پر از شکست است.

بولتون آمده بود تا به شکست‌های تیم سیاست خارجی ترامپ پایان دهد اما به لیست شکست‌های او اضافه کرد و تبدیل به نقطه‌ضعف ترامپ شد. شاید در ابتدا ترامپ باور نمی‌کرد که بولتون می‌تواند تا این حد به او ضربه بزند. ترامپ احساس می‌کرد با بولتون می‌تواند برنده باشد، اما با او به یک بازنده تبدیل شد، چون بولتون نشان داد که هیچ استراتژی روشنی جز گزینه نظامی ندارد. با گزینه نظامی تهدید می‌کرد، با گزینه نظامی مذاکره می‌کرد و با گزینه نظامی به هدف فکر می‌کرد. او حتی نمی‌توانست یک برنامه روشن برای مذاکره و حل مسأله طراحی کند، چرا که او مسأله‌ساز بود نه حلال مسائل؛ جان بولتون در واقع با رفتن از سمت مشاور امنیت ملی آمریکا به پایان راه سیاسی خود رسید.

شاید هنگامی که او در بخش خلع سلاح وزارت خارجه آمریکا فعالیت می‌کرد فردی حرفه‌ای شناخته می‌شد اما وقتی دیدگاه‌های خود را وارد کار حرفه‌ای کرد از همان ابتدا تبدیل به یک بازنده شد. بولتون در هیچ پرونده‌ای پیروز نبود و همه فرآیندهای دیپلماتیک را چه به‌عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل و چه به‌عنوان مشاور امنیت ملی، به نابودی کشاند.

دونالد ترامپ آخرین فردی بود که می‌توانست به‌جان بولتون پس از افتضاح حضور در نمایندگی آمریکا در سازمان ملل، سمتی بالاتر در کاخ سفید بدهد اما حالا ترامپ هم از او عبور کرده و احتمالا باید تا آخر عمر به تنظیم برنامه‌های خود برای سخنرانی در محافلی مانند نشست گروهک منافقین بپردازد.

جان بولتون علاقه زیادی به پاک کردن صورت مسأله دارد. او سه توافق منع اشاعه هسته‌ای را که می‌توانست بزرگ‌ترین توافق در این زمینه باشد و تبدیل به الگویی برای جهان شود، بر هم زد: نخست، چارچوب توافق میان بیل کلینتون و کره شمالی را در دولت بوش پسر برهم زد، دوم، با فشار بر ترامپ، آمریکا را از توافق هسته‌ای با ایران که در دوره اوباما منعقد شده بود خارج کرد و سوم، توافق منع استفاده از موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد با توان حمل کلاهک هسته‌ای با روسیه را که در دوره ریگان منعقد شده بود نیز از بین برد.

او را می‌توان اصلی‌ترین عاملی دانست که باعث شد آمریکا از توافق «INF» که در سال ۱۹۸۷ به امضا رسیده بود خارج شود. ایالات متحده با این توافق توانسته بود بخش زیادی از توانمندی هسته‌ای اتحاد جماهیر شوروی را محدود کند.

بولتون معتقد بود که این توافق‌ها آمریکا را تضعیف می‌کند. در ذهن بولتون، آمریکا باید گزینه‌های نظامی چندگانه داشته باشد تا بتواند از امنیت و منافع خود در سراسر جهان حفاظت کند و همواره در محافل خصوصی و عمومی می‌گفت «ما باید از ملت خود با قدرت نظامی محافظت کنیم، نه تکه کاغذ» اما «کرینسیون» در این تحلیل معتقد است روسیه اگرچه INF را نقض کرده بود اما قانون‌شکنی را نباید با قانون‌شکنی پاسخ داد.

واقعیت آن است که سیاست های بولتون در دولت ترامپ، مخالفان و دشمنان آمریکا را تضعیف نکرد بلکه باعث شد آن‌ها به این باور برسند که می‌توانند در برابر آمریکا ایستادگی کنند. اتفاقی که برای چین، روسیه، ایران، کره شمالی و ونزوئلا رخ داد نمونه‌ای از همین وضعیت است.



شوخی که جدی شد

وقتی یک کمدین همه‌کاره اوکراین شد!

دنیای سیاست همواره بازی‌های بزرگ و کوچک زیادی را با بازیگرهای لایق و نالایق تجربه کرده و این عرصه در بیشتر مواقع زمینه را برای کسانی فراهم آورده که بدون توان سیاسی و فقط با اتکا به رفتارهای پوپولیستی (عوام‌گرایی)، دکانی برای خود در عالم سیاست گشوده‌اند و چند صباحی از این دکان نه‌چندان پایدار، بهره برده‌اند.

کم نیستند آدم‌هایی که بدون پیشینه و پشتوانه سیاسی و حتی بدون آن‌که در باور خودشان هم بگنجد، به قدرت رسیده‌اند و سرنوشت ملتی را در دست گرفته‌اند و با رفتارهای عوام‌فریبانه در صدد ارتقای جایگاه سیاسی خود بوده‌اند و گاه تا سال‌ها در قدرت باقی مانده‌اند. از دستفروش و بازاری گرفته تا راننده اتوبوس شرکت واحد و بازیگر سینما، در کشورهای مختلف قدرت را تجربه کرده‌اند.

یکی از این افراد، «ولادیمیر الکساندرویچ زلنسکی»، کمدین و شومن متولد ۱۹۷۸ در اوکراین و رئیس‌جمهوری کنونی این کشور است. اودر ۲۱ آوریل ۲۰۱۹ بدون پیشینه کارسیاسی و با پیروزی بر«پترو پروشنکو» رئیس‌جمهوری پیشین اوکراین، با کسب۷۰ درصد آرا به‌عنوان رئیس‌جمهوری اوکراین انتخاب شد.

نکته جالب توجه این‌که زلنسکی عمده معروفیت خود را از بازی در یک سریال تلویزیونی به‌دست آورد، در نقش کسی که تصادفی رئیس‌جمهوری اوکراین شده بود. او در مجموعه تلویزیونی طنز «خادم ملت» که در سال ۲۰۱۵ ساخته شد نقش رئیس‌جمهوری اوکراین را بازی کرد.

در سال ۲۰۱۸ زلنسکی با کمک تهیه‌کنندگان همان مجموعه تلویزیونی، حزبی با نام «خادم مردم» تأسیس کرد و از طریق همان حزب و با شعار مبارزه با فساد، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری اوکراین شد. او درعین‌حال با حضور گسترده در شبکه‌های اجتماعی، توجه رأی‌دهندگان جوان را به‌خود جلب کرد و چون از صحبت کردن به زبان روسی پرهیز نکرد (به رغم تنش اوکراین با روسیه از زمان الحاق کریمه به روسیه)، توانست حمایت شهروندان روس‌تبار شرق اوکراین را هم به‌دست آورد و درنهایت در یک رقابت نه‌چندان سخت به‌قدرت رسید.

پدیده جدید عرصه سیاست

زلنسکی پیش از این، شومن، بازیگر، مجری، تهیه‌کننده و نویسنده بود و سرپرستی یک گروه هنری به‌نام «کوارتال ۹۵» را برعهده داشت که بسیاری از تولیدات هنری خود را از طریق آن انجام داده است. پس از آن‌که در انتخابات سال ۲۰۱۹ اوکراین کاندیدا شد و درحالی که رقبا و سیاستمداران و حتی هوادارانش احتمال پیروزی وی را نمی‌دادند، به دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری راه یافت و بر اساس بسیاری از نظرسنجی‌ها در همان زمان، احتمال پیروزی‌اش بسیار زیاد بود.

اندکی بعد زلنسکی در این انتخابات اعلام پیروزی کرد و در عین حال پروشنکو که او هم قبل از ریاست‌جمهوری، تاجر شکلات بود نیز شکست در انتخابات را پذیرفت. حضور یک بازیگر در انتخابات ریاست‌جمهوری پدیده جالبی را در سیاست به‌وجود آورده است.

زلنسکی در سریال «خادم ملت» به‌طرز عجیبی از یک معلم ساده تاریخ، به رئیس‌جمهوری کشور تبدیل می‌شود. به‌نظر می‌رسد آن‌چه امروز در صحنه سیاسی اوکراین مشاهده می‌کنیم، در سال ۲۰۱۵ برنامه‌ریزی شده بود، سالی که در یک سریال تلویزیونی به موضوع فساد فراگیر در دستگاه‌های دولتی با درون‌مایه طنز پرداخته شد و معلم تاریخی که حالا رئیس‌جمهوری کشور است، باید با آن مبارزه می‌کرد. در سریال، زلنسکی با دوچرخه و وسایل نقلیه عمومی به دفتر ریاست جمهوری می‌رود. شعارهای امروز زلنسکی یعنی نابودی سیستم فساد نیز برگرفته از محتوای همان سریال است.

پروشنکو که فکر نمی‌کرد عرصه را به‌راحتی به زلنسکی ببازد، در یکی از مناظره‌های قبل از انتخابات اوکراین، خطاب به او خاطرنشان کرد: «دنیای سیاست با آن‌چه در سریال خادم ملت بازی کرده‌ای، تفاوت دارد و امروز تو با دوچرخه و اتوبوس به مناظره نیامده‌ای!»

یکی دیگر از دلایل پیروزی زلنسکی در انتخابات اوکراین را به حامیان ثروتمندش نسبت می‌دهند. حامیان زلنسکی را گروهی از الیگارش‌ها می‌دانند که «کالامویسکی» از معروف‌ترین آن‌هاست.

کالامویسکی، ملیت اوکراینی – اسرائیلی دارد و رئیس انجمن یهودی‌های اوکراین، میلیاردر، مؤسس گروه مالی–صنعتی «پریوات» و ششمین فرد ثروتمند اوکراین است که تا سال ۲۰۱۵ فرماندار استان «دنیپروپتروفسک» بوده و بعد از آن به‌دلیل اختلاف با پروشنکو استعفا داد. در پی بروز اختلاف بین او و پروشنکو و اتهام فساد، کالامویسکی به فلسطین اشغالی رفت و هم‌اکنون در اسرائیل زندگی می‌کند. اما از آن‌جا که بیشتر رسانه‌های اوکراینی در دست الیگارش‌هاست، زلنسکی با کالامویسکی ارتباط برقرار کرد و در یکی از مناظره‌های برگزارشده بین پروشنکو و زلنسکی در ورزشگاه المپیک اوکراین، بیشتر بحث‌ها مربوط به موضوعاتی از جمله «کالامویسکی»، «پوتین» و «دونباس» بود.

سیاست سردرگم زلنسکی

با وجود گذشت حدود یک‌سال از ریاست جمهوری زلنسکی، هنوز کاملاً معلوم نشده است که این کمدین سابق، چه سیاستی را دنبال خواهد کرد. تا به‌امروز، آن‌چه او در مصاحبه‌هایش گفته، با سیاست‌های پروشنکو تفاوتی نداشته است؛ تا جایی که رسانه‌های روسی او را همان مدل جوان‌تر پروشنکو توصیف کرده‌اند.

درحقیقت انتخاب زلنسکی نشان داد که ملت اوکراین رأی به ادامه حرکت به سمت غرب داده است، زیرا گزینه مطلوب روسیه یک مشترن معروف به نام «یوری بویکا» بود که حتی قبل از رأی‌گیری دور اول، «دیمیتری مدودف»، نخست‌وزیر روسیه با او در مسکو ملاقات کرده بود. از طرفی زلنسکی هم در مصاحبه‌هایی که انجام داده، پوتین را دشمن نامیده است.

نکته جالب این‌که آن‌چه باعث شد زلنسکی به دور دوم راه یابد و چنین استقبالی از او شود، خسته شدن مردم اوکراین از سیاستمداران قبلی بود. زلنسکی وعده داده بود اوضاع اقتصادی مردم بهتر شود؛ وعده‌ای که تاکنون پوچ و توخالی بوده است.

قهرمان سریالی که درد ملت را به تصویر کشیده و مرهمی برای دردهای آنان بود، اکنون رئیس‌جمهور شده و خود را انسانی ساده معرفی می‌کند که به‌عنوان ناجی، برای نابودی سیستم قبلی و ایجاد سیستمی جدید شعار می‌دهد.

از آن‌جا که پیشینه زلنسکی نشان می‌دهد با مشکلات یک کشور به‌صورت عملی دست و پنجه نرم نکرده، تصور این‌که با مدل خودش بتواند اوکراین را مدیریت کند سخت است. مخالفانش معتقدند او بازیچه دست افراد تیمش شده است، فردی که تجربه‌ای در سیاست ندارد و با شعارهای پوپولیستی از جمله نابودی سیستم فساد و رسیدگی به اقشار ضعیف جامعه توانست به دور دوم ریاست‌جمهوری راه یابد و در نهایت پیروز شود. البته گذشت زمان، چهره واقعی او را آشکارتر خواهد کرد.



آمریکای لاتین

لقمه‌ای بزرگ در گلوی واشنگتن

ایالات متحده، سال‌هاست که در تلاش برای چنبره بر کشورهای آمریکای لاتین است و به اتفاق هم‌پیمانانش، از هیچ توطئه‌ای علیه دولت‌های قانونی این کشورها کوتاهی نکرده‌اند؛ از کودتای نظامی گرفته تا کودتای نفتی و خرابکاری‌های اقتصادی.

اما ملت‌ها و رهبران این خطه از دنیا آن‌چنان‌که در تاریخ هم خوانده‌ایم، به‌شدت میل به آزادی‌خواهی و رهایی از امپریالیسم دارند. فیدل کاسترو در کوبا، دانیل اورتگا در نیکاراگوئه، رافائل کوره آ در اکوادور، هوگو چاوز در ونزوئلا، اوو مورالس در بولیوی، لولا داسیلوا در برزیل و بسیاری دیگر از رهبران آمریکای لاتین، با امپریالیسم آمریکا سر ناسازگاری و مخالفت گذاشته‌اند و افرادی چون آگوستو پینوشه در شیلی که دست‌نشانده آمریکا بود و با حمایت واشنگتن به‌قدرت رسید، خیلی زود افول کردند، چون از مشی آزادی‌خواهی ملت‌های آمریکای لاتین دور بودند.

هژمونی آمریکا بر آمریکای لاتین جزو اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی این کشور است و در اجرای آن از تمامی روش‌های ممکن، خواه اجرای کودتا (شیلی) و خواه اعتراضات خیابانی استفاده کرده و همچنان خواهد کرد که جدیدترین نمونه آن تحولات کنونی ونزوئلاست.

روابط سیاسی آمریکا و ونزوئلا از قرن نوزدهم آغاز شد. در ابتدا روابط دو کشور در زمینه تجاری و سرمایه‌گذاری بسیار خوب بود، در دوران دولت محافظه‌کار «رافائل کالدرا» سطح روابط دو کشور به اوج خود رسید و طی این دوران، آمریکا به بزرگ‌ترین شریک نفتی ونزوئلا تبدیل شد و یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در بخش نفت و انرژی این کشور به‌حساب می‌آمد اما پس از به قدرت رسیدن «هوگو چاوز»، ماه عسل روابط دو کشور به پایان رسید و تنش بین آمریکا و ونزوئلا آغاز شد.

چاوز و هم‌حزبی‌هایش ساختار سیاسی و اقتصادی ونزوئلا را کاملا دگرگون کرده و پایه و اساس این دگرگونی را بر تفکرات چپ و اقتصاد ملی متکی کردند. یکی از اولین سازمان‌هایی که در تیررس چاوز قرار گرفت صنعت نفت این کشور بود.

چاوز برای افزایش درآمد دولت از فروش نفت و تغییر در مدیریت آن، مدیران آمریکایی شرکت نفت ونزوئلا را اخراج و نقش دولت را در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) افزایش داد.

دیگر اصلاحاتی که مدنظر قرار گرفت افزایش حق امتیاز شرکت‌های خصوصی به دوبرابر و تلاش در جهت ملی کردن صنایع بزرگ و حتی دارایی شرکت‌های بزرگ بین‌المللی همچون «اکسون موبیل» در ونزوئلا بود. این اقدامات تلاشی برای کاهش فقرا در ونزوئلا به‌شمار می‌رفت که درصد بالایی از جامعه این کشور را تشکیل می‌دادند. در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ آمریکا مبلغی حدود ۸۰۰ هزار دلار برای مبارزه با چاوز اختصاص داد، این مبلغ عموما برای گروه‌های مخالف چاوز یا مخالفت با سیاست‌های چاوز هزینه شد.

در سال ۲۰۰۲ آمریکایی‌ها تلاش کردند نسخه کودتای ژنرال پینوشه در شیلی را دقیقا در ونزوئلا هم پیاده کنند. به‌همین دلیل همه اعتصاب‌هایی را که علیه دولت آلنده وضع کرده بودند، در ونزوئلا علیه دولت چاوز نیز به راه انداختند و همان تحریم‌ها را علیه دولت قانونی وی وضع کردند و همان برچسب‌ها، اتهام‌ها و فشارهای سیاسی را برای به‌زانو درآوردن حکومت چاوز به‌کار گرفتند و از همان نظامیان بریده از مردم و ژنرال‌های سرسپرده لائیک که در شیلی در اختیار داشتند، در ونزوئلا نیز استفاده کردند.

اما خطای محاسبه آمریکایی‌ها در ونزوئلا این بود که فراموش کرده بودند ملت‌های امروز جهان از درک و شعور سیاسی و فهمی به‌مراتب بالاتر از ملل ۳۰ سال پیش جهان برخوردار هستند. به‌همین دلیل اگر در آن روز مردم شیلی پس از کودتای ژنرال‌ها، به خانه‌های خود رفتند، در سال ۲۰۰۲ در ونزوئلا پس از کودتای ژنرال‌ها، از خانه بیرون آمده و یک‌صدا علیه آمریکا، علیه رژیم کودتا و به نفع حکومت منتخب خود فریاد زدند، کشته دادند و توانستند نظامیان شورشی را به پادگان‌هایشان بازگردانند.

هرچند در ابتدا حکومت چاوز در پی این کودتا سرنگون شد، اما به‌فاصله اندکی وی مجددا به صحنه سیاسی بازگشت. علاوه بر این، مردم که دیگر نمی‌خواستند دیکتاتوری نظامی را تجربه کنند به خیابان‌ها آمدند و اعتراضات مردمی باعث شد نظامیان از «پدروکارمونا»، مهره دست‌نشانده آمریکا روی برگردانند و چاوز بار دیگر به قدرت برسد.

پس از درگذشت چاوز در سال ۲۰۱۳ و روی کارآمدن «نیکلاس مادورو»، معاون چاوز، آمریکا بار دیگر توطئه و اقدامات منفی در ونزوئلا را بهاجرا گذاشته و با اعمال تحریم و ضربه به اقتصاد ونزوئلا، مردم این کشور را با مشکلات بسیاری دست به گریبان کرده است. از حدود دو سال قبل نیز یکی از رهبران مخالف دولت ونزوئلا به نام «خوان گوایدو» را تقویت کرده و او نیز از ایجاد آشوب گرفته تا اعتراضات خیابانی، هوادارانش را به ایجاد هرج و مرج و ناامنی با هدف سرنگونی مادورو تشویق می‌کند.

گوایدو، چهره‌ای نه‌چندان مطرح در اپوزیسیون ونزوئلا اما تحصیل‌کرده آمریکا، خود را رئیس‌جمهوری ونزوئلا می‌خواند. رسانه‌های آمریکایی نوشته‌اند که او قبل از این اتفاقات به آمریکا و دو کشور دیگر سفر کرده و با حمایت «مایک پنس» معاون ترامپ، خود را رئیس‌جمهوری خوانده است.

واقعیت این است که اگرچه ممکن است بخشی از مردم ونزوئلا از دولت ناراضی باشند که این کاملا طبیعی است و مردم حق و حقوقی دارند، اما چون دخالت‌های آمریکا با اهدافی خارج از منافع مردم است، این‌گونه سیاست‌ها هرگز راه به جایی نخواهد برد.

در قضیه بولیوی نیز اتفاقی مشابه افتاد و «اوو مورالس»، رئیس‌جمهوری قانونی این کشور، در پی توطئه آمریکا مجبور به استعفا و ترک وطنش شد. او در اولین مصاحبه بعد از خروج از کشورش گفت آمریکا یک توطئه‌گر بزرگ است و در پشت پرده کودتا و خروج اجباری وی از بولیوی دست داشت. حتی روزنامه «گاردین» هم در مورد تحولات بولیوی، آن‌چه در این کشور رخ داد را کودتا علیه مورالس توسط نظامیان خواند و نوشت «رسانه‌های جریان اصلی در غرب تلاش می‌کنند این واقعیت را انکار یا توجیه کنند».

در هر حال آن‌چه می توان از این تحولات استنباط کرد این‌که توطئه‌های واشنگتن در آمریکای لاتین محکوم به شکست هستند، چرا که ملت‌های آزادی‌خواه این منطقه از امپریالیسم و در رأس آن آمریکا بیزارند.



کام و ناکام
اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸



کامران نرجه

تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران

دولـت آمریـکا در ادامـه مخاصمه دیرینـه با جمهوری اسـلامی ایران از روز دوشـنبه دوم اردیبهشـت ۱۳۹۸ دستور تشـدید تحریم‌های اقتصادی و لغو مجوز فروش نفت ایران به هشت کشور را صادر کرد.

براسـاس این تصمیم هشـت کشور بزرگ صنعتی یعنی چیـن، هند، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، ترکیه، یونان و ایتالیا که قبلا برای ادامه خرید نفت از ایران فرصتی شش‌ماهه از آمریکا گرفته بودند تا بازاری جایگزین و مطمئن بیابند، از خرید هر گونه محموله نفتی ایرانی منع شدند.

تحریم جدید آمریکا به‌گونه‌ای طراحی شده بود تا میزان فروش نفت ایران به بازارهای خارجی را تا ۷۰درصد کاهش دهد و اقتصاد ایران را با کمبود شدید درآمدهای ارزی روبه‌رو کند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا هنگام امضای برنامه تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران وعده داد تلاش خواهد کرد تا میزان فروش نفت ایران را به صفر برساند.

به گفته وی این تصمیم برای اعمال فشـار بیشتر و وادار ساختن ایران به بازگشت به میز مذاکره اتخاذ شد و چنانچه ایران به ۱۲ شرط آمریکا برای شروع مذاکرات تن ندهد، کارزار فشار به این کشور ادامه خواهد یافت.

دولـت آمریکا که سـال ۱۳۹۷ به‌طور یک‌جانبه از برجام خارج شـده بود، در اجرای این تصمیم کشورهای خریدار نفت ایـران را تهدید کرد که در صورت تداوم واردات نفت از ایران با تحریم‌های سنگین اقتصادی روبه‌رو خواهند شد.

درپـی این تصمیم آمریکا، نگرانـی واردکنندگان کالا از کاهش منابع ارزی دولت باعث شـد تا تقاضای خرید انواع ارز در بـازار آزاد افزایـش یابد. به‌همین علت بـازار معاملات ارزی در تهران که ظرف دو ماه گذشـته به ثبات نسـبی رسـیده بود، شکلی هیجانی به خود گرفت و دوباره دستخوش نوسان شدید قیمت‌ها شد.

از سوی دیگر دولت ایران برای کاستن از تبعات منفی این سیاست خصمانه آمریکا تصمیم گرفت تا اتکای بودجه خود را به درآمدهای نفتی به حداقل کاهش دهد. چارچوب سیاست‌های جدید اقتصاد ایران که به‌فوریت از سوی دولت پی‌ریزی شد، بر کاهش واردات از خارج و افزایش بازگشت ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی استوار بود.

بانک مرکزی به‌منظور تحقق این هدف، نحوه برگشـت ارز پتروشـیمی‌ها به چرخه اقتصادی در سال ۱۳۹۸را برمبنای حداقل ۶۰درصد سـامانه نیما و حداکثر ۱۰ درصد اسـکناس و مابقی واردات در مقابل صادرات تعیین کرد.

همچنین سایر صادرکنندگان به‌منظور برگشت حداکثر ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور موظف شدند حداقل ۵۰ درصد ارز خود را در سامانه نیما عرضه کرده و حداکثر تا ۲۰ درصد به صورت اسـکناس و مابقی واردات در مقابل صادرات خود به سایر اشخاص بفروشند.

بانـک مرکزی به صادرکنندگانی که موفق به برگشـت کامل ارز صادراتی خود در سـال ۱۳۹۷ نشـده بودند تا پایان تیر مهلت داد که ارز خود را به سیستم بانکی برگشت دهند.

از سوی دیگر دولت با هدف کنترل قیمت‌ها و تنظیم بازار داخلی تصمیم گرفت روند واردات و ترخیص کالاهای اساسی در بنادر کشور را سرعت دهد.

با اجرای این تصمیم ترافیک سنگینی از کشتی‌های حامل انواع کالاهای اساسـی وارداتی برای پهلوگیری در اسکله‌های جنوبی ایجاد شـد و میزان ذخیره‌سـازی این اقلام در انبارهای کشور به بالاترین سطح در طول سال‌های اخیر رسید.

حذف سه دهک بالای درآمدی از فهرست یارانه‌بگیران

هیأت وزیران در جلسه ۱۶ تیر خود به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه کشور (با همکاری وزارت‌خانه‌های امور اقتصادی و دارایی، نفـت، نیرو، تعاون، کار و رفاه اجتماعی) آیین‌نامه اجرایی تبصره ۱۴ قانون بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور را با هدف تعیین منابع و مصارف یارانه تصویب کرد.

بر اسـاس این آیین‌نامه، دولت موظف شـد با استفاده از همه بانک‌های اطلاعاتی در اختیار، نسبت به شناسایی و حذف سه دهک بالای درآمدی از فهرست یارانه‌بگیران اقدام کند.

این تصمیم دولت، پایانی بر توزیع بی‌هدف یارانه در بین مردم و راهی برای کاهش فشار به بودجه کشور بود که سودای آن از ابتدای زمامداری دولت دوازدهم در ذهن مسئولان اقتصادی وجود داشت.

دولـت همچنیـن تأمیـن هزینه خریـد گندم را کـه یکی از بزرگ‌ترین مصارف هزینه‌ای در بودجه سـنواتی کشـور اسـت، به حذف یارانه اصناف و صنایع وابسـته متصل کرد تا فشـار هزینه‌ای این بخش در بودجه سال ۱۳۹۸ کمتر شود. این تصمیم واکنشی به سیستم اشتباه توزیع یارانه نقدی بود که در دولت دهم بنا گذاشته شد و مشکلات فراوانی را برای دولت‌های بعدی فراهم ساخت.

دولت می‌بایسـت سـه دهک بالای درآمدی کـه حدود ۲۴ میلیون نفر از مجموع ۸۰میلیون جمعیت کشـور را شـامل می‌شد از دریافت یارانه نقدی که به آن عادت کرده بودند، محروم کند. بنابراین واضـح بـود که اجرای این تصمیم با مخالفـت گروه‌های اجتماعی روبه‌رو شـود. از سـوی دیگر این اقدام به تکمیـل بانک اطلاعاتی درآمدی مردم نیاز داشت. بنابراین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف شد تا بر اساس میزان مصرف خانوارها به تکمیل این بانک اطلاعاتی اقدام کند. ستادی که زیر نظر این وزارتخانه برای شناسایی و حذف یارانه سه دهک بالای درآمدی تشکیل شد، در ماه‌های آتی معدل گردش حساب تراکنش‌های بانکی، سود بانکی، میزان واریز و مانده حساب خانوارها را به‌عنوان یکی از ملاک‌های تعیین گروه‌های هدف در نظر گرفت.

همچنیـن مالکیـت خودروهای باارزش بیـش از ۵۰۰میلیون تومان، املاک، سهام، انجام معاملات ارزی و سفرهای خارجی به عنوان دیگر معیارهای تشخیص دهک‌های درآمدی بالا تعیین شد.



الحاق ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

جمهوری اسلامی ایران ازابتدای آبان به‌طوررسمی وارد اتحادیه اقتصادی اوراسیا شد. با پیوستن ایران به این اتحادیه، امکان برخورداری ۸۶۴ قلم کالا از تعرفه ترجیحی برای مبادله با اعضای این اتحادیه به‌دست آمد و تعرفه ۷۰ قلم کالا برای ایران به صفر رسید.

قانون پیوستن ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا تیر امسال توسط رئیس‌جمهور ابلاغ شد و با سفر حسن روحانی به ارمنستان در مهرماه رسمیت یافت.

این نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که ایران در یک موافقت‌نامه اقتصادی منطقه‌ای به‌شکل فعال وارد می‌شود و از این طریق می‌تواند از مرزهای زمینی جمهوری ارمنستان و مرزهای آبی با روسیه و قزاقستان در بازارهای این اتحادیه حضور پیدا کند.

براساس آمار، مجموع ارزش صادرات و واردات کشورهای عضو این اتحادیه حدود ۷۵۳ میلیارد دلار است و عضویت ایران در میان آن‌ها فرصت برخورداری از مزایای تجارت با این بلوک بزرگ اقتصادی را فراهم می‌کند.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا یک پیمان منطقه‌ای است که در سال ۲۰۱۴ بین رهبران روسیه، قزاقستان و بلاروس به‌امضا رسید و ارمنستان و قرقیزستان نیز در سال ۲۰۱۵ به آن پیوستند. هدف اصلی بنیانگذاران این پیمان مهم منطقه‌ای، مقابله با دخالت‌های اقتصادی و سیاسی اتحادیه اروپا و کشورهای غربی در امور کشورهای آسیای مرکزی و سایر کشورهایی است که در آینده به این اتحادیه می‌پیوندند. بر اساس قانون، کالاهایی که میان کشورهای این اتحادیه جابه‌جا می‌شوند مشمول تعرفه ترجیحی هستند و هیچ حقوق گمرکی نمی‌پردازند.

مجموع تولید ناخالص داخلی این اتحادیه که بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع وسعت و ۲۵۰ میلیون نفر جمعیت دارد، به پنج هزار میلیارد دلار بالغ می‌شود و هم‌اینک صربستان، ازبکستان، آلبانی، مقدونیه شمالی، هندوستان و ویتنام مذاکرات خود را برای پیوستن به این اتحادیه آغاز کرده‌اند.

کارشناسان اقتصادی براین باورند که اگر جنگ تعرفه‌ای آمریکا با چین گسترش یابد و ایالات متحده بیش از پیش، دستاوردهای سازمان تجارت جهانی (WTO) را پایمال کند، چین به اتحادیه اقتصادی اوراسیا- که با اکثر اعضای آن پیوندهای نژادی، فرهنگی دیرینه دارد و عمدتا در مسیر جاده ابریشم قرار دارند- خواهد پیوست.

اهداف مهم اقتصادی اتحادیه اوراسیا به اختصار عبارتند از: مبادله آزادانه کالا و خدمات بین کشورهایی که عضو اتحادیه هستند، آزادی نقل و انتقال سرمایه و نیروی کار در قلمروی اتحادیه، سهولت تجارت اعضا با یکدیگر، یکسان‌سازی مقررات و تشریفات گمرکی اعضا، تلاش به‌منظور تبدیل کردن اتحادیه به یک بازار مشترک اقتصادی، یکسان‌سازی تعرفه‌های گمرکی و حذف تدریجی آن‌ها و اتخاذ خطمشی مشترک در بخش‌های صنعت، کشاورزی و انرژی.



بازگشت ایران به لیست سیاه FATF

جمعه دوم اسفندماه، نشست مجمع کارگروه ویژه اقدام مالی FATF در شهر پاریس، بعد از پنج‌روز مذاکره میان اعضای این نهاد بین‌المللی و به‌دنبال انقضای مهلت ارائه‌شده به ایران برای پذیرش توصیه‌نامه‌های این سازمان، نام کشورمان را به فهرست سیاه خود بازگرداند.

بیش از ۸۰۰ نماینده از ۲۰۵ کشور جهان و سازمان بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل و بانک جهانی در این نشست حضور داشتند که تقریباً همگی آن‌ها از پیامدهای پایان مهلت ارائه‌شده به ایران برای کنشگران اقتصادی ابراز نگرانی کردند و نام ایران را به‌دلیل «عدم انطباق با هنجارهای بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم» به فهرست سیاه بازگرداندند.

ایران در سال‌های اخیر براساس برنامه ارائه‌شده از سوی گروه ویژه اقدام مالی اجرای ۴۱ توصیه این نهاد مالی را در دستور کار قرار داد که از این تعداد ۳۷ مورد در حوزه اجرایی و چهارمورد در حوزه تقنین و قانونگذاری بوده است.

پس از شش‌سال تلاش بی‌وقفه کارشناسان دولت، ۳۷ مورد از توصیه‌های FATF اجرایی و دو مورد تقنینی از توصیه‌های این نهاد مالی عملیاتی شد، اما دو لایحه برای الحاق به کنوانسیون‌های CFT و پالرمو پس از تصویب در مجلس و رد آنها در شورای نگهبان، برای تصمیم‌گیری نهایی در مجمع تشخیص مصلحت نظام بلاتکلیف ماند.

اینک استنباط اعضای کارگروه ویژه اقدام مالی FATF از تأخیر صورت‌گرفته در پذیرش توصیه‌های این نهاد، باعث شده است تا تلاش‌های دولت برای بازگشت نام ایران از فهرست خاکستری به فهرست سفیدFATF ناکام بماند و دوباره نام ایران در کنار کره شمالی به‌عنوان تنها کشورهای غیر عضو در این نهاد ثبت شود.

گروه ویژه اقدام مالی یا FATF، یک سازمان بین‌الدولی است که در سال ۱۹۸۹ میلادی به ابتکار کشورهای عضو گروه «جی۷» تشکیل شد تا به‌تعیین و تقویت استانداردهایی جهت اعمال موثر اقدامات حقوقی، حاکمیتی و عملیاتی علیه پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و دیگر تهدیدات علیه تمامیت سیستم مالی بین‌المللی بپردازد. پس از حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، مسأله تأمین مالی تروریسم (CFT) به‌عنوان مأموریتی تازه برای این سازمان مطرح شد. در سال ۲۰۰۸ میلادی نیز مسأله تأمین مالی فعالیت‌های اشاعه‌ای و تسلیحات کشتار جمعی شیمیایی و اتمی به عنوان دیگر مأموریت مهم این گروه در فهرست وظایف گروه ویژه اقدام مالی قرار گرفت. کشورهایی که با استانداردهای مقرر توسط این گروه همکاری نکنند، به‌عنوان کشورهای خطر یا مشکوک شناخته می‌شوند، بنابراین عدم سرمایه‌گذاری یا مراودات با آن‌ها توصیه می‌شود. این نهاد هم‌اکنون ۳۸ عضو رسمی دارد و باقی کشورهای دنیا که عضو آن نیستند (به‌جز ایران و کره شمالی) با استانداردهای آن به‌عنوان نظم نوین مالی بین‌المللی همکاری و همراهی می‌کنند.

این نهاد مالی در راستای تحقق اهدافش به‌تنظیم مجموعه‌ای از توصیه‌ها پرداخته است که به‌عنوان استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و همچنین تأمین مالی تروریسم تلقی می‌شود و می‌تواند از طریق وضع قوانین داخلی کشورها به اجرا درآید و ریسک پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد.

بازگشت نام ایران به لیست سیاه FATF ظرف سه‌هفته اخیر نگرانی از تأمین منابع ارزی را برای بازار داخلی افزایش داد و باعث شد بهای انواع ارز در صرافی‌ها بالا برود.

هر دلار آمریکا که پیش از این رویداد در مراکز عمده معاملات ارزی ۱۳هزار و ۲۰۰ تومان ارزش داشت، پس از بازگشت نام ایران به لیست سیاه FATF تا ۱۶هزار و ۲۰۰تومان گران شد. بهای یورو اتحادیه اروپایی نیز از ۱۴ هزار و ۸۰۰ تومان به ۱۷هزار تومان رسید.

از سوی دیگر تأثیر قیمت ارز در بازار سکه و همزمانی آن با رشد جهانی قیمت طلا (که به سبب شیوع ویروس کرونا در چین و ترس سرمایه‌گذاران از سقوط رشد اقتصادی کشورهای صنعتی صورت گرفت) باعث شد تا بهای هر قطعه سکه تمام بهار آزادی (طرح جدید) در بازار داخلی از چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار تومان به شش‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان افزایش یابد.

برخی از تحلیلگران جهش دوباره قیمت ارز در بازار داخلی را به نقش تأمین کسری بودجه ریالی دولت در روزهای پایانی سال مرتبط دانستند، ولی رئیس کل بانک مرکزی با رد هر دو علت فوق اعلام کرد که بهای ارز در بازار داخلی به‌زودی کاهش یافته و به سطح متعارف خود باز می‌گردد.

کشف دومین مخزن بزرگ نفتی ایران

یکی از کامیابی‌های بزرگ اقتصادی سالی که سپری شد، کشف یک میدان بزرگ نفتی در خوزستان و افزایش ثروت‌های ملی ایران بود.

نوزده آبان ۱۳۹۸ دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، در سفر استانی به یزد، مژده کشف یک میدان بزرگ نفتی در خوزستان را به ملت ایران داد؛ میدانی که حجم نفت درجای آن ۵۳.۳ میلیارد بشکه است و به پاس خدمات همه افرادی گمنامی که در گوشه و کنار کشور به خدمت می‌پردازند، «نام‌آوران» نامگذاری شد.

فعالیت‌های اکتشافی این مخزن جدید از اواخر سال ۱۳۹۵ با اثبات وجود ۳۱ میلیارد بشکه نفت در حدفاصل میدان‌های نفتی منصوری، آب‌تیمور، سوسنگرد، جفیر و سپهر در جنوب‌غربی شهر اهواز و در دو سوی رودخانه کارون و با حفاری چاه‌های اکتشافی آرمان (در شرق میدان دارخوین)، منصوری‌غربی (در حد فاصل میادین منصوری و آب‌تیمور) و سپهر شرقی (در شرق میدان سپهر) آغاز شد.

با وجود این در پاییز امسال با احراز وجود منابع هیدروکربوری در گستره وسیع این مناطق، مشخص شد که حجم نفت ذخیره شده در میدان مذکور حداقل ۲۲ میلیارد بشکه بیشتر از ارقام قبلی است.

کشف میدان نفتی نام‌آوران که وسعت آن سه‌برابر مساحت کشور بحرین، سه‌برابرشهر تهران و به اندازه کل مساحت کشور لوکزامبورگ است، مجموع ذخایر نفت قابل استحصال ایران را با احتساب ضریب بازیافت ۱۰ درصد، حدود ۲.۲ میلیارد بشکه افزایش داد که ثروتی عظیم برای ایران محسوب می‌شود.

مخزن نام‌آوران با وسعت دوهزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع در گستره‌ای به‌طول ۱۳۰ کیلومتر و عرض ۵۰ کیلومتر، در جنوب و غرب شهر اهواز، در دو طرف رودخانه کارون و در میان میدان‌های نفتی منصوری، آب‌تیمور، سوسنگرد، جفیر، سپهر و دارخوین قرار دارد و ضخامت و عمق این لایه مخزنی به ترتیب به‌طور میانگین ۸۰ متر و ۳۱۰۰ متر اعلام شده است. طی ۴۱ سال سپری‌شده از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، درمجموع ۷۳ میدان هیدروکربوری مشتمل بر ۳۶ میدان نفتی و ۳۷ میدان گازی در نقاط مختلف کشور کشف شده است ولی میدان نفتی نام‌آوران پس از لایه آسماری گچساران موفق شد در رتبه دومین مخزن بزرگ اکتشافی تاریخ ایران قرار گیرد.

کارشناسان صنعت نفت معتقدند که احتمال گسترش این میدان به‌سمت جنوب غربی و شرقی وجود دارد. بنابراین احتمال افزایش حجم نفت ذخیره‌شده در این میدان طی سال‌های آتی بالاست.

ایران برنامه توسعه این میدان جدید را به‌صورت سرمایه‌گذاری در میادین آب‌تیمور، منصوری، سپهر و جفیر تعریف کرده که بهره‌برداری از هرکدام آن‌ها، جایگاه ایران را در معادلات بازار جهانی نفت ارتقا خواهد داد. کمی قبل‌تر از این رویداد، یعنی ۱۵ مرداد ۱۳۹۸ نیز خبر اکتشاف میدان گازی ارم موجب امیدواری بیشتر به اقتصاد ایران شده بود.

این میدان گازی جدید درفاصله ۲۰۰ کیلومتری جنوب شیراز، ۶۰کیلومتری شمال عسلویه و ۲۵کیلومتری جنوب باختری شهرستان خنج قرار دارد که از یکپارچگی دو تاقدیس دنگ و باغون تشکیل شده و مخزن گازی یکپارچه‌ای را به‌طول ۵۰ کیلومتر و پهنای متوسط پنج کیلومتر به‌وجود آورده است.

حجم گاز درجا در این مخزن بالغ بر ۱۹هزار میلیارد فوت مکعب برآورد شده که بیش از ۱۳ هزار میلیارد فوت مکعب آن قابل استحصال است.

این حجم تقریباً معادل یک فاز میدان گازی پارس جنوبی است و می‌تواند نیاز ۱۶ سال شهر تهران به گاز طبیعی را برطرف کند که معادل مصرف گاز سه کشور اروپایی است.





پایان انتظار ۲۴ ساله برای افتتاح فاز نخست آزادراه تهران- شمال

قطعه نخست آزادراه تهران-شمال، ۲۴ سال بعد از کلنگ زنی آن، سرانجام ششم اسفند امسال با حضور رئیس‌جمهوری افتتاح شد.

با افتتاح این قطعه، مسیر دسترسی قدیمی به چالوس که از کرج عبور می‌کند، برای خودروهایی که از تهران قصد عزیمت به شمال دارند،۶۰ کیلومتر کاهش یافت.

علاوه براین کاهش یک‌ساعت و نیمه زمان سفر در این مسیر، موجب صرفه‌جویی متوسط حدود ۱۰ لیتری بنزین در روزهای عادی و بیش از ۱۵ لیتری در ایام پرترافیک به ازای هر سفر – خودرو خواهد شد.

برای ساخت این قطعه ۳۲کیلومتری که تقاطع بزرگراه شهید همت با بزرگراه آزادگان را به منطقه دوآب شهرستانک در استان البرز متصل می‌کند، هزینه‌ای بیش از۴۱۰۰ میلیارد تومان صرف شد و ارزش فعلی این آزادراه ۱۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

کوهستانی و صعب‌العبور بودن این مسیر باعث شده که قطعه یک آزادراه تهران- شمال از ۲۲ تونل به‌طول ۳۱هزار و ۴۰۰ متر (به صورت رفت و برگشت) تشکیل شود. در این مسیر همچنین ۲۵ دستگاه پل به طول ۳.۱ کیلومتر وجود دارد و طولانی‌ترین تونل کشور به‌نام «تالون» به طول ۴هزار و۹۵۰ متر در این قطعه احداث شده است.

نرخ عوارض آزادراه تهران–شمال برای روزهای عادی سال مبلغ ۲۰ هزار تومان و برای روزهای اوج سفر ۳۰ هزار تومان در نظر گرفته شده است.

پیش‌بینی می‌شود که در هر شبانه روز حدود ۱۲ هزار تردد در این آزاد راه انجام شده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۵ درصد مردم از آن استفاده مستمر داشته باشند و ۲۰ درصد نیز به‌شکل عبوری از آن استفاده کنند.

دولت بلافاصله پس از افتتاح قطعه مذکور دستور آغاز ساخت منطقه دو این آزادراه به‌طول ۲۲ کیلومتر را صادر کرد و قرار است طولانی‌ترین تونل کشور به طول ۶.۵کیلومتر در این منطقه ساخته شود.

طبق پیش‌بینی کارشناسان یک مسیر از قطعه دوم آزادراه تهران- شمال قبل ازپایان دولت تدبیر و امید زیر بار ترافیک قرار می‌گیرد. از سوی دیگر منطقه چهار این آزادراه که منتهی به چالوس است در سال ۱۳۹۲ زیر بار ترافیک رفته است.

شوک بنزینی

واپسین ساعات پنجشنبه، بیست و سوم آبان ۱۳۹۸ انتشار خبر تصمیم دولت برای افزایش قیمت بنزین، به یکی از مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی امسال تبدیل شد.

دولت اعلام کرد که از ساعت ۲۴ پنجشنبه مردم باید برای خرید هر لیتر بنزین سهمیه‌بندی ۱۵۰۰ تومان بپردازند. سهمیه هر خودرو ماهانه ۶۰ لیتر خواهد بود و برای خرید بنزین بیشتر از میزان سهمیه، باید برای هر لیتر ۳۰۰۰ تومان پرداخت. با اجرای این تصمیم ۵۰ درصد به‌قیمت بنزین سهمیه‌بندی افزوده شده و بنزین آزاد نیز نسبت به گذشته ۳۰۰درصد گران شد.

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی به‌عنوان مجری این تصمیم در همان لحظات ابتدایی انتشار خبر مذکور اعلام کرد که سهمیه ۶۰ لیتری تمامی خودروهای سواری شخصی و سهمیه ۴۰۰ لیتری تاکسی‌ها از بامداد جمعه ۲۴ آبان به کارت سوخت خودروها واریز می‌شود و این سهمیه به مدت شش‌ماه قابل ذخیره است.

دولت همچنین سهمیه سوخت موتورسیکلت‌ها را ماهانه ۲۵ لیتر تعیین و اعلام کرد که وانت‌های کم‌مصرف بنزینی در ماه ۲۰۰ لیتر و وانت‌های کم‌مصرف دوگانه‌سوز ماهانه ۶۰ لیتر سهمیه سوخت دارند. برای وانت‌های پرمصرف بنزینی ماهانه ۳۰۰ لیتر و برای وانت‌های پرمصرف دوگانه‌سوز ماهانه ۱۲۰ لیتر سهمیه درنظر گرفته شد.

از سوی دیگرخودروهای دستگاه‌های اجرایی دولتی موضوع ماده پنج قانون مدیریت خدمات کشوری از دریافت سهمیه بنزین حذف شدند و مقرر شد که این خودروها باید با قیمت هر لیتر سه‌هزار تومان بنزین دریافت کنند.

دولت همچنین اعلام کرد که با تصمیم نظام مبنی بر تغییر روند پرداخت یارانه بنزین از این پس درآمد ناشی از افزایش قیمت بنزین به‌طور کامل به‌مردم پرداخت می‌شود و ۶۰ میلیون نفر از این یارانه جدید بهره‌مند خواهند شد.

این تصمیمات در حالی اعلام شد که از ابتدای سال ۱۳۹۸ مقامات دولتی بارها موضوع سهمیه‌بندی یا تغییرقیمت بنزین را انکار کرده بودند.

دکتر محمدباقر نوبخت، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، یک‌هفته قبل از انتشار این خبر و مهندس بیژن زنگنه، وزیر نفت نیز یک‌روز پیش از افزایش قیمت بنزین، به‌صراحت به رسانه‌ها گفته بودند که دولت هیچ برنامه‌ای برای تغییر قیمت بنزین ندارد. نمایندگان مجلس هم به‌دفعات اعلام کردند که هیچ برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین به مجلس داده نشده است. به‌همین دلیل تصمیم ناگهانی افزایش قیمت بنزین که در شورای عالی هماهنگی سران سه قوه و با امضای رؤسای قوای مقننه، مجریه و قضائیه اتخاذ شده بود، مردم را شوکه کرد.

در پی انتشار این خبر، از صبح جمعه ۲۴ آبان جایگاه‌های بنزین به‌ناگاه شلوغ شد و مردم خود را به پمپ‌های بنزین رساندند. به‌موازات گسترش اعتراض مردم به این نحوه اطلاع‌رسانی از تغییرقیمت بنزین، اخبار ضد و نقیضی در شبکه‌های مجازی دست به‌دست شد که نسبت به موافقت همه سران سه قوه با این تصمیم ایجاد تردید می‌کرد.

این اخبار غیررسمی به‌دنبال تبرئه برخی مقامات در موضوع افزایش قیمت بنزین و القای تصمیم‌گیری یک‌جانبه دولت در این مورد بود که سبب شد گلایه مردم به‌شکل تجمعات اعتراضی در شهرها نمایان شود.

از سوی دیگر سوءاستفاده برخی عناصر اغتشاشگر از این اجتماعات و تخریب اموال عمومی و خصوصی در شهرها، کشور را با یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های امنیتی در سال‌های اخیر روبه‌رو کرد و منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان شد، تا این‌که دو روز بعد مقام معظم رهبری در ابتدای نخستین جلسه درس خارج فقه پس از این واقعه اعلام کردند در جریان این تصمیم‌گیری از سوی سران سه قوه بوده‌اند و از آن حمایت می‌کنند.

ایشان بیان داشتند: اگر سران سه قوه تصمیم بگیرند، من حمایت می‌کنم. من این را گفتم، حمایت هم می‌کنم. سران قوا نشستند با پشتوانه کارشناسی یک تصمیمی برای کشور گرفتند، باید عمل بشود به آن تصمیم. بعضی از مردم از این تصمیم نگران یا ناراحت می‌شوند یا به ضرر ایشان است یا خیال می‌کنند به ضررشان است، به‌هرتقدیر ناراضی می‌شوند، لکن آتش زدن به فلان بانک، این کار مردم نیست، کار اشرار است. این را باید توجه داشت.

به موازات این موضع‌گیری شفاف رهبر انقلاب، تجمعات اعتراضی در شهرها فروکش کرد و دولت وعده داد که پس از اجرای طرح افزایش قیمت بنزین، نظارت و کنترل دقیق و شدیدی بر بازار و عرضه کالاها و خدمات به مردم خواهد داشت تا افزایش قیمتی پس از اجرای تصمیم اتفاق نیفتد.

دولت در اجرای برنامه خود برای پرداخت درآمد حاصل از افزایش قیمت بنزین به ۶۰ میلیون نفر از مردم کشور، تصمیم گرفت مبلغ یارانه نقدی مردم را در قالب کمک هزینه معیشتی افزایش دهد. در این طرح مبلغ پرداختی کمک‌هزینه معیشتی به خانوارهای یک نفره ۵۵ هزار تومان، دو نفره ۱۰۳ هزار تومان، سه نفره ۱۳۸ هزار تومان، چهار نفره ۱۷۲ هزار تومان و پنج نفره ۲۰۵ هزار تومان تعیین شد.

نخستین مرحله از کمک معیشتی دولت نیز ۲۷ آبان به‌حساب خانوارهای مشمول واریز شد ولی همچنان افراد زیادی به‌عدم دریافت این کمک معیشتی دولت اعتراض داشتند، تا این‌که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان متولی شناسایی مشمولان دریافت کمک معیشتی اعلام کرد به بررسی اطلاعات افراد برای برخورداری از کمک نقدی مذکور ادامه خواهد داد.

وزارت کار در مرحله نخست، اطلاعات سرپرستان خانواری را که در لیست یارانه‌بگیران نقدی قرار نداشتند اما متقاضی دریافت یارانه حمایتی بودند بررسی کرد.

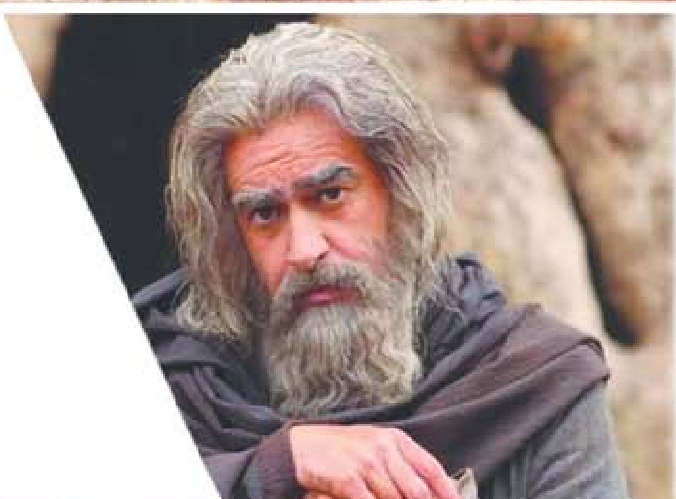
اطلاعات افرادی که یارانه نقدی دریافت می‌کردند اما مشمول کمک معیشتی نشده بودند نیز مورد بازنگری قرار گرفت و در نهایت بالغ بر ۲۰ میلیون نفر از افراد جامعه که عموما جز دهک های بالای درآمدی هستند، از دریافت این کمک معیشتی محروم شدند.











نگاهی به رویدادهای فرهنگی و هنری سال



منوچهر دین پرست

خوش و ناخوش ۹۸





درگذشت وزیر اعظم «سلطان و شبان»

اول فروردین: محمد مطیع، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون در سن ۷۵ سالگی در خانه خود در سوئد، به علت ایست قلبی درگذشت. مطیع ایفای نقش در مجموعه‌های تلویزیونی ماندگاری همچون «هزاردستان»، «سلطان و شبان»، «امیرکبیر» و «کوچک جنگلی» و فیلم‌های سینمایی «کلاغ»، «دایره مینا»، «بازداشتگاه»، «آوار»، «گردباد» و «روزهای انتظار» را در کارنامه حرفه‌ای خود داشت.

کشف جام نقره‌ای سه‌هزار ساله در خلخال

هفت فروردین: باستان‌شناسان در جریان تحقیقات و حفاری‌های خود در منطقه شال شهرستان خلخال موفق به کشف جام نقره‌ای با قدمت سه هزار سال شدند. این جام کشف‌شده مربوط به تمدن مانایی با قدمت بیش از سه‌هزار سال مربوط به عصر آهن سه، قابل مقایسه با جام نقره‌ای کشف شده در منطقه حسنلو شهرستان نقده استان آذربایجان غربی است.

درگذشت قدیمی‌ترین روزنامه‌فروش

چهارده فروردین: محمدابراهیم رنجبر امیری، قدیمی‌ترین روزنامه‌فروش ایران و جهان و رکوردار گینس، شامگاه ۱۴ فروردین ۹۸ در سن ۹۲سالگی در شهر کرج درگذشت. او که گفته می‌شد قدیمی‌ترین روزنامه‌فروش زنده جهان نیز هست، متولد سال ۱۳۰۷ شهرستان بابل بود و از سال ۱۳۱۶ کار روزنامه‌فروشی را در تهران آغاز کرد. رنجبر امیری یک روزنامه‌فروش ساده نبود، بلکه سینه‌اش صندوقچه‌ای از اسرار و بیش از هشتاد سال از عمر خود را در عرصه‌های مختلف مطبوعاتی و رسانه‌ای صرف کرده بود.



درگذشت رضا خوشنویس «هزار دستان»

سیزده فروردین: جمشید مشایخی، بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون در سن ۸۵ سالگی براثر کهولت سن و بیماری در بیمارستان عرفان درگذشت. او ۶ آذر ۱۳۱۳ در تهران متولد شده و دارای نشان درجه یک فرهنگ و هنر است. در سال ۱۳۳۶ به استخدام اداره تازه‌تأسیس هنرهای دراماتیک درآمد و در سال ۱۳۴۴ با فیلم «خشت و آینه» وارد سینما شد. در سال ۱۳۶۳، برای بازی در دو فیلم گل‌های داوودی و کمال‌الملک، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد جشنواره فیلم فجر شد. «سوته‌دلان»، «خانه عنکبوت»، «کمال‌الملک»، «گل‌های داوودی»، «آوار»، «پدربزرگ»، «طلسم»، «سرب»، «روز واقعه»، «خانه روی آب»، «یک بوس کوچولو»، «جرم» و «سیزده۵۹» از جمله فیلم‌های سینمایی است که مشایخی در آن‌ها ایفای نقش کرده بود. وی در دوران بازیگری خود در سریال‌های تلویزیونی چون «هزاردستان»، «داستان‌های مولوی»، «سلطان صاحبقران»، «امام علی(ع)»، «پهلوانان نمی‌میرند» و «ستایش» بازی کرده است.

درگذشت پیشگام هنر مدرن

اول اردیبهشت: زنده‌یاد منیر شاهرودی فرمانفرمائیان، هنرمند نقاش، اول اردیبهشت ماه درگذشت و در شهر قزوین به‌خاک سپرده شد. وی که متولد سال ۱۳۰۱ خورشیدی در قزوین بود، از پیشگامان هنر مدرن ایران و هنرمندی تأثیرگذار در عرصه هنرهای تجسمی به‌شمار می‌رفت.

پایان زندگی فیلسوف معاصر

اول اردیبهشت: دکتر محسن جهانگیری، چهره پیشکسوت فلسفه و استاد دانشگاه تهران که مدتی در بیمارستان سینای تهران بستری و در کما بود صبح روز یکشنبه، اول اردیبهشت‌ماه در سن ۹۰سالگی از دنیا رفت. وی که متولد سال ۱۳۰۸ در قزوین بود، در سال ۱۳۸۱ در دومین همایش چهره‌های ماندگار به‌عنوان چهره ماندگار در رشته فلسفه معرفی شده بود. از آثار او می‌توان به ترجمه شرح اصول فلسفه دکارت و تفکرات مابعدالطبیعی و اخلاق، بندیکت اسپینوزا اشاره کرد.



رونمایی از فیلمی کشف‌شده از «گاو»

چهارم اردیبهشت: نسخه پشت صحنه فیلم سینمایی «گاو» با حضور علی نصیریان و عزت‌الله رمضانی‌فر در پردیس سینمایی چارسو اکران شد. این نسخه پشت صحنه به‌دنبال بررسی‌هایی که در فیلمخانه ایران انجام شده بود کشف شد و پس از ترمیم در جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد. علی نصیریان درباره آن گفت: مهرجویی برای انتخاب بازیگر قبل از آغاز به‌کار، بازیگران را به روبه‌روی ساختمان وزارت ارشاد می‌برد و از آن‌ها می‌خواست راه بروند، بنشینند و به اطراف نگاه کنند که این حرکت‌ها در این نسخه مشهود بود. بعد از این تست بازیگران به روستایی در اطراف قزوین رفتند تا با محیط و شرایط کار در آنجا آشنا شوند. مهرجویی قبل از آغاز فیلمبرداری صحنه‌ها را اتود می‌زد و بازیگران در محیط روستا فعالیت می‌کردند. اما زمانی که می‌خواستیم برگردیم انتظامی آن‌جا ماند تا با روستاییان بیشتر آشنا شود و رفتار آن‌ها را برای بازی در فیلم بیاموزد. با چنین سختی‌هایی بود که او بازیگر شد و نقش مش حسن را ایفا کرد. جمشید مشایخی و فنی‌زاده بازی بسیار درخشانی در این فیلم داشتند اما بازی انتظامی نگذاشت آن‌ها خوب دیده شوند.

در این مراسم جذاب داریوش مهرجویی توضیحاتی ارائه کرد و حتی اشک شوقی هم ریخت.

«جوان روس» برنده سی‌وهفتمین جشنواره جهانی فیلم فجر

ششم اردیبهشت: برگزاری اولین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر به سال ۱۳۶۱ باز می‌گردد. از شخصیت‌هایی که در مقام داور با این جشنواره همکاری داشته‌اند، می‌توان به فولکر شلوندورف، کریشتف زانوسی، رابرت چارتف، سمیح کاپلان اوغلو، بروس برسفورد، پرسی ادلون، پل کاکس، شیام بنگال، بلا تار، یان تروئل، هلما سندرس برامس، الیا سلیمان، آنییژکا هولاند، آندری زویاجینتسف و رستم ابراهیم بکف اشاره کرد.

از آثار اولیه تأثیرگذار فیلمسازان مطرح که در این جشنواره از آن‌ها تقدیر شده می‌توان به مابوروزی ساخته هیروکازو کره ادا، قول ساخته برادران داردن، ابرهای بهاری ساخته نوری بیلگه جیلان، ۲۳ ساخته هانس کریستین اشمید، منابع انسانی ساخته لوران کانته، ناپولا ساخته دنیس گانسل، بازگشت ساخته آندری زویاجینتسف و زندگی دیگران ساخته فلوریان هنکل فون دونرسمارک اشاره کرد.

سی و هفتمین دوره جشنواره، به دبیری رضا میرکریمی از بیست و نهم فروردین ماه تا ششم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ در شهر تهران برگزار شد و در این دوره جایزه بهترین فیلم به فیلم جوان روس به کارگردانی الکساندر زولوتوخین از روسیه رسید.

اعطای نشان به هفت اثر صنایع دستی ایران

هشتم اردیبهشت: هفت نشان جغرافیایی ثبت بین‌المللی‌شده از طریق نظام لیسبون با همکاری مرکز مالکیت معنوی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، معاونت صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو) طی مراسمی به صاحبان این صنایع اعطا شد. در این مراسم که به مناسبت ۲۶ آوریل، روز جهانی مالکیت معنوی برگزار شد، هفت رشته و اثر شامل مینای اصفهان، ورنی مغان، آبگینه تهران، گلیم هرسین، منبت آباده، زیلوی میبد و نازک‌کاری چوب سنندج در حوزه بین‌المللی موفق به اخذ نشان جغرافیایی شدند.

رونمایی از سردیس جمشید مشایخی

سیزده اردیبهشت: از سردیس جمشید مشایخی و پلاک خیابان به‌نام وی برای تغییر اسم خیابان «ج» در منطقه یک تهران (در ابتدای خیابان مقدس اردبیلی) با حضور پیروز حناچی شهردار تهران و تعدادی از هنرمندان رونمایی شد.



تجلیل از ژاله علو

پانزدهم اردیبهشت: در اختتامیه شانزدهمین هفته بزرگداشت تئاتر، تجلیل از محمدعلی کشاورز و علی نصیریان و ژاله علو بازیگر پیشکسوت تئاتر و سینما برگزار شد. ژاله علو در این مراسم گفت: با تمام وجودم از همه مردمی که با من بودند و به من انرژی دادند، سپاس‌گزارم. ان‌شاءالله باز هم خداوند نیرو دهد تا درخدمت شما در هرکجای جامعه هنری باشم. البته با عرض معذرت تئاتر را دیگر نمی‌توانم اما در سینما، رادیو و دوبله همیشه هستم و به یاد مردم خوب کشورم خواهم بود و امروز خستگی سال‌هایم را از تن به‌در کردم.

درگذشت خواننده پاپ

بیست و پنج اردیبهشت: بهنام صفوی، خواننده پاپ، از سال ۱۳۹۲ دچار ضایعه مغزی شده بود که با پیشرفت این بیماری در صبح ۲۹ تیر ماه ۱۳۹۴ مجبور به عمل جراحی شد. حال بهنام صفوی بعد از عمل در ایران بهتر شده بود و حتی آلبوم جدید خودش به«معجزه» را هم منتشر کرد ولی در سال ۱۳۹۶ دوباره بیماری‌اش تشدید شد. این دفعه برای درمان به آلمان سفر کرد و توسط مجید سمیعی در بیمارستان هانوفر تحت عمل جراحی قرار گرفت. صفوی پس از بهبودی شرایط جسمی به ایران بازگشت، اما دی ماه ۱۳۹۷ بار دیگر علائم بیماری در وی پدیدار و در بیمارستان بستری شد و این‌بار نتوانست در مقابل بیماری تاب بیاورد. پیکر او چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت در شاهین‌شهر اصفهان به خاک سپرده شد.



«پارازیت» در کن

پنج خرداد: در هفتاد ودومین جشنواره فیلم کن، فیلم «پارازیت» ساخته «بونگ جون-هو» از کره جنوبی برنده نخل طلا و فیلمی با موضوع فلسطین نیز شایسته تقدیر شناخته شد. «متی دیوپ» کارگردان فرانسوی-سنگالی که در اولین تجربه کارگردانی فیلم بلند خود، با فیلم «آتلانتیک» به‌عنوان اولین زن سیاهپوست نامزد دریافت جایزه نخل طلایی شده بود، موفق شد جایزه بزرگ هیأت داوران را کسب کند. فیلم «احمد جوان» به کارگردانی برادران داردن (ژان-پیر و لوک) جایزه بهترین کارگردانی و دو فیلم «بینوایان» و «باکورو» به کارگردانی «لاج لی» و «کلبر مندونسا و جولیانو دورنل» به‌صورت مشترک جایزه ویژه هیأت داوران را دریافت کردند. «آنتونیو باندراس» بازیگر اسپانیایی به‌خاطر بازی در فیلم «درد و شکوه» ساخته «پدرو آلمودووار» و «امیلی بیچام» بازیگر انگلیسی به‌خاطر بازی در فیلم «جو کوچک» به کارگردانی «جسیکا هوسنر» به‌ترتیب بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن شناخته شدند. جایزه بهترین فیلمنامه نیز به «سلین سیاما» برای فیلمنامه فیلم «پرتره بانو در آتش» به کارگردانی سیاما تقدیم شد. فیلم «بهشت باید همین باشد» به کارگردانی «الیاس سلیمان» که شایسته تقدیر شناخته شد، درباره مردی است که در جستجوی هویتی تازه به شهرهای مختلف جهان سفر می‌کند اما همه جا ارجاعی به‌وطنش فلسطین می‌بیند.

درگذشت دوبلور

ششم خرداد: پرویز بهرام، صدای ماندگار دوبلاژ ایران، پس از یک دوره بیماری درگذشت. وی ۴ مرداد ۱۳۱۲ در تهران متولد شد و کار در عرصه دوبله را از سال ۱۳۲۸ با فیلم ایتالیایی «هنرپیشه» شروع کرد. بی‌گمان از ماندگارترین صداهای او گویندگی مستند «جاده ابریشم» و یکی از شخصیت‌های «کارآگاه کاستر» است. در کارنامه کاری بهرام، گویندگی به‌جای شخصیت‌هایی چون کرک داگلاس (اولیس ساخته ماریو کامرینی)، سرگئی بوندارچک (اتللو ساخته سرگئی یوتکویچ)، لورنس اولیویه (هنری هشتم، اتللو)، آنتونی هاپکینز (تله تئاتر اتللو)، جیمز میسون (آنتونی کلوپاترا، ژولیوس سزار ساخته جوزف ال منکیه ویچ، مادام بوواری ساخته وینسنت مینه لی)، اورسون ولز (مرد سوم)، هربرت لوم (جنگ و صلح ساخته کینگ ویدور)، جیسون روباردز (فیلادلفیا جاناتان دمی)، ریشار ژوردان (سریال بی نوایان به نقش ژان والژان) و ناصر ملک مطیعی (سریال سلطان صاحبقران علی حاتمی) به نقش امیرکبیر به چشم می‌خورد.

مرگ سازنده مجسمه‌های پارک جمشیدیه

شش تیر: ناصر هوشمند وزیری، هنرمند پیشکسوت مجسمه‌ساز، بر اثر ایست قلبی دارفانی را وداع گفت. پیکر وی که خالق مجسمه‌های سنگی (فردوسی، رستم و سهراب) پارک جمشیدیه، برخی مجسمه‌های موزه نظامی و مردم‌شناسی سعدآباد و همچنین مؤسس نخستین باغ‌موزه خصوصی ایران است، با حضور اهل هنر از خانه هنرمندان به سمت آرامستان فاطمیه واقع در لواسان تشییع شد. وزیری عضو هیأت موسس انجمن مجسمه‌سازان ایران و دارای مدرک درجه یک هنری (معادل دکتری) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.



ایران‌شناس فرانسوی عضو افتخاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نه تیر: آیین بزرگداشت و اعطای عضویت افتخاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی به پروفسور شارل آنری دو فوشه‌کور برگزار شد. دو فوشه‌کور شاگرد هانری کُربَن و ژیلبر لازار است که به بالاترین درجات علمی و دانشگاهی در مطالعات ایران دست یافته‌اند. او که رساله دکتری دوره سوم دانشگاهی را درباره «توصیف طبیعت در شعر فارسی قرن پنجم هجری» و رساله دکتری دولتی خود را در زمینه «اخلاقیات در ادبیات فارسی تا پایان قرن هفتم هجری» نوشته، متخصص زبان و ادبیات فارسی و استاد ممتاز و بازنشسته دانشگاه پاریس و مدت‌ها نیز استاد زبان و ادبیات فارسی در انستیتو زبان‌های شرقی پاریس (اینالکو) بوده است. دو فوشه‌کور از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ رئیس انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران بود و در سال ۱۹۷۸ مجله سالانه کتابشناسی را بنا نهاد. ترجمه کامل دیوان حافظ به زبان فرانسه در مدت ۱۶ سال و ترجمه مقالات شمس تبریزی به مدت شش سال از دیگر آثار استاد دو فوشه‌کور است.

ثبت جنگل‌های هیرکانی در فهرست میراث جهانی

چهارده تیر: جنگل‌های هیرکانی، دومین اثر بزرگ طبیعی در چهل‌وسومین اجلاس کمیته میراث جهانی در باکو با اکثریت آرا در فهرست میراث جهانی قرار گرفت. جنگل‌های هیرکانی با ۱.۹ میلیون هکتار وسعت، از آستارا در شمال استان گیلان تا گُلی‌داغ در شرق استان گلستان، در گستره‌ای به طول تقریبی ۸۰۰ کیلومتر و عرض ۲۰ تا ۷۰ کیلومتر پراکنش دارد و در حال حاضر زیست بوم ۲۹۶ گونه پرنده و ۹۸ گونه پستاندار است. همچنین ۱۵۰ گیاه بومی درختی و بوته‌ای (مانند شمشاد و انجیلی) درآن یافت می‌شود.

راه‌اندازی موزه علی‌اکبر صالحی

بیست و چهار تیر: موزه علی‌اکبر صالحی به‌نام موزه ملت با حضور معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی کشور در قزوین ثبت شد. این موزه در شبستان حیاط شترخان واقع در سرای تاریخی سعدالسلطنه قزوین قرار دارد و درآن مجموعه‌ای از هدایای دکتر صالحی که در زمان تصدی وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی از سوی سران ۱۵۰ کشور آسیایی، اروپایی، آمریکایی و آفریقایی به وی اهدا شده، به نمایش گذاشته شده است. همچنین رئیس سازمان انرژی اتمی دوهزار جلد از کتاب‌های خود را برای نگهداری به این موزه اهدا کرده است.

پلاک‌کوبی منزل استادِ خط شکسته ایران

بیست و شش تیر: آیین پلاک‌کوبی منزل و اقامتگاه استاد یدالله کابلی در محل سکونت این استاد خوشنویس در منطقه دو تهران با حضور حجت‌الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو- ایران، رسول کشت‌پور شهردار منطقه دو و جمعی از اهالی فرهنگ و هنر، خوشنویسان و اهالی منطقه برگزار شد. کابلی در این مراسم گفت: ۳۰ سال است در این منطقه سکونت دارم و امیدوارم قلم به دست در راستای احیای هنر خوشنویسی قدم بردارم.

آتش در میدان حسن آباد

بیست و شش تیر: بخشی از ساختمان‌های ضلع شمال‌غربی میدان حسن‌آباد درحالی درنتیجه آتش‌گرفتگی کارگاه ابزارآلات و یراق در آتش سوخت که دوسال پیش نیز چنین حادثه‌ای در ضلع جنوبی آن در انبار نخ کاموا رخ داده بود.

میدان حسن‌آباد با چهار ساختمان و هشت گنبد به گونه منحنی‌شکل و قرینه ساخته شده است و ساختمان‌ها گرداگرد چهارگوشه میدان را در برگرفته‌اند. قدمت آن به دوره قاجار می‌رسد و گفته شده بناهای این مجموعه تنها بناهایی به‌شمار می‌روند که به سبک رنسانس ایتالیا (نوزایی) در ایران ساخته شده‌اند.

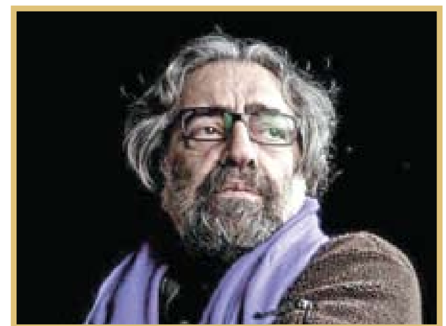


مرمت تابلوی نقاشی سهراب سپهری

سی تیر: مسئول بخش تزئینات معماری و آثار نقاشی پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار فرهنگی-تاریخی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری از حفاظت و مرمت نقاشی سهراب سپهری و ۱۳ تابلو نقاشی از نقاشی‌های معاصر خبر داد. فتح‌الله نیازی گفت: تابلوهای یادشده آثاری از هنرمندان بزرگ معاصر ایران همچون سهراب سپهری، ایران درودی، مسعود عربشاهی، سیما حیاتی، حسین محجوبی، سیمین لاله زار و نقاشی‌های کلاسیک پنری ویلیامز است که با توجه به قرارداد بین پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و بانک تجارت به‌دلیل تعلق آثار به موزه این بانک، مرمت می‌شوند.

تجلیل از نصیریان در جشنواره فیلم شهر

سی و یک تیر: در هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم شهر، تندیس بهترین فیلمنامه به هومن سیدی برای «مغزهای کوچک زنگ‌زده» و تندیس بهترین بازیگر نقش زن به ژاله صامتی برای بازی در فیلم «در وجه حامل» رسید. همچنین تندیس بهترین بازیگر مرد به نوید محمدزاده برای بازی در «مغزهای کوچک زنگ‌زده» تعلق گرفت. در این مراسم از علی نصیریان، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون، تجلیل شد و احمد مسجدجامعی، عضو شورای اسلامی شهر، درباره ایشان گفت: نصیریان در مراسمی برنده جایزه اخلاق شده بود، وقتی به او خبر دادم گفت که من خوش اخلاق نیستم اما او اخلاق کاری، تعهد و وقت‌شناسی را در کارش با جدیت دنبال می‌کند. لازم به ذکر است در این مراسم پیروز حناچی، شهردار تهران از مسعود رایگان و رؤیا تیموریان، زوج هنرمند سینمای ایران تجلیل کرد.



تغییر پایان «گوزن‌ها» به دست ساواک

اول مرداد: کارگردان فیلم سینمایی «گوزن‌ها» درباره پایان‌بندی این فیلم گفته است که بعد از نمایش «گوزن‌ها» در سومین دوره جشنواره جهانی فیلم تهران، به‌دستور ساواک پایان‌بندی آن کاملاً تغییر کرد و «گوزن‌ها» با پایان تغییریافته به نمایش عمومی درآمد اما پس از انقلاب پایان اصلی نسخه اولیه جایگزینش شد. فیلم «گوزن‌ها» در نظرخواهی اخیر ماهنامه «فیلم» از ۱۴۰ منتقد و نویسنده سینمایی، به‌عنوان بهترین فیلم تاریخ سینمای ایران انتخاب شد.

متری شش‌ونیم در جشنواره فیلم ونیز

سوم مرداد: فیلم متری شش‌ونیم از ایران برای نمایش در بخش رقابتی افق‌ها در هفتادوششمین دوره جشنواره فیلم ونیز برگزیده شد. جشنواره فیلم ونیز، قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی و یکی از سه جشنواره مهم اروپایی در کنار جشنواره فیلم کن فرانسه و برلین آلمان است.

جدایی نادر از سیمین در بین ۱۰۰ فیلم برتر

پنجم مرداد: پایگاه اطلاع‌رسانی «ایندی وایر» که یک پایگاه سینمایی آمریکایی است، یک‌صد فیلم مطرح دهه اخیر را فهرست کرده است و در این فهرست فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی، رتبه چهل‌وپنجم و لیلا حاتمی و پیمان معادی نیز رتبه‌های سی‌وشش و سی‌وهفت را در میان ۵۰ هنرپیشه تأثیرگذار دارند.

درگذشت آهی

هفتم مرداد: حسین آهی، شاعر، پژوهشگر و گوینده، متولد آذر سال ۱۳۳۲ بود که بر اثر سرطان غدد لنفاوی از دنیا رفت. او مدتی به‌دلیل بیماری بستری بود و شامگاه دوشنبه، هفتم مردادماه در منزل درگذشت. «تماشاگه راز» از رادیو فرهنگ شامل خوانش جدیدی از غزلیات حافظ، ازجمله برنامه‌های پرطرفدار زنده‌یاد حسین آهی بود. پیکر این شاعر، ترانه‌سرا و گوینده رادیو با بدرقه باشکوهی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) آرام گرفت.



افتتاح موزه کودکی

دوازده مرداد: موزه کودکی ایرانک با حضور شماری از فعالان حوزه کودک و قصه‌گویان در ساختمان گنجینه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران افتتاح شد. این نمایشگاه- موزه یک‌ساله برای دوستداران فرهنگ کودکی راه‌اندازی شده تا ضمن آشنایی با جلوه‌های گوناگون تاریخ و فرهنگ کودکی ایران با اهمیت و ضرورت وجود موزه همیشگی و پایدار برای کودکان ایران آشنا شده و از این طرح پشتیبانی کنند.

تقدیر از سعید پورصمیمی

بیست و چهار مرداد: هجدهمین جشن سالیانه انجمن منتقدان، نویسندگان، پژوهشگران خانه تئاتر با معرفی برگزیدگان و تقدیر از دو چهره هنری و رسانه‌ای برگزار شد. در این مراسم، نخستین نشان مسئولیت اجتماعی به اسماعیل فیروزی برای کارگردانی نمایش «الیور تویست» و دومین نشان مسئولیت اجتماعی به دکتر میرکمال میرنصیری کارگردان نمایش رستم رسید. در این مراسم با پخش کلیپی از سخنان اهالی سینما و تئاتر، از سعید پورصمیمی تقدیر شد.

تندیس عزت سینما

بیست و شش مرداد: هنرمندان و مدیران شهری پایتخت در نخستین سالروز درگذشت آقای بازیگر ایران سنگ‌تمام گذاشتند و مراسم رونمایی از سردیس و تابلو استاد عزت الله انتظامی به همراه آیین گرامیداشت وی را با شور و حالی خاص برگزار کردند. استاد انتظامی، زاده ۳۱ خرداد ۱۳۰۳ در محله سنگلج تهران، بازیگر و کارگردان تئاتر، سینما و تلویزیون و از چهره‌های ماندگار ایران مشهور به «آقای بازیگر» بود که ۲۶ مرداد سال ۹۷ درگذشت.

از سردیس و پلاک نام وی در خیابانی در شمال شهر تهران با حضور مسئولان شهری و مجید انتظامی فرزند استاد انتظامی رونمایی شد. خیابان استاد انتظامی در منطقه یک شهرداری پایتخت، خیابان پورابتهاج، شهید سباری، نبش موحد دانش قرار دارد.



«در جستجوی فریده» نماینده ایران در اسکار

بیست و هفت مرداد: فیلم مستند «در جستجوی فریده» به کارگردانی آزاده موسوی و کوروش عطایی به‌عنوان نماینده سینمای ایران برای معرفی به اسکار ۲۰۲۰ انتخاب شد. این فیلم درباره زنی به‌نام فریده است که چهل سال پیش در حرم امام رضا رها شده و پس از انتقال به شیرخوارگاه توسط زوجی هلندی به فرزندی گرفته شده و به هلند برده می‌شود. فریده که در طول این سال‌ها به خاطر ترس از سفر به ایران و تمایل نداشتن خانواده‌اش به وطن بازنگشته، چند سالی است از راه دور جست‌وجویی را برای پیدا کردن خانواده واقعی‌اش شروع کرده و حالا برای اولین بار به ایران سفر می‌کند تا زادگاهش را ببیند و با سه خانواده که مدعی‌اند خانواده واقعی او هستند، ملاقات کند. این برای نخستین بار بود که در تاریخ سینمای ایران یک فیلم مستند به‌عنوان نماینده سینمای ایران معرفی‌شد و هیچ فیلم سینمایی شایسته معرفی تشخیص داده نشد. اگرچه این مستند در نهایت در اسکار هیچ مقامی به دست نیاورد.

درگذشت داریوش اسدزاده

سوم شهریور: داریوش اسدزاده، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون در سن ۹۶ سالگی در منزل خود دارفانی را وداع گفت. وی اواسط تیرماه به دلیل ناراحتی تنفسی و تنگی نفس در بیمارستان بستری شده بود. داریوش اسدزاده بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون یکم آذرماه ۱۳۰۲ در کرمانشاه متولد شد، در ۲۰سالگی پا به‌عرصه بازیگری گذاشت و سال‌ها در مقام بازیگر، نویسنده و کارگردان در تئاتر تهران (نصر) فعالیت و در بیش از ۵۰ فیلم سینمایی تا دهه ۵۰ ایفای نقش کرد. اسدزاده پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران را ترک کرد، در سال ۱۳۶۵ پس از ۱۰سال اقامت در آمریکا به ایران بازگشت و در دو سریال سمندون و خانه سبز بازی کرد، همچنین در فیلم‌های سینمایی دو نیمه سیب، همسر، قلاده‌های طلا، یتیم‌خانه ایران، زمان ازدست‌رفته و بوی کافور عطر یاس بازی کرده است. آخرین فیلم او حکایت دریا به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا بود.

جشن خانه سینما

هشت شهریور: در بیست‌ویکمین جشن خانه سینمای ایران، تندیس بهترین فیلمنامه به محسن امیریوسفی برای فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» اهدا شد. امیریوسفی گفت: این تندیس جشن خانه سینما ارزشش از شش‌تندیس جشنواره فجر بیشتر است. خوشحالم که بعد از شش‌سال، مشکل فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» حل شد. برای کسانی که شش‌سال جلوی اکران این فیلم را گرفتند دست بزنید تا صدایش به گوش آن‌ها برسد.



میراث باستان‌شناسی اسپانیا در تهران

سی شهریور: نمایشگاه میراث باستان‌شناسی اسپانیا گزیده از موزه باستان‌شناسی الیکانته با حضور وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و سفیر اسپانیا، در موزه ملی ایران گشایش یافت و آثار باستان‌شناسی اسپانیا در آن مورد بازدید عموم قرار گرفت. قدیمی‌ترین اثر به‌نمایش‌درآمده در این نمایشگاه «تبر دستی سنگین» متعلق به دوره پارینه سنگی قدیم است که در نزدیکی مادرید کشف شده و قدمت آن متعلق به ۳۵۰ هزار سال قبل است.



بازگشت الواح هخامنشی بعد از ۸۰ سال به ایران

هشتم مهر: یک‌هزار و ۷۸۳ گل‌نبشته هخامنشی که روز هشتم مهر بعد از بیش از ۸۰ سال به کشور بازگشتند، با حضور وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در محل موزه ملی رونمایی شدند. این الواح تاریخی که بخشی از آثار به امانت داده‌شده در موسسه شیکاگو آمریکا هستند، در تالار هخامنشی موزه ملی ایران به‌نمایش درآمدند. الواح هخامنشی شامل بیش از ۳۰ هزار لوح بود که در سال ۱۳۱۴ براساس مصوبه دولت از طریق کشتی به موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو فرستاده شد و سال ۱۳۱۶ به آنجا رسید. بر آن اساس قرار بود در مدت سه‌سال بررسی‌های کارشناسی و مطالعات روی این الواح انجام و به ایران برگردانده شود، چندسال نخست این اقدام انجام نگرفت اما با پیگیری‌ها، بخشی از الواح در سال ۱۳۲۷، بخشی در سال ۱۳۵۰ و بخشی دیگر از آن‌ها در سال ۱۳۸۳ به ایران برگردانده شد.

در انفجاری که در سال ۱۹۹۷ میلادی در بیت‌المقدس رخ داد چند یهودی به بهانه جبران خسارت و ارتباط واهی ایران با این انفجار درخواست توقیف الواح را کردند و درنهایت با رأی دادگاه این الواح توقیف شد. در جلسات دادگاهی که در این زمینه برگزار شد، نمایندگان ایران ثابت کردند الواح جنبه تجاری ندارند و آثاری با جنبه فرهنگی و مطالعاتی بوده و قابل توقیف نیستند. در طول چندسال گذشته و به‌دنبال برگزاری دادگاه برای تعیین سرنوشت این الواح پژوهشی و تاریخی، وکلای مرکز شرق‌شناسی شیکاگو نیز اعلام کردند که الواح هخامنشی تجاری نیستند و دادگاه نباید آن‌ها را توقیف می‌کرد.



نشان عالی «هنر برای صلح» برای لوریس چکناواریان

دوازده مهر: در هفتمین جشنواره بین‌المللی «هنر برای صلح» نشان عالی «هنر برای صلح» سال ۱۳۹۸ به لوریس چکناواریان به پاس نیم قرن تلاش برای موسیقی، امیر نادری، سینماگر پیشکسوت، برای روایتگری عاشقانه در سینما و محمد رضا شفیعی کدکنی برای بیش از نیم قرن تلاش در اعتلای فرهنگ و ادب پارسی اهدا شد.



بدرقه بزرگمرد موسیقی ایران

بیست و سه مهر: حسین دهلوی، اسطوره موسیقی ایران، صبح سه‌شنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۸ پس از مدت‌ها بیماری و ابتلا به آلزایمر در سن ۹۲سالگی آخرین نت موسیقی زندگی پرافتخار خود را نواخت. وی از نوآوران در موسیقی ایرانی بود؛ چه در خلق آثاری ماندگار و نوآور در موسیقی سنتی، چه در پیوند اپرا قصه‌های ایرانی و چه در تربیت شاگردانی برجسته در موسیقی معاصر ایران.

تدوین متد تمبک به وسیله او و جمعی دیگر از جمله حسین تهرانی، مصطفی پورتراب، فرهاد فخرالدینی و هوشنگ ظریف برای بهبود جایگاه تمبک در موسیقی ایرانی و آسان‌سازی آموزش این ساز، توجه به ساخت سنتور کروماتیک برای جبران مشکل کوک این ساز برای استفاده در ارکستر از جمله کارهای او هستند. خالق تصنیف اپرای مانا و مانی، در زمینه موسیقی فیلم هم فعالیت کرده و در تیتراژ فیلم‌ها از او به‌نام مستعار «فریبا» یاد شده‌است. دهلوی برای چند فیلم مستند از ابراهیم گلستان مانند یک آتش (چشم‌اندازها)، موج و مرجان و خارا و گنجینه‌های گوهر و همچنین فیلم هفده‌روز به اعدام اثر هوشنگ کاووسی موسیقی نوشته است.

پیوند شعر و موسیقی آوازی از بارزترین آثار اوست که حاصل بیش از ۴۰ سال تجربه وی در تلفیق موسیقی با شعر است. آخرین کوشش دهلوی در زمینه کارهای جمعی موسیقی ملی، پایه‌گذاری ارکستر مضرابی است که با همکاری ۶۶ نفر از نوازندگان سازهای مضرابی ایرانی تشکیل شد و در سال ۱۳۷۲ روی صحنه رفت.

افتتاح خانه موزه فرخی یزدی

بیست و چهار مهر: خانه موزه فرخی یزدی در آستانه هشتادمین سال درگذشت او با حضور جمعی از مسئولان در محل شاهزاده فاضل یزد افتتاح شد. میرزا محمد، متخلص به فرخی فرزند محمدابراهیم سمسار یزدی در آغازین روزهای مشروطیت و پیدایش حزب دموکرات در ایران، از دموکرات‌های جدی و در شمار آزادیخواهان شهر یزد قرار گرفت. در نوروز ۱۲۸۸ مسمطی ساخت و آن را خطاب به حاکم یزد در مجمع آزادی‌خواهان خواند و موجب خشم حاکم شد؛ تا جایی که دستور داد دهان فرخی را با نخ و سوزن بدوزند و به زندان بیفکنند.

سهم کرمانی‌ها در ویرایش اوستا

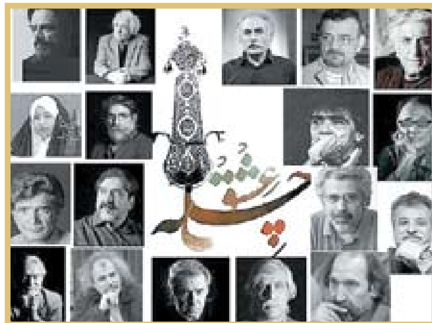
بیست و پنج مهر: پروفسور دکتر آبرتو کانترا، متخصص زبان اوستایی از دانشگاه برلین آلمان گفته است: بسیاری از نسخه‌های دست‌نویس اوستایی توسط زرتشتیان کرمان کتابت شده و یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کاتبان نسخه‌های اوستایی و پهلوی خانواده مرزبان کرمانی بوده‌اند.

این نسخه‌ها تأثیر زیادی بر روند مطالعات اوستایی معاصر داشته‌اند، زیرا ایران‌شناسان قبلی، عموماً بر اساس نسخه‌هایی پژوهش موارد را انجام داده بودند که در هند توسط پارسیان کتابت شده بود.

وی ضمن نقد دیدگاه‌های اوستاشناسان قبل چون وسترگارد و هوفمان و گلدنر درباره پروژه خود روی نسخه‌های اوستایی و معرفی سامانه‌ای که در دانشگاه برلین به‌همین منظور اختصاص داده شده است، گفت: حدود ۱۰۰ نسخه اوستایی را در ایران دیده‌ام که متخصصان قبلی ندیده بودند و تفاوتی که این نسخه‌ها با نسخه‌های هندی دارند در این است که این نسخه‌ها صرفاً آئینی هستند و برای برگزاری مراسمی چون یسنا، وندیداد و ویسپرد مورداستفاده قرار می‌گیرند.

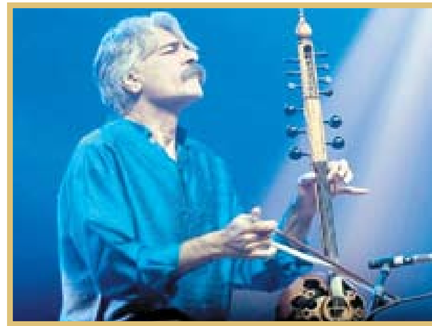
سرانه مطالعه ۱۳ و مصرف اینترنت ۱۶۹ دقیقه

بیست و هشت مهر: سیدعباس صالحی در مراسم افتتاح هفدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تبریز اعلام کرد: هم‌اکنون میانگین مستمر مطالعه در کشور حدود ۱۳ دقیقه است، در حالی که میانگین مصرف اینترنت ۱۶۹ دقیقه و مشاهده تلویزیون ۷۲ دقیقه است.



تجلیل از شجریان و تقوایی در چله عشق

بیست و نه مهر: خالقان ۴۰ اثر و سند ماندگار عاشورایی در پنج بخش با حضور جمعی از مسئولان فرهنگی و هنری در مراسمی با عنوان «چله‌عشق» در کتابخانه ملی تجلیل شدند. در بخش هنرهای تجسمی، محمود فرشچیان، محمدباقر آقامیری، حسین قوللر آغاسی، غلامحسین امیرخانی، علی شیرازی و جلیل رسولی تجلیل شدند. از علیرضا شجاع‌نوری، رضا کیانیان، فرامرز قریبیان، علیرضا رئیسیان، ناصر تقوایی، سید داود میرباقری، بهرام بیضایی، احمدرضا درویش، مهدی فخیم‌زاده، عباس کیارستمی، علی رفیعی، بهروز غریب‌پور و محمد رحمانیان در بخش هنرهای دراماتیک این آیین ملی تقدیر شد. در بخش ادبیات از علی موسوی گرمارودی، سید مهدی شجاعی، قیصر امین‌پور، ابوالقاسم حسینجانی، قادر طهماسبی و سید حسن حسینی قدردانی شد. همچنین محمدرضا شجریان، حسین علیزاده، لوریس چکناواریان، مجید انتظامی، صدیقه بحرانی، تورج زاهدی، فردین خلعتبری و حسام‌الدین سراج در بخش موسیقی مورد تجلیل و تقدیر قرار گرفتند. در حوزه تألیف و پژوهش نیز از سید جعفر شهیدی، سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، شیخ عباس قمی، محمد ابراهیم آیتی، رسول جعفریان، محمد اسفندیاری و علی شریعتی قدردانی شد.



کمانچه‌نواز ایرانی، هنرمند برتر سال ۲۰۱۹

پنجم آبان: کیهان کلهر، نوازنده کمانچه، جایزه هنرمند برگزیده فستیوال جهانی موسیقی «وومکس – ۲۰۱۹» را در کشور فنلاند دریافت کرد. سامانه اینترنتی این فستیوال در توضیح دلایل اهدای جایزه به کیهان کلهر که پس از معرفی، جایزه خود را به محمدرضا شجریان تقدیم کرد، نوشته است: «برای کیهان کلهر، کمانچه صدای اوست. هنگامی که می‌نوازد انگار زبانی کامل ایجاد می‌کند که با سراسر مردم دنیا از گذشته دور تا آینده ارتباط برقرار می‌کند. کیهان کلهر در طول زندگی حرفه‌ای خود با بهترین نوازندگان تمام نقاط ایران همکاری و موسیقی اقوام کردستان، خراسان و سایر شهرها را موردمطالعه قرار داده است. کیهان کلهر با موزیسین‌های سایر فرهنگ‌ها نیز به‌وسیله زبان موسیقی گفتگو کرده که از آن جمله می‌توان به شجاعت حسین خان از هند، یویوما و گروه بین المللی جاده ابریشم، اردال ارزنجان از ترکیه، تریو رامبرانت از کشور هلند، تومانی دیاباته از مالی، گروه بروکلین رایدر و کوارتت کرونوس اشاره کرد. او به همه این صداها اجازه می‌دهد تا صدای او را فراگیر کنند.»



شهاب حسینی، شمس تبریزی شد

هفت آبان: گروه سازنده فیلم «مست عشق» تصویری از بازیگر نقش شمس تبریزی را در این فیلم منتشر کرد. شهاب حسینی در نقش شمس تبریزی، پارسا پیروزفر در نقش مولانا، حسام منظور در نقش حسام‌الدین چلبی، همنشین و شاگرد مولانا، هانده ارچل در نقش کیمیا خاتون، بنسو سورال در نقش مریم، وراک توزکوپاران در نقش سلطان ولد فرزند بزرگ مولانا و بوران کوزوم در نقش علاءالدین پسر سخت‌گیر، زودرنج و بلندپرواز مولانا از جمله بازیگران این فیلم هستند. تولید این فیلم به کارگردانی حسن فتحی همچنان در خارج از ایران در حال انجام است.

درگذشت مظاهر مصفا

هشت آبان: مَظاهر مصفا، استاد دانشگاه، مصحح متون و شاعر برجسته معاصر ایران بود. او که سال‌های زیادی به‌عنوان استاد تمام رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به‌خدمت مشغول بود، در سال ۱۳۸۴ به دستور ریاست دانشگاه کنار گذاشته شد و پس از آن مدتی استاد تمام وقت دوره‌های دکترای دانشگاه آزاد اسلامی بود. مظاهر مصفا یکی از قصیده‌سرایان شاخص ایرانی به‌شمار می‌رفت و تاکنون چند مجموعه شعر از او به‌چاپ رسیده که از آن جمله است: ده فریاد، سی‌سخن، پاسداران سخن، توفان خشم، سپیدنامه و سی‌پاره. همچنین تصحیحات او بر دیوان ابوتراب فرقتی کاشانی، مجمع‌الفصحا رضا قلی‌خان هدایت، مزاری قهستانی، سنایی، سعدی، جوامع الحکایات عوفی از آثار ممتاز و ماندگار ادب فارسی به شمار می‌رود. مظاهر مصفا در زادگاهش تفرش به خاک سپرده شد.

درگذشت ابراهیم آبادی

نه آبان: ابراهیم‌آبادی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون ایران بود. این هنرمند ابتدا در رشته هنر زیر نظر استادانی همچون علی‌اصغر گرمسیری به تحصیل پرداخت و بعد به شهر پراگ رفت و مدرک تحصیلی کارگردانی تئاتر را گرفت. این بازیگر در تمام سال‌های فعالیت حرفه‌ای خود علاوه بر فعالیت در تئاتر، در فیلم‌ها و سریال‌های زیادی بازی کرد که از آن جمله به فیلم‌های «بوی کافور عطر یاس»، «توکیو بدون توقف» و «صد سال به این سال‌ها» می‌توان اشاره کرد. سریال‌های«مختارنامه»، «پاورچین»، «شب دهم» و «معصومیت از دست رفته» از جمله آثار شناخته شده وی در تلویزیون هستند. او از ۱۹ مهر به‌علت بیماری شش در بیمارستانی در تهران در کما به سر می‌بُرد و سرانجام ساعت ۱۷ روز ۹ آبان ۱۳۹۸ درگذشت.



سینمای ایران در جشنواره «پرتقال طلایی»

یازده آبان: رضا میرکریمی و حامد بهداد به‌ترتیب جایزه بهترین کارگردان و بازیگر مرد بخش بین‌المللی پنجاه و ششمین جشنواره پرتقال طلایی در آنتالیای ترکیه را دریافت کردند. رضا میرکریمی بابت ساخت «قصر شیرین» و حامد بهداد بابت ایفای نقش اول این فیلم بهترین بازیگر مرد شناخته شدند.

قصرشیرین فیلمی به کارگردانی و تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی و به نویسندگی محسن قرایی و محمد داوودی ساخته سال ۱۳۹۷ است. این فیلم برای نخستین بار در سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم فجر اکران شد و با نامزدی در هشت رشته، برنده دو سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه و بهترین موسیقی متن شد. اما درخشش اصلی فیلم در بیست و دومین جشنواره فیلم شانگهای رقم خورد که فیلم با حضور در بخش مسابقه اصلی، برنده سه جام طلایی بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین بازیگر مرد از این فستیوال شد. این فیلم علاوه بر تحسین مخاطبان در جشنواره فیلم فجر، به عنوان فیلم محبوب منتقدان در مجله فیلم انتخاب شده‌است.



رونمایی از «گیتا» محمدعلی موحد

سیزده آبان: محمدعلی موحد ادیب، حقوقدان و مولاناشناس در شب بهگود گیتا (سرود خدا، بخشی از مجموعه عظیم مهابهارات، بزرگ‌ترین حماسه شعری جهان) به‌مناسبت رونمایی از چاپ جدید کتاب گیتا با برشمردن دلایل ترجمه کتاب عنوان کرد: من به دو دلیل مجذوب گیتا شدم، اول شاعرانگی آن که از زمان طفولیت گرایش به شعر داشتم. عامل دوم بوی خوش آشنایی بود که از آن می‌شنیدم، اندک مایه چیزی که درباره گیتا و عرفان هندی آموختم را در مقدمه ۶۰ صفحه ابتدایی کتاب آورده‌ام اما اطلاعات من در این موضوع و در هر موضوع محدود است.

«رضا» بهترین فیلم جشنواره بارسلون

بیست آبان: فیلم سینمایی «رضا» به کارگردانی علیرضا معتمدی برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره آسیایی بارسلون شد. این جشنواره با هدف معرفی داستان‌ها و روایت‌های نو از قاره کهن با نمایش فیلم‌های برگزیده از ۲۵ کشور آسیایی از ۹ تا ۱۹ آبان در شهر بارسلون اسپانیا برگزار شد. فیلم سینمایی «رضا» پیش از این جایزه سینه‌پلاس جشنواره بلفور فرانسه و تقدیرنامه هیأت داوران جشنواره بمبئی را دریافت کرده بود. در این فیلم سحر دولتشاهی، ستاره پسیانی، رضا داوودنژاد، افسر اسدی، سولماز غنی، پانته‌آ مرزبانیان، نسیم میرزاده و علیرضا معتمدی بازی می‌کنند.



درگذشت صداپیشه رادیو

بیست و سوم آبان: «رضا عبدی»، صداپیشه پیشکسوت رادیو، پنجشنبه ۲۳ آبان‌ماه درگذشت. این صداپیشه بیشتر با برنامه صبح جمعه با شما و جمعه ایرانی در رادیو شناخته شده بود و نقش‌هایی چون آمیز عبدالطمع و عبدل بیزینس را بر عهده داشت. عبدی کار خود را از دهه ۳۰ و بازی در فیلم‌های سینمایی آغاز کرد و تا سال ۱۳۷۸ در بیش از ۳۰ فیلم و سریال به ایفای نقش پرداخت. از جمله کارهای سینمای وی می‌توان به طهران روزگار نو، مردی از جنس بلور، پشت دیوار شب، کفش‌های میرزا نوروز، بر فراز آسمان‌ها، قرار بزرگ، قصه شب و نیز سریال‌هایی چون هزار دستان و تک مضراب اشاره کرد. پیکر زنده‌یاد عبدی در بهشت زهرا (س) به خاک سپرده شد.

ابونصر فارابی و عطار نیشابوری در فهرست یونسکو

ده آذر: دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو- ایران، از قرارگرفتن نام ابونصر فارابی و عطار نیشابوری در فهرست گرامی‌داشت کمیسیون ملی یونسکو خبر داد. حجت‌الله ایوبی گفت: هر دوسال یک‌بار کشورها می‌توانند دو شخصیت برجسته خود را که تولد و وفات آنان در مضربی از ۵۰ است به یونسکو معرفی کنند تا بزرگداشت این شخصیت‌ها برگزار شود. پس از بررسی گروه‌های کارشناسی در نهایت دو شخصیت ابونصر فارابی و عطار نیشابوری برای معرفی به یونسکو به منظور درج در فهرست گرامی‌داشت انتخاب شدند.

درگذشت آقای شاکی

دوازده آذر: نصرت کریمی، بازیگر و کارگردان پیشکسوت سینما و خالق آثاری مانند آقای شاکی و هوشی و موشی، در سن ۹۵سالگی براثر کهولت سن در منزل شخصی خود دارفانی را وداع گفت.

نصرت‌الله کریمی در دی ماه ۱۳۰۳ در تهران متولد شد. وی تحت‌تأثیر هنرمندانی چون چارلی چاپلین و عبدالحسین نوشین کار آموختن تئاتر را آغاز کرد. او کار خود را در سال ۱۳۲۰ در تئاترهای تهران، هنر، فرهنگ، فردوسی و سعدی به‌عنوان گریمور، بازیگر و کارگردان آغاز کرد و تا سال ۱۳۳۱ به کارش ادامه داد. کریمی لیسانس کارگردانی سینمای خود را در سال ۱۹۳۸ و فوق‌لیسانس خود را در رشته فیلمسازی انیمیشن عروسکی از دانشکده پراگ اخذ کرده بود. برخی فیلم‌هایی که نصرت‌الله کریمی در آن‌ها به‌عنوان نویسنده، کارگردان و بازیگر حضور داشته است عبارتند از: درشکه‌چی ۱۳۵۰، خانه‌خراب ۱۳۵۴ و میهمان ناخوانده، تولد سگ شهر ما، پیوند و خسرو میرزای دوم.



به عشق بازیگری

بیست و چهار آذر: در آیین نکوداشت اکبر زنجانپور، بازیگر و کارگردان پیشکسوت، نوید محمدزاده خطاب به او گفت: هر ثانیه‌ای که شما را می‌بینم برایم خاطره‌انگیز است. من از شما بازیگری و کار جدی را یاد گرفتم. از شما یاد گرفتم که باید عاشق بازیگری باشید. سعید پورصمیمی هم گفت: صحبت کردن درباره استاد زنجانپور کمی مشکل است چون هم ابعاد کاری‌اش زیاد است و هم من با ایشان افتخار همکاری نداشتم. من و آقای زنجانپور از سال ۱۳۴۴ که در دانشگاه تهران، رشته تئاتر باز شد هم‌دانشکده‌ای بودیم.

اکبر زنجانپور در این مراسم با بیان این‌که امشب، شب بزرگی برای من است گفت: کسی که باعث آشنایی من با اشکان رهگذر شد، خانم تینا پاکروان بود. دو سال پیش به من زنگ زد و گفت فیلم انیمیشنی درباره شاهنامه هست، بیا و صحبت کن. به او گفتم موضوع شاهنامه باشد، شما هم تأیید کنی، حتماً می‌آیم و باید بگویم امروز بسیار خوشحال هستم که این کار را انجام دادم. چراکه هر ایرانی با فردوسی و شاهنامه ارتباط دارد و خلوت خودش را با این اثر گران‌قدر گذرانده است.



«جایی برای فرشته‌ها نیست» برنده شد

بیست و پنجم آذر: در سیزدهمین جشنواره سینماحقیقت، مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست» بیشترین جوایز را به دست آورد. این مستند که ساختهٔ سام کلانتری است، تلاش‌های بی‌وقفه، روزهای ناامیدی، لحظات پراسترس و سرانجام درخشش دختران تیم ملی هاکی ایران را روایت می‌کند؛ مستندی که قصه‌ای اجتماعی را از دل یک زمینه ورزشی بیرون می‌کشد.

تنبور در فهرست ملی میراث ناملموس

نهم دی: در اجرای ماده ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی حفظ میراث فرهنگی ناملموس و ماده سه قانون اساسنامه وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در جلسه شورای ملی ثبت میراث فرهنگی ناملموس پرونده هنر ساختن، نواختن، مقام‌ها و فرهنگ تنبور بررسی و برای ثبت در فهرست آثار ملی میراث ناملموس ایران تأیید شد. پیش از این موضوعات منطقه‌ای مانند هنر ساختن و نواختن تمیره تنبور لکی در فهرست آثار ملی ثبت شده بود ولی این پرونده، پرونده‌ای جامع مربوط به میراث تنبور با گستره ملی است.

در چنددهه اخیر استادانی مانند زنده‌یاد سید امرالله شاه ابراهیمی، زنده‌یاد سید خلیل عالی نژاد، زنده‌یاد طاهر یارویسی، شهرام ناظری، کیخسرو پورناظری، علی‌اکبر مرادی در معرفی میراث تنبور و انتقال این میراث از نسل‌های پیشین به نسل‌های امروز نقش عمده ای داشته‌اند.

درگذشت نخستین کارگردان زن سینمای ایران

ده دی: قدرت‌الزمان وفادوست معروف به شهلا ریاحی، هنرپیشه سینما، تئاتر و تلویزیون، در ۱۷ بهمن ۱۳۰۵ در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را تا مقطع سیکل ادامه داد و در ۱۷سالگی، بنا به خواست و راهنمایی همسرش اسماعیل ریاحی به صحنه تئاتر تهران راه یافت. در نخستین بازی‌اش که برگرفته از نمایشنامه‌ای با عنوان سیاست هارون‌الرشید بود، نقش اول را به‌گونه‌ای ایفا کرد که با استقبال بسیاری مواجه شد. او سینمای حرفه‌ای را از سال ۱۳۳۰ با فیلم خواب‌های طلایی به کارگردانی معزالدیوان فکری تجربه کرد. ریاحی سال ۱۳۳۵ فیلم مرجان را کارگردانی کرد و به این ترتیب نام اولین زن کارگردان سینمای ایران را به خود اختصاص داد. در روزی که پیکر زنده‌یاد شهلا ریاحی با حضور همه اقشار مردم از مقابل تالار وحدت به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) تشییع شد، ایرج راد، رئیس هیأت مدیره خانه تئاتر، گفت: شهلا ریاحی زنی شایسته و توانمند بود و در تاریخ هنرهای نمایشی این مملکت نامش باقی و جاودان خواهد بود.

واکنش یونسکو به تهدید ترامپ

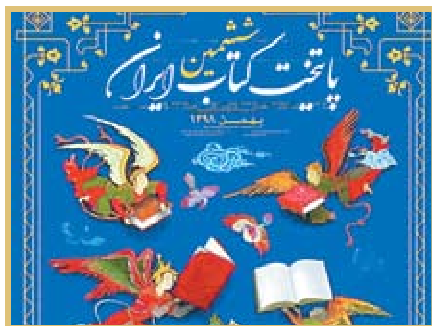
هفده دی: ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، پس از دستور به‌شهادت رساندن سردار سپهبد قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس به همراه هشت نفر دیگر در توئیتر خود نوشت که به مراکز فرهنگی ایران نیز حمله می‌کند. این حرکت وی به‌شدت از سوی اصحاب فرهنگ در ایران و جهان مورد نکوهش قرار گرفت؛ به‌طوری که مدیرکل یونسکو نسبت به مواضع ترامپ در مورد حمله به مراکز فرهنگی ایران واکنش نشان داد و حفاظت از دارایی‌های فرهنگی را به آمریکا یادآور شد. وی گفت: مفاد کنوانسیون ۱۹۵۴ حفاظت از دارایی‌های فرهنگی در هنگام درگیری مسلحانه و کنوانسیون ۱۹۷۲ حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان دو سند حقوقی است که به تصویب ایالات متحده و ایران رسیده است. کنوانسیون سال ۱۹۷۲ تصریح می‌کند که یک کشور عضو متعهد می‌شود که هیچ‌گونه تصمیم به انجام اقدامات عمدی که ممکن است به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به میراث فرهنگی و طبیعی واقع در قلمرو سایر کشورهای عضو این کنوانسیون آسیب برساند، اتخاذ نکند.

کشف نسخه دستنویس دیوان حافظ در هلند

ست و هشت دی: یک نسخه تاریخی و نفیس از دیوان حافظ شاعر قرن هشتم (مقارن با قرن ۱۵ میلادی) پس از گذشت چندین سال و دست به‌دست شدن در چند کشور توسط یک کارشناس هنری در هلند شناسایی شد. برخی صفحات این نسخه نفیس و ارزشمند دیوان حافظ که مقامات ایرانی به‌دنبال بازگرداندن آن به کشور هستند، طلاکوبی شده‌اند. این نسخه حدود یک میلیون یورو ارزش دارد و توسط یک تاجر ایرانی به نام جعفر قاضی که در سال ۲۰۰۷ میلادی در آلمان درگذشت، مخفی شده بود.

این کتاب ارزشمند به‌صورت مخفیانه توسط «آرتور براند» که اهالی فن او را به‌دلیل موفقیت‌هایش برای کشف آثار هنری مفقودشده، به‌نام ایندیدیانا جونز (باستان شناس ماجراجو) می‌شناسند، شناسایی شد. این کارشناس هلندی گفت: این کشف برای من بسیار مهم است، زیرا این کتاب اهمیت زیادی دارد و یکی از اولین نسخ دیوان حافظ است.

بسیاری از نویسندگان غربی از جمله «گوته» آلمانی و «رالف والدو امرسون» آمریکایی از آثار شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی تأثیر گرفته‌اند و حافظ را پادشاه شعرای فارس نامیده‌اند. دومینیک برویز بورکشو، استادیار ادبیات فارسی در دانشگاه آکسفورد هم گفته است: اگرچه این نسخه قدیمی‌ترین نیست اما جزء اولین‌های دیوان حافظ است که آن را نادر و با ارزش می‌کند.



شیراز پایتخت کتاب ایران

نوزده بهمن: عنوان پایتختی کتاب ایران پس از برگزاری پنج دوره از این رویداد فرهنگی به کلانشهر شیراز رسید. دستاندرکاران فرهنگی در شیراز معتقدند عنوان پایتختی کتاب باید پیش از این‌ها به شیراز می‌رسید اما توقعات بیشتر از شیراز در مقایسه با شهرهای دیگر که همواره در پیوست تاریخی و فرهنگی خود با کتاب و ادب عجین است، کار را برای این شهر دشوار کرد.



اسکار، انگل، ترامپ

بیست و یک بهمن: مراسم اسکار ۲۰۲۰ درحالی به‌پایان رسید که جایزه‌های آن به فیلم‌ها و بازیگران با دیدگاه‌های اجتماعی تعلق گرفت، اگرچه حاشیه‌های زیادی از رئیس‌جمهوری آمریکا تا دست نیافتن اسکورسیزی به اسکار داشت. فیلم انگل (Parasite) ساخته «بونگ جون هو» که چهار جایزه در این دوره اسکار دریافت کرده است، براساس معضلی فردی-اجتماعی ساخته شده است، خانواده‌ای فقیر که در اولین فرصت مناسب با متصل شدن به خانواده‌ای ثروتمند، درآمدی هنگفت به‌دست می‌آورند. انگل یازدهمین فیلم غیرانگلیسی زبانی بود که در این بخش نامزد دریافت اسکار شد و این پیروزی نشان می‌دهد هالیوود با تغییر رویکرد، فیلمسازان غیرسفیدپوست و غیرانگلیسی زبان را هم به جریان اصلی فیلمسازی راه می‌دهد.

جای دیگری که تفاوت دیدگاه داوران اسکار دیده می‌شود، در اهدای جایزه بازیگر نقش اول مرد به خواکین فینیکس است که هیأت داوران نتوانست بازی شگفت‌انگیز او را نادیده بگیرد و به بازیگر یک فیلم بر پایه کمیک استریپ، جایزه داد. شخصیت جوکر هم مشکلات روانی مردی را به‌تصویر کشیده که کودکی سختی دارد و شخصیتی ضداجتماعی و مخرب به خود می‌گیرد و به یک قاتل ترسناک تبدیل می‌شود.

جایزه بازیگر زن نقش اول به رنه زلوگر برای فیلم جودی رسید، این فیلم هم اعتراضی به رفتارهای هالیوودی است که شاید مسئولان اسکار آن را موضوعی مربوط به گذشته دانسته‌اند.

مارتین اسکورسیزی با مرد ایرلندی هم از دور اسکار جا ماند و حیرت‌ها را افزون کرد اما برد پیت، هنرپیشه معروف آمریکایی، پس از گرفتن جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد، با کنایه، مانع‌تراشی‌ها در روند استیضاح دونالد ترامپ در مجلس سنا را زیرسئوال برد. او گفت: به من گفته‌اند فقط ۴۵ ثانیه فرصت دارم حرف بزنم که البته ۴۵ ثانیه بیشتر از وقتی است که مجلس سنا این هفته به جان بولتون (برای حرف زدن به‌عنوان شاهدی علیه ترامپ) داد!

شاید همین کنایه‌های برد پیت بود که ترامپ هم در یک سخنرانی تبلیغاتی سینما را به سیاست ربط داد و از این‌که آکادمی اسکار با وجود مشکلات ایالات متحده با کره جنوبی، جایزه بهترین فیلم سال را به «انگل» ساخته این کشور داده، انتقاد کرد. ترامپ گفت: جایزه‌های آکادمی (اسکار) امسال چه بد بود؛ دیدید؟ برنده یک فیلم از کره جنوبی شد. کلا این فیلم درباره چه بود؟ ما در موضوع تجارت به اندازه کافی مشکل با کره جنوبی داریم، با این همه، جایزه بهترین فیلم سال را به آن‌ها می‌دهند.

از زمان به‌قدرت رسیدن ترامپ، آمریکا بر سر مسائل مختلفی از جمله در تجارت و همکاری‌های نظامی با کره جنوبی اختلاف دارد. البته شرکت توزیع‌کننده فیلم کره‌ای «انگل» که برنده اسکار بهترین فیلم شد، در پاسخ به انتقاد ترامپ گفت که او توانایی خواندن ندارد.



«خورشید» بهترین شد

بیست و دو بهمن: سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر با انتخاب فیلم خورشید به کارگردانی مجید مجیدی به‌کار خود پایان داد. مجبوریم (اثر رضا درمیشیان) و عنکبوت (اثر ابراهیم ایرجزاد) از آثاری هستند که در جشنواره سی و هشتم پذیرفته نشدند. لامینور (داریوش مهرجویی) و جنایت بی‌دقت (شهرام مکری) توسط سازندگانشان به جشنواره ارائه نشدند.

جایزه بهترین نقش اصلی مرد به پیمان معادی برای فیلم «درخت گردو» و بهترین نقش اصلی زن به نازنین احمدی برای فیلم «ابر بارانش گرفته» اهدا شد. سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی به محمدحسین مهدویان برای فیلم درخت گردو و جایزه بهترین فیلم از نگاه مردم به فیلم شنای پروانه رسید. در اختتامیه از فریدون جیرانی، کارگردان سینمای ایران، به پاس سال‌ها فعالیت در عرصه روزنامه‌نگاری و سینما تجلیل شد و سید غلامرضا موسوی و مهدی صباغ‌زاده به‌عنوان همشهری و دوستان قدیمی جیرانی از همکاری‌های خود با او سخن گفتند. در این مراسم از جیرانی باعنوان «دائرةالمعارف سینما» یاد شد.

نشان زنان راهبر ۲۰۲۰ برای نرگس آبیار

سی بهمن: نرگس آبیار، کارگران ایرانی، جایزه زنان برتر و موفق جهان اسلام را دریافت کرد. مراسم اعطای نشان زنان راهبر ۲۰۲۰ با حضور عارف علوی، رئیس‌جمهوری پاکستان، عمران اسماعیل، استاندار ایالت سند و جمعی از شخصیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری پاکستان برگزار شد.



نُت‌های جشنواره موسیقی فجر

اول اسفند: در مراسم اختتامیه سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر که در تالار وحدت برگزار شد، از هنرمندان و استادان بزرگ موسیقی ایران چون افلیا پرتو، نادر مشایخی، حسن اسکندری و هوشنگ ظریف تجلیل شد. وزیر ارشاد در این مراسم گفت: اگر کشور ما رنگین‌کمان فرهنگی شناخته می‌شود بخشی از این نقش را مدیون موسیقی هستیم. موسیقی حافظ ادبیات ما در طول تاریخ بوده و بخشی از این ماندگاری با موسیقی پیوند پیدا کرده است.



شهاب حسینی شوالیه شد

هفت اسفند: شهاب حسینی در سفارت فرانسه، نشان عالی وزارت فرهنگ و هنر دولت فرانسه را از فیلیپ تیه بو، سفیر فرانسه در تهران دریافت کرد. او در سال‌های اخیر موفق به دریافت نخل طلای جشنواره کن و خرس نقره‌ای جشنواره برلین برای بازیگری شده است.

پیشتر در ایران شخصیت‌هایی چون محمدرضا شجریان (خواننده)، دکتر حسابی، عباس کیارستمی (کارگردان و عکاس)، داریوش شایگان (نویسنده و شاعر)، لیلا حاتمی (بازیگر)، یدالله رویایی (شاعر)، شهرام ناظری (خواننده)، محسن مخملباف (کارگردان)، پری صابری (کارگردان تئاتر و نمایشنامه‌نویس)، اصغر فرهادی (کارگردان) و محمدعلی سپانلو (شاعر و مترجم ایرانی) نشان شوالیه را دریافت کرده‌اند.

درگذشت رنجبر

هشت اسفند: ملکه رنجبر، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر به‌دلیل کهولت سن و بیماری در ۸۱ سالگی در تهران درگذشت. مراسم تشییع و خاکسپاری وی در قطعه هنرمندان برگزار شد اما به خواسته فرزند این هنرمند برای جلوگیری از انتقال ویروس کرونا مراسم تشییع در تهران برگزار نشد.



«شیطان وجود ندارد» در برلین

یازده اسفند: در هفتادمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم برلین ۲۰۲۰ جایزه خرس‌طلایی به فیلم «شیطان وجود ندارد» به کارگردانی محمد رسول‌اُف و محصول مشترک ایران، چک و آلمان اعطا شد. اما محمد رسول اف، غایب این دوره از جشنواره برلین بود. فیلم او، «شیطان وجود ندارد»، با دریافت این جایزه در کنار آثاری چون طبیعت بی‌جان ساخته سهراب شهید ثالث با دریافت خرس نقره‌ای ۱۹۷۴ و جدایی نادر از سیمین، ساخته اصغر فرهادی، با دریافت خرس طلایی ۲۰۱۱ جای می‌گیرد.

هوشنگ ظریف درگذشت

هفده اسفند: هوشنگ ظریف، نوازنده پیشکسوت و مدرس تار، در ۸۱ سالگی به علت ایست قلبی درگذشت. وی چندسالی بود که از بیماری آلزایمر رنج می‌برد و چندی پیش در مراسم اختتامیه سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر از او تقدیر شد.

غنچه‌های نیمه‌باز

فریدون مشیری

بوی باران، بوی سبزه، بوی خاک
شاخه‌های شسته، باران خورده، پاک
آسمان آبی و ابر سپید
برگ‌های سبز بید
عطر نرگس، رقص باد
نغمه و بانگ پرستوهای شاد
خلوت گرم کبوترهای مست
نرم نرمک می‌رسد اینک بهار
خوش به‌حالِ روزگار ...
خوش به‌حالِ چشمه‌ها و دشت‌ها
خوش به‌حالِ دانه‌ها و سبزه‌ها
خوش به‌حال غنچه‌های نیمه‌باز
خوش به‌حال دختر میخک که می‌خندد به ناز
خوش به‌حالِ جانِ لبریز از شراب
خوش به‌حالِ آفتاب ...
ای دل من، گرچه در این روزگار
جامه رنگین نمی‌پوشی به کام
باده رنگین نمی‌نوشی ز جام
نقل و سبزه در میانِ سفره نیست
جامت از آن می که می‌باید تهی است
ای دریغ از «تو» اگر چون گل نرقصی با نسیم
ای دریغ از «من» اگر مستم نسازد آفتاب
ای دریغ از «ما» اگر کامی نگیریم از بهار ...
گر نکوبی شیشه غم را به سنگ
هفت‌رنگش می‌شود هفتاد رنگ!

کوچ بنفشه‌ها

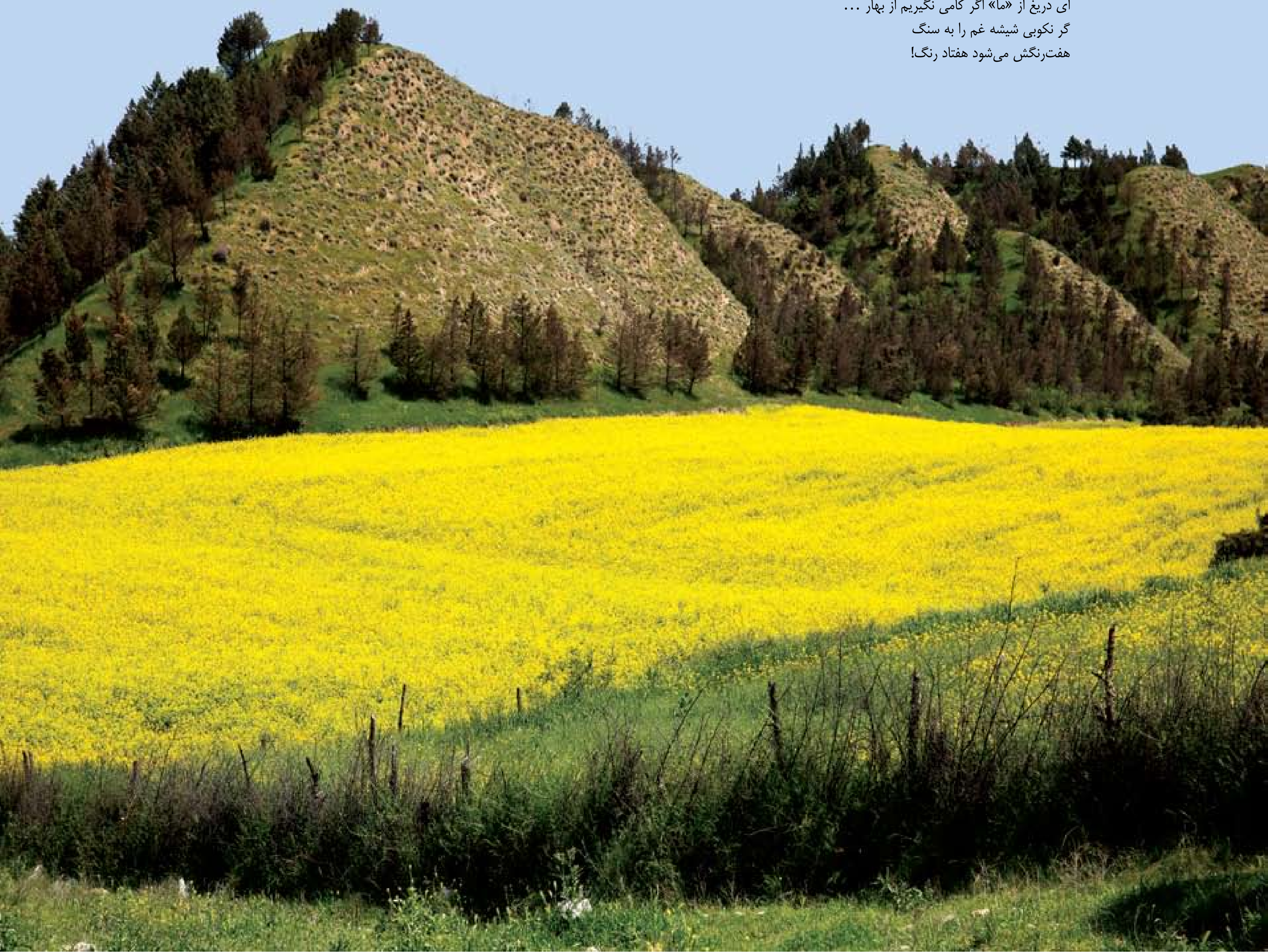
محمدرضا شفیعی کدکنی

در روزهای آخر اسفند
کوچ بنفشه‌های مهاجر
زیباست
در نیم روز روشن اسفند
وقتی بنفشه‌ها را از سایه‌های سرد
در اطلس شمیم بهاران
با خاک و ریشه
میهن سیارشان
در جعبه‌های کوچک چوبی
در گوشه خیابان می‌آورند
جوی هزار زمزمه در من
می‌جوشد
ای‌کاش
ای‌کاش آدمی وطنش را
مثل بنفشه‌ها
در جعبه‌های خاک
یک روز می‌توانست
همراه خویش ببرد هر کجا که خواست
در روشنای باران
در آفتاب پاک

پرهای زمزمه

سهراب سپهری

مانده تا برف زمین آب شود
مانده تا بسته شود این همه نیلوفر وارونه چتر
ناتمام است درخت
زیر برف است تمنای شنا کردن کاغذ در باد
و فروغ تر چشم حشرات
و طلوع سر غوک از افق درک حیات
مانده تا سینی ما پر شود از صحبت سمبوسه و عید
در هوایی که نه افزایش یک ساقه طنینی دارد
و نه آواز پری می‌رسد از روزن منظومه برف
تشنه زمزمه‌ام
مانده تا مرغ سرچینه هذیانی اسفند صدا بردارد
پس چه باید بکنم
من که در لخت‌ترین موسم بی چهچه سال
تشنه زمزمه‌ام؟
بهتر آن است که برخیزم
رنگ را بردارم
روی تنهایی خود نقشه مرغی بکشم.





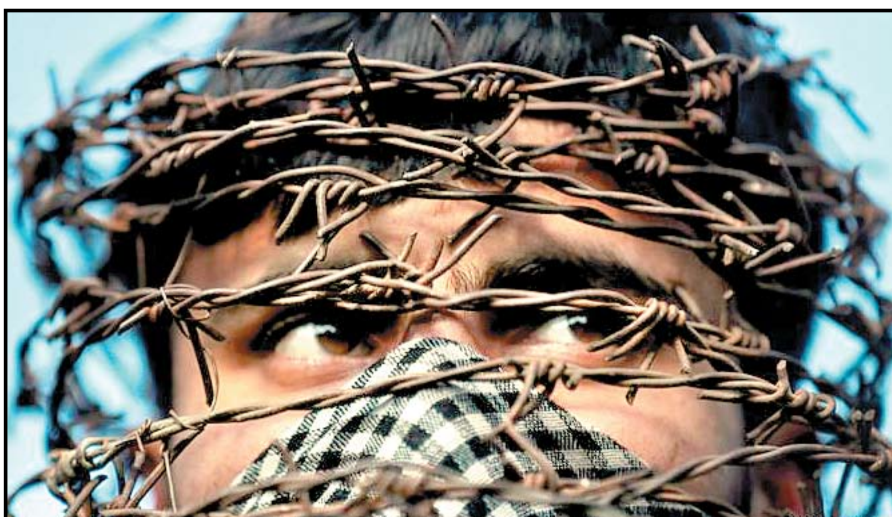
آلبوم سال ۱۳۹۸

سال ۲۰۱۹ را سال اعتراضات خیابانی می‌دانند، زیرا در این سال مردم کشورهای زیادی از جمله فرانسه، شیلی، هنگ کنگ، ایران و برخی کشورهای عربی در اعتراض به اوضاع اقتصادی و سیاسی به خیابان‌ها آمدند.

بیشترین تمرکز رسانه‌ها بر معترضان هنگ کنگ بود که علیه لایحه استرداد مجرمان تظاهرات کردند. الجزایری‌ها در فوریه به خیابان‌ها آمدند و در نهایت عبدالعزیز بوتفلیقه را وادار به کناره‌گیری کردند. در ماه آوریل نیز معترضان سودانی، عمر البشیر را از قدرت بر کنار کردند. افزایش قیمت حمل و نقل در شیلی باعث شد تا در ماه اکتبر مردم این کشور به خیابان‌ها بیایند.

از سوی دیگر عدد ۹ برای چین همواره عددی نگران کننده بوده است، زیرا سال‌هایی که عدد آن‌ها به ۹ ختم می‌شود، یادآور خاطرات بدی است که رهبران آن کشور را نگران می‌کند.

امسال هم در حالی که صدمین سالگرد جنبش چهارم مه و سی امین سالگرد تظاهرات دانشجویان در میدان تیان آن من چین بود، شیوع کرونا از این کشور آن را در صدر اخبار قرار داد و چین را با بحران بزرگی روبه‌رو کرد.



مردی از کشمیر در اعتراض به قانون جدید مهاجرت که به‌دست آوردن شهروندی هند را برای مهاجران غیرقانونی ساده می‌کند اما مهاجران مسلمان را مستثنی می‌داند سیم خاردار را به دور سر خود پیچیده است.



گرتا تونبرگ، نوجوان سوئدی که به‌خاطر تلاش برای جلب توجه مردم جهان به تغییرات اقلیمی توسط مجله تایم به‌عنوان شخصیت سال معرفی شده، به دلایل مختلف از جمله این تصویر که او را در قطار در حال خوردن غذا در ظروف پلاستیکی نشان می‌دهد مورد انتقاد است.



اندوه مدل‌ها در سوگ کارل لاگرفلد، طراح مد آلمانی که در پاریس درگذشت



سیل‌های فروردین ماه طی دو موج، تلفات جانی و مالی بسیاری در ۲۵ استان ایران برجای گذاشت



عزاداری برای ۱۵۷ قربانی سانحه سقوط بوئینگ ۳۰۲ شرکت هواپیمایی اتیوپیا



دور جدید اعتراضات «جلیقه‌زردها» علیه افزایش قیمت سوخت و مالیات در پاریس



آتش سوزی گسترده در کلیسای جامع ۸۵۰ساله نوتردام



استعفای ترزا می، نخست‌وزیر پیشین بریتانیا بعد از تلاش‌های ناکام برای به‌انجام رساندن برگزیت



آتش‌سوزی گسترده در جنگل‌های آمازون موسوم به ریه سبز زمین



ایران در سالگرد خروج واشنگتن از برجام، از آغاز مراحل کاهش تعهدات خود به این توافق خبر داد



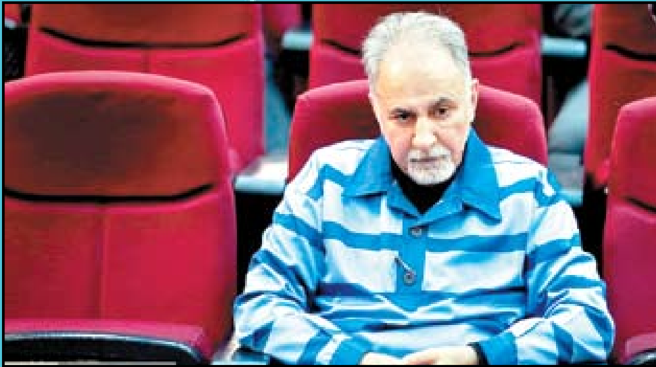
سخنرانی فرماندار ایالت هسن آلمان، ولکر بوفیر در مراسم تشییع جنازه والتر لوبیکه، رئیس اداره محلی کاسل که به‌دلیل حمایت از پذیرش مهاجران، توسط یک افراطی به قتل رسید



ولادیمیر زلانسکی، کمدین اوکراینی که در یک سریال تلویزیونی محبوب، نقش کسی را بازی کرده بود که به‌طور تصادفی رییس جمهور می‌شود، در انتخابات واقعی هم به‌عنوان رییس جمهور آن کشور رای آورد!



دیدار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا و کیم جونگ اون رهبر کره شمالی در مرز میان دو کره



محکومیت محمدعلی نجفی به‌دلیل اتهام قتل همسر دومش میترا استاد



اعتراضات گسترده در هنگ‌کنگ علیه قانونی که براساس آن مجرمان به جمهوری خلق چین بازگردانده خواهندشد



ازدواج پرسروصدای پادشاه ۶۶ساله تایلند، ماها واژیرالونگ کورن با معاون رئیس امنیت شخصی خود



آتش گرفتن یک افسر پلیس ضد شورش در جریان اعتراضات شیلی



نمای هوایی از خسارت ناشی از توفان دوریان در کارائیب که براثر آن بیش از ۷۰ نفر جان خود را از دست دادند



جمهوری خلق چین هفتادمین سالگردش را در میدان تیان آن‌من جشن گرفت



اعلام کناره‌گیری شاهزاده هری و همسرش مگان مرکل از انجام وظایف سلطنتی در انگلیس



جاسیندا آردرن، نخست‌وزیر زلاندنو، هنگام بازدید از مجتمع مسلمانان پس از حمله تروریستی یک راستگرای افراطی که به کشته شدن ۵۱ نفر از آن‌ها انجامید، با حجاب ظاهر شد.



اعتراض به دستگیر شدن جولیان آسانژ، بنیانگذار ویکی‌لیکس، پس از هفت‌سال پناهندگی به سفارت اکوادور در لندن. او با اتهام افشای اسرار دولتی ایالات متحده روبه‌روست.



خاکستر آتشفشانی در جزایر کوریل



اسپایک لی، برنده جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی در هالیوود، کالیفرنیا



اهدای جایزه صلح نوبل به ابی احمد علی، نخست‌وزیر اتیوپی به‌خاطر ابتکار برای حل اختلاف مرزی با اریتره



لتی پرز، مهاجر گواتمالایی درخواست اجازه ورود به آمریکا را از اعضای گارد ملی مکزیک دارد



آتش‌سوزی در کالیفرنیا



کاروان وسایل نقلیه زرهی آمریکایی در سوریه



یک دختر زخمی سوری در انتظار نجات از زیر آوار کنار جنازه خواهرش در سوریه



اولین بازدید پاپ فرانسیس از عربستان برای شرکت در کنفرانسی در مورد روابط مسیحیان و مسلمانان



خبرگزاری آناتولی در استانبول، اعتراضات سراسری آبان ماه به افزایش سه‌برابری قیمت بنزین در ایران را یکی از مهم‌ترین حوادث سال ۲۰۱۹ نامید



شینزو آبه، نخست وزیر ژاپن برای میانجیگری میان تهران و واشنگتن و کاهش تنش در منطقه به ایران سفر کرد. این اولین سفر یک مقام ارشد ژاپنی پس از ۴۱ سال به ایران بود.



انتشار اولین تصویر از سیاهچاله توسط تلسکوپ ایونت هوریزون



درگذشت سیامند رحمان، قهرمان پارالمپیک ایران



طناز طباطبایی، سیمرغ نقش مکمل زن را در جشنواره فیلم فجر از آن خود کرد.



امیر آقایی، برنده جایزه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشنواره فجر



اولین کناره‌گیری یک پادشاه ژاپنی پس از دو قرن. امپراتور آکیهیتو به‌نفع پسرش کنار رفت.



ادای احترام جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا به قربانیان پرواز ۷۵۲ اوکراین



یازدهمین دوره انتخابات مجلس و نخستین میان‌دوره‌ای پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری ایران



اعلام رسمی خبر مرگ ابوبکر البغدادی توسط دونالد ترامپ



شیوع کرونا در چین و انتقال آن به کشورهای دیگر



نانسی پلوسی در اقدامی تلافی‌جویانه نسبت به ترامپ که از دست دادن با او خودداری کرده بود، متن سخنرانی رییس‌جمهور آمریکا را پاره کرد

کرونای جدید



بیتا مهدوی

اپیدمی ویروس سندروم تنفسی حاد (سارس) شامل پنومونی (سینه پهلو) و نقص تنفس پیش رونده در سال ۲۰۰۲ به‌وجود آمد. به‌نظر می‌رسید که این ویروس از میزبان غیرانسان منشاء گرفته و قابلیت عفونی کردن انسان را به‌دست آورده باشد. در مناطق روستایی جنوب چین که اپیدمی از آن‌جا آغاز شد، انسان، خوک و ماکیان در کنار هم زندگی می‌کردند و بسیاری از گونه‌های وحشی جهت مصارف غذایی و طب سنتی مورد استفاده قرار می گرفتند. این شرایط باعث بروز سویه‌های جدید ویروس شد. چون کشت کروناویروس‌های انسانی آسان نیست، خصوصیات آن‌ها به‌خوبی شناخته نشده است. بعد از گذشت ۹سال تقریبا در سال ۲۰۱۲

باز همان خانواده ویروس‌ها بیماری جدیدی به نام مرس را به‌وجود آورند که به سندرم حاد تنفسی خاورمیانه معروف شد، محل شیوع آن در عربستان بود و در بعضی از کشورهای دیگر هم شایع شد.

خوشبختانه هیچ‌کدام از این ویروس‌ها به کشور ما نرسید. سومین همه‌گیری بیماری ناشی از ویروس کروناست که طغیان ناشی از آن از اواخر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین آغاز و تا ۱۰ استان چین هم گسترده شد. مسئولان خیلی سریع اقدام به قرنطینه شهر کردند ولی به‌هر حال ویروس شیوع پیدا کرد. در همه بیماری‌های عفونی دوره‌ای به‌نام دوره نهفتگی وجود دارد؛ یعنی از زمانی که ویروس کرونا وارد بدن می‌شود تا زمانی که علایم بیماری بروز پیدا کند، یک دوره نهفتگی بین ۲ تا ۱۴ روز وجود دارد.

راه انتقال این بیماری معمولا به دو صورت است، یکی از طریق بازارهایی که غذاهای دریایی دارند و دیگری تماس با جاهایی که حیوانات در آن‌جاها وجود دارند. کسانی که در کشتارگاه‌ها یا دامداری‌ها کار می‌کنند در معرض خطر هستند. ویروس کرونا که شیوع آن از دی ماه در کشور چین شروع شد، تا به حال بسیاری را در جهان مبتلا کرده و علاوه بر ۳۰ استان و منطقه چین به کشورهای ژاپن، کره‌جنوبی، ایتالیا، سنگاپور، هنگ‌کنگ، ایران، تایلند، بحرین و آمریکا نیز سرایت کرده است.

کروناویروس‌ها

دکتر حسین کیوانی، استاد ویروس‌شناسی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران، در مورد ویروس کرونا می‌گوید: ویروس‌ها موجوداتی هستند که نمی‌توانیم بگوییم زنده‌اند یا نه. اصطلاحا به انگل‌های اجباری سلول‌ها معروف هستند، یعنی باید حتما درون سلول‌ها تکثیر پیدا کنند. ویروس‌ها انواع مختلفی دارند، به‌طوری‌که چندهزار نوع ویروس داریم که احتمالا در تکامل انسان و سایر موجودات زنده نقش داشته‌اند ولی امروزه نقششان کمرنگ‌تر شده است.

وی می‌افزاید: بعضی از انواع ویروس‌ها مفید هستند و بعضی دیگر نه. بعضی از آن‌ها در جایگاه خودشان بیماری ایجاد نمی‌کنند ولی اگر جایگاهشان تغییر کند برای مدتی بیماری‌زا می‌شوند.

دکتر کیوانی در پاسخ به این پرسش که آیا بیماری‌های ویروسی قابل درمان هستند یا نه خاطرنشان می‌کند: خیلی از بیماری‌های ویروسی قابل درمان هستند، درحالی‌که خیلی دیگر از ویروس‌ها نوظهور هستند. از چندهزار نوع ویروس، تنها چند نوع آن‌ها را می‌شناسیم. خیلی از بیماری‌های ویروسی مانند هپاتیت سی قابل درمان هستند. برای اکثر بیماری‌های ویروسی دیگر، روش درمانی کشف نشده است و سیستم ایمنی بدن انسان، خودش آن‌ها را سرکوب می‌کند یا کاملا از بین می‌برد.

وی در مورد بیماری کرونا می‌گوید: کروناویروس‌ها از ۸۰ سال پیش وجود داشته‌اند. شناسایی اولین کروناویروس‌ها به سال ۱۹۳۷ بر می‌گردد. این ویروس ها در طبیعت و حیوانات وجود دارند، به‌طوری که در جوجه‌ها باعث ایجاد برونشیت عفونی می‌شوند. کروناویروس‌های دیگری داریم که عامل سرماخوردگی هستند و اهمیت بالینی زیادی ندارند. وقتی نمونه تنفسی یک بیمار را بررسی می‌کنیم اگر مشخص شود بیماری‌اش باکتریایی است برای آن آنتی‌بیوتیک و اگر ویروسی باشد ضدویروس داده می‌شود.

دکتر کیوانی با بیان این مطلب که پیش از این کروناویروس‌ها خطرناک نبودند اما کروناویروس‌های جدید خطرناک هستند تأکید می‌کند: از ۲۰سال پیش خفاش، مخزن خیلی از کروناهای جدید مانند مرس و سارس بوده و احتمالا این نوع جدید در اثر مخلوط شدن کروناویروس خفاش و کروناویروس مار به‌وجود آمده است، به‌طوری که بعضی از ژن‌های این دو کروناویروس از منشاء خفاش و مار با همدیگر تلفیق و خطرناک شده‌اند و بیماری‌زایی بیشتری پیدا کرده‌اند. این بیماری در اثر تماس انسان‌ها در بازار فروش حیوانات خاص و محصولات خوراکی به انسان منتقل و در دنیا منتشر شده است. وی در پاسخ به این پرسش که آیا کیت‌های آزمایشگاهی شناسایی این ویروس را داریم یا نه می‌گوید: بله، به‌محض این‌که ویروس شناسایی شد اطلاعاتی توسط مراجع جهانی مانند سازمان جهانی بهداشت و بعضی از مؤسسات ویروس‌شناسی در اختیار همه قرار داده شد، به‌طوری که این بیماری به‌راحتی قابل تشخیص است و با تست‌های مولکولی که داریم، ظرف ۶ تا ۷ ساعت می‌توانیم بگوییم که فرد کروناویروس جدید دارد یا نه و تشخیص بیماری کار سختی نیست.

این استاد دانشگاه با اشاره به آن که ویروس‌ها مانند انسان‌ها و تمامی موجودات زنده همیشه در حال تکامل هستند می‌گوید: وقتی ویروس‌ها تکامل پیدا می‌کنند، ژن‌ها با هم مبادله می‌شوند و از بین چندهزار ژن مبادله‌شده، یک ویروس می‌تواند بقا پیدا کند و خصوصیات خاص خودش را داشته باشد و برای مدتی بیماری را به‌وجود بیاورد. حال یا دارویی برای آن ساخته می‌شود یا شدت بیماری‌زایی‌اش خودبه‌خود براثر جهش‌هایی که پیدا می‌کند کاهش پیدا کرده و فروکش می‌کند.

وی در مورد درمان بیماری می‌افزاید: این بیماری خودبه‌خود درمان می‌شود و درمان‌های نگهدارنده دارد. مردم باید با مراقبت‌های بهداشتی از بروز آن پیشگیری کنند. مراکز بهداشتی مردم را در جریان راه‌های پیشگیری قرار داده‌اند. مردم باید دست‌هایشان را به‌خوبی بشویند و ترشحات تنفسیشان را به موقع حرف زدن و عطسه کردن با دستمال کنترل کنند تا پخش نشود.

دکتر کیوانی با بیان این مطلب که ایمنی بدن خودبه‌خود به بیماری پاسخ می‌دهد، به‌ویژه در کسانی که سالم و جوان هستند و بیماری‌های زمینه‌ای ندارند، تأکید می‌کند: افراد مسن و کسانی که بیماری‌های زمینه‌ای دارند بیشتر در معرض خطر این بیماری قرار دارند؛ به‌طوری که کرونا ممکن است دو تا سه‌درصد باعث تلفات در آنان شود.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا بهتر نبود با شیوع کرونا قم را قرنطینه می‌کردند، می‌گوید: قطعا هرجا که این بیماری دیده شود باید آن‌جا را قرنطینه کنند و افراد غربالگری شوند، زیرا این اصول علمی پیشگیری از بیماری‌های ویروسی است. وزارت بهداشت متناسب با امکاناتی که در اختیارش بوده کار پیشگیری را انجام داده است ولی باید شهرها را قرنطینه کنیم و بیماری را در عرض چندساعت تشخیص بدهیم تا کسانی که مشکوک و ناقل هستند شناسایی شوند و تماسشان با افراد دیگر جامعه کم شود.

این استاد ویروس‌شناسی می‌افزاید: کروناویروس ویروسی است مانند هزاران ویروس دیگر که شیوع پیدا کرده‌اند. شاید اطلاع نداشته باشید که در تاریخ ویروس‌شناسی آمده است که در زمان جنگ جهانی اول که آنفلوآنزا برای اولین بار وارد اروپا شد، ۲۵میلیون نفر کشته داد ولی به‌علت سانسوری که در آن‌زمان وجود داشت آمار کشته‌ها اعلام نشد. در حال حاضر هم تلفات کروناویروس زیاد نیست.

نباید فکر کنیم آخرالزمان رسیده و اتفاق وحشتناکی افتاده است. شاید تعداد افرادی که در اثر آنفلوآنزا جانشان را از دست داده‌اند بیشتر از مرگ‌ومیر در اثر کروناویروس باشد. بیشترین تلاش‌های ما باید درجهت پیشگیری از همه‌گیر شدن این بیماری تا حد مقدور باشد که یکی از اصول آن قرنطینه است.

مردم باید به مراجع معتبر مراجعه کنند و نگران نباشند، زیرا استرس و نگرانی عامل بسیار مؤثری در ضعیف شدن سیستم ایمنی بدن است و سیستم ایمنی ضعیف نمی‌تواند عفونت‌ها را به خوبی درمان کند. به‌عنوان مثال بیماری داریم به‌نام تبخال ویروسی که وقتی بیماران آن مراجعه می‌کنند اولین سؤالی که از آن‌ها می‌پرسم این است که آیا استرس، بی‌خوابی یا شوک عاطفی داشته‌اید و معمولا پاسخ آنان مثبت است.

بدن ما با بعضی از ویروس‌ها در حالت تعادل است و توان پاسخ دادن به آن‌ها را دارد. استرس، بی‌خوابی و تنش باعث ضعیف شدن سیستم دفاعی بدن ما می‌شود و دراین صورت کرونا ویروس می‌تواند ضایعات بیشتری ایجاد کند و منجر به بیماری حاد یا مرگ شود.



رئیس ستاد مقابله با کرونا کیست؟

سعید نمکی متولد ۲۴ خرداد ۱۳۳۷ در کاشان سیاستمدار داروساز، شاعر و وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی است. او که در تاریخ ۱۵ بهمن ماه سال ۹۷ رای اعتماد نمایندگان مجلس را با ۲۲۹ رای موافق به عنوان وزیردریافت کرد، فقط یک سال بعد با یکی از بزرگترین و مخوف ترین اپیدمی های قرن مواجه شد. نمکی دارای مدرک دکتری داروسازی از دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و تخصص ایمنی‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با مرتبه علمی دانشیاری، معاون سازمان برنامه و بودجه کشور، عضو شورای سیاستگذاری مرکز ملی تحقیقات بیمه سلامت، و معاون سابق محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد.

او در سال ۱۳۹۴ به معاونت امور اجتماعی و عمومی در سازمان مدیریت (سازمان برنامه و بودجه) منصوب شد و به گفته خود وی، ۲۵ سال پیش از این تاریخ، معاون بهداشتی وزیر بهداشت بوده‌است، او همچنین، مدتی مشاور معصومه ابتکار بوده‌است و چندسال مدیرعامل چند کارخانه داروسازی از جمله تولید دارو بوده‌است. او که متولد شهر کاشان است در شعر و شاعری هم دستی دارد و تخلص شعری اش «پگاه کاشانی» است.

وی امضاکننده تفاهم‌نامه نقشه درمان ایران ۱۴۰۴ میان وزارت بهداشت و سازمان برنامه و بودجه بود، که بر اساس این تفاهم‌نامه در راستای افزایش عدالت جغرافیای مقرر شد که تفاوت میان استان‌ها و تفاوت درون استان‌ها، با توزیع تخت‌های جدید، به میزان حداقل ۲۵ درصد کاهش یابد.

برخی از سمت‌های سعید نمکی: معاون امور اجتماعی و عمومی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، عضو شورای سیاستگذاری مرکز ملی تحقیقات بیمه سلامت، معاون محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست، مشاور معصومه ابتکار در سازمان محیط زیست، مدیر گروه ایمونولوژی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و معاون بهداشتی وزارت بهداشت.

به زودی مردم پیام مهار کرونا را خواهند شنید

سعید نمکی روز شنبه ۲۴ اسفند مراسم تجلیل از دانشجویان برگزیده در ریاست جمهوری افزود: ۲۶ روز پیش و در اولین لحظاتی که صدای گام های کرونا را در اطراف کشور شنیدم و اصرار بر اعمال محدودیت هایی داشتم، یگانه مردی که به حمایت برخاستند دکتر جهانگیری بود.

وی به سابقه فعالیت خود در حوزه سلامت کشور و نیز مهار برخی بیماری ها اشاره کرد و افزود: به عنوان یک کهنه سرباز حدود ۳۰ سال مدیریت سلامت بخش کشور را برعهده داشته ام و اعلام می کنم کرونا از سر مملکت رد خواهد شد.

وزیر بهداشت همچنین با اشاره به سیلاب های اخیر در کشور گفت: با وجود گستردگی این سیلاب ها، هیچ موردی اپیدمی نداشتیم و این امر تحسین سازمان بهداشت جهانی را برانگیخت.

نمکی ادامه داد: در اوج تحریم ها، ویروس «اچ وان ان ۱» را که به مراتب کشندگی بیش از کرونا داشت، با وجود ۱۳ هزار و ۲۰۰ مبتلا مدیریت کردیم و با وجود اینکه در آمریکا ۱۰ هزار مرگ بر اثر این بیماری رخ داد، مانند یک کشور پیشرفته با کمترین ابتلا آن را مهار کردیم.

وی با اشاره به راه اندازی بسیج ملی «کرونا را شکست می دهیم» در دانشگاه های علوم پزشکی سراسر کشور گفت: مطمئن باشید بزودی مردم پیام مهار این بیماری را به‌نحو احسن خواهند‌شنید.

نقش رسانه‌ها در کاهش تنش کرونا



رامین امینی‌زارع

این که ویروس کرونا چقدر خطرناک وکشنده است، امری فنی است که باید توسط‌متخصصان موردااظهارنظرقرار گیرد اما این نوشته، سخنی صمیمانه باتمامی کسانی است که هندسه افکار عمومی متأثر از کنشگری و حضورآنان است؛ اصحاب رسانه و مجموعه روابط عمومی‌ها.

بی‌مناسبت نیست نخست نگاه کوتاهی به جامعه ارتباطی ونقش آن در تولید وانتشار اخبار در حوزه‌های اجتماعی واقتصادی داشته داشته باشیم. اگر نگاه کوتاهی به تاریخ داشته باشیم، درمی یابیم یکی از اولین افرادی که مفهوم جامعه اطلاعاتی را بسط داد اقتصاددان نامی، فریتز ماچلاپ بود. وی در سال ۱۹۳۱ تحقیقات خود را در این زمینه شروع کرد و کارش در سال ۱۹۶۲ با انتشار کتاب «تولید و توزیع دانش در ایالات متحده» به اوج رسید. این کتاب به‌سرعت به ژاپنی و روسی ترجمه شد و ژاپنی‌ها تأثیر بسیاری از آن پذیرفتند. مسأله فن‌آوری‌ها و نقش آن‌ها در جوامع معاصر در ادبیات علمی تحت عناوین مختلفی مورد بحث قرار گرفته‌است. ایده‌های دانش یا اقتصاد اطلاعات، جامعه پساصنعتی، جامعه پست‌مدرن،جامعه‌شبکه‌ای،انقلاب‌اطلاعات، سرمایه‌داری اطلاعاتی، سرمایه‌داری شبکه‌ای و مواردی این چنینی طی دهه‌های اخیر به تفصیل مورد بررسی واقع شده‌اند. ماچلاپ مفهوم صنعت دانش را در سال ۱۹۶۲ معرفی کرد. او پنج بخش دانش را تفکیک کرد:آموزش، تحقیقات و توسعه، رسانه‌های جمعی، فن آ و ر ی ها ی اطلاعات و خدمات اطلاعاتی. بر اساس این تقسیم‌بندی او محاسبه کرد که ۲۹درصد از تولید ناخالص ملی آمریکا در سال ۱۹۵۹ در صنایع دانشی تولید شده‌است.

«پیتر دراکر» این بحث را آغاز کرد که‌گذاری از اقتصاد مبتنی بر کالاهای مادی به اقتصاد مبتنی بر دانش در حال جریان است. برای «دنیل بل» تعداد کارمندانی که در بخش تولید و خدمات اطلاعاتی شاغل هستند یک فاکتور برای تشخیص یک جامعه اطلاعاتی است.

«ژان فرانسوا لیوتارد »گفت اطلاعات نیروی اصلی تولید در دهه‌های اخیر شده و دانش به‌شکل یک کالا درآمده‌است. او افزود که جوامع پساصنعتی دانش را در دسترس عوام قرار می‌دهند، زیرا اطلاعات و فن‌آوری‌ها در جامعه گسترش می‌یابد و روایت بزرگ ساختارها و گروه‌های تمرکزیافته را می‌شکند. او این شاخصه را ویژگی جامعه پست‌مدرن می‌دانست.

«ردوان ریچا» معتقد بود که جامعه به یک تمدن علمی بر پایه خدمات، آموزش و فعالیت‌های خلاقانه در حال تغییرشکل است. این دگردیسی حاصل پیشرفت و نفوذ فن‌آوری‌های نوین به ویژه فن‌آوری‌های رایانه‌ای است.

در سال‌های اخیر مفهوم جامعه شبکه‌ای اهمیت ویژه‌ای در نظریه جامعه اطلاعاتی پیدا کرده‌است. منطق شبکه‌ای در کنار اطلاعات، توسعه، انعطاف‌پذیری و یکپارچگی یکی از ستون‌های اصلی پارادایم فن‌آوری اطلاعات است. بخش‌های مختلف یک جامعه در عصر اطلاعات در بستر شبکه به یکدیگر متصل می‌شوند. به‌عبارت دیگر شبکه‌هایی همچون شبکه عصبی پیکره جامعه اطلاعاتی می‌باشند.

انتقاد اصلی که از سوی فرهیختگان بر مفهوم جامعه اطلاعاتی وارد شده این است که این‌گونه تعاریف این تصور را می‌تواند در پی داشته باشد که ما کلاً وارد نوع جدیدی از جامعه شده‌ایم. «فرانک وبستر» می‌گوید اگر تنها ما با اطلاعات بیشتری طرف هستیم چرا باید کسی بگوید جامعه‌ای داریم که تا پیش از این در تاریخ بی‌سابقه بوده‌است؟

رسانه و مجموعه روابط عمومی‌ها در جو ملتهب این روزها در پی چرخش شایعات رنگارنگ وگوناگون کرونا، چه کارهایی می‌توانند انجام دهند؟

آگاهی ومطالعه اخبار موثق ودرست از منابع معتبر ومورد وثوق دارای صلاحیت قانونی وعلمی، مطالعه شایعات وآگاهی از بازچرخش اطلاعات نادرست، به‌منظور آگاهی از نقاط ضعف عمومی که موجب نشر آن‌ها در فضای سایبر می‌شود، کمک به ایجاد وتحکیم سرمایه اجتماعی. آن‌چه روشن است این است که سرمایه اجتماعی مخدوش موجب می‌شود منابع رسمی تولید خبر، دارای اعتبار نبوده و مورداستناد مردم قرار نگیرند واین خود بزرگ‌ترین مشکل را در مواقع خاص یا بحرانی ایجاد می‌کند، دریافت اخبار صحیح و دقیق از منابع معتبر وبازنشرآن در برد مخاطبان، حفظ صداقت وراستگویی(به‌عنوان مهم‌ترین خط قرمز در روابط عمومی و رسانه)، سرعت در انتشار اخبار صحیح براساس اصل اولویت در خبر می‌تواند در بی‌اثرسازی شایعات مؤثر باشد، حضور مستمر در فضای سایبری و دعوت به نوع‌دوستی و تأکید بر نقاط مشترک عاطفی وانسانی می‌تواند در کنترل سرایت بیماری مفید باشد.





گفتگو با دکتر اشرف بروجردی، رئیس کتابخانه ملی ایران

اندیشمندان ما راهکار دارند اما ترجیح می‌دهند سکوت کنند

عکس: احسان کاظم‌لو

وضعیت فرهنگی در جامعه ما به‌گونه‌ای است که لب مرز ایستاده‌ایم. از یک‌سو اتفاقات ناگوار چنان بر روی هم تلنبار شده‌اند که اجازه تأمل دقیق داده نمی‌شود و از سوی دیگر نابسامانی‌های اقتصادی وضعیت را دشوارتر کرده است. مدیریت فرهنگی از جمله مسائلی است که نه‌تنها نیاز دقیق به علم دارد بلکه درایت و تجربه و از همه مهم‌تر شجاعت نیز باید سرلوحه کار یک مدیر فرهنگی باشد. در این مجال کوتاه با یکی از مدیران فرهنگی کشور به گفتگو نشستیم تا منتقدانه وضعیت را بررسی کنیم؛ اگرچه مجال کم بود و سئوالات بسیار. شاید این مسیر بتواند باب گفتگوی جدی با دیگر مدیران فرهنگی را که به‌زعم دکتر بروجردی اغلب سیاسی هستند تا فرهنگی، باز کند.

منوچهر دین‌پرست

● در موقعیتی در حال گفتگو هستیم که کتابخانه ملی به‌علت شیوع ویروس کرونا تعطیل است. شاید در طول تاریخ کتابخانه ملی چنین اتفاقی رخ نداده بود و شاید برای اولین بار باشد که چنین تعطیلی به کتابخانه ملی تحمیل شده است.

دقیقا همین‌طور است. بالاخره شرایط اقتضا می‌کند که گاهی روال کلی تغییر کند. ما به‌هرحال تابع مقرراتی هستیم که کشور اعمال کرده و به‌خاطر کرونا مجبور شدیم کتابخانه ملی را تعطیل کنیم. در روزهای اول با برخی از مراجعه‌کننده‌ها روبه‌رو بودیم که سرماخوردگی شدید داشتند و هرچقدر هم که می‌گفتیم وارد سالن نشوند نمی‌پذیرفتند. لذا به این نتیجه رسیدیم که با تعطیلی کتابخانه، سالن‌ها را ضدعفونی و تغییراتی را هم اعمال کنیم.

● ازنظر شما به‌عنوان یک مدیر فرهنگی، ما در کجای فرهنگ دچار مشکل یا ضعف شدیم که با سختی درحال مدیریت یک مسأله بهداشتی هستیم؟

به‌نظر من بخش عمده مباحث فرهنگی به باورهای مردم بازمی‌گردد که چه عکس‌العملی نشان می‌دهند، چرا که باورها منشاء رفتار آن‌هاست. باورها را اغلب خود مردم مدیریت نمی‌کنند و توسط دیگران مدیریت می‌شود. این دیگران می‌تواند یک دوست یا یک رسانه بین‌المللی یا یک گروه سیاسی یا حتی تفکر ایدئولوژیک باشد. با تغییراتی که در جامعه به‌وجود آمده، کاربرد سنت کمرنگ شده و ارزش‌ها هم تغییر کرده است. وقتی که ارزش تغییر کند رویکرد فرهنگ هم متفاوت می‌شود.

یکی از این مباحث در فرهنگ، سلامت است. فرهنگ است که می‌تواند به ما کمک کند که جامعه چه حساسیتی از خودش نشان دهد تا بتواند سلامت را به‌عنوان یک شاخص برای خودش تعریف کند.

● می‌توانیم به دو مسأله که اکنون در گستره فرهنگی و باوری مردم با شیوع بیماری کرونا به‌وجود آمده اشاره کنیم. یکی آن‌که دچار تردید شده‌اند و دیگر این‌که در برخی از گفته‌هایی که تا کنون مطرح شده عدم صداقت می‌بینند. چرا این اتفاق رخ داده؟

به‌نظر من یکی از دلایلش این است که مردم در سخن و رفتار هدایتگران جامعه چندگانگی می‌بینند؛ هدایتگر اعم از مدیر اجرایی و حاکمیت کلی نظام و کسانی که به‌عنوان مرجع برای دیگران قرار می‌گیرند. اگر از آن‌ها که به‌عنوان مرجع شناخته شده‌اند، داده‌هایی یکسان و همسان به‌دست ما برسد و صدای واحدی داشته باشند من گمان می‌کنم جامعه به‌خوبی می‌پذیرد. اما وقتی مردم می‌بینند فلان شخص ممنوعیتی ایجاد می‌کند اما یا خودش یا خانواده‌اش همان رفتار ممنوع را بروز می‌دهند قطعا دچار تردید می‌شوند. حاکمیت یا پدرسالاری یا مرجعیت برای اشخاص جایگاه خودش را از دست داده است. من سنتی، مرجعیتم همان رفتار قبلی است ولی امروزه این‌گونه نیست و جوان ما آن مرجعیت و رفتار را نمی‌پذیرد.

● این تغییر رفتار را خوب می‌دانید یا بد؟

به‌نظر من آسیب‌زننده است، چون ثباتی ندارد. ما طبق باورهای خودمان می‌گوییم ریسمان الهی را چنگ بزنید، یعنی ریشه و مبنا داشته باشید. چارچوبی برای فکرتان داشته باشید. اما وقتی که با جوان امروز صحبت می‌کنیم همه این‌ها را در قالب اسطوره می‌بینند، نه در قالب ملاک رفتاری یک مرجع. چون او این رفتار را قبول ندارد در عملش تغییر حاصل می‌شود.

زمانی این‌گونه بود که وقتی بزرگی وارد مجلسی می‌شد، همه به او احترام می‌کردند و حرفش حجت بود. الان این‌گونه نیست. برای آن‌که اولا خود این فرد، میان رفتار و عملش تطابق وجود ندارد. ثانیا جوان امروزی، سبک زندگی گذشته را نمی‌پذیرد و تغییر در رفتار به‌علت تغییر در سبک زندگی است. یعنی باب گفتگو و مراوده بین دو نسل ضعیف شده است.

● تغییر سبک زندگی، الزام دنیای امروز شده است؛ گسترش تکنولوژی، در دسترس قرار گرفتن منابع اطلاعاتی و تسریع مراودات. اگر این الزام را نپذیریم از دور حذف می‌شویم.

من این حرف را قبول ندارم. ما روایت از امیرالمؤمنین داریم که می‌گوید فرزند زمان خویشتن باش. یعنی ما در هر زمانی می‌توانیم آن باورها را با شرایط تطبیق بدهیم.

● شما به‌عنوان فردی که سال‌ها در عرصه مدیریتی کشور حضور داشتید آیا مدیران فرهنگی کشورمان را فرزند زمان خودشان می‌دانید؟

همه آن‌ها نه. به‌نظرم فاصله دارند. یکی از دلایل عدم پذیرش نسل امروز از مدیریت فرهنگی کشور، همین اختلاف است که فضای گپ و گفت بین آن‌ها وجود ندارد تا بتوانند مشکلاتشان را حل کنند. مرجعیت فکری وقتی حرفی را می‌زند باید حرفش حجت باشد ولی اگر قرار باشد او چیزی بگوید و باور نسل امروز ما چیز دیگری باشد، اختلاف و تفرقه به‌وجود می‌آید.

● اگر مدیران فرهنگی ما در حوزه‌ای که در آن تخصص دارند ورود پیدا می‌کردند شاید این اتفاقات کمتر رخ می‌داد.

شما از سوی دیگر به مسأله نگاه کنید. مدیریت کلان جامعه در واقع مدیریت سیاسی است، در ساختار هم سیاسی است. کسی که وزیر یا معاون وزیر است در واقع به‌عنوان مقام سیاسی تعریف می‌شود. یعنی باید جزو مجموعه‌ای باشد که بتوانند با هم تعامل کنند. اگر رئیس‌جمهور بخواهد وزیرش را انتخاب کند یا وزیر، معاونش را برگزیند باید کسی را انتخاب کند که بتوانند با هم کار کنند. منتهی امکان دارد که او در حوزه‌اش تخصص نداشته باشد. شما می‌توانید کسی را انتخاب کنید که در این وجه باهم تعامل داشته باشید و آن موقع کار به گونه‌ای دیگر سخت می‌شود.

● مقصود شما این است که مدیران ما الزاما در مرتبه اول سیاسی‌اند و اگر زمینه مهیا بود فرهنگی هم می‌شوند؟

بله، البته نباید به گونه‌ای باشد که از هم دور باشند. مثلا اگر من سررشته‌ای از اقتصاد نداشته باشم نمی‌توانم در جایگاهی قرار بگیرم که کار اقتصادی کنم. بالاخره باید یک مبنا و تخصص اولیه وجود داشته باشد ولی وسعت آن لزوما این نیست. به‌طور مثال وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه‌های مختلفی مانند کتاب، سینما، تئاتر، مجلات و همه آن‌چه که در واقع تشخیص‌دهنده و تعیین‌کننده فرهنگ است اظهار نظر می‌کند. شما کسی را پیدا نمی‌کنید که در تمامی این حوزه‌ها متخصص باشد ولی می‌توانید کسی را انتخاب کنید که رویکردش به فرهنگ مثبت باشد و از متخصصانی استفاده کند که کار را پیش ببرند. متخصص الزاما نباید در مقام معاونت باشد، می‌تواند در مقام مدیریت تا سطوح پایین‌تر هم باشد.

خیلی از وزرای فرهنگ که الان در خاطرم مرورشان می‌کنم تخصص اولیه را داشتند و رویکرد و اراده‌شان بر این قرار گرفته بود که کار فرهنگی کنند و عرصه فرهنگی را تقویت کنند.

● ولی اراده ملاک نمی‌شود.

نه، اراده ملاک نیست. اما کار خوب هم بستگی به تخصص ندارد. شاید ما مجبوریم بازگردیم به آن‌چه که امام می‌گفت و آن‌چه که اوایل انقلاب مطرح بود که تخصص یا تعهد، کدام‌یک اولی هستند و درنهایت به این نتیجه رسیدند که هردو باید باشد. شما نمی‌توانید به کسی که اساسا در پی زدن زیرآب نظام است مسئولیتی بدهید که صرف متخصص بودن، آن را پیش ببرد. در عرصه فرهنگ ما باید یک رویکرد کلی و منشوری را برای این کار تدوین کرده باشیم.

● در این چهل سال در حوزه فرهنگ طرح‌های بسیاری انجام شده ولی دیدیم که در اجرا ضعیف بودند.

شاید مقداری از آن به‌دلیل کارنابلدی است.

● خیلی از مدیران در طی این سال‌ها فعال بودند و برنامه‌های متعددی را طراحی کردند اما در انتها خروجی مناسبی نداشت و داده خوبی به‌دست نیامد.

البته برای خوب و بد هم باید ملاک را تعریف کرد.

● قطعا همین‌طور است.

ما در عرصه فرهنگ دچار اغتشاشاتی شدیم که خروجی آن اکنون به گونه‌ای است که مردم صداقت را کمتر می‌بینند و دچار تردیدهایی شده‌اند و نمونه آن اکنون در حوزه سلامت است که این‌بار مستقیما با جان مردم سروکار دارد. در این مورد هر مدیری، چه در حوزه‌های امنیتی و نظامی و چه در حوزه‌های بهداشت و درمان و آموزش عالی، باید پاسخگو باشد و مدیران فرهنگی هم باید پاسخگو باشند. ما در عرصه فرهنگ کجا بودیم که اکنون به این نقطه رسیدیم؟ این‌ها واقعیاتی است که باید طرح کرد، خودانتقادی است که باید به‌شکل واقع‌بینانه و بدون رودربایستی صورت گیرد. به‌نظر من یکی از علل عمده بحث، تنگ بودن فضای گفتگوست. اگر این عرصه باز بود شاید خیلی از موارد را می‌توانستیم مدیریت کنیم.

● فکر می‌کنید چرا کسانی که باید این عرصه را باز کنند حضور ندارند؟ محافظه‌کار شدند؟ نگرانند؟ می‌ترسند؟

موضوع به واقعیت‌های دیگری بازمی‌گردد. محافظه‌کاری نیست. نتیجه‌گیری آن‌ها نتیجه‌ای نیست که بتواند مسائل را پیش ببرد. من تجربه‌ای در همین کتابخانه ملی داشتم که فضلا و علمای بزرگ بیایند و کاری را انجام بدهند. خودم مسئولیتی برعهده نگرفتم و گفتم خودشان کار را انجام بدهند و صرفا بحث و گفتگوهایی درباره ایران و این‌که چه چیزی باید در اولویت قرار بگیرد داشتیم، اما آخرین حرف این بود که این‌ها پخش و منتشر نشود. این‌ها حرف‌هایی است که توسط عده‌ای برتابیده نمی‌شود و باید همین‌جا باقی بماند.

● چرا این روحیه به‌وجود آمده؟ من خودم به‌عنوان یک روزنامه‌نگار بارها شاهد بودم که می‌گفتند این حرف‌هایی که به شما می‌گویم جایی منتشر نشود. فکر می‌کنید چرا این روحیه در بین مدیران ما به‌وجود آمده که یک‌سری حرف‌ها را دوست ندارند دیگران هم بشنوند؟

اگر من هم بخواهم همین نکته‌ای را که شما می‌گویید عملیاتی کنم، ترجیح می‌دهم جوابتان را ندهم ولی جوابش خیلی روشن است. شما دچار توجه امنیتی می‌شوید، برای جاهای مختلف صلاحیتتان تأیید نمی‌شود و متهم می‌شوید. طرف می‌خواهد زندگی کند و ترجیح می‌دهد که حرفش منتقل و بازگو نشود. من فکر می‌کنم بین اندیشمندان حوزه‌های مختلف اجتماعی راهکار وجود دارد ولی نمی‌گویند. فکر می‌کنند اولا به جایی نمی‌رسد، ثانیا خودشان متهم خواهند شد و انگی به آن‌ها زده می‌شود. ترجیح می‌دهند سکوت کنند و حرف‌ها در قفسه سینه‌شان بماند تا وقتی که از این دنیا بروند.

● با این جمله آخر شما برگردیم به ابتدای صحبتمان. پس عدم صداقت و تردیدی که مردم می‌بینند...

اسم این عدم صداقت نیست. من شاید اسمش را بگذارم حفظ جان. اگر بخواهیم وارد این بحث‌ها شویم باید به مباحث ایدئولوژیک بپردازیم.

● و خیلی بحث درازدامنی می‌شود.

من می‌خواهم شما اسم این موضوع را بی‌صداقتی نگذارید. آن‌جا واژه معنای دیگری پیدا می‌کند.

البته خوب است که شما نظرتان را مطرح کنید.

من می‌توانم بگویم بی‌اعتمادی به ساختار یا حفظ جان.

● حتی اگر این بی‌اعتمادی را که شما می‌گویید بپذیریم، آسیب‌های جدی به جامعه تحمیل می‌کند و این چیز اندکی نیست.

این‌ها مجبورند این‌گونه باشند تا جانشان حفظ شود و بتوانند مقاصدشان را دنبال کنند.

● شما گفتید شرایط باید به‌شکل کامل مهیا باشد تا هدفی تحقق یابد اما متأسفانه این شرایط در کشور ما دائما در فراز و نشیب بوده‌اند. دوره‌های مختلف اعم از دوره سازندگی و دوره اصلاحات و دوره آقای احمدی‌نژاد -که نمی‌دانم آن را چه بنامم- گذشت و ما اکنون در موقعیتی قرار داریم که احساس می‌کنیم حرکتی نکرده‌ایم و این حس خیلی بدی است که آدم احساس خسران کند. می‌خواهم بگویم که این یأس و ناامیدی ناراحت‌کننده است.

درست است اما دلیلش را در رویکرد تربیتی نگاه کنید. معمولا در آموزش و پرورش کشورهای مختلف افراد به‌گونه‌ای تربیت می‌شوند که حس تعلق خاطر به سرزمینشان در مبانی فکری آن‌ها رشد می‌کند. در جامعه ما این بحث مغفول مانده است. اگر آموزش و پرورش می‌توانست نسل‌ها را خوب تربیت کند و این احساس تعلق تفوق پیدا می‌کرد اکنون وضع ما به گونه دیگری بود.

● چرا فقط آموزش و پرورش؟ ما نهادهای دیگری داریم که آن‌ها هم در عرصه فرهنگ متولی هستند.

آموزش و پرورش نهاد مهمی است. اگر شما فردی را در طفولیت آموزش دادید و باوری را پذیرفت، این در ذهنش حک می‌شود و همین باعث می‌شود که آن باور گسترش پیدا کند. ما در آموزش و پرورش ناتوان هستیم.

● یعنی نقش نهادهای دیگر را نادیده می‌گیرید؟

نه، دانشگاه و صدا و سیما و روحانیت و حوزه‌های علمیه هم نقش دارند. متاسفانه ما روحانیتمان را با حضور پررنگشان در همه‌جا تضعیف کردیم. لزومی نداشت روحانیت را در دانشگاه و ارتش و مراکز نظامی و انتظامی و ورزش و سینما و موسیقی داشته باشیم. همه‌جا یک روحانی می‌خواهد حرف اول را بزند. همه این‌ها هم افراد فرهیخته‌ای نیستند که بدانند چه باید بکنند و این رفتارشان آسیب‌رسان است.

● آیا سیاستگذاران حوزه فرهنگ ما که در انتها تصمیم‌گیرنده هم هستند، اشراف دقیقی بر حوزه‌های فرهنگ دارند و دقیقا می‌دانند که ما چه جایگاه و چه متولی و چه فعالیتی داریم که در انتها تصمیم درست گرفته شود؟

به‌نظر من، مدیرانمان در عرصه فرهنگ از این قابلیت برخوردارند ولی آن‌ها هم باید ملاحظات دیگری داشته باشند که آن ملاحظه کار را خراب می‌کند. یک مثال می‌زنم. وقتی آقای خاتمی می‌خواست وزیر زن انتخاب کند، به او از قم پیام داده شد که اگر شما این انتخاب را بکنید ما مشروعیت رئیس‌جمهور بودنتان را زیر سؤال می‌بریم، یعنی فتوا صادر می‌کنیم. این یک ملاحظه است و باید رعایت شود تا ایشان رأیی را که به او داده شده به مقصد برساند.

● ایشان هم نهایتا تسلیم این ملاحظه شدند.

بله، ایشان باوری هم دارد و آن این‌که وقتی که مرجع تقلیدش به او می‌گوید باید این کار را بکنی باید اطاعت کند. ما در دوره‌های مختلف از این موارد کم نداشتیم اما آن مرجعیتی که باید روشن باشد و اقتضای زمان را به‌خوبی بشناسد و حکم صادر کند هنوز جایگاهش را پیدا نکرده و مراجع ما خیلی با عالم واقع منطبق نیستند.

شرایط تغییر کرده و باید بر اساس اقتضای زمان فتوا صادر شود. صدور حکم یک بحث است و اعمال حکم به‌عهده من مدیر است که احساس کنم این آزادی و اختیار را دارم که در اعمال نظرم بر آن فتوا عمل کنم.

● ما این اعمال اختیار را در بین مدیران بسیار کم می‌بینیم.

بله، من نمی‌بینم. ترسش بیش از این است. مثلا قانون رفع تبعیض علیه زنان سال‌ها مورد بحث بود و آقای هاشمی به‌دنبال این بود که به‌شکل چراغ خاموش آن را تصویب کند اما وقتی که عده‌ای متوجه شدند، نگذاشتند و بعد از کلی بحث و جدل، درنهایت گفتند که اگر ما این قانون را تصویب کنیم فعل حرام انجام داده‌ایم و هرچه ما فریاد زدیم که اگر شما می‌گویید رفع تبعیض در اسلام حرام است پس یعنی شما تبعیض را می‌پذیرید و این ظلم آشکاری است، فایده نداشت.

غرض این است که در موارد مختلف و در فرهنگ همه عوامل به‌هم وابسته‌اند و شما نمی‌توانید باکس کوچکی را باز کنید و بگویید اگر این درست شود من همه مسائل فرهنگی را می‌توانم حل کنم. شما همه جریانات فرهنگی را که عمدتا به باورهای مردم مربوط است و منجر به چگونگی رفتارهایشان می‌شود کارساز و اثربخش بدانید.

● باورهای مردم ذیل قدرت به‌وجود می‌آیند. باور که خودبه‌خود به‌وجود نمی‌آید.

باور را چه‌کسی می‌آفریند؟ اگر باور از محیط دبستان آرام‌آرام آغاز شود و پیش برود، به‌جایی می‌رسیم که آن باور تغییر نمی‌کند. شما با گفتگو می‌توانید فرهنگ را به‌اثبات برسانید و توسعه بدهید.



وصیت‌نامه ماندگار شهید حاج قاسم سلیمانی

شهید حاج قاسم سلیمانی، نه یک رزم‌آور، که سپهسالاری اسطوره‌ای در تاریخ نبردهای منظم و نامنظم خاورمیانه و بلکه جهان بود. او شخصیتی چند وجهی داشت، گاه در قامت یک دیپلمات برجسته ظاهر می‌شد، گاه در چهره یک فرمانده جنگ‌های نامنظم، گاه در سیمای یک برادر دینی، پدر مهربان، همدرد و همراه و دلسوز همه همشهریانش، همه هموطنانش، همه شیعیان، همه مسلمانان، و همه مردمان مظلوم خاورمیانه مصیبت‌زده. سخن کوتاه کنیم، شاید هیچ عبارتی به‌اندازه این تک‌بیت سعدی بزرگ گویای شخصیت حاج قاسم نباشد:

صبر بسیار بباید پدر پیر فلک را   تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

و اینک ماییم و وصیت‌نامه شهید جاوید، سپهبد حاج قاسم سلیمانی:

بسم الله الرحمن الرحیم

شهادت می‌دهم به اصول دین. اشهد أن لااله الاالله و اشهد أن محمدا رسول‌الله و اشهد أن امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب و اولاده‌المعصومین اثنی‌عشر ائمّتنا و معصومیننا حججِ‌الله. شهادت می‌دهم که قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم حق است، سؤال و جواب حق است، معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.

خدایا! تو را سپاس می‌گویم به‌خاطر نعمت‌هایت!

خداوندا! تو را سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیایت را که قرین و قریب معصومین است، عبد صالحت خمینی کبیر را درک کنم و سرباز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت محمد مصطفی را نداشتم و اگر بی‌بهره بودم از دوره مظلومیت علی‌بن ابی‌طالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مرا در همان راهی قرار دادی که آن‌ها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.

خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری که مظلومیتش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیّع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز -که جانم فدای جان او باد- قرار دادی. پروردگارا! تو را سپاس که مرا با بهترین بندگانت درهم آمیختی و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را -یعنی مجاهدین و شهدای این راه- به من ارزانی داشتی. خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزّاق، پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی‌بن ابی‌طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌هایت است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بی‌قراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت داد.

خداوندا، تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل‌بیت و پیوسته در مسیر پاکی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشت و با اولیایت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرما.

خدایا! به عفو تو امید دارم!

ای خدای عزیز و ای خالق حکیم بی‌همتا! دستم خالی است و کوله‌پشتی سفرم خالی، من بدون برگ و توشه‌ای به‌امید ضیافت عفو و کرم تو می‌آیم. من توشه‌ای برنگرفته‌ام؛ چون فقیر [را] در نزد کریم چه حاجتی است به توشه و برگ؟!

سارِق، چارُقم پر است از امید به تو و فضل و کرم تو؛ همراه خود دو چشم بسته آورده‌ام که ثروت آن در کنار همه ناپاکی‌ها، یک ذخیره ارزشمند دارد و آن گوهر اشک بر حسین فاطمه است؛ گوهر اشک بر اهل‌بیت است؛ گوهر اشک دفاع از مظلوم، یتیم، دفاع از محصورِ مظلوم در چنگ ظالم.

خداوندا! در دستان من چیزی نیست؛ نه برای عرضه [چیزی دارند] و نه قدرت دفاع دارند، اما در دستانم چیزی را ذخیره کرده‌ام که به این ذخیره امید دارم و آن روان بودن پیوسته به‌سمت تو است. وقتی آن‌ها را به‌سمتت بلند کردم، وقتی آن‌ها را برایت بر زمین و زانو گذاردم، وقتی سلاح را برای دفاع از دینت به دست گرفتم؛ این‌ها ثروتِ دست من است که امید دارم قبول کرده باشی. خداوندا! پاهایم سست است، رمق ندارد. جرأت عبور از پلی که از جهنم عبور می‌کند، ندارد. من در پل عادی هم پاهایم می‌لرزد، وای بر من و صراط تو که از مو نازک‌تر است و از شمشیر بُرنده‌تر؛ اما یک امیدی به من نوید می‌دهد که ممکن است نلرزم، ممکن است نجات پیدا کنم.

من با این پاها در حَرَمت پا گذارده‌ام، دورِ خانه‌ات چرخیده‌ام و در حرم اولیایت در بین‌الحرمین حسین و عباست آن‌ها را برهنه دوانده‌م و این پاها را در سنگرهای طولانی، خمیده جمع کردم و در دفاع از دینت دویدم، جهیدم، خزیدم، گریستم، خندیدم و خنداندم و گریستم و گریاندم؛ افتادم و بلند شدم. امید دارم برای آن جهیدن‌ها و خزیدن‌ها و به حُرمت آن حریم‌ها، آن‌ها را ببخشی. خداوندا! سر من، عقل من، لب من، گوش من، قلب من، همه اعضا و جوارحم در همین امید به‌سر می‌برند؛ یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن‌چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله!

خدایا! از کاروان دوستانم جامانده‌ام!

خداوند، ای عزیز! من سال‌هاست از کاروانی به‌جا مانده‌ام و پیوسته کسانی را به‌سوی آن روانه می‌کنم، اما خود جا مانده‌ام، اما تو خود می‌دانی هرگز نتوانستم آن‌ها را از یاد ببرم. پیوسته یاد آن‌ها، نام آن‌ها، نه در ذهنم بلکه در قلبم و در چشمم، با اشک و آه یاد شدند.

عزیز من! جسم من در حال علیل شدن است. چگونه ممکن [است] کسی که چهل سال بر درت ایستاده است را نپذیری؟ خالق من، محبوب من، عشق من که پیوسته از تو خواستم سراسر وجودم را مملو از عشق به خودت کنی؛ مرا در فراق خود بسوزان و بمیران.

عزیزم! من از بی‌جاقراری و رسوای ماندگی، سر به بیابان‌ها گذارده‌ام؛ من به‌امیدی از این شهر به آن شهر و از این صحرا به آن صحرا در زمستان و تابستان می‌روم. کریم، حبیب، به کَرَمت دل بسته‌ام، تو خود می‌دانی دوستت دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن.

خدایا وحشت همه وجودم را فرا گرفته است. من قادر به مهار نفس خود نیستم، رسوایم نکن. مرا به‌حرمت کسانی که حرمتشان را بر خودت واجب کرده‌ای، قبل از شکستن حریمی که حرم آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند، مرا به قافله‌ای که به‌سویت آمدند، متصل کن. معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن‌چنان که شایسته تو باشم.

خطاب به برادران و خواهران مجاهدم...

خواهران و برادران مجاهدم در این عالم، ای کسانی که سرهای خود را برای خداوند عاریه داده‌اید و جان‌ها را بر کف دست گرفته و در بازار عشق‌بازی به سوق فروش آمده‌اید، عنایت کنید: جمهوری اسلامی، مرکز اسلام و تشیع است.

امروز قرارگاه حسین‌بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمّدی(ص).

برادران و خواهرانم! جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم. خوب می‌دانید منزّه‌ترین عالِم دین که جهان را تکان داد اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجات‌بخش این امت قرار داد؛ لذا چه شما که به‌عنوان شیعه به آن اعتقاد دینی دارید و چه شما که به‌عنوان سنّی اعتقاد عقلی دارید، بدانید [باید] به‌دور از هرگونه اختلاف، برای نجات اسلام خیمه ولایت را رها نکنید. خیمه، خیمه رسول‌الله است. اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید. والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت‌الله‌الحرام و مدینه حرم رسول‌الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند.

خطاب به برادران و خواهران ایرانی...

برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پرافتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما این‌که شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید، اصول یعنی ولیّ فقیه، خصوصا این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید.

برادران و خواهران، پدران و مادران، عزیزان من!

جمهوری اسلامی، امروز سربلندترین دوره خود را طی می‌کند. بدانید مهم نیست که دشمن چه نگاهی به شما دارد، دشمن به پیامبر شما چه نگاهی داشت و [دشمنان] چگونه با پیامبر خدا و اولادش عمل کردند، چه اتهاماتی به او زدند، چگونه با فرزندان مطهر او عمل کردند؟ مذمت دشمنان و شماتت آن‌ها و فشار آن‌ها، شما را دچار تفرقه نکند.

بدانید که می‌دانید مهم‌ترین هنر خمینی عزیز این بود که اول اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. اگر اسلام نبود و اگر روح اسلامی بر این ملت حاکم نبود، صدام چون گرگ درنده‌ای این کشور را می‌درید؛ آمریکا چون سگ هاری همین عمل را می‌کرد، اما هنر امام این بود که اسلام را پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرّم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد، انقلاب‌هایی در انقلاب ایجاد کرد، به‌این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده‌اند و بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را ذلیل خود نموده‌اند. عزیزانم، در اصول اختلاف نکنید.

شهدا، محور عزّت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه این‌ها به دریای واسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آن‌ها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندانتان را با نام آن‌ها و تصاویر آن‌ها آشنا کنید. به فرزندان شهدا که یتیمان همه شما هستند، به‌چشم ادب و احترام بنگرید. به همسران و پدران و مادران آنان احترام کنید، همان‌گونه که از فرزندان خود با اغماض می‌گذرید، آن‌ها را در نبود پدران، مادران،

همسران و فرزندان خود توجه خاص کنید.

نیروهای مسلّح خود را که امروز ولی‌فقیه فرمانده آنان است، برای دفاع از خودتان، مذهبتان، اسلام و کشور احترام کنید و نیروهای مسلح می‌بایست همانند دفاع از خانه خود، از ملت و نوامیس و ارضِ آن حفاظت و حمایت و ادب و احترام کنند و نسبت به ملت همان‌گونه که امیرالمؤمنین مولای متقیان فرمود، نیروهای مسلح می‌بایست منشأ عزت ملت باشد و قلعه و پناهگاه مستضعفین و مردم باشد و زینت کشورش باشد.

خطاب به مردم عزیز کرمان...

نکته‌ای هم خطاب به مردم عزیز کرمان دارم؛ مردمی که دوست‌داشتنی‌اند و در طول هشت‌سال دفاع مقدس بالاترین فداکاری‌ها را انجام دادند و سرداران و مجاهدین بسیار والامقامی را تقدیم اسلام نمودند. من همیشه شرمنده آن‌ها هستم. هشت‌سال به‌خاطر اسلام به من اعتماد کردند؛ فرزندان خود را در قتلگاه‌ها و جنگ‌های شدیدی چون کربلای۵، والفجر۸، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس و... روانه کردند و لشکری بزرگ و ارزشمند را به‌نام و به عشق امام مظلوم حسین‌بن علی به‌نام ثارالله، بنیانگذاری کردند. این لشکر همچون شمشیری برنده، بارها قلب ملتمان و مسلمان‌ها را شاد نمود و غم را از چهره آن‌ها زدود. عزیزان! من بنا به‌تقدیر الهی امروز از میان شما رفته‌ام. من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آن‌ها بودم؛ ضمن این‌که من پاره‌تن آن‌ها بودم و آن‌ها پاره وجود من، اما آن‌ها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم.

دوست دارم کرمان همیشه و تا آخر با ولایت بماند. این ولایت، ولایت علی‌بن ابی‌طالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است، دور آن بگردید. با همه شما هستم. می‌دانید در زندگی به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها بیشتر از رنگ‌های سیاسی توجه کردم. خطاب من به همه شماست که مرا از خود می‌دانید، برادر خود و فرزند خود می‌دانید.

وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی‌یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است. در مسائل سیاسی آن‌جا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، این‌ها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

خطاب به خانواده شهدا...

فرزندانم، دختران و پسرانم، فرزندان شهدا، پدران و مادران باقی‌مانده از شهدا، ای چراغ‌های فروزان کشور ما، خواهران و برادران و همسران وفادار و متدینه شهدا! در این عالم، صوتی که روزانه من می‌شنیدم و مأنوس با آن بودم و همچون صوت قرآن به من آرامش می‌داد و بزرگ‌ترین پشتوانه معنوی خود می‌دانستم، صدای فرزندان شهدا بود که بعضا روزانه با آن مأنوس بودم؛ صدای پدر و مادر شهدا بود که وجود مادر و پدرم را در وجودشان احساس می‌کردم.

عزیزانم! تا پیشکسوتان این ملتید، قدر خودتان را بدانید. شهیدتان را در خودتان جلوه‌گر کنید، به‌طوری که هرکس شما را می‌بیند، پدر شهید یا فرزند شهید را، بعینه خودِ شهید را احساس کند، با همان معنویت، صلابت و خصوصیت. خَواهش می‌کنم مرا حلال کنید و عفو نمایید. من نتوانستم حق لازم را پیرامون خیلی از شماها و حتی فرزندان شهیدتان ادا کنم، هم استغفار می‌کنم و هم طلب عفو دارم. دوست دارم جنازه‌ام را فرزندان شهدا بر دوش گیرند، شاید به‌برکت اصابت دستان پاک آن‌ها بر جسدم، خداوند مرا مورد عنایت قرار دهد.

خطاب به سیاسیون کشور...

نکته‌ای کوتاه خطاب به سیاسیون کشور دارم: چه آن‌هایی [که] اصلاح‌طلب خود را می‌نامند و چه آن‌هایی که اصولگرا. آن‌چه پیوسته در رنج بودم این‌که عموما ما در دو مقطع، خدا و قرآن و ارزش‌ها را فراموش می‌کنیم، بلکه فدا می‌کنیم. عزیزان، هر رقابتی با هم می‌کنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به‌نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید، شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. اصول، مطوّل و مفصّل نیست. اصول عبارت از چند اصل مهم است:

اول آن‌ها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این‌که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به‌عنوان طبیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید. کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن [این است که] اعتقاد حقیقی و عمل به ولایت فقیه داشته باشد. من نه می‌گویم ولایت تئوری و نه می‌گویم ولایت قانونی؛ هیچ یک از این دو، مشکل وحدت را حل نمی‌کند؛ ولایت قانونی، خاصّ عامه مردم اعم از مسلم و غیرمسلمان است، اما ولایت عملی مخصوص مسئولان است که می‌خواهند بار مهم کشور را بر دوش بگیرند، آن هم کشور اسلامی با این همه شهید!

اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آن‌چه مبنای آن بوده است، از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها، چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام، به‌کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزاری به ملّت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند خاطره خان‌های سابق را تداعی می‌کنند، مقابله با فساد و دوری از فساد و تجمّلات را شیوه خود قرار دهند.

در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمتگزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجیهات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کنند. مسئولان همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند، نه با بی‌مبالاتی و به‌خاطر احساسات و جلب برخی از آرای احساسی زودگذر، از اخلاقیاتی حمایت کنند که طلاق و فساد را در جامعه توسعه دهد و خانواده‌ها را از هم بپاشاند.

حکومت‌ها عامل اصلی در استحکام خانواده و از طرف دیگر عامل مهم از هم پاشیدن خانواده هستند. اگر به اصول عمل شد، آن وقت همه در مسیر رهبر و انقلاب و جمهوری اسلامی هستند و یک رقابت صحیح بر پایه همین اصول برای انتخاب اصلح صورت می‌گیرد.

خطاب به برادران سپاهی و ارتشی...

کلامی کوتاه خطاب به برادران سپاهی عزیز و فداکار و ارتشی‌های سپاهی دارم: ملاک مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید. طبیعی است به ولایت اشاره نمی‌کنم، چون ولایت در نیروهای مسلح جزء نیست، بلکه اساس بقای نیروهای مسلح است، این شرط خلل‌ناپذیر می‌باشد.

نکته دیگر، شناخت به‌موقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم به‌موقع و عمل به‌موقع؛ هر یک از این‌ها اگر در غیر وقت خود صورت گیرد، بر پیروزی شما اثر جدّی دارد.

خطاب به علما و مراجع معظم...

سخنی کوتاه از یک سرباز ۴۰ساله در میدان، به علمای عظیم‌الشأن و مراجع گران‌قدر که موجب روشنایی جامعه و سبب زدودن تاریکی‌اند. مراجع عظام تقلید؛ سربازتان از یک برج دیده‌بانی دید که اگر این نظام آسیب ببیند، دین و آن‌چه از ارزش‌های آن [که] شما در حوزه‌ها استخوان خُرد کرده‌اید و زحمت کشیده‌اید، از بین می‌رود.

این دوره‌ها با همه دوره‌ها متفاوت است، این‌بار اگر مسلّط شدند، از اسلام چیزی باقی‌نمی‌ماند. راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است.

نباید در حوادث، دیگران شما را که امید اسلام هستید به ملاحظه بیندازند. همه شما امام را دوست داشتید و معتقد به راه او بودید. راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولی فقیه است.

من با عقل ناقص خود می‌دیدم برخی خنّاسان سعی داشتند و دارند که مراجع و علمای مؤثر در جامعه را با سخنان خود و حالت حق‌به‌جانبی به سکوت و ملاحظه بکشانند. حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند. من حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را خیلی مظلوم و تنها می‌بینم. او نیازمند همراهی و کمک شماست و شما حضرات با بیانتان و دیدارهایتان و حمایت‌هایتان با ایشان می‌بایست جامعه را جهت دهید. اگر این انقلاب آسیب دید، حتی زمان شاه ملعون هم نخواهد بود، بلکه سعی استکبار بر الحادگری محض و انحراف عمیق غیرقابل برگشت خواهد بود.

دست مبارکتان را می‌بوسم و عذرخواهی می‌کنم از این بیان، اما دوست داشتم در شرف‌یابی‌های حضوری به محضرتان عرض کنم که توفیق حاصل نشد.

سربازتان و دست‌بوستان

از همه طلب عفو دارم

از همسایگانم و دوستانم و همکارانم طلب بخشش و عفو دارم. از رزمندگان لشکر ثارالله و نیروی باعظمت قدس که خار چشم دشمن و سدّ راه او است، طلب بخشش و عفو دارم؛ خصوصا از کسانی که برادرانه به من کمک کردند.

نمی‌توانم از حسین پورجعفری نام نبرم که خیرخواهانه و برادرانه مرا مثل فرزندی کمک می‌کرد و مثل برادرانم دوستش داشتم. از خانواده ایشان و همه برادران رزمنده و مجاهدم که به زحمت انداختمشان عذرخواهی می‌کنم. البته همه برادران نیروی قدس به من محبّت برادرانه داشته و کمک کردند و دوست عزیزم سردارقاآنی که با صبر و متانت مرا تحمل کردند.

دلنوشته دریادار شمخانی برای سپهبد شهید سلیمانی

قاسم جان تو بُردی!

هوالمحبوب

سلام قاسم جان

جان برادر

نوشتن برایت سخت نیست، چون فقط باز کردن صندوقچه خاک‌گرفته‌ای است که در دل، نامه‌های یک‌یکمان را سال‌ها به ودیعت نگاه داشته برای یوم العهد.

بالاخره طاقت نیاوردی و سبقت گرفتی و رفتی؛ پرکشیدنت گوارای وجود، رفیق.

به رفتنت بی‌پا، به بال گشودنت بی‌دست، به سینه سوخته و شرحه‌شرحه‌ات حسرت بر سینه مانده شهادتمان، باز تازه شد…

حسرت شهادت به دست اشقی‌الاشقیا را پشت سر گذاشتی و با زمزمه لبخند پر رمز و رازت همه نگفتنی‌ها را فریاد زدی.

قاسم جان، شهادتت چقدر جگرسوز شد و انتظار دوباره دیدنت ابدی!

عملیات به عملیات، میدان به میدان، از بیت‌المقدس و فتح‌المبین، از کربلا تا کربلا ۴ و ۵ و ۸، خیبر تا فاو، تا قطعنامه، تا مرصاد، پای عهدی که با پیر و قائد این راه پر حماسه داشتیم ماندی و این راه بی پایان و ابدی را تا لبنان، فلسطین، عراق، سوریه، یمن و افغانستان و دور و نزدیک ره سپردی تا دستت به آسمان رسید و پرکشیدی. پرکشیدنت گوارای وجود.

هر جا که ردی از عشق خمینی و خامنه‌ای بود و هر جا که کینه‌ورزی جنایتکاران و زورگویان بود، تو بودی.

قاسم جان، تو بردی!

میدان، میدان تو بود و دشمن مقهور نگاه نافذت.

این ره که گشوده‌ای بسته نخواهد شد

این سوز بر سینه نشسته خاموش نخواهد شد

این شور برانگیخته، طومار دشمن کورت را در هم خواهد پیچید و آن گستره که زیر نفوذ قلب تو بر انقلاب و مستضعفان عالم گشوده شد دیری نخواهد گذشت که برافروزد و عالم بگیرد

دوباره سلام جان برادر

سلام بر روح بلند و کبریایی‌ات

سلام بر عزم آسمانی و بی‌فرودت

سلام بر عقیق پیشانیت

سلام، پیکر ارباً اربا

سلام بر دست عباس

سلام بر جسم صد پاره حسین

سلام…

علی شمخانی ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸



با دیپلمات انقلابی، زنده یاد دکتر حسین شیخ الاسلام

سربازمقاومت

زنده‌یاد دکتر حسین شیخ‌الاسلام دیپلماتی انقلابی بود که در تاریخ جمهوری اسلامی در موضع دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی قرار داشت. او تمام دوران مسؤولیتش را در حوزه جبهه مقاومت فعالیت کرد؛ از «معاونت عربی-آفریقای وزارت امور خارجه» تا «سفارت سوریه» و «دبیر کلی دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین» حضور فعالی در جبهه مقاومت داشت و در نقاط مهمی به کمک جبهه مقاومت می‌آمد. آنچه در ادامه می‌آید خلاصه‌ای از گفتگوی مرحوم «حسین شیخ‌الاسلام» با «وطن‌امروز» است.

حسین شیخ‌الاسلام از کجا وارد فضای سیاست کشور شد؟

من پیش از انقلاب دانشجوی دانشگاه برکلی کالیفرنیا بودم. در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اروپا، آمریکا و کانادا فعالیت دانشجویی داشتم؛ آن اواخر هم دبیر اتحادیه شده بودم. وقتی به ایران برگشتم و انقلاب شد، با بچه‌های دانشجوی عضو انجمن اسلامی ارتباط داشتم. شروع فعالیت سیاسی‌ام از آنجا بود اما شاید تسخیر لانه جاسوسی جایی بود که ورودم جدی‌تر شد.

در آنجا اسناد را ما شروع کردیم به بازسازی کردن؛ من مسؤولیتم چک کردن همین اسناد بود، بعد از بازسازی، یک خلاصه‌ای هم می‌نوشتیم و می‌فرستادیم برای گروه‌هایی که حالا درباره اینها تصمیم‌گیری کنند. درباره شخصیت‌های مختلف از اسناد لانه جاسوسی مطالبی در می‌آمد و آن را منتشر می‌کردند. البته آمریکایی‌ها ممنوع کرده بودند این اسناد وارد آمریکا شود که مردم آمریکا آن را نخوانند.

یکی از جاهایی که واقعاً ظلم شد و این ظلم را هم منافقان و طرفداران آقای بنی‌صدر کردند درباره شهید بهشتی بود. آنها شهید بهشتی را به آمریکایی بودن متهم می‌کردند و در آن فضای انقلابی اینگونه ضد شهید بهشتی کار می‌کردند، در صورتی که اینها دروغ محض بود. در اسناد لانه جاسوسی در چند جلسه از شهید بهشتی هم نام برده شده بود. یکی از آن جلسات مربوط به قبل از انقلاب بود. هایزر یکی از مهم‌ترین فرماندهان ارتش آمریکا برای ساماندهی ارتش شاه و جلوگیری از انقلاب آمده بود؛ می‌خواست با شورای انقلاب هم جلسه بگذارد، امام خمینی شهید بهشتی را مأمور کرده بودند که برود ببیند این فرد چه می‌گوید و در آن جلسه شهید بهشتی با منطق و استدلال به هایزر تفهیم کرده بود که با کودتا یا راه دیگری نمی‌توانند در برابر انقلاب ایران بایستند. شهید بهشتی گفته بود که این ملت، ملت سال ۳۲ نیست و این امام هم، دکتر مصدق نیست و اگر کودتا هم بکنید خونریزی بیشتری دارد اما ناموفق است و نفرت از آمریکا را بیشتر می‌کند. این موضع که کاملا انقلابی و ضدآمریکایی بود. جلسه دیگری هم در اسناد بود که آمریکایی‌های ساکن سفارت بعد از انقلاب و چند روز قبل از تسخیر لانه جاسوسی می‌خواستند با شهید بهشتی ملاقات کنند. آقای لینگن، کاردار سفارت آمریکا درخواست دیدار داده بود که شهید بهشتی گفته بود به ساختمان مجلس خبرگان بیایند. در آن جلسه هم شهید بهشتی تماماً انتقادات جامعه و حکومت علیه آمریکا را بیان کرده بود. در آن جلسه شهید بهشتی مطالبات ملت ایران مثل اموال بلوکه شده ایران در آمریکا و از همه مهم‌تر تسلیم شاه به ایران برای محاکمه عادلانه را خواسته بود، و آنجا اگر حرف شهید بهشتی را گوش کرده بودند شاید چند روز بعد سفارت‌شان تسخیر نمی‌شد! لینگن هم این را به آمریکایی‌ها گفته بود و دولت آمریکا با تبختر و تکبرش گوش نکرده بود! اما این جریان منافقان به دروغ علیه شهید بهشتی عمل می‌کردند تا ایشان را ترور شخصیت کنند.

شما شهید بهشتی را از قبل انقلاب می‌شناختید؟

بله! وقتی آمریکا بودم، دبیر انجمن اسلامی بودم. خانه بزرگی را اجاره کرده بودند که نصف اجاره‌اش را من می‌دادم و نصفش را بقیه بچه‌ها، اتاق جلسات انجمن اسلامی بود، من هم سرایدارش بودم (می‌خندد)؛ مرکز فعالی بود در برکلی کالیفرنیا، در آن زمان شهید بهشتی سفری داشتند به آمریکا و هم ایشان اهمیت جایگاه انجمن‌های اسلامی را می‌دانست و هم ما نسبت ایشان با امام و جایگاهشان در معادلات انقلاب را می‌دانستیم. همه فعالان کالیفرنیا و ایالت‌های اطرافشان را آنجا جمع کردیم و ایشان برای ما صحبت کردند. از همان جلسات اولیه قدرت اداره و سازماندهی ایشان، قدرت بیان‌شان همه را جذب کرد و خط داد که وظیفه ما در نسبت با انقلاب در آمریکا چیست!

از ماجرای لانه جاسوسی بگذریم و به منطقه برسیم... شما اینجا خیلی بیشتر شناخته شده‌اید.

یکی از الطاف خدا به من این بود که در حوزه دیپلماسی، در منطقه غرب آسیا به کار گرفته شدم و سر و کارم با گروه‌های مقاومت منطقه‌ای بود. یکی از لطف‌های خدا این بود که من با «شهید سیدعباس موسوی»، «شهید عماد مغنیه» و «سیدحسن نصرالله» و «آقای بشار اسد» و پدرشان حافظ اسد آشنا شدم.

این لطف خدا بود که بعد از انقلاب با انقلابی‌های منطقه پیوند خوردم. مثلا شخصیتی مثل حاج عماد مغنیه که واقعاً انسان وارسته‌ای بود و روزی که شهید شد در ذهن من فقط این گزاره عبور کرد که ظرف وجودی او پر شده بود و هنگامه شهادتش فرا رسیده بود. او آن قدر در حوزه استراتژیک تیزهوش بود که حتی برای قرار ملاقات‌هایش هم طرح‌ریزی می‌کرد. روزی آقای شمخانی (وزیر دفاع وقت) برای دیدار با حاج عماد در لبنان قرار داشت؛ شهید مغنیه برای اینکه شناخته نشود و بتواند به راحتی توضیحات لازم را به او ارائه دهد، پشت فرمان نشست و در نقش راننده همه مناطق را مورد بازدید قرار داد و برای آقای شمخانی تشریح کرد. درباره این تیزهوشی حاج عماد یک خاطره‌ای یادم می‌آید. بعد از جنگ ۳۳ روزه که شهید مغنیه به همراه سیدحسن نصرالله برای تشکر از مسؤولان و مردم به تهران آمده بودند، به همراه هم به منازل مقامات می‌رفتیم و دیدارهایی انجام می‌شد. در پایان این دیدارها، وقتی که میزبان ابراز علاقه می‌کرد تا با میهمانان عکس یادگاری بگیرد، حاج عماد زرنگی می‌کرد و دوربین را از دست آنها می‌گرفت تا به عنوان عکاس، از آنها عکس بگیرد و خودش در تصاویر نباشد.

در آن روزهای اول بین این گروه‌های آزادی‌بخش در نظر ما و مسؤولان ما تفاوتی هم بود؟

به صورت کلی هر کس علیه استکبار بود ما با آنها همراهی می‌کردیم. اما یک نکته جالبی بود؛ این گروهها می‌آمدند و می‌رفتند ولی گروهی که امام خمینی(ره) گفتند همه‌جوره از اینها حمایت کنید حزب‌الله لبنان بود. وقتی اینها آمدند پیش امام و رفتند، امام گفت از اینها حمایت کنید. حزب‌الله تشکیلات کوچکی بود اما با حمایت ایران کم‌کم رشد کرد. حزب‌الله در لبنان با فعالیت‌های اجتماعی و خدماتی بدنه اجتماعی پیدا کرد، و نقطه عطف آن شد بیرون کردن اسرائیل از لبنان در سال ۲۰۰۰ و بعد از آن هم حماسه جنگ ۳۳ روزه.

ما در جنگ ۳۳ روزه چگونه پیروز شدیم؟

آن جنگ همه لطف خدا بود. ما در جنگ، اطلاعاتی را که ام‌کاهای اسرائیلی از مناطق ما مخابره می‌کردند، رمزگشایی می‌کردیم. این موضوع تا قتل حریری هم ادامه داشت؛ آنجا که حزب‌الله را متهم کرده بودند، در دادگاه ما فیلم‌های ام‌کاها را نشان دادیم که چگونه آنها رصدش کرده و ترورش کرده بودند. آنجا همه فهمیدند که ما روی ام‌کاها سواریم. نکته بعدی هم بحث ارتباطات سیمی‌ای بود که در سراسر جبهه مقاومت لبنان بود و با هم ارتباط داشتند. بعد هم لطف‌هایی بود که خدا داشت. مثلا زدن قایق‌های اسرائیلی در انتهای صحبت سیدحسن نصرالله که این اراده خدا بود. در جنگ ۳۳روزه مدیریت حاج قاسم، حاج عماد و سیدحسن نصرالله خیلی موثر بود.

شما یک دوره طولانی در سوریه مسؤولیت داشتید، نسبت ایران با سوریه چگونه است؟

یک نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود و اگر به آن توجه شود حمایت سال‌های اخیر ایران از سوریه را بیشتر متوجه می‌شویم، حمایتی است که سوریه از ما در جنگ ۸ ساله صدام علیه ما کرده بود. صدام از طرف همه قدرت‌های دنیا حمایت می‌شد. از سوی این دولت‌های عربی منطقه حمایت می‌شد اما تنها کشور عربی که از جمهوری اسلامی و در واقع باید بگوییم از جبهه حق دفاع کرد، سوریه و رئیس‌جمهور آن حافظ اسد بود. او حتی در حمایت از ما از بخشی از منافع خود هم گذشت. اگر می‌بینید حاج قاسم سلیمانی به کمک سوریه رفته است، زیرا این همان سوریه است که آن زمان به کمک ما آمده بود. البته این را هم در نظر بگیریم که حضور حاج قاسم در سوریه در درجه اول امنیت ما در تهران را تامین می‌کند.

نام سردار سلیمانی را آوردید؛ موقعی که مسؤولیت داشتید با حاج‌قاسم هم همکاری داشتید؟

نمی‌شود در منطقه کار کرد و با حاج‌قاسم همکاری نداشت. من همیشه سرباز حاج‌قاسم بودم؛ حاج‌قاسم از همه ما دیپلمات‌تر است. قدرت مذاکره او برای ما دیپلمات‌ها کلاس درس است.

یادم هست وقتی مدیرکل بین‌الملل مجلس بودم بحث داعش و ریشه آن داغ بود. آقای لاریجانی با اردوغان یک بحث شدیدی داشت. نتیجه بحث این شد که هر آنچه از صندوق‌های رای در سوریه بیرون آمد را اردوغان بپذیرد. آن زمان آقای لاریجانی به من تلفن زد و گفت داووداوغلو را پیش سرلشکر قاسم سلیمانی بفرستید اما قبل از آن تو به سرلشکر سلیمانی بگو که چه اتفاقی افتاده و جزئیات را بازگو کن؛ من هم زنگ زدم به حاج‌قاسم و گفتم. داووداوغلو به آنجا رفت و پس از آن سرلشکر سلیمانی به من زنگ زد و گفت حسین! اینها این موضوع را می‌گویند اما اجرا نمی‌کنند، که بعدها هم این پیش‌بینی سرلشکر درست از آب درآمد. حاج‌قاسم واقعاً یک دیپلمات برجسته است و در همان جلسه هم خوب تشخیص می‌دهد که نتیجه چه می‌شود. حاج‌قاسم هم دیپلمات است، هم فرمانده نظامی و هم یک استراتژیست بزرگ است؛ او هنر بزرگی دارد که توانسته در برابر داعش، یک ارتش بین‌المللی اسلامی از همه ملت‌ها را تشکیل بدهد. این را هم در نظر بگیریم که سردار سلیمانی و سپاه قدس پشتوانه دستگاه دیپلماسی هستند.

لاله‌زار



نفیسه نصیران

آن عید ماندم تهران، چون نامزدی‌ام به‌هم خورده بود. با نامزدم روی پل عابر پیاده دعوا کردیم، پلی که همیشه بدوبدو از پله‌های آن بالا می‌رفتم تا به آن طرف خیابان کریم‌خان برسم و بپیچم توی خیابان ویلا. بعد بن‌بست دراز را گز کنم تا به ساختمان قرمز دندان‌پزشکی ته کوچه برسم.

آمدم خانه. خانه که می‌گویم، منظورم آپارتمان یک‌خوابه‌ای است که با سه‌چهارتا از بچه‌های دانشگاه رهن کرده بودیم.

آرام که شدم به‌نظرم آمد به‌هم خوردن نامزدی‌ام خیلی هم بد نیست. برای همین تصمیم گرفتم در تعطیلات عید در دندان‌پزشکی شبانه‌روزی که پاره‌وقت در آن کار می‌کردم، اضافه‌کار بگیرم و بمانم و در کنارش روی پایان‌نامه‌ام کار کنم. هرچند سهم اضافه‌کاری عید برای هرکس فقط هفت‌روز بود و هفتم فروردین که می‌رفتم خانه، ناچار با عواقب احتمالی نامزدی بی‌فرجام مواجه می‌شدم.

دوسه روز به‌عید مانده، همخانه‌هایم رفتند و طبق توافق قبلیمان ساختمان سم‌پاشی شد. من ماندم و پیرزن زمین‌گیر طبقه بالا و پسر زردنبوی درازش که توی خانه سفالگری می‌کرد. برای همین دم غروب خسته توی مبل فرو رفته بودم که صدای در مرا ترساند.

پشت در، زن بلندبالایی بود با چشم‌های زاغ. در که باز شد، یک سینی با هفت جام سفالی خالی هل داد تو و تند از من پرسید تعطیلات عید خانه هستم یا نه. فرصت نداد چیزی بگویم. تندتند حرف‌هایی زد که من به‌جز کلمه‌های عید و سال تحویل، چیز دیگری از آن نفهمیدم. سینی ظرف‌های هفت‌سین را گرفتم و آمدم توی خانه.

دوباره صدای در آمد. باز که کردم همان زن چشم‌زاغ بود که کاسه‌ای سفالی را با نایلون‌های کوچک و بزرگ که داخل آن‌ها سیر و سماق و این جور چیزها بود از لای در داد تو.

گفت که در نبود برادرش، هوای پیرزن را داشته باشم. به‌مادرش سر بزنم و اگر چیزی خواست برایش بخرم. یک‌دفعه زبانم باز شد. پریدم توی حرفش گفتم: «من سر کارم، خونه نیستم. اگر هم باشم باید روی پایان‌نامه‌ام کار کنم.» زن با سماجت گفت: «مادرم کاری نداره که. فوقش خریدی چیزی داشته باشه. آپارتمانش طبقه بالاست. گفتم که اگه کاری داشت با عصاش بکوبه روی زمین...»

نیمه‌شب خواب بودم که با صدای تق‌تق از خواب پریدم. به‌سقف خیره شدم. پیرزن را تصور کردم در حال کوفتن نوک عصایش روی زمین. محل نگذاشتم و خوابیدم. اما ریتم یکنواخت تق، تق، تق ادامه داشت. بلند شدم و خواب‌آلود رفتم طبقه بالا. در خانه‌اش باز بود و نور زرد چرکی از لای در بیرون زده بود.

پیرزن گفت: «اومدی؟ اومدی؟» صدایش من را یاد جیرجیر درهای چوبی خشک و روغن‌نخورده می‌انداخت. گفتم: «مغازه باز نیست الان، چی می‌خوای بخرم؟» چیزی گفت که نشنیدم. در را باز گذاشت و رفت داخل. از لای در دیدم که رفت طرف تختش. پیرزن زیر لب حرف می‌زد. معلوم نبود با من حرف می‌زند یا با خودش....

وقت سال تحویل سر کار بودم و داشتم برای جابه‌جا کردن شیفت‌هایم تلاش می‌کردم. این‌در و آن‌در زدنم برای دو شیفت آخر نتیجه داد. همین هم جای شکر داشت. می‌توانستم به جای هفتم، روز پنجم فروردین برگردم. رغبت زیادی برای رفتن نداشتم اما رفتن را به این‌طور ماندن ترجیح می‌دادم.

خیابان‌ها در اولین شب سال نو، خلوت بود. تهران جور دیگری شده بود؛ دوست‌داشتنی‌تر. داشتم از شیفت برمی‌گشتم خانه. سر کوچه‌مان که رسیدم، در تنها پنجره روشن ساختمان چیزی دیدم که مجبور شدم بدوم. پیرزن سر و گردنش را از پنجره بیرون آورده بود. داشت آویزان می‌شد. در حیاط را که باز کردم، داد زد «اومدی؟»

گفتم: «برین عقب. برین عقب. الان پرت می‌شین پایین.»

از جایش تکان نخورد. از پله‌ها دویدم بالا. در را که باز کردم دیدم روی تخت نشسته است. سرش را کرده توی کیف چرمی سیاه. صدای مرا نمی‌شنید. بالاخره سرش را از توی کیف بیرون آورد و گفت «کیف پولم نیست». معلوم شد زردنبو موقع رفتن کیف مادرش را برداشته و رفته است.

خواستم بیایم بیرون که با همان صدای خش‌دار گفت «وایستا... کارت دارم». به‌زور از روی تخت بلند شد. عصایش را برداشت و به سمت قفسه کوچک کتاب روبه‌رو رفت. کتاب جلدچرمی کهنه‌ای را برداشت. از لای آن چند تا ده‌هزار تومانی در آورد و چپاند توی مشتم. با خنده کج و کوله‌ای گفت: «منو ببر لاله‌زار.»

لاله‌زار رفتن جدی بود. هر بار که عصایش را روی زمین می‌زد و من را از پله‌ها می‌کشاند بالا، به‌زور می‌خواست پولی به من بدهد تا در لاله‌زار بگردانمش. از تماشاخانه و آدم‌هایی حرف می‌زد که من نمی شناختمشان.

حرف‌هایش نامفهوم بود، درهم و برهم، بی‌زمان و مکان. گاهی ناسزا می‌گفت و عدد سه را نشان می‌داد. نمی‌فهمیدم سی‌سال بود لاله‌زار نرفته بود یا سه‌سال بود از خانه بیرون نبرده بودنش.

به‌هرحال، در سومین شبی که از تق‌تق بی‌وقفه عصای پیرزن بی‌خواب شده بودم، به‌جای رفتن به طبقه بالا، برای خودم شیر داغ کردم. فنجانم را از شیر پر کردم و چشم دوختم به قاصدک‌های ریز و درشت روی فنجان.

پیرزن با ریتمی که کندتر می‌شد عصایش را به‌زمین می‌کوبید. همان‌وقت تصمیم گرفتم فردا عصر که از سر کار برگشتم، آژانس بگیرم و پیرزن را ببرم لاله‌زار. فنجانم را شستم و رفتم خوابیدم.

فردا عصر که برگشتم، از پله‌ها بالا رفتم. پیرزن چهارپایه‌ای گذاشته بود جلوی در و ساکت نشسته بود رویش. من را دید، اما چیزی نگفت. گفتم «می‌خوای بری لاله زار؟» نیشخند زد و سرش را برگرداند. گفتم «آماده باش لباس می‌پوشم و میام دنبالت». از جا تکان نخورد. بابت دیشب از دستم ناراحت بود. توی پله‌ها داد زدم «من رفتم لباس بپوشم».

خودم هم بدم نمی‌آمد گشتی بزنم. بد نبود توی این بی‌کسی پیرزن را به بستنی مهمان می‌کردم، کاش پیرزن سرحال‌تر بود و با هم قدم می‌زدیم و هوایی تازه می‌کردیم در این سکوت تهران.

لباس پوشیده بود شیک و مرتب. روسری کوچک خاکستری‌اش با راه‌راه‌های قرمز حال خوبی به صورتش داده بود. یک شال پهن بافتنی قرمز تیره هم روی شانه‌هایش انداخته بود. نگاهم کرد. به خودش رسیده بود. معلوم نبود چطور با آن دست‌های لرزان روی چروک‌های صورتش کرم زده بود.

آژانس که آمد دست پیرزن را گرفتم تا سوار شود. دست‌هایش نحیف بودند و پر از چروک و رگ‌های برآمده. بوی خوشی می‌داد. معلوم بود که عطر زده است. آسمان پر بود از گلوله‌های پنبه‌ای سفید و خاکستری. راننده آژانس مرد سالخورده‌ای بود. سبیل کلفتی داشت و حرف که می‌زد سبیلش بالا و پایین می‌پرید. قیافه‌اش فکاهی بود و بیشتر به راننده نعش‌کش می‌خورد تا راننده آژانس.

پیرزن یک‌جور صاف و شق و رقی نشسته بود انگار که آدم مهمی است و جای مهمی می‌برندش. من قوز کرده بودم توی خودم و حرفی نمی‌زدم.

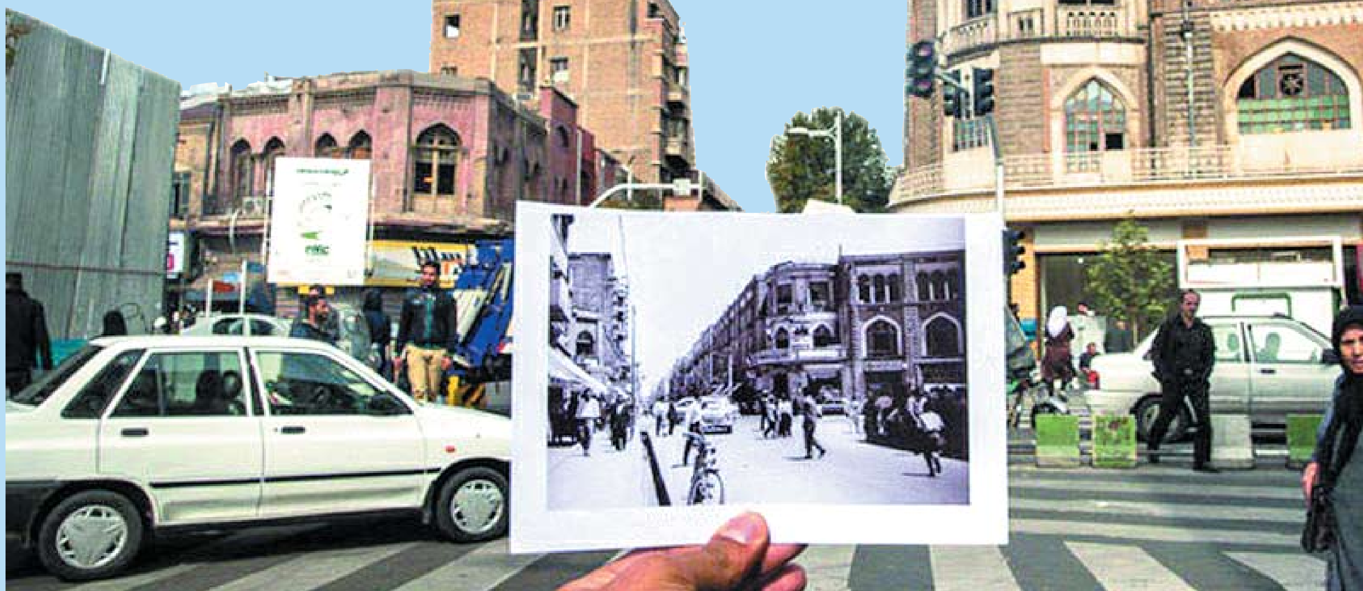
از توپخانه که وارد لاله‌زار شدیم، پیرزن سرش را چرخاند سمت پیاده‌رو. صورتش را چسباند به شیشه. تک و توکی لوسترفروشی باز بود. پیرزن خیره شده بود به سر در مغازه‌ها. بعد کف دستش را زد به‌شیشه. دید ماشین نایستاد. دوباره کف دستش را کوفت روی شیشه. ماشین ایستاد. خواست پیاده شود، کمکش کردم.

از روی پلی به‌زحمت رد شد و رفت توی پیاده‌رو که خلوت بود. عصایش را با ضرب بیشتری روی زمین می‌زد. بعد یک‌جایی ایستاد. تکیه داد به دیوار. عصا از دستش افتاد. آن را دادم دستش. با یک‌دست عصا را گرفت و دست دیگرش را کشید روی شیشه مغازه کابل و سیم‌فروشی، کشید روی در بسته مغازه لوسترفروشی، کشید روی یک در قدیمی.

من به آن‌وقت‌های لاله‌زار فکر کردم. آن‌وقت‌هایی که قرار بود شانزه‌لیزه باشد. آن‌وقت‌ها که ازدحام زن‌ها و مردها را داشت و تپنده و پرشوروحال‌ترش می کرد.

پیرزن جلوی در مغازه‌ای دو دستی افتاد روی عصایش و آرام سرید و نشست روی پله و زل زد به خیابان. بعد دیدم راننده آژانس ماشین را آورد جلو، نزدیک ما پارک کرد. او هم خیره شد به خیابان. به لاله‌زار خلوت....

***برگرفته از مجموعه داستان «مرز»/زمستان ۱۳۹۸**

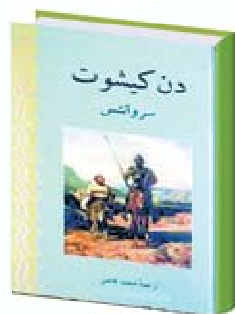




محمدرضا حیدرزاده

«۱۰ رمان پرفروش قرن»

پرفروش ترین رمان‌های جهان همیشه مورد توجه دوستداران کتاب بوده‌اند. اخیرا نشریه گاردین در کاری مشترک با نشریه نیویورک تایمز، در گزارشی اقدام به انتخاب ده رمان کرده‌اند که براساس تعداد تیراژ، می توان از آن‌ها به‌عنوان پرفروش ترین رمان‌های جهان یا حتی پرفروش ترین رمان‌های تاریخ ادبیات نام برد.



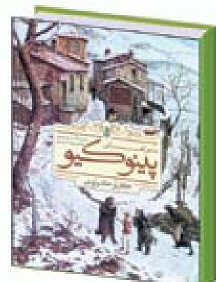
دن کیشوت

این رمان در سال ۱۶۱۲ منتشر شده و تاکنون با ۵۰۰ میلیون نسخه فروش، یکی از پرطرفدارترین و محبوب‌ترین رمان‌ها در تمام دوران بوده است.

این کتاب توسط نویسنده اسپانیایی، «میگل دو سروانتس»، به‌تقلید از رمان‌های اسطوره‌ای نوشته شده است. در واقع این رمان، نمونه و سندی است برآن‌که یک داستان قرون وسطایی با وجود گذشت زمان، تاریخ انقضا ندارد و در هر زمان، نیازهای مخاطب را برآورده کرده است.

این رمان در قالب تقلیدی از رمان‌های شوالیه‌ای نوشته شده و قهرمان آن مردی به نام «آلونسو کیشانو» است و ثابت می کند که در واقعیت، جوانمردی و دوستی هرگز از بین نمی‌رود. محرک نگارش این کتاب برای سروانتس، قصه‌ای بود که در آن کشاورز فقیری بعد از خواندن داستان‌های زیاد دیوانه شده و همسرش را رها کرده و در توهم خود به سر می‌برد. سروانتس با الهام از آن قصه، رمانی نوشت که قهرمان داستان یعنی «دن کیشوت» سرگذشتی مانند آن کشاورز داشت، با این تفاوت که دن کیشوت ازدواج نکرده بود.

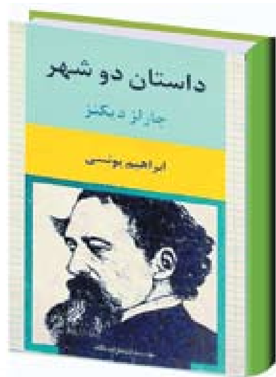
این رمان از دوبخش تشکیل شده است، اولین بخش آن «آقای دن کیشوت مانش» در سال ۱۶۰۵ انتشار یافت و دومین بخش آن هم به نام «سر دن کیشوت» در سال ۱۶۱۵ منتشر شد.



ماجراهای پینوکیو

این رمان در سال ۱۸۸۱ توسط «کارلو کلودی» ایتالیایی نوشته شده و فروش بالای ۸۰ میلیون نسخه را ثبت کرده است.

داستان این رمان، درباره یک عروسک چوبی است که بعد از ساخته شدن آرزو می‌کند بتواند مانند یک پسربچه واقعی زندگی کند و وقتی آرزویش برآورده می‌شود درمی‌یابد که نمی‌تواند به‌طور مشهود دروغ بگوید؛ زیرا با هر بار دروغ گفتن، بینی‌اش درازتر می‌شود. داستان این کتاب که الهام‌بخش ساختن انیمیشن مشهور والت دیزنی شد، داستانی محبوب و درعین حال آموزنده برای کودکان به‌شمار می‌رود و در فهرست ۱۰ رمان پرفروش جهان قرار دارد.

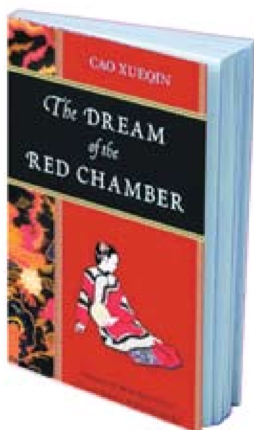


داستان دو شهر

این رمان که در سال ۱۸۵۹ توسط «چارلز دیکنز» انگلیسی منتشر شده، تا کنون ۲۰۰ میلیون نسخه فروش داشته است. نویسنده، داستانش را براساس وقایعی که در لندن و پاریس، قبل از انقلاب فرانسه و در خلال آن رخ می‌دهد نوشته است.

در این رمان، نویسنده وضعیت اسفناک دهقانان فرانسوی را که سال‌های پیش از انقلاب به‌وسیله اشراف فرانسوی تحریف شده است، با قلم دل‌نشین خود به‌تصویر می‌کشد و خشونت انقلابیون علیه اشراف فرانسه را در سال‌های اولیه انقلاب نشان می‌دهد و به بسیاری از شباهت‌های اجتماعی ناخوشایند میان زندگی در فرانسه و لندن اشاره می‌کند.

این رمان که زندگی چندین شخصیت را مطابق با آن دوران دنبال می‌کند ابتدا در ۴۵ فصل طی ۳۱ دوره هفتگی، در مجله جدید ادبی دیکنز با عنوان «سالگرد» منتشر و سپس به صورت کتاب روانه کتاب‌فروشی‌ها شد.



رویای تالار سرخ

این رمان در سال ۱۷۵۴ توسط «کائو ژوکین»، نویسنده اهل چین، نوشته شده و تا کنون بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه فروش داشته است.

رمان «تالار سرخ» را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین رمان‌های کلاسیک ادبیات چین دانست که داستان آن بر محور تنزل سلسه کینگ بوده و سقوط نهایی یک خانواده متمول را به تصویر می‌کشد.

این رمان که با عنوان «داستان سنگ» هم نامیده شده پنج جلد دارد و در آن‌ها از شکوه و انحطاط خانواده جیا سخن گفته می‌شود و زندگی یک خانواده چینی را با تأکید براعتقاد بودایی بیان می‌کند.



شازده کوچولو

این رمان در سال ۱۹۴۳ توسط «آنتوان دو سنت اگزوپری» فرانسوی منتشر شده و تا کنون ۱۴۰ میلیون نسخه در جهان فروش داشته است.

رمان فوق، از معدود کتاب‌هایی است که هم در میان کودکان و هم در میان بزرگسالان محبوبیت خاصی دارد.

رمان شازده کوچولو، درباره دوست داشتن هستی از نگاه فلسفی است که نویسنده به شیوه‌ای زیبا آن را بیان کرده و به همین دلیل به ۳۰۰ زبان ترجمه شده است.



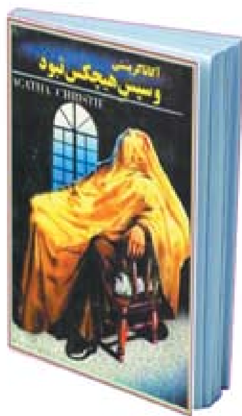
هری پاتر و سنگ جادو

این رمان در سال ۱۹۹۷ توسط «جی.کی. رولینگ» بریتانیایی نوشته و منتشر شد و ۱۲۰ میلیون نسخه فروش داشته است.

رولینگ که بدون شک یکی از فعال‌ترین نویسندگان دوران معاصر به‌شمار می‌رود داستان‌هایی درباره یک مدرسه سحر و جادو نوشته و آن را تبدیل به یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های جهان کرده است. فیلم‌هایی هم بر اساس کتاب «هری پاتر» ساخته‌اند که با استقبال بالایی روبه‌رو شده و بیش از ۷/۷ میلیارد دلار فروش داشته‌اند.

در داستان هری پاتر و سنگ جادو، هری می‌فهمد که یک زندگی عادی دارد ولی نمی‌داند که تا چه‌اندازه مشهور است و به‌وسیله خاله و شوهر خاله‌اش، عمو ورنون که از او می‌ترسند، می‌فهمد که پدر و مادرش جادوگر هستند.

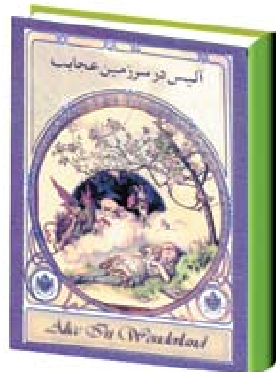
هری به دنبال سرنخ‌هایی برای کشف یک سری از این حقایق است و در این میان با یک غول دوست‌داشتنی و مهربان آشنا می‌شود که مقدمات وارد شدن او را به مدرسه جادوگری فراهم و به این ترتیب او را داخل دنیای مرموزی می‌کند که هرگز نمی‌دانسته آن‌جا وجود داشته است.



رمان «و سپس هیچ کس نبود»

این رمان در سال ۱۹۳۹ توسط «آگاتا کریستی» انگلیسی ملقب به «ملکه جنایت« نوشته و منتشر شده و تا کنون ۱۰۰ میلیون نسخه از آن به فروش رسیده است.

شهرت آگاتا کریستی طی ۶۶ رمان و ۱۴ داستانی که منتشر کرده، در ژانر راز و رمز بوده و بیش از ۳۰ فیلم سینمایی و چندین سریال تلویزیونی هم بر اساس آن‌ها ساخته شده است.



آلیس در سرزمین عجایب

این رمان در سال ۱۸۵۶ توسط «لوئیس کارول» انگلیسی منتشر شد و فروش بیش از ۱۰۰ میلیون نسخه‌ای داشته است.

داستان شگفت‌انگیز «آلیس در سرزمین عجایب» به‌عنوان یکی از بهترین رمان‌های جهان شناخته می‌شود و یکی از بهترین نمونه‌ها برای ژانر ادبی خیال‌پردازانه است.

داستان این رمان درباره دختری به‌نام «آلیس» است که به‌همراه یک خرگوش وارد دنیایی پر از شگفتی با موجوداتی عجیب و غریب می‌شود. او در آن‌جا گربه‌ای را می‌بینند که می‌تواند غیب شود. آلیس همچنین با کلاه‌دوز دیوانه‌ای مواجه می‌شود که با زبان معماگونه سخن می‌گوید.

در این سرزمین هیچ قاعده و قانون مشخصی وجود ندارد، به‌طور مثال خوردن قارچ در آن‌جا باعث می‌شود که انسان‌ها و جانوران کوچک یا بزرگ شوند. فلامینگو با خارپشت کریکت بازی می‌کنند. در آن سرزمین برای دزدیدن تارت‌ها، باید کارهای مختلفی انجام داد و بسیار تلاش کرد. در این میان، آلیس باید راه خانه‌اش را هم پیدا کند.

این رمان، ابتدا برای سه دختر کوچک گفته شد و یکی از آن سه دختر این داستان را یادداشت کرد و دوسال بعد با موفقیت منتشر شد. شیوه‌ای که «لوئیس کارول» در داستان خود به‌کار برده، این رمان را به یکی از محبوب‌ترین رمان‌ها در میان کودکان و حتی بزرگسالان تبدیل کرده است.

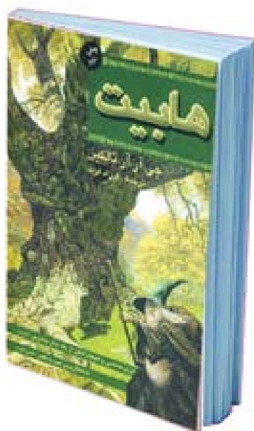


ارباب حلقه‌ها

این رمان در سال ۱۹۵۴ توسط «جی.آر.آر. تالکین» انگلیسی نوشته شده و تا کنون ۱۵۰میلیون نسخه فروش داشته است.

رمان ارباب حلقه‌ها پس از انتشار توانست محبوبیت بالایی در میان مخاطبان به‌دست بیاورد، چرا که با اقتباس از آن چندین فیلم، تئاتر، موسیقی، اثر هنری و بازی ویدیویی ساخته شده است.

براساس داستان این رمان، حلقه‌های قدرت در زمان باستان به‌وسیله «سئورون»، ارباب تاریکی‌ها، ساخته شد و او یک حلقه را از قدرت خود پر کرد تا بدین‌وسیله بتواند بر دیگران حکومت کند. ولی طی اتفاقاتی این حلقه را از او گرفتند. او حلقه را در سرزمین میانه یافت، اما دوباره آن را از دست داد و حلقه بعد از چند سال به دست «هابیت بیلبو بگینز» افتاد. سئورون با تلاش خود همه حلقه‌های بزرگ را جمع کرد، اما پیوسته در پی حلقه یگانه بود تا سلطه‌اش را به‌وسیله آن تکمیل کند، ولی در آخر حلقه با افتادن در گودال نابود می‌شود.



هابیت

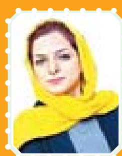
این رمان در سال ۱۹۳۷ توسط «جی.آر.آر. تالکین» انگلیسی نوشته شده و تا کنون بالای ۱۰۰ میلیون نسخه فروش داشته است.

این رمان به‌نسبت کوتاه، مقدمه‌ای برای نوشتن کتاب «ارباب حلقه‌ها» بود. در این رمان با شخصیت «بیلبو بگینز» مواجه هستیم که در جستجوی گنج ازدست‌رفته است؛ شخصیتی که در رمان «ارباب حلقه‌ها» مشاهده می‌شود.

او یک هابیت است که از زندگی راحت و آسوده خود احساس لذت می‌کند و به‌ندرت به‌جایی می‌رود. هنگامی که «گندالف» جادوگر و همراهانش به خانه او می‌آیند تا او را به یک سفر ماجراجویی ببرند، از این وضع پیش‌آمده به‌هیچ عنوان احساس رضایت نمی‌کند. آن‌ها در پی این هستند که به گنج باشکوهی دست یابند که توسط یک اژدهای بزرگ و بسیار خطرناک محافظت می‌شود. «بیلبو» با بی‌میلی به مأموریت آن‌ها می‌پیوند و نمی‌داند که در سفرش به کوه با حلقه جادویی و موجود ترسناکی به نام «گولوم» رودررو خواهد شد.

حاضرجوابی‌های تاریخی

«ارتجال» واژه‌ای عربی است به‌معنای بداهه سخن گفتن. کسی که بدون تأمل زیاد و فی‌البداهه، پاسخ دیگران را بدهد و پاسخش از روی نکته‌سنجی و ظرافت طبع باشد، به حاضرجوابی شناخته می‌شود. برخی حاضرجوابی‌ها به‌دلیل سرشناس بودن گوینده آن‌ها، در تاریخ و تاریخ ادبیات جهان ماندگار می‌شوند که خواندنشان خالی از لطف نیست.



ارمغان زمان‌فشمی

رندی حافظ

حاضرجوابی‌های حافظ غالبا چنان نافذ و قوی است که در بیشتر موارد بدون تأمل بسیار، لطف و ظرافت آن‌ها آشکار می‌شود. وقتی معشوق بهانه‌جوی را می‌خواهد تهدید به فراق کند با بی‌قیدی رندانه‌ای به وی می‌گوید:

ز دست جور تو گفتم ز شعر خواهم رفت
به خنده گفت که ای حافظ برو که پای تو بست؟

معشوق با بی‌نیازی شانه‌ها را بالا می‌اندازد و رندانه جواب می‌دهد «که حافظ برو که پای تو بست؟»

یک‌جا با زبان یک بازاری از معشوق بوسه‌ای «حواله» می‌خواهد و معشوق که مثل او با این زبان آکنده از وعده و دروغ آشناست، رندانه مثل یک سوداگر کهنه‌کار می‌پرسد: کی‌ات با من این معامله بود؟!

جای دیگر وقتی معشوق را می‌بیند که با یک تملق ریشخندآمیز خنده‌ای می‌کند و می‌گوید که حافظ غلام طبع توام، شاعر رند با حالتی که دیرباوری و بی‌اعتقادی در آن به‌هم آمیخته است سری تکان می‌دهد و می‌گوید: ببین که تا به چه حدم همی کند تحمیق!

حاضرجوابی های حافظ گاه‌گاه رنگ تغافل دارد و آکنده است از ظرافت رندانه. وقتی معشوق قصد جدایی دارد، شاعر محجوب با بیم و وحشت زیرلب زمزمه می‌کند که «آه از دل دیوانه حافظ بی‌تو» اما معشوق که خوب می‌داند این دیوانگی عاشق از کجا ناشی شده است خود را به نادانی می‌زند و با خنده‌ای که راز او را فاش می‌کند زیر لب می‌پرسد که دیوانه کیست؟

گفتم آه از دل دیوانه حافظ بی تو
زیر لب خنده‌زنان گفت که دیوانه کیست؟

این‌جا معشوق با بی‌اعتنایی و سرگرانی از پهلوی وی می‌گذرد، شاعر آهسته از وی می‌خواهد که به عهد دوستی وفا کند. معشوق مثل این که تقاضای او را نفهمیده باشد جواب می‌دهد که آقا، اشتباه گرفته‌اید «در این عهد وفا نیست».

دی می‌شد و گفتم صنما عهد به‌جای آر
گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست!

ابهامی که در لفظ «عهد» هست شعر را از لطف بی‌مانندی سرشار می‌کند. این نکته‌سنجی‌هاست که به سؤال و جواب‌های وی ظرافت خاص می‌بخشد.

یک‌جا از پیر میکده می‌پرسد که راه نجات چیست؟ پیر جام می را می‌خواهد و سپس مثل این که تازه سؤال وی به گوشش خورده باشد بی‌تأمل می‌گوید: عیب پوشیدن.

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات
بخواست جام می و گفت عیب پوشیدن!

سؤال و جواب رندانه‌ای است. آدم به یاد سؤال و جواب «ابوسعید مهنه» می‌افتد و دلاک حمام که از شیخ، معنی جوانمردی را پرسید و او به وی که شوخ (چرک بدن) شیخ را پیش روی او آورده بود جواب داد جوانمردی شوخ خلق پنهان کردن است و به روی آن‌ها نیاوردن.



روز دیوانگی

حجاج مرد ستمگر و خونخواری بود که در بغداد حکومت می‌کرد. یک‌روز تنها و به‌طور ناشناس در بیرون شهر می‌گشت. به عربی برخورد و از او پرسید: دوست من، نظر تو راجع به حجاج چیست؟ چگونه آدمی است؟

مرد عرب گفت: حجاج آدم نیست، یک جانور درنده است. جنایت‌های زیادی کرده و خون‌های زیادی را ریخته است.

حجاج پرسید تا حالا او را دیده‌ای؟ مرد پاسخ داد نه. حجاج گفت: پس خوب به چشم‌های من نگاه کن. من حجاجم! عرب بی آن که خود را ببازد به حجاج گفت: شما می‌دانید من کی هستم؟ حجاج گفت نه.

مرد گفت: من از خانواده زبیر هستم. همه اعضای این خانواده در سال یک‌روز دیوانه می‌شوند و امروز روز دیوانگی من است.

حجاج از این حاضرجوابی خنده‌اش گرفت و با آن که خیلی بی‌رحم بود او را بخشید.

حاضرجوابی شاگرد مکتب‌خانه

کودکی در مکتب‌خانه، آیه ۳۵ سوره حجر را برای معلم خود می‌خواند: «وَ اِنَّ عَلیکَ الَّلعنَـةَ اِلـی یومِ الدین» (و لعنت تا روز قیامت بر تو خواهد بود) و مدام آن را تکرار می‌کرد. معلم عصبانی شد و گفت: علیک و علی والدَیک! (بر تو و بر پدر و مادرت باد!) کودک گفت: در این قرآن که من می‌خوانم «علیک» هست و «علی والدیک» نیست. آیا آن را اضافه کنم؟!

پیشوایت کیست؟

پس از شهادت امام صادق(ع)، یکی از مخالفانش به «مؤمن طاق» که از شاگردان آن حضرت بود، به‌عنوان طعنه گفت: امام تو از دنیا رفت. مؤمن طاق فورا در پاسخ گفت: اما پیشوای تو (شیطان) تا قیامت زنده است!

کشکول طبسی، ج ۱، ص ۱۴۷

شیعه‌ای یا سنی؟!

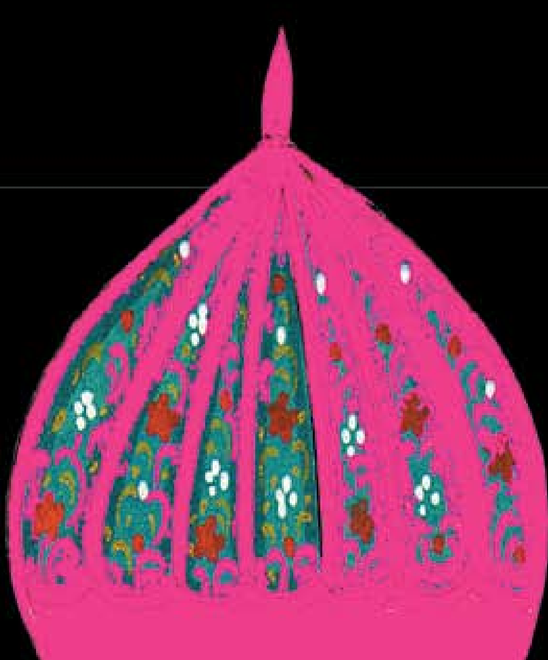
«سبط بن جوزی» مدت مدیدی در میان شیعه و سنی زندگی می‌کرد و هر کدام از طرفداران دو مذهب، او را به خود نسبت می‌دادند. روزی برای روشن شدن این که شیعه است یا سنی، در میان جمعی از او سؤال کردند علی(ع) افضل است یا ابابکر؟ فورا گفت: «من کانت بنته فی بیته!» (کسی که دخترش در خانه اوست).

کسی از پاسخ او نفهمید که شیعه است یا سنی، زیرا هم دختر پیامبر(ص) در خانه علی(ع) بوده و هم دختر ابوبکر در خانه پیامبر(ص).

باز در مجلسی دیگر از او سؤال کردند که خلفای پیامبر(ص) چند نفر بودند؟ او با حالت عصبانیت جواب داد: چندبار بگویم؟ چهارتا، چهارتا، چهارتا!

باز معلوم نشد او سنی است یا شیعه، چون سه‌بار تکرار کرده‌بود شیعیان فکر کردند مقصودش خلفای دوازده‌گانه است که سه چهار تا می‌شود دوازده تا. اهل سنت هم فکر کردند او سنی است و چند بار تأکید کرده که خلفای پیامبر(ص) چهارتا هستند!

مردان علم در میدان عمل، ج ۱، ص ۴۳۸



در توجیه رنگ کردن ریش!

رودکی، پدر شعر فارسی، در جواب کسی که او را به‌خاطر رنگ کردن ریشش ملامت می‌کرد گفته است:

من موی خویش را نه از آن می کنم سیاه
تا باز نوجوان شوم و نو کنم گناه
چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیه کنند
من موی از مصیبت پیری کنم سیاه!

با خر زی!

«سیف الدین باخرزی»، شاعر و صوفی معروف اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری که اشعاری متوسط و رساله‌ای در معنی عشق از او به‌جا مانده است، یکی از مریدان شیخ نجم‌الدین کبری بود. وی از سوی شیخ برای تبلیغ به بخارا اعزام شد و بقیه عمر خود را در آن شهر گذراند تا این که به سال ۶۲۹ قمری در همان شهر وفات یافت.

او با وجودی که مردی صوفی‌مسلک بود، دستی توانا در طنز و بدیهه‌سرایی داشت و مطایبات شیرینی از او باقی مانده است. از جمله نوشته‌اند وقتی در بخارا بود، ظریفی این دو بیت را برای او فرستاد:

ای خردمند، سیف باخرزی! بالله ار تو به ارزنی ارزی!
کی تو با آدمی توانی زیست؟ چون تو را گفته‌اند: با خر زی!

سیف‌الدین در جواب نوشت:

ای خردمند! طاعت من کن! تا کی آخر تو معصیت ورزی؟
بعد از این عمر با تو سر بکنم چون مرا گفته‌اند: با خر زی!

ماه مهر و مهر ماه

می گویند شیخ ابوسعیدِ ابوالخیر، شاعِر و عارف نامدار قرون چهارم و پنجم، روزی به‌هنگام خزان درختی را تماشا می‌کرد که برگ‌هایش زرد شده بود. فی‌البداهه گفت:

تو را روی زرد و مرا روی زرد
تو از مهرماه و من از مهرِ ماه!

درخواست صله

هنگامی که «سلمان ساوجی»، شاعر قرن هشتم هجری قمری، از اتابک امیرحسین، فرمانفرمای آذربایجان، با گفتن این قطعه درخواست لباس کرد:

ای ز ما مستغنی و زامثال ما
بر شما احوال ما پوشیده نیست
بر تنم پوشیدنی این است و بس
بنده را هیچ از شما پوشیده نیست

اتابک لباس خود را با این جواب برای او فرستاد:

هرچند تو را جامه ما پوشیدن
عیب است ولی ز لطف این عیب بپوش!

مهمل‌نامه

شاعری مهمل گوی نزد جامی، شاعر و صوفی نامدار قرن نهم، گفت چون به خانه کعبه رسیدم، دیوان شعر خود را برای فرخندگی و خوش‌یُمنی به حجرالاسود مالیدم. جامی پاسخ داد: اگر آن دیوان را به آب زمزم می‌مالیدی بهتر بود!



پاسخ سعدی

«چندر بهادر»، شاعر معروف هندی که به پارسی شعر می‌سرود و تخلصش «برهمن» بود، روزی در برابر پادشاه هند شعری خواند که بیت آخرش چنین بود:

مرا دلی است به کفر آشنا که چندین بار
به کعبه بردم و بازش «برهمن» آوردم!

شاه از شنیدن این بیت برآشفت و خطاب به شاعران حاضر در مجلس گفت آیا کسی هست که جواب این کافر را بدهد؟ «افضل‌خان» که از امرای دولت بود جواب داد شیخ سعدی پیش از این پاسخش را داده، آن‌جا که فرموده است:

خر عیسی گرش به مکه برند چون بیاید هنوز خر باشد!

همام در حمام

خواجه همام تبریزی از شعرا و سخنگویان نامدار آذربایجان است و در شاعری و غزلسرایی پیرو سبک سعدی و معاصر اوست و در بیان هنر خود می‌گوید:

همام را سخن دلفریب و شیرین است
ولی چه سود که بیچاره نیست شیرازی!

دولتشاه سمرقندی، در «تذکرة الشعرا» از بذله‌گویی سعدی با همام تبریزی چنین یاد می‌کند: «و در ظرایف و لطایف و نازکی طبع، شیخ (یعنی سعدی شیرازی) را درجه‌ای بوده و همواره با مستعدان نشستی و با وجود استغراق و حال، با اهل فضل اختلاط کردی و مطایبت و بذله‌گویی، چنان که گویند که خواجه همام‌الدین تبریزی که مردی اهل دل و صاحب‌فضل و خوش‌طبع و صاحب‌جاه و معاصر شیخ سعدی بوده است، روزی شیخ در تبریز به حمام درآمد و خواجه همام نیز با عظمت در حمام بود.

وقتی خواجه همام از حمام به‌در آمد، شیخ نیز برآمد و به گوشه‌ای نشست. جوان صاحب‌جمالی، خواجه همام را چنان که رسم اکابر است، باد می‌کرد (باد می‌زد) و خواجه همام میان آن جوان و شیخ سعدی حایل بود. دراین حالت خواجه از شیخ پرسید که سخن‌های همام را در شیراز می‌خوانند؟ شیخ گفت بلی شهرتی عظیم دارد. گفت هیچ یاد داری؟ گفت یک بیت یاد دارم و این بیت برخواند:

در میان من و دلدار همام است حجاب
وقت آن است که این پرده به یک‌سو فکنیم!

خواجه همام را اشتباه نماند در آن که این مرد شیخ سعدی است و سوگندش داد که شیخ سعدی نیستی؟ گفت بلی. خواجه همام در قدم شیخ افتاد و عذر خواست و شیخ را به خانه برد و تکلیف‌های لطیف می‌نمود و صحبت‌های خوب داشتند.



شاعر سرخوش!

افضل الشعرا محمدافضل سرخوش، صاحب «تذکرة‌الشعرای سرخوش»، از بدیهه‌سرایان قرن دوازدهم هجری بود. او به‌پیروی از شعرای گذشته، مدت‌ها در طلب مال و ثروت فعالیت کرد و اکثر بزرگان و حکام وقت را مدح گفت ولی از آن‌جا که بخت مساعدی نداشت از هیچ‌کس صله‌ای شایان و پاداشی نیکو در خور مدایحی که سروده بود، دریافت نکرد.

سرخوش نسبت به شعرای خوش‌اقبالی که فقط با سرودن یک‌بیت شعر مال فراوان اندوخته بودند، حسرت‌ها خورد و از بخت نامساعد خویش ناله‌ها کرد. سرانجام نیز به مکتب هجاگویان پیوست و غالب اغنیای زمان را هجو کرد، چنان که خود گوید:

مار که زهرش نبود مار نیست
جز به هجا کلک سزاوار نیست!

در آن ایامی که هنوز به‌بخت و اقبال خویش امیدوار بود، روزی مثنوی مدیحه‌ای در مدح همت‌خان، حاکم وقت، سرود که این بیت مبالغه‌آمیز از آن مثنوی است:

دهد سرمایه دریا به غارت
سر انگشتش ز جود یک اشارت

همت خان را از آن مدیحه ظاهرا خوش آمد و گفت: یک‌دست لباس فاخر و یک‌رأس اسب رهوار برای شما در نظر گرفته‌ام که چون آن‌قدرها گران‌قیمت نیست، شرم دارم فی‌المجلس تقدیم کنم. البته فردا به خانه شما خواهم فرستاد.

سرخوش بیچاره به امید آن صله چندروز از منزل خارج نشد و چشم به‌در خانه دوخته بود که چه‌وقت اسب و خلعت می‌رسد. سرانجام معلوم شد که همت‌خان قول آن ظریف را به کار برده است که: «مطربی پیش وی می‌سرود و محظوظ شد، گفت فردا بیا و یک جوال غله ببر. مطرب بسیار خوش‌وقت شد و روز بعد جوالی آورد و گفت: حسب‌الامر آمده‌ام. آن ظریف گفت: ای نادان، حرفی تو گفتی من خوش‌وقت شدم، حرفی من گفتم تو خرسند شدی، داد و ستد را اینجا چه دخل است؟!»

القصه چون سرخوش دانست که همت‌خان را نیز همتی نیست و وعده به غلط داده، بی‌نهایت ناراحت شده این رباعی را در هجایش سرود:

ای پنجه تو ز دامن دولت دور
بر دولت بی‌فیض دماغت مغرور
بی‌همتی و نام تو همت‌خان است
بر عکس نهند نام زنگی، کافور!

سرخوش در محرم سال ۱۱۲۶ هجری قمری در فقر و بدبختی در سن ۷۶سالگی جان به‌جان‌آفرین سپرد.







مناظره شمس و ضیا

«ملک ضیاءالدین»، امیر کابل، به‌منظور تهدید این رباعی را برای «شمس‌الدین»، امیر غور فرستاد:

غوری بچه‌ای به کین کابل برخاست
با همچو منی سخن بخواهد آراست
تو شمسی و من ضیا و داند همه‌کس
آوردن شمس بر فلک، کار ضیاست!

ملک شمس‌الدین این جواب را برای او فرستاد:

ای بی‌خبر از خویش! نگه کن چپ و راست
با همچو منی خصومت از بهر چه خاست؟
من شمسم و تو ضیا و داند همه‌کس
کز شمس بود هرچه در آفاق ضیاست!

یخ بست و بشکست!

«نورجهان» به «ابوطالب کلیم»، ملک‌الشعرای دربار جهانگیر، اعتقادی نداشت. زمانی کلیم شعری سرود و به‌خیال خود آن را از خرده‌گیری مصون دانست و با تبختر به حضور نورجهان آمد و آن را خواند:

ز شرم آب شدم، آب را شکستی نیست
به حیرتم که مرا روزگار چون بشکست؟!

نورجهان بلافاصله پاسخ داد: یخ بست و بشکست!

دزدان سحرخیز

«ادهم کاشی» را شبی در تبریز تاراج کردند. این رباعی را سرود و برای «میرزا شرف‌خان» فرستاد:

دوشینه سحر یتیم تبریزی من   آمد به سر راه به خونریزی من
عریان ز لباس عاریت ساخت مرا   این بود نتیجه سحرخیزی من!

رندی گفت: چون دزدان از تو سحرخیزتر بودند آن‌ها کامروا شدند و به لباسی رسیدند!

شکایت منظوم

در زمان زمامداری «میرزا حسن خان وثوق‌الدوله» وضع مدارس و وزارت معارف آشفته و پریشان بود. حقوق کارمندان دولت و مخصوصا معلمان چندین ماه به تأخیر می‌افتاد و آنان غالبا برای گرفتن حقوقشان ناچار به اعتصاب می‌شدند.

یک‌بار ظریفی این بیت را طی نامه‌ای برای نخست‌وزیر فرستاد:

بهار و خزان رفت و دی می‌رسد   ندانم حقوقات کی می‌رسد؟!

وثوق‌الدوله که شاعر هم بود زیر نامه‌اش نوشت:

حقوقات نصفش حواله شده   بقیه به اقساط هی می‌رسد!

شرط ادب

شیخ رضا طالبانی، شاعر کردزبان عراقی که به زبان‌های فارسی و عربی هم شعر می‌گفت، در سفری به ایران آمد و نزد ناصرالدین‌شاه بار یافت. ناصرالدین‌شاه از اوضاع زندگی‌اش پرسید و با او به صحبت پرداخت. هنگامی که او می‌خواست از حضور شاه مرخص شود، به رسم احترام تعظیمی کرد که باعث شد شال کردی که به سر داشت به زمین بیفتد. این منظره سبب خنده شاه و حضار شد اما شیخ فی‌البداهه این دوبیت را خواند:

رسم فرنگیان، کُلَه از سر گرفتن است
تعظیم چون کنند خداوند جاه را
من اکتفا به شیوه ایشان نمی‌کنم
هم سر به پایت افکنم و هم کلاه را!



چرا ازدواج نکردی؟!

در تاریخ ادبیات ایران به خانم شاعری به نام «نهانی کرمانی»، خواهرافضل کرمانی، اشاره شده است که مصاحب و همنشین مادر شاه‌سلیمان صفوی بود و پدرش از سرداران بزرگ سلطان به‌شمار می‌رفت. او که زن صاحب‌علم و خوشخو و زیبایی بود و خواستگاران بسیاری داشت، شعری سروده و دستور داده بود آن را به دروازه‌های کرمان بیاویزند و می‌گفت با کسی ازدواج می کند که مفهوم شعرش را دریابد یا بتواند جواب مناسبی برایش بیابد. آن شعر چنین بود:

از مرد برهنه روی زر می طلبم   از خانه عنکبوت، پر می طلبم
من از دهن مار شکر می طلبم   وز پشه ماده، شیر نر می طلبم!

متأسفانه هیچ یک از مردان خواستار او معنی این سروده‌اش را نفهمیدند و درنتیجه او تا پایان عمرش مجرد ماند. سال‌ها بعد از مرگ او، سعدالله خان، وزیر شاه جهان هندی، پی به منظور نهانی برد و در جوابش چنین سرود:

علم است برهنه مرد و تحصیل، زر است
تن، خانه عنکبوت و دل، بال و پر است
زهر است جفای علم و معنی شکر است
هر پشه کز آن چشید او شیر نر است!

***

«زیب‌النساء»، دختر اورنگ زیب، پادشاه هندوستان، به هیچ خواستگاری سر فرود نیاورد و چون کسی را همسر خود نمی‌دانست تا آخر عمر ازدواج نکرد.

گویند چون اورنگ زیب، دخترش را خیلی دوست داشت، طی نامه‌ای از او پرسید چرا به ازدواج با یکی از شاهزادگان و عموزادگان یا بزرگان دیگر رضایت نمی‌دهی؟ زیب‌النساء که تخلص شعری او «مخفی» بود در پاسخ پدر، این بیت را سرود:

نهال، سرکش و گل، بی‌وفا و لاله دورنگ
در این چمن به چه امید آشیان بندم؟

***

آخوند ملا محمد خویی از جمله فضلا و اکابر علمای آذربایجان و معاصر فتحعلی‌شاه بود. گویند وی همیشه تنها می‌زیست و به علایق دنیوی دلبستگی نداشت. وقتی از او می‌پرسند چرا مجرد و تنها مانده‌ای و تأهل اختیار نمی کنی در جواب می گوید:

آن کیست که خاطر مرا شاد کند
وین گردنم از بند غم آزاد کند
یا خرج عروسی‌ام به گردن گیرد
یا آن که مرا به خویش داماد کند؟!

حاضرجوابی‌های دربار ناصرالدین‌شاه
عزیز دربار

ناصرالدین شاه که اطراف او را افرادی متملق و چاپلوس فرا گرفته بودند، گه‌گاه به این افراد چنان میدان می‌داد که به هر عمل و گفتاری مجاز می‌شدند. یکی از این افراد «فرهادمیرزا معتمدالدوله»، پانزدهمین پسر عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه بود که درباره تخریب دیگران از سوی وی نزد ناصرالدین شاه مطالب فراوانی ذکر شده که یکی از آن‌ها برخورد او با عزیزخان، سردار کل طایفه مکری است:

در زمان ناصرالدین شاه، یکی از سران طایفهٔ مکری به مقام سردار کلی رسید و چندی هم قائم‌مقام وزیر جنگ بود اما در عین حال رجال و درباریان، وی را که عزیزخان مکری نام داشت مورد استهزا و سخره قرار می‌دادند.

یکی از سنت‌هایی که در زمان قدرتمداری عزیزخان رواج داشت سجع مهر بود، به‌این معنا که هر کدام از رجال به‌مناسبت القاب و عناوینی که داشتند شعر، آیه یا حدیثی را انتخاب و برروی مُهر خودشان حک می کردند.

معروف است که یک‌روز در حضور ناصرالدین‌شاه صحبت از سجع مُهر افراد به‌میان آمد و شاه از عزیزخان پرسید: تو چرا برای خودت سجع مُهر انتخاب نمی کنی؟ او پاسخ داد: اتفاقا درصدد هستم ولی هنوز چیز مناسبی نیافته‌ام.

فرهادمیرزا معتمدالدوله، عموی ناصرالدین‌شاه که مردی شوخ و بذله‌گو بود و در آن مجلس حضور داشت و مثل بقیه درباریان دنبال بهانهٔ مناسبی برای دست انداختن و مسخره کردن عزیزخان می گشت، بعد از شنیدن این حرف رو به ناصرالدین‌شاه کرد و گفت: من سجع مُهر بسیار مناسبی برای عزیزخان به نظرم رسیده که اگر وی حاضر شود در قبال آن یک طاقه شال بپردازد آن را عرض خواهم کرد.

شاه نگاهی به عزیزخان انداخت و گفت: اگر واقعا طالب سجع مُهر هستی، به یک طاقه شال می‌ارزد! او گفت: اگر ارزش طاقه شال را نداشت؟ معتمدالدوله شاه را حکم قرار داد و گفت: اگر اعلی‌حضرت تشخیص دادند که ارزش ندارد من از حقم می گذرم.

شاه لبخند رضایتی بر لب آورد و عزیزخان که به‌این ترتیب چاره‌ای جز اطاعت نداشت قبول کرد و فرهادمیرزا این شعر معروف سعدی را خواند:

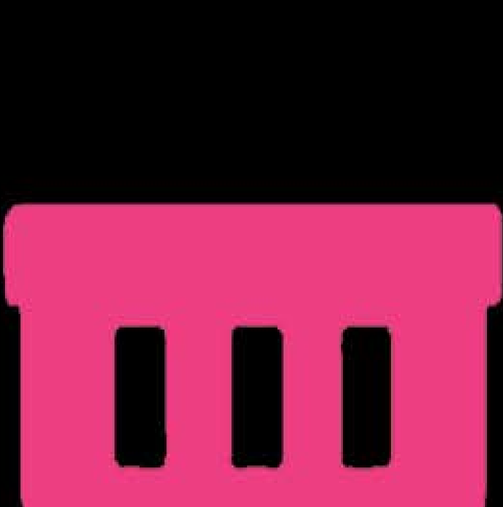
مسکین خر ار چه بی‌تمیز است   چون بار همی بَرَد «عزیز» است!

سردار عزیزخان که انتظار شنیدن چنین چیزی را در حضور شاه و اعیان و رجال نداشت از خجالت مثل شاه‌توت سیاه شد اما شاه درحالی که از خنده ریسه می‌رفت نظر داد که شعر فرهاد میرزا وارد است و به‌این ترتیب، سردار کل ضمن آن که به بدترین نحو ممکن تحقیر شد، ناچار شد یک طاقه شال هم به کسی که تحقیرش کرده بود دستخوش بدهد.

ماجرای صاحب‌اختیار

«صاحب‌اختیار» که از نزدیکان ناصرالدین شاه بود، به کریم شیره‌ای، دلقک ناصرالدین شاه گوشه چشمی نداشت و به قول معروف «خر کریم را نعل نمی کرد». در یکی از مسافرت‌های ناصرالدین شاه به نیاوران که صاحب‌اختیار نیز همراه شاه بوده، خر کریم شیره‌ای به نهر آبی می‌رسد، یکدندگی کرده و از آب رد نمی‌شود و پا پس می کشد. در این هنگام شاه و صاحب‌اختیار سر می‌رسند و کریم به خرش می گوید: کتکت زدم رد نشدی، التماست کردم رد نشدی، دشنامت دادم رد نشدی... رد شوی صاحب‌اختیاری، رد نشوی هم صاحب‌اختیاری! با من به نیاوران بیایی صاحب‌اختیاری، همین‌جا حضور شاه بمانی صاحب‌اختیاری، برگردی صاحب‌اختیاری، به هر صورت همیشه تو صاحب‌اختیاری اگرچه به جهنم بروی!

بر اثر این شوخی همه همراهان خنده سر می‌دهند و ناصرالدین شاه نیز با همه احترامی که برای صاحب‌اختیار قائل بوده از خنده روده‌بر می‌شود.



داستان‌هایی از «برنارد شاو» ایران

عباس فرات یزدی، از آغازگران طنز در دوران پس از ناآرامی‌های مشروطه، به‌دلیل حاضرجوابی‌هایش به «برنارد شاو ایران» معروف شده بود. او اسم مستعار «ابن جنّی» را در طنزهایش برگزیده بود و در اشعار متعارف، به تخلص «فرات» شناخته می‌شد. این فکاهی‌سرای پرآوازه و همکار روزنامه فکاهی توفیق، دوستی داشت با نام مستعار «اتفاق» که او نیز فکاهی‌سرا بود. روزی فرات نزد اتفاق شعری می‌خواند. اتفاق برای کنف کردن فرات از او می‌پرسد این خرابکاری را خودتان کرده‌اید؟ فرات فی‌الفور پاسخ می‌دهد که آری، آن‌هم «بر سَبیل اتفاق»!

* شاعری در انجمنی شعر می‌خواند. استاد فرات گفت: «در انجمن را محکم ببندید.» آن شاعر گفت: «خیر، در باز باشد که باز هم مردم بیایند.» فرات گفت: «نه‌خیر آقا، باید در را محکم بست تا این‌ها هم که هستند فرار نکنند!»

* در انجمنی شاعری شعرش را با صدای خوبی می‌خواند. شاعر دیگری گفت: «من هم باید اشعارم را بدهم ایشان بخوانند تا جلوه دیگری داشته باشد.»

فرات گفت: «شما برای این که شعرتان جلوه داشته باشد، باید به یکی از استادان بدهید بسازد!»

پیامی برای استاد ریاضی

زنده‌یاد دکتر مهدی حمیدی شیرازی، شاعر و مترجم توانمند ایرانی، در برگه آزمون درس ریاضی دانشسرای مقدماتی خود این شعر را برای استادش نوشته بود:

آن کس که به اخلاق ادیبان شده مأنوس

وی را نبود حاجت سینوس و کسینوس!

به نقل از کتاب «نامه‌های نامزد من»

هرچه سنگ است مال پای لنگ است!

ملک‌الشعرای بهار در یکی از نشست‌های مجلس شورای ملی، هنگامی که برای ایراد سخنرانی به سوی تریبون می‌رود پایش به پای دکتر «سنگ» بر می‌خورد و ارتجالا می‌سراید:

پای امید، همه‌جا می‌خورد به سنگ

سرّی است در مجاذبت سنگ و پای لنگ!

مصرع کوبنده

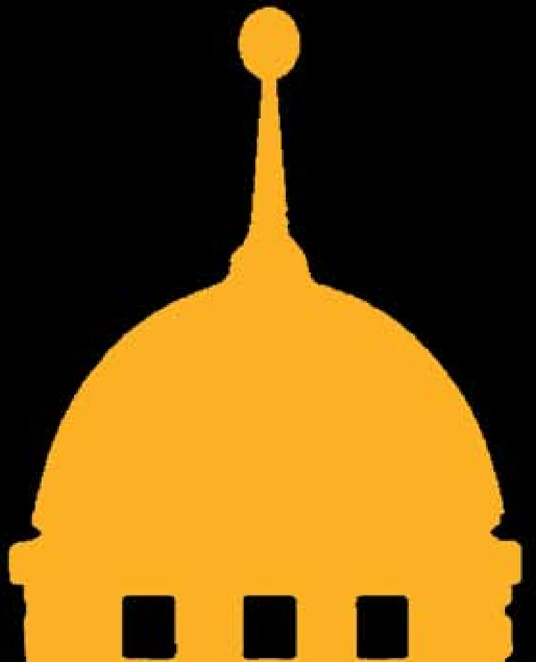
نقل است که در یکی از جلسات انجمن ادبی حکیم نظامی، رهی معیری شروع به خواندن شعر «چشمه نور» خود کرد، تا به آن‌جا رسید که: «آن کیست که مدهوش غزل‌های رهی نیست؟»

یکی از حضار بلافاصله گفت: بنده آقا!

رهی به روی خودش نیاورد و دوباره تکرار کرد: «آن کیست که مدهوش غزل‌های رهی نیست؟» آن شخص دوباره گفت: بنده آقا!

رهی بدون آن که چیزی به روی خودش بیاورد فی‌البداهه مصرع بعدی شعرش را اصلاح کرد و گفت: «جز حاسد مسکین که بر او خرده نگیریم!»

از حرف رهی صدای خنده حاضران بلند شد و همه برایش کف زدند. بعدها وی ترجیح داد به‌جای مصرع اصلی شعرش، همان مصرع فی‌البداهه را قرار بدهد و با وجود این که عادت به پیرایش دائمی اشعارش داشت و بسیاری از مصرع‌های سروده‌های خود را بارها تغییر می‌داد، هرگز به‌صرافت تغییر آن مصرع نیفتاد.



جایگاه خورشید در لندن

در لندن از میرزا ابوالحسن ایلچی، از رجال معروف اوایل دوره قاجار و سفیر ایران در انگلستان، پرسیدند آیا حقیقت دارد که در ایران مردم خورشیدپرستند؟

جواب داد: در ایران نه، اما من که ایرانی‌ام اگر از روی اتفاق در انگلستان [که هوایش معمولا ابری و گرفته است] خورشید را ببینم آن را خواهم پرستید!

حاضرجوابی همسر نخست‌وزیر

محمد ساعد مراغه‌ای، از نخست‌وزیران عهد پهلوی، نقل کرده است: «زمانی که نایب کنسول شدم با خوشحالی پیش زنم آمدم و این خبر داغ را به اطلاع سرکار خانم رساندم اما وی با بی‌اعتنایی تمام سری جنباند و گفت خاک بر سرت کنند، فلانی کنسول است و تو نایب کنسولی؟

گذشت و چندی بعد کنسول شدیم و رفتیم پیش خانم، آن هم با قیافه‌ای حق‌به‌جانب. باز خانم ما را تحویل نگرفت و گفت خاک بر سرت کنند، فلانی معاون وزارت امور خارجه است و تو کنسولی؟

شدیم معاون وزارت امور خارجه که خانم باز گفت: خاک بر سرت، فلانی وزیر امور خارجه است و تو...؟! شدیم وزیر امور خارجه، گفت فلانی نخست‌وزیر است... خاک بر سرت!

القصه آن که شدیم نخست‌وزیر. این‌بار با گام‌های مطمئن به خانه رفتم و منتظر بودم که خانم حسابی یکه بخورد و به عذرخواهی بیفتد. تا این خبر را دادم به من نگاهی کرد، سری جنباند و آهی کشید و گفت بدا به حال ملتی که تو نخست‌وزیرش باشی!

حکمت نامگذاری

سال‌ها قبل علی‌اصغر حکمت، وزیر نامدار عصر پهلوی، به خراسان سفر کرده و در آن‌جا به‌همراه «شوکت‌الملک»، امیر بیرجند و قائنات، برای بازرسی به یکی از مدارس خراسان رفته بود. آن مدرسه به‌نام «ابن یمین»، شاعر معروف عصر سربداران، نامیده شده بود. در کلاس درس، امیر شوکت الملک به شوخی به یکی از بچه‌ها می‌گوید: آیا می‌توانی بگویی چه حکمتی بوده که مدرسه را به نام ابن‌یمین نام گذارده‌اند و فی‌المثل به‌نام من یا آقای حکمت، وزیر معارف نکرده‌اند؟ شاگرد جواب داد: بله، برای این که ابن‌یمین، شاعر معروفی بوده است.

آقای حکمت، ضمن اشاره‌ای به شرح احوال ابن‌یمین، دنبال حرف امیر را گرفته و با ملایمت به شاگرد می‌گوید: عزیزم، آیا هیچ شعری از ابن‌یمین از حفظ داری که برای ما بخوانی؟

شاگرد بلافاصله این قطعه را با صدای رسا می‌خواند:

اگر دو گاو به‌دست آوری و مزرعه‌ای

یکی «امیر» و یکی را «وزیر» نام کنی

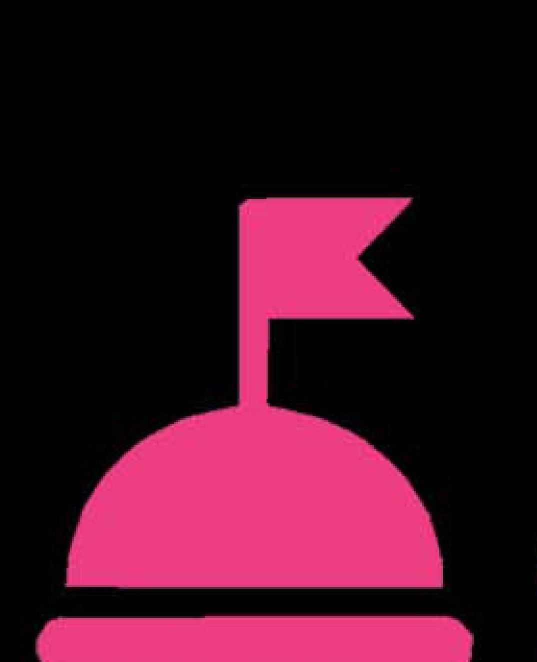
و گر کفافِ معاشت نمی‌شود حاصل

روی و شامِ شبی از جهود وام کنی

هزار بار از آن بِه که بامداد پگاه

کمر ببندی و بر چون خودی سلام کنی!

سکوت، حاضران را فرا گرفت. امیر شوکت‌الملک در حالی که لبخند می‌زد رو به آقای حکمت کرد و گفت: برای امیر که حکمتِ این نامگذاری روشن شد، جنابِ وزیر خود دانند!



بوقلمون زنده

«ژنرال دوگل»، رییس‌جمهور وقت فرانسه، از آدم‌های بوقلمون‌صفت و بی‌ثبات بیزار بود. شبی نخست‌وزیر فرانسه به افتخار دوگُل، مهمانی ترتیب می‌دهد که در آن روی میز چندین‌گونه غذا از گوشت بوقلمون چیده شده بود. ژنرال دوگل رو به نخست‌وزیرش کرده می‌گوید: «دوست عزیز شما تنوع غذایی را مراعات نکرده‌اید، زمانی که این‌همه بوقلمون زنده پیرامون شما ایستاده‌اند باید دست‌کم مرغ و بره‌ای بریان روی میز می‌گذاشتید!»

شعر بد، شعر خوب

می‌گویند لویی چهاردهم یک‌بار قطعه شعری ساخت و به «بوالو»، شاعر معروف فرانسوی، نشان داد. بوالو بعد از خواندن شعر پادشاه گفت: من مطمئنم که جناب‌عالی اراده فرموده بودید شعر بد بگویید وگرنه شما می‌توانستید شعر خوب هم بسرایید!

وقتی شاعر، نقاش می‌شود!

هنگامی که «ژان کوکتو»، شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی، تزیین کلیسای «ویل فرانش» را به‌پایان رساند، به‌سراغ پیکاسو رفت و او را به‌تماشای اثر خود برد، زیرا می‌خواست نظر دوست نقاشش را درباره کار خود بداند.

پیکاسو بعد از تماشا گفت: به‌هرحال زحمتی کشیده‌ای... فقط یادت باشد که اگر من هم در آینده تصمیم گرفتم شعر بگویم حق نداری مسخره‌ام کنی!

خلاء دردناک

روزگاری الکساندر دوما، نویسنده شهیر فرانسوی، در یکی از نوشته‌هایش عبارت «خلاء دردناک» را به کار برده بود. منتقدی به‌او خرده گرفت و گفت چگونه ممکن است یک چیز خالی درد بگیرد؟ نویسنده فرانسوی جواب داد: تابه‌حال اتفاق نیفتاده که شما مبتلا به سردرد شده باشید؟!





عماد فرحنیا

زمانی که واژه عطر در زبان جاری و محاوره استفاده می‌شود، اولین تصویر ذهنی به‌شکلی عمومی تصویر رایحه خوشی خواهد بود که کاربرد آن محدود است و گوشه ناچیزی از زندگی را به‌خود اختصاص می‌دهد، آن هم گوشه‌ای که یا هیچ اهمیتی ندارد یا فلسفه‌ای پشت آن قرار ندارد و تنها کاربردش خوش‌بو شدن است یا پیشگیری از بوی ناخوشایند! اما آیا حقیقت این دنیای سراسر زیبایی و اعجاز چنین معنایی دارد؟

از ادواری بسیار دورتر از زمانه ما، تقسیم‌بندی احساسات و قوای حسی در انسان آغاز شد و یونانیان و سنت فکری هلنیستی به اهمیت بسزای قوای حسی پی بردند؛ قوایی که تنها راه ارتباط با جهان را برایمان مقدور می‌سازد.

بینی بخش شگرفی از جهان محسوسات را برای ذهن و نفس انسان شکل می‌دهد. از بقراط و ارسطو تا حکمای جهان اسلام همچون سرخسی، رازی کبیر و ابن‌سینا سعی کردند تا با همه محدودیت‌های زمانه خود به کاوش در دوبخش بپردازند، یکی چگونگی عملکرد بینی و انتقال آن‌چه که بو و رایحه می‌خوانیم به قوه ادراک و آن‌چه از طریق آن جهان برایمان مطبوع می‌شود و طعم می‌یابد، دوم ماهیت آن‌چه که آن را قوه دماغی می‌نامیم و این عضو (بینی) میان صورت انسان چنان اهمیتی در ادراک جهان ایفا می‌کند که واژگان بصری، لامسه و غیره، همه ذیل عنوان قوه دماغی می‌تواند تبیین گردد.

آن‌چه که اهمیت داشت، شگفتی و راز و رمز قوای بویایی در ادراک و احساس انسان از هستی بود. بوی تن مادر، رایحه رخدادها، اشخاص و اماکن خوشایند و زیبای زندگی چنان در خاطره ثبت می‌شود که حافظه تصویری انسان را کاملا احاطه می‌کند و به‌همین خاطر انسان با بوییدن رایحه‌ای خاص در یک‌لحظه، تمامی خاطرات مربوط و متصل با آن را به‌شکلی بسیار زنده، مجسم می‌کند و این قابلیتی است که جهان عطریات را چنین ممتاز و جادوگونه می‌سازد، اگر آن را بهتر بشناسیم. اما زمانی که از عطر سخن می‌گوییم، از چه‌چیز یا چه ماهیتی سخن می‌گوییم؟

بر خلاف تصور رایج در میان مردم خاورزمین که امروزه هویت عطرها را در شکل مدرن آن مترادف با فرانسه به شکل خاص و بعضا غرب می‌دانند، عطریات از این خانه به آن خانه برفت! این مشرق‌زمین بود که نه‌تنها نخستین عطرها در آن ساخته شد بلکه بخش اعظم دانش عطاری مرهون عطارهای شرق بود. منابع به‌شکل نسبی تأیید می‌کنند چهار تا پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح بود که نخستین روغن‌ها و اسانس‌های معطر از گل‌ها، صمغ‌ها، ریشه‌ها، رزین‌ها و چوب‌ها استخراج شد تا اولا به‌عنوان ماده‌ای متعالی و عطری خوشایند در فضاهای خاص معابد و آیین‌ها استفاده شود و ثانیا به‌عنوان رایحه‌ای خوش بر تن و لباس فرد مورد استفاده قرار بگیرد.

واژه «پرفیوم» که بعدها در فرهنگ باختری یونانی ـ لاتین سربرآورد، دقیقا وجه تسمیه همین کاربرد است و به‌معنای بخور، گاز و غباری خوش‌بوست که گرداگرد وجود انسان را فرامی‌گیرد. شاید داستان ما نقطه عزیمتی مناسب‌تر از همین واژه و این ماهیت که چگونه این بخور ملکوتی گرداگرد جسم را فرا می‌گرفت پیدا نکند. این داستان هزاران سال ادامه یافت و به تنوع، خلاقیت و تخصص در دنیای معاصر رسید.

تقسیم‌بندی روایح

یکی از بنیادی‌ترین و درعین حال کاربردی‌ترین مباحث دنیای عطرها، موضوع ماهیت و چگونگی هر رایحه است. به بوتیک‌های متنوع و فروشگاه‌های تخصصی عطریات که می‌روید، صدها گونه عطر را در شیشه‌ها و بسته‌بندی‌های متنوع مشاهده می‌کنید که با همه عظمت و کثرت، باز هم بخش کوچکی از جهان عطریات را تشکیل می‌دهند؛ بوها و روایحی که بینی شما آن‌ها را می‌شناسد یا هرگز تجربه نکرده است ولی قادر به تفکیک بسیاری از آن‌ها خواهد بود؛ هر قدر هم ناتوان از بیان آن بوها و ناتوان در شناخت مشخص از مبدأ آن‌ها باشد.

برای هرکسی در طی شبانه‌روز بارها و بارها تجارب مشخص بویایی رخ می‌دهد، بوی مطبوع چای یا قهوه، بوی نامطبوع فضای ورودی بیمارستان یا پمپ‌بنزین و جایگاه تزریق گاز، بوی اشتهاآور نان و وانیل یا مارچوبه، رایحه ریواس و نارنج و بوی نامطبوع کشتارگاه مرغ یا حشره‌کش!



هر چند که به تعداد هر یک از افراد، بهترین و بدترین بو معنا پیدا می‌کند لیکن دنیای ساخت عطر و جهان پرفیوم‌های دنیای مدرن ضروریاتی داشته که از اولین مراحل تا پایان با آن همراه است. این که یک رایحه چه ماهیتی دارد و چگونه فضایی از آن انتظار می‌رود، بخش رایحه‌شناسی را در شکل وسیع آن تشکیل می‌دهد. به‌شکل بسیار مشهودی آن‌چه در خصوص روایح، اغلب از آن غفلت می‌شود، قدرت درک و تشخیص بویایی انسان و تمایز مزه‌ها در همه انسان‌هاست که ماهیتی شبیه به تشخیص رنگ‌ها در قوه ادراک انسان دارد.

اگر یک فرد هیچ تصوری از رنگ زرد، ارغوانی و سبز نداشته باشد، باز هم قادر به تمایز تک‌تک رنگ‌ها خواهد بود و حتی فراتر، قادر به تمایز دقیق میان همه انواع رنگ سبز و آبی نیز هست!

رایحه نیز چنین اثراتی دارد. کشش قوای شامه نسبت به رایحه مطبوع اولا امری غریزی است و ثانیا قادر به درک رایحه زیبا و هارمونی موجود در آن خواهد بود؛ هرچند که کمترین دانش تئوریک و قابلیت تشخیص مواد موجود در عطر و بیان آن وجود نداشته باشد. به‌همین دلیل به‌تدریج ماهیت روایح و تقسیم‌بندی آن برای بیان هر رایحه پا گرفت و توسعه یافت. از قرن هجدهم دنیای پرفیومری مدرن سربرآورد و این‌بار سعی در بیان دقیق و دقیق‌تر از کیفیت و ماهیت بویایی سرلوحه قرار گرفت.

روایح مرکباتی (سیتروسی)

مرکبات گروه چنان متنوعی هستند که هر یک از ابنا بشر در هر قاره و اقلیمی با بخشی از این دنیای ترش، آبدار، تازه و اغلب گس آشنا خواهد بود. به‌همین خاطر هر ایرانی به‌حافظه‌اش که رجوع شود رایحه باغات این مرکبات در شهرهای مختلف ایران و رایحه سالادهای موسوم به شیرازی در ذهن وی ثبت شده است و علی‌رغم همه تفاوت‌ها وجه مشترک همه آن‌ها، بوی بافت و پوست انواع لیمو و نارنج است. رایحه پرتقال، نارنگی و گریپ‌فروت، در زمره گروه روایحی است که در دنیای کنونی عطرها روایحی مرکباتی یا سیتروسی نام گرفته‌اند. برخلاف گستردگی عظیم این روایح که امروزه جزء لاینفک همه عطرها هستند، روایح مرکباتی یکی از جدیدترین اعضای خانواده دنیای عطر هستند.

اگر صمغ‌هایی مانند کندر و گل‌هایی مثل رز و زنبق یا بافت چوبی مثل سندل و روغن‌هایی که زن ایرانی و مرد بابلی به موی سر و تن خود می‌زدند، پیشینه‌هایی چندهزارساله دارند، رایحه لیمو و برگاموت (یکی از مهم‌ترین مرکبات در دنیای عطر) و نارنگی و... بسیار دیرتر امکان آن را داشته‌اند که به‌عنوان کولون و سپس با غلظت‌های اودتویلت و پرفیوم و حتی بالاتر به‌عنوان عطر استفاده شوند تا سرفصل جالب و بسیار جذابی از روایح سرزننده، ترش، شاداب و تازه را از طریق آن‌ها بتوان تجربه کرد.

برند آلمانی این افتخار را داشته که نخستین پیشگام باشد و در امیرنشین‌های قرن هجدهم که امروز آلمان نام دارند و در شهر کلن، نخستین عطر را با رایحه مرکباتی در شکل مدرن عرضه کند و به‌همین دلیل غلظت این عطر که برگرفته از نام شهر (کولون) بود، بعدها به‌عنوان مرجع این سطح از غلظت مورد استفاده قرار گرفت و نام «اودکلن» یعنی آب (معطر) شهر کلن، برای این نوع از عطرها همیشگی شد.

روایح چوبی

نکته‌ای که درخصوص تقسیم‌بندی‌های روایح وجود دارد، آگاهی بر این موضوع است که غالب عطرهای کنونی به نحوی پیوند میان دو یا سه گونه از روایح است، مانند روایح شرقی- اسپایسی یا چوبی- سبزبو یا صمغی- چوبی و آمبری- شرقی و...

پس مشخص خواهد بود که مرز میان روایح، مرزهایی از جنس مادی نیست و نوعی لغزندگی و نسبی بودن بر ماهیت هر نوعی از روایح حاکم است که به‌تدریج با آموزش و مواجهه بیشتر و بیشتر شامه ما با انواع بی‌شمار روایح و عطرها می‌توان به چالاکی و خبرگی در آن‌ها رسید، مانند گوش پرورش‌یافته و دقیق نسبت به اصوات و موسیقی.

روایح چوبی در زمره بوهای بسیار فخیم، باوقار و عمیقی بوده و هستند که شامه انسان اغلب بسیار نسبت به آن‌ها تمایل

و در تجربه با آن بازخورد خوشایند دارد. رایحه چوب خیس، رایحه صدها نوع چوب در هنگام برش خوردن، بوی خاک اره و بوی چوب‌ها در کارگاه‌های ساختِ ساز، همه در زمره هزاران نوع رایحه چوب‌های حیرت‌انگیز و پرشمار اقلیم‌های سیاره زمین هستند که شگفتی و اعجاز از آن می‌تراود و آدمیان نخبه را به دقت و بازخوانی و سیر در خود دعوت می‌کند.

اندی تائور، طراح عطر معاصر که جهان روایح و گیاهان و هزاران نت دنیای عطر را به دیده‌ای متفاوت می‌نگرد، رایحه جنگل را پس از باران در یک روز گرم شرجی، یکی از سه رایحه جذاب در کل جهان می‌داند.

شگفتی دنیای روایح چوبی در تفاوت بسیار عدیده و فضاهای متضاد و حیرت‌انگیزی است که دنیای چوب‌ها قادر به ایجاد آن است؛ فضایی که هم قابلیت بسیار بالایی در ترکیب و انطباق با دیگر بوها و نت‌ها در آن وجود دارد و هم میان هرگونه از چوب‌ها با چوبی دیگر تفاوت‌ها به‌قدری زیاد است که حتی ظاهر آن‌ها را نمی‌توان مشابه دید. چوب‌هایی نظیر سندل، آبنوس، سدار، کشمیر، کاج، کهور، عناب و چوب درختان میوه در زمره چوب‌های پرکاربردی هستند که بسیار پرتنوع و پرشمارند و معمولا بدون محدودیت و بنا بر سلیقه طراح عطر انتخاب می‌شوند. نکته جالب توان باز آفرینی روایح در چوب‌هاست؛ گاه میل به رایحه ساقه و فضایی سبز و جوانه‌گون و گاه بوی انواع چوب سخت و خشک و گاه رایحه چوب برش‌خورده یا رنده‌شده که بسیار پرکاربرد است.

هرم رایحه

یک اثر موسیقی از واحدهای تفکیک‌ناپذیری تشکیل می‌شود به‌نام نت. این کوچک‌ترین واحدها در هر اثر دقیقا همان واحدهایی هستند که با همین اسم، عطرها نیز از آن‌ها خلق می‌شوند.

نت‌ها مواد اولیه در ساخت هر عطری از اودکلن، اودتویلت، اودپرفیوم، پارفوم و اکستریت پارفوم‌ها را تشکیل می‌دهند؛ صرف‌نظر از غلظت، آن نت‌ها به‌منزله اصل و اساس این پیکره هستند. هر نت جزئی غیرقابل تجزیه به‌شمار می‌رود و به‌عنوان مثال نت لیمو، نت وانیل، نت گل رز کاشان، نت ساقه بامبو یا نت بلوط فلاندر مثل هزاران نت دیگر در عطرهای دیگر، واحدهای کوچک یک پیکره را تشکیل می‌دهند که همان رایحه عطر در نهایت است. اما چگونه موسیقی عطر شکل می‌گیرد یا اندام آن رقم می‌خورد؟

شیمی آلی پس از ربع پایانی قرن هجدهم، بسیاری نکات را به طراحان و سازندگان عطر آموخت. یکی از آن‌ها میزان انسجام مواد و جداسازی واحدهای مولکولی بود. تا این فرآیند تجزیه وجود نداشته باشد مولکول های عطر و هیچ ماده دیگری بو نخواهند داشت و تصویری از بو هرگز برای ما محقق نمی‌شود. رایحه، حاصل تعامل بین شامه انسان و مولکول‌ها در هواست.

پس به‌تدریج دنیای پرفیومری مدرن از این مکتب‌خانه علم مدرن آموخت که می‌بایست برای ساخت عطرها یک سازه فراهم کرد. هرم بویایی این‌گونه تولد یافت، از ازدواج شیمی با عطاری!

آن‌چه در نوک هرم قرار می‌گرفت سبک‌تر، تیزتر، تازه‌تر، پرشتاب‌تر لحاظ می‌شد؛ مثل مرکبات، میوه‌ها مانند نت‌های پرتقال، لیمو، آب و شکوفه بهارنارنج و بخش میانی هرم مربوط به نت‌هایی است که در بخش دوم ایفای نقش خواهند کرد. شالوده کل این اثر بنا برانتخاب پرفیومر که از کدام متریال استفاده خواهد کرد، به‌همین ترتیب در بخش میانی و زیر بنا یا بخش تحتانی این هرم ریخته می‌شود.

گروه وسیع و متنوعی از انواع گل، چوب، خزه، نت‌های حیوانی (انیمالیک مانند امبرگریس، چرم، مشک و...) صمغ‌های گیاهی و نت‌های مینرال و...انتخاب‌های بی‌شماری از نت‌هایی هستند که او می‌تواند دقیقا مانند یک آهنگ‌ساز اثر خود را با آن بیان کند و این متریال گیاهی، حیوانی، صناعی و... در پایان می‌تواند یک کنسرتو پیانو یا سونات ویلن درعرصه روایح باشد یا یک موسیقی سطحی و بسیار زودگذر!

زیبایی دست‌یافتنی

لذت، تعالی و شکوهی که از تجربه عطرها در احساس و ادراک انسان حاصل می‌شود در گذر زمان تغییر نکرده اما بسیاری از ماهیت‌های آن دستخوش تغییر شده و می‌شود. یکی از عجیب‌ترین بخش‌های دنیای عطریات، این واقعیت است که تا قرن نوزدهم و بیستم، دنیای عطریات نفیس فقط در اختیار گروه خاصی بود. هر چند این قاعده همواره استثنائاتی داشت اما عطرها در تملک اشراف بود و این ویژگی ابتدا در مشرق‌زمین و سپس در مغرب‌زمین تثبیت و از مغرب زمین دچار تحول شد.

لوئی چهاردهم فرانسه هر روز یک عطر مختص آن روز داشت و عجیب آن‌که با آن عطر و لباس وداع می‌گفت و دیگر روز عطری دیگر و رایحه‌ای متفاوت استفاده می‌کرد.

مشهورترین پادشاه فرانسه، صاحب بی‌چون‌وچرای تمام ویژگی‌های فرانسه عصر باروک بود و آن‌طور که روایت می‌شود سال از پس سال لوئی رنگ حمام را نمی‌دید و پرفیوم‌ها جبران این نقیصه را می‌کردند!

سلطان ذی‌شوکت عثمانی، سلیمان باشکوه، نه‌تنها عطر برایش اهمیتی ویژه داشت بلکه پرفیومر و مسئول عطریات داشت که جایگاهی بسیار مهم محسوب می‌شد.

جرج سوم، پادشاه انگلستان موسوم به جرج دیوانه(!) به کمپانی «کرید» عطری سفارش داد که رایحه چرمی آن پس از حدود ۲۵۰سال کماکان یکی از زیباترین و جذاب‌ترین روایح در دنیای مدرن محسوب می‌شود. همین سنت در عصر نوه او ویکتوریا حفظ شد و بخش مهمی از عطرهای ملکه ویکتوریا توسط برند کرید ساخته و به‌نام ملکه ماندگار شد یا نیکلای دوم، واپسین تزار روسیه نیز بر همین منوال.

اما قرن بیستم دورانی بود که روایح خوش دیگر در داخل عمارت‌های باشکوه دوران باروک یا کاخ‌های عظیم، سرد و نمناک اشراف روس و اربابان اسکاتلند و امرای ایتالیا باقی نماند، چرخ صنعت به میلیون‌ها مردم طبقه متوسط بیشتر محتاج بود تا الطاف یک امپراتور یا چند دوک و امیر!

آن‌چه امروز در این تنوع حیرت‌انگیز از روایح می‌توانیم تجربه کنیم تا یک‌قرن قبل هنوز کاری مشکل و در قرون پیش از آن ناممکن بود. درب‌های این بهشت نامحدود زمینی از طبیعت به روی همه گشوده شد لیکن این‌بار کسی بیشتر بهره می‌برد که شناخت و آگاهی بیشتری از روایح به‌دست آورد.

برند ساخت پرفیوم محقق شد و خانه های عطری که در قرون هجده و نوزده آغاز به‌کار کرده بودند، شناخته شدند. تازه‌نفس‌های خوش‌قریحه‌ای مانند مادام شنل از همان آغاز به قرن آینده نظر کردند و توفیق نیز یافتند؛ برخی بسیار بیشتر و برخی کمتر. آن‌چه که می‌بایست به آن همواره گوشه چشمی داشته باشیم عرصه‌ای است با چنین تنوع، لذت، تعالی و آرام‌بخشی که بسیار ساده‌تر می‌توان از آن بهره‌مند شد.

ذوق، دانش، علاقه و پیگیری این امکان را در اختیار ما قرار داد تا در فضای کوچک اتاق‌ها و زندگی پراسترس و آلوده شهرنشینی معاصر، جهانی از زیباترین هارمونی‌های روایح را گرد آوریم و همچون غزلیات سعدی و بیدل دهلوی، موسیقی موتزارت و بتهوون و داستان‌های دیکنز و تولستوی به باغ عدن عطریات وارد شویم و به آن نه به چشم یک کالا بنگریم بلکه به غور و کنجکاوی بدون وقفه در آن‌ها بپردازیم.

از رایحه شکوفه‌های بادام و گیلاس و بهارنارنج تا رایحه خشت و کاهگل‌های نمناک روستاها، از بوهای بکر خود طبیعت بدون استثنا تا رایحه عطریات مارکت‌های بازاری وسیع تا عطریات آرتیستیک و پرفیوم‌های طبیعی، ماهیت مشخص آگاهی در خصوص دنیای روایح به‌شکل عام و عطرشناسی به‌شکل خاص را مشخص می‌کنند. این ویژگی شامه و قوه ادراک انسان در درک ساده‌ترین نوستالژی‌های بویایی است که بزرگ‌ترین پرفیومرها و نوابغ جهان عطر را به دنیا معرفی کرد.

مارک باکستن، پرفیومر پرآوازه انگلیسی_آلمانی، در پاسخ به این پرسش که «جذاب‌ترین رایحه برای شما بوی چه چیز است؟» پاسخ داد: رایحه رستوران پدر و مادرم که در زمان نوجوانی من در آلمان دایر کردند!

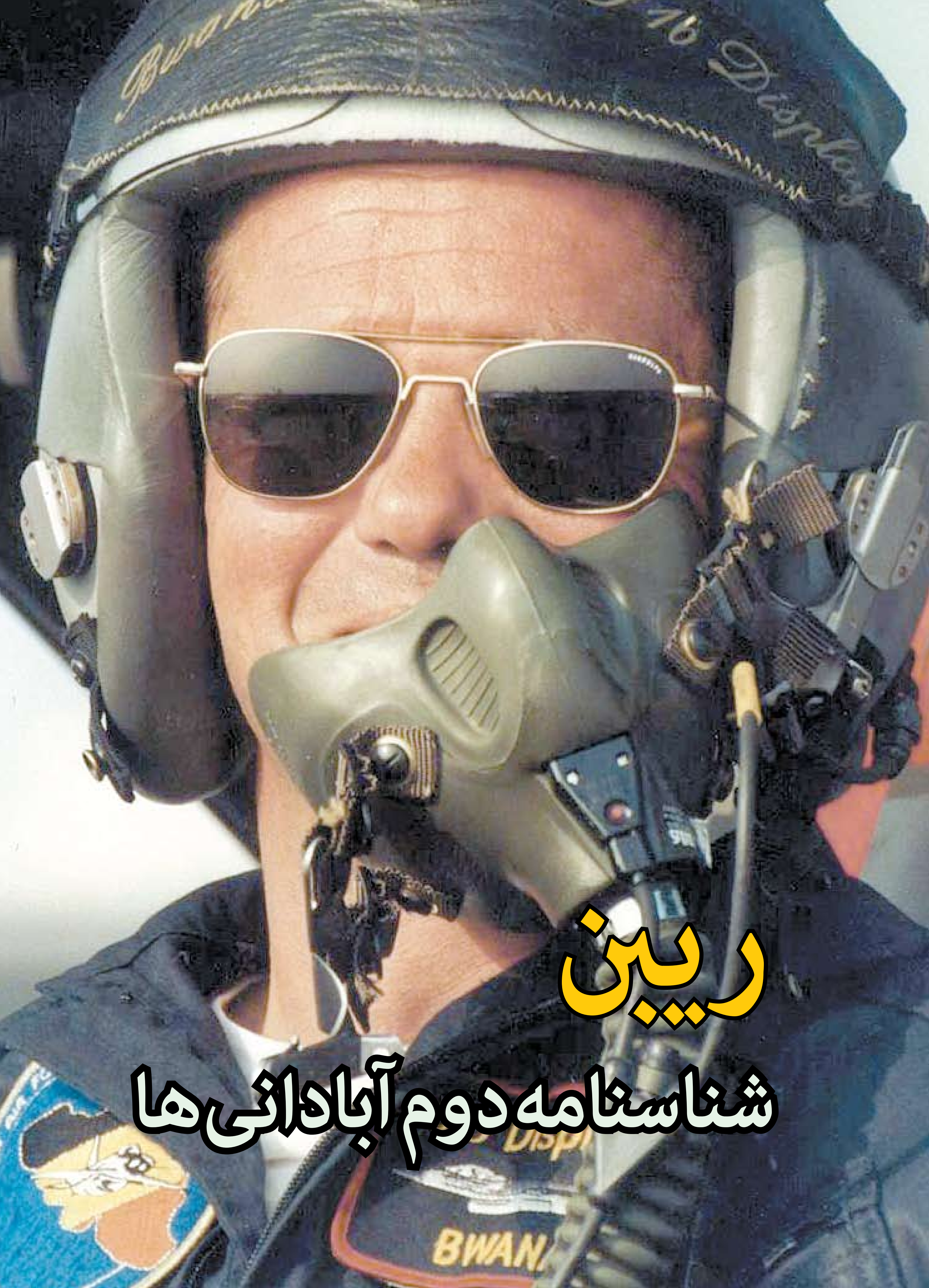
هنگامی که نظیر همین پرسش را از تییری ویسر، پرفیومر محبوب، کردند او در پاسخ گفت :رایحه کیک (پای) زردآلویی که مادرم در سالیان کودکی‌ام در خانه می‌پخت!

این هنرمندان، کاشفان حساس سرزمین‌های ناشناخته روح و احساس انسان، از دل همان دنیای محسوس و ساده دنیای اطرافشان جذب دنیای اسرار آمیز رایحه شدند.

جهان زیبا و آرام‌بخش روایح، هیجانات برخی از روایح، گرما و خنکا بخشیدن هر گروه خاص از نت‌ها در دنیای پرفیوم‌ها، مناسب بودن برای جنس و اقلیم و فصل و...همه اشاره جالبی در خود دارند... دنیای عظیم روایح شباهت انکارناپذیری با کیمیاگری دوران کهن تاریخ دارد. کیمیا تلاشی بود برای تحقق طلا از اجرامی مانند مس؛ یک‌هزار سال تلاش مصروف آن شد و نبوغ‌های فراوانی معطوف به آن.

در دنیای عطر آن‌چه نادیدنی است و در هوا راه خود را در شامه انسان پیدا می‌کند، ادراک و احساس ما را قادر می‌سازد به تداعی زیباترین لحظاتی که از فراز هزاره درمی‌گذرد و هیچ مرزی آن را محدود نمی‌کند. چه چیز حیرت‌انگیزتر از آن است که از ساده‌ترین و فراوان‌ترین گیاهان همچون زنبق و از بافت غده یک پستاندار مثل مشک سیبری و رایحه آب اقیانوس یا خاک در پرتو دانش عطار، ده‌ها سال فراق و دوری از معشوق یا خاطره مهربانی آغوش مادر و زیبایی و آرامش و تعالی، همه مرزها را در می‌نوردد و اندیشه و احساسات آدمی را از اکنون به گذشته‌های دور یا پردیس آرزوها می‌برد...





رین

شناسنامه دوم آبادانی ها



نگار نخلی

آبادان یکی از شهرهای استان خوزستان است که به داشتن پالایشگاه، فرودگاه و بندری بودن آن شناخته می‌شود اما وقتی اسم آبادان یا همان آبودان جنوبی‌ها به‌میان می‌آید اولین چیزی که در ذهن شنونده نقش می‌بندد عینک معروف آن‌ها یا همان عینک ریبن است!

آبادانی‌ها را نه‌تنها در استان خوزستان بلکه در سراسر جهان با عینک دودی، دمپایی ابری و شلوار جینشان می‌شناسند.

عشق و علاقه مردم این شهر به عینک ریبن آن‌قدر خاص و جالب‌توجه است که کافی است گشتی در شهر بزنید تا از مردم مهمان‌نواز و خونگرم آبادان درمورد این عینک افسانه‌ای ماجراهای جالبی بشنوید.



فقط ریبن!

آبادانی‌های اصیل به‌جز ریبن، عینک دیگری را قبول ندارند و به چشم نمی‌زنند. ریبن مارک شناخته‌شده‌ای در صنعت عینک آفتابی دنیاست و اگر پای لاف زدن آبادانی‌ها نگذارید ریبن را اولین بار آبادانی‌ها به مردم ایران معرفی کردند.

مردم آبادان معتقدند که این عینک آفتابی تنها عینکی است که به صورت آن‌ها می‌آید و حسابی به خوش‌تیپ شدنشان کمک می‌کند.

ریبن چطور به آبادان آمد؟

باتوجه به‌موقعیت جغرافیایی آبادان، وجود فرودگاه بین‌المللی، نشریات و اماکن فرهنگی متعدد و از همه مهم‌تر ساخت پالایشگاه در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی، آبادان شکل تازه‌ای به‌خود گرفت و رفته‌رفته پای خارجی‌ها به‌آن باز شد اما گرمای طاقت‌فرسای هوا و تابش بی‌رحمانه خورشید خیلی زود انگلیسی‌های شاغل در پالایشگاه آبادان را برآن داشت تا برای آسودگی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی به چشمشان از عینک آفتابی با سنگ خاص استفاده کنند که گرما بر آن اثر نداشت. عینک ریبن که حالا به‌نمادی از آبادان زیبا تبدیل شده است همان عینک بود.

به گفته قدیمی‌ها درابتدا فقط کارمندان شرکت نفت براساس سهمیه و با کوپن، عینک ریبن دریافت می‌کردند اما مدتی بعد و با توجه به سختی کار کارگران با دستگاه‌های صنعتی، ریبن میان آن‌ها نیز توزیع شد تا علاوه بر این‌که هنگام کار چشمشان آسیب نبیند، در زمان فراغت و تفریح هم این عینک تخم‌مرغی جذاب را به‌چشم بزنند و از تماشای خودشان در آینه لذت ببرند. ظاهر فوق‌العاده این عینک جادویی و کیفیت آن روزهایش سبب شد تا ریبن خیلی زود جایش را در دل آبادانی‌ها باز کند.

اگر اغراق نکنیم در خانه هر آبادانی حداقل یک عینک ریبن اصل پیدا می‌شود؛ عینکی که گاهی پدربزرگ بر چشم می‌زده و حالا برای نوه‌اش به‌یادگار مانده است. ریبن یا ریبون برای آبادانی‌ها حکم شناسنامه‌شان را دارد و اگر کسی ریبن نداشته باشد اصلا او را آبادانی نمی‌دانند!

عینکی برای تمام فصول!

اگر تصور می‌کنید که آبادانی‌ها فقط در روزهای داغ تابستان ریبن بر چشم می‌زنند سخت در اشتباهید. استفاده از ریبن محدود به زمان و مکان خاصی نمی‌شود و بعضی آن‌قدر با عینک دودیشان خو گرفته‌اند که برایشان فرقی نمی‌کند باران ببارد یا آفتاب بتابد!

آبادانی‌های خوش‌تیپ همیشه تلاش می‌کنند بهترین‌ها را بپوشند و حسابی تیپ بزنند و از پشت شیشه‌های عجیب و غریب ریبن، دنیا را جور دیگری تماشا کنند.

آن‌ها از زمانی که چشم باز می‌کنند و خودشان را می‌شناسند پدرانشان را با عینک دودی می‌بینند و کمی که بزرگ‌تر می‌شوند و قد می‌کشند، صاحب ریبنی می‌شوند که سال‌ها و نسل به‌نسل چرخیده و امروز سهم آن‌ها شده است. البته استفاده از عینک ریبن فقط مخصوص مردها نیست و بسیاری از زن‌های آبادان هم این عینک را به چشم می‌زنند و پرچم برزیل را بالا می‌برند!

مردم آبادان بر این باورند که آمریکا، کشور سازنده عینک، ریبن را برای آن‌ها طراحی کرده و ساخته است و برای حرفشان دلیل هم می‌آورند. آن‌ها به اسم حک‌شده پالایشگاه آبادان بر دسته عینک اشاره می‌کنند و معتقدند مردم آبادان آن‌قدر ریبن خریدند و تولید کارخانه عینک‌سازی افزایش یافت که در سال ۱۹۹۹میلادی، ایتالیایی‌ها امتیاز تولید این عینک فوق‌العاده جذاب را به قیمت حدودی ۶۰۰میلیون دلار از آمریکایی‌ها خریدند.

ریبن چه سالی متولد شد؟

در دهه ۱۹۳۰ میلادی و همزمان با ساخت هواپیماهای جدید، خلبان‌های نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا به نقاط دورتر و مرتفع‌تر پرواز می‌کردند و تابش مستقیم و شدید نور خورشید سبب ایجاد سردرد و بیماری‌های دیگر در آن‌ها می‌شد. پس به درخواست و با سفارش آن‌ها شرکتی آمریکایی اقدام به ساخت عینکی کرد که از چشم‌ها در مقابل اشعه‌های خورشید محافظت می‌کرد.

ریبن نخستین‌بار در سال ۱۹۳۷ به فروش عمومی رسید؛ عینکی که از گذشته تا امروز مورداستفاده خلبان‌ها، ملوان‌ها و مردم عادی بوده است.

عینک اصلی یا غیراصلی؟!

آبادانی‌ها عینک‌های ریبن تولید کشور ایتالیا را به‌رسمیت نمی‌شناسند و فقط عینک‌های تولید آمریکا که سی‌سال یا بیشتر از عمرشان گذشته است را به‌عنوان ریبن اصلی قبول دارند. آن‌ها بر این باورند که جنس شیشه‌های ریبن اصلی از نوعی سنگ است که اشعه‌های مضر خورشید را دفع می‌کند.

یکی از هنرهای مردم آبادان تشخیص ریبن اصلی از تقلبی است. آن‌ها با دیدن عینک و گذاشتن آن بر روی چشم، خیلی زود عینک اصلی را از غیراصلی تشخیص می‌دهند؛ کاری که خیلی از ما آن را بلد نیستیم.

ریبن یا فوتبال؟

علاقه آبادانی‌ها به فوتبال و تیم زردپوش صنعت نفت آبادان شهرت جهانی دارد. آبادانی‌ها وقت رفتن به استادیوم هم عینک را روی سر یا چشم‌هاشان می‌گذارند و به‌تماشای بازی تیم محبوب شهرشان می‌روند؛ عینکی که باور دارند انرژی مثبتش از روی سکوهای ورزشگاه به زمین می‌رسد و برای برزیلی‌های خونگرم خوش‌یمن و شادی‌آفرین است.

آداب استفاده از ریبن

آبادانی‌ها برای شروع استفاده از عینک ریبنی که تازه خریداری شده هم مراسم خاصی دارند. آن‌ها عینک را به فرد کاربلدی می‌دهند تا به‌قول خودشان آن را تراز کند و ریبن روی صورت صاحبش به‌بهترین شکل خودش را نشان بدهد. ریبن‌بازها هیچ‌وقت عینک را یک‌دستی از روی چشمشان برنمی‌دارند. لابد می‌پرسید چرا؟ چون معتقدند تراز عینک به‌هم می‌خورد و ممکن است موقع برداشتن از روی چشم زمین بخورد و آسیب ببیند! خلاصه این‌که استفاده از این عینک دوست‌داشتنی به‌همین راحتی‌ها هم نیست و آداب خاص خودش را دارد.

سوغات خاص آبادانی‌ها

اگر به آبادان سفر کنید و در خیابان‌های این شهر چرخی بزنید آن‌چه توجهتان را جلب می‌کند تعداد بسیار زیاد عینک‌فروشی‌هایی است که در سطح شهر می‌بینید؛ مغازه‌هایی که به‌دلیل علاقه خاص مردم این شهر به عینک محبوبشان کار و کاسبی خوبی دارند.

پس اگر به آبادان آمدید بعد از تماشای اروند و بهمن‌شیر و نوش‌جان کردن قلیه ماهی و فلافل و سمبوسه تند جنوبی حتما به بازار بروید و عینک ریبنی به‌چشم بزنید و حسابی از دیدن خودتان با ظاهر آبادانی لذت ببرید.

آبادانی‌ها لاف نمی‌زنند!

آبادانی‌ها مردمی خونگرم، مهمان‌نواز و دوست‌داشتنی هستند و برخلاف تصور مردم شهرهای دیگر اهل لاف زدن نیستند بلکه از خاطرات دوران شکوفایی شهرشان می‌گویند؛ خاطراتی که حالا روی تاقچه‌های خانه‌هاشان یا در دل‌های زنده و چشم‌های امیدوارشان خاک می‌خورند.

ریبن حالا بخشی از هویت مردمی است که هشت‌سال جنگیده‌اند و امروز چشم‌انتظار تکرار دوباره روزهای خوب شهر فراموش‌شده‌شان هستند و عینک بهانه‌ای است کوچک تا چراغ امید را میان مردم قهرمان این شهر زنده نگاه دارد.

سفر به کشور متعصبان زبان فارسی

تاجیکستان، ایران کوچک



سیدعلی دوستی‌موسوی

خاک تاجیکستان مثل خاک ایران گرم است. انگار که در خانه خودت هستی و اگرچه شاید لباس‌ها، چهره‌ها و لهجه‌ها کمی فرق کند، اما با کمی گشت و گذار خودت را در ایران خواهی یافت؛ ایرانی کوچک که تعصب به ایران و ایرانی و به‌خصوص نشانه‌های فرهنگ و شعر و ادب ایرانی در آن موج می‌زند، آن قدر که گاه می‌توان گفت مردم تاجیکستان در پایبندی و تعصب به زبان فارسی و شعرایش چون رودکی و فردوسی از ایرانیان، ایرانی‌تر شده‌اند.

تاجیکستان یکی از کشورهای دامنه جغرافیایی و فرهنگی «نوروز» است. با این حال من که تقریباً به تمام این کشورها سفر کرده‌ام، کشوری را چون تاجیکستان متعصب به زبان و ادب فارسی و البته پایبندی به آداب و رسوم ایرانی نیافته‌ام.

این پایبندی نه‌تنها در میان مردم وجود دارد که در سطح سران این کشور هم با همان شور و حرارت احساس می‌شود.

جالب است بدانید تاجیک‌ها چون سال‌های سال جزو جمهوری‌های شوروی سابق بوده‌اند، اکنون هم از لحاظ اقتصادی و دیگر زمینه‌ها به این کشور وابسته‌اند. اما این وابستگی منجر به ورود روس‌ها در حیطه زبان فارسی نشده که فارسی، خط قرمز مردمان ایران کوچک است.

در تاجیکستان فارسی را از نوع فارسی دری صحبت می‌کنند، اما به خاطر حضور برادر بزرگ‌تر مجبورند همان فارسی را روسی بنویسند.

در ماجرایی مشهور و در زمانی که تازه تاجیکستان از شوروی سابق جدا شده و استقلالش را بازیافته بود، نام و نام خانوادگی رئیس‌جمهوری این کشور «امامعلی رحمانف» بود. «اف» در روسی به معنای «زاده» است. حال این رئیس‌جمهور تصمیم می‌گیرد فامیلی خود را کاملاً فارسی کرده و آن را به «رحمان‌زاده» تغییر دهد. این تصمیم باعث اعتراض برادر بزرگ‌تر و به‌عنوان نمادی از آغاز روسی‌زدایی از تاجیکستان تعبیر می‌شود؛ تعبیری سراسر سیاسی که ممکن بود برای رئیس‌جمهور تبعاتی در پی داشته باشد.

با این حال آقای رحمانف سابق کوتاه نیامد و با تدبیری موضوع را مرضی‌الطرفین حل کرده، یعنی به‌کل قید وجود «اف» یا «زاده» را در فامیلی‌اش زد و آن را به امامعلی رحمان تغییر داد و اکنون هم به این نام خوانده می‌شود. این ماجرا را دوستان میزبان سفر ما که برای افتتاح یکی از فازهای نیروگاه «سنگ توده» در نزدیکی دوشنبه، میهمانشان بودیم با افتخار تعریف می‌کردند.

چنین تعصباتی به زبان و نشانه‌های فرهنگ فارسی در تاجیکستان و دوشنبه کمیاب نیست. بسیاری از ساکنان دوشنبه حتی روس‌تبارها، ابیاتی از فردوسی، رودکی و سعدی را از حفظ هستند و آن‌ها را به زبان شیرین فارسی دری زمزمه می‌کنند؛ به‌خصوص وقتی بفهمند شما از ایران آمده‌اید، در کششی گرم و انگار که خون و ریشه فرهنگی ما را به هم نزدیک می‌کند، تلفظ این اشعار لحنی حماسی به خود می‌گیرد.

دوشنبه، به‌علاوه همه این‌ها، شهر مجسمه‌های فردوسی و رودکی و سعدی هم هست. کمتر بوستان و خیابانی را می‌بینید که در آن مجسمه‌ای از شعرای شهیر ایرانی نصب نشده باشد. البته توضیحات ذیل مجسمه باز هم روسی است اما هویت مجسمه‌ها داد می‌زنند که فارسی‌اند.

از آن گذشته، در وسط بزرگ‌ترین میدان شهر دوشنبه که شاید بتوان آن را میدان آزادی این شهر –البته در مقیاس خیلی کوچک‌تر– دانست، مجسمه عظیم و زیبایی از امیراسماعیل سامانی در حالی که گرز پادشاهی حاوی هفت ستاره طلایی در دست دارد، دیده می‌شود.

امیراسماعیل سامانی کسی بود که در اوج خلافت عباسیان، زبان فارسی را در بخش بزرگی از خراسان قدیم، به‌عنوان زبان رسمی رواج داد و خود را از نسل بهرام چوبین، امیر پرآوازه ساسانی می‌دانست. در واقع زبان فارسی مدیون امیر اسماعیل سامانی است و تاجیکستان هم البته حق سپاسگذاری از این امیر دلاور ایرانی را به خوبی به‌جای آورده است؛ به‌گونه‌ای که حتی نام واحد پول این کشور هم

«سامانی» است و روی برخی اسکناس‌ها نام امیر اسماعیل سامانی و روی برخی دیگر چهره نامداران ایرانی چون ابن‌سینا، رودکی، میرسیدعلی همدانی (عارف و فیلسوف) و البته برخی دیگر از چهره‌های ملی این کشور نقش بسته است.

پیش از استقلال، نام واحد پول تاجیکستان همانند برادر بزرگ‌ترش، روبل بود و از سال۲۰۰۰ تاکنون به نام و نشانی ایرانی تغییر کرده است. دراین‌باره نکته جالب دیگری هم وجود دارد و آن این که جایگزینی مجسمه‌های ایرانی به‌جای مجسمه‌های روسی باز هم می‌رفت تا یکی از بحران‌های سیاسی این کشور با برادر بزرگ‌تر را رقم بزند؛ به‌خصوص این که مقامات تاجیکستان تصمیم گرفتند مجسمه امیر اسماعیل سامانی را جایگزین مجسمه لنین در شهر خجند کنند و ظاهراً موفق هم شدند.

در دوشنبه

دوشنبه شهر مدرنی است، با خیابان‌هایی عریض که یادگار معماری شوروی سابق است. شیک‌ترین خیابان‌های شهر، رودکی و خیابان تهران است که سفارت ایران هم در آن قرار دارد؛ خیابانی سرسبز و شیک با بوتیک‌های لوکس در اطرافش. برخی ساختمان وزارتخانه‌های دولتی هم در این خیابان‌ها قرار دارند.

دوشنبه پر از کافه‌های باصفاست؛ از آن کافه‌هایی که محوطه بزرگ و دلبازی جلویشان دارند و موسیقی هم همراه همیشگی آن‌هاست.

لباس خانم‌ها در تاجیکستان بیشتر لباس سنتی است؛ چیزی شبیه لباس بانوان بلوچ، ردایی بلند و آزاد که انواع هنرهای دستی روی آن کار شده همراه با روسری پشت گوش؛ ساده و پوشیده. لباس مردان هم اگر چه سنتی آن موجود است و کلاه‌های زیبایی هم دارند، اما بیشتر آقایان لباس متعارف کت و شلوار را ترجیح می‌دهند.

دست روزگار ما را در صبحی زیبا به یک عروسی تاجیکی هم هدایت کرد. حین گردش در میدان سامانی دیدیم که عروس و دامادها گاه عقد خود را زیر آن مجسمه برگزار می‌کنند تا ادای احترام کاملی به امیر اسماعیل سامانی داشته باشند. قدم زدن در امتداد خیابانی که از میدان سامانی منشعب می‌شد، ما را به عروسی کشاند. باتوجه به متفاوت بودن ظاهرمان و فارسی حرف زدنمان به‌سرعت فهمیدند ایرانی هستیم و به گرمی پذیرایمان شدند. عروسی تاجیک‌ها برخلاف ما از صبح با عقد شروع می‌شود و تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. در رقص، مرد و زن دست‌ها را دور بازوی یکدیگر حلقه می‌کنند و دایره‌وار می‌رقصند و می‌رقصند و به آن‌که بیشتر در رقص دوام بیاورد به شگون، انعام می‌دهند.

گویش واژه‌هایی که در تاجیکستان و در میان عامه مردم استفاده می‌شود زیبا و صدالبته کاملا فارسی است. دست‌کم تاجیک‌ها بیش از ما ایرانیان به واژه‌گزینی صحیح از دل زبان فارسی مقید و متعصبند. به مادر زن «خوش‌دامن» می‌گویند و به قرارداد «شرطنامه». روبوسی را «صورت‌چسبانی»، نوارفروشی را «آهنگ خانه»، توالت را «حاجت‌خانه» و ساختمان را «امارت» نام نهاده‌اند.

سیری در اسامی هم شما را به نام‌هایی زیبا، اصیل و نجیب می‌رساند که خیلی‌هایشان شاید از ذهن ما پاک شده باشند: گلناره، فولاده، خورشید، پارسا، شایسته، گل بن و....

در بازدیدی که از یک تشکل روزنامه‌نگاری در دوشنبه دست داد، متوجه شدیم اسامی مجلات و روزنامه‌هایشان هم بیش از ما با فارسی مأنوس است: اوستا، چرخ گردون، رنگارنگ، روزگار....

تاجیکستان به‌لحاظ اقتصادی چندان قوی نیست و لذا ایران به‌عنوان مصلح و خیرخواه، پروژه‌های زیربنایی مختلفی را با افتخار در آن کشور اجرا کرده و به مردمان نجیب و قدرشناسش هدیه داده است. پروژه‌هایی چون جاده‌سازی، ساخت سد و نیروگاه و برق. با این حال کمبود درآمد سرانه و مشکلات اقتصادی جلوی مطالعه و رشد فرهنگی را نگرفته است؛ به گونه‌ای که ریشه و اصالتی که دارند باعث شده ۹۵درصد جمعیت بالای ۱۵ سال این کشور با سواد باشند.

شاید باورتان نشود اما با وجود تمام مشکلات اقتصادی که تاجیکستان و مردمانش دارند، آرامشی در چهره‌شان هست که شاید آرزوی خیلی از ما باشد. رمز این آرامش در قناعت، کوشش و البته ریشه و اصالتی است که از فرهنگ و مطالعه به دست آورده‌اند.

۹۳درصد مساحت ۳/۱میلیون کیلومتر مربعی تاجیکستان کوهستان است. لذا زمین برای کشاورزی چندان در دسترس نیست. تقریباً به‌جز پنبه و برق و آلومینیوم صادرات دیگری ندارد و از نفت و گاز و ثروت‌های خدادادی کمتر خبری هست یا اصلاً نیست. با این حال مردمانش آرام، صبور، خوش‌قلب و مهربانند و کمتر خبری از تنش و استرس آن‌گونه که ما این روزها با آن مواجهیم هست.

تاجیکستان در یک کلام کشوری است که گرمای خورشید جاودان فرهنگ و ادب فارسی و معنای واقعی اصالت ایرانی در آن تبلور یافته است. جایی است که در آن به ایرانی بودنتان افتخار می‌کنید و به‌وفور شعرهای رودکی و فردوسی می‌شنوید. تاجیکستان کمتر از نشانه‌های فرهنگ غربی تأثیر پذیرفته و شاید علت آرامشی که در این خاک گرم و مأنوس حس می‌کنید، ناشی از این باشد؛ جایی که فرهنگ ایرانی با جاذبه نیرومندش شما را به سوی خود فرا می‌خواند و ریشه‌های تنومندش را به شما می‌نمایاند....



گردشگری وحشت!

تا پیش از این، اغلب گردشگران به‌قصد دیدن دنیا و مردمش سفر می‌کردند و این‌که با فرهنگ و خوراک و پوشاک جوامع محلی آشنا شوند برایشان کافی بود تا سفر خود را مفید و لذت‌بخش تلقی کنند. اما در سال‌های اخیر، انواع جدیدی از گردشگری به‌وجود آمده‌اند که طرفداران خاص خود را هم پیدا کرده‌اند. در صفحات پیش‌رو به مرور برخی از این انواع گردشگری می‌پردازیم.



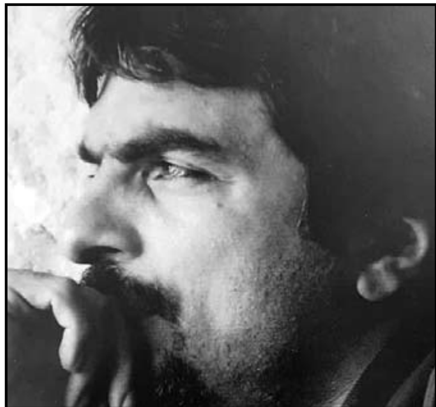
ندا زمان فشمی

یکی از شکل‌های جدید گردشگری، «گردشگری سیاه» نام دارد که به‌آن گردشگری تاریک، تلخ یا گردشگری وحشت هم می‌گویند.

این نوع گردشگری به‌معنای سفر به آن دسته از مکان‌های تاریخی است که به نوعی با مرگ و تراژدی درگیر بوده‌اند، مکان‌هایی که محل وقوع اتفاق یا حادثه تلخ طبیعی مثل زلزله، سونامی، سیل، آتشفشان یا حوادث غیرطبیعی، مثل اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها، اردوگاه‌های کار اجباری، حملات هسته‌ای و شیمیایی (مثل پارک یادبود صلح هیروشیما که در یادبود قربانیان حمله هسته‌ای به هیروشیما ساخته شد)، نیروگاه اتمی منفجر شده (مثل چرنوبیل در اوکراین)، محل وقوع حوادث تروریستی (مثل مرکز تجارت جهانی در نیویورک بعد از حملات یازده سپتامبر)، قلعه‌ها و جبهه‌های جنگ (مثل منطقه «کالودن» در اسکاتلند که در آن نبرد کالودن بین نیروهای اسکاتلندی و انگلیسی رخ داد)، زندان‌های قدیمی (مثل زندان بوماریس در ولز) و کلا هر فاجعه‌ای که عامل انسانی در آن دخالت داشته، بوده‌اند.

خیلی از این مکان‌ها، از نظر تاریخی به‌دوران باستان تعلق دارند؛ مثل تماشاخانه کولوزئوم در شهر رم ایتالیا که در آن نبردهای خونین گلادیاتورها (شمشیرزنان) برای تفریح تماشاچیان انجام می‌شد.

درباره این نوع گردشگری، با شهرام مهرپویا، کارشناس ارشد گردشگری که تجربه ۳۰سال کار و تدریس در حوزه گردشگری را به‌همراه تجربه مدیریت هتل، ریاست دفتر سازمان سیاحتی و مراکز تفریحی و سمت‌های مدیریتی در بخش‌های مختلف دارد، به گفتگو نشستیم.



شهرام مهرپویا می‌گوید: این نوع گردشگری از زمان‌های خیلی قدیم، حتی از دوران یونان باستان وجود داشته ولی در سال‌های اخیر، یعنی از دهه ۱۹۹۰ به‌بعد، شیوع پیدا کرده است. دو عامل اصلی در این گردشگری مطرح است: مرگ و ترس.

گردشگری سیاه یکی از انواع گردشگری است که برای مردم خیلی هیجان‌انگیز بوده و حس کنجکاوی آن‌ها را برمی‌انگیزد؛ زیرا حضور در مکانی که یک رویداد دهشتناک در آن اتفاق افتاده، به‌طوری که در طول تاریخ تبدیل به یک رویداد مهم شده است، خالی از هیجان نیست. مشتریان این نوع گردشگری می‌خواهند هیجان را تجربه کنند؛ هیجان ناشی از حس ترسی که در آن مکان وجود داشته است. همین امر باعث شده که تقاضا برای این نوع گردشگری زیاد باشد. زمانی مردم تمایل داشتند در ایام فراغتشان به مکان‌های تاریخی و تفریحی سفر کنند ولی امروز که ذائقه‌ها عوض شده، برخی تمایل دارند از مکان‌هایی دیدن کنند که در آن‌ها زمانی خشونت یا حادثه تلخی اتفاق افتاده است. در بسیاری از موارد، هدف گردشگران از سفر به این مکان‌ها، پیدا کردن پاسخ برای سؤال‌هایی است که در زمینه چرایی ماجرا و تجربیات افرادی که آن حادثه برایشان رخ داده است، در ذهنشان شکل گرفته است.

گردشگری سیاه، از نظر روان‌شناسان، مرگ را به قلمروی عمومی‌تر آورده است. به گفته مهرپویا، اصطلاح «گردشگری سیاه» اولین بار توسط فلوی و لنون، استادان دانشگاه گلاسکو مطرح شد و در سال ۱۹۹۳، روجک، این اصطلاح را برای مکان‌هایی که این دسته از گردشگران را جذب می‌کردند، به‌کار برد.

ممکن است خود آن اتفاق تلخ یا عامل مرگ در این نوع گردشگری خیلی مهم نباشد ولی موقعیتی که اتفاق افتاده، الان جذابیت دارد؛ مثلا اردوگاه آشوویتس در لهستان، از جمله اردوگاه‌های مرگ است که در آنجا عده‌ای از یهودیان کشور


کوره‌های آدم‌سوزی

لهستان و سایر کشورهای منطقه کشته شدند و الان خود مردم اروپا بیشتر مشتاق هستند که بروند و از نزدیک نحوه کار این اردوگاه‌ها را ببینند و حس و حال زندانیان آن اردوگاه را تا حدی تجربه کنند. اردوگاه کار اجباری گولاک، اردوگاه دیگری است که اطلاعات زیادی از آن در دست نیست و سال‌های متمادی مردم درباره آن کنجکاو بودند. این اردوگاه محلی بود که زندانیان سیاسی و زندانیان تبعیدشده به سیبری به دستور استالین در آن نگهداری می‌شدند و زندگی بسیار رقت‌بار و سختی داشتند. منطقه گولاک، منطقه‌ای پر از معدن بود که برای توسعه به نیروی کار نیاز داشت؛ بنابراین زندانیان را به آن‌جا فرستادند و در شرایط بسیار سخت آن‌ها را به کار اجباری واداشتند. این اردوگاه بعد از مرگ استالین به‌شدت توسعه یافت و زندانیان سیاسی را به آن‌جا می‌فرستادند. در کتاب الکساندر سولژنیستین که یک نویسنده و منتقد شوروی سابق بود، به نام این اردوگاه اشاره شد. بعد از انتشار این کتاب، بسیاری از مردم دنیا مشتاق شدند این منطقه را از نزدیک ببینند؛ کما این‌که از حدود ۳۰ -۲۰ سال پیش، یک کمپانی آمریکایی با دریافت هزینه‌های گزاف، تورهایی به مقصد گولاک و سیبری برگزار می‌کند.



معروف‌ترین نقطه در گردشگری سیاه در دنیا، شهر چرنوبیل است که محل وقوع انفجار هسته‌ای نیروگاه اتمی چرنوبیل در شوروی سابق و اوکراین امروزی به‌شمار می‌رود. دیوار برلین، دیواری که دو بخش غربی و شرقی برلین را در سال‌های جنگ سرد از هم جدا می‌کرد و بسیاری از فراری‌های دنیای کمونیسم به دنیای غرب در این نقطه توسط دولت آلمان شرقی کشته شدند، مزارع مرگ کامبوج، محل نبرد واترلو، شهرهای هیروشیما و ناکازاکی به‌عنوان اولین قربانیان بمباران اتمی و بناهای یادبودی که در این شهرها وجود دارد، از جمله مقصدهای گردشگری سیاه در دنیا هستند که یک فاجعه با دخالت انسان در آن‌ها رخ داده است.

در برخی از مقصدهای گردشگری سیاه یک حادثه تلخ طبیعی رخ داده است. در برخی از آن‌ها وجود داستان‌های خیالی و وهم‌انگیز باعث شده که حس کنجکاوی مردم برانگیخته شده و بخواهند به آن مناطق سفر کنند. شهر پمپئی یکی از این مناطق است که در آن آتشفشان طبیعی وزوو فوران کرد و باعث شد که این شهر کلا زیر خاکستر برود و تمامی جمعیت آن از بین رفتند.



نمونه دیگر، جنگل آئوکیگاهارا در شمال‌غربی کوه فوجی در ژاپن است که به جنگل خودکشی معروف شده، زیرا یکی از مشهورترین مکان‌های خودکشی است و کسانی که قصد خودکشی دارند برای مردن به این جنگل سفر می‌کنند. علامت‌هایی در برخی مسیرهای آن قرار داده‌اند تا کسانی را که به قصد خودکشی آن‌جا رفته‌اند، مجبور کنند به خانواده‌هایشان فکر کرده و از خودکشی منصرف شوند. تابلوهایی چون «زندگی چیز ارزشمندی است که از طرف والدینت به تو اعطا شده، در آرامش، یک بار دیگر به پدر و مادرت، خواهر و برادر و بچه‌هایت فکر کن. نگران نباش. اول با ما صحبت کن.» این پیامی است که بازدیدکنندگان هنگام ورود به جنگل مشاهده می‌کنند.

بنابرگفته مهرپویا، در ایران مناطقی وجود دارد که در آن‌ها به‌خاطر وجود افسانه‌ها یا اتفاقات تلخی که آن‌جا رخ داده، بنای یادبودی ساخته‌اند و به مقصد گردشگری سیاه تبدیل شده‌اند، مثل قلعه آدم‌خوار در اردبیل که گفته می‌شد هرکسی واردش شده، هرگز نتوانسته از آن خارج شود و موقعیت قلعه هم طوری است که به‌خاطر دیوارهای ۳۰۰ متری‌اش، واقعا اگر کسی واردش می‌شد، امکان خروج نداشت. این قبیل مناطق، بر اثر روایت‌ها و داستان‌های محلی جذابیت پیدا کرده‌اند و این روایت‌ها، پیشینه علمی ندارد.


قبرستان یری

تالاب ارواح نوشهر، قبرستان جن چابهار، قبرستان خالد نبی در گلستان، قبرستان شهر یری نزدیک مشکین‌شهر، کلبه وحشت انزلی، باغ سنگی سیرجان (باغی که باغبان پیرش بر اثر خشکسالی پیش‌آمده در آن، از درختان سنگ‌هایی را به‌عنوان میوه آویزان کرد) و کویر ریگ جن از جمله مقصدهای جذاب در این نوع گردشگری هستند. بناهای یادبودی هم در این زمینه وجود دارند؛ مثلا در جاده زاهدان به سمت زابل، در محلی به نام تاسوکی، عوامل تروریستی مردم بی‌گناهی را از اتوبوس پیاده کرده و به قتل رساندند و بنای یادبودی برای این کشته‌ها در آن منطقه احداث شد.

در صحرای طبس، جایی که اوایل انقلاب، نیروهای ویژه آمریکایی در آن‌جا بر اثر توفان شن کشته شدند و عده‌ای هم فرار کردند، دو ماکت از آن هلی‌کوپترها در فرودگاه متروکه طبس قرار داده‌اند که اشاره ضمنی به آن ماجرا دارد اما هیچ تابلوی خاصی که نشان دهد چه اتفاقی در اینجا افتاد، در این منطقه دیده نمی‌شود. همچنین محل‌هایی که جنگ بین ایران و عراق در آن‌ها خیلی شدت داشت، مثل سوسنگرد که در آن اتفاقات تلخی افتاد و خرمشهر که در اشغال ارتش بعث بود، از جمله مقصدهای این نوع گردشگری هستند.

موزه‌هایی هم در این راستا در ایران داریم، مثل موزه عبرت که درباره شکنجه و اعدام بسیاری از زندانیان سیاسی است.

این کارشناس ارشد گردشگری می‌گوید: این گردشگری در دنیا شناخته شده ولی در ایران هنوز خیلی به آن پرداخته نشده است. ما شاید این نوع گردشگری را داشته باشیم ولی نه به‌شکل سازمان‌یافته. مردم به‌صورت خودجوش از مناطقی که نام بردم بازدید می‌کنند.

به‌نظر می‌رسد تقاضا برای این نوع گردشگری در ایران خیلی زیاد نباشد. برگزاری تورهای این نوع گردشگری هم، مثل تور سفر به کویر ریگ جن، کار هر کسی نیست. برخی آژانس‌ها و افراد علاقه‌مند در این زمینه فعالیت می‌کنند و چون خودشان از این مناطق بازدید کرده‌اند، در فضای مجازی درباره‌اش به گفتگو می‌نشینند.

از سفر به اعماق اقیانوس تا پرواز در بلندای آسمان

گردشگری هیجان!



ندا زمان قشمی

یکی از روش‌های تازه در توسعه صنعت گردشگری، جذب گردشگر از طریق تحریک او به تجربه فعالیت‌های هیجان‌انگیز و بالابردن آدرنالین خون اوست. در سال‌های اخیر در بیشتر کشورها، مسئولان گردشگری توجه خاصی به این مبحث دارند و روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند.

در بسیاری از آن‌ها، آژانس‌های مسافرتی گردشگران را به مناطق خطرناک می‌برند و فضایی را فراهم می‌کنند تا فعالیت‌ها و ورزش‌هایی را تجربه کنند که در حالت عادی هرگز انجام نمی‌دهند. سفر به کوهستان‌های خطرناک، غارهای تاریک و طولانی و بیابان‌های دورافتاده از جمله این نوع گردشگری است.

گردشگران، هم از این مناطق پرخطر دیدن می‌کنند و هم فعالیت‌های پرخطر انجام می‌دهند. مثلا در ژاپن گردشگران می‌توانند به جنگل تاریک و عمیقی بروند که در آن یک تونل آبی ۴۰ متری و فوق‌العاده هیجان‌انگیز برای کسانی که عاشق پارک‌های آبی هستند و همچنین زمین بازی برای کسانی که عاشق راپل (یک تکنیک صخره‌نوردی که در آن ورزشکار با طناب از صخره پایین می‌آید) هستند، قرار دارد.

در مالزی، گردشگران به ایالت ترنگانو و جزیره ردانگ سفر می‌کنند تا ورزش پرهیجان غواصی را تجربه کنند و دنیای زیر آب را ببینند.

در سلانگور، شهربازی معروفی وجود دارد که گردشگر می‌تواند از ارتفاع ۲۲ متری پرش بانجی‌جامپینگ را تجربه کند. در ارتفاعات توچال تهران هم ایستگاهی برای تجربه بانجی‌جامپینگ وجود دارد و علاقه‌مندان از ارتفاع ۴۰ متری پرش می‌کنند.

رودخانه زامبزی (Zambezi River) در زیمبابوه یکی از بهترین مناطق برای قایقرانی است. این رودخانه از آبشار ویکتوریا آغاز شده ودر طول ۲۴کیلومتر، ۲۳ نقطه سراشیبی دارد و به‌همین علت یکی از خطرناک‌ترین تجربه‌های قایقرانی در آب سفید را به گردشگر ارائه می‌کند.

یکی از هیجان‌انگیزترین ورزش‌ها، تجربه سقوط آزاد (sky diving) است. سقوط آزاد یک تفریح ماجراجویانه و کاملا پرهیجان است که تنها افراد خاصی که به‌دنبال ماجراجویی محض هستند سراغش می‌روند. به‌نظر می‌رسد از آن‌جایی که این ورزش نیاز به امکانات خاص دارد، تنها در اختیار کشورهای محدودی باشد ولی واقعیت آن است که بسیاری از کشورهای آسیایی هم برای آن‌که تجربه یک



فعالیت فوق‌العاده هیجان‌انگیز را به گردشگر بدهند، امکانات لازم برای این ورزش را فراهم کرده‌اند. کشورهایی چون امارات، تایلند، مالزی، اندونزی، فیلیپین، چین و هند، از جمله مناطقی هستند که مکان‌های مخصوص این ورزش، موسوم به دراپ‌زون (drop zone) را ساخته‌اند و در حال حاضر از مقصدهای مهم گردشگری جهان به‌حساب می‌آیند.

اما آیا سقوط آزاد در ایران هم انجام می‌شود؟

در این رابطه با علی امیری، مربی چتربازی اتوماتیک، چتربازی سقوط، پاراگلایدر و پاراموتور گفتگو کرده‌ایم. امیری که بیش از ۳۱ سال تجربه آموزش و مربیگری رشته‌های فوق را دارد می‌گوید ورزش سقوط آزاد در ایران زیر نظر سه ارگان است: انجمن ورزش‌های هوایی، سازمان هواپیمایی کشوری، قسمت فوق سبک و هیأت ورزش‌های هوایی استان تهران. این سه ارگان به دلیل تعارضاتی که باهم دارند، در عمل هیچ کمکی به این ورزش نمی‌کنند. مسأله دیگر آن است که تمام تجربه و علم، قوانین و کتاب‌های آن‌ها مربوط به ۴۰-۳۰ سال پیش است و با کتاب‌های مرجع و تکنیک‌های جدیدی که امروز در دنیا استفاده می‌شود، آشنا نیستند. البته کتاب‌های مرجع و منابع جدید وارد ایران شده ولی ترجمه نشده‌اند.

امیری معتقد است که چتربازی سقوط آزاد، آخر هیجان و آدرنالین است. مسابقات چتربازی



در ایران بیشتر شکل نظامی دارد و تنها توسط نیروهای مسلح و به اسم سیزم (مسابقات ارتش‌های جهان) برگزار می‌شود. مهرماه گذشته تیم نظامی در این مسابقات که در چین برگزار می‌شد شرکت کردند.

وی درباره ظرفیت‌های ایران در زمینه جذب گردشگر از طریق ورزش سقوط آزاد گفت: برای آن‌که بتوانیم این ورزش‌ها را در شکل استانداردش انجام دهیم، امکانات زیادی لازم داریم، از جمله باند پرواز، هواپیما، هلیکوپتر، چتر و تونل باد. نقطه قوت کشور ما در مقایسه با سایر کشورها آن است که اولا ایران چهارفصل است و در تمام طول سال امکان آن را داریم که بتوانیم این ورزش را انجام دهیم و ثانیا ایران از نظر جغرافیایی، کشور بسیار زیبایی است.

این مربی سقوط آزاد معتقد است اگر یک باشگاه در قالب یک دراپ‌زون، یعنی باشگاهی که همه امکانات سقوط آزاد را دارد، داشته باشیم، ده‌ها گردشگر برای پرش وارد ایران می‌شوند، زیرا بسیاری از مناطق ایران، از جمله چابهار و منطقه درک، قبله آمال کسانی هستند که عاشق سقوط آزادند.

این نقطه از آن جهت برای احداث دراپ‌زون ایده‌آل است که اولا دراپ‌زون‌ها باید جایی احداث شوندکه ترافیک هوایی زیاد نباشد و همچنین آن منطقه باید هم‌سطح دریا باشد. بنابراین مناطق ساحلی به‌این منظور خیلی مناسب هستند.

ما در ایران آن‌قدر جذابیت توریستی داریم که اگر چتربازی هم در کنار سایر جذابیت‌ها قرار گیرد، ارزآوری فراوانی برای کشور ایجاد می‌کند. منطقه درک، جایی است که درآن صحرا به دریا وصل می‌شود. دو یا سه نقطه در دنیا چنین ویژگی جغرافیایی منحصر به‌فردی دارند.

در دوبی، دولت امارات با هزینه‌های بسیار بالا دراپ‌زون‌هایی احداث کرده است که آن‌قدر برای علاقه‌مندان به سقوط آزاد جذابیت دارند که اگر امروز برای پرش با آن‌ها تماس بگیرید، دست‌کم ۶ یا ۷ ماه باید منتظر بمانید تا نوبت پرش شما برسد. پولی که از این جاذبه گردشگری به‌دست می‌آورند قابل تصور نیست. آن‌ها باند متحرکی دارند که یک‌سومش روی خشکی و دوسومش در دریاست. هواپیماها و هلیکوپترهای به‌روز دنیا را خریداری کرده‌اند و به آخرین تکنولوژی روز مجهز هستند. اما در دراپ‌زون دوبی وقتی از آسمان به پایین نگاه می‌کنی، اصلا جذابیت بصری وجود ندارد. معروف‌ترین دراپ‌زون آن‌ها، در دل کویر ساخته شده و کسی که آن‌جا می‌پرد، بعد از یک‌بار پریدن، به‌خاطر دیدن تصویر یکنواخت کویر، دلزده می‌شود. هوا هم به‌شدت گرم است. ولی در چابهار هم کویر داریم هم آب. شما از بالا وقتی به پایین نگاه می‌کنید شکل و شمایل می‌بینید. منطقه درک تپه‌های شنی دارد و شما می‌توانید از بالا، شکل‌های بسیار زیبایی را تماشا کنید که شن‌ها ایجاد کرده‌اند. پس واقعیت آن است که ما از نظر چشم‌انداز، عالی‌ترین منطقه جغرافیایی دنیا هستیم.

همین موضوع از نظر فصلی هم در ایران صادق است. در ایران، وسط زمستان می‌توانید در جنوب کشور چتربازی کنید. این امکانی است که روسیه آن را ندارد. روسیه سه ماه گرم دارد که تازه در این سه ماه هم یک سوم اوقات، بارندگی دارند. در فصل سرما آن‌قدر برف آنجا هست که فقط نظامی‌ها امکان پرش دارند و عملا پرش تفریحی ناممکن است. در امارات هم شما در هر فصلی نمی‌توانید بپرید. از تابستان تا اواخر مهرماه دراپ‌زون‌ها تعطیل هستند. اروپا و آمریکا وضعیت بهتری دارند. مثلا وقتی در شرق آلمان بارندگی است، در جنوبش یک دراپ‌زون فعال است. این در حالی است که در ایران ما همیشه امکان پرش داریم.

دراپ‌زون‌ها علاوه بر جذب گردشگر و ارزآور بودن برای کشورها، کارآفرینی هم می‌کنند. مثلا روسیه امروز چندین دراپ‌زون دارد. یک دراپ‌زون در این کشور که ۳۰۰ کیلومتر از مسکو فاصله داشت، برای بالغ بر ۷۰-۶۰ خانواده شغل ایجاد کرده بود. تونل باد در این دراپ‌زون ۲۴ساعته روشن بود و همیشه مشتاقان پرواز منتظر استفاده از آن بودند. از ماه‌ها قبل هتل‌های این منطقه و تونل باد آن رزرو شده بودند. در هر هتل حداقل ۳۰ نفر و در هر رستوران دست‌کم ۲۰ نفر کار می‌کردند. دراپ‌زون دوبی هم نزدیک ۲۰۰ نفر کارمند دارد.

در ایران، هوافضای سپاه برای جذب توریست کمک‌هایی کرده و مثلا در انتهای غرب اتوبان همت، سایت پروازی شهید عسگری را راه‌اندازی کرده است که محلی برای پرواز پاراگلایدر به‌حساب می‌آید. این ارگان به سقوط آزاد هم کمک کرده است. آن‌ها هواپیمای y۱۲ خود را برای پرش سقوط آزاد، اجاره می‌دهند و به این ترتیب ما توانستیم چند ایونت در شمال و جنوب کشور برگزار کنیم و برخی مشتاقان پرواز، به‌جای آن‌که برای تجربه سقوط آزاد از کشور خارج شوند، در داخل کشور توانستند این تجربه را داشته باشند.





گردشگری فوتبال!

فوتبال، پرطرفدارترین ورزش جهان است. باشگاه‌های فوتبال در هر کشوری طرفداران بی‌شمار خود را دارند. میلیون‌ها نفر در سطح جهان مسابقات باشگاه‌های درجه یک را که از شهرت و محبوبیت جهانی برخوردارند دنبال می‌کنند. هواداران باشگاه‌ها، بازیکنان، استادیوم، لباس تیم و هر چیز دیگر مربوط به باشگاه خود را دوست دارند. همه ما افراد زیادی را دیده‌ایم که مثلا نام بازیکنان بیست سال پیش تیم موردعلاقه خود را به‌یاد دارند و هنوز هم آرزویشان، دیدن این بازیکنان و هم‌صحبت شدن با آنهاست.

عشق به فوتبال، طوری در زندگی یک هوادار رخنه می‌کند که تا حد زیادی می‌تواند در تصمیماتش اثرگذار باشد. هواداران باشگاه‌ها و تیم‌های ملی برای تماشای مسابقات تیم موردعلاقه خود به شهرها و حتی کشورهای مختلف سفر می‌کنند، در هتل‌ها اقامت کرده و حتی ممکن است علاوه بر تماشای فوتبال، از سایر مکان‌های دیدنی آن شهر یا کشور هم دیدن کنند، به مراکز خرید و رستوران‌ها بروند و در شکل‌های مختلف، به صنعت گردشگری سود برسانند.

علاوه بر این، توریسم مبتنی بر فوتبال یک نوآوری در صنعت گردشگری به‌حساب می‌آید و خسارات ناشی از نوسانات فصلی در این صنعت را کاهش می‌دهد. یک طرفدار سرسخت فوتبال، حاضر است برای دیدن مربی، بازیکن و باشگاه موردعلاقه‌اش هزینه کند. بازی‌ها و اتفاقات فوتبالی، حس نوستالژی را در میان طرفداران فوتبال برمی‌انگیزند. هواداران اشتیاق فراوانی دارند که مثلا پیراهنی که بازیکن موردعلاقه‌شان در فینال یک مسابقه مهم پوشیده بود را به‌دست آورند یا از استادیومی که فلان بازی مهم در آن برگزار شده بود، دیدن کنند. فعالان صنعت گردشگری در بسیاری از کشورها از این میزان علاقه به فوتبال و این حس نوستالژی شدید که هواداران باشگاه‌ها دارند در راستای توسعه صنعت خود استفاده می‌کنند.

هیتائی چو ، ار چین کو و هیون-وو لی ، در مقاله‌ای با عنوان «نوستالژی، انگیزش و قصد برای گردشگری بین‌المللی استادیوم‌های فوتبال» که در مجله معتبر «مجله پژوهش درباره گردشگری آسیا- اقیانوسیه» به‌چاپ رسید درباره بهره‌برداری فعالان حوزه گردشگری از حس نوستالژی هواداران فوتبال باشگاه‌های انگلیسی بررسی جامعی انجام داده‌اند.

بر اساس آمار سال ۲۰۱۸ که در این مقاله منتشر شده است، لیگ برتر انگلستان از نظر تعداد تماشاگرانی که در استادیوم‌ها برای تماشای مسابقات حضور پیدا می‌کنند، رتبه اول دنیا را دارد و در کنار تعداد بی‌شمار بیننده تلویزیون، بیش از ۱۳ میلیون تماشاگر برای تماشای این بازی‌ها در استادیوم‌ها حاضر می‌شوند. بوندس‌لیگای آلمان از این نظر در رتبه دوم قرار دارد.

بر اساس گزارش این نویسندگان، منچستریونایتد بیش از ۴۰ میلیون طرفدار در آسیا دارد و به‌همین علت نباید از اثر طرفداران آسیایی بر بازار فوتبال اروپایی غافل شد. نوستالژی هم یک محرک قدرتمند است که می‌تواند بر قصد و نیت مردم برای سفر اثر بگذارد.

در این مقاله آمده است که نوستالژی و انگیزش طرفداران تیم‌های فوتبال اروپایی بر قصد آن‌ها مبنی بر بازدید از استادیوم‌های خارجی اثر می‌گذارد. نتایج به‌دست آمده از نظرسنجی ۳۰۱ طرفدار تیم‌های فوتبال اروپایی نشان می‌دهد که نوستالژی بر انگیزش آن‌ها اثر مثبت گذاشته و انگیزش هم بر قصدشان مبنی بر بازدید از استادیوم‌ها اثر دارد.

نوستالژی یکی از مهمترین انگیزه‌ها برای سفر کردن است و انگیزش توریست‌ها را برای دیدن برخی اماکن بالا می‌برد. یعنی هرچه احساسات نوستالژیک توریست بیشتر تحریک شود، آنها انگیزش بیشتری برای بازدید از آن منطقه دارند. کسانی که حس نوستالژی قدرتمندی دارند در مقایسه با افرادی که این حس در آن‌ها کمتر است، انگیزش بالاتری دارند. این موضوع به‌خاطر آن است که جمع‌آوری خاطرات نوستالژیک گذشته باعث می‌شود افراد احساس همدردی بالاتری داشته باشند و این احساس هم به‌نوبه خود بر اشتیاق آن‌ها اثر گذاشته و انگیزش آن‌ها را بیشتر می‌کند. مطالعات در زمینه توریسم ورزشی نشان می‌دهد که استفاده از ویژگی‌های نوستالژیک به زندگی افراد معنا می‌دهد و به یک منبع انگیزشی برای بازدید از مکان‌های ورزشی تبدیل می‌شود. انگیزش هم بر قصد بازدید از استادیوم‌های خارجی اثر دارد.

در همین راستا باشگاه‌های معتبر و بزرگ فوتبال در دنیا در جهت جذب توریست اقدامات گسترده‌ای انجام داده‌اند.

به گفته شونا سوترن، مدیر بازاریابی باشگاه منچستر یونایتد، بخش گردشگری این باشگاه درآمدی بالغ بر ۷،۹ میلیارد پوند دارد و ۹۴۰۰۰ شغل ایجاد کرده است و سالانه ۱۱۹ میلیون بازدیدکننده از سراسر جهان جذب می‌کند. در تور گردشگری بازدید از استادیوم باشگاه منچستر یونایتد انگلستان، اولدترافورد، شما می‌توانید روی صندلی بازیکن مورد علاقه‌تان در رختکن بنشینید، در تونلی که از رختکن به زمین بازی می‌رسد، قدم بزنید. شما در این تور از اتاق خبری بازدید می‌کنید، اتاقی که بعد از هر بازی خانگی، مربی و مدیر باشگاه در آن با رسانه‌ها گفتگو می‌کنند. همچنین از اتاق VIP دیدن خواهید کرد، جایی که میزبان نام‌های بزرگی در طول سالیان دراز بوده است. اتاق داورها و موزه باشگاه هم جاهای دیگری است که برای گردشگران جذابیت دارد. در موزه باشگاه منچستر یونایتد، جام‌ها، لباس، کفش ورزشی و برخی وسایل شخصی بازیکنان بزرگ این تیم به همراه جام‌ها و افتخارات این باشگاه، تصاویر بازیکنان، بیوگرافی آن‌ها به همراه افتخاراتی که برای باشگاه کسب کرده‌اند، جملات انگیزشی از اسطوره‌های این تیم، از جمله سر الکس فرگوسن، مربی اسکاتلندی معروف منچستریونایتد که بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۳ هدایت این تیم را برعهده داشت و سر الکساندر متیو بازبی، بازیکن معروف اسکاتلندی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ این باشگاه، دیده می‌شود. همچنین نمایشگرهایی که در جای‌جای این موزه قرار دارند لحظه‌های پرافتخار این تیم را به نمایش درمی‌آورند.

در ایران، باشگاه‌های بزرگ و پرسابقه ما، استقلال و پرسپولیس، قدمتی به اندازه باشگاه‌های انگلستان دارند و می‌توانند با الگوبرداری از باشگاه‌های تراز اول دنیا، از گردشگری نیز به عنوان ابزار درآمدزایی استفاده کنند. با این حال، سرخابی‌ها هنوز حتی زمین اختصاصی برای تمرین فوتبال در مالکیت خود ندارند، هرچند که در زمان ریاست دکتر دادکان در فدراسیون فوتبال، دو مجموعه ورزشی به این باشگاه‌ها اختصاص یافت اما هنوز در تملک آن‌ها نیست. چند ساختمان هم جزو اموال پرسپولیس به‌حساب می‌آید که البته آن‌ها هم باید به‌تملک این باشگاه درآید.

بحث واگذاری این دو باشگاه به بخش خصوصی چند سالی است مطرح شده و طبق وعده وزارت ورزش و جوانان قرار بود تا پایان سال ۱۳۹۷ این اتفاق رخ دهد اما آن‌قدر طولانی شد که علی‌رغم وعده دوباره وزارتخانه مبنی بر واگذاری استقلال و پرسپولیس تا پایان سال ۱۳۹۸، باز هم این اقدام عملی نشد؛ بنابراین اگرچه قدمت این دو باشگاه با قدمت برخی تیم‌های ریشه‌دار اروپایی و انگلیسی برابری می‌کند، اما برای رسیدن به درآمدزایی از طریق گردشگری، فعلا اندر خم کوچه اول زمین و اماکن اختصاصی هستند. الگوبرداری از باشگاه‌های اروپایی برای درآمدزایی مثلا در قالب جذب گردشگر، برای باشگاه‌های ایرانی اگر به شوخی شبیه نباشد، با توجه به موقعیت فعلی آن‌ها، به آرزو شبیه است؛ آرزویی که با این روند، نه‌تنها تحقق نمی‌یابد، بلکه سال به سال دریغ از پارسال خواهد بود.

رخدادها و تحولات مهم مدیریت شهری اصفهان در سال ۹۸

از شکسته شدن طلسم ۲۰ ساله برای باز کردن گره ترافیک تا رشد برند جهانی نصف جهان


مجموعه پل ها و تقاطع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی


مجموعه پل ها و تقاطع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

شهرداری اصفهان در سال ۹۸ مسیر توسعه، رفاه و آرامش را برای شـــهروندان نصف جهان ادامه داد و با کلید زدن پروژه های بزرگی همچون حلقه چهارم ترافیکی و طرح هایی زیرســـاختی مانند (اصفهـــان ۲۰۲۰) و ده ها تصمیم موثر دیگر نشـــان داد اصفهان می خواهد یک تمدن نوین شهری را رقم بزند.

ســـاخت چهارمین حلقه ترافیکی، نخســـتین طرحی بود که شهرداری اصفهان آنرا در سال ۹۸ اجرایی کرد تا ترافیک را از درون خیابان ها و معابر این شهر به ویژه در مناطق کمتر برخوردار همچون مناطق ۱۴ و ۱۵ شـــهرداری به خارج از محدوده زندگی و سکونت مردم انتقال دهد. ســـاخت مجموعه پل ها و تقاطع نصف جهان که اکنون به نام (سردار شـــهید حاج قاسم سلیمانی) مزین شده، یکی از مجموعه اقدامات شهرداری اصفهان برای توسعه و ارتقاء زندگی شهروندان این شهر اســـت؛ طرحی که به حوادث ناگوار ترافیکی در بسیاری از نقاط شهر اصفهان خاتمه خواهد داد و با کاهش ترافیک و آلودگی، فضای شهر را برای زندگی امن تر خواهد کرد.

مســـیر این پروژه که از محل کارخانه قند ســـابق آغاز شده است و تا مجاورت خمینی شـــهر امتداد پیدا می کند، منجر به اجرای حلقه ای ۷۰ کیلومتری برای تردد ایمن، سریع و ارزان تر خودروهای باری خواهد شـــد. بی گمان این پروژه امنیت جانی ۳۵۰ هزار نفـــر را تضمین خواهد کرد چرا کـــه دیگر تصادفات محورهای خطرســـازی مانند (میدان جوان)، (سه راه نقشینه)، (خیابان بعثت) و زیرگذر (عاشـــق اصفهانی) به کمترین میزان ممکن می رسد.شـــهرداری اصفهان در نظر دارد ۹ کیلومتر اول طرح حلقه چهارم ترافیکی را که شـــامل مجموعه پل ها و تقاطع (سردار شهید حاج قاسم سلیمانی)، (تقاطع آفتاب) و اتصال آن به (بلوار فرزانگان) را پایان سال ۹۹ به بهره برداری برساند.

اگرچه اجرای حلقه چهارم ترافیکی شهر اصفهان به ۲هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد اما می تواند سالانه ۳۰ میلیارد تومان هم سودآوری برای شهر به دنبال داشته باشد که ۱۸ میلیارد تومان آن مربوط به کاهش هزینه های ناشی از مصرف سوخت است.

***(اصفهان ۲۰۲۰) طرحی برای توسعه گردشگری**

در حوزه سیاست گذاری و شفاف کردن مسیر پیش روی شهر اصفهان، شورای اسلامی این شهر، طرح (اصفهان ۲۰۲۰) و تبدیل این کهن شهر به یک شهر گردشـــگری، صنایع دستی و میراث فرهنگی را تصویب کرد تا تمامی ظرفیت های این شهر در راستای توسعه صنعت گردشگری استفاده شود و اصفهان به نقطه اتکا به درآمدهای گردشگری برسد. در چارچوب آن طرح، رویدادهای مختلفی از جنس هم افزایی بین بخش هـــای مرتبط داخلی و خارجی شـــکل گرفت و برگزاری نمایشـــگاه نقاشی (سمفونی دوستی راه ابریشـــم) یکی از این برنامه ها بود که با حضور هیأت عالی رتبه هنری کشور چین و با پیام دوستی دو تمدن کهن ایران و چین در موزه هنرهای معاصر اصفهان برگزار شد.

در همین رابطه معرفی برند شهری اصفهان به خواهر خوانده های داخلی هم شـــکل و شـــمایل دیگری به خود گرفت و نخستین برنامه شب های فرهنگی اصفهان بر اساس توسعه صنایع خلاق و گردشگری در (پردیس سینمایی قدس شهر تبریز) برگزار شد.

***اصفهان شهر دوستدار کودک**

اصفهان در سال ۹۸ توانست با مجموعه اقداماتی که در حوزه کودک انجام داده است از سوی یونسکو به عنوان کاندیدای شهر دوســـتدار کودک معرفی شـــود. هرچند تلاش شهرداری برای ساختن شهری که دوستدار کودکان باشـــد، با به دست آوردن این عنوان چندین برابر می شود اما حضور اصفهان در یک شبکه جهانی، بازاریابی شـــهری را آسان تر و نشان اصفهان را پررنگ تر خواهد کرد.



پالایشگاه اصفهان سرآمد شرکت های تولید کننده فرآورده های نفتی کشور در سال ۱۴۰۰

شرکت پالایش نفت اصفهان به عنوان تامین کننده ۲۰ درصد از فرآورده های نفتی کشور نقش تعیین کننده ای در امنیت عرضه انرژی در حـــوزه نفت دارد؛ به طوریکه این شرکت با تولید ۱۲ میلیون لیتر بنزین در روز، علاوه بر تامین بنزین اســـتان اصفهان، بنزیـــن مورد نیاز ۱۶ استان دیگر کشـــور را نیز تامین می کند.این شرکت در راستای اهداف خود هر ساله طرح های مختلفی را آن هم در چارچوب رعایت مســـائل زیست محیطی اجرا و بهره برداری کرده است که نه تنها موجب کاهش نیاز آن به نفت خام به عنوان مواد اولیه این شرکت می شود بلکه سبب افزایش تولید فرآورده های نفتی مطابق با استانداردهای روز دنیا شده است. شرکت پالایش نفت اصفهان تلاش دارد با اجرای طرح های مختلف ترســـیم شده، در چشم انداز ۱۴۰۰ به عنوان شـــرکت ســـرآمد تولید کننده فرآورده های نفتی کشـــور شـــود. مدیرعامل شرکت پالایش نفت اصفهان در رابطه با طرح های اجرا شـــده این شـــرکت، به بهره برداری اولیه واحـــد تقطیر و گاز مایع شـــماره ۳ و چند طرح مهم زیست محیطی اشاره کرد و گفت: ظرفیت کلی شـــرکت پالایش نفت اصفهان به طور متوسط ۳۷۵ هزار بشـــکه در روز است که با راه اندازی واحد تقطیر شـــماره ۳، این ظرفیت در ۳ واحد تقطیر، توزیع می شـــود و در نتیجه موجب کاهش بار ترافیکی خوراک و تفکیک بهتر در آنها شده است.مرتضی ابراهیمی افزود: با این رونـــد علاوه بر افزایش زمان عمر کارکرد تجهیزات، موجب کاهش هزینه های عملیاتی و تعمیراتی نیز می شود.وی با بیان اینکه هدف از راه اندازی این واحد بهبود عملکرد شـــرکت پالایش نفت اصفهان است و ظرفیت پالایشی افزایش پیدا نخواهد کرد گفت: با راه اندازی این واحد، ظرفیت کلی پالایشـــگاه به ۳۶۰ هزار بشـــکه در روز کاهش می یابد.مدیرعامل شرکت پالایش نفت اصفهان با اشاره به اینکه با راه اندازی واحد تقطیر شـــماره ۳ واحدهای کاهش گرانروی موجود از مدار عملیاتی نفت خام خارج شده و در مد عملیاتی اصلی قرار گرفت افزود: این تغییرات موجب کاهش میزان تولید نفت کوره و به جای آن، افزایش محصولات با ارزش مانند بنزین، نفت سفید، سوخت هواپیما و گازوئیل شده است. ابراهیمی گفت: در صورت نیاز کشـــور به تولید بنزین بیشتر، می توان از ظرفیت پالایشی پالایشگاه در دو واحد جانبی غلظت شکن اســـتفاده کرد و خوراک شرکت را حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار بشکه در روز افزایش داد.

تولید بنزین یورو ۵

وی بـــا بیان اینکه کیفیت بنزین تولیدی پالایشـــگاه اصفهان به سطح استاندارد یورو ۵ ارتقاء یافته است افزود: از مجموع حدود ۲۲ میلیون لیتـــر گازوئیل تولیدی این شرکت، حدود ۲ میلیون لیتر آن با سطح کیفی استاندارد یورو ۵ تولید می شـــود و با راه اندازی واحدهای تصفیه گازوئیل این شرکت از اواخر سال ۹۹، تولید این فرآورده نفتی به طور کامل به سطح کیفی یورو ارتقاء خواهد یافت.

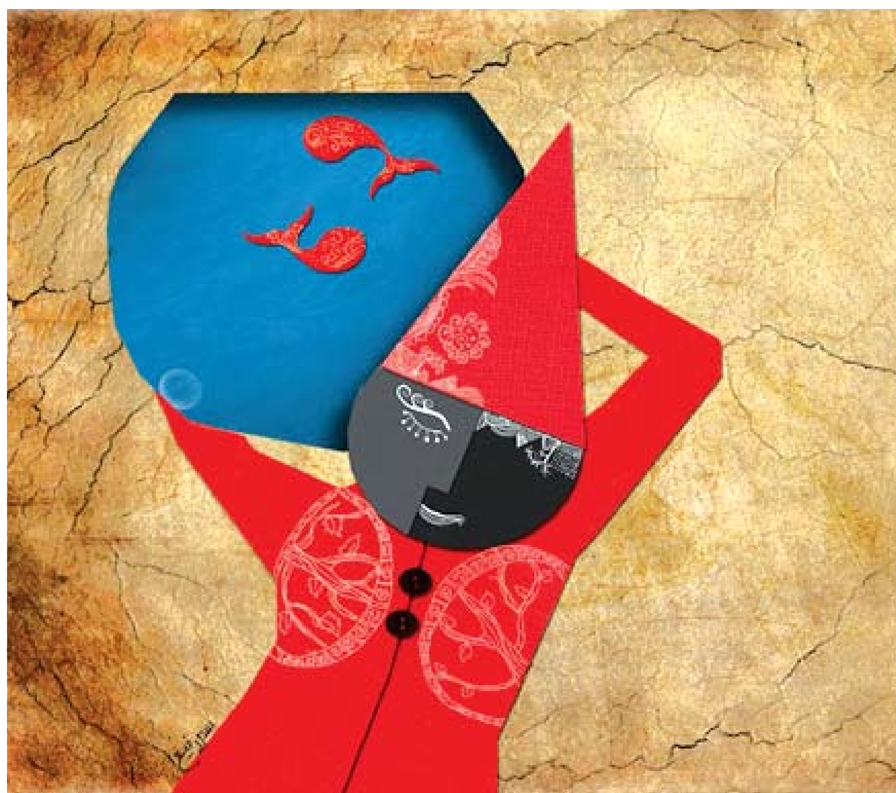


افتتاح پروژه ملی تصفیه پساب

نخستین پروژه ملی زیست محیطی تصفیه و استفاده صنعتی از پساب شـــهری برای کاهش مصرف منابع آب آشـــامیدنی با هزینه ای افزون بر ۱۰۰ میلیارد تومان در شرکت پالایش نفت اصفهان به بهره برداری رسید. این طرح ظرفیت تصفیه ۷۵۰ مترمکعب برســـاعت پساب شاهین شهر را دارد.

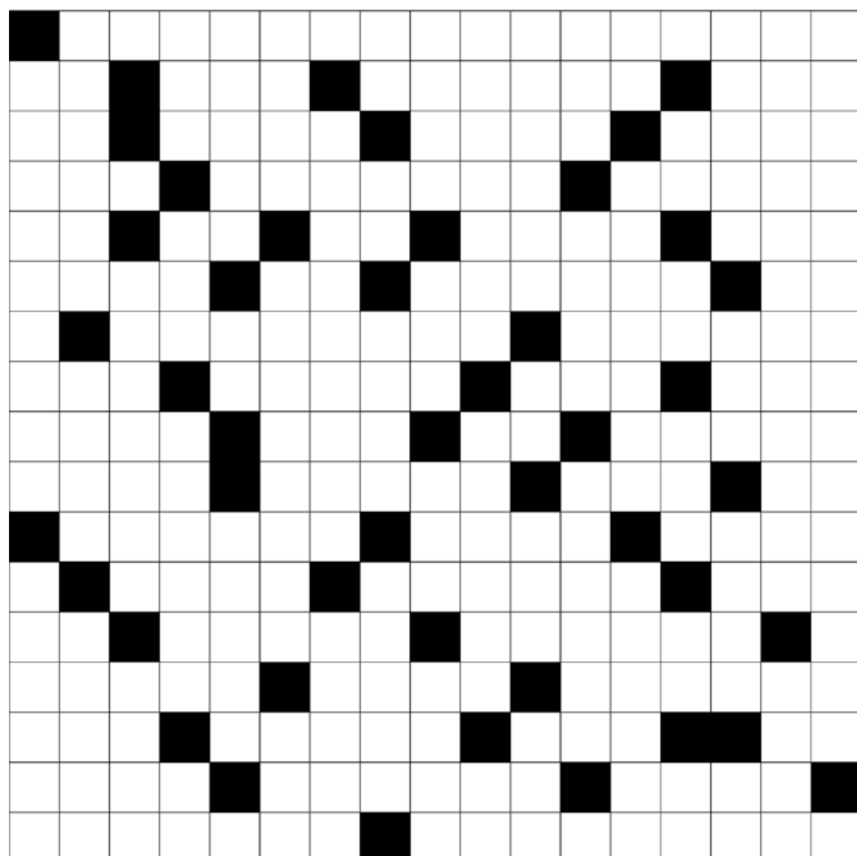
افتتاح سکوهای بارگیری فرآورده های نفتی

شـــرکت پالایش نفـــت اصفهان بـــرای بارگیری فرآورده های ویژه خود، ۱۸ سکوی بارگیری محصولاتی همچون لوب کات، آیزوریسایکل، انواع حلال ها و وکیوم باتوم (ته مانده برج خلاء) طراحـــی و آن را با هزینه ای افزون بر ۶۰ میلیارد تومان در زمینی به مســـاحت ۱/۵ هکتار ساخته است.



افقی

۱ – سال جدید که امیدواریم برای ملت ایران خوش یمن و پر برکت باشد ۲ – عنوان جانوری سال جدید – اشعاری که در وصف بهار سروده می‌شود – از هفت‌سین پرخاصیت – شگرد کشتی ۳ – ماه نو – چاشنی صبحانه – نطق‌کننده، سخنران – ضمیر درون ۴ – وسیله آتش‌زنه – فرشته صور – فرزند ذکور ۵ – جمله قرآنی – فیلسوف آلمانی «نقد خرد ناب» – آغوش – دانه خوشبو – ضمیر خارجی ۶ – علامت مفعولی – آغاز فصل سرسبزی – بله انگلیسی – جنس مدال نفرسوم ۷ – بیدار – جایی که مستمندان و بینوایان را نگهداری می‌کنند ۸ – بیماری مهلک – نصف – کلبه... شود روزی گلستان غم مخور – پدر آذری ۹ – مخترع زیردریایی – خاشاک – نام قدیمی رودخانه جیحون – پرآوازه ۱۰ – دریا – رودی طویل در سیبری روسیه – اعتبار فرنگی – هر چیز کوچک‌جثه ۱۱ – قراردادن چیزها در جای موردنظر و به‌طور مرتب – نام دخترانه ۱۲ – نمناک – عتیق و باستان – آهنگین – مخفی ۱۳ – اثر و خاطره – جاهل – عدد حرکت ۱۴ – متظاهر – جناح لشکر – نام قدیم کربلا ۱۵ – خدای درویش – کتاب مقدس هندوان – مقطوع – پسوند شباهت ۱۶ – خوراک دوربین – نام مردانه – برای‌این‌که ۱۷ – آیین بهداشتی ایام نوروز – ماه شروع سال جدید



عمودی

۱ – کسی که در هرکاری دخالت می‌کند ولی صلاحیت ندارد! ۲ – دو شیرینی ماه رمضان – اتحادیه فوتبال اروپا ۳ – ایما – بستنی به کمر – عروس هزار داماد – پول آسیایی ۴ – شلوار جین – وسیله نوشیدن مایعات – برکت سفره – آسیب – زیرپامانده ۵ – نوعی کاغذ – از ورزش‌های رزمی – پایداری کردن در انجام دادن کاری ۶ – بخشی از هزینه مشترک – هوایی با احتمال بارندگی – هلی‌کوپتر، چرخبال ۷ – فارسی «سوبسید» – فرمانده بدن – پرچم – لیکن ۸ – کشور «بلگراد» – حالت انسان که بر اثر برخورد با مانع، کنترل خود را از دست بدهد و ممکن است به زمین بخورد – اشاره دور ۹ – سرزمین – جایز – همنشین برهمن – از مخلفات سفره ۱۰ – کلمه شگفتی – عجیب ترین مایع – گروه مردم – بغلی ۱۱ – کتابی از جلال آل احمد – رشته‌های گیاهی ۱۲ – بازی با توپ کودکان در هوای آزاد – بخشنده – مرواریدهای درشت ۱۳ – از رودهای عراق که از کوه‌های کشورمان سرچشمه می‌گیرد – زمان ناچیز – گشادگی سر چاه ۱۴ – هر برگ کاغذ – تا نگرید طفل کی نوشد ....؟ – غذایی چرب و گوشتی – طلا ۱۵ – نجات دادن – مژده ۱۶ – سفره پهن‌کردنی ایام نوروز – جدید و نو – شتر .... دولا دولا نمی‌شه ۱۷ – رساله‌ای از عمر خیام درباره عید باستانی ایرانیان – موسم شکوفایی طبیعت، سه ماه اول سال

ضدعفونی شده، عاری از میکروب
پیام تبریکی به شما عزیزان
گرایش و رغبت
بیماری قرن / مدیر
اضطراب و نگرانی
هرچه بدبوتر پرخاصیت تر / اعتقاد قلبی
خاشاک / دلبسته دنیا
پیام آور عید / نوروز
پهن کردنی ایام نوروز و شب عید

گلی معطر / برادر حضرت خضر
شوم / واحد تنیس

خوشبینی به آینده
مرد شمشیر زن / صحنه نمایش

صفت خداوند
اجاره نشین / شهر کعبه

عهد / گل بتونه
خون بها / بند تنبان

ورزشی با راکت / بیکاره
جمع مسکن / قدح
قهوه خانه فرنگی

تشکر فرانسوی
نوعی چین دامن / میوه نوروزی
بزرگداشت

یار داماد
عریان / مشورت

چیزها / صندلی راحتی

عید باستانی ایرانیان
مسابقه / نعمت خداوند
کتابی از ابن سینا

ستون بدن / خودم
چپاول
سین پولدارها !

سوره مردم / ضمیر غایب

از اصول دین / عقاید
نگهبان گله / سرقت
مخفف آسان / پرداخت
غار بعثت
اکنون / نفع

جهت / رود اروپایی
صوت تعجب / کلمه پرسشی

خداوند / نوعی بیماری
شاگرد مغازه / ره آورد زلزله
زمان ناچیز / پاک،منزه
هدیه نوروزی

سوا / بوسه
کندن گور
بشر / اشاره نزدیک
شهری در فارس

پزشکی / M
کشور فلاسفه / زیر پا مانده
فرش / راه کوتاه

شهر انوری شاعر
نام ترکی

نشان افتخار
از آیین های پایان سال





نهضت ایجاد شهرکهای کشاورزی در گام دوم انقلاب

شرکت شهرکهای کشاورزی بعنوان یک شرکت توسعه‌ای و اثرگذار در تامین امنیت غذایی، رونق تولید، ایجاد اشتغال پایدار، بهره‌وری از منابع آب و خاک، توسعه صادرات و ارز آوری برای کشور مصمم است با بهره‌گیری از منابع و امکانات کشور و جذب سرمایه‌های بخش خصوصی، نهضت ایجاد شهرکهای کشاورزی در کشور را در گام دوم انقلاب با سرعت پیگیری و دنبال نماید.

این شرکت به نوبه خود می تواند با توسعه شهرکهای کشاورزی در سه حوزه گلخانه‌ای، شیلات و آبزیان و دام و طیور سهم موثری در کاهش اثرات تحریم‌های ظالمانه استکبار جهانی بویژه آمریکای خبیث داشته باشد.

برای تحقق کامل اهداف تعیین شده و دستیابی به برنامه‌های مصوب نیازمند حمایت و همراهی همه جانبه مسئولین، استانداران محترم، سازمانهای جهادکشاورزی استانها و دستگاه‌های مرتبط از جمله وزارت نیرو، وزارت نفت، سازمان برنامه و بودجه کشور و ... در جهت کمک به ایجاد زیرساخت می باشیم.

یکی دیگر از برنامه‌های مصوب شرکت شهرکهای کشاورزی علاوه بر آثار مثبت آن در اقتصاد کشور، توجه به کاهش اثرات خشکسالی ناشی از کاهش بارندگی در سال‌های گذشته می باشد. در این راستا با هدف توسعه گسترده شهرکهای گلخانه‌ای نسبت به انجام مطالعات آمایش و استعدادیابی اراضی کشور اقدام و بعنوان اولویت اول ۲۷۳۰۰۰ هکتار از اراضی کشور را مستعد توسعه شهرکهای گلخانه ای تشخیص و برای انجام فرآیند تخصیص آب و اراضی به سازمانهای جهاد کشاورزی استان‌ها ابلاغ نمود.

از طرفی دیگر یکی از فعالیت های موثر در تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور و استانها، توسعه مزارع شیلاتی بویژه پرورش میگو در سواحل استانهای شمالی و جنوبی کشور بوده که در این رابطه بیش از ۳۰۰۰۰ هکتار از اراضی سواحل استانهای گلستان، خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان را در دست مطالعه داشته و بخشی از آنها حدود ۵۰۰۰هکتار (معادل حدود ۵۰ درصد وضعیت فعلی کشور) را به سرمایه‌گذاران واگذار و عملیات اجرای زیرساخت آنها با سرمایه بخش خصوصی در حال انجام می‌باشد.

در اجرای این پروژه‌ها با توجه به محدودیت مالی دولت سعی شده از حداقل منابع مالی دولت استفاده و امورات مرتبط به انجام زیرساخت ها و احداث مزارع را با اتکاء به سرمایه بخش خصوصی انجام گردد. سطح شیلاتی (پرورش میگو) کارسازی شده در استانها حدود ۳ برابر سطح فعلی کشور بوده و می تواند علاوه بر ایجاد اشتغال گسترده برای مناطق مختلف و محرومیت زدایی از استانها، ارزآوری بسیاری هم برای کشور بدنبال داشته باشد.

فعالیتهای تعریف شده در این شرکت کاملاً اقتصادی و زودبازده و با ارزش افزوده بی نظیر بوده و می تواند در رفع چالش های استانها باشد.

از جمله تمهیدات این شرکت برای جلب سرمایه‌گذار در شهرکهای کشاورزی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- انجام مطالعات اعم از استعدادیابی و طراحی و نظام بهره‌برداری
- تأمین تسهیلات بانکی ارزان قیمت در قالب تبصره‌های قانون بودجه
- صدور مجوز در کوتاهترین زمان ممکن و حذف بروکراسی‌های زاید
- امکان واگذاری قطعی اراضی و اعطای مالکیت پس از بهره‌برداری و انجام تعهدات قرارداد
- امکان فراهم نمودن زنجیره ارزش در شهرکهای کشاورزی برای افزایش ارزش افزوده محصولات تولیدی
- ایجاد شرکت بازرگانی در بخش خصوصی جهت تأمین نهاده‌ها و بازاریابی محصولات تولیدی
- کاهش هزینه‌های زیرساخت در شهرک‌ها به علت تجمعی بودن هزینه‌ها
- ارائه خدمات آموزشی و تخصصی به سرمایه گذاران

بخش دیگری از اقدامات و فعالیتهای این شرکت به شرح زیر اعلام می گردد:

- واگذاری حدود ۷۰۰۰ هکتار از اراضی شرکت به سرمایه‌گذاران از ابتدا تاکنون
- پرداخت تسهیلات بانکی در سال جاری به میزان ۸۵۰۰ میلیارد ریال به سرمایه گذاران و علاوه برآن بیش از ۱۱۰۰۰ میلیارد ریال پرونده در حال رسیدگی در شعب بانک موجود می باشد.
- صدور مجوزها برای شهرکهای دولتی و خصوصی به تعداد ۵۶۰ فقره و در سطح ۴۳۰۰۰ هکتار
- مستندسازی املاک به تعداد ۱۸۰ مورد و در سطح ۴۵۰۰۰ هکتار
- انجام مطالعات طراحی و نظام بهره برداری به تعداد ۶۵ شهرک و در سطح ۴۳۰۰۰ هکتار
- انجام بخشی از زیرساخت شهرکهای کشاورزی به تعداد ۱۴۰ شهرک و در سطح ۲۰۰۰۰ هکتار
- انجام ۲۴ فقره فراخوان عمومی جهت جلب سرمایه گذار با معرفی تعداد ۱۲۸ شهرک و در سطح ۲۷۰۰۰ هکتار
- شهرکهای در حال ساخت و بهره برداری به تعداد ۹۰ شهرک و در سطح ۱۶۰۰ هکتار
- میزان تولیدات شهرکهای کشاورزی در حال بهره‌برداری به میزان ۸۰۰۰۰ تن در سال جاری و با احتساب تولیدات شرکتهای وابسته جمعاً به میزان ۱۸۳۰۰۰ تن تولید سالیانه





شرکت خدمات حمایتی کشاورزی

مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی:

حداقل نیاز کودی کشور ۳/۲ میلیون تن است

مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گفت: طبق آخرین برآوردهای وزارت جهاد کشاورزی و موسسه خاک و آب کشور، حداقل نیاز کودی کشور ۳/۲ میلیون تن برآورد شده که رقم مناسبی است.

« حمید رسولی »روز دوشنبه ۹۸/۱۲/۱۹ در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی روزنامه اطلاعات افزود: مصرف استاندارد کود برای کشور بیش از ۳/۲ میلیون تن و در حدود ۳/۵ میلیون تن باید باشد که البته تامین این مقدار منابع مالی خود را می طلبد.

وی اظهارداشت: سال ۹۷ نیاز حداقل کودی کشور ۲,۸ میلیون تن اعلام شده بود که آمارها روند رو به رشد مصرف کود کشور را نشان می دهد.

مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی تصریح کرد: مجموع ۲/۸ میلیون تن انواع کود پایه فسفاته، پتاسه و ازته است که نزدیک ۲/۲ میلیون تن آن کود اوره و یک میلیون تن آن کودهای فسفاته و پتاسه را شامل می شود.

وی با بیان اینکه مصرف کودهای فسفاته و پتاسه و هم چنین اوره همواره کم تر از استاندارد بوده است افزود: از این میزان ۶۰۰ هزارتن کود فسفاته و ۴۰۰ هزارتن کود پتاسه باید تامین و مصرف شود که میزان مناسبی است زیرا در گذشته مصرف کود پتاس در حداقل قرار داشت.

استانداردسازی ترکیب کودی کشور

مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی کشور اظهارداشت: طی سالهای گذشته در مواردی از مصرف بیش از یک میلیون تن انواع کود، به دلیل عدم آگاهی کشاورزان از خواص کودهای پتاس شاهد بودیم که نزدیک ۶۰ هزارتن کود پتاس به مصرف می رسید که بیانگر ترکیب کودی نادرست بوده است.

رسولی با بیان اینکه ترکیب کودی طی سالهای اخیر به سمت استاندارد سازی گام برداشته و روند خوبی دارد گفت: مصرف کود پتاس در ۱۰ ماهه امسال به ۱۹۳ هزارتن رسیده است.

به گفته وی، در سال ۹۰ مصرف کود پتاس نزدیک به ۶۱ هزارتن، در سال ۹۱ حدود ۵۴ هزارتن بوده است. در حالی که این میزان مصرف در سال جاری به حدود ۲۰۰ هزارتن خواهد رسید که این میزان مصرف حرکت در مسیر استاندارد می باشد.

۸۵ درصد تامین کود کشور داخلی است

مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی افزود: امسال نسبت به سال گذشته ۸۵ درصد تامین کودی در داخل و ۱۵ درصد از محل واردات بوده است.

وی با بیان اینکه در کود ازته ۱۰۰ درصد خودکفا شده ایم یادآورشد: سال ۸۶ تامین کود ما از داخل ۴۰ درصد و از محل واردات ۶۰ درصد بوده است. که خوشبختانه هم اکنون نسبت به نفع تولید داخل تغییر جدی یافته است.

رسولی گفت: اکنون ۱۰۰ درصد تولید کود پتاس کارخانجات داخلی را خریداری می کنیم به طور مثال هفت کارخانه تولید کود پتاس داریم که درجهت حمایت از تولید داخلی آن ها حتی در تناژهای ۱۰۰۰ تنی را نیز خریداری می کنیم.

به گفته وی، سال گذشته ۲۶ مرحله مناقصه داخلی برگزار کردیم درحالی که مناقصات خارجی ما به این تعداد نمی رسد.

انعقاد قرارداد برای توزیع ۲۱۲ نوع برند کودی در کشور

مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی تصریح کرد: در راستای حمایت از تولیدکنندگان داخلی علاوه بر خرید کودهای یارانه ای، در قالب تفاهم نامه ای با تعداد قبال توجه ای از تولیدکنندگان داخلی توافق نموده ایم که محصولاتشان را از طریق شبکه بزرگ کارگزاران شرکت خدمات توزیع نماییم. کود کشور از لحاظ تنوع و برند از شرایط مطلوبی برخوردار است به طوری که هم اکنون بیش از ۲۱۲ نوع برند کودی را از طریق تفاهم نامه در اختیار کشاورزان قرار می دهیم. رسولی در ادامه تاکید نمودند که در سه سال اخیر علاوه بر روند صعودی تامین و تدارک کود، در حوزه جذب و مصرف کود نیز روند صعودی بوده است: در ۱۰ ماهه امسال یک میلیون و ۷۵۰ هزارتن کود مصرف شده درحالیکه میزان مصرف کود در سال ۹۲ نزدیک ۷۸۷ هزارتن بوده است که آمارها نشان می دهد طی ۶ سال گذشته مصرف کود ۹۹ درصد رشد داشته است.

ذخایر کودی کشور تامین است

مدیرعامل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی تصریح کرد: امسال علیرغم همه چالش ها و تحریم ها در تامین و تدارک کود مشکلی نداشتیم به طوری که دو میلیون و ۲۵۰ هزارتن کود طی ۱۰ ماهه اخیر تامین شده است.

وی با بیان اینکه تامین کودهای پایه تا ۴۰ درصد رشد داشته است افزود: ذخایر کودی کشور تامین است و مشکل و کمبودی در این زمینه نداریم.

کیفیت کود خط قرمز شرکت خدمات حمایتی است

وی خط قرمز شرکت خدمات حمایتی کشاورزی را کیفیت کود دانست و گفت: بخشی از کود مورد نیاز کشور از محل واردات و بخش عمده از محل تولید داخل تامین می شود بنابراین استاندارد کودهای خارجی و داخلی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

وی اضافه کرد: براساس استانداردهای ابلاغی، استاندارد کودهای وارداتی و داخلی که توسط شرکت خدمات حمایتی کشاورزی تامین و تدارک می شود دقیقا یکی است و هیچ تفاوتی فی مابین استانداردهای مذکور نمی باشد.



تیم امید



تیم فوتبال امید گل‌گهر سیرجان همواره در لیگ دسته اول امید باشگاه های کشور جزو مدعیان اصلی قهرمانی بوده است. بازیکنان این تیم که بیشتر آنها بازیکنان پرورش یافته تیم های پایه باشگاه گل‌گهر می‌باشند، در طول مسابقات لیگ دسته اول امیدهای کشور به سطح بالایی از فوتبال دست یافته و با حضور در این رقابت‌ها خود را برای مراحل بالای فوتبال آماده می‌کنند به طوری که امیر زیدآبادی، مهدی پورفریدونی و علی باقری به تیم بزرگسالان گل‌گهر پیوسته اند. تیم فوتبال امید گل‌گهر بدون باخت از مراحل اول و دوم لیگ دسته اول امید باشگاه های کشور صعود کرده و با اقتدار به مرحله نهایی این دور از مسابقات راه یافته است.

کادر فنی تیم فوتبال امید گل‌گهر سیرجان

سرمربی: رضا فتح آبادی - **مربیان:** علی جواهری- علی حاج ابراهیمی- علی باصره-**مربی دروازه بان ها:** سعید آقایی-**سرپرست:** وحید جوان

تیم جوانان



تیم فوتبال جوانان گل‌گهر سیرجان یکی از ۱۲تیم حاضر در لیگ برتر فوتبال جوانان کشور است. این تیم با هدف شکوفایی نسل جوان و معرفی استعدادهای فوتبال به جامعه فوتبال کشور فعالیت می‌کند و در این راستا و در لیگ امسال بازیکنانی چون سینا حاتمی و محمدرضا شهریاری درخشش خود را در تیم جوانان گل‌گهر آغاز کردند وبه اردوی تیم ملی جوانان کشور دعوت شدند.

کادرفنی تیم فوتبال جوانان گل‌گهر سیرجان

سرمربی: منصور احمدی- **مربیان:** محرم فتحی- محسن محمودآبادی- سیدجواد موسویان-**مربی دروازه بانان:** قاسم چراغی
سرپرست: احمد زیدآبادی

تیم نوجوانان



تیم فوتبال نوجوانان گل‌گهر یکی از تیم های پایه فوتبال باشگاه گل‌گهر است. این تیم با کشف استعداد های فوتبالی سیرجان در سطح نوجوانان و پرورش آنها از سنین پایین می‌باشد درصدد رشد یک ورزشکار سطح عالی در ورزش فوتبال می‌باشد. این تیم که با شایستگی به دور دوم مسابقات لیگ قهرمانی نوجوانان کشور ۱۳۹۸-۹۹ صعود کرده بودند و با نمایشی زیبا و بازیهایی جذاب توجه بسیاری رو به خود جلب کرده وموجب خوشحالی طرفداران خود شدند سعید آقایی و با کم شانسی از صعود به دور نهایی بازماندند.

کادر فنی تیم فوتبال نوجوانان گل‌گهر

سرمربی: حامد اندام -**مربی:** مجتبی شول- **مربیان:** یاسر پروز- مجید نصرت آبادی - **مربی دروازه بانان:** قاسم چراغی -**سرپرست:** محمدرضا خلیلی



یا مقلب القلوب والابصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا محول الحول والاحوال
حول حالنا الی احسن الحال



دوست داشته باشید و زندگی کنید
زمان همیشـــه از آن شما نیست...




همراه اول